

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	: صفوی، یحیی، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده / یحیی صفوی.
مشخصات نشر	: تهران: شکیب، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری	: شانزده، ۴۰۰ ص.: نقشه، جدول؛ یک لوح فشرده.
فروست	: مجموعه مطالعات جهان اسلام؛ ۱.
شابک	: ۸۰۰۰۰ ریال: ۸-۲۱-۲۶۹۵-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: [به سفارش] موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۳۵۹-۳۶۹]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: وحدت اسلامی.
شناسه افزوده	: موسسه آینده پژوهی جهان اسلام.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ و ۷۵ ص/۵/ BP۲۳۳
رده‌بندی دیویی	: BP۲۳۳/۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۳۲۲۶۸۰

۱

مجموعه مطالعات جهان اسلام

وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

دکتر سید یحیی صفوی



موسسه آینده‌پژوهی اسلام

وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده



موسسه آیندا پژوهی اسلام

انتشارات شکیب

مؤلف: دکتر سید یحیی صفوی

گروه محققان: علیرضا فرشچی، محمد حسینی مقدم،

مریم صنیع اجلال، مصطفی مهرورزی، سید حمزه صفوی

ویراستار: فاطمه باباخانی

حروف‌چین: حسن سلیمانی

طراح جلد: حسین زارعی

ناشر: انتشارات شکیب

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قلم آذین، فرد

ناظر فنی چاپ: اندیشگاه علم و صنعت جهان معاصر

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۷

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال (جلد سخت به همراه لوح فشرده)

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۶۹۵ - ۲۱ - ۸

حق چاپ و نشر این اثر برای ناشر محفوظ است

تهران - بزرگراه ارتش - شهرک شهید محلاتی - آزادگان هشتم - پلاک ۲۴

تلفن: ۰۹۱۲ ۱۵۹ ۳۸ ۸۰

فهرست مطالب

مقدمه	«سیزده»
-------------	---------

فصل اول

مقدمه‌ی نظری وحدت جهان اسلام	۱
مقدمه‌ی نظری	۳
اهمیت ترسیم چشم‌انداز در اسلام	۳
وحدت جهان اسلام	۶
امت واحده	۱۵
مبانی مکتبی وحدت	۱۹
مبانی عقلایی وحدت	۲۲
وحدت در جهان اسلام	۲۴
انواع وحدت	۲۴
ملاک‌های وحدت در نظام بین‌الملل	۲۶
مبانی وحدت اسلامی	۳۱
ریشه‌ی اختلاف کشورهای اسلامی	۳۵
پیشینه‌ی تاریخی تفرقه در جهان اسلام	۳۶

علل درونی تفرقه در جهان اسلام.....	۴۰
علل بیرونی تفرقه در جهان اسلام.....	۴۴
تهاجم سیاسی - فرهنگی به منظور فروپاشی قدرت اسلام.....	۴۴

فصل دوم

جهان اسلام: قلمرو موضوعی و مفهومی.....	۵۲
رویکرد حقوقی.....	۵۴
گونه‌شناسی کشورهای اسلامی بر اساس حقوق اساسی و نظام سیاسی.....	۵۷
رویکرد فقهی.....	۶۲
مفاهیم دارالاسلام از منظر فقهی.....	۶۳
عوامل توانمندساز جهان اسلام برای دستیابی به وحدت.....	۷۲
موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی.....	۷۲
جغرافیای انسانی جهان اسلام.....	۸۸
موقعیت ژئوپلیتیکی برتر جهان اسلام.....	۱۰۵
موقعیت ژئواستراتژیکی جهان اسلام.....	۱۰۷
ویژگی‌های جمعیتی جهان اسلام.....	۱۱۷
موقعیت ژئوکالچر جهان اسلام.....	۱۳۳

فصل سوم

همگرایی در جهان اسلام.....	۱۴۶
همگرایی.....	۱۵۳
تعریف و مفهوم همگرایی.....	۱۵۳
نظریه‌ها و رهیافت‌های همگرایی.....	۱۵۷
همگرایی از دیدگاه فلسفه‌ی سیاسی.....	۱۵۸

کارکردگرایی	۱۶۲
نوکارکردگرایی	۱۶۵
همگرایی سیاسی	۱۶۸
همگرایی اقتصادی	۱۷۰
همگرایی اجتماعی	۱۷۰
فدرالیسم	۱۷۱
فراملی گرایی	۱۷۳
رهیافت ارتباطات، همگرایی بر مبنای اجتماع امنیتی و هویت مشترک	۱۷۷
عوامل مؤثر در ایجاد همگرایی	۱۸۲
الف) عوامل دینی و فرهنگی	۱۸۳
ب) عوامل سیاسی	۱۸۴
ج) عوامل جغرافیایی	۱۸۵
د) عوامل اقتصادی	۱۸۶
ه) عوامل امنیتی - دفاعی	۱۹۹
و) ایجاد سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	۲۰۰
عوامل مؤثر در ایجاد واگرایی	۲۰۳
الف) اختلافات ارضی و مرزی	۲۰۳
ب) ناسیونالیسم و نژادگرایی	۲۰۵
ج) تنوع نظام‌های سیاسی	۲۰۷
د) بی‌ثباتی سیاسی و رقابت‌های منفی	۲۰۸
ه) وابستگی برخی کشورهای اسلامی به قدرت‌های بیگانه	۲۰۹
عوامل مقوم همگرایی	۲۱۰
الف) لزوم وجود یک یا چند رهبر قدرتمند	۲۱۱
ب) ضرورت وجود یک یا چند دولت قدرتمند	۲۱۲

ج) لزوم وجود سازمان یا نهاد فراگیر	۲۱۳
کانون‌های همگرایی و واگرایی در جهان اسلام	۲۱۴
الف) همگرایی	۲۱۴
ب) واگرایی	۲۱۶

فصل چهارم

آینده‌های همگرایی جهان اسلام	۲۱۸
آینده‌اندیشی به مثابه‌ی علم	۲۱۹
کشف و پردازش چشم‌انداز آینده	۲۲۲
فرایند برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو	۲۲۵
اهمیت مطالعه‌ی آینده در اسلام	۲۲۵
چشم‌انداز آینده‌های جهان اسلام	۲۳۲
ارائه‌ی مدل مفهومی و راهبردی	۲۳۳
آینده‌ی همگرایی اقتصادی	۲۴۲
چالش‌ها و فرصت‌های فرا روی همگرایی اقتصادی	۲۴۴
راهبردهای همگرایی اقتصادی	۲۴۷
سناریوی مؤثر در همگرایی اقتصادی	۲۵۳
آینده‌ی همگرایی فرهنگی	۲۵۴
راهبردهای همگرایی فرهنگی	۲۵۵
آینده‌ی همگرایی مذهبی	۲۵۸
چالش‌ها و فرصت‌های فرا روی همگرایی فرهنگی و مذهبی	۲۵۸
راهبردهای همگرایی مذهبی	۲۶۱
چالش‌های فرا روی همگرایی مذهبی	۲۶۲
آینده‌ی همگرایی سیاسی	۲۶۳

۲۶۳	چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی سیاسی
۲۶۷	راهبردهای فرا روی همگرایی سیاسی
۲۶۹	آینده‌ی همگرایی امنیتی
۲۷۷	ضمائم
	ضمیمه‌ی الف - بیانات رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت‌اله العظمی خامنه‌ای
۲۷۹	در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی
۲۹۳	ضمیمه‌ی ب - پیش‌نویس منشور وحدت اسلامی
۲۹۹	ضمیمه‌ی ج - اطلاعات پایه‌ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی
۳۵۹	منابع
۳۵۹	الف) فارسی
۳۶۸	ب) انگلیسی
۳۷۱	فهرست نمایه

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

سورهی انبیاء، آیهی ۹۲

مقدمه

توسعه‌ی معنوی و مادی جوامع اسلامی از اولویت‌های اصلی نخبگان و سیاست‌گذاران تعالی‌خواه مسلمان به‌شمار می‌رود. دستیابی به توسعه‌ای که زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی امت مسلمان گردد، نرم‌افزار و سخت‌افزار خاص خود را می‌طلبد. برای مثال، در حوزه‌ی سخت‌افزار، طراحی و ایجاد زیرساخت‌های صنعتی، زمینه‌ساز اشتغال، کارآفرینی، تولید، و رفاه در چارچوب همکاری‌های مشترک میان کشورهای اسلامی می‌گردد و در حوزه‌ی نرم‌افزاری تدبیر استفاده‌ی بهینه از تعامل ظرفیت‌های جغرافیایی، فرهنگی، و سیاسی در پهنه‌ی شناختی و ادراکی، چه در سطح داخل و چه در سطح بین‌الملل، از جمله مصادیق این ابزار محسوب می‌شود. در این میان، درک صحیح از متغیرهای اصلی در تعامل سازنده میان کشورهای اسلامی و توجه به ویژگی‌های فرهنگ راهبردی هر یک از این ملت‌ها در تنظیم رابطه‌ای پایدار در این حوزه‌ی نرم‌افزاری از اهمیت فراوانی برخوردار است.

با توجه به پارادایم بومی و ایرانی - اسلامی «جنبش نرم‌افزاری»، که در سال‌های اخیر از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است، می‌توان بر این مهم اذعان نمود که در فرایند توسعه‌ی کشور علاوه بر نقش و اهمیت عوامل داخلی، همسویی، وحدت و همگامی با دیگر کشورهای

تبدیل نمودن آن به یک قدرت مؤثر

۴ - وجود فرصت‌ها و تهدیدهای مشترک

این کتاب نتیجه‌ی تلاشی است نظری و تا حدی کاربردی در زمینه‌ی تحقق آرمان وحدت کشورهای اسلامی که انگیزه‌ی اصلی تألیف آن فهم، تبیین و تولید محتوا در خصوص وحدت جهان اسلام است. کتاب حاضر از چهار فصل تشکیل شده است. فصل اول به مباحث نظری در خصوص وحدت جهان اسلام و انواع آن و نیز ریشه‌یابی و شکل‌گیری اختلافات در جهان اسلام اختصاص یافته است. در فصل دوم قلمرو موضوعی و مفهومی جهان اسلام از رویکردهای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد و با بررسی عوامل توانمندساز جهان اسلام برای دستیابی به وحدت پایان می‌یابد. در فصل سوم ضمن بررسی مبانی مفهومی همگرایی، عوامل مؤثر در همگرایی و واگرایی جهان اسلام مورد بررسی قرار گرفته است، و سرانجام در فصل آخر، با اتکا به مطالعات نظری انجام‌شده در فصل‌های قبلی و نیز دانش آینده‌اندیشی در چارچوب مدل ادراکی پیشنهادشده، آینده‌های پیش روی جهان اسلام مورد کاوش و بررسی قرار می‌گیرد.

ترویج ادبیات همگرایی و انسجام با تأکید بر موضوع وحدت اسلامی از دیگر رویکردهایی است که تلاش شده است در کتاب پیش رو تا حد امکان بسط و توسعه یابد. بخش قابل توجهی از ادبیات موجود که در زمینه‌ی روابط و تعامل میان کشورهای اسلامی شکل گرفته بیش‌تر معطوف به مشکلات و اختلافات کهن جهان اسلام است و به نوعی بازگویی، و بازپردازی دردهای تاریخی. البته این امر در پاره‌ای مواقع اجتناب‌ناپذیر است، اما به‌نظر می‌رسد در این ادبیات عمدتاً راه‌گشایی و چاره‌سازی در متن مشکل و مساله‌ی اصلی مورد اغماض قرار گرفته باشد. به هر حال، شاید بتوان گفت که با وجود اصالت بخشی از ادبیات پیش‌گفته، ادبیات وحدت اسلامی در این «پانزده»

کتاب سعی خود را کرده‌ایم.

به هر تقدیر، چنانچه در این راه توفیقی، هر چند اندک، حاصل شده باشد پس از عنایت خداوند سبحان و زحمات علمای اسلام و محققانی که دغدغهی وحدت در جهان اسلام را داشته‌اند، این توفیق ثمره‌ی تلاشی است گروهی که در چارچوب فعالیت‌های گروه مطالعات نظری «موسسه‌ی آینده‌پژوهی جهان اسلام» صورت گرفته است، و هم‌چنین بخش‌هایی از آن حاصل سال‌ها تدریس ژئوپلیتیک جهان اسلام و جغرافیای سیاسی جهان اسلام این حقیر در دانشگاه‌های امام حسین (ع) و شهید بهشتی می‌باشد. در این جا بر خود فرض می‌دانم که از همه‌ی همکاران گرامی‌ام، به‌ویژه جناب آقای علیرضا فرشچی، محمد مقدم، سید حمزه صفوی، و سرکار خانم صنیع اجلال و باباخانی صمیمانه قدردانی نموده، و نیز از زحمات بی‌دریغ جناب آقای جواد زمان‌زاده دربان، مدیر مسئول انتشارات شکیب، تشکر نمایم.

با امید آن‌که مسلمانان جهان با ابتنای بر بازشناسی هویت اسلامی خویش و نیز با اتکا به مبانی وحی و عقل بتوانند عوامل توانمندساز موجود در جهان اسلام را در جهت دستیابی به آرمان وحدت و انسجام، به روشنی درک نموده و در جهانی که مشخصه‌ی بارز آن گرایش به نظامی چند قطبی است جهان اسلام بتواند به‌عنوان یکی از قطب‌های قدرت نظام بین‌الملل به جایگاه شایسته و بایسته‌ی خود دست پیدا کند. انشاء...

کَتَبَ اللهُ لَاعْلَبَنَّ اَنَا وَرُسُلِي

سید یحیی صفوی

بهار ۱۳۸۷

فصل اول

مقدمه‌ی نظری وحدت جهان اسلام

مقدمه‌ی نظری

“ نخستین فرآورده‌ی سیاسی - انسانی اسلام، امت اسلامی است که از مدینه‌النبی آغاز شد و به صورت حیرت‌آور و افسانه‌وار، قدم در راه رشد کمی و کیفی نهاد. هنوز نیم قرن از ولادت این پدیده‌ی مبارک نگذشته بود که نزدیک به نیمی از تمامی قلمرو سه تمدن بزرگ باستانی همسایه‌ی خود، یعنی ایران، رم، و مصر را در نوردید و یک قرن پس از آن، تمدنی درخشان و حکومتی عزیز و مقتدر در مرکز جهان پدید آورد که از شرق به دیوار چین و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس و از شمال تا استپ‌های سیبری و از جنوب تا اقیانوس هند می‌رسید.”^۱

لزوم وحدت جهان اسلام را می‌توان از ابعاد گوناگون مکتبی، عقیدتی و عقلانی مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، لازم است ابتدای مباحث نظری به بررسی هر یک از این ابعاد اختصاص یابد.

اهمیت ترسیم چشم‌انداز در اسلام

بررسی قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان، نشان می‌دهد که در کنار

۱ - فرازی از سخنان مقام معظم رهبری در هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، تهران،

ارجاع به تفکر در احوال گذشتگان و عبرت‌آموزی از آن‌ها، مؤمنان به توجه به آینده و تلاش برای شکل‌دهی به آن دعوت می‌شوند. بررسی آیات مختلف قرآن کریم این تأکید را به‌وضوح نشان می‌دهد. از جمله آن‌جا که آمده است:

“الا ای اهل ایمان، خدا ترس شوید و هر نفسی بنگرد تا چه عملی برای فردای خود پیش می‌فرستد.”^۱

یا آن‌جا که مؤمنان به تدبیر در خصوص نظام جهان خلقت دعوت می‌شوند:

“آیا در حکومت و نظام آسمان‌ها و زمین، و آن چه خدا آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نمی‌کنند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آن‌ها نزدیک شده باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند، بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟! ”^۲

“آیا کافران ندیدند که ما شب را تاریک برای سکون و آرامش خلق قرار دادیم و روز را روشن (برای کسب و کار)؛ همانا در وضع شب و روز آیات و نشانه‌های قدرت الهی برای اهل ایمان پدیدار است. و (باز به امت یادآور شو) روزی صور دمیده شود، آن روز هر که در آسمان‌ها و زمین است، جز آن را که خدا خواسته همه ترسان و هراسان باشند و همه منقاد و ذلیل به محشر درآیند و در آن روز کوه‌ها را بنگری و جامد و ساکن تصور کنی، در صورتی که مانند ابر در حرکتند. صنع خداست که هر چیزی را در کمال اتفاق و استحکام ساخته است که علم کامل او به افعال شما

۱ - سوره‌ی حشر؛ آیه‌ی ۱۸.

۲ - سوره‌ی اعراف؛ آیه‌ی ۱۸۵.

همه‌ی خلاق محیط است.^۱

در واقع، قرآن در این آیات از ما می‌خواهد که از زمان حال به نحو احسن استفاده کنیم و با کمال دقت و هوشمندی برای آینده مهیا شویم. منظور از آینده نیز باقی مانده‌ی عمر ما در این کره‌ی خاکی و زندگی بازپسین ماست. “هر نفس بنگرد تا چه عملی برای فردای خود پیش می‌فرستد.”^۲ “(ای پدر!) فردا او را با ما (به صحرا) بفرست که در چمن و صحرا بگردیم و بازی کنیم و البته ما همه (از هر خطری) نگهبان اویم.”^۳ “و (ای رسول ما!) تو هرگز مگو که من این کار را فردا خواهم کرد.”^۴

“و هیچ‌کس نمی‌داند که فردا چه خواهد کرد و هیچ‌کس نمی‌داند که به کدام سرزمین مرگش فرا می‌رسد.”^۵ “این منکران به‌زودی فردای قیامت کاملاً معلومشان شود که دروغگوی بی‌باک کیست.”^۶

در آیه‌ی اول، بشر با هدف تقویت ایمانش به پروردگار یکتا، به کشف آینده فرا خوانده می‌شود، اما در آیات سوم و چهارم بر هرگونه پیشگویی یا غیب‌گویی خط بطلان کشیده می‌شود. با تفسیر این آیات، درمی‌یابیم که قرآن کریم ضمن مبارزه با غیب‌گویی و پیشگویی، همه‌ی ما را فرا می‌خواند تا برای بهبود توانمندی‌های خود به‌منظور رویارویی با الزامات آینده و سعادت و بهروزی خود، آینده‌مان را پیش‌بینی

۱ - سوره‌ی النمل؛ آیه‌ی ۸۵.

۲ - سوره‌ی حشر؛ آیه‌ی ۱۸.

۳ - سوره‌ی یوسف؛ آیه‌ی ۱۲.

۴ - سوره‌ی کهف؛ آیه‌ی ۲۳.

۵ - سوره‌ی لقمان؛ آیه‌ی ۳۴.

۶ - سوره‌ی قمر؛ آیه‌ی ۲۶.

کنیم و گزینه‌های مختلفی را بیافرینیم. به این معنا که نسبت به آینده رویکردی کثرت‌گرا داشته باشیم (آینده‌های گوناگون را ببینیم نه یک آینده‌ی قطعی را) و طیف وسیعی از گزینه‌ها را فرا روی خود ببینیم.

اسلام چشم‌اندازی از حیات زمینی و اخروی ارائه می‌دهد و پیامش به بشریت این است که سرنوشت خود را بجوید و در تمام امور زندگی خود رویکردی پویا اختیار کند.

به‌رغم چنین غنای دینی و آموزه‌های والایی که مسلمانان را به تفکر و تعمق در گذشته و چاره‌اندیشی برای آینده فرا می‌خواند، باید اذعان نمود که مسلمانان تاکنون هیچ چشم‌انداز و آینده‌ای را در قالب امت واحده برای خود ترسیم نکرده‌اند! به اعتقاد مهدی المانجرا، آینده‌پژوه مراکشی:

“گرچه بخش اعظم امروز مسلمانان در اختیار خودشان است، اما آینده‌ی آن‌ها کمابیش در مصادره‌ی بیگانگان است، چرا که ما دوست داریم کورکورانه و بدون تفکر، بر سناریوها و مطالعاتی که دیگران برایمان انجام داده‌اند تکیه کنیم. اگر به همین منوال پیش برویم، آینده‌ی ما تصویر کج و معوج و عبثی از گذشته‌ی دیگران خواهد بود. واقعیت تکان‌دهنده این است که دنیای اسلام کنترلی بر سرنوشت خود ندارد و در بسیاری موارد، تنها استقلال صوری دارد. دولت‌های اسلامی، چشم‌انداز شفاف و روشنی از آینده و الزامات آن ندارند.”^۱

وحدت جهان اسلام

یکی از مؤثرترین گام‌هایی که می‌باید در راستای ترسیم چشم‌انداز جهان

۱ - المانجرا، مهدی؛ «آینده‌های دنیای اسلام»؛ ترجمه و تلخیص سیاوش ملکی‌فر؛ تهران:

اندیشه‌های آصف؛ ۱۳۸۴؛ ص ۹.

اسلام برداشته شود، ایجاد هم‌صدایی و وحدت در میان امت اسلامی است. به نظر می‌رسد بدون دستیابی به وحدت کلمه، بر اساس آموزه‌های دین اسلام، ترسیم هر چشم‌اندازی برای امت اسلامی امری دشوار و غیرقابل حصول باشد. «اتحادیه‌ی امت اسلامی» به معنای مجموعه‌ی همگرایی از دولت -

ملت‌های اسلامی، به عنوان یک واحد جهانی رهایی‌بخش و وحدت‌گرا، متشکل از جوامع و حکومت‌های اسلامی است. مفهوم امت، ثقل و مرکزیت این اتحادیه را تشکیل می‌دهد و در حقیقت، چارچوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فناوری و نظامی جهان‌شمول نظام اسلامی است. به زعم حمید مولانا^۱، مفهوم امت متصل به مفهوم جامعه یا مترادف آن در معرفت‌شناسی یا انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی غرب نیست. مفهوم امت ابعاد مردم، اجتماع، جامعه، دولت و اقتصاد را دربردارد. بنابراین، اتحادیه‌ی امت اسلامی واحد حکومتی، دولتی، مردم‌سالاری و بالاتر از همه مکتبی و خداشناسی و ایدئولوژی مسلمانان است.^۱

اندیشه‌ی اسلامی را در ارتباط با وحدت سیاسی، از دو دیدگاه می‌توان مورد ملاحظه قرار داد. یک دیدگاه، عواملی که باعث همگرایی در مقاطعی از تاریخ سیاسی اسلام در بین ملل و اقوام مختلف شده و دیگری شناسایی نیروهای واگرا که در برهه‌هایی از فراخنای تاریخ پر زیروبم اسلام باعث تفرقه، تجزیه و از هم پاشیدگی آن شده‌اند.^۲ به منظور بررسی این دیدگاه‌ها و قبل از ورود به بحث وحدت اسلامی،

۱ - مولانا، حمید؛ «اتحادیه‌ی امت اسلامی: طرحی در پی آمد و ساختار جهان‌شمولی اسلام» به اهتمام سید طه مرقاتی؛ *جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی* (۱)؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ ۱۳۸۲؛ صص ۳۲۴-۳۰۸.

۲ - معزالدین، محمد سعید؛ «وحدت در آیین‌های مطبوعات»؛ قم: *انتشارات فقه*؛ ۱۳۷۶؛ صص ۸۵-۱۰۵.

لازم است که اصول و ملاک‌های زیربنای اسلام را به‌عنوان یک آئین مذهبی - سیاسی به اجمال مرور کنیم. محورهای کلی خط‌مشی اسلام عبارتند از:

- وحدت و برابری نوع بشر فارغ از تفاوت‌های اعتباری، نژادی، جغرافیایی، قومی و سیاسی؛
- همکاری، تعاون و برادری انسان‌ها در چارچوب حکومتی واحد (الهی) و عادل و بهره‌گیری از تمام مواهب و منابع مادی و معنوی در یک فضای توحیدی؛
- پیروی از آئین شرع، تشکیل جامعه‌ی منسجم (امت) اسلامی و حرکت در صراط مستقیم برای نیل به کمالات انسانی و صفات عالی‌ه‌ی الهی.

در بدو تولد اسلام، مشی سیاسی حضرت پیامبر (ص)، که باعث پذیرش دعوت او و وحدت قبایل متفرق جزیره‌العرب شد، چیزی جز بهره بردن از عوامل همگرایی موجود نبود. انعقاد پیمان معروف به «منشور مدینه»، که مقررات ائتلاف بین قبایل مختلف مسلمانان و یهودیان را تدوین می‌کرد، و پیمان «صلح حدیبیه» گام‌های مؤثری در تحقق وحدت سیاسی اسلام بودند. هنگامی که به شیوه‌های متحدسازی قبایل و سپس سرزمین‌های دیگر توجه می‌کنیم، درمی‌یابیم که پیامبر اسلام (ص) از تمام عوامل و مبانی مؤثر در ایجاد وحدت سیاسی به‌نحو شایسته بهره برده است. ولی باید اعتراف کرد که از میان عوامل متعددی که باعث شد مسلمانان صدر اسلام در یک چارچوب سیاسی و فارغ از عصبیت‌های قومی و قبیله‌ای باهم متحد شوند، علاوه بر تدبیر پیامبر اسلام (ص)، جاذبیت آئین اسلام و هماهنگی آن با نظرات و جامعیت آن بود.^۱

حال، برای پرداختن به مفهوم «وحدت اسلامی»، ناگزیریم به ویژگی‌های

۱ - بی‌نا؛ «منظور از وحدت اسلامی چیست؟»؛ روزنامه‌ی جمهوری اسلامی؛ ۱۳۶۴/۹/۵؛ ص ۸.

آن اشاره کنیم:

- ۱ - در اسلام وحدت تنها از آن جهت که وحدت است، مطلوب و پسندیده نیست؛ وحدتی از نظر اسلام درخور تجلیل است که برحول محور حق و اصول عالیه‌ی انسانی و مبتنی بر نوامیس هستی باشد.
 - ۲ - مقصود از وحدت اسلامی وحدتی است که ورای اختلافات فقهی و کلامی مذاهب گوناگون اسلام است و حتی با تمسک به قرآن و سنت پیامبر (ص) می‌توان ملاک‌هایی را حتی برای رفع این‌گونه اختلاف‌ها به‌دست آورد. سخن در این است که عجاله‌ی وحدت ضروری مسلمین در برابر دشمنان، مقدم بر پرداختن به این قبیل اختلاف‌هاست. یعنی اگر اختلاف فرق اسلامی را به تعبیری اختلاف در فروع اسلام تلقی کنیم، اتحاد مسلمانان از اصول است. علامه شهید مطهری در این باره می‌گوید، مخالفین اتحاد مسلمین برای این‌که از وحدت اسلامی، مفهومی غیرمنطقی و غیرعلمی بسازند، آن را وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. و در ادامه توضیح می‌دهد که علمای بزرگ اسلامی قصد آن ندارند که بدین‌وسیله همه را شیعه یا سنی کنند، بلکه غرض متشکل کردن مسلمانان در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان است. بدیهی است منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد متفرقات آن‌ها، که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی، نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان است.^۱
- ابوالحسن میرزا قاجار (فوت ۱۳۳۸ ه‍.ق) در کتابش به نام اتحاد اسلامی، منظور از اتحاد اسلامی را این‌گونه بیان می‌کند:

“شاید بعضی گمان می‌کنند که بنده می‌خواهم عقاید راسخه‌ی
شعب مختلف اسلام را متحد کنم. پر واضح است که این امری
است صعب المنان و در اعلی درجه‌ی اشکال تبدیل معتقدات
شایسته سنی شود یا سنتی راه تشیع گیرد.”^۱

موجبات مصلحت حضرت رسالت را مجبور کرد که به ملاحظه‌ی وقایع
از شرر مشرکین و ضرور اهل کین، به جامعیت کتاب، یهود و نصارا دعوت
کرد و تا یک درجه اظهار یگانگی و وحدت (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ
سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا) (آل عمران ۳ / آیه‌ی ۶۴).
۳ - در اندیشه‌ی اسلامی مقید بودن به مذهبی خاص ملاک و مبنای
وحدت جوامع قرار نمی‌گیرد. یعنی همان‌گونه که مسلمانان در
چارچوب امت یک نوع تشکل سیاسی و اجتماعی پیدا می‌کنند،
غیرمسلمانان نیز، تحت شرایط ویژه، از حمایت حکومت متحد
اسلامی برخوردار می‌گردند. به عبارت دیگر، این که گفته می‌شود
اقلیت‌های مذهبی ممکن است در دارالاسلام با محظورات و
تبعیض‌های حکومت اسلامی مواجه شوند یک تحریف فاقد اعتبار
است. در اندیشه‌ی اسلامی موضوع تابعیت و ملیت براساس
ملاک‌هایی هم‌چون خون، خاک، زبان و سایر عناصر مادی نیست.
بلکه امری است اختیاری که به موجب یک پیمان فردی (ایمان)
انسان به عضویت جامعه‌ی اسلامی درمی‌آید. بدین ترتیب، وحدت
اسلامی بیش‌تر یک وحدت فکری و عقیدتی است تا یک اتحاد
صرف سیاسی و مصلحتی برای مقاصد مادی.
در این چارچوب غیرمسلمانان نیز می‌توانند به صورت قراردادی ملحق
شوند و از مزایا و امتیازات یکسان برخوردار شوند. بنابراین، الگوی وحدت

۱ - ایزدپناه؛ عباس؛ «مفهوم وحدت اسلامی»؛ روزنامه‌ی کیهان؛ ۱۳۶۵/۹/۱.

اسلامی از جهاتی بسیار فراگیرتر از مفهوم نوین همگرایی است. زیرا وحدت و همبستگی در عناصر صرفاً مادی هر قدرهم قوی باشد، نمی‌تواند مبنای یک زندگی مشترک با اهداف و مصالح مشترک قرار گیرد و سرانجام تضاد خواست‌ها، تباین افکار، اختلاف اراده‌ها و در نتیجه اختلاف نظر در تشخیص مصالح زندگی، شیرازه‌ی آن اجتماع را از هم می‌گسلد و وحدت اجتماعی و هماهنگی دسته‌جمعی را از میان خواهد برد.

اما اگر جامعه‌ای حتی مرکب از افراد مختلف از نظر نژاد، خاک و زبان، واجد وحدت فکر، عقیده و هدف باشند، براساس آن، خواهند توانست برنامه‌ای واحد بر مبنای مصالح متحدی تنظیم و با هماهنگی خاص آن را اجرا و همگی در ابقای آن تشریک مساعی کنند.

۴ - وحدت ابعاد مختلف سیاسی، علمی و فرهنگی دارد و مقصود از وحدت اسلامی تمامی این ابعاد است. مقصود از وحدت سیاسی آن است که مسلمانان جهان از هر قوم و نژاد و ملت و مذهبی که باشند، در صفی واحد در راستای مصالح و منافع عالیه‌ی ملت‌ها و کشورهای اسلامی، هماهنگی و یکپارچگی خود را حفظ کنند. وحدت علمی و فرهنگی همان تقریب بین مذاهب اسلامی است که تحقق این پدیده منوط به اجتماع دانشمندان مذاهب اسلامی و مطرح کردن مسائل نظری و اختلافی برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی در ابعاد علمی، تفسیری، کلامی، فقهی و اصولی و نیز اطلاع کامل از نظر یکدیگر و نشر آن‌ها مابین پیروان مذاهب است.

آیت الله کاشف الغطاء در رساله‌ی کیف يتحد المسلمون نکاتی را در همین زمینه به عنوان اصول عملی برای تحقق وحدت میان امت اسلامی عرضه می‌کند که محصول تفقه او و توجه وی به حقایق موجود در عالم اسلام بوده

است. اهم این نکات عبارتند از:^۱

- ترویج این حقیقت که وحدت اسلامی وحدتی سیاسی است و حول مسأله‌ی ولایت دور می‌زند.
- اساس تدین باید بر حقانیت باشد نه قومیت؛ توضیح این که گاه اعتقاد به فرقه‌ای از فقه درست مانند عضو قبیله بودن یا از یک قوم خاص با نژاد و زبان خاص بودن است. لذا فرد به دین و فرقه‌ی خود درست مانند تعلقش به قوم و قبیله‌ی خود تعصب می‌ورزد. باید حساب دین را از هرگونه تعصب قومی جدا کنیم.
- وحدت در عقاید تنها حول عقیده‌ی درست ارزش دارد. یعنی مطابق مسلک‌ها در امر وحدت نباید فرق را به سهل‌انگاری در انجام فرایض و به‌سوی تشابه در عمل دعوت کرد، بلکه باید گفت در زیر چتر وحدت سیاسی هر فرقه باید به دقیق‌ترین صورت وظایف خود را با همان ملاک حقانیت کشف و دقیقاً عمل کند. چون حقانیت ملاک است، این امر خود باعث سیر افراد فرق به‌سوی فرقه‌ی ناجیه یا عقیده‌ی صحیح می‌شود.
- لزوم تسامح در تحمل عقاید مختلف؛ این امر هم در سطح داخلی فرقه‌ها ضروری است و هم در روابط بین فرق. اگر فردی یا گروهی از یک فرقه به پیروی فرقه‌ی دیگر رفتند یا در بعضی عقاید تمایل به آراء فرقه‌ی دیگر یافتند، اصحاب آن فرقه نباید چنین فردی را طرد کنند، بلکه باید امکان آن را بدهند که پیروان هر مذهبی در کشف عقاید براساس حقانیت عمل کنند. در سطح بین فرق هم باید از هرگونه تکفیر و تفسیق اجتناب شود. عدم تسامح تنها در جایی جایز

است که اتحاد سیاسی در خطر باشد، و گرنه در هر سطح دیگر باید اختلافات فکری فرقه‌ها از سوی یکدیگر محترم شمرده شود. بنابراین، برای حرکت به سمت وحدت کشورهای اسلامی، نباید راجع به تساهل در اعتقادات فرق در مورد فرائض و غیره صحبت کرد. بلکه برعکس باید آنان را تشویق به پایبندی هرچه قوی‌تر به هر آن‌چه فکر می‌کنند نظر شارع است، دعوت کرد.

به لحاظ سیاسی، جهان اسلام می‌تواند برای خود نقش یک قدرت جهانی را تعریف نماید و بدین ترتیب زمینه‌ای را فراهم آورد که منافع کلیه کشورهای اسلامی عضو از ناحیه‌ی تعریف و تأسیس «اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی» حاصل آید. روایی و پایایی چنین نقش و جایگاهی به دلایل ذیل است:

- ۱ - بهره‌مندی جهان اسلام از کانون‌های معتبر برای ایجاد قدرت؛
 - ۲ - داشتن ایدئولوژی برون‌گرا که قابلیت طرح خود را در گستره‌ی جهانی دارد و حداقل در قلمرو جهان اسلام از مقبولیت اجتماعی برخوردار است؛
 - ۳ - سهم قابل توجهی که در شبکه‌ی ارتباطات جهانی به دلیل داشتن توان تولید معنا عهده‌دار است؛
 - ۴ - امکان ارتقای سازمان نظامی خود و تبدیل نمودن آن به یک قدرت مؤثر در سطح منطقه‌ای؛
 - ۵ - برخوردار بودن از قلمرو جغرافیای وسیع که دربردارنده‌ی جمعیتی بالاست؛
 - ۶ - داشتن ژئوپلیتیک حساس و تأثیرگذار در نظام جهانی.
- تأسیس «اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی» هدفی بزرگ در حد و اندازه‌ی نظام‌های منطقه‌ای ارزیابی می‌شود که به گمان بسیاری به‌عنوان کارآمدترین

بدیل ساختاری برای نظم نوین جهانی در قرن حاضر مطرح است. از این منظر، بازیگران ملی با بازتعریف خود در قالب «بلوک‌های قدرت منطقه‌ای» به ایفای نقش پرداخته و تلاش می‌کنند تا در ساختار نظام جهانی، جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقا بخشند. به عبارت دیگر، در چارچوب این دیدگاه سیاست آینده‌ی جهان، مناطق و نه قدرت‌های ملی و نه حتی قدرت‌های هژمونیک خواهد بود. بر این اساس، تأسیس اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی به عنوان یک ضرورت راهبردی برای کشورهای اسلامی ارزیابی می‌شود که در ارتباط وثیق با منابع و هویت آن‌هاست. به همین دلیل ضروری است تا تأمل درباره‌ی نحوه‌ی عملیاتی نمودن مبانی این تأسیس نوین، در دستور کار کلیه‌ی اندیشه‌گران متعهد در سطح جهان اسلام قرار گیرد.

به لحاظ مفهومی، قبل از پرداختن به موضوع اتحادیه‌ی اسلامی ضروری است مفهوم «وحدت جهان اسلام» و مبانی ایجابی آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. وحدت واحدهای جهان اسلام در سطوح تحلیل مختلف ملی (از قبیل دولت‌ها)، فراملی (از قبیل سازمان‌های بین‌المللی هم‌چون سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی) و فروملی (از قبیل نهضت‌ها و گروه‌های مردمی) قابل طرح و بررسی است. وحدت جهان اسلام به لحاظ معرفت‌شناسی در دو حوزه‌ی متفاوت معرفت‌شناسی یعنی معرفت‌شناسی مکتبی و معرفت‌شناسی عقلایی قابل تبیین است که توجه به آن‌ها برای فراهم نمودن زمینه‌های مفهومی و عملی این مهم بسیار حائز اهمیت است.

به لحاظ درهم‌تنیدگی و پیچیدگی وجوه و ابعاد مختلف وحدت از حیث سیاسی، اقتصادی، دفاعی، فرهنگی و شناختی، انجام مطالعات گسترده و در مقیاس وسیع و چندرشته‌ای اجتناب‌ناپذیر است. به عبارت روشن‌تر، طرح و بررسی این پשתوانه‌های مکتبی و عقلایی فوریت و ضرورت تحقیق و تفحص پیرامون وجوه مختلف وحدت جهان اسلام و تمایز میان آن‌ها را به لحاظ

مفهومی و عملی دو چندان می‌سازد. چرا که امروزه به‌رغم فراهم آمدن زمینه‌های وحدت در میان کشورهای اسلامی^۱ از حیث ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک و نیز شکل‌گیری سازمان‌ها، کنفرانس‌ها، مجامع، و دیگر نهادهای ذی‌ربط در سطوح فروملی و فراملی در برخی از کشورهای اسلامی، جهان اسلام هم‌چنان دچار تفرق است. در ادامه، اشاره‌ای به مفهوم «امت» در اندیشه و مکتب اسلام به‌عنوان جامعه‌ی یکپارچه‌ی اسلامی موردنظر در تعالیم اسلام می‌شود.

امت واحده

کلمه‌ی امت که در بیش‌تر از ۶۰ مورد به تنهایی و حدود ۲۰ مورد به صورت مضاف یا مضاف‌الیه در قرآن مجید آورده شده است،^۲ برحسب نوع کاربردش در بخش‌های مختلف آیه‌ها دارای معانی متفاوت است؛ از جمله:

- زمان معین یا مقداری از زمان (هود) / ۱۱ آیه‌ی ۸ و یوسف آیه‌ی ۴۵)
- علما و دانشمندان (آل عمران / ۳ آیه‌ی ۱۰۴)
- جماعت و گروهی از مردم (قصص / ۲۸ آیه‌ی ۲۳) که اغلب به همین معنی به‌کار رفته است.
- دین و آئین در آیات (زخرف / ۴۳ آیات ۲۲ و ۲۳)
- قرن و قرون گذشته (حج / ۲۲ آیه‌ی ۶۷)
- در آیه‌ی ۱۲۰ از سوره‌ی نحل / ۱۶ کلمه‌ی امت بر یک فرد خاص

۱ - در این مقاله منظور نویسنده از کشورهای اسلامی ۵۷ کشور اسلامی عضو سازمان

کنفرانس اسلامی است.

۲ - بی‌نا؛ «معانی وحدت حقیقی و وحدت مجازی چیست؟»؛ آینده‌سازان؛ شماره‌ی ۱۳۹؛

۱۳۶۲/۱۱/۲۴، ص ۲۸.

دلالت می‌کند (حضرت ابراهیم). ابن الاعرابی می‌گوید: “در زبان عربی به مرد عالم اصطلاحاً امت می‌گویند.”

- بعضی دیگر امت را به معنی امام گفته‌اند.
- در آیه ۳۸ از سوره‌ی انعام ۷ کلمه‌ی امت در حقیقت بر مخلوقات زنده دلالت می‌کند.^۱

نویسندگان دائرةالمعارف اسلامی عقیده دارند که به‌خاطر کاربردهای مختلف «امت» در آیات قرآنی، نمی‌توان معنای دقیق کلمه‌ی امت را مشخص کرد. ولی شکی در آن نیست که کلمه‌ی امت غالباً به گروهی از مردم که نژاد، زبان یا دین و آئین یکسانی داشته‌اند اطلاق شده است (سوره‌ی اعراف / ۷ آیه ۱۶۴ و سوره‌ی قصص / ۲۸ آیه ۲۳). در ادامه‌ی این آیات پس از ذکر ویژگی‌هایی آمده است که خداوند بر هر امتی پیامبری را فرستاده تا آن‌ها را به راه راست هدایت کند (انعام / ۶ آیه ۴۲ و یونس / ۱۰ آیه ۴۷)، و هر امتی در روز قیامت برای حسابرسی محشور خواهد شد (انعام / ۶ آیه ۱۰۸ و اعراف / ۷ آیه ۳۷). در بعضی آیات هدایت‌شدگان از اهل کتاب امت نامیده شده‌اند (آل عمران / ۳ آیه ۱۱۳).

در کتاب دایرةالمعارف اسلامی به مراحل تاریخی استفاده از کلمه‌ی امت از سوی حضرت محمد (ص) اشاره شده و آمده است، حضرت محمد (ص) در ابتدای نبوتش لفظ امت را برای اعراب به‌طور کلی یا هم‌وطنانش در شهر مکه به‌کار برد. پس از مهاجرت به مدینه و قطع رابطه با مشرکین مکه، او پا را از دایره‌ی اصلی مسلمین فراتر نهاد و لفظ «امت» را برای مردم مدینه، که هنوز به دین اسلام نگرویده بودند، اعتبار کرد. در این ترکیب سیاسی جدید به‌صراحت مردم یهود ساکن مدینه جزء «امت» به‌کار رفته‌اند. پس از آن‌که حضرت محمد (ص) جایگاه اسلام را به‌خاطر کثرت پیروانش محکم احساس

کرد و به مشرکین مکه حمله نمود، توانست از اجتماع دینی - سیاسی مدینه کسانی را که دین اسلام را نپذیرفته بودند اخراج کند و با گذشت زمان امت را به پیروان خاص خودش اطلاق کند و بر ویژگی‌های اخلاقی و دینی اسلام استوار گرداند (آل عمران/ ۳ آیه‌ی / ۱۰۴ و ۱۱۰). در حقیقت، معنای اخیر امت از معنای اولیه‌ی آن یک تفاوت اساسی داشته است. در آغاز نبوت حضرت محمد (ص) لفظ امت به‌طور موقتی بر مردم عرب ساکن مکه و بعد مدینه اطلاق می‌شد، ولی در اواخر پیامبری آن حضرت (ص)، مسأله‌ی اساسی برای تشکیل امت اسلامی، بنیان‌های عقیدتی و مذهبی بود که این امت براساس آن استوار شده بود و در حقیقت امت عربی به امت مسلمان تبدیل شد و تا آن‌جا گسترش پیدا کرد که پس از رحلت حضرت محمد (ص) به فراسوی مرزهای عربستان کشیده شد و ملت‌ها و قبایل متفاوتی را از لحاظ زبان، نژاد و مکان تحت لوای «امت اسلام» جمع کرد. راغب اصفهانی (فوت ۵۰۲ هـ) در مفردات الفاظ القرآن درباره‌ی امت می‌گوید: «امت هر جماعتی است که یک عنصر مثل دین یا زمان و یا مکان آن‌ها را جمع کند». فرقی نمی‌کند که این امر جامع اجباری باشد یا اختیاری، همان‌طور که در آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی انعام / ۶ (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ) هر دسته و صنفی از موجودات را خداوند به‌عنوان یک امت تسخیر کرده است.^۱ در آیه‌ی ۲۱۳ سوره‌ی بقره ۲ (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً) انسان‌ها گروه واحدی از لحاظ کفر و ضلال محسوب شده‌اند. در آیه‌ی ۱۱۸ سوره‌ی هود/ ۱۱ (وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً) مردم از لحاظ ایمان امت واحدی قرار خواهند گرفت. در آیه‌ی ۱۰۴ سوره‌ی آل عمران / ۳ (وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ) امت به گروهی از مردم که آزادانه به کسب علم و دانش می‌پردازند، اطلاق شده است و در آیه‌ی ۲۳ زخرف / ۴۳ (إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ) امت

۱ - صادقی اردستانی، احمد؛ «وحدت از دیدگاه قرآن و سنت»؛ روزنامه‌ی کیهان؛ ۱۳۶۲/۱۲/۳.

به معنی دین است و قوله تعالی (إِذْكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ آيَةٍ / ۴۵ یوسف / ۱۲) امت بر زمان و وقت دلالت می‌کند و هم‌چنین بر معنی نسیان نیز دلالت کرده است، ولی حقیقت این است که بعد از انقضاء مردم یک‌زمان یا پیروان یک دین صحیح‌تر است. در آیهی ۱۲۰ نحل / ۱۶ (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا) امت بر شخص حضرت ابراهیم دلالت دارد، یعنی قائم مقام جمع قرار گرفته است. نویسنده‌ی کتاب «قاموس قرآن» امت را جماعتی که وجه مشترک دارند (با توجه به این که اُمّ را قصد معنی کرده) می‌گوید: “امت به کسانی گفته می‌شود که قصد مشترک و نظر مشترک دارند.” ابوالفتح رازی علاوه بر معنایی که برای کلمه‌ی «امت» ذکر شد به دو معنی دیگر نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: و الأُمَّةُ أُمٌّ یعنی مادر باشد. يَقُولُ هَذِهِ أُمَّةٌ فُلَانٍ یعنی اُمّه و امت به معنی قامت آمد. يُقَالُ فُلَانٌ حَسَنُ الْأُمَّةِ أَيْ الْقَامَةِ و اصل همه الزام است و آن قصد بود. صاحب «تفسیرالمیزان» در ذیل آیه‌ی كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً (آیه‌ی ۲۱۳ بقره / ۲) با اشاره به معانی مختلف اُمّت که قبلاً ذکر شد، این‌گونه شرح می‌دهد:^۱

“ اصل این کلمه از ام به فتح همزه به معنای قصد است و لذا به هر گروهی از مردمان گفته نمی‌شود، بلکه به جمعیتی گفته می‌شود که دارای مقصد واحدی بوده و به واسطه‌ی آن با یکدیگر مربوط و متحد شده باشند و به همین مناسبت بر یک فرد انسان و سایر معانی اطلاق می‌شود. در هر حال، ظاهر آیه دلالت بر این می‌کند که دورانی بر بشر گذشته که افراد با یکدیگر متحد و متفق بودند و ساده و بی سر و صدا زندگی می‌کردند، نه در امور زندگی با یکدیگر نزاع و جنگی داشتند و نه در امور دینی و عقاید مذهبی اختلاف و تفرقه‌ای بین آن‌ها وجود داشت.”

۱ - معزالدين، محمد سعيد؛ «آوای وحدت»؛ گزیده مقالات فارسی هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ ۱۳۷۴.

مبانی مکتبی وحدت

جامعه‌ای که انبیاء الهی و قرآن کریم در صدد تشکیل آن بوده‌اند، واحد به هم پیوسته‌ی حقیقی‌ای است که مفهومی بسیار فراتر از قوم، ملت و دولت دارد. فهم این مسائل، بدون پشتوانه‌ی مبانی اعتقادی ممکن نیست و تا این مبانی در جوامع اسلامی تحکیم نیابند، فروع و نتایج آن نیز دست‌نیافتنی خواهند ماند.

فطرت الهی بشر بر گرایش به توحید استوار است و عقل و خرد آدمی نیز در تمامی ادوار زندگی بشر، آن‌جا که به غرض‌ها و تمایلات نفسانی و شیطانی آلوده نگشته است، بر همین گرایش حکم کرده و منازعات و پراکندگی‌ها و تفرقه‌ها را خلاف مصلحت جوامع انسانی و گامی در مسیر انحطاط دانسته است. اعتقاد به توحید، نهایی‌ترین مرز اسلام و کفر است.

در قرآن کریم تشکیل امت واحده به منزله‌ی زمینه و بستر عبادت واقعی الله معرفی شده است (”إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون“). تمامی مشرب‌های فلسفی، عرفانی و اخلاقی و کلامی و تربیتی اسلام، وحدت‌نگری در عالم هستی و اجزاء آن را جزئی تفکیک‌ناپذیر از نحله‌ی خویش قرار داده‌اند.^۱

اما همان‌گونه که مقام معظم رهبری در سخنرانی افتتاحیه‌ی سومین کنفرانس وحدت اسلامی اعلام کردند:

”مقصود از دعوت به وحدت / این نیست که فِرَقِ مسلمین اعم از شیعه و سنی با فِرَقی که در داخل تشیع و تسنن هستند یا دیگر فرق مسلمانان عالم، موظف و مجبورند که از عقیده‌ی خودشان دست بردارند و به عقیده‌ی سوم یا به عقیده‌ی طرف مقابل گرایش

۱ - خمینی، سید حسن؛ «وحدت از دیدگاه امام خمینی»؛ متن سخنرانی ارائه شده در هشتمین

پیدا کنند.^۱

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در هشتمین کنفرانس کشورهای اسلامی (تهران - ۱۳۷۶) در خصوص اهمیت وحدت جهان اسلام و ضرورت آگاهی مسلمین خاطر نشان ساختند:^۲

«آنچه به دنیای امروز ما ارتباط دارد، نکته‌ای است که من مکرر بر آن پا می‌فشارم و آن، این است که در بین فرق اسلامی - که امروز مسلمین خیلی گرفتاری و نابسامانی دارند و با آن دست به گریبانند و باید از هر وسیله‌ای برای نجات خود از این گرفتاری‌ها استفاده کنند - یک نقطه وجود دارد که در آن نقطه، هیچ اختلاف بین آن‌ها نیست. حتی در عقیده توحید، هم که متفق علیه است، ممکن است کسانی تفسیر و حرفی داشته باشند که آن دیگری قبول نداشته باشد، اما در این نقطه هیچ اختلافی وجود ندارد و آن محبت و ارادت به نبی مکرم اسلام حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه وآله و سلم است. این یک نقطه ی اجتماع و اتحاد است و روی آن بایستی تلاش شود. ما قبلاً هم این را گفته‌ایم، بعضی از اصحاب همت هم تلاش کرده‌اند که بر این اساس اجتماعی بین فرق مسلمین به وجود آید. امروز هم کسانی که اهل همتند باید بر این اساس بنشینند و مسلمین را به این نقطه ی وحدت متوجه و متنبه کنند.

در درجه‌ی اول، مسأله ی وحدت و اتحاد مسلمین است. این

۱ - خامنه‌ای، سید علی؛ «سخنرانی افتتاحیه»؛ مجموعه سخنرانی‌های سومین کنفرانس وحدت اسلامی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

۲ - «محور وحدت امت اسلامی و اتحاد امت اسلام از دیدگاه مقام معظم رهبری»؛ قابل

قضیه‌ی اتحاد مسلمین را همه‌ی فرق اسلامی - چه شیعه و چه سنی، چه مذاهب مختلف اهل سنت و چه مذاهب شیعه - باید جدی بگیرند. امروز مسلمانان وحدت اسلامی را جدی بگیرند. وحدت اسلامی هم معنایش معلوم است. مقصود این نیست که مذاهب در یک مذهب حل شوند. بعضی کسان برای این که اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می‌کنند. نفی مذاهب مشکلی را حل نمی‌کند؛ اثبات مذاهب مشکلات را حل می‌کند. همین مذهبی که هستند، هر کدام در منطقه‌ی کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند."

"امروز وقت آن رسیده است که دنیای اسلام بازنگری کند؛ بر روی مسأله‌ی وحدت به جد فکر کند. امروز تهدید آمریکا در این منطقه متوجه یک کشور و دو کشور نیست، متوجه همه است. امروز تهدید سرمایه‌داران صهیونیست پشت سر دستگاه حاکمه‌ی آمریکا به بلعیدن یک قسمت از منطقه‌ی ما اکتفا نمی‌کنند، همه‌ی منطقه را می‌خواهند بلعند و امروز صریحاً هم این حرف را می‌گویند. «طرح خاورمیانه‌ی بزرگ»، معنایی جز این ندارد. از پنجاه و چند سال پیش که دولت غاصب صهیونیست تشکیل شد و از حدود صد سال پیش که این فکر در مجامع غربی و اروپایی شکل گرفت، نیت همین بود که می‌خواهند این منطقه را بلعند؛ ببرند؛ لازم دارند. مردم این منطقه برایشان مهم نیستند؛ همه مورد تهدیدند. وقتی همه مورد تهدیدند، عاقلانه‌ترین راه این است که همه به فکر بیفتند و دست‌ها را در دست هم بگذارند. توصیه و مطالبه‌ی جدی ما از دولت‌ها و ملت‌های اسلامی این است که روی

این مطلب فکر و کار کنیم، که زحمت و مقدماتی دارد؛ باید مقدماتش تأمین شود.^۱

وحدت اسلامی معطوف به حذف مذاهب و ریشه‌کن ساختن باورهای مذهبی و از میان بردن تمامی اختلافات و گرایش‌ها نیست، بلکه معطوف به التزام مسلمانان به اصول اسلام است. وحدت اسلامی ناظر بر همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر پایه‌ی اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی و اتخاذ موضع یکسان به منظور تحقق اهداف و مصالح عالی‌ه‌ی امت اسلامی و موضع متحد در برابر دشمنان امت، ضمن احترام به تعهدات عقیدتی و عملی هر فرد مسلمان نسبت به مذهب خویش است.^۲

مبانی عقلایی وحدت

یکی از مهم‌ترین پیامدهای عقلانی وحدت جهان اسلام استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی اقتصادی، سیاسی، دفاعی، امنیتی، نظامی و فرهنگی جهان اسلام به منظور دستیابی به اهداف نظام در حوزه‌های مختلف است. بر اساس آموزه‌های علم سیاست و روابط بین‌الملل، مهم‌ترین دغدغه‌ی حرفه‌ای دولتمردان و سیاست‌گذاران چگونگی فراهم نمودن زمینه‌های افزایش قدرت و ثروت است. از منظر روش‌شناسی واقع‌گرایانه، امروزه، افزایش ثروت و قدرت دولت - ملت‌ها از متغیرهای مستقل بسیاری اثر می‌پذیرد. سیاستمدار بر پایه‌ی ملاحظات بینشی و روشی خود به دنبال بیشینه نمودن منافع مادی و معنوی دولت متبوع خود است. این بیشینه‌سازی از دو

۱ - گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام و میهمانان

شرکت‌کننده در اجلاس وحدت. قابل دسترس در: www.khamenei.ir

۲ - تبرائیان، محمد حسن؛ «استراتژی تقریب مذاهب اسلامی» (مجموعه مقالات)؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ ۱۳۸۴؛ ص ۱۹۷.

طریق سیاست داخلی و سیاست خارجی میسر است. با توجه به اهمیت بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود جهان اسلام برای رسیدن به وحدت امت اسلامی، فهم مزیت‌های نسبی موجود در عرصه‌ی مناسبات بین‌المللی برای استفاده از ظرفیت‌های بالقوه در میان کشورهای اسلامی ضروری است. این استفاده مستلزم برقراری سطحی از روابط است.^۱

در متون روابط بین‌الملل، ماهیت و سطح روابط میان ملت‌ها با شاخص‌های مختلفی مورد سنجش قرار می‌گیرند. این شاخص‌ها عبارتند از: هماهنگی، همکاری، ائتلاف، اتحاد و همگرایی. از هماهنگی تا همگرایی درجه‌ی قابل توجهی از یکسان‌سازی و یگانگی وجود دارد که در طی زمان و با هماهنگی ساختارهای مختلف سیاسی - اجتماعی به‌دست می‌آید. هنگامی که گفته می‌شود دو کشور با یکدیگر اتحاد کرده‌اند، منظور این است که دو نظام سیاسی - اجتماعی و اقتصادی همگون را به‌وجود آورده‌اند.

کشورها در یک یا چند مورد با هم هماهنگی می‌کنند، ولی در قالب اتحاد دارای سرنوشت مشترکی هستند و بدون اجماع نظر نمی‌توانند عمل کنند. به عبارت دیگر، در سایه‌ی یک اتحاد، کشورها به یکدیگر قفل می‌شوند و زمینه‌های ساختاری صلح را فراهم می‌آورند. چون توان‌های فراوانی را بر روی یکدیگر جمع می‌کنند، می‌توانند اهداف مهمی را دنبال کنند و به ثمر برسانند. حد‌اعلای روابط میان دو یا چند کشور به‌صورت وحدت است که خود وحدت نیز محدودیت‌هایی را داراست. برای مثال، می‌توان برجسته‌ترین و قوی‌ترین وحدتی را که تاکنون در بین جوامع بشری مصداق پیدا کرده است «اتحادیه‌ی اروپا» دانست. در عین همگرایی عمیق میان این کشورها، در موارد مهمی در عرصه‌ی سیاست خارجی، سیاست دفاعی، بحران‌های منطقه‌ای و

۱ - صفوی، سید یحیی؛ «وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده»؛ دانشگاه اصفهان؛ اصفهان:

کنگره‌ی بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام؛ ۲۲-۲۰ آذر ماه ۱۳۸۵.

سیاست‌های اقتصادی، مواضع مستقل ملی از جانب کشورهای عضو اتحادیه اتخاذ می‌شود.

ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی که زمینه‌های ائتلاف و اتحاد میان جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای اسلامی را فراهم می‌سازد در برگرفته‌ی بروز یک‌رشته تحولات نظری و عملی از قبیل طرح نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها و طرح خاورمیانه‌ی بزرگ و نیز مداخله‌ی آمریکا در کشورهای اسلامی به شیوه‌ها و طرق متفاوت از حضور مستقیم نظامی و اشغال خاک کشورهای اسلامی گرفته تا مداخله‌ی مستقیم و غیرمستقیم در امور داخلی کشورهای چون مصر، عربستان و پاکستان به بهانه‌های برقراری دموکراسی و مبارزه با تروریسم، ناکامی و رسوایی آمریکا و سرافرازی حزب الله در جنگ نامتقارن لبنان، وحشیگری‌های رژیم صهیونیستی در لبنان و سکوت جهان غرب به رهبری آمریکاست.^۱

وحدت در جهان اسلام

انواع وحدت

انواع وحدتی که برای امت اسلامی متصور است می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:^۲

وحدت مطلق: این نوع وحدت عبارت است از اتفاق نظر در همه‌ی عقاید، معارف و احکام اسلامی با همه‌ی اصول و فروع آن‌ها. این‌گونه وحدت از نظر به آزادی اندیشه و تعقل، خصوصیات و کیفیات، و انتخاب دلایل در عناصر و اجزاء اصلی عقاید و احکام دین اسلام به‌قدری دور است که می‌توان گفت امری امکان‌ناپذیر است؛ به‌خصوص با در نظر گرفتن اختلاف متفکران در

۱ - همان.

۲ - مطهری، مرتضی؛ «الغدیر و وحدت اسلامی»؛ مجله‌ی مسجد؛ شماره‌ی ۵؛ ۱۳۷۱؛ ص ۱۶.

ذوق و اندیشه و کمی و بسیاری اطلاعات درباره‌ی منابع و هم‌چنین اختلاف آنان در نبوغ، هوش و حافظه، که بدون تردید در انتخاب و فهم قضایا و تنظیم استدلال‌ها و غیره مؤثر هستند، وحدت مطلق و اتفاق نظر بین متفکرین، غیرممکن خواهد بود.

تا زمانی که این اختلاف همراه با اخلاص و با هدف حقیقت‌یابی و با اطلاع کافی و لازم از منابع و اصول مربوط باشد، نه تنها ضرری بر وحدت امت اسلامی وارد نمی‌آورد، بلکه پدیده‌ای است مطلوب که برای پیشرفت معارف اسلامی ضروری است.

وحدت مصلحتی عارضی: آن نوع اتفاق نظر را وحدت مصلحتی عارضی می‌گویند که از جبر عوامل خارج از حقیقت و متن دین پیش می‌آید و در مواقعی لازم می‌آید که آن عوامل جوامع اسلامی را در خطر اختلال قرار داده‌اند. معمولاً در هنگام بروز عوامل نابودکننده و مخاطره‌آمیز، تضادها و اختلافات در میان فرقه‌ها و مذاهب نادیده گرفته می‌شوند و نوعی اتحاد و هماهنگی میان آنان برقرار می‌شود. چون این گونه اتحاد و هماهنگی معلول عوامل جبری است، با از بین رفتن آن عوامل نیز منتفی می‌گردد و به تناسب کاهش یا افزایش نیروی آن عوامل، میزان اتحاد موقت یا مصلحتی نیز کاهش یا افزایش می‌یابد.

وحدت معقول: با توجه به متن کلی دین و با توجه به آزادی اندیشه و تعقل در خصوصیات و کیفیات و انتخاب دلایل در عناصر و اجزای اصلی عقاید و احکام دین اسلام، وحدت مطلوب در بین امت اسلامی، نوع «وحدت معقول» خواهد بود. وحدت معقول را می‌توان چنین تعریف کرد: قراردادن متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه‌ی جوامع مسلمان و برکنار نمودن عقاید شخصی نظری و فرهنگی محلی. تحقق این نوع وحدت هیچ مانع شرعی و عقلی ندارد و هر متفکر آگاه به منابع اولیه‌ی اسلام و طرز تفکر ائمه معصومین

علیهم السلام و صحابه‌ی عادل متقی و تابعین حقیقی آنان می‌داند که پیروی از متن کلی دین با تکاپو و اجتهاد برای فهم خصوصیات و کیفیت انتخاب دلایل امری ضروری است. بدیهی است که آن هماهنگی و اتحادی که منابع اولیه‌ی اسلام و شخصیت‌های پیش‌تاز اسلامی، در گذشته و حال، به آن دعوت نموده‌اند نه وحدت مصلحتی عارضی است و نه وحدت مطلق؛ بلکه اینان براساس آنچه مطلوب جدی منابع اولیه‌ی اسلامی بوده و هست خواستار انطباق حیات اجتماعی و دینی مردم همه‌ی جوامع اسلامی بر متن کلی و مشترک دین اسلام هستند که می‌تواند فراگیرنده‌ی همه‌ی فرقه‌ها و مذاهب معتقد به آن باشد.

ملاک‌های وحدت در نظام بین‌الملل

زمانی که عدم تجانس بازیگران مستقل در صحنه‌ی روابط بین‌الملل پیش می‌آید، با توجه به این که دولت‌های مستقل هرکدام در تکاپوی ارتقای «منافع ملی» خویش هستند، چنان‌چه تحصیل این مقصود را در همکاری و همگرایی با دیگر دول مستقل در اشکال مختلف میسر بدانند، علی‌الاصول به چنین اقدامی مبادرت خواهند کرد.

بسیاری از عوامل بنیادین که لازمه‌ی تشکیل ملت‌ها و موجودیت دولت‌های آنان است و باعث انسجام و وحدت ملی می‌گردد در سطح فراملی نیز نقش‌آفرین هستند؛ لیکن نقش و اثر آن‌ها بر وحدت فراملی همواره یکسان نیست.

به عبارت دیگر، برخی نیروهای مولد وحدت در جامعه‌ی ملی باعث ایجاد تفرقه در جامعه‌ی بزرگ‌تر، مثلاً در سطح منطقه یا جهان، می‌شوند. در مجموع، بستگی‌های قومی و نژادی و زبانی و مذهبی در سطح وسیع‌تر نیز ممکن است به صورت نیروهای همگرا اثری وحدت‌بخش داشته باشند. ولی به علت مرزبندی‌های جغرافیایی و قطب‌بندی‌های سیاسی، عوامل مزبور زمانی

نقش مثبت ایفا می‌کنند که منافع، علایق و اهداف مشترک نیز بین جوامع متجانس وجود داشته باشد.^۱

ملت‌ها بنا به خصیصه‌ی ذاتی خود در صدد ارتقای منافع ملی خویش هستند. آن‌ها هنگامی دست دوستی و وحدت به فراسوی مرزهای خود دراز می‌کنند که یا زمینه‌ی نیل به اهداف و مقاصد فراهم‌تر گردد یا موانع موجود بر سر راه، برای دستیابی به منافع، برداشته شود. وجود یک دشمن مشترک یا آرمان مشترک انگیزه‌ی نیل به وحدت را ترغیب می‌کند. بستگی‌های اجتماعی و گرایش‌ات عقیدتی (اعم از سیاسی یا مذهبی) نیز در این وادی نقش و تأثیر زیادی دارند. علاوه بر این موارد، از بررسی عوامل مشترک در پیمان‌های همکاری و اتحادیه‌هایی که میان کشورها برقرار شده، به این نکات می‌رسیم: نخست برای آن‌که وحدت ایجاد گردد، ضرورت دارد که بین واحدهای سیاسی مورد نظر یک نوع «وابستگی متقابل» وجود داشته باشد. در مرحله‌ی قبل از وحدت، یک رشته از عوامل کلیدی ایفای نقش می‌کنند که نوع و میزان و وسعت آن‌ها تأثیر بسزایی در مرحله‌ی فراگرد وحدت دارد؛^۲ که از آن جمله می‌توان به تجانس فرهنگی، وابستگی متقابل اقتصادی و شاید بیش از هر چیز مجاورت جغرافیایی یا پیوستگی مرزهای سیاسی اشاره کرد.

در مرحله‌ی بعد، نیروهای وحدت‌بخش نقش خود را ایفا می‌کنند. نقش نخبگان سیاسی و دولتمردان در مرحله‌ی قبل از وحدت بسیار تعیین‌کننده است. زیرا در واقع این گروه‌ها هستند که تصمیمات اولیه را در ایجاد علت و نزدیکی با کشور دیگر اتخاذ می‌کنند. رهبران و رؤسای دولت‌ها و وزرای امور

۱ - Joan Haldane; "GCC: Moving Towards Unity in the Washington Report on Middle East affairs"; ۱۹۸۵; ۴ in URL address:

<http://www.washington-report.org/backissues/۰۲۰۴۸۵/۸۵۰۲۰۴۰۰۴.html>.

۲ - Ibid.

خارج و دیگر بخش‌های اقتصادی و صنعتی می‌توانند با ایجاد جرقه‌ی اولیه و به‌وجود آوردن یک حرکت سیاسی، زمینه‌های تفاهم و همکاری مشترک و مذاکره برای دستیابی به وحدت را فراهم آورند.

در مرحله‌ی سوم فراگرد وحدت، مبادله‌ی کالا و افراد، روابط و ارتباطات میان نظام‌ها یا واحدهای سیاسی به‌نحو بارز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، ایجاد وحدت در یک بخش انگیزه و زمینه‌های وحدت در بخش‌های دیگر را نیز فراهم می‌آورد.

و بالاخره در مرحله‌ی چهارم، حالت وحدت و همگرایی به حد بلوغ و رشد می‌رسد. در این مقطع فراگرد اقدامات و کوشش‌های وحدت‌آفرین کم‌رنگ‌تر می‌شود و سیستم شکل‌یافته از واحدهای متعدد و گوناگون با احراز هویت و مشروعیت دست به کار اموری می‌گردد که برای آن به‌وجود آمده است.^۱

بنابراین، وحدت به خودی خود یک هدف و غایت نیست بلکه آثار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... مترتب بر آن برای آحاد جامعه مطرح و مهم است. در همگرایی تلاش بر این است که از عوامل اختلاف‌زا و زمینه‌های ناسیونالیستی هم‌چون وفاداری‌های ملی، احساسات ناسیونالیستی پای‌بندی به منافع ملی، مرزهای جغرافیایی و حتی حاکمیت مطلق کشورهای یک منطقه به نفع اهداف جمعی و مشترک کاسته شود و از طریق مشروع و گسترش همکاری‌های فنی و تکنیکی، اقتصادی و تجاری، عقیدتی و فرهنگی و حتی سیاسی به ایجاد صلح و آرامش در یک منطقه یا جهان کمک کرد. وجه مشترک همه‌ی نظرات این است که همه‌ی آن‌ها به فرایندی فکر می‌کنند که به‌وسیله‌ی آن وفاداری از یک مرکز به مرکز دیگر انتقال می‌یابد. آن‌ها در مورد ارتباطات در داخل واحدهایی که می‌خواهند همگرا گردند، اشتراک نظر

دارند.^۱

مردم می‌آموزند که خود را اعضای جامعه‌ی واحدی به‌شمار آورند و این امر در نتیجه‌ی الگوهای ارتباطات انسانی صورت می‌پذیرد. به‌طور کلی، نظریه‌پردازان همگرایی خاطرنشان می‌سازند که اشخاص به جهت انتظارات خویش در زمینه‌ی پاداش و جریمه‌ی مشترک رفتاری همگرا اختیار می‌کنند.^۲ وحدت در نژاد، زبان، تاریخ، آداب و سنن، شرایط اقلیمی و ... به تنهایی برای ایجاد روح جمعی و پیدا شدن همبستگی و یگانگی در میان افراد یک جامعه کافی نبوده و حتی شرط لازم نیز نیست. به همین علت است که عوامل مذکور از نظر اسلام هم هرگز به‌عنوان پایه‌های تشکیل دهنده‌ی ملتی واحد و متشکل مورد قبول نبوده است.

چه بسیارند افرادی که دارای نژاد واحد بوده و حتی از یک خانواده و پرورده‌ی زیر یک سقفند، اما دچار پراکندگی و دشمنی یا نفاق هستند و صاحبان زبانی واحد را فراوان می‌بینیم که از شدت اختلاف و تشتت، حتی زبان یکدیگر را نمی‌فهمند.

در زمان حاضر، ملت‌ها و کشورها درصدد تفاهم و دوستی و اتحاد با یکدیگرند، زیرا علاوه بر فواید و منافع که از همبستگی میان دو یا چند کشور از لحاظ اقتصادی یا فرهنگی و تسهیلات دیگر وجود دارند، باعث افزایش امنیت ملی و اقتدار سیاسی ملت‌ها و دولت‌ها می‌شود. اکنون مناسب است برخی از جهاتی را که به‌منظور وحدت و همبستگی ملل یا کشورها در نظر گرفته می‌شوند به اجمال بررسی نماییم.^۳

۱ - مشیرزاده، حمیرا؛ «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»؛ تهران: سمت؛ ۱۳۸۴؛ ص ۹۴.

۲ - بررسی مفهوم همگرایی و مکاتب مختلف آن در فصل سوم به تفصیل آمده است.

۳ - صنیع اجلال، مریم؛ «بررسی علل بین‌المللی شدن مسأله‌ی کردها در خاورمیانه»؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد؛ تهران: دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی؛ تابستان ۸۳.

الف) نژاد مشترک از گذشته‌های دور اساس وحدت عشیره‌ای بوده و به‌گونه‌ای گسترده‌تر در قبایل بزرگ، در گذشته و حال، وجود داشته و دارد. هم‌نژادی، در طول تاریخ، بارها وسیله‌ی اتحاد بین ملت‌های هم‌نژاد گردیده که از مصادیق بارز آن، در عصر ما، اتحاد بعضی کشورهای آفریقایی یا تشکیل اتحادیه‌های عربی است.

ب) زبان مشترک نقش مهم‌تری در اتحاد داشته است. ناسیونالیسم عربی عبدالناصر و شعار قومیت عرب از مظاهر بارز این نوع همبستگی است.

ج) همبستگی اقتصادی و به‌عبارت دیگر، توافق برای منافع مشترک اقتصادی، که نمونه‌ی آن نیز تشکیل جامعه‌ی ذغال و فولاد اروپا به‌عنوان گام نخست در شکل‌دهی به اروپای متحد بود.

د) اتحاد سیاسی چند کشور با ملیت‌های مختلف و زبان‌های متفاوت که تحت یک نظام و حکومت واحد، متحد شوند؛ ممکن است چنین اتحادی زیربنای اقتصادی نیز داشته باشد. (چون اتحادیه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس) یا فقط سلطه‌ی یک ملت یا یک کشور سبب انضمام ملل و کشورهای دیگر به آن گردیده و امپراتوری وسیعی را تشکیل داده‌اند (چون امپراتوری روم در قدیم و اتحاد جماهیر شوروی سابق) یا بدین سبب که کشوری از تجاوز دیگران بیم داشته است به‌منظور همبستگی در ترازوی قدرت با کشور دیگر طرح اتحاد ریخته است؛ (چون پیمان‌های دفاعی).

اگرچه تمام جهات مزبور موجب همبستگی و اتحاد هستند، این وحدت‌ها تابع ادامه‌ی اسباب وحدتی است که یاد شد. لذا در هر زمان و هر حالی که علت و انگیزه‌ی اتحادیه دچار سستی یا نابودی شود یا با منافع مهم‌تری اصطکاک پیدا کند، چنین اتحادی دیگر وجود نخواهد داشت.

ه) وحدت مذهب و عقیده از مهم‌ترین و پایدارترین عللی است که موجب اتحاد اشخاص و اقوام مختلف بوده و هست. نظری گذرا به تاریخ ثابت می‌کند که این وحدت از سایر موجبات اتحاد عریض‌تر و عمیق‌تر است.

مبانی وحدت اسلامی

منشأ حقیقی وحدت امت اسلامی همانا دین اسلام است که ریشه‌ی اصلی خود را از فطرت انسان می‌گیرد. تحولاتی که این دین فطری در طول تاریخ داشته فقط مربوط به فروع جزئی احکام بوده که از تنوع موقعیت‌های حیات انسانی در جوامع مختلف سرچشمه گرفته است. اصول و مبادی کلی که متن دین الهی را تشکیل می‌دهند همواره در طول تاریخ متحد بوده‌اند؛ بنابراین، مبانی وحدت امت اسلامی مستند به همان دین فطری انسانی و احکام و دستوراتی است که هم‌ی پیامبران الهی آن را به بشریت تبلیغ نموده‌اند.^۱

این وحدت فکری و ایدئولوژیکی مهم‌ترین مبانی وحدت در جامعه‌ی اسلامی است. برای استقرار وحدت و همبستگی در بین یک جمع یا امت اشتراک در عقیده و جهان‌بینی از مبانی اولیه بوده و بدون وجود چنان اشتراکی هرگز نمی‌توان در انتظار برقراری وحدتی حقیقی در بین افراد آن جمع بود. تجربه‌های تاریخی ثابت کرده است که برقراری همبستگی واقعی با وجود تشتت در عقیده و جهان‌بینی افراد امری نشدنی و انتظاری نامعقول است. اشتراک عقیدتی و وحدت فکری در اسلام از ارکانی است که می‌توان از جمع پراکنده‌ی مسلمین، امتی واحد به معنای واقعی کلمه به وجود آورد.

اسلام فی‌نفسه هیچ محلی برای تشتت در فکر و عقیده ندارد و تمامی

علل و عوامل مورد لزوم برای برقراری وحدتی فکری در این دین پیش‌بینی شده است. موارد اختلاف و تشتت آراء، بیشتر متوجه برخی مسلمانان است که در درک و شناخت خواسته‌های دین اسلام و تعالیم آن در مقام عمل، قصور ورزیده و از آن به دور افتاده‌اند و این دوری از اسلام بوده که منشأ ظهور اختلاف و تفرقه (در جزئیات) گردیده است.^۱

با وجود تمامی این‌گونه اختلافات، پایه‌های اساسی وحدت فکری هم‌چنان ثابت و پابرجا مانده و امروزه در میان بیش از یک‌میلیارد مسلمان هیچ‌گونه اختلافی در مورد خدا، کتاب خدا، و پیامبر خدا وجود ندارد و قبله هم که سمبل یگانگی و اتحاد در عالم خارج است، هرگز مورد اختلاف نبوده است. این چهار پایه‌ی اصلی وحدت همواره چون پایگاهی مطمئن برای حل کلیه‌ی اختلافات جزئی می‌تواند مورد رجوع قرار گیرد. لذا اسلام با ارائه‌ی نظام جامع‌الاطراف فکری، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و اخلاقی زمینه را برای بروز اختلاف و تزلزل افکار از بین برده و وحدتی بر اساس «حقیقت» فراهم آورده است.

پژوهشگرانی که در مسائل اجتماعی - اسلامی مطالعه دارند، به‌وضوح بیان می‌کنند که امت اسلامی به فضایل و امتیازات مخصوص اختصاص یافته‌اند که این فضایل می‌توانند وحدت و همبستگی آن‌ها را تا سرحد کمال به همراه داشته و ضامن حفظ و بقای این وحدت باشند. در زیر مهم‌ترین این

۱ - Bernard Hoekman and Patrick Messerlin; "Initial Conditions and Incentives for Arab Economic Integration: Can the European Community's Success Be Emulated?" the World Bank Policy Research Working Paper 2921 (October 2002); ۳۰.

امتیازات مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۱

۱ - توحید تمام یکتاپرستان را در یک رابطه متحد می‌کند، به‌طوری که تمام موحدان، به‌واسطه‌ی قبول بندگی خدا، در جمیع حقوق و تعهدات باهم برابرند و جز در مقابل امر او تسلیم نبوده و معتقدند که او حاکم علی‌الاطلاق مسلمانان است. در درجه‌ی اول وجه مشترک و ملاک پیونددهنده‌ی آحاد امت اسلامی ایمان به وحدانیت خداوندی است که در سرتاسر کالبد وحدت اسلامی هم‌چون روحی حیات‌بخش در جریان است.

۲ - ابعاد جهانی اسلام از امور مسلم است. اسلام در میان اقوامی گسترش یافته که نه تنها در نژاد بلکه در زبان، ملیت، طرز فکر، جنبه‌های اقتصادی، موقعیت محیطی و سوابق تاریخی باهم هیچ‌گونه شباهتی ندارند. اسلام این‌گونه امتیازات ظاهری را نه تنها باعث برتری نمی‌داند، بلکه همه را یکسان و برابر می‌داند. با یک نظر به ایدئولوژی اسلام، آشکار می‌گردد که اصول این دیانت بیش از هر ایدئولوژی دیگری، خواه مادی و خواه معنوی، ناظر به اتحاد، برادری و برابری انسان‌هاست. البته این اصل به‌معنای مغایرت فراگیری اسلام با وجود ملل مختلف نیست، بلکه بدین معناست که همبستگی اسلامی فراتر از تقسیم‌بندی‌های قومی، نژادی است و در طول آن‌ها در جایگاهی فراتر قرار می‌گیرد.

۳ - قرآن پیوسته رسالت حضرت محمد (ص) را به مسلمانان باز می‌گوید. رسالتی که نقش رهبری انسان‌ها به‌سوی برابری و برادری و تفاهم اخلاقی برعهده دارد.

بسیاری از فرایض اسلامی در راه تحقق برادری و تفاهم توصیه شده

۱ - نوربخش، عبدالرحیم؛ «مشکلات جهان اسلام و نقش وحدت در رفع آن‌ها»؛ سلام؛ ۷۳/۶/۲.

است. در فريضه‌ی حج هر ساله صدها هزار مسلمان از چهار گوشه‌ی جهان به مکه سفر می‌کنند و ضمن زیارت خانه‌ی خدا و انجام مناسک حج، مجتمع بزرگی برپا می‌دارند که بدون شک در ایجاد همبستگی و تفاهم جهانی مسلمانان نقشی انکارناپذیر دارد. مناسک حج مسلمین چنان‌که باید از مزایای آن بهره نمی‌برند، به رشد سیاسی و تفاهم هرچه بیش‌تر مسلمین کمک می‌کند. دومین مکانی که عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن‌را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفت، «مسجد» است.

تأسیس کتابخانه‌ها و تالار اجتماعات در درون مساجد این حقیقت را آشکار می‌سازد که مساجد اسلامی منحصرأً برای ادای فريضه‌ی نماز نبوده و یقیناً یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است. اقامه‌ی نماز جمعه و جماعات وسیله‌ای است برای گردهمایی مسلمانان و طرح مسائل مهم اجتماعی و درحقیقت به‌کار گرفتن عبادت خداوند است در راه خدمت به امت.

وحدت مسلمین دارای چنان جایگاه برجسته‌ای نزد ائمه‌ی شیعه (ع) و مراجع تقلید است که به پیروانشان دستور می‌دهند که با اهل سنت و حتی پشت سر آن‌ها نماز جماعت به‌جا آورند (منادی امام راحل و مقام معظم رهبری در مناسک حج).

از دیگر زمینه‌های اعتقادی وحدت اسلامی، عبارت از گذشت از طرف مسلمانی در قبال مسلمانان دیگر است. هر مسلمانی باید، به اقتضای تکلیف دینی، خود را موظف به گذشت و اغماض در مقابل مسلمانان دیگر دانسته و بدین وسیله در راه تحکیم روابط با دیگران گام بردارد.

خلاصه این‌که برای ایجاد وحدت مسلمین باید نخست اختلافات کهن، که ریشه در غفلت و ناآگاهی مسلمین داشته و دارند، با تعمیم آگاهی و

گسترش معرفت اسلامی از میان رفته و پیوند برادری فراموش شده دیگر باره احیا شود. شرط بعدی در راه تحقق آرزوی اتحاد اسلام و برقراری وحدتی فراگیر در میان مسلمانان در این است که هر مسلمانی به جای پیروی از طاغوت‌ها، پیروی از دین و آیین آسمانی را شعار خود قرار داده و در راه اشاعه‌ی حقایق اصیل آن و افزایش آگاهی‌های اسلامی بکوشد تا از این طریق زمینه‌ی فکری و فرهنگی برای این منظور فراهم آمده و آمادگی برای از میان برداشتن موانع موجود ایجاد گردد.^۱

ریشه‌ی اختلاف کشورهای اسلامی

همان‌گونه که در مباحث پیشین بحث شد، مسأله‌ی وحدت و همبستگی در جهان اسلام سرگذشتی به درازای تاریخ اسلام دارد. کتاب آسمانی اسلام به شیوه‌ای گویا و به سبک‌های گوناگون اهمیت اتحاد مسلمانان را بیان کرده است. درجایی مسلمانان با ایمان را برادر خوانده، آشتی میان آنان را بایسته دانسته و در مواردی برادران اسلامی را از اختلاف و جدایی برحذر داشته است. علاوه بر قرآن مجید، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، سیره و روش پیشوایان دین و علما و دانشمندان اسلامی بر وحدت و یکپارچگی امت اسلامی تأکید داشته و به‌طورکلی اتحاد مسلمانان عقلاً و نقلاً از بدیهیات و ضروریات جامعه‌ی اسلامی بوده و هست.^۲

ولی به‌گواهی تاریخ این توصیه‌های قرآنی و تأکیدات پیشوایان دینی و علمی از همان نخستین روزهای رحلت پیامبر اسلام (ص)، با پیدایش ناهماهنگی‌ها و ناسازگاری‌های گروهی، قبیله‌ای و طبقه‌ای، به شیوه‌ای اثربخش

۱ - صفوی، سیدیحیی؛ «وحدت جهان اسلام؛ چشم‌انداز آینده»؛ دانشگاه اصفهان؛ اصفهان: کنگره‌ی بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام؛ ۲۲-۲۰ آذر ماه ۱۳۸۵.

۲ - عرب‌پور، محمود؛ «جمهوری اسلامی ایران و اتحاد سیاسی اسلام»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)؛ ص ۳۷.

به‌کار برده نشد. ستیزه‌گری‌ها و اختلافات پیش آمده در سقیفه‌ی بنی ساعده برای برگزیدن ابوبکر به‌عنوان جانشین پیامبر، در سال یازدهم هجری، کشته شدن عمر بن خطاب به‌دست ابولؤلؤ، در سال بیست و چهارم هجری، تشکیل شورای شش نفری به سفارش عمر برای برگزیدن عثمان به مقام خلافت، کشته شدن عثمان به دست مسلمانان، در سال سی و شش هجری، جنگ‌های گوناگون در روزگار خلافت حضرت علی بن ابی طالب (ع) و شهادت آن حضرت در اثر ضربی‌ی عبدالرحمن پسر ملجم مرادی، در سال چهل و یک هجری، همه نمونه‌هایی روشن از پیدایش شکاف‌هایی گسترده در پیکر جامعه‌ی متحد اسلامی، به‌خاطر فاصله گرفتن از تعالیم اصیل اسلامی و انحرافات وارده، است.

پیشینه‌ی تاریخی تفرقه در جهان اسلام

اولین مسأله‌ای که سبب بروز و علت بسیاری از اختلافات در میان مسلمین شد و آن‌ها را به دو جناح شیعه و سنی تقسیم کرد، موضوع خلافت و شرایط و ویژگی‌های خلفا یا کسانی بوده است که پس از پیامبر اسلام (ص) زمام امور مسلمانان را به‌دست گرفته‌اند.^۱

در نخستین ساعات پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، در سال یازدهم هجری، ابوبکر در جلسه‌ای که در سقیفه‌ی بنی ساعده تشکیل شده بود توانست نظر جمع را با خود همراه کرده و به جانشینی پیامبر اکرم (ص) برگزیده شود. پس از ابوبکر، عمر بن خطاب به وصیت ابوبکر به جانشینی وی برگزیده شد. به گفته‌ی نویسنده‌ی کتاب «ایران و جهان اسلام»، هر چند این دو از افراد برجسته‌ی مسلمان شدند، زمینه‌ساز آن‌چه برخی / اشرافی‌گری نو / اسلامی نامیده‌اند شدند و از مکیان وابسته به خاندان اموی، که در امور اداری و

نظامی کارشناس بودند، بهره بردند. ولی مسلم است که امویان از داشتن نقش‌هایی در آن چارچوب محدود خشنود نبودند و همواره در پی یافتن موقع و مقام و امتیازهای پیشین خویش بودند. با نشستن عثمان بر سریر خلافت راه برای خواهش‌های دیرین امویان، که بر پایه‌ی بت‌پرستی بنیاد شده و خواهان بازگشت به نظام پیشین بودند، هموار شد. اشرافی‌گری به رهبری معاویه نقشه‌ی قتل عثمان را کشید و گناهش را به گردن علی بن ابی طالب (ع) انداخت و دشواری‌های فراوانی از جمله مسأله‌ی حکمیت را در جنگ صفین، در روزگار خلافت علی (ع)، برای جامعه‌ی اسلامی فراهم آورد که بار دیگر باعث شق جامعه‌ی اسلامی و جدایی گروهی از مسلمانان از جمعیت اسلامی طرفدار امام علی (ع) گردید. بنی‌امیه با زمینه‌سازی‌های قبلی، در دوران خلفای سه گانه، بعد از شهادت حضرت علی (ع) حاکم شد و همراه با آن اشرافی‌گری، ارزش‌های جاهلی و تعصب‌های قومی و نژادی که از ریشه‌های تفرقه در جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌شوند، روی کار آمدند. در دوران خلافت بنی عباس (از سال ۱۳۲ ه. ق)، اگرچه قدرت خلافت عباسیان در یک دوره‌ی تقریباً صدساله‌ی اولیه، که اوج آن در روزگار خلافت هارون الرشید بود، از یک مرکزیت و وحدت نسبی سیاسی برخوردار بود، راه برای ایجاد تفرقه و تجزیه و یکپارچگی سیاسی امت اسلامی، بیش از گذشته، هموار گردید.

پیدایش حکومت مستقل اموی در اسپانیا نخستین شکاف بزرگی بود که بر دامن یکپارچگی امپراتوری اسلامی پدید آمد. مراکش و الجزایر را نیز ارارسه در دست گرفتند و چندی بعد خلافت فاطمی در مصر تأسیس شد و به تدریج حکومت‌های محلی منصوب از طرف خلیفه‌ی عباسی بنای سرپیچی از امر خلیفه را نهادند و وحدت سیاسی ناشی از نظام سیاسی متمرکز به این طریق، با رفع علت و تبدیل نظام به یک مجموعه‌ی غیرمتمرکز مرکب از

قدرت‌های محلی و منطقه‌ای، از بین رفت.^۱

همراه با این گسیختگی سیاسی، با ورود اندیشه‌های یونانی، ایرانی، هندی و فلسفه‌ها و آراء نو، تنوع و تلون عقیدتی، فکری و مذهبی نیز در سطح جامعه‌ی اسلامی پیش آمد و انواع مکتب‌های فکری، عقیدتی و فرقه‌های مذهبی متفاوت با یکدیگر نظیر معتزله، اشاعره، مذاهب گوناگون فقهی شکل گرفتند، تا این‌که به دستور خلیفه‌ی عباسی مذاهب اسلامی را به چهار مذهب اهل سنت برگردانده و آن‌ها را به رسمیت شناختند و از جمله تشیع و شیعیان را همانند، روزگار امویان، سرکوب ساختند. بدین‌سان، سنی‌گری به‌عنوان مذهب حاکم یا مذهب اکثریت مسلمانان در جهان اسلام استقرار یافت و در مقیاس محدود و معین از وحدت و هم‌سازی عقیدتی و مذهبی برخوردار گردید. ولی این هم‌سازی نسبی عقیدتی سنیان با وحدت سیاسی و نظامی دولتمردان و کشورداران هماهنگ نبود و با دگرگونی‌های یادشده، مقام خلافت به تدریج نیرو و نفوذ خود را از دست می‌داد و ناهم‌سازی‌های سیاسی و جنبش‌های استقلال‌خواهی در بسیاری از بخش‌های مهم امپراتوری عباسی‌ها، یکی پس از دیگری رخ نمود.

به هر حال، جهان اسلام در قرون اولیه‌ی هجری به‌خاطر تنوع حکام و سیستم قدرت سیاسی غیرمتمرکز و ناهماهنگی‌ها و عدم تجانس فکری، عقیدتی و مذهبی دچار هرج و مرج در سطحی گسترده شده بود، و همین امر زمینه‌ی مناسبی را برای هجوم صلیبیان به بلاد اسلامی فراهم کرد و فرانک‌ها از سراسر اروپا به سرزمین اسلامی از جمله بیت المقدس و انطاکیه حمله کردند.^۲ در واقع، روابط جهان مسیحیت با مسلمانان، از همان ابتدای ظهور اسلام،

۱ - قربانی، زین‌العابدین؛ «انگیزه‌های اختلاف و راه خلاصی از آن‌ها»؛ مکتب / سلام ؛ شماره‌ی ۱۲، سال ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۹۸.

۲ - همان.

رو به تیرگی رفت، به‌طوری که اسلام و مسلمین به‌عنوان دشمنان مسیحیان معرفی شدند! جامعه‌ی اسلامی‌ای که زمانی در اوج پیشرفت‌های علمی و فرهنگی بود و تا مرز وحدت در فرهنگ و تمدن پیش رفته بود، بر اثر جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی و تهاجم صلیبیان به رکود رسید. این رکود تمامی زمینه‌های فکری، فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان را، که پایه‌های پیشرفت مستمر تمدن اسلامی بودند، فراگرفت و منجر به ضعف مسلمانان شد.

بدین طریق، عالم اسلام به خواب غفلت فرو رفت و به تجهیز و تدارک اروپا و پیشرفت‌های صنعتی، علمی و نظامی آن‌ها توجهی نشد. در مقابل، با وقوع انقلاب صنعتی، ابتدا در انگلستان و سپس در سراسر جهان غرب، و تولید انبوه نظام سرمایه‌داری و در نتیجه نیاز به مواد خام ارزان و ایجاد گسترش بازارهای جهانی برای فروش محصولات تولید شده، استعمارگران را بر آن داشت که به شیوه‌ی جدیدی هدف ثابت و اساسی خود را که همانا عقب نگه‌داشتن جامعه‌ی اسلامی و محروم نمودن آن از وحدت و همبستگی بود مورد تعقیب قرار دهند.

به دلایل روشن تاریخی، عواملی که باعث پراکندگی و تشتت جامعه‌ی اسلامی گردیده و مسلمانان را به تعارض در حوزه‌ی مسائل دینی و اجتماعی کشیده‌اند، به دو گروه قابل تقسیم هستند: یک‌دسته عوامل درونی و دسته‌ی دیگر عوامل بیرونی تفرقه به‌شمار می‌روند. عوامل درونی علل و ریشه‌های اختلاف‌برانگیز و موجد تفرقه در درون جوامع اسلامی هستند ولی عوامل بیرونی، زمینه‌هایی از اختلاف هستند که از سوی نیروهای بیگانه در داخل جامعه‌ی اسلامی برانگیخته شده یا مستمسک قرار گرفته‌اند.^۱

۱ - دوست محمدی، هادی؛ «چرا اختلاف؟» و هم‌چنین نگاه کنید به اتحاد اسلامی؛ مکتب اسلام؛ سال دوم؛ شماره ۷.

علل درونی تفرقه در جهان اسلام

اولین مسأله‌ای که سبب تفرقه و شکاف میان مسلمین شده و منجر به تشکیل دو جناح شیعه و سنی در اسلام گردید، موضوع خلافت و شرایط و ویژگی‌های خلفا یا کسانی است که پس از نبی اکرم (ص) زمام امور مسلمین را در دست گرفته‌اند، از سویی دیگر اختلاف نظر فقهی توأم با خودرایی گروهی از دانشمندان قرون اولیه‌ی تاریخ اسلام و پیدایی آراء مختلف در جامعه‌ی اسلام و ظهور فرقه‌هایی چون اصحاب حدیث و اصحاب رأی، به‌وجود آمدن جریان‌های فکری و کلامی، نفوذ فرهنگ یونانی و فلسفه‌ی آن، و هم‌چنین کیفیت استنباط احکام و قوانین فرعی مذهبی که از لحاظ شیعه براساس قرآن، سنت، اجماع و عقل استوار است و نزد اهل سنت علاوه بر کتاب، سنت و اجماع بر قیاس مبتنی است، از عواملی هستند که میان مذاهب مختلف اسلامی فاصله ایجاد کرده و اختلاف رأی و نظر را میان متفکرین اسلامی به‌وجود آورده‌اند.^۱

در کل، مناقشات بین سنی و شیعه به اصول یا ضروریات دین مربوط نیست، ولی با گذشت زمان از نزاعی بر سر جانشینی پیامبر (ص) تغییر ماهیت داده، به مسائل فقه و الهیات کشیده و شکاف و شقاقی ایجاد کرده که می‌تواند لااقل غیرمستقیم بر عقاید و آراء اسلامی هم اثر سوء بگذارد.^۲

به‌قول سدیلو «اگر در آغاز کار اصل جانشینی تعیین شده‌ی حضرت علی (ع) به رسمیت شناخته شده بود، از بروز دعاوی مصیبت‌باری که اسلام را با خون مسلمانان رنگین ساخت، جلوگیری می‌شد.»

در یک جمع‌بندی مختصر علل درونی تفرقه‌ی مسلمین را می‌توان

۱ - عرب‌پور، محمود؛ «جمهوری اسلامی ایران و اتحاد سیاسی اسلام»؛ ص ۴۵.

۲ - سنبلی، نبی؛ جهان اسلام؛ «آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات»؛ مجله‌ی سیاست خارجی ؛ سال یازدهم؛ شماره‌ی ۴؛ ۱۳۷۶.

به صورت زیر بیان کرد:

الف) به نظر می‌رسد نخستین مانع در راه وصول به وحدت، اختلاف و تعدد مذاهب و عصبیت‌های مذهبی باشد. در حال حاضر، مسلمانان به دو دسته‌ی کلی تقسیم شده‌اند؛ اهل سنت و تشیع که اختلاف اصلی میان آن دو، مسأله‌ی خلافت است. هر یک از این دو دسته براساس روش‌ها و مسلک‌های کلامی، فقهی و اخلاقی متفاوت به دسته‌ها و گروه‌های گوناگون و متنوعی تقسیم می‌شوند. کسانی که اختلاف و تعدد مذاهب را مانع وحدت اسلامی می‌دانند، درگیری‌ها، جنگ‌ها و خونریزی‌هایی را که در طول تاریخ میان این فرقه‌ها رخ داده و صفحات تاریخ را، مانند صحنه‌های نبرد، رنگین نموده است، شاهد می‌آورند.

اختلافات مذهبی و مسلکی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ دسته‌ی اول، آن قسم که ریشه‌ی سیاسی دارند یعنی برداشت خاصی از سیاست و حکومت باعث به وجود آمدن آن مذاهب گردیده است؛ نظیر خوارج و مذهب اسماعیلی که بر چنین پایه‌ای استوار هستند.

دسته‌ی دوم، اختلافاتی که صرفاً ریشه‌ی عقیدتی، فکری و سلوک اخلاقی دارند. بحث‌های فقهی و کلامی اگر صرفاً متکی به دلیل و برهان و استدلال و اجتهاد باشد، نه تنها عامل تفرقه و منافی وحدت نیستند، بلکه یک نوع تعاون و تعاضد فکری در رسیدن به حقایق تفصیلی مندرج در اصول کلی و قطعی اسلام هستند. این قبیل اختلاف نظرات، هیچ‌گاه، به‌خودی خود، به بدبینی و عداوت یا جنگ و درگیری نمی‌انجامد، چرا که از قبیل اختلاف متخصصان و صاحب‌نظران در علوم و فنون مختلف است.

اما اختلافات دسته‌ی نخست که عامل مذهب به عامل سیاست تبدیل شده، از عوامل قطعی تفرقه است. هم‌چنان‌که در اعصار مختلف تاریخ اسلام

می‌بینیم، هر جا که عصبیت‌های مذهبی فرقه‌ها و گروه‌های مختلف نسبت به یکدیگر به وجهی صبغی سیاسی داشته‌اند، منجر به جنگ و خونریزی گردیده است. متأسفانه، این تعصب‌های مذهبی، در طول تاریخ، باعث تشّت و تفرقه میان اعضای خانواده‌ی اسلام شده و با گذشت زمان شکاف فکری و اعتقادی موجود در بین گروه‌های اسلامی را زیادتر کرده است.

ب) جهل متقابل بالای عمده و ریشه‌ی همه‌ی بدبختی‌ها، دشمنی‌ها و تفرقه‌هاست. در واقع، جهل و عدم شناخت مسلمانان نسبت به هم و اسلام راستین، جهل به عقاید، احکام، مذاهب اسلامی و غیره است. احمد حسن الباقوری، از علمای اهل سنت، ریشه‌ی اختلاف شیعه و سنی را عدم شناخت آن‌ها نسبت به هم می‌داند و می‌گوید: “اختلاف و تفرقه‌ی بین شیعه و سنی براساس عدم شناخت هر یک از دو گروه نسبت به دیگری بنا شده است؛ تا آن‌جا که هیچ یک از پیروان یک مذهب نسبت به نظریات و احکام مذهب دیگر هیچ اطلاعی ندارند.”

ج) پخش و جعل اتهامات یا اکاذیب و تبادل القاب و اوصاف نادرست که از قدیم در بین مذاهب اسلامی رواج داشته، حقیقتی را در بین آن‌ها تغییر نمی‌دهد، بلکه باعث کدورت و دشمنی بیش‌تر می‌شوند. عنوان‌هایی هم‌چون رافضی، ناصبی و جبری که میان شیعه و اهل سنت یا معتزله و اشاعره رد و بدل می‌گردید، از این قبیل بود و پیروان هر مذهب آن را یک نوع ناسزا و اهانت نسبت به خود می‌دانستند.

د) جنبه‌های ناسیونالیستی و عصبیت‌های قومی، غیر از تعصب‌های اعتقادی و جمود فکری گروهی از فرق اسلامی، از دیگر عوامل مؤثر در تفرقه‌ی امت اسلامی بوده‌اند. عصبیت‌های قومی و نژادی، خصوصاً موضوع عربیت، به قرون اولیه‌ی اسلامی، و به روزگاری که

زمانداران جامعه‌ی اسلامی خلفای بنی‌امیه و عباسی بودند، می‌رسد. متأسفانه، از هنگام خلافت معاویه و امویان پس از او، به تدریج تعصب قوم‌گرایی، که از افکار ایام جاهلیت بود، به صورت‌های مختلف شروع به خودنمایی کرده است.

ابتدا، تحت عنوان «موالی»، ایرانیان و سایر افراد مسلمان غیرعرب را از عرب جدا کردند و آن‌ها را در مقام پست‌تری قرار دادند.

تعصب قومی به شیوه‌ی بنی‌امیه‌ای و برخی از دیگر دولت‌های اسلامی یا ملی‌گرایی، بدان‌گونه که در عصر حاضر به القای استعمار یا به تقلید از غرب در بین ملل اسلامی در حال گسترش است، به‌طور حتم، یکی از علل عمده‌ی تفرقه و جدایی بین مسلمانان است. در حال حاضر، تظاهرات و جنبه‌های ملی‌گرایی شایع در میان مسلمانان باعث غربت، بیگانگی و شکاف بین دولت‌های اسلامی و یک‌میلیارد و چند صدمیلیون مسلمان شده است.

هر انحطاط اخلاقی و سقوط در پرتگاه بی‌بندوباری، نکته‌ی دیگری است که تاکنون در ارتباط با تضعیف و تفرقه‌ی جوامع اسلامی و دور شدن آنان از مرز وحدت و اتحاد مؤثر بوده است.

دنباله‌روی و تقلید کورکورانه از مظاهر تجدد، مرعوب شدن در برابر ایسم‌های گوناگون برخاسته از مکتب‌های الحادی و مادی، و سوء تفاهم روشنفکران غرب‌زده یا شرق‌زده‌ی مسلمان از مفهوم دیانت راستین، همه از عوامل مؤثر بر تفرقه هستند.

از دیگر علل و ریشه‌های داخلی تفرقه می‌توان به اختلاف‌ها و ادعاهای مرزی میان اکثر کشورهای اسلامی، اختلافات مسلکی سیاسی یا وابستگی باطنی اغلب کشورهای اسلامی به قدرت‌های بیگانه، توسعه‌طلبی‌های نظامی و سیاسی و اختلاف سطح درآمدها در کشورهای مختلف اسلامی اشاره کرد.

علل بیرونی تفرقه در جهان اسلام

مطالعه‌ی تاریخ اسلام برای هر خواننده‌ی منطقی این نتیجه را به‌دنبال خواهد داشت که در پی خاموش کردن نور اسلام همه‌ی قدرت‌های منحرف و همه‌ی صفوف شرک و الحاد دست به دست هم دادند و برای مسلمانان مصیبت‌ها آفریدند. کوشش استعمارگران در راه نیل به اهداف استعماری آن‌ها به‌صورت جنگ فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی بوده است.^۱

تباجم سیاسی - فرهنگی به‌منظور فروپاشی قدرت اسلام

دشمنان مسلمین برای درهم ریختن باورهای ایمانی مسلمین و زیردست ساختن ملت‌های اسلامی کوشش بسیار کرده تا به دست عوامل خود در دل اسلام رخنه کنند. نخستین کوشش در این راه، سست کردن پیوندهای توده‌های مسلمان یا سنت اسلامی بوده است. آن‌ها برای این‌که سنت اسلامی را متزلزل کنند، کوشیده‌اند تا فرهنگ اسلامی را تحقیر کنند و بی‌اهمیت جلوه دهند. در دشمنی با اسلام و مهجور ساختن قرآن، در چگونگی رفتار فرد مسلمان، آداب معاشرت، مسائل خانوادگی، روابط و پوشش و امثال این امور، از راه‌های گوناگون و با عنوان‌های «تجدد» و «تمدن» دخالت کرده و مسلمانان را از هر جهت از سلاح نیرومند سنت اسلامی، خلع کردند.^۲

از جمله مهم‌ترین تمهیدات آن‌ها این بود که کوشیدند تا رابطه‌ی فرهنگی امت‌های مسلمان را با خود اسلام سست یا قطع کنند، و متأسفانه با تخطئه و تحقیر سنت‌های فردی و اجتماعی اسلام، و هم‌چنین تضعیف زبان‌های اسلامی، قدم‌های بزرگی در این راه برداشته‌اند. آن‌ها در این راه به دو صورت

۱ - عرب‌پور، محمود؛ «جمهوری اسلامی ایران و اتحاد سیاسی اسلام»؛ ص ۵۲.

۲ - همان؛ ص ۵۲.

عمل کردند:

یکی، پیوندگسلی درونی که از این راه کوشیدند تا پیوندهای اسلامی افراد و طبقات یک جامعه را از درون آن سست کنند و دیگری پیوندگسلی برونی که سعی‌شان بر این بود از این راه عوامل پیوند جوامع اسلامی را با یکدیگر سست کنند.^۱

هدف استعمار برای تسلط بر مناطق راهبردی جهان در برگیرنده‌ی سرزمین‌های اسلامی نیز شد و تلاش برای تسلط بر این سرزمین‌ها، به‌ویژه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، با حضور مستقیم دولت‌های استعمارگر غربی، به‌ویژه انگلستان، در سرزمین‌های مسلمانان همراه گردید. تلاش برای ایجاد تفرقه از جمله سیاست‌های انگلستان در نواحی تحت استعمار مستقیم یا غیرمستقیم خود بود و بر همین اساس به تشت و تفرقه‌ی بین مسلمانان دامن می‌زد؛ سیاستی که پس از بریتانیا جانشین وی، ایالات متحده، نیز در اشکال نوین خود آن را به‌کار می‌برد. منضوری در مقاله‌ی خود اهداف استعمار را از این سیاست‌ها این‌گونه خلاصه می‌کند:

- هرگونه پتانسیل تکوین قدرت جدید و شکوفایی یک تمدن و دولت مقتدر که ممکن است به تهدیدی برضد تمدن سرمایه‌داری غرب مبدل شود، از میان می‌رود.
- با ایجاد تنش‌ها و جنگ‌های داخلی میان خرده ملت‌ها یک یا چند خوراک مصرفی برای صنایع تسلیحاتی و دستگاه‌های تبلیغاتی، امنیتی و نظامی خود ایجاد می‌کنند.
- با صرف هزینه‌ی کم‌تر و سهولت بیش‌تر می‌توانند سلطه و سیطره‌ی خود را بر این خرده ملت‌های مصنوعی بگسترانند و با عنوان «احیای حقوق قومی و منطقه‌ای» و دستیابی به آن، در لوای اعطای وام و

- کمک‌های فنی، سیاسی و اقتصادی، زمینه‌ی مناسب‌تری را برای ارسال مازاد سرمایه و کالاهایشان فراهم کنند.
- در عرصه‌ی دیپلماسی بین‌المللی نیز حضور این خرده ملت‌ها در صحنه‌ی مجامعی چون سازمان ملل و شورای امنیت، در نهایت، به نفع آمریکا و دولت‌های غربی است و امنیت اسرائیل نیز در منطقه‌ی خاورمیانه بهتر تضمین می‌شود.
- طرح برنامه‌های گوناگون پرورشی و تبلیغاتی و ایجاد سازمان‌های استعماری (فرهنگی) به منظور جدایی افکندن میان اسلام و مسلمین و سوق دادن آنان به سمت انحراف.
- ایجاد توطئه علیه قرآن و زبان قرآن و زبان‌های متداول در میان کشورهای اسلامی و کوشش در جهت تحمیل زبان و دیگر ویژگی‌های تمدن غربی.
- دامن زدن به آتش تعصبات مذهبی، ملی و قبیله‌ای در میان مسلمین.^۱ مؤلفین عرب کتاب «نقش کلیسا در ممالک اسلامی» درباره‌ی نهضت پان عربیسم در ممالک عرب می‌نویسند: «چون استعمارگران نتوانستند به هدف خود برسند، به فکر مسأله‌ی عربیت افتادند و فکر پان عربیسم را به وجود آوردند تا به وسیله‌ی تحریک نژاد عرب، نهضت پان اسلامیسم را سرکوب کنند».

رژیم صهیونیستی دشمن وحدت مسلمین

شاید بتوان از مهم‌ترین عوامل پراکندگی و تفرقه‌ی کشورهای اسلامی، به پدیده‌ی صهیونیسم و تشکیل دولت غاصب رژیم صهیونیستی اشاره نمود. از آغاز شکل‌گیری، رژیم صهیونیستی در صدد تفرقه میان کشورهای اسلامی به‌ویژه عربی بوده و تاکنون با موفقیت توانسته است با حمایت غرب و قرارداد

صلح دوجانبه با مصر، قدرتمندترین کشور عربی، تفرقه‌اندازی کند. مصر همکاری سودان را در این سیاست‌ها کسب کرده است؛ اردن حالت بی‌طرفی گرفته است؛ سوریه مرعوب شده است و بقیه‌ی کشورهای عربی هرکدام به‌نحوی از صحنه خارج شده‌اند. این امر رژیم صهیونیستی را یک عامل در تمام منطقه ساخته است. در این باره سه نکته قابل بحث است که مؤید نظر ماست:^۱

۱ - *نحوه‌ی پیدایش اسرائیل*: اگرچه انگیزه‌های تأسیس کشوری یهودی

با توجه به پیشینه‌ی روانی یهودیان، کم و بیش در تمام یهودیان وجود داشته و دارد، با این حال، موانع بسیاری فرا روی آن‌ها بوده است. از یک‌سو، گروه عظیمی از یهودیان طرفدار اندیشه‌ی جذب یهود در ملل گوناگون بوده‌اند و از سوی دیگر، شرکت یهودیان روشنفکر در بنای سوسیالیسم و انقلاب‌های اجتماعی، علیه استعمار قرن نوزدهم، هرگونه روندی را حرکتی انحرافی می‌دانست و مهاجرت به فلسطین را تلاشی ارتجاعی و فرار از جبهه‌ی جنگ طبقاتی معرفی می‌کرد. عامه‌ی یهودیان نیز بر اثر تبلیغات رهبران مذهبی به یهودیت به‌عنوان یک ایمان باطنی عادت کرده‌اند و تمام مصائب وارده را در جهت رشد معنوی و تقرب به درگاه خداوندی تحمل می‌کنند و ایده‌های مادی‌گرایانه‌ی مربوط به تشکیل وطن ملی یهود را نوعی الحاد می‌شمروند. در کل، وجود این موانع جنبش صهیونیسم را به بن بست کشاند.

۲ - *نقش غرب در تشکیل اسرائیل*: در تشکیل دولت اسرائیل، در سرزمینی

که هزاران سال اعراب ساکن آن بوده‌اند، دولت‌های بزرگ هر یک نقشی را به‌عهده داشته و دارند و با توجه به منافع اقتصادی و سیاسی

خود همواره سعی کرده‌اند از قوای متشکله‌ی این ملت استفاده کنند. در قرن هجدهم، وقتی که پذیرش یهودیان در کشورهای جدید ملی اروپا دچار اشکال شد، ناپلئون از یهودیان خواست زیر پرچم او جمع شوند و اورشلیم قدیم را به‌دست آورند.

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، انگلیسی‌ها با صراحت بیش‌تری موضوع مهاجرت و اسکان یهودیان را در فلسطین عنوان کردند که از آن جمله می‌توان به سخنان «جرج گاولو» در پارلمان انگلیس اشاره کرد؛ وی طی نطقی در مجلس عوام گفت که عنایت پروردگار سوریه و مصر را درست در بین راه انگلستان و مهم‌ترین نواحی مستعمراتی و تجارت خارجی یعنی هندوستان، چین و استرالیا قرار داده و ما را ملزم به بذل مساعی برای بهبود وضع این منطقه می‌کند. مهم‌ترین مسأله‌ای که در این‌جا باید به آن اشاره کرد مربوط به یک کنفرانس بزرگ اروپایی است که در سال ۱۹۰۷ میلادی برگزار شد. در این کنفرانس که با شرکت عده‌ای از اندیشمندان و سیاستمداران اروپایی تشکیل شده بود و وزیر امور خارجه‌ی انگلستان ریاست آن را برعهده داشت، خطرات احتمالی که تمدن غرب را تهدید می‌کند مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت به این نتیجه رسیدند که مسلمانان بزرگ‌ترین خطر برای تمدن غرب هستند. بنابراین، شرکت‌کنندگان در کنفرانس تصمیم گرفتند که نقشه‌ای برای جلوگیری از اتحاد و همبستگی کشورهای اسلامی، خصوصاً در خاورمیانه، طرح‌ریزی کنند. آن‌ها تصمیم گرفتند که برای جلوگیری از این خطر یک کیان در شرق کانال سوئز به‌وجود آورند که با اعراب و مسلمانان دشمن است و کشورهای عربی را از هم جدا می‌کند و بدین‌سان دولت انگلستان اصول همکاری و هم‌پیمانی با صهیونیسم بین‌الملل را برای تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین پی‌ریزی کرد.

از دیگر اقدامات دولت انگلستان در راستای تشکیل دولت رژیم

صهیونیستی، انتشار «اعلامیه‌ی بالفور» بود که با همه‌ی ابهاماتی که در آن به چشم می‌خورد به بهترین وجه مورد بهره‌برداری صهیونیست‌ها قرار گرفت و آن را به‌عنوان موافقت دولت انگلیس با تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین تلقی کرده و بر تلاش خود در راه تشویق یهودیان برای مهاجرت به فلسطین افزودند.

فروریختن امپراتوری عثمانی در پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۹)، اشغال فلسطین توسط انگلستان، تشدید موج یهودآزاری در اروپا، و به راه انداختن ماشین تبلیغاتی به‌منظور برانگیختن احساسات یهودیان و اروپاییان برای حمایت از آن‌ها، تأسیس دولت تجاوزپیشه و غیرقانونی رژیم صهیونیستی را تسریع کرد. حکومت رژیم صهیونیستی در روز ۱۴ مه سال ۱۹۴۸، هم‌زمان با خروج آخرین سربازان انگلیسی از فلسطین، پا به عرصه‌ی وجود نهاد. در رابطه با نقش آمریکا در تشکیل دولت صهیونیستی باید گفت «ترومن»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، نه تنها ارتش آمریکا را برای استقرار حکومت رژیم صهیونیستی به فلسطین فرستاد، حتی روز اعلام تشکیل دولت رژیم صهیونیستی نیز با نظر آمریکا تعیین شد و اخبار مربوط به تشکیل این دولت و شناسایی آن از طرف آمریکا، هم‌زمان در روز ۱۴ مه سال ۱۹۴۸ انتشار یافت.

۳ - انگیزه‌های تأسیس اسرائیل: تأسیس اسرائیل از چند نظر مورد توجه اروپاست:

- الف) خروج یهودیان از اروپا و کاهش نفوذ آن‌ها؛
- ب) ایجاد دشمنی برای وحدت شرق؛
- ج) قیام یهودیان علیه اعراب و مسلمانان از مرکزیت قوی خود و ایجاد اضطراب‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی و در نتیجه ایجاد میدان میانجی‌گری برای اروپا و درنهایت تسلط غرب بر هر دو طرف؛

- (د) جنگ سیاسی، اقتصادی و نظامی برای ازهم پاشیدن امت اسلامی و تجزیه‌ی آن به کشورهای گوناگون؛
- علاوه بر آنچه گفته شد، به‌طور خلاصه، بعضی دیگر از تلاش‌های غرب در جهت تشتت جوامع اسلامی را می‌توان چنین برشمرد:
- کوشش برای ازهم فروپاشیدن قدرت رهبری اسلامی و چیره ساختن عوامل وابسته به غرب در کشورهای اسلامی؛
 - جداکردن افراد تحصیل کرده از علما و دانشگاه‌های دینی و کوشش در جهت برچیدن دانشگاه‌های اسلامی؛
 - جلوگیری از وحدت طبیعی بازارهای اقتصادی در میان کشورهای اسلامی؛
 - پیوند جریان اقتصادی کشورهای اسلامی به‌طور جداگانه و به اشکال گوناگون به بازارهای استعماری از طریق پیمان‌های اقتصادی، سیستم‌های بانکداری و ...؛
 - ایجاد مانع در طریق پیشرفت نیروی انسانی و اقتصادی مسلمانان و جذب نیروهای ماهر و متخصص آن‌ها؛
 - تجزیه‌ی قدرت نظامی مسلمانان و مرتبط ساختن شاخه‌های نظامی آن‌ها به ارتش‌های استعماری از طریق اعطای سلاح و آموزش‌های نظامی؛
 - تأسیس پایگاه‌های نظامی در نقاط مختلف کشورهای اسلامی و حضور نیروهای نظامی بیگانه در هوا و دریا به‌منظور تهدید مسلمانان.

فصل دوم

جهان اسلام: قلمرو موضوعی و مفهومی

فراهم نمودن زمینه‌های مفهومی و اجرایی وحدت جهان اسلام ایجاب می‌کند در گام نخست به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که چه کشورهایی در زمره‌ی کشورهای مسلمان به‌شمار می‌روند؟ یا به‌عبارتی، گونه‌شناسی کشورهای اسلامی^۱ از چه خاستگاه‌های نظری و مفهومی تبعیت می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال رویکردهای نظری مختلف و متنوعی وجود دارد. به لحاظ اهمیتی که این مقوله در تدوین شالوده، صورت‌بندی و ساختار این مطالعه دارد، ضروری است، با توجه به بضاعت‌های علمی، فکری، تحقیقاتی و مطالعاتی موجود، آراء و نظرات مختلفی را که در این خصوص وجود دارد مورد نقد و بررسی قرار دهیم تا در پایان به نتیجه‌گیری مطلوبی منتهی شود. در مجموع، شناسایی کشورهای اسلامی از دو رویکرد و خاستگاه حقوقی و فقهی قابل تبیین است؛ یکی رویکرد حقوقی و دیگری رویکرد فقهی.

رویکرد حقوقی

حقوقدانان با تکیه بر انگاره‌ها و آموزه‌های حقوقی در پاسخ به این سؤال که اساساً چه کشوری را می‌توان اسلامی و چه کشوری را غیراسلامی خواند، پاسخ‌های متفاوت و گاه متعارضی را مطرح نموده‌اند. عمید زنجانی در یک مطالعه‌ی جامع تلاش کرده است نقاط افتراق و اشتراک این رویکردها را

بررسی و در نهایت یک جمع‌بندی مورد اجماعی را ارائه دهد.^۱ به نظر عمید زنجان، کشورهای اسلامی، امروزه، به سرزمین‌هایی اطلاق می‌شود که مذهب رسمی آن‌ها اسلام و اکثریت سکنه‌ی آن مسلمان هستند و به همین لحاظ می‌توان آن را با مفهوم «دارالاسلام» متقارب شمرد. گرچه فقها در تفسیر دارالاسلام، نظریات متعدد و متفاوتی را ذکر کرده‌اند ولی جامع‌ترین تعبیر با تفسیر فوق تشابه بسیار دارد. دارالاسلام در اصطلاح فوق به سرزمینی اطلاق می‌شود که احکام اسلام در آن جاری و عمل می‌شود و حاکمیت قضایی اسلام محترم است.^۲

مفهوم دیگری که با مفهوم «کشورهای اسلامی» نزدیک است، «جهان اسلام» است. اما نکته‌ی قابل ذکر این است که امروزه مفهوم کشورهای اسلامی دارای مفهومی خاص‌تر از جهان اسلام است، زیرا جهان اسلام به کلیه‌ی سرزمین‌هایی گفته می‌شود که تعداد قابل توجهی از مسلمانان به‌صورت بومی در آن‌جا زندگی می‌کنند؛ برای مثال، آلمان که در آن بیش از چند میلیون مسلمان زندگی می‌کنند جزئی از جهان اسلام به‌شمار نمی‌رود، ولی تعدادی از کشورهای افریقایی مانند **مالاوی** (با بیش از ۳۰ درصد مسلمان)، **بنین** با بیش از ۱۳ درصد مسلمان، **ساحل عاج** (با بیش از ۲۳ درصد مسلمان) و **کامرون** (با بیش از ۱۷ درصد مسلمان) جزئی از جهان اسلام به‌شمار می‌آیند. هم‌چنین بخش عظیمی از کشور اتحاد جماهیر **شوروی** سابق را، که اهالی بومی آن سرزمین‌ها (جمهوری‌های) مسلمان هستند، باید در زمره‌ی جهان اسلام به‌شمار آورد.^۳

۱ - زنجان، عمید؛ «حقوق اساسی تطبیقی؛ حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی»؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴.

۲ - همان، ص ۲۳۴.

۳ - همان، ص ۲۳۴.

کشورهایی که در سراسر جهان محل سکونت اقلیت‌های غیربومی مسلمان هستند و همچنین سرزمین‌هایی که محل سکونت اقلیت‌های کوچک مسلمان بومی هستند، جزئی از جهان اسلام به‌شمار نمی‌آیند، ولی جزئی از امت اسلامی محسوب می‌شوند. مفهوم سیاسی «امت اسلامی»، به دلیل وابستگی ایدئولوژیکی همه‌ی مسلمانان جهان، شامل کلیه‌ی مسلمانانی می‌شود که در سراسر جهان به‌طور بومی یا غیربومی و اقلیت یا اکثریت زندگی می‌کنند.^۱

«کشورهای اسلامی» را می‌توان به لحاظ نقشی که مسلمانان در حاکمیت دولت‌ها دارند نامی مناسب دانست، چنان‌که «جهان اسلام» را نیز می‌توان مجموعه سرزمین‌هایی که محل سکونت مسلمانان است ملحوظ نمود و «امت اسلامی» را هم به لحاظ وحدت ایدئولوژیکی، معیار شمول این نام نسبت به کلیه‌ی مسلمانان جهان دانست. کشورهای اسلامی در حقیقت نام متناسب با جغرافیای سیاسی است، در حالی که جهان اسلام مفهوم جغرافیای عقیدتی را در بر می‌گیرد.^۲

بر این اساس، در چارچوب رویکرد حقوقی، کشورهای اسلامی را می‌توان در آسیا شامل کشورهای ایران، اردن، سوریه، عراق، عربستان سعودی، فلسطین، عمان، قطر، کویت، لبنان، مالزی، جمهوری عربی یمن و در آفریقا شامل کشورهای الجزایر، بنین، تانزانیا، تونس، چاد، ساحل عاج، سنگال، سودان، سومالی، کامرون، لیبی، گینه بیسائو، مالاوی، مالی، مراکش، مصر، موریتانی و نیجریه دانست.

اما جهان اسلام از نظر جغرافیایی شامل سرزمین‌های وسیع‌تری می‌شود که بدنه‌ی اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع شده

۱ - همان؛ صص ۲۳۵-۲۳۴.

۲ - همان؛ صص ۲۳۵-۲۳۴.

و تا جنوب غربی و شمال شرقی آسیای مرکزی امتداد می‌یابد و واحدهای کوچک‌تری چون آلبانی را نیز شامل می‌گردد و در اقیانوس هند، بنگلادش و بخش بزرگی از هند و سراسر پاکستان و شبه جزیره‌ی مالاکا و جزایر مالدیو، سوماترا، جاوه، برونئی، گینه نو و میندانائو را در بر می‌گیرد و شامل قسمت عمده آسیا و آفریقا و بخشی از اروپا می‌شود.^۱

جهان اسلام، با بیش از ۳۱ میلیون کیلومتر مربع، بالغ بر یک پنجم مساحت خشکی‌های زمین را در بر می‌گیرد که از این لحاظ ارتباط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه را برقرار می‌سازد و وجود آلبانی در مدخل راه دریایی آدریاتیک و نیز وجود خلیج فارس و دریای عمان و بنگلادش در رأس خلیج بنگال و نیز موقعیت جزایر مالدیو و لاکدیو در اقیانوس هند، که آن‌ها را به‌صورت یک دیدبانی طبیعی بر قسمت عمده‌ی اقیانوس درآورده است، می‌تواند دلایلی بر اهمیت راهبردی کشورهای اسلامی باشد.

گونه‌شناسی کشورهای اسلامی بر اساس حقوق اساسی و نظام سیاسی

یکی از معیارهای حقوقی برای گونه‌شناسی کشورهای اسلامی «حقوق اساسی» و «نظام سیاسی» حاکم بر این کشورهاست. بر این اساس می‌توان کشورهای اسلامی را به چند گونه طبقه‌بندی نمود:

با معیار قرارداد **تقسیم‌بندی قاره‌ای**، کشورهای اسلامی را به لحاظ آسیایی و آفریقایی بودن آن‌ها تقسیم کرده‌اند. بر این اساس می‌توان حقوق اساسی کشورهای آسیایی را در یک‌جا و حقوق اساسی کشورهای قاره‌ی آفریقا را در گروه دیگر مورد بررسی قرار داد؛ ولی این تقسیم‌بندی که صرفاً به لحاظ قاره‌ای و جغرافیایی است، از آن‌جا که تأثیری در نوع رژیم‌های سیاسی

کشورهای اسلامی ندارد، نمی‌تواند ملاک تقسیم‌بندی منطقی باشد.^۱

گروه‌بندی کشورهای اسلامی به لحاظ زبان و بررسی کشورهای عربی و غیرعربی در دو گروه متمایز نیز، از آن‌جا که تأثیری در نوع رژیم سیاسی ندارد، نمی‌تواند به‌عنوان معیار جداکننده مورد استفاده قرار گیرد.

از آن‌جا که در برخی از کشورهای اسلامی اسلام به‌عنوان دین رسمی در قانون اساسی به صراحت ذکر شده می‌توان از این ملاک در تقسیم‌بندی کشورهای اسلامی استفاده نمود، ولی دین رسمی، مانند مذهب شناسنامه‌ای، نمی‌تواند تأثیری در نوع رژیم سیاسی داشته باشد، می‌توان به‌جای تقسیم‌بندی به لحاظ دین رسمی، حاکمیت اسلام و قوانین آن را به‌عنوان منبع حقوقی نظام‌های سیاسی در گروه‌بندی کشورهای اسلامی مبنا قرار داد.

از سوی دیگر، مشکل این تقسیم‌بندی هم آن است که در قانون اساسی عده‌ای از کشورهای اسلامی اسلام به‌عنوان منبع حقوقی به صراحت ذکر شده و قوانین اسلامی یکی از منابع حقوقی است که آن هم در عمل جز در محدوده اندک به اجرا در نیامده است.^۲

حقیقت آن است که صبغۀ اسلامی نظام‌های سیاسی در کشورهای اسلامی گاه به اندازه‌ای کم‌رنگ است که اطلاق عنوان اسلامی بر آن‌ها خالی از اشکال نیست. تفاوت نظام‌های سیاسی در کشورهای اسلامی به لحاظ مدل‌های موجود در جهان، که به‌وسیله‌ی آن نظام‌های سیاسی دیگر کشورها تقسیم‌بندی می‌شوند، می‌تواند معیار طبیعی گروه‌بندی کشورهای اسلامی قرار گیرد. به‌عنوان مثال، می‌توان کشورهای اسلامی را بر حسب نظام سیاسی به جمهوری، سلطنتی و پارلمانی تقسیم نمود و کشورهای امیرنشین را نیز در این تقسیم‌بندی در رده‌ی نظام‌های سلطنتی به‌شمار آورد. اما در این گروه‌بندی باید

۱ - همان؛ ص ۲۳۶.

۲ - همان؛ ص ۲۳۶.

میزان تأثیر دیدگاه سوسیالیستی، اسلامی و ناسیونالیستی را نیز از نظر دور نداشت و به همین دلیل می‌توان کشورهای اسلامی را از نظر رژیم سیاسی حاکم بر آنها به ترتیب دیگری به قرار زیر گروه بندی نمود:^۱

الف) کشورهایی که دارای نظام سیاسی با گرایش اسلامی هستند.

ب) کشورهایی که نظام سیاسی آنها با گرایش سوسیالیستی است.

ج) کشورهایی که در نظام سیاسی آنها بنیاد ناسیونالیستی بیش‌ترین نقش را بر عهده دارد.

د) کشورهایی که دارای رژیم‌های غرب‌گرا و با گرایش لیبرالیسم

سرمایه‌داری هستند. البته این مدل زیاد دقیق نیست، زیرا برخی از

کشورهای اسلامی در عین این‌که نظام سیاسی آنها بر پایه‌ی

ناسیونالیسم است، غرب‌گرا بوده و دارای گرایش سرمایه‌داری نیز هستند.

در شرایط جهانی شدن یا جهانی‌سازی امروز کشورهای اسلامی می‌توانند

دارای نقش مؤثری باشند و در جابه‌جایی قدرت در روابط بین‌الملل سهیم

باشند. بررسی حقوق اساسی کشورهای اسلامی می‌تواند راه را برای این ایده

فراهم سازد که کشورهای اسلامی، با وجود این همه اختلاف در ساختار نظام

سیاسی حکومت و نقش‌آفرینی مردم در قدرت سیاسی، چگونه می‌توانند به

یکدیگر نزدیک شده و از قدر مشترک‌ها، که عمده‌تاً در اندیشه‌ی سیاسی اسلام

نهفته است و در گروه تفسیرهای فقه سیاسی است، میثاق واحدی را برای

وحدت جهان اسلام یا اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی به‌وجود آورند و راهبرد

واحدی را در قبال تهاجم غرب و نفوذ رو به ازدیاد آن فراهم سازند و نقش

جهان اسلام را در معادلات قدرت در روابط بین‌الملل به جایگاه مناسبش ارتقا

دهند.

به‌طور کلی، از نظر حقوقی، اسلامی بودن نظام سیاسی در کشورهای اسلامی معاصر براساس یکی از شاخص‌ها و معیارهای زیر قابل بررسی است:^۱

- اعتقاد اکثریت مردم کشور به مبانی اعتقادی و آیین مقدس اسلام؛
- تصریح به رسمیت آیین اسلام در قانون اساسی به‌عنوان دین رسمی کشور؛

- تصریح به تعهد نسبت به احکام اسلام در قانون اساسی؛
- اظهارات رسمی مسئولان در مورد تلاش برای استقرار نظام اسلامی؛
- آوردن اصلی حاکی از اجرای احکام اسلامی توسط دولت؛
- ذکر قرآن و سنت به‌عنوان منابع قانون‌گذاری در قانون اساسی؛
- شرط مسلمان بودن مسئولان سطح بالا و مقامات بلند پایه‌ی کشور؛
- رعایت اصول امامت یا خلافت و بیعت؛
- انتصاب مشروعیت نظام به امور شرعی که به‌نحوی در مذاهب اسلامی از مقبولیت برخوردار است؛
- رعایت شعائر اسلامی توسط اکثریت مردم یا دولت به‌صورت التزام؛
- التزام قانونی در مورد سوگند یاد کردن مسئولان با عبارت مقبول اسلامی؛

- تصریح به لزوم انطباق همه‌ی قوانین و مقررات رسمی و لازم‌الاجرای کشور با موازین فقهی معتبر اسلامی آن‌چنان‌که در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدان تصریح شده است. حال، قانون اساسی برخی از کشورهایی را که برحسب یکی از شاخص‌ها و معیارهای فوق متناسب به اسلامی بودن هستند مورد بررسی قرار می‌دهیم:

قانون اساسی مصر: در مقدمه‌ی قانون اساسی: ما همه‌ی مردم مؤمن با

اعتقادی مستمر و خاطری مطمئن و ایمانی عمیق، ما همه‌ی مردم مصر، با نام خداوند و به یاری خداوند متعهد می‌شویم که ... همه‌ی تلاش‌های خود را در راه تحقق ... مبذول نماییم. ما همه‌ی مردم مصر ... با علم به حق الهی و حق میهن و مردم و با شناخت حق اصل مسئولیت انسانی و با نام خداوند ... اصل ۲: اسلام دین کشور و زبان عربی زبان رسمی کشور است و اصول شریعت اسلامی منبع اصلی قانون‌گذاری است.

قانون اساسی سوریه: در اصل سوم قانون اساسی سوریه چنین آمده

است:

دین رئیس‌جمهور کشور اسلام است.

فقه اسلامی منبع اصلی قانون‌گذاری در کشور است.

در بند ۷ نیز سوگند قانونی مسئولان با عبارت: قسم به خداوند بزرگ ذکر شده است.

قانون اساسی کویت: در اصل ۲ چنین آمده است: دین کشور اسلام

است و شریعت اسلام منبع اصلی قانون‌گذاری است.

در اصل ۱۲ حفظ و عرضه‌ی میراث اسلامی به‌عنوان یک وظیفه‌ی قانونی بر عهده‌ی دولت گذارده شده است.

مسأله‌ی اسلامی بودن نظام سیاسی و راه‌کارهای آن، بزرگ‌ترین چالش

سیاسی و ایدئولوژیکی را در جهان اسلام به‌وجود آورده و در این ماجرا هر چند قرائت‌های مختلف از سیاست و از دین توسط متفکران و رهبران اسلامی

سهم بسزایی دارد، لکن نباید از دغدغه‌ی ناشی از اسلامی بودن نظام‌های

سیاسی در کشورهای اسلامی، برای غربِ دل‌بسته به منابع اقتصادی جهان

اسلام که همواره موجب توطئه بر علیه امت اسلامی گردیده غفلت روا

داشت.^۱

توجه به این نکته لازم است که مسأله‌ی تاریخ سیاسی کشورهای اسلامی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و گرایش کشورهای مختلف اسلامی به نظام‌های مشابه غربی به علل و عواملی بستگی دارد که بررسی آن‌ها در شناخت ماهیت نظام سیاسی حاکم بر آن‌ها و عناصر تشکیل دهنده‌ی حقوق اساسی این کشورها بسیار ضروری است و نشان می‌دهد که بسیاری از این گرایش‌ها صرفاً حالت تقلیدی نداشته و زمینه‌ها و عوامل مختلفی در آن مؤثر بوده است و دیدگاه‌های اسلامی، هر چند متفاوت و با قرائت‌های مختلف، در این تحولات نقش اساسی را بر عهده داشته است.

باید توجه داشت که حقوق اساسی کشورهای اسلامی به مفهوم جدید آن در شرایطی شکل گرفته است که این کشورها یا تحت اشغال نظامی یا در زیر فشار استعمار به سر می‌برده‌اند و از این رو نشانه‌های تحمیل و غیردموکراتیک بودن این نظام‌ها را در اوایل شکل‌گیری آن‌ها باید از ویژگی‌های این نظام‌ها به‌شمار آورد و این خصوصیت، بررسی حقوق اساسی این کشورها را از حقوق اساسی کشورهای غربی متمایز می‌سازد.^۱

رویکرد فقهی

مهم‌ترین مفهومی که در متن آن مباحث فقهی مرتبط با جهان اسلام، کشورها و سرزمین‌های اسلامی مطرح می‌شود، مفهوم **دارالاسلام** است. در تعریف دارالاسلام دیدگاه روشن و یگانه‌ای وجود ندارد و فقیهان و حقوق دانان مسلمان در این باره آراء گوناگونی را ابراز داشته‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفاهیم دارالاسلام از منظر فقهی

دیدگاه نخست

دارالاسلام به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها احکام اسلام جاری و نافذ است و منظور از دارالشُرک سرزمین‌هایی است که احکام اسلام در آن‌ها جریان و نفوذ ندارند.

شهید اول، در دروس، همین دیدگاه را برمی‌گزیند. در مبحث لقطه‌ی این کتاب می‌خوانیم:

“منظور از دارالاسلام سرزمینی است که در آن احکام اسلامی جاری و نافذ باشد و در آن هیچ کافری زندگی نمی‌کند، مگر این‌که تحت پیمان دولت اسلامی باشد. و اما منظور از دارالکفر سرزمینی است که احکام کفار در آن حاکم و نافذ باشد و هیچ مسلمانی در آن اقامت ندارد، مگر این‌که پیمان آشتی و صلح با کفار بسته باشد.”^۱

مقصود از دارالاسلام، منطقه‌هایی است که در آن‌ها حکم اسلام جریان دارد و در آن‌جا کافری جز آن که با مسلمانان پیمان دارد، یافت نمی‌شود. گرچه از ظاهر کلمات شیخ طوسی در مبسوط برمی‌آید که وی نیز همین دیدگاه را برگزیده است، در روایتی از اسحاق بن عمار می‌خوانیم:

“از امام باقر یا صادق (ع) (عبد صالح): نماز خواندن بر فرائیمانی (فرشی که از پوست گورخر یمنی ساخته شده است) یا در آن‌چه در سرزمین‌های اسلامی ساخته شده باشد، اشکالی ندارد. پرسیدم: اگر در آن سرزمین‌های اسلامی غیرمسلمانان نیز باشند چه؟ امام فرمودند: اگر اکثریت آن‌ها مسلمان باشند، اشکالی ندارد.”

امام صادق می‌فرماید: نمازگزاردن در پوست یمانی و آن‌چه در

سرزمین‌های اسلامی تولید شده باشد، مانعی ندارد.

اسحاق می‌پرسد: اگر در سرزمین اسلامی، غیرمسلمانان هم زندگی کنند، حکم چیست؟

حضرت می‌فرماید: اگر بیش‌تر مردم آن‌جا مسلمان باشند، اشکال ندارد. آن‌چه در ترجمه‌ی روایت گفتیم، با برداشت شهید ثانی از این روایت همخوانی و هماهنگی دارد، چون ایشان نیز جمله‌ی: (إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَيْهَا الْمُسْلِمِينَ) را به این معنی دانسته است که مسلمانان در آن سرزمین نسبت به غیرمسلمانان بیش‌تر باشند.

به‌هر حال، دست کم در بسیاری موارد، صدق دارالاسلام بر سرزمینی، بر بیش‌تر بودن جمعیت مسلمان نسبت به جمعیت غیرمسلمان آن بستگی دارد. گرچه عوامل دیگر مانند حکومت مسلمانان و نفوذ احکام اسلامی نیز در این امر دخیل هستند.

دیدگاه دوم

دارالاسلام در برگیرنده‌ی مناطق سه‌گانه‌ی زیر است:^۱

۱ - شهرها و آبادی‌هایی که توسط مسلمانان به‌وجود آمده‌اند، مانند بصره، کوفه و بغداد.

۲ - منطقه‌هایی که مسلمانان آن‌جا را گشوده و مالک شده‌اند و مردم آن‌جا را در برابر پرداخت جزیه، بر دین خود آزاد گذاشته‌اند، یا اگر هم آن‌جا را مالک نشده‌اند، در برابر پرداخت جزیه، با آنان صلح کرده‌اند.

۳ - منطقه‌هایی که از آن مسلمانان بوده است، ولی مشرکان بر آن‌ها دست یافته‌اند.

۱ - زنجان، عمید؛ «فقه سیاسی: حقوق بین‌الملل اسلام»؛ جلد سوم؛ تهران: /میرکبیر؛ ۱۳۷۳؛ صص ۲۳۵-۲۳۳.

دیدگاه سوم

گروهی بر این باورند که معیار دارالاسلام تسلط و حاکمیت سیاسی است. به این معنی که سلطنت و حاکمیت از آن مسلمانان باشد: (اَلْمُعْتَبَرُ فِي حُكْمِ الدَّارِ هُوَ السُّلْطَانُ وَالْمُنْقَذُ فِي ظُهُورِ الْحُكْمِ) این دیدگاه، تنها نشانه‌ی دارالاسلام را حاکمیت سیاسی مسلمانان می‌داند و برای عامل جمعیت و جریان احکام اسلامی نقشی قائل نیست. براساس این سخن، اگر فرد مسلمانی یا دسته‌ای از مسلمانان، سرزمینی کافر نشین را به تصرف خود درآوردند و بر آن حاکمیت یافتند، باید آن‌جا را دارالاسلام نامید، گرچه همه یا بیش‌تر مردم آن‌جا کافر باشند. در مقابل، اگر فردی یا دسته‌ای از کافران بر نظام سیاسی و حکومتی کشوری مسلمان‌نشین حاکمیت یافتند، باید آن‌جا را دارالکفر به‌شمار آورد، گرچه تمامی یا بیش‌تر مردم آن‌جا مسلمان باشند، مانند کشور افغانستان در دوران اشغال آن توسط شوروی.

دیدگاه چهارم

دارالاسلام بر دو قسم است:^۱

۱ - شهرها و مکان‌هایی که از روز نخست توسط مسلمانان پدید آمده‌اند، مانند کوفه، بصره، بغداد، قاهره، فسطاط، تونس و رباط. و نیز شهرها و مکان‌هایی که از آن غیرمسلمانان بوده است، ولی مسلمانان بر آن‌ها چیره شده و آن‌ها را تجدید بنا کرده و رنگ اسلامی به آن داده‌اند، مانند شهرهای اسکندریه و دمشق.

۲ - سرزمین‌هایی که به‌دست مسلمانان گشوده شده و اهالی آن‌ها بر دین خود باقی مانده‌اند.

سرزمین‌های کافران نیز دوگونه‌اند:

۱ - سرزمینی که از آن مسلمانان بوده است، ولی کافران بر آن چیره

شده‌اند، مانند فلسطین و نیز سرزمینی که در اصل از آن مسلمانان نبوده، به دست مسلمانان گشوده شده است، ولی دوباره کافران بر آن چیره شده‌اند و آن را از چنگ مسلمانان بیرون آورده‌اند، مانند اندلس. ۲ - سرزمینی که هیچ‌گاه از آن مسلمانان نبوده است، مانند آمریکا و بیش‌تر کشورها و شهرهای اروپایی.

این دیدگاه که تفاوت چندانی با آنچه علامه حلی در تذکرة و ابن قدامه در المغنی برگزیده‌اند ندارد؛ از سوی نویسنده: (الْمَجْمُوعُ فِي شَرْحِ الْمُهَذَّبِ) ابراز شده است. آنچه در این دیدگاه مورد اهتمام و تأکید است، روشن کردن قلمرو جغرافیایی جهان اسلام و بیان نمونه‌های آن است و در آن به روشنی به عنصر جمعیت و حکومت و نیز نفوذ احکام اسلامی، اشاره نشده است و از این جهت ناقص به نظر می‌رسد، گرچه اشکال‌های دیدگاه‌های دیگر بر آن وارد نیست.

دیدگاه پنجم

شماری از صاحب‌نظران جهت شناخت و تمیز دارالاسلام از غیر آن، قاعده‌ی دیگری به‌دست داده‌اند. در (الْمُوسُوعَةُ الْعَرَبِيَّةُ الْمَيَسَّرَةُ) تحت عنوان (دارالاسلام) آمده است:^۱

کشورهایی که در آن‌ها حاکم مسلمان حکمرانی می‌کند و احکام اسلامی در آن آزادانه اجرا می‌گردد و در آن‌جا غیرمسلمانان از نظر جانی و مالی با آرامش زندگی می‌کنند، در حالی که (به شرط آن‌که) اکثر اهل آن دیار مسلمان بوده و با آرامش خاطر بیش‌تری به‌سر ببرند.

در این تعریف، چهار قید برای دارالاسلام به چشم می‌خورد:

۱ - حضور اکثریت مسلمان در آن سرزمین؛

۲ - حاکم بودن مسلمانان بر آن سرزمین؛

۳ - اجرای احکام اسلام، بدون قید و شرط؛

۴ - امنیت جانی و مالی غیرمسلمانان ساکن در آن سرزمین.

محمدبن احمد سرخسی، که از فقهای حنفی مذهب است، دیدگاهی نزدیک به همین دیدگاه دارد:

“مکانی که مسلمانان در آن امنیت ندارند، دارالحرب به‌شمار می‌رود؛ زیرا دارالاسلام نام جایی است که در تصرف مسلمانان است و نشانه‌ی چنین مکانی آن است که مسلمانان در آن امنیت دارند.”

دیدگاه ششم

دارالاسلام به جایی گفته می‌شود که شریعت اسلامی در آن اجرا می‌شود و حاکمی مسلمان بر آن حکمرانی می‌کند و مردم آن را مسلمانان و غیرمسلمانان تشکیل می‌دهند، ولی ساکنان غیرمسلمان آن تحت شرایطی در برابر حکم اسلام تسلیم هستند و حکومت اسلامی از جان و مال آنان محافظت می‌کند و مقصود از غیرمسلمانان در این جا اهل کتاب است.^۱

این دیدگاه، تنها جریان داشتن و روان بودن احکام اسلامی را برای تعیین یک سرزمین به‌عنوان دارالاسلام کافی نمی‌داند، بلکه بر وجود حکومت اسلامی نیز تأکید دارد. در حقیقت، دیدگاه ششم، عناصر تشکیل‌دهنده‌ی دارالاسلام را سه چیز می‌داند:

۱ - بیش‌تر جمعیت مسلمان باشد. این نکته را می‌توان از فحوای دیدگاه یاد شده برداشت کرد؛

۲ - به احکام و قانون‌های اسلامی عمل شود؛

۳ - حکومت به دست مسلمانان باشد.

از میان نویسندگان و محققان معاصر اهل سنت، دکتر وهبه زحیلی،

طرفدار این دیدگاه است.

او در آثار الحرب می‌نویسد:

“آنچه از سرزمین تحت سلطه و حکومت اسلام بوده و قوانین اسلامی در آن نافذ و جاری باشد و شعائر اسلامی در آن برپا گردد، جزء دارالاسلام محسوب می‌گردد.”

دیدگاه مورد پذیرش

در میان دیدگاه‌های یاد شده، آن‌چه تا حدودی صحیح به نظر می‌رسد، دیدگاه اخیر است که تفاوت چندانی با دیدگاه پنجم ندارد؛ زیرا همان‌طور که گذشت، شرط مسلمان بودن بیش‌ترین افراد جامعه، که در دیدگاه پنجم مورد تصریح قرار گرفته، در دیدگاه اخیر نیز به‌گونه‌ای مورد اشاره قرار گرفته است. ولی پذیرفتن این دیدگاه هم خالی از اشکال نیست؛ چرا که براساس آن می‌بایست هر کشوری که بیش‌تر مردم آن مسلمان باشند و احکام و شعائر اسلامی نیز در آن اجرا شود، ولی حاکمیت آن به دست مسلمانان نباشد، دارالکفر به‌شمار آید و آثار دارالشُرک بر آن بار گردد. اگر این دیدگاه، با همه‌ی قیدهایی که دارد، صحیح باشد، لازم است کشور افغانستان را در دوران اشغال آن توسط شوروی، دارالکفر نامید و می‌بایست کشمیر هند را در زمان حاضر، دارالکفر قلمداد کرد و این چیزی است که بسیار مشکل است فقیهی بدان پای‌بند شود.

برای رهایی از این مشکل، لازم است به‌جای شرط حاکمیت مسلمانان، نفوذ و آزادی عمل مسلمانان را شرط بدانیم و بدین ترتیب، دارالاسلام از نظر ما عبارت است از:^۱

“سرزمینی که بیش‌تر مردم آن مسلمانانی باشند که در انجام امور دینی خود و اقامه‌ی شعائر اسلامی از آزادی عمل و امنیت جانی و

مالی برخوردار باشند و در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نفوذی چشمگیر داشته باشند.
دارالکفر عبارت است از: سرزمینی که همه یا بعضی از شرط‌های یاد شده را ندارد.

تکیه در این سخن، بیش‌تر روی این نکته‌ی مهم است که اصطلاح دارالاسلام از جمله تعبیرهای رایجی است که در عرف مسلمانان به وجود آمده و روایاتی که بیانگر احکام دارالاسلام است نیز ناظر به همین دریافت عرفی است. از نگاه عرف، هرگاه سرزمینی را به مردمی خاص نسبت می‌دهند و مکانی را به گروهی معین اضافه می‌کنند و مثلاً می‌گویند محله‌ی کرمانی‌ها یا بازار شیرازی‌ها و ... مقصود این است که بیش‌تر کسانی که به گونه‌ی طبیعی و بدون فشار دیگران در آن‌جا زندگی می‌کنند و حضوری فعال دارند و در اداره و انجام دادن امور آن‌جا نقشی درخور توجه دارند، کرمانی یا شیرازی و ... هستند.

این گونه بحث‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که در دارالاسلام بودن سرزمینی، افزون بر بیش‌تر بودن جمعیت مسلمانان و اجرای احکام اسلامی، نفوذ کلمه و آزادی عمل مسلمانان نیز شرط است. همان‌گونه که ملاحظه شد دو خاستگاه اصلی فقهی و حقوقی در شناسایی کشورهای اسلامی نقش بسزایی دارند، به‌طوری‌که هر گونه دسته‌بندی کشورهای اسلامی بدون توجه به این دو خاستگاه آسیب‌پذیر خواهد بود.

در ادامه تلاش شده است دسته‌بندی‌های انجام شده از کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد و از آن میان دسته‌بندی نزدیک به هر دو خاستگاه فقهی و حقوقی انتخاب شود.

همان‌گونه که گفته شد، درخصوص شناسایی کشورهای اسلامی رویکردهای مختلفی ارائه شده و تقسیم‌بندی‌های متنوعی بر این اساس شکل

گرفته است. از جمله دانشنامه‌ی «ویکی پدیا»^۱ با الهام از «فکت بوک»^۲ بر اساس شاخص در اکثریت بودن مسلمانان یک کشور نسبت به کل جمعیت، ۴۸ کشور را به‌عنوان کشورهای اسلامی شناسایی کرده و دو کشور اتیوپی و آلبانی را نیز با تردید در زمره‌ی کشورهای اسلامی قلمداد کرده است. این کشورها عبارتند از:^۳

جدول ۱ - تقسیم‌بندی دانشنامه‌ی «ویکی پدیا» و «فکت بوک» از کشورهای اسلامی^۴

۱ - آذربایجان	۲ - بحرین	۳ - کویت	۴ - نیجریه
۵ - افغانستان	۶ - ترکمنستان	۷ - قزاقستان	۸ - عمان
۹ - الجزایر	۱۰ - تاجیکستان	۱۱ - قرقیزستان	۱۲ - پاکستان
۱۳ - اریتره	۱۴ - ترکیه	۱۵ - لبنان	۱۶ - مراکش
۱۷ - اردن	۱۸ - تونس	۱۹ - لیبی	۲۰ - موریتانی
۲۱ - ایران	۲۲ - چاد	۲۳ - مالدیو	۲۴ - فلسطین
۲۵ - امارات متحده عربی	۲۶ - کومور	۲۷ - قطر	۲۸ - سوریه
۲۹ - ازبکستان	۳۰ - جیبوتی	۳۱ - عربستان سعودی	۳۲ - نیجر
۳۳ - اندونزی	۳۴ - مصر	۳۵ - سنگال	۳۶ - مالزی
۳۷ - بنگلادش	۳۸ - گامبیا	۳۹ - سیرالئون	۴۰ - مالی
۴۱ - برونئی	۴۲ - گینه	۴۳ - سومالی	۴۴ - ساحل عاج
۴۵ - بورکینافاسو	۴۶ - عراق	۴۷ - سودان	۴۸ - یمن

۱ - Wiki pedia

۲ - Fact book

۳ - Islam by country; ۲۰۰۶; Available at:

http://en.wikipedia.org/wiki/Islam_by_country

۴ - World Factbook; Available at:

www.gov/publications/factbook/country_studies

تقسیم‌بندی مهم دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است تقسیم‌بندی لحاظ شده در سازمان کنفرانس اسلامی است. بر اساس آخرین آمارها تعداد اعضای این سازمان ۵۷ کشور است که عبارتند از:

جدول ۲ - کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

۱ - آذربایجان	۲ - بحرین	۳ - کویت	۴ - نیجریه
۵ - افغانستان	۶ - ترکمنستان	۷ - قزاقستان	۸ - عمان
۹ - الجزایر	۱۰ - تاجیکستان	۱۱ - قرقیزستان	۱۲ - پاکستان
۱۳ - اریتره	۱۴ - ترکیه	۱۵ - لبنان	۱۶ - مراکش
۱۷ - اردن	۱۸ - تونس	۱۹ - لیبی	۲۰ - موریتانی
۲۱ - ایران	۲۲ - چاد	۲۳ - مالدیو	۲۴ - فلسطین
۲۵ - امارات متحده عربی	۲۶ - کومور	۲۷ - قطر	۲۸ - سوریه
۲۹ - ازبکستان	۳۰ - جیبوتی	۳۱ - عربستان سعودی	۳۲ - نیجر
۳۳ - اندونزی	۳۴ - مصر	۳۵ - سنگال	۳۶ - مالزی
۳۷ - بنگلادش	۳۸ - گامبیا	۳۹ - سیرالئون	۴۰ - مالی
۴۱ - برونئی	۴۲ - گینه	۴۳ - سومالی	۴۴ - ساحل عاج
۴۵ - بورکینافاسو	۴۶ - عراق	۴۷ - سودان	۴۸ - یمن
۴۹ - کامرون	۵۰ - گابون	۵۱ - گامبیا	۵۲ - گویان
۵۳ - گینه بیسائو	۵۴ - موزامبیک	۵۵ - توگو	۵۶ - اوگاندا
۵۷ - سورینام			

از آن‌جا که رویکرد سازمان کنفرانس اسلامی در شناسایی کشورهای اسلامی، رویکردی نسبتاً جامع است که علاوه بر، دربرگیری معیارهای فقهی و حقوقی بر واقعیات جهان موجود نیز منطبق است، لذا در این مطالعه به‌عنوان رویکرد مبنا در بررسی کشورهای اسلامی انتخاب شده است. ضمن این‌که پیوستگی این کشورها و هم‌مرز بودن اکثریت آن‌ها کلیت جهان اسلام را شکل داده است. بنابراین، هر چند کشورهای اسلامی محدودتر از کلیت جهان اسلام هستند، با توجه به شخصیت حقوقی آن‌ها در این بررسی مبنا قرار گرفته‌اند.

عوامل توانمندساز جهان اسلام برای دستیابی به وحدت

- ۱ - موقعیت جغرافیایی (جغرافیایی طبیعی، انسانی، سیاسی)
- ۲ - موقعیت ژئوپلیتیکی برتر جهان اسلام
- ۳ - موقعیت ژئواستراتژیکی منحصر به فرد جهان اسلام
- ۴ - موقعیت ژئواکونومیکی بی نظیر جهان اسلام (از حیث ذخایر نفت و گاز و ...)
- ۵ - موقعیت ژئوکالچر

موقعیت جغرافیایی کشورهای اسلامی

موقعیت کلی

جهان اسلام در برگیرنده‌ی محدوده‌ی وسیعی است که از ساحل غربی اقیانوس اطلس در آمریکای جنوبی تا حد سواحل غربی اقیانوس آرام در قاره‌ی آسیا را در بر گرفته است.

این وسعتی که کشورهای اسلامی را در خود جای داده است، از نظر موقعیت جغرافیایی و گستردگی طولی و عرضی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده، حدود ۲۲ درصد از مجموع خشکی‌های جهان را در بر می‌گیرد و بخش‌های وسیعی از دو قاره‌ی آسیا و آفریقا و بخش‌های کوچکی از قاره‌ی اروپا و آمریکا را شامل می‌شود. خشکی، کم آبی، دمای نسبتاً زیاد، شوری خاک و تنوع محیط جغرافیایی از جمله ویژگی‌های سرزمین‌های جهان اسلام است. به‌طوری که بخش عظیمی از قلمروی جهان اسلام را سرزمین‌های بیابانی خشک با پوشش نباتی ناچیز که ناشی از حداقل ریزش‌های جوی است تشکیل می‌دهد. فرسایش بادی، بر این سرزمین‌های بیابانی حداکثر تأثیرات خود را بر جای گذاشته و چهره‌ی بیابان‌ها را با امواج شن و ماسه از شکلی به شکل دیگر در می‌آورد. به‌طور مثال، فرسایش آبی در کشورهای جنوبی آسیا

به‌ویژه بنگلادش خرابی‌ها و تلفات انسانی فراوانی را سبب می‌شود که در کم‌تر نقطه‌ای از جهان نظیر آن دیده می‌شود.^۱

جغرافیای طبیعی جهان اسلام

الف) موقعیت ریاضی: سرزمین‌های اسلامی بین ۶۱ درجه‌ی طول غربی (از نصف‌النهار گرینویچ) و ۱۳۰ درجه‌ی طول شرقی و نیز بین ۲۵ درجه‌ی عرض جنوبی و ۵۵ درجه‌ی شمالی از خط استوا قرار گرفته‌اند. غربی‌ترین کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی کشور گویان در قاره‌ی آمریکا و شمال آمریکای جنوبی و شرقی‌ترین آن کشور اندونزی واقع در جنوب شرق آسیاست. شمالی‌ترین کشور قزاقستان واقع در آسیای مرکزی و جنوبی‌ترین کشور اسلامی موزامبیک در جنوب قاره‌ی آفریقا است.^۲

خط استوا که محدوده‌ی کشورهای اسلامی را به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم کرده است، به‌طور مستقیم از کشورهای اندونزی، سومالی، اوگاندا و گابن می‌گذرد که در شرایط اقلیمی این کشورها بسیار مؤثر است. در میان کشورهای جهان اسلام اندونزی، مالدیو و کومور موقعیت مجمع‌الجزایر دارند و کشورهای قطر و بحرین از موقعیت شبه جزیره و جزیره‌ای برخوردارند، و کشورهایی نظیر افغانستان، بورکینافاسو، چاد و مالی در خشکی محصور بوده و به دریا راه ندارند.

بین شرقی‌ترین و غربی‌ترین حد جهان اسلام حدود ۱۳ ساعت اختلاف زمان وجود دارد. برخی از پژوهشگران جهان اسلام را به سه منطقه‌ی غربی، شرقی و مرکزی تقسیم‌بندی می‌کنند. کشورهای اسلامی شمال و غرب آفریقا

۱ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ «مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی»؛ جلد دوم؛ قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۹، صص ۲۵۷-۲۴۴.

۲ - گلی زواره، غلامرضا؛ «جغرافیای جهان اسلام: آشنایی با کشورهای اسلامی و قلمرو اقلیت‌های مسلمان»؛ قم: مؤسسه انتشارات امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵؛ ص ۱۶۰.

تحت عنوان منطقه‌ی غربی، کشورهای مستقر در جنوب و جنوب شرق آسیا و آسیای مرکزی تحت عنوان مجموعه‌ی شرقی جهان اسلام و کشورهای واقع در خاورمیانه تحت عنوان بخش مرکزی جهان اسلام محسوب می‌شوند.

اساس این تقسیم‌بندی ممکن است به لحاظ بحران‌ها و مشکلات اصلی جهان اسلام یا اهمیت بخش مرکزی بوده باشد.

ب) *وسعت جهان اسلام*: کل جهان اسلام با وسعتی بیش از ۳۱ میلیون

کیلومتر مربع حدود ۲۲ درصد مساحت خشکی‌های کره‌ی زمین را در بر می‌گیرد که بدنه‌ی اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس و شمال آفریقا تا خاورمیانه‌ی اسلامی، آسیای مرکزی، جنوب غربی آسیا، بخش بزرگی از هند، تمام بنگلادش و کشورهای جنوب شرق آسیا و در حقیقت بخش عمده‌ای از قاره‌ی آسیا و آفریقا و بخشی از اروپا را شامل می‌شود. از یک دیدگاه مجموعه‌ی ۵۷ کشور اسلامی که به‌طور رسمی عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند به سه گروه: کشورهای آسیایی (جنوبی، جنوب شرقی و مرکزی) با مساحت حدود ۹/۵ میلیون کیلومتر مربع، کشورهای آفریقایی با مساحتی حدود ۶/۸ میلیون کیلومتر مربع و گروه کشورهای غربی با ۱۴ میلیون کیلومتر مربع تقسیم می‌شوند.^۱

در این بین، سه کشور سودان (با مساحت ۲,۵۰۳,۸۹۰)، عربستان سعودی

(با مساحت ۲,۱۴۹,۶۹۰ کیلومتر مربع) و الجزایر (با مساحت ۲,۳۸۱,۷۴۱

کیلومتر مربع) حدود ۲۷ درصد مساحت کشورهای جهان اسلام را در بر می‌گیرند و کشورهای کوچک‌تری هم‌چون مجمع‌الجزایر مالدیو در اقیانوس هند (با مساحت ۲۹۸ کیلومتر مربع)، جزیره‌ی بحرین (با مساحت ۶۹۲ کیلومتر مربع) و برونی (با مساحت ۵۷۰ کیلومتر مربع) جزو کشورهای کوچک سازمان کنفرانس اسلامی محسوب می‌شوند.

کل مساحت جهان اسلام حدود سه برابر قاره‌ی اروپا و نزدیک چهار برابر وسعت قاره‌ی اقیانوسیه است که این وسعت و موقعیت نسبی و ریاضی از منظر جغرافیای سیاسی و دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی حائز اهمیت است.

جدول ۳ - وسعت کشورهای اسلامی (بر حسب کیلومتر مربع)

ردیف	کشور	مساحت	ردیف	کشور	مساحت
۱	آذربایجان	۷۸,۰۰۰	۳۰	ساحل عاج	۳۲۲,۳۶۳
۲	آلبانی	۷۴,۸۲۸	۳۱	عراق	۴۳۳,۹۲۴
۳	اردن هاشمی	۹۷,۷۴۰	۳۲	عربستان سعودی	۲,۱۴۹,۶۹۰
۴	افغانستان	۶۴۷,۴۹۷	۳۳	عمان	۳۰,۶۰۰
۵	الجزایر	۲,۳۸۱,۷۴۱	۳۴	فلسطین	۲۰,۷۷۰
۶	امارات متحده	۷۷,۷۰۰	۳۵	قرقیزستان	۱۹۸,۰۰۰
۷	اندونزی	۱,۴۹۱,۵۶۴	۳۶	قزاقستان	۲,۷۶۶,۰۰۰
۸	اوگاندا	۲۳۶,۰۳۶	۳۷	قطر	۱۱,۴۲۷
۹	ازبکستان	۳۹۹,۰۰۰	۳۸	کامرون	۴۵۷,۴۴۲
۱۰	ایران	۱,۶۴۸,۰۰۰	۳۹	کومور	۱,۸۶۲
۱۱	بحرین	۶۹۲	۴۰	کویت	۱۷,۸۱۸
۱۲	برونئی	۵۷۰	۴۱	گابن	۲۶۷,۶۶۷
۱۳	بنگلادش	۱۴۳,۹۹۸	۴۲	گامبیا	۱۱,۲۹۵
۱۴	بنین	۱۱۲,۶۲۰	۴۳	گینه	۲۴۵,۸۵۷
۱۵	بورکینافاسو	۲۷۴,۲۰۰	۴۴	گینه بیسائو	۳۶,۱۲۵
۱۶	پاکستان	۷۹۶,۰۰۰	۴۵	گویان	۲۱۴,۹۶۹
۱۷	تاجیکستان	۱۴۲,۰۰۰	۴۶	لبنان	۱۰۴,۰۰۰
۱۸	ترکمنستان	۴۴۸,۰۰۰	۴۷	لیبی	۱,۷۵۹,۵۴۰
۱۹	ترکیه	۷۸۰,۵۷۶	۴۸	مالدیو	۲۹۸
۲۰	تونس	۱۶۴,۱۵۰	۴۹	مالزی	۳۳۲,۶۳۳
۲۱	توگو	۵۶,۰۰۰	۵۰	مالی	۱,۲۴۰,۰۰۰
۲۲	جیبوتی	۲۳,۲۰۰	۵۱	مراکش	۴۴۵,۰۵۰
۲۳	چاد	۱,۲۸۴,۰۰۰	۵۲	مصر	۱,۰۰۱,۴۴۹
۲۴	سنگال	۱۹۶,۱۹۲	۵۳	موریتانی	۱,۰۳۰,۷۰۰
۲۵	سودان	۲,۵۰۳,۸۹۰	۵۴	موزامبیک	۷۷۱,۰۰۰
۲۶	سورینام	۱۴۳,۰۰۰	۵۵	نیجر	۱,۲۶۷,۰۰۰
۲۷	سوریه	۱۸۵,۱۸۰	۵۶	نیجریه	۹۲۳,۷۶۸
۲۸	سومالی	۶۳۷,۶۵۷	۵۷	یمن	۵۳۱,۸۱۹
۲۹	سیرالئون	۷۴,۷۴۰			

منبع: سید یحیی صفوی، جزوه‌ی درسی جغرافیای سیاسی جهان اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۷-۱۳۸۶.

ج) ناهمواری‌ها و ارتفاعات در جهان اسلام: کشورهای اسلامی بخش عظیمی

از سطح زمین را در اختیار دارند، به نحوی که در آن جا سه صفحه‌ی تکتونیکی با هم تلاقی می‌کنند. در نتیجه‌ی برخورد این صفحات رشته کوه‌های عظیم به‌ویژه در مغرب و دربخش شمالی منطقه یعنی ایران و ترکیه به وجود آمده است. مهم‌ترین این کوه‌ها در آفریقا رشته کوه‌های اطلس و ریف هستند که در شمال غرب این قاره و بخش وسیعی از کشورهای مراکش، الجزایر و تونس تشکیل شده‌اند. بلندترین قله‌ی رشته کوه اطلس در مراکش، قله‌ی توبکال با ارتفاع حدود ۴۰۰۰ متر است. هم‌چنین رشته کوه تی بستی در شمال کشور چاد قرار دارد.^۱ در منطقه‌ی آسیای میانه، در کشور تاجیکستان، دو رشته کوه پامیر و تیان شان^۲ قرار دارند که رشته کوه پامیر جنوب این کشور را پوشانده و مرتفع‌ترین نقطه‌ی آن قله لنین با ارتفاع حدود ۷۱۳۴ متر است، و رشته کوه تیان شان شمال و مرکز این کشور را پوشانده است.^۳

در افغانستان سلسله جبال هندوکش از سمت شمال شرقی به جنوب غربی کشیده شده است که بلندترین نقطه‌ی آن در این کشور قله‌ی بابا ارتفاعی حدود ۵۱۴۳ متر دارد.^۴ در پاکستان سه سلسله جبال بزرگ جهان یعنی هیمالیا، قراقرم و هندوکش در مناطق شمالی این کشور با هم تلاقی می‌کنند؛ بخش شمالی و مرزهای غربی با افغانستان را سلسله جبال هندوکش تشکیل می‌دهد که مرتفع‌ترین قله‌ی آن با ارتفاع ۷۸۰۰ متر توریمیر^۵ نام دارد و گذرگاه یا

۱ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ «مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی»؛ صص ۲۵۷-۲۴۴.

۲ - Tian Shan

۳ - منتظمی، رویا؛ «تاجیکستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۱۳.

۴ - علی آبادی، علیرضا؛ «افغانستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵؛ ص ۲۳.

۵ - Turichmir

گردنه‌ی معروف خیبر نیز در این منطقه قرار دارد.^۱ در شمال خاورمیانه رشته کوه‌های ممتد و طولانی وجود دارند که کوه‌های آلپ آلبانی از آن دسته هستند. در ایران دو رشته کوه البرز در شمال کشور با قله‌ی دماوند و ارتفاع حدود ۵۶۰۰ متر و رشته کوه زاگرس در غرب کشور با قله‌ی دنا و ارتفاعی حدود ۴۲۰۰ متر قرار دارند. معروف‌ترین کوه‌های ترکیه آلپ‌های پونتیک^۲ در شمال این کشور و سلسله جبال توروس^۳ در جنوب این کشور است که دنباله‌ی این کوه‌ها به نام آنتی توروس^۴ به سمت شمال شرقی پیش می‌رود و به فلات ارمنستان مربوط می‌شود که بلندترین قله‌ی آن آارات با ارتفاعی نزدیک به ۵۲۰۰ متر است.^۵ برخی ارتفاعات مهم دیگر در جنوب یمن با قله‌هایی بیش از ۳۷۰۰ متر و کوه هرمون (جبل‌الشیخ) در سوریه با ارتفاعی حدود ۲۸۰۰ متر است. در جنوب شرق آسیا، در جزایر اندونزی یک سلسله کوه‌هایی که منشأ آتشفشانی دارند دیده می‌شود که بلندترین قله‌ی آن، کرنیت جی^۶ با ارتفاعی حدود ۳۸۰۰ متر، جزء کوه‌های آتشفشانی فعال هستند و تنها در جزیره‌ی جاوه بیش از ۱۰۰ قله‌ی آتشفشانی وجود دارد.^۷

د) بیابان‌ها و صحاری: آنچه در سیمای طبیعی جهان اسلام بسیار مشهود است گستردگی وسیع و دامنه‌دار سرزمین‌های خشک و بی‌آب و علف در بسیاری از مناطق آن است. اراضی بیابانی که از غرب آفریقا تا جنوب و مرکز

۱ - فرزین‌نیا، زیبا؛ «پاکستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ؛ ۱۳۷۶؛ ص ۸۷ .

۲ - Pontique Alpes

۳ - Toros

۴ - Anti Toros

۵ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ «مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی»؛ صص ۲۵۷-۲۴۴.

۶ - Kernitji

۷ - همان؛ صص ۲۵۷-۲۴۴.

آسیا ادامه دارد و اکثر کشورهای اسلامی در درون آن جای گرفته‌اند از چند قسمت تشکیل شده است. قسمت‌های عمده‌ی این مناطق در کشورهای شمال آفریقا واقع می‌شوند که حد فاصل میان کوه‌های اطلس و جلگه‌های مرکزی آفریقا را در بر می‌گیرند. این صحراها که اکثراً گرم و سوزان هستند، ممالک مصر، لیبی، سودان، الجزایر، نیجر، موریتانی و مالی را پوشانده‌اند. در میان این صحراها، وادی دره در جنوب مراکش، صحرای جوب در شمال مالی، صحرای ایگیدی^۱ در شمال موریتانی، عرق کبیر^۲ شرقی در شمال الجزایر و عرق کبیر غربی در جنوب این کشور، حماد الحمرا در تونس، دشت فزان^۳ در شمال لیبی و صحرای بزرگ لیبی در شرق این کشور و غرب مصر اهمیت بیش‌تری دارند. در عربستان سعودی نیز بیابان نجد بخش اعظم این کشور را تشکیل می‌دهد. بخش جنوبی این بیابان را «ربع الخالی» می‌نامند که تا کشور یمن ادامه می‌یابد و وسعت آن حدود ۵۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع است.^۴ در یمن نیز بیابانی به موازات ساحل امتداد دارد که به وادی حضرموت^۵ معروف است. این منطقه عاری از سکنه بوده اما در مناطق فوقانی و محل‌هایی که خاک‌های رسوبی و دارای آب ناشی از سیلاب‌های متناوب است مردم کمی در آن‌جا گرد آمده و به کشاورزی مشغول هستند.^۶ در ترکمنستان، هشتاد درصد وسعت این کشور را کویر قره‌قوم^۷ تشکیل می‌دهد. این کویر یکی از بزرگ‌ترین و گرم‌ترین

۱ - Igidi

۲ - Ergh

۳ - Fezzan

۴ - همان؛ صص ۲۵۷-۲۴۴.

۵ - Wadi Hadhrmut

۶ - کریملو، داود؛ «یمن»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛

۱۳۷۴؛ ص ۴۲.

۷ - Kara Kum

بیابان‌های دنیاست که مساحت آن بالغ بر ۳۵۰,۰۰۰ کیلومتر مربع است و تمامی نواحی شمالی و مرکزی کشور را در بر گرفته است.^۱ و بالاخره دشت کویر در مرکز و بیابان لوت در جنوب شرق ایران از دیگر مناطق بیابانی کشورهای اسلامی هستند.

۴ دریاها، دریاچه‌ها، رودها: اکثر کشورهای مسلمان در نقاطی واقع شده‌اند که به آب‌های آزاد جهان دسترسی دارند و حتی برخی در گلوگاه‌های راهبردی، تنگه‌ها و آبراهه‌های جهان قرار گرفته‌اند، ضمن این‌که خود این کشورها نیز دارای دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌های متعددی هستند. دریاهایی که کشورهای اسلامی بر سواحل آن واقع شده‌اند عبارتند از: دریای مدیترانه در شمال آفریقا و غرب آسیا، دریای سیاه در شمال ترکیه و دریای مرمره در شمال غرب این کشور، دریای سرخ یا بحر احمر، حد فاصل بین عربستان و آفریقای شرقی، دریای عمان در جنوب ایران، دریای آدریاتیک در غرب آلبانی، دریای کارائیب در شمال کشورهای سورینام و گویان، دریای چین جنوبی در شرق مالزی و دریای اندامان^۲ در غرب این کشور، و بالاخره دریاهای سولو،^۳ کرام،^۴ تیمور^۵ و آرافورا^۶ که در کشور اندونزی قرار گرفته‌اند.

دریاچه‌های معروف سرزمین‌های اسلامی عبارتند از: در منطقه‌ی آسیای

۱ - کریمی، حسین؛ «ترکمنستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۵؛ ص ۶۲.

۲ - Indaman

۳ - Sulu

۴ - Ceram

۵ - Timor

۶ - Arafura

میانه دریاچه‌ی آرال^۱ در شمال غرب ازبکستان که از نظر وسعت چهارمین دریاچه‌ی جهان است^۲ و دریاچه‌ی آیسیک کول^۳ در شمال قرقیزستان که بزرگ‌ترین دریاچه‌ی آسیای مرکزی پس از آرال است.^۴

هم‌چنین دریاچه‌های بالخاش^۵ و زایسان^۶ در قزاقستان قرار دارند.^۷ منطقه‌ی خاورمیانه نیز دریاچه‌های متعددی وجود دارند، از جمله: دریاچه‌ی خزر، در شمال ایران و دریاچه‌ی ارومیه در شمال غرب ایران، وان در شرق ترکیه و بحرالمت یا دریای مرده در اردن است.^۸ دریاچه‌ی ویکتوریا در جنوب شرق اوگاندا بزرگ‌ترین دریاچه‌ی قاره‌ی آفریقا که سرچشمه‌ی رود نیل نیز است. دریاچه‌ی چاد بین کشورهای چاد، نیجریه و نیجر و دریاچه‌ی فاگوئی بین^۹ در مرکز کشور مالی قرار دارد.^{۱۰}

رودخانه‌های معروف کشورهای اسلامی نیز عبارتند از: در آسیای میانه، رودهای سیردریا^{۱۱} یا سیحون و آمودریا^{۱۲} یا جیحون، پرآب‌ترین رودهای

۱ - Aral

۲ - چرمی، داود؛ «ازبکستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۵؛ ص ۶۷.

۳ - Issik-Kul

۴ - معظمی گودرزی، پروین؛ «قرقیزستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۷؛ ص ۹۱.

۵ - Balkhash

۶ - Zysan

۷ - چرمی، داود؛ «ازبکستان»؛ ص ۶۷.

۸ - مناقبتی، محمدرضا؛ «اردن»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ ۱۳۷۵؛ ص ۶۴.

۹ - Fagui Bin

۱۰ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ «مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی»؛ صص ۲۵۷-۲۴۴.

۱۱ - Syrdary

۱۲ - Amudarya

منطقه را تشکیل می‌دهند. در تاجیکستان آمودریا از کوه‌های پامیر سرچشمه گرفته و پس از تشکیل رود مرزی با افغانستان و عبور از ترکمنستان و ازبکستان به دریاچه‌ی آرال می‌ریزد، و سیردریا که از کوه‌های تیان شان سرچشمه می‌گیرد در جمهوری قزاقستان به دریاچه‌ی آرال می‌ریزد. در ترکیه رودهای قزل ایرماق^۱ و یشل ایرماق^۲ که هر دو از کوه‌های شمال شرقی ترکیه سرچشمه گرفته و به دریای سیاه می‌ریزند، و رود قره‌سو که از کوه‌های شرقی این کشور سرچشمه می‌گیرد و سپس وارد سوریه می‌شود، ادامه همین رود در عراق فرات نامیده می‌شود و با رود دجله که از ارتفاعات ترکیه سرچشمه می‌گیرد در القرنه به هم می‌پیوندند، و سپس با رود کارون، اروندرود را تشکیل می‌دهند و به خلیج فارس می‌ریزد. در ایران رودهای کرخه و کارون به خلیج فارس، و سفید رود به دریای مازندران می‌ریزند.^۳ رود لیطانی، تنها رود کامل در لبنان است که از شمال شرق به جنوب غرب و به سمت منطقه‌ی بعلبک جریان دارد و به دریای مدیترانه می‌ریزد.^۴ در افغانستان رود کابل از میان شهر کابل می‌گذرد و به رود سند در پاکستان می‌ریزد، و هیرمند که از کوه‌های غرب کابل سرچشمه گرفته و قسمتی از مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل می‌دهد و بالاخره به دریاچه‌ی هامون در ایران منتهی می‌شود. در پاکستان، رود سند یا ایندوس^۵ یکی از بزرگ‌ترین رودهای جهان است که از هیمالیا سرچشمه می‌گیرد و به دریای عمان می‌ریزد. در بنگلادش رودخانه‌ی

۱ - Kizilirmak

۲ - Yeshilirmak

۳ - همان؛ صص ۲۵۷-۲۴۴.

۴ - نادری سمیرمی، احمد؛ «لبنان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور

خارجیه؛ ۱۳۷۶؛ ص ۷۴.

۵ - Indus

گنگ^۱ و براهماپوترا^۲ جریان دارند که هر دو از دامنه‌ی جنوبی هیمالیا در هند سرچشمه می‌گیرند و به خلیج بنگال می‌ریزند.^۳

در آفریقا، رود پر آب نیل که طویل‌ترین رودخانه‌ی دنیاست و از دریاچه‌ی ویکتوریا در جنوب سرچشمه می‌گیرد، پس از عبور از سودان و مصر با تشکیل یک دلتای وسیع به دریای مدیترانه می‌ریزد. (مساحت دلتای رود نیل تقریباً ۳۳ هزار کیلومتر مربع است که حدود ۴ درصد مساحت کل مصر را شامل می‌شود).^۴ رود نیجر در کشور نیجریه که از کوه‌های فوتاجالون در سیرالئون سرچشمه می‌گیرد و یک سوم آن در نیجریه جریان دارد، به خلیج گینه می‌ریزد. هم‌چنین رودهای سنگال و گامبیا، در غرب آفریقا، به اقیانوس اطلس می‌ریزند.

(و) خلیج‌ها و تنگه‌ها: خلیج‌های واقع در جهان اسلام عبارتند از: خلیج فارس در جنوب ایران، خلیج عدن در جنوب یمن، خلیج گینه در غرب آفریقا و جنوب کشور توگو، خلیج بنگال در جنوب بنگلادش، خلیج اسکندریه در شمال مصر، خلیج سرت در شمال لیبی، خلیج تونس در شرق تونس، خلیج اسکندرون در جنوب ترکیه و خلیج گامبیا در غرب ترکیه. تنگه‌ها و ترعه‌هایی که کشورهای اسلامی در طرفین آن قرار دارند به شرح زیر است:^۵

تنگه‌ی باب‌المندب، بین کشورهای یمن و جیبوتی که دریای سرخ را به خلیج عدن و در نتیجه به اقیانوس هند ارتباط می‌دهد و حدود ۷ درصد واردات نفتی اروپای غربی از طریق این تنگه صورت می‌گیرد؛ تنگه‌ی داردانل

۱ - Gang

۲ - Barhamputra

۳ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ «مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی»؛ صص ۲۴۴-۲۵۷.

۴ - تکیه‌ای، مهدی؛ «مصر»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛

۱۳۷۵؛ ص ۶۹.

۵ - گلی زواره، غلامرضا؛ «جغرافیای جهان اسلام»؛ ص ۱۶۳.

که رابط بین دریای مرمره و دریای مدیترانه است؛ تنگه‌ی بسفر^۱ که حد فاصل دریای سیاه و مرمره است؛ تنگه‌ی جبل الطارق^۲ که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس پیوند می‌دهد و در جنوب این تنگه کشور مراکش واقع شده است که یکی از پررفت و آمدترین آبراهه‌های میان اقیانوسی جهان است و روزانه ۱۵۰ کشتی از آن عبور می‌کنند؛ تنگه‌ی هرمز بین خلیج فارس و دریای عمان که حدود ۱۰۰ مایل دریایی (۱۸۲ کیلومتر) طول دارد و از شمال به ایران و از جنوب به جزیره‌ی مسندام^۳ عمان محدود می‌شود، باریک‌ترین بخش آن بین جزیره‌ی ایرانی لارک و جزیره‌ی کوچک عمانی قوئین کبیر،^۴ ۲۱ مایل دریایی عرض دارد؛ تنگه‌ی مالاکا^۵ بین مالزی و جزیره‌ی سوماترای اندونزی؛ کانال سوئز^۶ در شمال شرق مصر که دریای مدیترانه و دریای سرخ را به هم مرتبط می‌سازد و حدود ۱۰ درصد صادرات نفتی منطقه‌ی خلیج فارس به ایالات متحده و اروپای غربی امروزه از طریق این کانال انجام می‌شود. دولت مصر توجه خاصی به حفظ امنیت این کانال دارد و تکرار اشغال ساحل شرقی توسط اسرائیل می‌تواند یک فاجعه‌ی ملی باشد (در سال ۱۹۶۷ کانال سوئز در اثر اشغال صحرای سینا توسط اسرائیل بسته شد)^۷ و بالاخره تنگه‌ی موزامبیک که در شرق این کشور (بین موزامبیک و ماداگاسکار) قرار

۱ - Bosphor

۲ - Gibraltar

۳ - Musundam

۴ - Great Quoin

۵ - Malaca

۶ - Suez

۷ - درایسدل، آلاسرایر و ایچ. بلیک، جرالذ؛ «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»؛

مترجم ذره میرحیدر؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ چاپ

چهارم؛ ۱۳۷۴؛ صص ۱۱-۱۲.

دارد.^۱

ز) **مجمع الجزایر، جزایر و شبه جزایر:** در جهان اسلام سه کشور اندونزی، مالدیو و کومور به صورت مجمع الجزایر هستند که در این میان اندونزی، بزرگ‌ترین مجمع الجزایر دنیا است که از سه هزار جزیره‌ی بزرگ و کوچک تشکیل شده است. جزایر جاوه، سوماترا، برنئو و سولاوسی مهم‌ترین جزایر اندونزی هستند. جزیره‌ی جاوه بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین جزیره‌ی جهان است. مجمع الجزایر مالدیو در جنوب غرب هندوستان در اقیانوس هند قرار دارد که از ۸۰ جزیره‌ی کوچک تشکیل شده و کومور در غرب آفریقا شامل یک جزیره‌ی بزرگ و چند جزیره‌ی کوچک است. در کل، از آن‌جا که اکثر کشورهای اسلامی در نقاطی واقع شده‌اند که به دریای آزاد راه دارند، دارای جزایر فراوانی نیز هستند که معروف‌ترین آن‌ها عبارتند از: در خاورمیانه، جزیره‌ی بحرین که کشوری است در میان آب‌های خلیج فارس؛ جزایر بوبیان^۲ و فلیکه^۳ که در شرق کویت قرار دارند؛ جزایر ایرانی هرمز، قشم، کیش، خارک و تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی و لاوان که در خلیج فارس واقع هستند. یمن نیز دارای جزایر زیادی در دریای سرخ است و تعداد آن‌ها به ۳۸۰ جزیره می‌رسد که بیش‌تر آن‌ها در جنوب دریای فوق و در طول سواحل این کشور قرار دارند، بعضی از آن‌ها آتشفشانی و برخی دیگر مرجانی و خالی از سکنه هستند و تعداد کمی از آن‌ها قابل سکونت است، مهم‌ترین آن‌ها جزایر پریم^۴ در جنوب باب‌المندب و سکوترا^۵ در شرق خلیج عدن است.^۶ هم‌چنین جزایر

۱ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ «مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی»؛ صص ۲۵۷-۲۴۴.

۲ - Bubiyan

۳ - Faliaka

۴ - Perim

۵ - Socotra

۶ - کریملو، داود؛ «یمن»؛ ص ۴۲.

مرمره در دریای مرمره و ازمیر در دریای اژه که متعلق به ترکیه هستند، و جزیره‌ی جربا^۱ که در شرق تونس قرار دارد. مهم‌ترین شبه‌جزیره در کشورهای اسلامی شبه‌جزیره‌ی بزرگ عربستان است که شش واحد سیاسی عربستان سعودی، یمن، عمان، امارات متحده عربی، قطر، و کویت این شبه‌جزیره را تشکیل می‌دهند؛ عربستان سعودی بیش از دو سوم شبه‌جزیره را در بر گرفته است.^۲ مساحت عربستان ۲,۴۱۹,۶۹۰ کیلومتر مربع است. و بالاخره شبه‌جزیره‌ی سینا در شمال شرقی مصر که حدود ۶۰ هزار کیلومتر مساحت دارد و به شکل مثلثی است که قاعده‌ی آن در شمال و رأس آن در جنوب و غرب آن به کانال سوئز متصل است.^۳

ح) جنگل‌ها: از آن‌جا که خط استوا از میان تعدادی از کشورهای اسلامی می‌گذرد، این مناطق دارای آب و هوای گرم و مرطوب هستند و مناطق جنگلی آن‌ها زیاد است. از جمله‌ی این مناطق کشور اوگانداست که دارای ۷/۵ میلیون هکتار اراضی جنگلی است و به دلیل ثروت‌های فراوان جنگلی به برزیل آفریقا معروف است؛ دولت این کشور صدور چوب و الوار را به خارج ممنوع کرده است تا از تخریب جنگل‌ها جلوگیری نماید.^۴ اندونزی به دلیل میزان رطوبت بالا (که به‌طور متوسط بین ۷۰ تا ۹۰ درصد است)، سومین ذخایر جنگل‌های استوایی بعد از برزیل و زئیر را در اختیار دارد، وسعت جنگل‌های اندونزی حدود ۱۲۲ میلیون هکتار (۶۷ درصد کل مساحت خاکی کشور) است که

۱ - Jerba

۲ - فرجی، عبدالرضا؛ «جغرافیای کشورهای مسلمان (آموزش متوسطه‌ی عمومی)»؛ تهران: شرکت چاپ و نشر/ایران؛ ۱۳۷۶.

۳ - تکیه‌ای، مهدی؛ «مصر»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۵؛ ص ۶۹.

۴ - متولی الموتی، محمدرضا؛ «اوگاندا»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ؛ ۱۳۷۴؛ ص ۴۴.

۵۵ میلیون هکتار از آن (۴۵ درصد کل جنگل‌ها) در سوماترا و کالیمانتان واقع شده‌اند.^۱ بخش اعظم کشور برونتی پوشیده از جنگل‌های بارانی مناطق حاره و پوشیده از گیاهان و جنگل‌های استوایی است. در بنگلادش ۱۴ درصد کل نواحی کشور را جنگل تشکیل می‌دهد و جنگل یکی از منابع اصلی مصرف انرژی سنتی در این کشور است که با توسعه‌ی مناطق مسکونی از وسعت جنگل‌ها کاسته می‌شود.^۲ نیمه‌ی جنوبی کشور ساحل عاج پوشیده از جنگل است و یکی از منابع ثروت این کشور محسوب می‌شود، مساحت جنگل‌های سیرالئون ۷۳۰ هزار هکتار است، تولید الوار در این کشور یکی از صنایع تقریباً مهم داخلی را تشکیل می‌دهد. اراضی جنگلی الجزایر به ۲/۴ میلیون هکتار بالغ می‌گردد و دامنه‌ی کوه‌های اطلس را جنگل‌های انبوهی پوشانده است.^۳ و بالاخره آلبانی که کشوری کوهستانی و بسیاری از مناطق آن پوشیده از جنگل است؛ فرآورده‌های چوبی نقش مهمی در اقتصاد ضعیف این کشور دارند.^۴

ط) ویژگی‌های اقلیمی کشورهای اسلامی: از نظر آب و هوایی و شرایط اقلیمی تقریباً همه نوع آب و هوا به جزء آب و هوای قطبی در سرزمین‌های اسلامی قابل مشاهده است و از این نظر می‌توانیم کشورهای اسلامی را به انواع زیر تقسیم کنیم:

۱ - کشورهایی که در طرفین خط استوا و کمربند آن قرار دارند، این

۱ - مظفری، محمدرضا؛ «اندونزی»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۲؛ ص ۸.

۲ - متولی الموتی، محمدرضا؛ «اوگاندا»؛ ص ۴۴.

۳ - مجیدی سورکی، علی؛ «الجزایر»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ تهران؛ ۱۳۷۵؛ ص ۶۱.

۴ - ملک شاه، حبیب‌اله؛ «آلبانی»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۵؛ ص ۷۱.

کشورها از آب و هوای گرم و مرطوب و پرباران برخوردارند. در این مناطق اختلاف فصل کم‌تر دیده می‌شود و جنگل انبوه از ثروت‌های این‌گونه کشورهاست؛ کشورهای اوگاندا، اندونزی، برونئی، بنگلادش، ساحل عاج و سیرالئون در این کمربند قرار گرفته‌اند.

۲ - کشورهایی که در کمربند صحرایی و بیابانی واقع‌اند، در این نواحی آب و هوای گرم و خشک با اختلاف دمای زیاد و تبخیر فراوان، بارندگی ناچیز و وزش بادهای توأم با شن و گرد و خاک دیده می‌شود و کم‌آبی مشکلات فراوانی را برای مردمان این نواحی فراهم نموده است؛ کشورهای سودان، چاد، نیجر، مالی، موریتانی و شبه جزیره‌ی عربستان از چنین آب و هوایی برخوردارند.

۳ - کشورهایی که آب و هوای مدیترانه‌ای دارند، نواحی شمالی کشورهای مصر، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و بخش عربی و جنوبی ترکیه، فلسطین و لبنان از این نوع آب و هوا برخوردارند، این آب و هوا شرایط خاصی را برای کشورهای مزبور پدید آورده که از جمله وجود یک فصل خشک (تابستان) و نیز یک فصل پرباران (زمستان) است.

۴ - کشورهایی که آب و هوای معتدل دارند، تنوع شرایط جغرافیایی، دوری و نزدیکی به دریا و ارتفاع از سطح دریا موجب آن شده که برخی از کشورها از زمستان‌های نسبتاً ملایم و تابستان‌های معتدل برخوردار باشند، البته این شرایط را نمی‌توان برای تمام نقاط این کشورها تعمیم داد؛ ایران و عراق در این گروه قرار می‌گیرند.

۵ - آب و هوای کوهستانی، مخصوص نواحی ارتفاعی کشورهاست و نمی‌توان کشور خاصی را در این گروه قرار داد؛ به‌عنوان مثال، نواحی شرقی ترکیه و نواحی غربی ایران و نقاط شمالی عراق و بخش‌هایی

از کشور آلبانی، افغانستان، قرقیزستان و تاجیکستان آب و هوای کوهستانی دارند.

جغرافیای انسانی جهان اسلام

الف) جمعیت

جمعیت کشورهای اسلامی ۱۵,۷۲۵,۰۴۲,۶ نفر است، پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی اندونزی است که ۲۳۸,۴۵۲,۹۵۲ نفر سکنه دارد و کم جمعیت‌ترین کشور مسلمان، مالدیو است که تعداد سکنه‌ی آن به ۳۳۹,۳۳۰ نفر می‌رسد.^۱

میانگین تراکم نسبی جمعیت در کشورهای اسلامی حدود ۱۱۴ نفر در کیلومتر مربع است. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشورهای اسلامی ۲/۱۶ درصد است که بالاترین آن مربوط به افغانستان (۴/۹۲ درصد) و کم‌ترین آن به قزاقستان (۰/۲۶ درصد) اختصاص دارد. میانگین سنی این کشورها ۲۱/۲ سال است که بیش‌ترین میانگین سنی مربوط به کشور قطر با ۳۱/۴ سال و کم‌ترین به کشور اوگاندا با ۱۴/۸ اختصاص دارد. متوسط زاد و ولد برای کشورهای اسلامی ۱۴/۸ در هزار و متوسط میزان مرگ و میر ۱۰/۰۸ در هزار گزارش شده است.^۲

مراکز جمعیتی کشورهای اسلامی عبارتند از:

- ۱ - جنوب غرب آسیا با دو کشور ۱۸۷,۶۶۰,۶۷۰ (پاکستان و افغانستان)
- ۲ - جنوب شرق آسیا با پنج کشور ۲۶۲,۶۷۹,۳۳۰ (اندونزی، مالزی، بنگلادش، برونئی و مالدیو)

۱ - صفوی، سید یحیی؛ «جزوه‌ی درسی جغرافیای سیاسی جهان اسلام»؛ دانشگاه شهید بهشتی؛

- ۳ - خاورمیانه و آسیای جنوب غربی با چهارده کشور ۲۴۸,۰۰۰,۰۰۰
 - ۴ - آسیای میانه با شش کشور ۶۵,۲۷۸,۰۰۰
 - ۵ - آفریقای شمالی با پنج کشور ۱۵۹,۰۰۰,۰۰۰
 - ۶ - آفریقای شرقی و ناحیه‌ی شاخ آفریقا با دو کشور ۸,۷۱۱,۷۷۵ (سومالی و جیبوتی)
 - ۷ - آفریقای غربی با سیزده کشور ۲۴۴,۵۰۰,۰۰۰
- در این کشورها تمرکز جمعیت، به دلیل شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیایی، یکسان و اغلب مردم در مناطق ساحلی مرطوب و زمین‌های حاصل‌خیز تمرکز یافته‌اند. در منطقه‌ی خاورمیانه سه کشور ایران، ترکیه و افغانستان ۷۵ درصد سکنه‌ی این مناطق را تشکیل می‌دهند و قریب ۴۰ درصد مردمان این نواحی در کانون‌های شهری به‌سر می‌برند. به غیر از عربستان، تجانس جمعیت در کشورهای دیگر منطقه کم‌تر دیده می‌شود و اغلب کشورها اقلیت‌های متفاوتی دارند. در پاکستان غالب سکنه‌ی ۱۵۹ میلیونی در کنار رود سند و دره‌های کوهستانی پنجاب سکونت دارند و استان پنجاب حدود ۵۶ درصد جمعیت را در خود جای داده است. کشورهای مسلمان آسیای جنوب شرقی نیز از قلب‌های جمعیتی مهم محسوب می‌شوند که با مساحت ۱,۹۷۰,۰۰۰ کیلومتر مربع حدود ۲۶۰ میلیون نفر سکنه دارند و میانگین تراکم نسبی آن‌ها ۳۳۴/۵ در کیلومتر مربع است. از دیگر قطب‌های جمعیتی کشورهای اسلامی، کشورهای آفریقایی هستند که حدود ۴۵۰ میلیون نفر جمعیت دارند، میانگین تراکم نسبی این کشورها ۵۷/۳ نفر در کیلومتر مربع است و میانگین درصد رشد سالانه‌ی آن‌ها ۲/۳ درصد است.^۱

۱ - صفوی، سید یحیی؛ «جزوه‌ی درسی جغرافیای سیاسی جهان اسلام»؛ دانشگاه شهید بهشتی؛

جدول ۴ - ترکیب جمعیتی جهان اسلام

ردیف	کشورها	جمعیت	درصد نرخ رشد جمعیت	نرخ تولد	نرخ مرگ و میر	میانگین سنی
۱	آذربایجان	۷,۸۶۷,۳۸۵	۰/۵۲	۱۹/۸۱	۹/۷۶	۲۷/۳
۲	آلبانی	۳,۵۴۴,۸۰۸	۰/۵۱	۱۵/۰۸	۵/۰۲	۲۸/۳
۳	اردن هاشمی	۶,۱۱۵,۲۰۲	۲/۶۷	۲۲/۷۳	۲/۶۲	۲۲/۲
۴	افغانستان	۲۸,۵۱۳,۶۷۷	۴/۹۲	۴۷/۲۷	۲۱/۱۲	۱۷/۵
۵	الجزایر	۳۲,۱۲۹,۳۲۴	۱/۲۸	۱۷/۷۹	۴/۶۱	۲۳/۸
۶	امارات	۲,۵۲۳,۹۱۵	۱/۵۷	۱۸/۶۵	۴/۱۴	۲۷/۷
۷	اندونزی	۲۳۸,۴۵۲,۹۵۲	۱/۴۹	۲۱/۱۱	۶/۲۶	۲۶/۱
۸	اوگاندا	۲۶,۴۰۴,۵۴۳	۲/۹۷	۴۶/۳۱	۱۶/۶۱	۱۴/۸
۹	ازبکستان	۲۶,۴۱۰,۴۱۶	۱/۶۵	۲۶/۱۲	۷/۹۵	۲۲/۱
۱۰	ایران	۶۹,۰۱۸,۹۲۴	۱/۰۷	۱۷/۱۰	۵/۵۳	۲۳/۵
۱۱	بحرین	۶۷۷,۸۸۶	۱/۵۹	۱۸/۵۴	۴/۰۳	۲۹/۰
۱۲	برونئی	۳۶۵,۲۵۱	۱/۹۵	۱۹/۳۳	۳/۴۰	۲۷/۶
۱۳	بنگلادش	۱۴۱,۳۴۰,۴۷۶	۲/۰۸	۳۰/۰۳	۸/۵۲	۲۱/۵
۱۴	بنین	۷,۲۵۰,۰۳۳	۲/۸۹	۴۲/۵۷	۱۳/۶۹	۱۶/۵
۱۵	بورکینافاسو	۱۳,۵۷۴,۸۲۰	۲/۵۷	۴۴/۴۶	۱۸/۷۹	۱۶/۸
۱۶	پاکستان	۱۵۹,۱۹۶,۳۳۶	۱/۹۸	۳۱/۲۲	۸/۶۷	۱۹/۴
۱۷	تاجیکستان	۶,۰۱۱,۵۵۶	۲/۱۴	۳۲/۶۳	۸/۴۲	۱۹/۵
۱۸	ترکمنستان	۴,۸۶۳,۱۶۹	۱/۸۱	۲۷/۸۲	۸/۸۲	۲۱/۳
۱۹	ترکیه	۶۵,۸۹۳,۹۱۸	۱/۱۳	۱۷/۲۲	۵/۹۵	۲۷/۳
۲۰	تونس	۹,۹۷۴,۷۲۲	۱/۰۱	۱۵/۷۴	۵/۰۵	۲۶/۸
۲۱	توگو	۵,۵۵۶,۸۱۲	۲/۲۷	۳۴/۳۶	۱۱/۶۴	۱۷/۶
۲۲	جیبوتی	۴۶۶,۹۰۰	۲/۱۰	۴۰/۳۹	۱۹/۳۹	۱۸/۳
۲۳	چاد	۹,۵۳۸,۵۴۴	۳/۰۰	۴۶/۵۰	۱۶/۳۸	۱۶/۰
۲۴	سنگال	۱۰,۸۵۲,۱۴۷	۲/۵۲	۳۵/۷۲	۱۰/۷۴	۱۸/۰
۲۵	سودان	۳۹,۱۴۸,۱۶۲	۲/۶۴	۳۵/۷۹	۹/۳۷	۱۷/۹
۲۶	سورینام	۴۳۶,۹۳۵	۰/۳۱	۱۸/۸۷	۶/۹۹	۲۵/۸
۲۷	سوریه	۱,۶۱۸,۸۷۴	۲/۴۰	۲۸/۹۳	۴/۹۶	۲۰/۰
۲۸	سومالی	۸,۳۰۴,۶۰۱	۳/۴۱	۴۶/۰۴	۱۱/۳۰	۱۷/۶

ادامه‌ی جدول ۴ - ترکیب جمعیتی جهان اسلام

ردیف	کشورها	جمعیت	درصد نرخ رشد جمعیت	نرخ تولد	نرخ مرگ و میر	میانگین سنی
۲۹	سیرالئون	۵,۸۱۳,۸۸۹	۲/۲۷	۴۳/۳۴	۲۰/۶۲	۱۷/۵
۳۰	ساحل عاج	۱۷,۳۲۷,۷۲۴	۲/۱۱	۳۹/۶۴	۱۸/۴۸	۱۷/۰
۳۱	عراق	۲۷,۳۷۴,۶۹۱	۲/۷۴	۳۳/۰۹	۵/۶۶	۱۹/۲
۳۲	عربستان	۲۵,۷۹۵,۹۳۸	۲/۴۴	۲۹/۷۴	۲/۶۶	۲۱/۲
۳۳	عمان	۲,۹۰۳,۱۶۵	۳/۳۵	۳۷/۱۲	۳/۹۱	۱۹/۳
۳۴	فلسطین	۳,۵۰۰,۰۰۰	۳/۶۰	—	—	—
۳۵	قرقیزستان	۵,۰۸۱,۴۲۹	۱/۲۵	۲۲/۱۳	۷/۱۹	۲۳/۱
۳۶	قزاقستان	۱۵,۱۴۳,۷۰۴	۰/۲۶	۱۵/۵۲	۹/۵۹	۲۸/۳
۳۷	قطر	۸۴۰,۲۹۰	۲/۷۴	۱۵/۶۰	۴/۵۲	۳۱/۴
۳۸	کامرون	۱۶,۰۶۳,۶۷۸	۱/۹۷	۳۵/۰۸	۱۵/۳۴	۱۸/۵
۳۹	کومور	۶۵۱,۹۰۱	۲/۹۴	۳۸/۰۰	۸/۶۳	۱۸/۶
۴۰	کویت	۲,۲۵۷,۵۴۹	۳/۳۶	۲۱/۸۵	۲/۴۴	۲۵/۹
۴۱	گابن	۱,۳۵۵,۲۴۶	۲/۵۰	۳۶/۴۰	۱۱/۴۳	۱۸/۵
۴۲	گامبیا	۱,۵۴۶,۸۴۸	۲/۹۸	۴۰/۳۰	۱۲/۰۸	۱۷/۵
۴۳	گینه	۹,۲۴۶,۴۶۲	۲/۳۷	۴۲/۲۶	۱۵/۵۳	۱۷/۷
۴۴	گینه بیسائو	۱,۳۸۸,۳۶۳	۱/۹۹	۳۸/۰۳	۱۶/۵۷	۱۸/۹
۴۵	گویان	۷۰۵,۸۰۳	۰/۶۱	۱۷/۸۵	۹/۷۱	۲۶/۲
۴۶	لبنان	۳,۷۷۷,۲۱۸	۱/۳۰	۱۹/۳۱	۶/۲۸	۲۶/۹
۴۷	لیبی	۵,۶۳۱,۵۸۵	۲/۳۷	۲۷/۱۷	۳/۴۸	۲۲/۴
۴۸	مالدیو	۳۳۹,۳۳۰	۲/۸۶	۳۶/۰۶	۷/۴۴	۱۷/۵
۴۹	مالزی	۲۳,۵۲۲,۴۸۲	۱/۸۳	۲۳/۳۷	۵/۰۸	۲۳/۸
۵۰	مالی	۱۱,۹۵۶,۷۸۸	۲/۷۸	۴۷/۲۹	۱۹/۱۲	۱۶/۳
۵۱	مراکش	۳۲,۲۰۹,۱۰۱	۱/۶۱	۲۲/۷۹	۵/۷۱	۲۳/۳
۵۲	مصر	۷۹,۱۱۷,۴۲۱	۱/۸۳	۲۳/۸۴	۵/۳۰	۲۳/۴
۵۳	موریتانی	۲,۹۹۸,۵۶۳	۲/۹۱	۴۱/۷۹	۱۲/۷۴	۱۶/۹
۵۴	موزامبیک	۱۸,۸۱۱,۷۳۱	۱/۲۲	۳۶/۰۶	۲۳/۸۶	۱۸/۲
۵۵	نیجر	۱۱,۶۳۰,۵۳۸	۲/۶۷	۴۸/۹۱	۲۱/۵۱	۱۶/۲
۵۶	نیجریه	۱۳۷,۲۵۳,۱۳۳	۲/۴۵	۳۸/۲۴	۱۳/۹۹	۱۸/۱
۵۷	یمن	۲۰,۰۲۴,۸۶۷	۳/۴۴	۴۳/۱۶	۸/۷۸	۱۶/۵
جمع کل		۱,۴۲۶,۰۱۵,۰۷۲	یک میلیارد و چهارصد و بیست و شش میلیون و پانزده هزار و هفتاد و نفر			
میانگین		—	۲/۱۶	۳۰/۹۷	۱۰/۰۸	۲۱/۲

ب) نژاد

از مجموع ۵۷ کشور اسلامی، در ۱۷ کشور، اکثریت با نژاد سامی است و البته اقلیت‌های نژادی دیگری نیز در این کشورها دیده می‌شود. در کشورهای آفریقایی عرب‌زبان، گروه‌های بربر^۱ بیش‌ترین درصد گروه‌های قومی را به خود اختصاص می‌دهند، مانند کشورهای الجزایر، مراکش، لیبی، تونس و مصر. به‌طور کلی، آفریقا مهد نژاد سیاه است، ولی بربرهای شمال و اروپاییان مهاجر سفیدپوست هستند. حامی‌ها و سامی‌ها که منشأ آنان خاورمیانه و شبه جزیره‌ی عربستان است و در آفریقای شرقی و بخش‌هایی از صحرا سکونت دارند، گرچه سفید پوست هستند، رنگ پوستشان تیره‌تر از بربرهاست. در بیش‌تر کشورهای آفریقایی با داشتن نژاد سیاه، گروه‌های قومی بسیاری زندگی می‌کنند؛ به‌طور مثال، در نیجریه بیش از ۲۵۰ گروه قومی وجود دارد.^۲

در کشورهای آسیایی ترکیب نژادی جمعیت بسیار متنوع و پیچیده است. در این میان جمعیت شبه جزیره‌ی عربستان متجانس‌تر است و از اعرابی که زبان و خط مشترکی دارند تشکیل می‌شود. مردم یمن نیز از نژاد سامی و عرب قحطانی هستند و عرب قحطانی مادر و ریشه‌ی عربیت است که عرب‌ها را به آن منسوب می‌دارند. مردمی که در شمال یمن (یمن شمالی) زندگی می‌کنند عرب هستند، ولی در بخش جنوبی از سال‌های قبل اقلیت‌های دیگری از کشورهای هندوستان، پاکستان، سومالی و اتیوپی به آن‌جا مهاجرت کرده‌اند. در کشور ترکیه اکثریت با نژاد ترک‌های آناتولی است که وابسته به نژاد سامی هستند و بزرگ‌ترین اقلیت آن کردها هستند.

کردها یکی دیگر از گروه‌های قومی مسلمانان هستند که در عراق حدود (۲۰ درصد)، ترکیه (۲۰ درصد)، سوریه (۹/۷ درصد) و ایران (۷ درصد) ساکن

۱ - Breber

۲ - صفوی، سید یحیی؛ «جزوه‌ی درسی جغرافیای سیاسی جهان اسلام»؛ دانشگاه شهید بهشتی؛

هستند؛ منشأ نژاد ایرانی پارسی و آریایی است که خود دارای اقلیت‌های قومی متفاوتی است؛ مردم پاکستان از نژاد سفید و تیره‌ی سند و پنجابی هستند و افغانستان را گروهی از محققان، موزه‌ای از نژادها و ملل مختلف می‌دانند که سکنه‌ی فعلی، بازماندگان دو نژاد عمدتاً سفید و زرد هستند، که نژاد سفید شامل پشتون‌ها، تاجیک‌ها، نورستانی‌ها و نژاد زرد شامل مغول‌ها، ترک‌ها، ازبک‌ها و تاتارها هستند، بیش‌ترین درصد جمعیت متعلق به پشتون‌هاست که اولین گروه قومی افغانستان هستند، آن‌ها از شاخه‌ی اقوام آریایی هستند و در قسمت‌های جنوبی هندوکش و در مناطق مرکزی، شرقی و جنوب شرقی عمدتاً در محور کابل - قندهار سکونت دارند.^۱ سکنه‌ی جیبوتی و سومالی، از نژاد سومالیایی و عفار هستند.^۲

آسیای میانه، از لحاظ ترکیب نژادی بسیار متنوع و پیچیده است و هر کدام از این اقوام دارای سنت‌های خاص و شیوه‌های ویژه خود هستند، اما در فرهنگ اسلامی و هویت مذهبی مشترکند.

قوم ازبک از بزرگ‌ترین اقوام ناحیه‌ی آسیای میانه است که در حال حاضر اکثریت جمهوری ازبکستان و بیش از ۷۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. قزاقستان در میان کشورهای آسیای میانه تنها جمهوری است که نژاد اصلی آن که قزاق‌ها هستند، در اقلیت قرار دارند (۴۴ درصد کل جمعیت) و روس‌ها بزرگ‌ترین اقلیت قومی در این کشور محسوب می‌شوند، و نسبت روس‌ها در این کشور از تمامی کشورهای شوروی سابق (غیر از روسیه) بیش‌تر است.^۳ در ترکمنستان، ترکمن‌ها به‌عنوان ساکنان اصلی این

۱ - علی آبادی، علیرضا؛ «افغانستان»؛ ص ۶.

۲ - گلی زواره، غلامرضا؛ «سرزمین اسلام (شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان نشین جهان)»؛ قابل دسترس در: www.tebyan.net

۳ - ابوالحسنی، صالح؛ «قزاقستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت

سرزمین با ۷۳/۳ درصد اکثریت جمعیت را دارا هستند.^۱ قرقیزها نیز از نظر نژادی به گروه مغول‌های جنوب سیبری تعلق دارند. و علاوه بر آن اقوام دیگری نظیر، تاتارها، ایغورها، غازان‌ها و اقلیت‌های ترک و کرد و بلوچ نیز در آسیای میانه سکونت دارند. هم‌چنین منشأ پنج کشور اسلامی که در جنوب شرق آسیا واقع هستند، نژاد زرد است که شامل تیره‌های زرد مالایایی، زرد بنگالی، زرد اندونزی و هندی و چینی هستند. مردم آلبانی از تیره‌ی آلبانی توسک هستند، در کشور سورینام ۳۰ درصد مردم از نژاد هندی و بقیه از نژادهای آفریقایی، اروپایی، جاوه‌ای و زرد هستند.^۲

ج) اقوام

گروه‌های قومی گروه‌هایی هستند که با توجه به پیوستگی نژادی، پیشینه‌ی مشترک تاریخی، زبان مشترک، سرزمین و سنت‌های مشترک با یکدیگر و نیز متمایز از دیگران هویت خود را تعریف می‌کنند.

اکثر کشورهای، در عصر معاصر، هم در دنیای صنعتی و هم در جهان غیرصنعتی جوامع چندقومی هستند. جوامع چندقومی جوامعی هستند که در آن‌ها چندین گروه‌بندی قومی بزرگ وجود دارد. این گروه‌بندی‌ها در یک نظم سیاسی و اقتصادی مشارکت دارند، اما از جهات دیگر تا اندازه‌ی زیادی از یکدیگر متمایزند.

اکثر کشورهای اسلامی را می‌توان در زمره‌ی کشورهای چندقومی قلمداد نمود. این تنوع گسترده که در بعضی از کشورها مثل اوگاندا به بیش از ۲۰ گروه قومی می‌رسد، دلایل و پیامدهای متنوعی دارد. یکی از دلایل مهم این تنوع قومی، مرزبندی‌های سیاسی است که توسط کشورهای استعمارگر در

۱- امور خارجه؛ ۱۳۷۶؛ ص ۷۷.

۲ - کریمی، حسین؛ «ترکمنستان»؛ ص ۶۲.

۳ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ «مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی»؛ صص ۲۵۷-۲۴۴.

سده‌های قبل در این مناطق به وجود آمده است. اما وجود اکثریت مسلمان در این کشورها نشان‌دهنده‌ی قابلیت‌های دین اسلام است که شرایط و فرصت لازم را جهت همزیستی قومیت‌های مختلف در چارچوب یک نظام سیاسی فراهم کرده است؛ و این خود نشان‌دهنده‌ی آن است که اسلام می‌تواند به عنوان هویتی برتر و فراتر از دسته‌بندی‌های قومی مطرح شود؛ به طوری که اقوام مختلف بتوانند با توسل به عدالت اسلامی در چارچوب سیاسی و اقتصادی مشترک زندگی کنند.

اما این تنوع قومی می‌تواند پیامدهای منفی را با خود به همراه داشته باشد، شرایطی که در بالا به آن اشاره شد تنها در یک وضعیت ایده‌آل قابل تصویر است. مشاهده‌ی جوامع چندقومیتی نشان می‌دهد که این جوامع دارای مشکلات خاص ناشی از این تنوع هستند. تبعیض‌ها و نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در خصوص اقلیت‌ها و اقوام مختلف یکی از موضوعات عمده‌ای است که بارها در همه‌ی جوامع از جمله در جوامع اسلامی درباره‌ی آن گفت‌وگو شده است.

د) زبان

از مجموع ۵۷ کشور اسلامی در ۲۰ کشور زبان رایج عربی است و در کنار آن زبان بومی هر منطقه متداول است. به دلیل سلطه‌ی استعماری در تعدادی از کشورها، زبان‌های بیگانه مانند فرانسوی، انگلیسی و پرتغالی رواج دارد اما در کنار آن مردم این کشورها در گفت‌وگوی روزمره‌ی خود از زبان دوم که زبان بومی آن‌هاست و با سنت‌هایشان تطابق دارد استفاده می‌کنند. زبان مردم ایران فارسی است. زبان ترکی، که با الفبای لاتین نوشته می‌شود، زبان مسلط کشور ترکیه است. در برخی از کشورهای اسلامی تعداد قابل توجهی تیره‌های نژادی با لهجه‌های مختلف زندگی می‌کنند که در اندونزی تعداد آن‌ها

به ۳۰۰ تیره و در نیجریه به ۲۵۰ تیره بالغ می‌شود. در کشورهای اسلامی آسیای میانه نیز مردم این کشورها عموماً به زبان‌های آذربایجانی، قزاقی، قرقیزی، ازبکی، تاجیکی و ترکمنی مکالمه می‌کنند، ولی زبان روسی عمده‌تاً در مکالمات تجاری، بازرگانی و دولتی استفاده می‌شود. شرح کامل زبان‌های رایج در کشورهای اسلامی در جدول ذیل آمده است.

جدول ۵ - ترکیب زبانی جهان اسلام

ردیف	کشور	زبان
۱	آذربایجان	آذربایجانی (آذری) ۸۹٪، روسی ۳٪، بقیه زبان‌ها ۶٪
۲	آلبانی	آلبانیایی (رسمی)، لهجه رسمی توسک
۳	اردن	عربی (رسمی)، انگلیسی بین طبقات بالا و متوسط جامعه
۴	افغانستان	پشتو (رسمی) ۳۵٪، دری ۵۰٪، زبان‌های ترک ۱۱٪، زبان‌های اقلیت ۴٪
۵	الجزایر	عربی (رسمی)، فرانسه، لهجه‌های بربری
۶	امارات	عربی (رسمی)، فارسی، انگلیسی، هندی، اردو
۷	اندونزی	باهاسا اندونزیا (رسمی)، انگلیسی، هلندی، زبان‌های بومی (اکثراً لهجه جاوه‌ای)
۸	اوگاندا	انگلیسی (رسمی)، زبان‌های آفریقای و بومی منطقه، عربی
۹	ازبکستان	ازبک، روسی، تاجیک
۱۰	ایران	فارسی ۵۸٪، ترکی ۲۶٪، کردی ۹٪، لری ۲٪، بلوچ ۱٪، عربی ۱٪، بقیه ۳٪
۱۱	بحرین	عربی (رسمی)، انگلیسی، فارسی، اردو
۱۲	برونئی	ماله‌ای (رسمی)، انگلیسی، چینی
۱۳	بنگلادش	بنگالی (رسمی)، انگلیسی
۱۴	بنین	فرانسه (رسمی)، زبان‌های بومی
۱۵	بورکینافاسو	فرانسه (رسمی)، زبان‌های آفریقای بومی
۱۶	پاکستان	اردو (رسمی)، انگلیسی (رایج در وزارتخانه‌ها)، پنجابی، سندھی، پشتو، بلوچی
۱۷	تاجیکستان	تاجیک (رسمی)، روسی (که به‌طور گسترده در دستگاه‌های دولتی رواج دارد)
۱۸	ترکمنستان	ترکمن ۷۲٪، روسی ۱۲٪، ازبک ۹٪، بقیه زبان‌ها ۷٪
۱۹	ترکیه	ترکی (رسمی)، کردی، عربی، ارمنی، یونانی
۲۰	تونس	عربی (رسمی)، فرانسه (در مناسبات تجاری)
۲۱	توگو	فرانسه (رسمی)، ایوومینا (دو زبان آفریقایی عمده در جنوب)
۲۲	جیبوتی	فرانسه (رسمی)، عربی (رسمی)، سومالیایی، عفار
۲۳	چاد	فرانسه (رسمی)، عربی (رسمی)
۲۴	سنگال	فرانسه (رسمی)، زبان‌های بومی

ادامه‌ی جدول ۵ - ترکیب زبانی جهان اسلام

ردیف	کشور	زبان
۲۵	سودان	عربی (رسمی)، سودانی، زبان‌های آفریقایی، انگلیسی
۲۶	سورینام	هلندی (رسمی)، انگلیسی، هندی، جاوه‌ای
۲۷	سوریه	عربی (رسمی) کردی، ارمنی
۲۸	سومالی	سومالیایی (رسمی)، عربی، ایتالیایی، انگلیسی
۲۹	سیرالئون	انگلیسی (رسمی)، زبان‌های بومی
۳۰	ساحل عاج	فرانسه (رسمی)
۳۱	عراق	عربی (رسمی)، کردی، ارمنی، آسوری
۳۲	عربستان	عربی (رسمی)
۳۳	عمان	عربی (رسمی)، انگلیسی، بلوچی، اردو، هندی
۳۴	فلسطین	عربی
۳۵	قرقیزستان	روسی (رسمی)، قرقیزی
۳۶	قزاقستان	روسی (رسمی)، قزاقی
۳۷	قطر	عربی (رسمی)، انگلیسی
۳۸	کامرون	فرانسه (رسمی)، انگلیسی (رسمی)، ۲۴ گونه زبان‌های آفریقایی
۳۹	کومور	عربی (رسمی)، فرانسه (رسمی)
۴۰	کویت	عربی (رسمی)، انگلیسی
۴۱	گابن	فرانسه (رسمی)، زبان‌های بومی
۴۲	گامبیا	انگلیسی (رسمی)، زبان‌های بومی
۴۳	گینه	فرانسه (رسمی)، زبان‌های بومی مربوط به هر گروه قومی
۴۴	گینه بیسائو	پرتغالی (رسمی)، زبان‌های آفریقایی
۴۵	گویان	انگلیسی (رسمی)، هندی، اردو
۴۶	لبنان	عربی (رسمی)، فرانسه، انگلیسی، ارمنی
۴۷	لیبی	عربی (رسمی)، ایتالیایی، انگلیسی
۴۸	مالدیو	انگلیسی (رسمی)
۴۹	مالزی	ماله‌ای (رسمی)، انگلیسی، چینی
۵۰	مالی	فرانسه (رسمی)، زبان‌های آفریقایی بومی
۵۱	مراکش	عربی (رسمی)، بربری، فرانسه (در مناسبات دولتی و تجاری)
۵۲	مصر	عربی (رسمی)، انگلیسی، فرانسه
۵۳	موریتانی	عربی (رسمی)
۵۴	موزامبیک	پرتغالی (رسمی)
۵۵	نیجر	فرانسه (رسمی)، زبان‌های بومی
۵۶	نیجریه	انگلیسی (رسمی)، زبان‌های بومی
۵۷	یمن	عربی (رسمی)

ه) مذهب

منطقه‌ی خاورمیانه خاستگاه آیین اسلام، یهودیت و مسیحیت است. اگر چه اکثریت مسلمانان منطقه‌ی خاورمیانه را پیروان اهل سنت تشکیل می‌دهند، بیش‌ترین درصد شیعیان جهان نیز در این منطقه سکونت دارند. در میان کشورهای اسلامی، ایران با داشتن ۸۹ درصد جمعیت شیعه، بحرین با ۶۸ درصد بیش‌ترین درصد شیعیان را دارا هستند، و پس از آن کشورهای عراق با ۷۰ درصد، کویت ۳۰ درصد جمعیت شیعه قرار دارند.^۱ در لبنان نزدیک به ۱۸ فرقه‌ی دینی به رسمیت شناخته شده‌اند که عبارتند از یازده فرقه‌ی مسیحی شامل: مارونی‌ها، ارتدوکس‌ها، کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها، ارمنی‌های ارتدوکس، ارمنی‌های کاتولیک، سریانی‌های ارتدوکس، سریانی‌های کاتولیک، لاتین‌ها، کلدانی‌ها و نستوری‌ها؛ پنج فرقه‌ی اسلامی، شامل: شیعیان، سنیان، دروزی‌ها، علوی‌ها و اسماعیلی‌ها؛ و یهودیان که از کم‌اهمیت‌ترین فرقه‌های لبنان هستند.^۲ در یمن نیز فرقه‌ی زیدیه (متماثل به شیعه) اکثریت را در این کشور داراست که بیش‌تر در نواحی کوهستانی یمن شمالی سکونت دارند و اهل تسنن، که شافعی مذهب هستند، حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و بیش‌تر در جنوب و در منطقه‌ی ساحلی تهامه زندگی می‌کنند.^۳

در پاکستان اسلام دین رسمی کشور است و مسلمانان ۹۸ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، حدود ۷۰ درصد مسلمانان پاکستان سنی مذهب و متعلق به دو گروه حنفی و شافعی هستند و اقلیت قابل توجهی حدود ۲۵ درصد جمعیت پاکستان شیعه هستند، سایر گروه‌های مذهبی این کشور عبارتند از

۱ - www.gov/publications/factbook/country_studies

۲ - نادری سمیرمی، احمد؛ «لبنان»؛ ص ۷۴.

۳ - کریملو، داود؛ «یمن»؛ ص ۴۲.

اسماعیلیه، سادات و مغول‌ها.^۱ در افغانستان حدود ۹۸ درصد مردم مسلمان هستند که از این میان نزدیک به ۷۰ درصد اهل تسنن هستند که اکثراً مذهب حنفی دارند و بیش از ۲۵ درصد شیعه اثنی‌عشری هستند. اکثریت شیعه‌ها قوم «هزاره» را تشکیل می‌دهند که در مناطق مرکزی افغانستان سکونت دارند و مرکز آنان شهر تاریخی بامیان است.^۲

در قفقاز، در کشور آذربایجان تقریباً ۷۰ درصد جمعیت مسلمان شیعه و بقیه سنی (حنفی مذهب)، و اقلیت‌های کوچکی از روس‌های ارتدوکس و ارمنی‌ها در این کشور ساکن هستند.^۳ قرقیزها نیز از نظر مذهبی مسلمان و حنفی مذهب هستند که از کل جمعیت ۷۵ درصد مسلمان و ۲۰ درصد مسیحی ارتدوکس هستند.^۴ در تاجیکستان نیز از ۹۰ درصد مسلمانان کشور، ۸۵ درصد آنان سنی و از شاخه‌ی حنفی هستند و گروه کوچکی از شیعیان اسماعیلی (حدود ۵ درصد) در کوه‌های بدخشان و منطقه‌ی پامیر زندگی می‌کنند.^۵ قریب ۸۸ درصد مردم ازبکستان مسلمان بوده و دارای مذهب سنی حنفی هستند.^۶ در ترکمنستان نیز از ۸۹ درصد جمعیت مسلمان این کشور، اکثریت قریب به اتفاق سنی و حنفی مذهب هستند و شمار اندکی نیز شیعه وجود دارد که بیش‌تر در نواحی مرزی ایران زندگی می‌کنند.^۷ در قزاقستان مسلمانان سنی و پیرو مذهب حنفی هستند. به موجب قانون اساسی قزاقستان، کشور تابع مذهب خاصی

۱ - فرزین‌نیا، زیبا؛ «پاکستان»؛ ص ۸۷.

۲ - علی‌آبادی، علیرضا؛ «افغانستان»؛ ص ۶.

۳ - اسدی‌کیا، بهناز؛ «آذربایجان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵؛ ص ۳۷.

۴ - www.gov/publications/factbook/country_studies - ۴

۵ - منتظمی، رویا؛ «تاجیکستان»؛ ص ۸۷.

۶ - چرمی، داود؛ «ازبکستان»؛ ص ۸۷.

۷ - کریمی، حسین؛ «ترکمنستان»؛ ص ۶۲.

نیست، ولی همه‌ی ادیان و مذاهب در انجام امور مذهبی خود آزادند؛ این کشور با عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی وجهه‌ی یک کشور مذهبی با هویت اسلامی به خود گرفته است.^۱

اکثر جمعیت کشورهای شمال قاره‌ی آفریقا را مسلمانان تشکیل می‌دهند که بیش‌تر سنی و مالکی‌مذهب و تعدادی هم از پیروان مذهب حنفی هستند. در کشورهای دیگر نظیر موریتانی، که دین رسمی کشور اسلام است، بیش‌تر مسلمانان پیرو مذهب مالکی هستند.^۲ کشور ساحل عاج حدود ۴۰ درصد مسلمان دارد که در حال حاضر اکثر آن‌ها را سنی‌های مالکی تشکیل می‌دهند، البته مذهب صوفیسم نیز در میان مسلمانان این کشور رایج است که از آن میان دو مکتب قادریه و تیجانیه از طرفداران بیش‌تری برخوردار است. مکتب احمدیه نیز که یک نوع فرقه‌ی شیعی محسوب می‌شود تنها مکتب غیرسنی در ساحل عاج است.^۳ در آلبانی، تنها کشور مسلمان اروپایی، ۷۰ درصد جمعیت را مسلمانان تشکیل می‌دهند؛ مسلمانان آلبانی شامل سه گروه اهل تسنن، بکتاشی‌ها و علوی‌ها هستند، ۴۵ درصد جامعه مسلمانان از فرق دراویش هستند که نزدیک‌ترین آداب و رسوم را به شیعیان دارند، علوی‌ها در این کشور به فرقه‌ای اطلاق می‌شود که به لحاظ فقهی سنی هستند، ولی در سیر و سلوک خود را پیرو حضرت علی (ع) می‌دانند.

گفته می‌شود اکثر این فرق دوازده امام شیعیان را قبول دارند و به آنان احترام می‌گذارند. علوی‌ها در آلبانی دارای فرقه‌های مختلفی هستند که

۱ - ابوالحسنی، صالح؛ «قزاقستان»؛ ص ۷۷.

۲ - امیر شاهی، ذوالفقار؛ «موریتانی»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۴؛ ص ۳۱.

۳ - طاقدار، حسین؛ «ساحل عاج»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امورخارجه؛ تهران؛ ۱۳۸۰؛ ص ۱۳۱.

عبارتند از: خلوتیه، قادریه، نقشبندیه و تیجانیه. در منطقه‌ی جنوب شرق آسیا، ۸۸ درصد از جمعیت کشور اندونزی را، که عنوان پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی را داراست، مسلمانان تشکیل می‌دهند و دیگر ادیان این کشور را مسیحیان (شامل کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها)، هندوها و بودایی‌ها تشکیل می‌دهند. مسلمانان کشورهای مالزی و مالدیو نیز بیش‌تر دارای مذهب تسنن هستند، در بروئی نیز ۶۷ درصد جمعیت را مسلمانان تشکیل می‌دهند که اهل سنت و پیرو مذهب شافعی هستند.

و) مهاجرت

آهنگ مهاجرت در کشورهای اسلامی بر اثر عوامل مختلف نوسانات زیادی را نشان می‌دهد. عوامل مؤثر در مهاجرت‌ها عبارتند از: جنگ‌های داخلی و خارجی و بروز مشکلات اقتصادی و سیاسی ناشی از آن‌ها؛ به‌گونه‌ای که با بروز این مشکلات آهنگ مهاجرت تند و در پی سکون نسبی و آتش‌بس و از سرگیری مجدد فعالیت‌های اقتصادی و رفاه نسبی اجتماعی آهنگ آن کند می‌شود.

در منطقه‌ی خاورمیانه، در اردن قریب نیمی از جمعیت این کشور را آوارگان فلسطینی تشکیل می‌دهند، که این مهاجری قابل ملاحظه از طریق مهاجرت مردم اردن به سایر کشورهای عربی ثروتمند تولیدکننده نفت جبران یا تعدیل می‌شود. در حال حاضر، حدود ۱۰۰,۰۰۰ اردنی در خارج از کشورشان زندگی می‌کنند و متقابلاً گروه‌های مختلفی از مردمان اروپا و آمریکا، که عمدتاً در امان پایتخت این کشور متمرکز شده‌اند، در این کشور به‌سر می‌برند. بدویان صحرائشین ساکن در نواحی مرزی این کشور نیز آزادند و بین اردن و کشورهای سوریه، عراق و عربستان رفت و آمد می‌کنند.^۱

۱ - مناقبتی، محمدرضا؛ «اردن»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ ۱۳۷۵؛ ص ۶۴.

لبنان نیز در پی جنگ‌های داخلی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن، جمعیت قابل توجهی راهی کشورهای دیگر شدند. مهم‌ترین کشورهایی که مهاجران لبنانی در آن‌ها به سر می‌برند عبارتند از: کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، شمال آفریقا، آمریکا و استرالیا. شمار لبنانی‌های مهاجر به قدری زیاد است که شاید آمار آن‌ها کم‌تر از افراد لبنانی‌الاصل که در حال حاضر در داخل کشور به سر می‌برند، نباشد.

لبنان هم‌چنین پذیرای تعداد زیادی از آوارگان فلسطینی است که در اردوگاه‌ها ساکن هستند. این اردوگاه‌ها در شهرهای بیروت، صور، طرابلس و بقاع واقع شده‌اند. عین‌الحلوه، نهرالبارد، بداوی، صبرا، شتیلا و رشديه از مهم‌ترین این اردوگاه‌ها هستند. پرجمعیت‌ترین اردوگاه فلسطینی در لبنان اردوگاه عین‌الحلوه است که در صیدا واقع شده و بیش از سی‌هزار فلسطینی را در خود جای داده است. روند مهاجرت فلسطینی‌ها از سال‌هایی که فلسطین تحت قیمومت انگلیسی‌ها و سازمان ملل بود، با حملات گروه‌های افراطی یهودی آغاز شد و در زمان‌ها و شرایط مختلف دنبال گردید. در یکی از کنگره‌های صهیونیست‌ها در سال ۱۹۰۸ در هلند اعلام شد که «بر یهودیان است که هر چه بیش‌تر عرصه‌ی زندگی را بر فلسطینی‌ها تنگ‌تر کنند، به گونه‌ای که آن‌ها مجبور شوند محل زندگی خود را به سمت کشورهای هم‌جوار ترک کنند.» در حال حاضر، آوارگان فلسطینی مجموعاً در ۶۲ اردوگاه در کشورهای عربی و داخل سرزمین‌های اشغالی زندگی می‌کنند. از کل اردوگاه‌های تحت پوشش سازمان ملل، ۱۰ اردوگاه در سوریه، ۱۰ اردوگاه در اردن، ۸ اردوگاه در نوار اشغالی غزه، ۲۰ اردوگاه در کرانه‌ی باختری رود اردن و ۱۴ اردوگاه در لبنان واقع شده است.^۱

در یمن، به دلیل قبیله‌گرایی، مردم کم‌تر مهاجرت داخلی می‌کنند، اما به

علت فقر اقتصادی که این کشور با آن روبه‌روست، حدود ۲ میلیون نفر از مردم یمن به کشورهای حاشیه‌ی جنوب خلیج فارس و به‌ویژه عربستان مهاجرت نموده‌اند.^۱ بحرین نیز مانند دیگر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس از استعداد مهاجرپذیری خوبی برخوردار است و حدود یک‌سوم جمعیت این کشور را خارجی‌ان مقیم تشکیل می‌دهند که اکثراً انگیزه‌ی مهاجرت آنان اشتغال به کار است.^۲ در کشور افغانستان، به دلایل قومی و قبیله‌ای مهاجرت در داخل به‌ندرت صورت می‌گیرد، اقوام و قبایل، افراد اقوام دیگر را نمی‌پذیرند. تنها در بعضی شهرهای بزرگ نظیر کابل این محدودیت‌ها ضعیف‌تر است اما مهاجرت افغانه به خارج از کشور به فراوانی صورت می‌گیرد. قبل از کودتای ۱۹۷۸، عده‌ای از نیروهای فعال برای کسب درآمد راهی ایران و پاکستان و برخی کشورهای دیگر شدند، ولی پس از تجاوز شوروی در ۱۹۷۹ و پس از آن حمله‌ی آمریکا، در سال ۲۰۰۲، عده‌ی کثیری از خانواده‌های افغانی ناچار به مهاجرت به کشورهای گوناگون از جمله ایران و پاکستان شدند. عده‌ای از مهاجران افغان هم روانه‌ی کشورهای اروپایی و آمریکایی شدند، که این عده شامل سه دسته هستند: ثروتمندان کشور، دولتمردان نظام‌های قبلی عمدتاً در زمان ظاهرشاه و داودخان و نیروهای متخصص افغانی.^۳ در بنگلادش مهاجرت‌ها بیش‌تر در داخل شبه قاره بوده، ولی به واسطه‌ی آن‌که این کشور از نظر اقتصادی فقیر و کشوری پرجمعیت است و موفقیت چندان‌ی در زمینه‌ی علوم و فنون نداشته استعداد مهاجرپذیری ندارد.^۴

۱ - کریملو، داود؛ «یمن»؛ ص ۴۲.

۲ - سیف افجه‌ای، معصومه؛ «بحرین»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۶؛ ص ۷۹.

۳ - علی آبادی، علیرضا؛ «افغانستان»؛ ص ۶.

۴ - فرزین نیا، زیبا؛ «بنگلادش»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امورخارجه؛ تهران؛ ۱۳۷۳؛ ص ۱۶.

در طول سال‌های گذشته که بروئی به عنوان یک پایگاه تجاری مطرح شد، چینی‌ها به این کشور مهاجرت کردند. پس از انقلاب کمونیستی مائو در ۱۹۴۹ مهاجرت دوم چینی‌ها به بروئی آغاز شد. چینی‌ها که اقتصاد بروئی را در دست دارند جمعیت متناهی را تشکیل می‌دهند، هر چند هنوز قسمت اعظم آنان نتوانسته‌اند تابعیت بروئی را کسب کنند.^۱ در منطقه‌ی آسیای میانه نیز در اکثر جمهوری‌های منطقه، معمولاً مهاجرت از مناطق توسعه‌نیافته به مناطق توسعه‌یافته است، در قرقیزستان تعداد افراد مهاجر به این کشور کم‌تر از افراد خارج شده هستند، و تعداد قابل توجهی از مهاجران از دیگر جمهوری‌های مجاور هستند. بیش‌ترین درصد افراد مهاجر به قرقیزستان را روس‌ها، اوکراینی‌ها و آلمانی‌ها تشکیل می‌دهند، مهاجرت در داخل ازبکستان به دلایل یافتن کار و سطح تحصیلات انجام می‌پذیرد. اخیراً مهاجرت افراد روستایی به شهرها افزایش یافته است، مقصد این مهاجران عمدتاً شهرهای بزرگی مانند تاشکند و سمرقند است که صنایع پیشرفته‌تری دارند و غالب دفاتر تجاری و صنعتی در این مناطق تأسیس شده‌اند.^۲ بعد از فروپاشی شوروی سابق و استقلال قزاقستان، روند دوطرفه‌ی مهاجرت تا حدی شدت گرفت، چه از ناحیه‌ی قزاق‌هایی که از کشورهای مجاور خواهان بازگشت به سرزمین مادری خود بودند و چه از ناحیه‌ی اقوام و ملیت‌های دیگر قزاقستان خصوصاً روس‌ها که به تدریج در حال مهاجرت هستند.^۳

موقعیت ژئوپلیتیکی برتر جهان اسلام

همان‌گونه که ذکر شد جهان اسلام شامل ۵۷ کشور مسلمان است که به

۱ - شهریار، محمد مهدی؛ «بروئی»؛ تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ؛ ۱۳۷۸؛ ص ۱۰۷.

۲ - چرمی، داود؛ «ازبکستان»؛ ص ۶۷.

۳ - ابوالحسنی، صالح؛ «قزاقستان»؛ ص ۷۷.

لحاظ راهبردی از سوی غرب با جهان مسیحیت (سکولار و لائیک) مواجه است و از سوی شرق با بودیسم و هندوئیسم روبه‌رو است. این کشورها در سه قاره و پنج منطقه‌ی جغرافیایی پرجمعیت و برخوردار از غنای تاریخی، اقتصادی و تمدنی قرار دارند.^۱

منطقه‌ی اول: شمال آفریقا شامل ۶ کشور است که عبارتند از: مصر، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و موریتانی.

منطقه‌ی دوم: شامل ۲۴ کشور آفریقایی است. سودان، چاد، نیجر، جمهوری دموکراتیک صحرا، سنگال، مالی، گینه کوناکری، گامبیا، سومالی و اتیوپی که به رغم داشتن وسعت زیاد و معادن غنی در فقر و محرومیت به‌سر می‌برند.

منطقه‌ی سوم: شامل ۱۳ کشور خاورمیانه و پاکستان و افغانستان است که عبارتند از ایران، بحرین، عراق، اردن، کویت، لبنان، امارات متحده عربی، عمان، فلسطین، قطر، عربستان سعودی، سوریه و یمن. این منطقه از نظر منابع نفت و گاز طبیعی به‌ویژه در منطقه‌ی خلیج فارس بسیار غنی است و تقریباً ۷۰ درصد کل منابع نفت و گاز جهان را در بر گرفته است. براساس همین اهمیت بوده است که از این منطقه به‌عنوان قلب جهان^۲ نام می‌برند.

منطقه‌ی چهارم: جنوب شرق آسیا که شامل کشورهای برونئی، اندونزی و مالزی است. اهمیت این منطقه چه از حیث جمعیت و چه از نظر حجم مبادله‌ی سرمایه قابل توجه است.

منطقه‌ی پنجم: شامل کشورهای اروپایی و آسیای مرکزی و قفقاز است. این منطقه شامل ۸ کشور آلبانی، بوسنی، بخش مسلمان‌نشین قبرس، قزاقستان،

۱ - صفوی، سید یحیی؛ «وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده»؛ دانشگاه اصفهان؛ اصفهان:

کنگره‌ی بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام؛ ۲۲-۲۰ آذر ماه ۱۳۸۵.

قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و جمهوری آذربایجان در قفقاز است. برخورداری از منابع غنی، سرزمین گسترده و سطح بالایی از سرمایه‌های انسانی ماهر از جمله ویژگی‌های این منطقه به‌شمار می‌رود.

موقعیت ژئواستراتژیکی جهان اسلام

همان‌گونه که گفته شد بدنه‌ی اصلی جهان اسلام در خشکی و مسیرهای آبی جهان در مسیر شرق و غرب قرار گرفته و اجزاء پراکنده‌ی آن در داخل اقیانوس‌ها و خشکی‌ها موجب گردیده که هر کدام از کشورهای اسلامی یا سرزمین‌های مسلمان‌نشین از موقعیت سوق‌الجیشی خاصی برخوردار باشند. تنگه‌هایی که در این میان به‌نحوی به کشورهای اسلامی مربوط می‌شود خود نقش بزرگی را در ارتباط شرق و غرب جهان امروز بر عهده دارد. تنگه‌ی مالاکا که رابطه‌ی میان دو اقیانوس کبیر و هند را برقرار می‌کند، در گذشته جزئی از کشور اسلامی مالزی به‌شمار می‌رفته است. تنگه‌ی باب‌المندب که خط سیر بزرگ‌ترین کشتی‌های تجاری شرق و غرب در اقیانوس هند و دریای سرخ است، تنگه‌های مابین جزایر اندونزی که هر کدام به تناسب موقعیتشان دارای نقش حساسی هستند، کانال سوئز که واصل بین اقیانوس هند و دریای مدیترانه است، تنگه‌ی جبل‌الطارق که مدیترانه را به اقیانوس اطلس وصل می‌کند، تنگه‌های بسفر و داردانل که در مسیر پیوند دریای سیاه به دریای مدیترانه قرار دارند و هم‌چنین تنگه‌ی هرمز و سایر مناطق سوق‌الجیشی در جهان اسلام همگی حاکی از موقعیت راهبردی کشورهای اسلامی است، چنان که اگر خطی فرضی از وسط مستطیل جهان اسلام در جهت غربی- شرقی آن یعنی از ساحل سنگال به طرف مکه و از مکه به مرز قزاقستان وصل شود، حرم و شهر مکه و کعبه‌ی معظم در وسط این محور قرار می‌گیرند.^۱

اما توزیع جغرافیایی کشورهای مسلمان دارای شکل خاص و جالبی است و چنانچه این مطالعه در نقشه‌های جغرافیایی انجام گیرد بسیار آسان و توجیه آن مقبول‌تر خواهد بود. اغلب ممالک مسلمان در مناطق بیابانی و نیمه‌بیابانی آسیای جنوب غربی و آفریقای شمالی قرار دارند^۱ که همین عامل یعنی کمبود باران و خشکی شدید، مشکلاتی نظیر قحطی و خشکسالی‌های طولانی برای ممالک اسلامی به‌وجود می‌آورد. از نظر جغرافیایی بیش‌ترین گسترش اسلام در دو قاره‌ی عظیم قدیمی آفریقا و آسیا دیده می‌شود. قسمت عمده و اکثریت مطلق مسلمانان جهان را در قاره‌ی آسیا می‌توان یافت، به‌طوری که ۵۳ درصد مسلمانان جهان در آسیا و ۲۴ درصد در آفریقا و ۲۳ درصد باقی‌مانده در سایر قاره‌ها پراکنده‌اند.^۲

دریای سرخ یا بحر احمر یا دریای قلزم^۳ بین عربستان و آفریقا واقع شده است. نام قلزم از شهر باستانی قلزم برگرفته شده است. نام دیگر این دریا سینوس آرابیکوس^۴ است. دریای سرخ دریایی تنگ و باریک منشعب از اقیانوس هند است که ۲۴۰۰ کیلومتر طول دارد،^۵ در شمال آن شبه‌جزیره‌ی سینا و در شمال شرقی آن خلیج عقبه و در شمال غربی آن کانال سوئز واقع است و از جنوب به‌واسطه‌ی باب المندب و خلیج عدن به اقیانوس هند متصل می‌شود.

Geopolitical Academy Jun ۲۵. ۱۹۹۷; Available at: www.iecrcna.org

۱ - در فاصله عرض‌های جغرافیایی ۱۵ ال ۴۰ درجه شمالی واقع هستند.

۲ - نظری، علی اصغر؛ «جغرافیای ممالک اسلامی»؛ تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور ایران؛ ۱۳۷۲؛ صص ۲۵-۲۰.

۳ - Golzom

۴ - Sinus Arbikus

۵ - «دائرة المعارف فارسی مصاحب»؛ جلد اول؛ تهران: مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین؛ ۱۳۴۵؛ ص ۳۹۰.

هشت کشور مصر، سودان، اریتره، جیبوتی، فلسطین، اردن، عربستان سعودی و یمن در کناره‌ی دریای سرخ واقع شده‌اند. برخی از این کشورها به‌علت واقع‌شدن در کنار بیش از یک دریا از موقعیت خوب ژئوپلیتیکی برخوردارند. کشورهای مصر، رژیم صهیونیستی، عربستان و جیبوتی هر یک به دو دریا دسترسی دارند. مصر و رژیم صهیونیستی به دریای مدیترانه، عربستان به خلیج فارس و یمن و جیبوتی به دریای عرب راه دارند. اما کشورهای اردن، اریتره، اتیوپی و سودان هیچ راه دسترسی به دریا به‌جز از طریق دریای سرخ ندارند. به همین دلیل دریای سرخ برای این کشورها اهمیت حیاتی دارد. اتیوپی با استقلال اریتره، محاط در خشکی شده است و تنها از طریق این کشور می‌تواند به دریای سرخ دسترسی یابد. به همین دلیل از اهمیت ژئوپلیتیکی آن کاسته شده و با مشکلات بزرگی مواجه گردیده است. این کشور از نظر سیاسی وابسته به اریتره و از نظر اقتصادی با هزینه‌های بالا و ناخواسته روبه‌رو است. یکی از دلایل بروز جنگ بین اتیوپی و اریتره در ۱۹۹۸ همین مسأله بود.

اردن نیز به‌علت دسترسی محدودی که به دریای سرخ دارد با همین مشکلات روبه‌رو است. اردن در دوره‌ی قیمومت بریتانیا بر فلسطین، با مانع عمده‌ای برای ارتباط با سواحل مدیترانه روبه‌رو نبود. اما بعد از ۱۹۴۸ این کشور عملاً محاط در خشکی گردید و ارتباط آن با دریای مدیترانه به‌وسیله‌ی رژیم صهیونیستی قطع شد، لذا شروع به توسعه‌ی بندر عقبه نمود. این بندر تا قبل از ۱۹۴۸ شهری کوچک و منزوی در بخش توسعه‌نیافته‌ی اردن بود، ولی پس از آن به‌طور مستمر گسترش یافته است. در سال ۱۹۶۵، عربستان سعودی طی یک موافقتنامه‌ی مرزی حدود ۲۴ کیلومتر از ساحل خلیج عقبه را به اردن واگذار کرد و به این ترتیب دسترسی مستقیم اردن به دریا افزایش یافت. این امر موجب بهبود موقعیت ژئوپلیتیکی اردن گردید.

با این وجود، دریای سرخ از نظر اقتصادی اهمیت چندانی ندارد. علی‌رغم کاوش‌های صورت گرفته ذخایر معدنی چندانی در بستر این دریا کشف نشده است و تنها آبزیان قابل صید دریا هستند که مورد بهره‌برداری کشورهای مجاور قرار دارند. در این بین، یمن بیش‌ترین بهره‌برداری را داشته است، هر چند سایر کشورها نیز با توجه به تقاضای فزاینده برای مواد پروتئینی در این خصوص برنامه‌ریزی نموده‌اند.

از ذخایر نفت و گاز دریای سرخ نیز بهره‌برداری می‌شود. مصر ۸۵ درصد از نفت خود را از دریای سرخ استخراج می‌کند.^۱ این کشور حدود ۱ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌نماید. از سال ۱۹۹۱، مصر فعالیت اکتشافی و بهره‌برداری خود را به سواحل نزدیک سودان گسترش داده است که این مسأله موجب بروز بحران با سودان در منطقه‌ی مثلث‌شکل حلاب در کنار دریای سرخ شده است، چرا که هر دو کشور نسبت به بهره‌برداری از نفت آن ادعا دارند.

درون سرزمین‌های جهان اسلام، در خشکی یا آب‌های آزاد، مناطق راهبردی وجود دارد که همواره مورد مناقشه بوده است. این مناطق که می‌توانند در تقویت جایگاه جهان اسلام در معادلات جهانی ایفای نقش کنند، عبارتند از: کانال سوئز، خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز.

کانال سوئز

حفر کانال سوئز منجر به افزایش اهمیت تجاری دریای سرخ گردید. عملیات حفر کانال توسط فردیناند دولسپس فرانسوی در ۱۸۵۹ آغاز و در ۱۸۶۹ به پایان رسید و کانال به‌طور رسمی افتتاح شد. کانال سوئز ۱۷۲/۷۰ کیلومتر (حدود ۱۰۷ مایل) طول و در آغاز بین ۸۰ تا ۱۵۰ متر عرض داشت.

اما بعداً عرض آن به ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر افزایش یافت.^۱ آب‌نشین کانال در ابتدا ۳۸ پا بود و می‌توانست کشتی‌هایی را که حداکثر ۶۰ هزار تن بار حمل می‌کردند از خود عبور دهد. لیکن براساس طرح‌های توسعه‌ی کانال، آب‌نشین آن به ۵۳ پا و در مراحل بعد به ۶۷ پا رسید و احتمالاً این رقم بیش‌تر نیز خواهد شد.

استفاده از کانال سوئز موجب صرفه‌جویی در زمان و مسافت و در نتیجه کاهش هزینه‌های سوخت شده است. مسافت سفر با عبور از کانال سوئز در مقایسه با عبور از دماغه‌ی امیدنیک در جنوب آفریقا بین ۴۰ تا ۵۰ درصد کاهش یافته است. موقعیت راهبردی کانال سوئز برای یگان‌های دریایی نیز حائز اهمیت است. مدت سفر یگان‌های دریایی از دریای مدیترانه به اقیانوس هند از طریق کانال سوئز بین ۱۷ تا ۱۸ روز کوتاه‌تر از دماغه‌ی امیدنیک است. کانال سوئز به‌دنبال جنگ اعراب و اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷ بسته شد و در ژوئن ۱۹۷۵ بازگشایی گردید. درآمد مصر از کانال سوئز سالیانه حدود ۲ میلیارد دلار است. روزانه به‌طور متوسط ۷۵ کشتی از این کانال عبور می‌کنند و تعداد کشتی‌های تجاری چندین برابر تعداد نفت‌کش‌هاست. حدود ۳۰ درصد از درآمد کانال از بابت حمل و نقل نفت و بقیه به سایر کالاها اختصاص دارد.^۲ با این وجود، اهمیت راهبردی این کانال رو به کاهش است، به‌طوری‌که در حال حاضر فقط نیمی از ظرفیت کانال مورد استفاده قرار می‌گیرد. چندین عامل در این باره مؤثر بوده است؛ نخست، فعال شدن خط لوله‌ی نفت سوئز - مدیترانه است که این خط لوله بندر ایلات رژیم صهیونیستی را در کنار دریای سرخ به بندر اشکلون این رژیم در دریای مدیترانه وصل می‌کند و سبب کاهش

۱ - صدرنائینی، عبدالرضا؛ «کانال سوئز در اقتصاد و سیاست جهانی»، *اطلاعات سیاسی* -

اقتصادی، سال اول؛ شماره ۳؛ ص ۲۶.

۲ - EIU; Country Profile Egypt; ۱۹۹۳-۹۴; pp. ۳۴-۵.

حمل و نقل نفت از کانال سوئز شده است. دوم این‌که، با ساخت و بهره‌برداری از نفت‌کش‌های غول‌پیکر، ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تنی، امکان عبور آن‌ها از کانال سوئز وجود ندارد. به همین دلیل این نفت‌کش‌ها یا از مسیر دماغه‌ی امیدنیک حرکت می‌کنند یا محموله‌ی نفتی خود را در خط لوله‌ی سوئز-مدیترانه تخلیه می‌کنند. رئیس سازمان کانال سوئز گفته است که کانال سوئز در آینده راه منحصر به فرد نخواهد بود و افزایش رقابت می‌تواند موجب کاهش درآمدهای مصر شود؛ احیای راه‌های تجاری باستانی بین شرق دور و غرب مانند جاده‌ی ابریشم، در درازمدت از اهمیت کانال سوئز خواهد کاست. هم‌چنین نوسازی بندر بیروت و احداث بزرگراه از سوریه به این بندر، مسیری جدید برای انتقال کالا فراهم می‌آورد.

تغییر ژئوپلیتیکی دیگری که در منطقه در حال تحقق است و از مسیر راهبردی انتقال نفت از دریای سرخ و کانال سوئز خواهد کاست، از یک‌طرف، احداث یک شبکه از خطوط لوله‌ی متقاطع در منطقه است که کار بر روی آن‌ها در سال‌های آینده شروع خواهد شد و از طرف دیگر، اقدام الجزایر برای افزایش تولید و حفظ تولید نفت در سطح بالاست. هم‌چنین تولید نفت از حوزه‌ی دریای خزر، احتمالاً در آینده از اهمیت ژئوپلیتیکی کانال سوئز خواهد کاست و بر اهمیت کانال بُسفر در ترکیه خواهد افزود.

از سوی دیگر، براساس توافق میان اسرائیل و اردن، برنامه‌ی احداث کانالی میان دریای سرخ و دریای مدیترانه در نزدیکی بندر ایلات جهت اتصال این دو دریا تصویب شده است. در صورت احداث این کانال، اهمیت کانال سوئز ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت.^۱

کاهش اهمیت کانال، مقامات مصری را نگران کرده است که در نتیجه

۱ - گلی زواره، غلامرضا؛ «سرزمین اسلام (شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان نشین

طرح‌هایی را برای تعریض و تعمیق آن به مورد اجرا گذاشته یا در دست اجرا دارند. نخستین طرح در سال ۱۹۸۰ به پایان رسید که براساس آن نفت‌کش‌های ۱۵۰ هزار تنی توانستند از کانال عبور کنند. براساس دومین طرح توسعه‌ی کانال، که در دست اجراست، عبور تانکرهای ۱۵۰ تا ۳۵۰ هزار تنی فراهم خواهد شد.^۱ این طرح ۱/۲ میلیارد دلار هزینه دارد.^۲ گزارش بررسی نهایی این طرح توسط شرکت هلندی ندکو^۳ انجام و ارائه شده است. مصر از شرکت‌های بین‌المللی جهت سرمایه‌گذاری در این طرح دعوت کرده است. مصر هم‌چنین عوارض عبور از کانال را ۲۰ درصد کاهش داده تا از به‌کارگیری راه‌ها و مسیرهای دیگر جلوگیری کند.

ژئوپلیتیک خلیج فارس

اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس به‌خاطر سه عامل موقعیت راهبردی، بازار ورود کالا و تجهیزات نظامی و وجود ذخایر عظیم نفت و گاز است. در ادامه این سه عامل به‌طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرند.^۴

موقعیت راهبردی: خلیج فارس سه قاره‌ی اروپا، آسیا و آفریقا را به هم پیوند می‌دهد و در گذشته به‌عنوان کوتاه‌ترین راه دسترسی به هندوستان مورد توجه قدرت‌های سلطه‌طلب بوده است. ولی امروزه موقعیت جغرافیایی خلیج فارس در رابطه با کشورهای کناره‌ی آن، ارزش غیرقابل انکاری دارد. خلیج فارس هم‌چنین در گذشته به‌علت نزدیکی به شوروی و ارتباط این آبراه به دریای عمان و اقیانوس هند شدیداً مورد توجه بود و در حال حاضر، با

۱ - EIU; Egypt Country Profile; ۱۹۹۳-۹۴; pp. ۳۴-۳۵.

۲ - EIU; Egypt Country Report; ۱۹۹۲; p. ۱۹.

۳ - Nedco

۴ - صفوی، سید یحیی؛ «جزوه‌ی درسی جغرافیای سیاسی جهان اسلام»؛ دانشگاه شهید بهشتی؛

فروپاشی شوروی و پیدایش کشورهای مستقل در آسیای میانه، راه مناسبی برای دسترسی کشورهای یاد شده و نیز افغانستان به دریای عمان، اقیانوس هند و سرتاسر جهان است. راه آهن سراسری ایران هم‌اکنون ارتباط کشورهای این منطقه را با خلیج فارس برقرار می‌کند. از طرف دیگر، با توجه به این که خلیج فارس ۸ کشور حاشیه‌ی خود را با اقیانوس هند مرتبط می‌کند، همواره به صورت یک منطقه‌ی عملیاتی در راهبردهای نظامی مورد توجه بوده است.

بازار کالا و تجهیزات نظامی: کشورهای کناره‌ی خلیج فارس با بیش از ۱۳۰ میلیون نفر جمعیت و درآمد سرشار نفت، یکی از بزرگ‌ترین بازارهای ورود کالا و تسلیحات نظامی به‌شمار می‌روند؛ به‌طوری که بازار فروش کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای، بازار فروش خدمات چه به صورت مشاور یا متخصص و چه به صورت ارائه‌ی خدمات کارگران ماهر، نیمه ماهر و غیرماهر یا بازار سرمایه (ورود و خروج سرمایه به شکل‌های مختلف) نقش بسیار حساسی در متعادل کردن تراز پرداخت‌های خارجی کشورهای مختلف جهان به‌ویژه کشورهای صنعتی دارد. منطقه‌ی خلیج فارس هم‌چنین بازار گسترده‌ای برای فروش تسلیحات نظامی است. خریدهای تسلیحاتی از سوی کشورهای خلیج فارس به‌ویژه بعد از تجاوز عراق به کویت، در دوم اوت ۱۹۹۰، به شدت افزایش یافته است.

ذخایر عظیم نفت و گاز: خلیج فارس حدود ۶۵۰ میلیارد بشکه از ۹۹۱ میلیارد بشکه‌ی ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. این رقم حدود ۶۵ درصد از کل ذخایر شناخته‌شده‌ی نفت در جهان است. خلیج فارس هم‌چنین ۳۱ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز طبیعی و به عبارتی، ۳۰ درصد مجموع ذخایر گاز طبیعی شناخته‌شده‌ی جهان را دارد. این ذخایر تنها مربوط به خشکی نمی‌شود، بلکه بستر خلیج فارس را نیز در بر می‌گیرد. در بستر خلیج فارس بیش از ۷۰۰ حلقه چاه نفت در دست بهره‌برداری است. با توجه به حجم ذخایر مذکور

است که خلیج فارس را انبار نفت جهانی نامیده‌اند. خلیج فارس نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد جهان به‌ویژه کشورهای صنعتی دارد و قطع صدور نفت از آن، جهان را با بحران سختی روبه‌رو خواهد کرد. عمر ذخایر نفت و گاز خلیج فارس تا هزاره‌ی سوم میلادی تخمین زده شده است.^۱ نفت خلیج فارس از ویژگی‌هایی مانند بازدهی بالای چاه‌های نفت، پایین بودن هزینه‌ی تولید، ارزان بودن هزینه‌ی حمل و نقل، کیفیت بالای نفت خام، امکان ذخایر جدید و بالا بودن ذخایر موجود در هر چاه نفت برخوردار است. در هر چاه نفت در منطقه‌ی خلیج فارس بین ۲۵۰ هزار تن تا ۱ میلیون تن ذخیره‌ی نفت وجود دارد، در حالی که این رقم در ونزوئلا حدود ۲۰ هزار تن و در آمریکا ۶۰۰ تن است.

هر چند در سال‌های اخیر کوشش فراوانی برای جایگزین کردن نفت با دیگر منابع انرژی صورت گرفته و در مواردی موفقیت‌هایی نیز به‌دست آمده، به هیچ‌وجه از اهمیت نقش حیاتی و حساس نفت کاسته نشده است، و حتی با توجه به وسعت نیازهای جهانی، تنوع فرآورده‌های نفتی و ماده‌ی اولیه‌ی صنایع روبه گسترش پتروشیمی بر اهمیت آن در هزاره‌ی سوم میلادی افزوده خواهد شد.

هم‌چنین، با بررسی‌هایی که درباره‌ی ذخایر نفتی حوزه‌ی دریای خزر به عمل آمده، مشخص شده است که این منطقه نمی‌تواند رقیب حوزه‌ی خلیج فارس باشد. ذخایر نفتی حوزه‌ی دریای خزر بین ۶۰ تا ۱۴۰ میلیارد بشکه برآورد شده که در مقایسه با حوزه‌ی خلیج فارس بسیار اندک است. بنابراین، اتکای جهان صنعتی در آینده نیز هم‌چنان به نفت خلیج فارس خواهد بود.

ژئوپلیتیک تنگه‌ی هرمز

خلیج فارس دریای نیمه‌بسته‌ای است که بازوی اقیانوس هند به‌شمار می‌رود و تنگه‌ی هرمز کلید آن محسوب می‌شود. تنگه‌ی هرمز در نظریه‌های ژئوپلیتیکی جایگاه ویژه‌ای دارد. براساس نظریه‌ی اسپایکمن، تنگه‌ی هرمز مرکز ریملند است و بخش‌های شمالی، جنوبی، غربی و شرقی ریملند را به هم پیوند می‌دهد. بر طبق نظریه‌ی ریملند، کنترل تنگه‌ی هرمز به مفهوم کنترل چهاربخش یاد شده خواهد بود.

البوکرک، دریادار مهاجم پرتغالی به اقیانوس هند و خلیج فارس، معتقد بود که هر دولتی بر سه تنگه‌ی باب‌المندب، هرمز و مالاکا تسلط داشته باشد، بر جهان مسلط خواهد بود. این نظریه تا امروز هم‌چنان معتبر است. در میان سه تنگه‌ی یاد شده، تنگه‌ی هرمز در مرکز قرار گرفته و تسلط بر این تنگه به مفهوم تسلط بر دو تنگه‌ی دیگر خواهد بود. به همین دلیل در گذشته کشورهای که می‌خواستند بر اقیانوس هند تسلط داشته باشند، تسلط بر تنگه‌ی هرمز را شرط لازم برای رسیدن به این هدف می‌دانستند و سعی می‌کردند قبل از هر اقدامی تنگه‌ی هرمز را در اختیار گیرند.

امروزه با توجه به اولویت و اهمیت اقتصاد در صحنه‌ی جهانی و ارائه‌ی نظریه‌های ژئواکونومیک، بر اهمیت تنگه‌ی هرمز افزوده شده است، به‌طوری که آن را از این نظر که به قلب اقتصاد جهانی نفت تزریق می‌کند، شاه‌رگ اقتصادی جهان می‌نامند.

تنگه‌ی هرمز برای کشورهای کناره‌ی آن نیز از نظر اقتصادی اهمیت حیاتی دارد. از آن‌جا که اقتصاد تمام کشورهای این منطقه به نفت وابسته است، مسدود شدن این تنگه نه تنها به اقتصاد کشورهای صنعتی لطمه وارد می‌کند، بلکه به زیان اقتصاد کشورهای منطقه نیز خواهد بود. روزانه چندین نفت‌کش بزرگ از تنگه عبور می‌کنند و نفت خلیج فارس را به اقصای نقاط جهان حمل

می‌نمایند. هم‌زمان چندین برابر این نفت‌کش‌ها، کشتی‌های بازرگانی حامل کالا برای کشورهای منطقه از تنگه عبور کرده و وارد خلیج فارس می‌شوند. تقریباً تمام کشورهای خلیج فارس از نظر صادرات و واردات کالا و صدور نفت خود به تنگه‌ی هرمز وابستگی دارند. تنها حدود ۲۰ درصد از نفت خلیج فارس از طریق خط لوله صادر می‌شود، چرا که احداث خطوط لوله نه تنها هزینه‌های سنگینی را در بردارد، بلکه تابع ملاحظات سیاسی و امنیتی است. از هشت کشور حوزه‌ی خلیج فارس، تنها دو کشور عراق و عربستان سعودی دارای خطوط لوله انتقال نفت هستند و از این طریق بخشی از نفت خود را صادر می‌کنند. این خطوط لوله راه مناسبی برای صادرات نفت نبوده و مشکلاتی را از جمله برای عراق به‌وجود آورده است و خطوط لوله‌ی نفت این کشور به کرات بسته شده است که در این مورد می‌توان به خطوط لوله‌ای که نفت آن را از طریق سوریه و ترکیه به دریای مدیترانه صادر می‌کند اشاره کرد که اولی در سال ۱۹۸۲ و دومی در سال ۱۹۹۱ بسته شد.^۱

ویژگی‌های جمعیتی جهان اسلام

کم‌تر کشوری در دنیا یافت می‌شود که در آن‌جا از فرهنگ اسلامی اثری نباشد، لیکن تعداد مسلمانان و نقش آنان در ترکیب جمعیتی و حکومتی کشورها یکنواخت نیست. در میان این ممالک، کشورهایی که اکثریت جمعیت آن مسلمانند (۶۵٪ یا ۷۵٪ به بالا) و مسئولین حکومتی از مسلمانان باشند و اصول اسلام کم و بیش در تمام شئون قانون‌گذاری و قوای سه‌گانه‌ی مقننه، قضاییه و مجریه دخیل باشد و عوامل فرهنگ اسلامی در محدوده‌ی سیاسی آن‌ها کم و بیش مشاهده شود (وحدت، زبان، نژاد، آداب و سنن)، به‌عنوان

کشورهای اسلامی شناخته می‌شوند.^۱

اغلب کشورهای عربی آسیا و شمال آفریقا دارای فرهنگ عربی بوده و فقط ممالکی نظیر ایران، ترکیه، مالزی، اندونزی و بعضی از ممالک کوچک آفریقایی که از تمدن و فرهنگ ویژه‌ی خود برخوردارند، فقط از لحاظ مذهب و یکپارچگی اسلامی با ممالک دیگر دارای وحدت هستند.

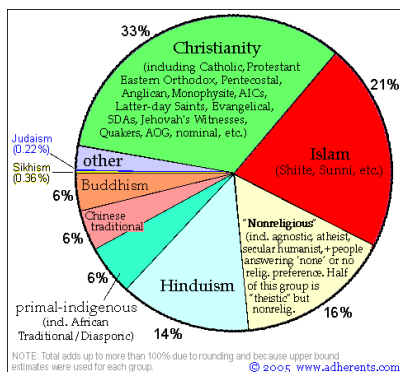
آیین اسلام در نیم‌کره‌ی شمالی گسترش داشته و بیش‌تر مسلمانان در کشورهای واقع در شمال استوا تا حداکثر مدار ۵۰ درجه در قزاقستان توزیع شده‌اند. شمالی‌ترین حد گسترش اسلام در نیم‌کره‌ی شمالی و مرزهای شمالی قزاقستان، بالاتر از مدار ۵۰ درجه و سواحل جنوبی اروپا و ترکیه، بالاتر از مدار ۴۰ درجه‌ی شمالی، قرار دارند. در میان ۴۹ کشور جهان که تعداد مسلمانان آن بیش از ۵۰ درصد جمعیت کل آن‌هاست (در جدول ۱ نمایش داده شده است) ۲۶ کشور معادل ۵۳ درصد کشورهای اسلامی در قاره‌ی آسیا و با ۲۰ کشور اسلامی معادل ۴۰/۸ درصد در قاره‌ی آفریقا را به خود اختصاص داده است. در قاره‌ی اروپا از کشورهای آلبانی، بوسنی و هرزگوین و جمهوری آذربایجان می‌توان نام برد که ۶/۲ درصد جمعیت کل کشورها را دارند. ۷۰ درصد مردم آلبانی مسلمانند و بوسنی و هرزگوین نیز جدیداً، پس از تجزیه‌ی یوگسلاوی بزرگ، موجودیت پیدا کرده است.

کشورهای اسلامی حدود ۲۵/۴ درصد ممالک مستقل دنیا را تشکیل داده‌اند و به زبان ساده‌تر کمی بیش از یک‌چهارم کشورهای دنیا در جرگه‌ی

۱ - گنجی، محمد حسن؛ «برداشتی جغرافیایی از جمعیت مسلمان جهان و پاره‌ای از مشخصات دموگرافیک آن»؛ سمینار جغرافیایی بین‌المللی؛ سازمان پژوهش‌های جغرافیایی آستان قدس رضوی؛ اردیبهشت ۱۳۶۵.

۲ - آذربایجان در ناحیه‌ی قفقاز و آلبانی و بوسنی و هرزگوین در شبه‌جزیره‌ی بالکان.

ممالک اسلامی قرار گرفته‌اند.^۱ به شکل ۱ نگاه کنید.



شکل ۱ - جمعیت مسلمانان نسبت به دیگر ادیان

قاره‌ی آسیا: همان‌طور که قبلاً اشاره نمودیم حدود ۵۳ درصد کشورهای

اسلامی در قاره‌ی آسیا توزیع شده است که در این کشورها حدود

۷۱۸,۵۸۴,۰۰۰ نفر یا ۵۳ درصد جمعیت مسلمان جهان زندگی می‌کنند.^۲

از رقم فوق حدود ۲۳۹,۰۰۸,۰۰۰ نفر در ناحیه‌ی خاورمیانه و مابقی در

ممالک اسلامی شبه قاره‌ی هند و آسیای جنوب شرقی توزیع گردیده است که

اکثریت آن در کشور پرجمعیت اندونزی به‌سر می‌برند.

اندونزی پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان قاره آسیاست که به تنهایی حدود

۲۰۱,۸۳۶,۸۳۸ نفر (بیش از ۲/۸ برابر جمعیت ایران) جمعیت مسلمان دارد.

البته لازم است اشاره شود که کل جمعیت این کشور شامل مسلمان و

غیرمسلمان رقمی حدود ۲۳۴ میلیون نفر است. پاکستان با ۱۵۹,۷۹۹,۶۶۶ نفر و

۱ - «اطلس گیتاشناسی کشورها»؛ مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی؛ تابستان

۱۳۷۷؛ صفحات ۱۰ تا ۳۰.

۲ - The Europa World; Year Book; ۴۰th Edition; London; ۱۹۹۹; U.K.; pp. ۲۰۸-۲۱۱.

بنگلادش با ۱۲۴,۹۰۵,۳۲۱ نفر مسلمان به‌ترتیب در ردیف دوم و سوم قرار دارند و بعد از این کشورها، ترکیه و ایران با ۷۱ و ۶۹ میلیون مسلمان مقام‌های چهارم و پنجم را به خود اختصاص داده‌اند. جمعیت کشورهای دیگر آسیا معمولاً رقمی کم‌تر از ۲۰ میلیون نفر را نشان می‌دهد، ... تا این‌که قطر با ۷۰۳,۱۰۲، بحرین با ۵۸۱,۰۰۰، بروئی با ۲۵۰,۹۶۶ و جزایر مالدیو در جنوب غرب هند با ۳۶۳,۴۹۵ نفر مسلمان، کم‌جمعیت‌ترین ممالک مسلمانان آسیا را تشکیل می‌دهند.

از نظر وسعت، قزاقستان با ۲,۷۱۷,۳۰۰ کیلومترمربع، وسیع‌ترین کشور اسلامی آسیاست، اما از نظر جمعیتی با ۱۵/۶ میلیون نفر در رده‌های آخر قرار دارد.

بعد از قزاقستان، عربستان سعودی با مساحتی برابر ۲,۱۴۹,۶۹۰ کیلومتر مربع دومین کشور مسلمان قاره‌ی آسیا به‌شمار می‌رود، در صورتی که جمعیت آن کمی بیش از ۲۷,۶۰۱,۰۳۸ نفر است و ۱۰۰ درصد جمعیت آن مسلمان هستند.

بعد از آن، اندونزی با مساحت تقریبی ۲ میلیون کیلومتر مربع^۱ سومین کشور اسلامی وسیع قاره‌ی آسیا به‌شمار می‌رود، در صورتی که جمعیت آن حدود ۲۳۴,۶۹۳,۹۹۷ نفر است. ایران با مساحتی بیش از ۱/۵ میلیون کیلومتر مربع جمعیتی حدود کم‌تر از یک سوم جمعیت اندونزی و ۲/۵ برابر جمعیت عربستان را در خود جای داده است. این موضوع ثابت می‌نماید که اولاً تعداد جمعیت در کشورهای اسلامی آسیا به‌طور ناموزون توزیع گشته و رابطه‌ی مستقیمی با وسعت خاک ندارد و ثانیاً ایران از لحاظ جذب جمعیت مسلمان با آن‌که نسبت به مساحتش جزو ممالک با جمعیت متوسط به‌شمار می‌رود، در

۱ - تفاوت فیزیکی این کشور نسبت قزاقستان و عربستان جزیره‌ای بودن آن و قرار گرفتن در منطقه استوایی است.

مقایسه با ممالک اسلامی آسیا، وضعیت متعادلی از لحاظ اجتماعی دارد. وسعت سایر کشورهای مسلمان آسیا هر یک از یک میلیون کیلومتر مربع کم تر است و کشورهای کوچک بحرین و مالدیو کوچک ترین واحدهای سیاسی مسلمان نشین این قاره به شمار می روند.^۱

اقلیم مرطوب و گرمسیر با باران کافی و همراه با وجود رودهای پر آب، جلگه های آبرفتی وسیع که محیط مساعدی را جهت بهره برداری های زراعی آماده می سازد و اثرات دریایی، اقتصاد ماهیگیری، کارهای بندری و کشتیرانی و غیره، از مهم ترین عوامل مساعد در جذب جمعیت هستند.

از طرف دیگر، رشد جمعیت و باروری زیاد در این کشورها در قیاس با ممالک مرفعی و متعادل دنیا، خود عامل مهمی در افزایش جمعیت این کشورها به شمار می رود. سنتی بودن و عدم توسعه یافتگی اجتماعی در این سرزمین ها به همان نسبت به رشد جمعیت آن ها می افزاید.^۲

در پاکستان رود سند و جلگه ی عظیم سند و در بنگلادش دلتای گنگ بر اثر تلاقی دو رود بزرگ گنگ که از مغرب و برهماپوترا که از مشرق جاری اند و به هم متصل می گردند، مناطق بسیار حاصل خیز و مساعدی را برای کشت برنج، پنبه و کنف و ایجاد باغات مختلف میوه های گرمسیری مساعد می سازد.

در اندونزی نیز به خاطر وجود خاک های بسیار مرغوب ناشی از مواد آتشفشانی، آب فراوان، اقلیم مساعد، مجاورت با آب های آزاد و کشت و درخت کائوچوی طبیعی و بهره برداری از آن، عوامل نامساعد و بازدارنده - آن طور که در قسمت اعظم آسیای جنوب غربی و آفریقا مشهود است - دیده

۱ - به صورت جزیره ای هستند که در گذشته به عنوان ایستگاه های تجاری و ارتباطی بین سرزمین های بزرگ محسوب می شدند.

۲ - رشد متوسط سالانه جمعیت در پاکستان ۲/۷٪، در اندونزی ۱/۹٪ و در بنگلادش ۲/۲٪ در سال ۱۹۹۸ بوده است.

نمی‌شود و جمعیت در یک محیط مساعد و آرام همراه با تمام امکانات طبیعی در حال افزایش است. از طرف دیگر، سنتی بودن جوامع و سکونت اکثریت جمعیت در نواحی روستایی خود از عوامل خانوار بالا و افزایش جمعیت است.^۱

در سوریه، لبنان و فلسطین اغلب جمعیت در سواحل مدیترانه توزیع و به فعالیت‌های کشاورزی، باغداری و بندری و در شهرها به فعالیت‌های بازرگانی و مشاغل آزاد اشتغال دارند و در بخش‌های عظیمی از مرکز و جنوب شرق آن‌ها که پوشیده از بیابان است، فقط تعداد کمی از جمعیت به صورت کوچ‌نشینی و روستائیشینی زندگی می‌کنند. سوریه از نظر داشتن شرایط مساعد طبیعی نظیر اقلیم معتدل مدیترانه‌ای و خاک‌های زراعی مرغوب در حوالی مدیترانه و پوشش گیاهی نسبتاً غنی در شمال و مغرب خود از لحاظ جذب و اشتغال جمعیت، موقعیت و وضعیت بهتری نسبت به ممالک هم‌جوار خود دارد.

کشور افغانستان که جمعیت آن ۲۴,۸۰۰,۰۰۰ نفر برآورد شده است، جمعیت متعادلی را در بین کشورهای آسیای میانه و جنوب غرب آسیا دارد، اما بیش از ۶ میلیون جمعیت آن در کشورهای پاکستان، تاجیکستان و ایران به صورت پناهنده‌ی جنگی به سر می‌برند و اوضاع نابسامان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و رفاهی آن در عوامل مهاجرفرستی، مرگ و میر زیاد کودکان (۱۵۶ در هزار)، مرگ و میر زیاد عمومی (۲۸ در هزار)، پایین بودن تولید ناخالص ملی (۱۸۰ دلار سهم سرانه (G.N.P.))، فقر زیاد و به‌طور کلی عدم وجود فاکتورهای توسعه در کاهش جمعیت آن مؤثر است. از لحاظ تعداد جمعیت آمار مسلمانان آفریقا چه در کشورهای اسلامی

۱ - اشاره می‌شود که در سال ۱۹۹۸ درصد روستائیشینی در پاکستان ۶۸٪، در بنگلادش ۸۰٪ و فقط در اندونزی کم‌تر و حدود ۳۸٪ است.

واقع در آن و چه در سطح قاره از کل جمعیت مسلمان آسیا تجاوز نمی‌کند. پرمسلمان‌ترین کشور اسلامی آفریقا مصر است که تعداد مسلمانان آن از ۵۵ میلیون نفر تجاوز می‌کند، در حالی که در آسیا کشور اندونزی به تنهایی بیش از ۳ برابر جمعیت آن و پاکستان و بنگلادش در حدود ۲/۳ برابر این رقم مسلمان در خود پذیرفته‌اند و تعداد مسلمانان ترکیه، که چهارمین کشور پرجمعیت اسلامی در آسیاست (۶۴,۲۸۲,۰۰۰ نفر)، از تعداد مسلمانان مصر که صدرنشین کشورهای آفریقایی به‌شمار می‌رود بیش‌تر است. رونق اقتصاد کشاورزی در دلتای نیل و سواحل مدیترانه از طرفی و رشد جمعیت بالای ۲/۱ درصد در سال و نرخ باروری ۳/۶ و به‌ویژه ۵۳ درصد جمعیت روستایی و کشاورز مصر، در این افزایش سهم تعیین‌کننده‌ای داشته است. بعد از مصر، نیجریه، مغرب، الجزایر و سودان در دیگر ردیف‌های کشورهای اسلامی پرجمعیت آفریقا به‌شمار می‌روند و جمعیت مسلمان هیچ‌یک از دیگر کشورهای اسلامی دیگر آفریقا به رقم بیش از ۱۰ میلیون نفر نمی‌رسد.^۱

کشور کوچک و تازه تأسیس جیبوتی در شاخ آفریقا و کوچک‌ترین کشور مسلمان آسیا یعنی جزایر مالدیو جمعیتی برابر با ۶۴۴,۰۰۰ مسلمان را در خود جای داده‌اند.

لازم است اشاره گردد که تعداد مسلمانان در کشور اسلامی نیجریه حدود ۱۰۴,۰۰۰,۰۰۰ نفر است و این در حالی است که از جمعیت ۵۲,۰۰۰,۰۰۰ نفری نیجریه تنها ۵۰ درصد مسلمانند.

در اغلب کشورهای آفریقای شمالی، نوار ساحلی مدیترانه، به‌صورت خطی از مغرب به مشرق، منطبق بر مراکز پرجمعیت آن‌هاست. در کشور مصر

۱ - چنان‌چه علاوه بر جمعیت مسلمان، جمعیت اقلیت غیرمسلمان را هم به ارقام جمعیتی اضافه نماییم همین رقم صدق می‌کند.

که پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان آفریقایی است، دلتای رود نیل در شمال و حواشی رودخانه‌ی نیل از ساحل مدیترانه تا مرزهای سودان با جهتی شمالی جنوبی و به‌صورت خطی متراکم از جمعیت است که ادامه‌ی آن در کشور سودان و اطراف شاخه‌های اصلی نیل نیز جمعیت زیادی را به خود جذب کرده است، زیرا مناطق مذکور دارای اقلیم مساعد، آب فراوان و جلگه‌های آبرفتی سیلابی مساعد زراعت بوده و از این رو اطراف رود نیل، ساحل جنوبی مدیترانه، از قدیمی‌ترین مراکز تمدن انسانی و پرجمعیت آفریقا به‌شمار می‌رود. فعالیت‌های کشاورزی مردم در این مناطق بر مبنای کشت گندم، جو، زیتون، انگور، مرکبات، انجیر و سبزیجات در سواحل مدیترانه و کشت پنبه، کنف، گیاهان صنعتی، گندم، لوبیا و گیاهان غذایی در حواشی رود نیل است. در آفریقای مرکزی و غربی در حوزه‌ی خلیج گینه نیز علل تراکم و جمعیت زیاد عبارت است از:

- ۱ - موقعیت جغرافیایی و راهبردی این محدوده‌ها که باعث به‌وجود آمدن انواع فعالیت‌های کشتیرانی، بازرگانی و مشاغل بندری و فروش کالا و در نتیجه ایجاد مراکز کار و تنوع مشاغل خدماتی و کاذب به‌ویژه در بنادر شده است.
- ۲ - وجود ذخایر عظیم زیرزمینی و استخراج آن‌ها که صنایع مختلفی را ایجاد کرده و به سبب نیاز به نیروی انسانی فراوان جمعیت زیادی را به خود جذب نموده است. ذخایر عظیم فلزی در کنگو، نفت در نیجریه، فسفات، آهن و قلع در گینه و سنگال و جنوب نیجر و مالی و طلا و سنگ‌های قیمتی در غنا و ساحل عاج از آن جمله هستند.
- ۳ - اقلیم گرمسیری، آب فراوان و جلگه‌های آبرفتی که اختصاص به کشت بعضی گیاهان گرمسیری مثل بادام زمینی و لوبیا دارد.
- ۴ - رشد سریع جمعیت و عدم رعایت اصول جلوگیری از بارداری زیاد

به‌خاطر عقاید و آداب و رسوم قبیله‌ای.

۵ - وجود بیش از ۴۰ درصد جمعیت جوان بارور و در نتیجه ازدیاد

ازدواج‌های زودرس و ازدیاد موالید.

در قاره‌ی پیشرفته و صنعتی اروپا، در حال حاضر، تنها دو کشور اسلامی آلبانی با ۲,۳۱۰,۰۰۰ نفر مسلمان (۷۰ درصد از جمعیت ۳,۳۰۰,۰۰۰ نفری آن مسلمان هستند) و بوسنی و هرزگوین با ۱,۵۶۲,۰۰۰ نفر مسلمان (حدود ۵۰ درصد از جمعیت ۳,۱۲۴,۰۰۰ نفری آن مسلمان هستند) وجود دارد. اما نظر به مجاورت این قاره یا قاره‌های آسیا و آفریقا و به‌ویژه ارتباطات تاریخی، سیاسی و فرهنگی بسیار مستحکمی که با این قاره‌ها به‌ویژه آسیا از جمله حاکمیت امپراتوری عثمانی تا مرزهای اتریش و فرانسه داشته است، یکی از سرزمین‌هایی است که رشد جمعیت و توسعه‌ی فرهنگ اسلامی به‌ویژه در بخش‌های جنوبی، جنوب شرق و شبه جزیره‌ی بالکان روزافزون است. درصد مسلمانان جمهوری‌های ناحیه‌ی قفقاز و حواشی دریای سیاه و اغلب کشورهای اروپای شرقی از جمله بلغارستان و یوگسلاوی نسبت به کل جمعیت آن‌ها بین ۸ تا ۱۵ درصد است که این نسبت در حال افزایش است. سرزمین‌های داغستان، چچن، آبخازستان، مقدونیه، گرجستان، کرواسی و روسیه به‌خاطر مجاورت و ارتباطات گسترده‌تر تاریخی، فرهنگی و مذهبی با ممالک آسیایی و مسلمان این قاره از جمله محدوده‌های مهم اسلامی در اروپا به‌شمار می‌روند.

اگر جهان اسلام را از لحاظ انسانی به دو قلمرو عرب‌زبان و

غیرعرب‌زبان تقسیم کنیم، عرب‌زبانان حدود یک‌پنجم جمعیت جهان اسلام را تشکیل می‌دهند. این گروه که از پیوستگی ژئوپلیتیکی برخوردارند، در بخش‌های حساس جهان اسلام قرار گرفته‌اند. بنابراین، این هسته‌ی عرب‌زبان، با توجه به موقعیت جغرافیایی‌ای که در آن قرار گرفته‌اند، می‌توانند نقش مهمی

در وحدت‌بخشی به جهان اسلام داشته باشند.

با این وجود، دولت‌های عربی هیچ‌گاه نتوانسته‌اند با اتحاد واقعی جهان اسلام را از ناپیوستگی انسانی نجات دهند. این ویژگی انسانی در مرکز جهان اسلام پیچیده‌تر می‌شود، زیرا با دیگر مسائل ناسیونالیستی اصطکاک می‌یابد و به شکلی دیگر جلوه می‌کند. نکته‌ی قابل اهمیت این است که کشورهای قلمرو جهان اسلام، قبل از آن‌که بخواهند خود را در مجموعه‌ی جهانی مطرح کنند و مسائل ژئوپلیتیکی جهان اسلام را در مقایسه با جهان خارج پیوند دهند، سعی در برانگیختن مسائل ژئوپلیتیک داخلی دارند و این اقدام علاوه بر آن‌که به موقعیت ژئوپلیتیکی آنان در مقیاس جهانی لطمه می‌زند، موجب تضعیف عوامل سازنده‌ی ژئوپلیتیکی آن‌ها نیز می‌شود.

در حالی که اگر دولتمردان این کشورها با درک مسائل ژئوپلیتیک جهانی اقدام کنند، جهان اسلام از نداشتن وحدت انسانی - که بزرگ‌ترین مانع ژئوپلیتیکی در وحدت بخشیدن به جهان اسلام است - رهایی خواهد یافت. به‌عنوان مثال، در مسأله‌ی فلسطین و اسرائیل هر یک از کشورهای اسلامی موضع خاص خود را دارد و به مسائل ژئوپلیتیکی با دیدی واحد نگریسته نمی‌شود؛ در نتیجه، اقدام‌های آنان جنبه‌ی عملی خود را از دست می‌دهد و نه تنها راهی برای این مسأله نمی‌یابند، بلکه در مقابل به تقویت اسرائیل کمک می‌کنند.^۱

جهان اسلام بالغ بر یک‌پنجم مساحت خشکی‌های زمین را در بر می‌گیرد که از این لحاظ ارتباط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه را برقرار می‌سازد و وجود آلبانی در مدخل راه دریایی آدریاتیک و نیز وجود خلیج فارس و دریای عمان که تنها راه رسیدن به آب‌های گرم و آزاد است و بنگلادش در رأس خلیج بنگال و نیز موقعیت جزایر مالدیو و لاکدیو در اقیانوس هند، که آن‌ها را

۱ - عزتی، عزت‌الله؛ «ژئوپلیتیک»؛ انتشارات سمت؛ چاپ دوم؛ تهران؛ ۱۳۷۲؛ صص ۱۸۰-۱۶۷.

به صورت یک دیدبانی طبیعی بر قسمت عمده‌ی اقیانوس در آورده است، همه می‌تواند دلایلی بر اهمیت راهبردی کشورهای اسلامی باشد.^۱

گرچه در طول تاریخ، جغرافیا و فاکتورهای جغرافیایی ای از قبیل جمعیت، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک یکی از مهم‌ترین عوامل توانمندساز به‌شمار می‌رفته است، در خصوص کشورهای اسلامی وضع این‌گونه نبوده است.

به‌رغم آن‌که ۲۲ درصد مساحت کره‌ی زمین از آن کشورهای مسلمان است و با جمعیت ۱.۴ میلیارد نفری بیش از یک‌پنجم کل جمعیت کره‌ی زمین (۵.۹۸ میلیارد نفر) در سرزمین‌های اسلامی ساکن هستند، با این وجود، سهم کشورهای اسلامی در مناسبات جهانی و منطقه‌ای قدرت و ثروت ناچیز بوده است. از کل GDP جهان (۳۰۵۶۰.۶ میلیارد دلار) در سال ۲۰۰۲ میلادی، سهم کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) ۱۳۰۶.۸ یعنی معادل ۴.۳۰ درصد است.^۲

کشورهای اسلامی از ظرفیت‌های تجاری چشمگیری برخوردار هستند. بر اساس برآوردهای سال ۲۰۰۴ میلادی، از مجموع ۸,۱۴۰,۱۰۰ میلیون دلار صادرات کل جهان، ۷۶۸,۴۰۹ میلیون دلار آن متعلق به کشورهای اسلامی بوده است.

هم‌چنین از مجموع ۱۶,۴۷۴,۶۰۰ کل تجارت جهانی در سال ۲۰۰۴ میلادی سهم کشورهای اسلامی ۱,۳۷۳,۹۲۹ میلیون دلار (۱۴ درصد) بوده و از

۱ - *Beyond Islam: Understanding the Muslim*; University of Washington; ۲۰۰۵; Available at: www.world-affairs.org

۲ - The Statistical; Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (SESRTCIC); *Statistical database ۲۰۰۶*; Available at: www.sesrtcic.org

این میان تنها ۱۹۱,۶۴۰ میلیون دلار آن صرفاً مابین کشورهای اسلامی انجام شده است.^۱

بنابراین، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، کشورهای اسلامی با وجود بهره‌مندی از کانون‌های معتبر برای ایجاد قدرت (داشتن ایدئولوژی برون‌گرا که قابلیت طرح خود را در گستره‌ی جهانی دارد و حداقل در قلمرو جهان اسلام از مقبولیت اجماعی برخوردار است؛ سهم قابل توجهی که در شبکه‌ی ارتباطات جهانی به دلیل داشتن توان تولید معنا عهده‌دار است؛ امکان ارتقای سازمان نظامی خود و تبدیل آن به یک قدرت مؤثر در سطح منطقه‌ای؛ و برخوردار بودن از قلمرو جغرافیای وسیع که دربردارنده‌ی جمعیتی بالاست و ژئوپلیتیک حساس و تأثیرگذاری در نظام جهانی دارد)، از جایگاه و منزلت در خور شأن خود برخوردار نیستند.^۲

از این رو، کماکان شاهد آن هستیم که هنوز منافع مشترکی که بتواند مجموع توانمندی‌های کشورهای اسلامی را با هم همسو سازد، عینیت خارجی پیدا ننموده و به همین دلیل بازیگران خارجی امکان نفوذ در آن‌ها را می‌یابند. از دیگر شکاف‌های امروز جهان اسلام می‌توان به شکاف‌های مذهبی اشاره کرد. بدین معنا که مذاهب مختلف موجود در درون گفتمان اسلام، اعم از شیعه و سنی یا فرقه‌های منشعب از آن‌ها، از آن حیث که ریشه در اصول اسلامی دارند، نقاط مشترک بسیاری با یکدیگر دارند و شایسته است در مقابل گفتمان‌های رقیب، متحد باشند. حال آن‌که در مقام عمل این نتیجه حاصل نیامده و گسست مهمی میان مذاهب مختلف تعریف شده و لذا مذاهب اسلامی

۱ - Mahdi H. Al-Salman; *Islamic Regional Economic Integration: Challenges and opportunities*; Kuwait University: ۱۹۹۹; pp. ۲۰-۲۲.

۲ - Mohammad Ahmed Qadri; *The Muslim World Hope the New Millennium*; ۲۰۰۰; Available at: www.iecrcna.org.

در مقابل یکدیگر قرار داده شده‌اند. نتیجه آن که کشورهای اسلامی با یکدیگر بیگانه و با بیگانگان نزدیک‌ترند.

این عوامل سبب شده است کشورهای اسلامی در قبال مسائل بنیادین جهان اسلام به نفع بازیگران خارجی گرایش به بی‌طرفی داشته باشند. جنگ نابرابر و نامتقارن و تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه لبنان، اشغال عراق و اراضی قدس شریف از سوی اشغالگران صهیونیسم و بی‌تفاوتی جهان اسلام و فقدان وحدت‌رویه میان کشورهای اسلامی از جمله مهم‌ترین این شواهد به‌شمار می‌رود.

منطقه‌ی خاورمیانه به‌عنوان یکی از مناطق جهان اسلام تا سال ۲۰۰۵ میلادی حدود ۶۲ درصد کل ذخایر نفت جهان را از آن خود ساخته است، به‌طوری که روزانه ۳۱ درصد تولید نفت جهان را این منطقه تأمین می‌کند. ذخایر گاز منطقه‌ی خاورمیانه ۴۰/۱ درصد کل ذخایر جهان است. آفریقا با در اختیار داشتن ۹/۵ درصد ذخایر نفت جهان روزانه حدود ۱۲ درصد نفت جهان را تولید می‌کند.

تا سال ۲۰۰۵ میلادی، ذخایر اثبات شده ۵۷ کشور اسلامی از نظر نفت حدود ۹۰۰ میلیارد بشکه نفت یعنی ۷۵ درصد ذخایر جهان و از نظر گاز ۱۰۱ تریلیون متر مکعب یعنی ۵۷ درصد ذخایر گاز جهان را شامل می‌شود.

جدول ۶ - میزان ذخائر اثبات شده نفت خام و گاز طبیعی کشورهای اسلامی تا سال ۲۰۰۵ میلادی^۱

نسبت ذخائر گاز طبیعی به تولید	سهم از تولید گاز جهان ۲۰۰۵	میزان تولید گاز طبیعی	سهم از گاز طبیعی جهان ۲۰۰۵	میزان ذخائر اثبات شده گاز طبیعی	نسبت ذخائر نفت خام به تولید	سهم از تولید نفت جهان ۲۰۰۵	میزان تولید نفت خام	سهم از نفت خام جهان ۲۰۰۵	میزان ذخائر اثبات شده نفت خام	واحد
سال	درصد	میلیارد متر مکعب در سال	درصد	تریلیون متر مکعب	سال	درصد	هزار بشکه در روز	درصد	میلیارد بشکه	
خاورمیانه										
۹۹/۳	٪۲/۵	۶۹/۵	٪۳/۸	۶/۹	۶۵/۶	٪۱۳/۵	۱۱۰۳۵	٪۲۲/۰	۲۶۴/۲	عربستان سعودی
*	٪۳/۱	۸۷	٪۱۴/۹	۳۶/۷۴	۹۳	٪۵/۱	۴۰۴۹	٪۱۱/۵	۱۳۷/۵	ایران
*	—	—	٪۱/۸	۳/۱۷	*	٪۲/۳	۱۸۲۰	٪۹/۶	۱۱۵/۰	عراق
*	٪۰/۴	۹/۷	٪۰/۹	۱/۵۷	*	٪۳/۳	۲۶۴۳	٪۸/۵	۱۰۱/۵	کویت
*	٪۱/۷	۴۶/۶	٪۳/۴	۶/۰۴	۹۷/۴	٪۳/۳	۲۷۵۱	٪۸/۱	۹۷/۸	امارات متحده عربی
*	٪۱/۶	۴۳/۵	٪۱۴/۳	۲۵/۷۸	۳۸	٪۱/۳	۱۰۹۷	٪۱/۳	۱۵/۲	قطر
۵۶/۹	٪۰/۶	۱۷/۵	٪۰/۶	۱	۱۹/۶	٪۱	۷۸۰	٪۰/۵	۵/۶	عمان
۵۷/۳	٪۰/۲	۵/۴	٪۰/۲	۰/۳۱	۱۷/۵	٪۰/۶	۴۶۹	٪۰/۲	۳/۰	سوریه
*	—	—	٪۰/۳	۰/۴۸	۱۸/۳	٪۰/۵	۴۲۶	٪۰/۲	۲/۹	یمن
۹/۱	٪۰/۴	۹/۹	٪۰/۱	۰/۰۹	—	—	—	—	—	بحرین
۲۶/۷	٪۰/۱	۳/۴	+	۰/۰۵	۴/۶	٪۰/۱	۴۸	+	۰/۱	سایرین
*	٪۱۰/۶	۲۹۲/۵	٪۴۰/۱	۷۲/۱۳	—	٪۳۱	۲۵۱۱۹	٪۶۱/۹	۷۴۲/۷	کل خاورمیانه

۱ - گزارش سالانه موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی وزارت نفت سال ۱۳۸۶.

ادامه‌ی جدول ۶ - میزان ذخائر اثبات شده نفت خام و گاز طبیعی کشورهای اسلامی تا سال ۲۰۰۵ میلادی

نسبت ذخائر گاز طبیعی به تولید	سهم از تولید گاز جهان ۲۰۰۵	میزان تولید گاز طبیعی	سهم از گاز طبیعی جهان ۲۰۰۵	میزان ذخائر اثبات شده گاز طبیعی	نسبت ذخائر نفت خام به تولید	سهم از تولید نفت جهان ۲۰۰۵	میزان تولید نفت خام	سهم از نفت خام جهان ۲۰۰۵	میزان ذخائر اثبات شده نفت خام	واحد
سال	درصد	میلیارد متر مکعب در سال	درصد	تریلیون متر مکعب	سال	درصد	هزار بشکه در روز	درصد	میلیارد بشکه	
سایر کشورهای اسلامی										
*	٪۰/۲	۵/۳	٪۰/۸	۱/۳۷	۴۲/۴	+۰/۶	۴۵۲	+۰/۶	۷/۰	آذربایجان
۳۳/۲	٪۰/۲	۵۵/۷	٪۱	۱/۸۵	۱۲/۹	٪۰/۱	۱۲۶	+	۰/۶	ازبکستان
۵۲/۲	٪۳/۲	۸۷/۸	٪۲/۵	۴/۵۸	۱۶/۶	٪۲/۲	۲۰۱۵	٪۱/۰	۱۲/۲	الجزایر
۳۶/۳	٪۲/۸	۷۶	٪۱/۵	۲/۷۶	۱۰/۴	٪۱/۴	۱۱۳۶	٪۰/۴	۴/۳	اندونزی
۲۸/۳	٪۰/۴	۱۲	٪۰/۲	۰/۳۴	۱۴/۹	٪۰/۳	۲۰۶	٪۰/۱	۱/۱	برونئی
۳۲/۲	٪۱/۱	۲۹/۹	٪۰/۵	۰/۹۶	—	—	—	—	—	پاکستان
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	ترکیه
۴۹/۳	٪۲/۱	۵۸/۸	٪۱/۶	۲/۹	۷/۸	٪۰/۲	۱۹۲	+	۰/۵	ترکمنستان
—	—	—	—	—	۲۵/۲	٪۰/۱	۷۴	٪۰/۱	۰/۷	تونس
—	—	—	—	—	۱۴/۳	٪۰/۲	۱۷۳	۰/۱	۰/۹	چاد
—	—	—	—	—	۴۶/۳	٪۰/۵	۳۷۹	٪۰/۵	۶/۴	سودان
*	٪۰/۹	۲۳/۵	٪۱/۷	۳	۷۹/۶	٪۱/۶	۱۳۶۴	٪۳/۳	۳۹/۶	قزاقستان
—	—	—	—	—	۲۵/۸	٪۰/۶	۲۳۴	٪۰/۲	۲/۲	گابن
*	٪۰/۴	۱۱/۷	٪۰/۸	۱/۴۹	۶۳	٪۲/۱	۱۷۰۲	٪۳/۳	۳۹/۱	لیبی
۵۴/۴	٪۱/۳	۳۴/۷	٪۱/۱	۱/۸۹	۱۴/۶	٪۰/۹	۶۹۶	٪۰/۳	۳/۷	مصر
۴۱/۴	٪۱/۲	۵۹/۹	٪۱/۴	۲/۴۸	۱۳/۹	٪۰/۹	۸۲۷	٪۰/۳	۴/۲	مالزی
*	٪۰/۸	۲۱/۸	٪۲/۹	۵/۲۳	۳۸/۱	٪۳/۲	۲۵۸۰	٪۳/۰	۳۵/۹	نیجریه
—	٪۲۶/۲	۷۶۹/۱	٪۵۷	۱۰۱	—	٪۴۵/۱۵	۳۷۲۷۵	٪۷۵/۱	۹۰۱/۱	کل کشورهای اسلامی
—	٪۷۳/۸	۲۷۶۲/۹	٪۴۳	۱۷۹/۸۵	—	٪۵۴/۸۵	۸۱۰۸۸	—	۱۲۰۰/۷	کل کشورهای جهان

موقعیت ژئوکالچر جهان اسلام

جمعیت ۱/۵ میلیارد نفری جهان اسلام دارای یک فرهنگ عبادی الهی براساس یک خدا، یک کتاب (قرآن کریم)، یک پیامبر، یک قبله گاه، عبادات و مراسم مشترک، حج، نماز، روزه و جهاد دفاعی هستند. به طور کلی، موقعیت و وضعیت فرهنگی و ژئوکالچر جهان اسلام را می توان به شرح موارد زیر مورد بررسی قرار داد:

الف) تمدن اسلام

فرهنگ رجایی تمدن ها را معنا ساز و هویت بخش می داند که افراد جامعه در آن احساس تعلق و زندگی هدفمند می کنند. او زمان ظهور تمدن اسلام را قرن دوم هجری قمری، برابر با قرن نهم میلادی، می داند که مسلمانان در کسب قدرت، ثروت و تولید علم و اندیشه به جایگاه رفیعی دست یافتند.^۱

مسلمانان بهترین عناصر این گاهواره های تمدن را ترجمه کرده و به حوزه علمی و فکری خود وارد کردند؛ از فلسفه، طب، موسیقی و نجوم یونانیان گرفته تا سیر آداب و حکم، از تاریخ و موسیقی ایرانیان تا طب هندیان، کشاورزی و سحر کلدانیان و علم تشریح مصریان، و همه این ها را با هم ترکیب کردند و پروراندند و ترکیبی جهانی را از آن به نام تمدن اسلامی ساختند که به گفته ی فرهنگ رجایی: "انسجام درونی، ویژگی های محلی و دعوی جهانی خود را داشت" و جهان گیر شد.^۲ حجم تولیدات علمی، فکری و فنی این مجموعه ی شگرف و عظیم، تمام ساحت علم و فن آن روزگاران را در تصرف خود داشت و سلطه ی بی چند و چون آن، فرهنگ و شریعت اسلام را

۱ - رجایی، فرهنگ؛ «پدیده جهانی شدن»؛ ترجمه ی عبدالحسین آذرنگ؛ تهران: نشر آگه؛

۱۳۸۲، صص ۹۵-۹۴.

۲ - همان؛ ص ۹۹.

در قلب و ذهن جهانیان وارد کرد.

نهضت رنسانس اروپا با وجود از بین رفتن بخش‌های عمده‌ای از این مجموعه‌ی شگفت علم وحی و انکار مدام غربیان بر پایه‌ی تمدن اسلام بنیان گذاشته شد. پس از یورش مغولان، در قرن هفتم، به‌رغم ویرانی گسترده‌ی شهرها و پایگاه‌های تمدنی، اسلام به‌عنوان یک تمدن عظیم خود را در قرن دهم هجری احیا کرد و این بار جهان‌بینی اسلامی را با تمدن‌های ماوراءالنهر، هند، ایران و عثمانی ترکیب کرد. امپراتوری‌های بزرگ صفوی در ایران، عثمانی در ترکیه و گورکانی در هند هر کدام براساس برداشت خود از اسلام توانستند دوباره به تمدن اسلام شکوه جهانی ببخشند، اما این اوج نیز با ظهور تمدن صنعتی غرب دیری نپایید و آن‌چنان شد که افول و پس‌رفت این مجموعه‌ی تمدنی نگرانی مجدد مسلمانان را فراهم کرد.

دوره‌ی سوم احیای تمدن اسلام با وقوع انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده است که واکنشی در برابر تجدد و خودباختگی در مقابل غرب و تلاشی در جهت سربلندی اسلام و مسلمین است^۱ و گستره‌ی آن امروزه علاوه بر خیزش همگانی در کشورهای اسلامی، کشورهای غیرمسلمان به‌ویژه اروپا و آمریکا را در بر گرفته است و مسلمانان این قبیل جوامع از جمله فعال‌ترین و پویاترین اقلیت‌های دینی در درون کشورهای مزبور به‌شمار می‌روند.

ب) تولید علم و منابع علمی

پییرروسو می‌گوید: "سه قرن از رحلت پیامبر اسلام نگذشت که شهر قرطبه دارای یک میلیون جمعیت، هشتاد مدرسه‌ی عمومی (تقریباً دانشکده به اصطلاح امروزی) و کتابخانه‌ای شامل ۶۰۰ هزار مجلد کتاب به زبان عربی (زبان علمی جهان اسلام) شده بود." نظری به نمونه‌ای از کتابخانه‌هایی که

مسلمانان به وجود آورده‌اند نشان می‌دهد در هر کتابخانه چند هزار جلد کتاب وجود داشته است:^۱

- قرطبه ششصد هزار جلد؛
- کتابخانه‌ی رصدگاه مراغه مربوط به خواجه نصیرالدین طوسی، چهارصد هزار جلد؛
- کتابخانه‌ی نجف، در قرن دهم میلادی، چهارصد هزار جلد؛
- در زمان خلفای بغداد، کتابخانه‌ی یکی از امرا، صد هزار جلد؛
- کتابخانه‌ی عزیز خلیفه‌ی قاهره، یک میلیون و ششصد هزار جلد که شش هزار و پانصد جلد آن در ریاضیات و هجده هزار جلد در فلسفه بوده است. پس از عزیز، پسرش در توسعه این کتابخانه بسیار کوشید و هجده سالن برای مطالعه در نزدیکی آن کتابخانه به وجود آورد.
- در منابع دیگر، تعداد کتابخانه‌ها تا چند برابر این نوشته شده است. مثلاً کتابخانه‌ی بیت‌الحکمه بغداد چهارمیلیون، در طرابلس شام سه میلیون، و کتابخانه‌ی سلطنتی قاهره یک میلیون جلد کتاب داشته است.^۲
- نگاهی به داده‌های جهانی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که با وجود توجه اسلام به مسأله‌ی علم و دانش، کشورهای اسلامی نتوانسته‌اند این وضعیت را در عمل به نحو شایسته‌ای ادامه دهند. نگاهی گذرا به داده‌های ارائه شده از سوی پایگاه اطلاع‌رسانی یونسکو در جدول نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی دچار نقصان تولید علم و دانش شده‌اند.
- در میان کشورهای اسلامی، ایران با ۱۴۷۸۳ عنوان کتاب چاپ شده در رتبه‌ی اول است، در مراتب بعدی، مالزی با ۵۰۸۴ عنوان، عربستان با ۳۷۸۰

۱ - الماسی، محمد علی؛ «تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران»؛ تهران: انتشارات/میرکبیر، ۱۳۷۹؛ صص ۲۷۲-۲۷۱.

۲ - همان؛ صص ۲۷۲-۲۷۱.

عنوان، ترکیه با ۲۹۲۰ عنوان قرار دارند، کشورهای بنین با ۹ عنوان، بورکینافاسو با ۱۲ عنوان، مالی با ۱۴ عنوان جزو کشورهایی هستند که کمترین میزان چاپ کتاب را در بین کشورهای اسلامی داشته‌اند. این در حالی است که در انگلستان در سال ۱۹۹۸، ۱۱۰۹۶۵ عنوان کتاب چاپ شده است.

جدول ۷ - تعداد عناوین کتاب‌های چاپ‌شده در کشورهای اسلامی

[illegible]

ادامه‌ی جدول ۷ - تعداد عناوین کتاب‌های چاپ‌شده در کشورهای اسلامی

کشور	زک	عمومی	روانشناسی و فلسفه	فقهی	اجتماعی علوم	زبان‌شناسی	مجموعی علوم	کاربردی علوم	هنری	تاریخ
سودان	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
سورینام	۴۷	۱۸	۱	۱۶	۶	۲	—	۲	—	۱
سوریه	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
سومالی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
سیرالئون	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
عراق	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
عربستان	۳۷۸۰	۳۰۰	۶۰	۸۵۰	۳۱۰	۱۸۰	۲۷۰	۴۴۰	۱۳۲	۷۱۰
عمان	۱۲	—	۱	۵	—	—	—	۱	۵	—
فلسطین	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
قرقیزستان	۴۲۰	—	۲	۱۵	۱۵۷	۲۶	۱۳	۹۲	۹	۹۳
قزاقستان	۱۲۲۳	۵۲	۱۳	۲۱	۵۷۹	۴۰	۸۹	۱۷۳	۱۸	۱۶۶
قطر	۲۰۹	۹	۳	۲۶	۸۸	۷	۱۹	۲۷	۶	۱۲
کامرون	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
کومور	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
کویت	۲۱۹	۳۶	۱۳	۳۱	۷۱	۱	۸	۹	۵	۱۹
گابن	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
گامبیا	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
گویان	۲۵	۳	—	۲	۱۳	—	۲	۱	۱	۱
گینه	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
گینه بیسائو	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
لبنان	۲۸۹	۱۳۳	۵	۵۰	۴۱	۵	۲	۱۹	۱	۲۶
لیبی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
مالدیو	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
مالزی	۵۰۸۴	۱۵۷	۵۹	۵۴۷	۱۰۵۸	۶۶۲	۵۲۶	—	۲۲۲	۹۹۸
مالی	۱۴	۱	—	—	۱	—	—	۶۱۴	—	۱۱
مراکش	۳۸۶	۲۵	۳	۳۴	۱۵۱	۵	۱	۱	۱۲	۷۵
مصر	۱۴۱۰	۹۶	۱۸	۲۰۰	۱۲۶	—	۲۱۹	۳۳	۴۴	۲۵۶
موریتانی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
موزامبیک	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
نیجر	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
نیجریه	۱۳۱۴	۱۸	۳۶	۲۰۳	۵۳۰	—	۸۰	—	۵۲	۱۳۳
یمن	—	—	—	—	—	—	—	۱۱۶	—	—

جدول ۸ - تعداد روزنامه برای هر هزار نفر در کشورهای اسلامی

کشور	تعداد	کشور	تعداد	کشور	تعداد
آذربایجان	۲۷	توگو	۲	کومور	—
آلبانی	۳۵	تونس	۱۹	کویت	۳۷۴
اردن	۷۵	جیبوتی	—	گابن	۳۰
ازبکستان	۳	چاد	—	گامبیا	۲
افغانستان	۵	ساحل عاج	—	گویان	—
الجزایر	۲۷	سنگال	۵	گینه	—
امارات	۱۵۶	سودان	۲۶	گینه بیسائو	۵
اندونزی	۲۳	سورینام	—	لبنان	۱۰۷
اوگاندا	۲	سوریه	۲۰	لیبی	۱۵
ایران	۲۸	سومالی	۱	مالدیو	—
بحرین	—	سیرالئون	۴	مالزی	۱۵۸
برونئی	—	عراق	۱۹	مالی	۱
بنگلادش	۵۳	عربستان	۳۲۶	مراکش	۲۸
بنین	۵	عمان	۲۹	مصر	۳۱
بورکینافاسو	۱	فلسطین	—	موریتانی	۱
پاکستان	۴۰	فرقیزستان	۲۷	موزامبیک	۲
تاجیکستان	۷	قطر	—	نیجریه	۲۴
ترکیه	۱۱۱	کامرون	۷	یمن	۱۵

Cation Development Report ۲۰۰۲ Please cite the ITU for third – Party use of these data.

ج) رادیو و تلویزیون

تأثیر فزاینده‌ی تلویزیون شاید مهم‌ترین تحول در وسایل ارتباط همگانی در پنجاه سال گذشته باشد. اگر روندهای جاری در تماشای تلویزیون ادامه یابند، به‌طور متوسط کودکی که امروز متولد می‌شود، تا سن هجده سالگی وقت خود را بیش‌تر از هر فعالیت دیگری غیر از خوابیدن صرف تماشای تلویزیون خواهد کرد. ظهور تلویزیون بر الگوهای زندگی روزانه به‌شدت تأثیر گذاشته است، زیرا بسیاری از مردم فعالیت‌های دیگر را پیرامون مشاهده‌ی برنامه‌های تلویزیونی معینی تنظیم می‌کنند.

تأثیرات فزاینده‌ی تلویزیون که در ابعاد گوناگون فرهنگی خود را به نمایش گذاشته است یکی از ابزارهای مهم تولید و اشاعه‌ی فرهنگ است.

حفظ ارزش‌های فرهنگ اسلامی تا حدی وابسته به شیوه‌ی به‌کارگیری و استفاده از شیوه‌های تبلیغات مدرن به‌ویژه از طریق تلویزیون است. در میان کشورهای اسلامی ترکیه با ۶۳۵ خبرگزاری تلویزیونی به‌عنوان موفق‌ترین کشور عمل کرده است. در ترکیه به ازای هر هزار نفر ۳۱۶ تلویزیون وجود دارد. کشور مصر نیز با ۹۸ خبرگزاری تلویزیونی توانسته رتبه‌ی دوم را به‌دست آورد، و تعداد تلویزیون برای هر هزار نفر در مصر، ۲۱۷ عدد است. کشور ایران در این زمینه چندان موفق عمل نکرده است؛ تعداد خبرگزاری‌ها در ایران ۲۸ مورد است. هم‌زمان کشورهای بنین، بورکینافاسو، جیبوتی، چاد، کامرون، مالدیو، مالی، موریتانی، موزامبیک تنها یک خبرگزاری تلویزیونی دارند و در کشوری مانند کامرون به ازای هر هزار نفر ۳۴ دستگاه تلویزیون وجود دارد. آمارها بیانگر عدم استفاده‌ی بهینه از فناوری تصویری توسط تعداد زیادی از کشورهای اسلامی است که توان این کشورها را در عرصه‌ی رقابت‌های فرهنگی با سایر تمدن‌ها کاهش داده است.

جدول ۹ - تعداد خبرگزاری‌های تلویزیونی و تعداد تلویزیون برای هر هزار نفر در کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی	ایستگاه تلویزیونی	سال	تلویزیون در هر هزار نفر
آذربایجان	۲	۱۹۹۷	۳۲۱
آلبانی	۳۰	۲۰۰۱	۱۲۳
اردن	۲۰	۱۹۹۵	۱۱۱
ازبکستان	—	—	۲۷۶
افغانستان	حداقل ۱۰	۱۹۹۸	۱۴
الجزایر	۴۶	۱۹۹۵	۱۱۴
امارات متحده	۱۵	۱۹۹۷	۲۵۲
اندونزی	۴۱	۱۹۹۹	۱۵۳
اوگاندا	۸	۲۰۰۱	۲۷
ایران	۲۸	۱۹۹۷	۱۶۳
بحرین	۴	۱۹۹۷	—
برونئی	۲	۱۹۹۷	—
بنگلادش	۱۵	۱۹۹۹	۱۷
بنین	۱	۲۰۰۱	۴۴
بورکینافاسو	۱	۲۰۰۲	۱۰۳
پاکستان	۲۲	۱۹۹۷	۱۴۸

ادامه‌ی جدول ۹ - تعداد خبرگزاری‌های تلویزیونی و تعداد تلویزیون برای
هر هزار نفر در کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی	ایستگاه تلویزیونی	سال	تلویزیون در هر هزار نفر
تاجیکستان	۱۳	۲۰۰۱	۳۲۶
ترکمنستان	۳	۱۹۹۷	۱۹۶
ترکیه	۶۳۵	۱۹۹۵	۳۱۶
توگو	۳	۱۹۹۷	۳۷
تونس	۲۶	۱۹۹۵	۱۹۸
جیبوتی	۱	۲۰۰۲	—
چاد	۱	۲۰۰۲	۱
ساحل عاج	—	—	—
سنگال	۱	۱۹۹۷	۷۹
سودان	۳	۱۹۹۷	۳۸۶
سورینام	۳	۲۰۰۰	—
سوریه	۴۴	۱۹۹۵	۶۷
سومالی	۴	۲۰۰۱	۱۴
سیرالئون	۲	۱۹۹۹	۱۳
عراق	۱۳	۱۹۹۷	۸۳
عربستان	۱۱۷	۱۹۹۷	۲۶۴
عمان	۱۳	۱۹۹۹	۵۶۳
فلسطین	—	—	—
قرقیزستان	NA	۱۹۹۷	۴۹
قزاقستان	۱۲	۱۹۹۸	۴۲۱
قطر	۱	۲۰۰۱	—
کامرون	۱	۲۰۰۲	۳۴
کویت	۱۳	۱۹۹۷	۴۸۲
گابن	۴	۲۰۰۱	۳۲۶
گامبیا	۱	۱۹۹۷	۳
گویان	۳	۱۹۹۷	—
گینه	۶	۲۰۰۱	۴۴
گینه بیسائو	NA	۱۹۹۷	۳۶
لبنان	۱۵	۱۹۹۵	۳۳۶
لیبی	۱۲	۱۹۹۹	۱۳۷
مالدیو	۱	۱۹۹۷	—
مالزی	۱	۲۰۰۱	۲۰۱
مالی	۱	۲۰۰۱	۱۷
مراکش	۳۵	۱۹۹۵	۱۵۹
مصر	۹۸	۱۹۹۵	۲۱۷
موریتانی	۱	۲۰۰۲	—
موزامبیک	۱	۲۰۰۱	۵
نیجر	۳	۲۰۰۲	۳۷
نیجریه	۳	۲۰۰۲	۶۸
یمن	۷	۱۹۹۷	۲۸۳

اهمیت رادیو به عنوان یک وسیله‌ی ارتباطی قوی نیز چندان کم‌تر از تلویزیون نیست. وسیله‌ای که از لحاظ هزینه‌ی خریداری و امکانات نگهداری بسیار ارزان‌تر از تلویزیون است، و همین ویژگی باعث شده استفاده از آن در کشورهای فقیرتر افزایش یابد. از بسیاری جهات تلویزیون هنوز نتوانسته جای رادیو را به تمامی بگیرد و استفاده‌ی آسان از رادیو موجب شده که هنوز هم اهمیت خود را به عنوان مهم‌ترین وسیله‌ی خبری و ارتباطی حفظ کند. در کشوری مانند بنین که به ازای هر هزار نفر ۴۴ تلویزیون وجود دارد، آمار ۴۴۱ دستگاه رادیو برای هر هزار نفر شاخص قابل توجهی نمایش می‌دهد که حکایت از سهولت استفاده از ابزار ارتباطی دارد. در میان کشورهای اسلامی اندونزی در زمینه‌ی استفاده از امکانات رادیویی بسیار بهتر از بقیه‌ی کشورها عمل کرده است. در این کشور ۸۲ شبکه بر روی موج SW، ۴۳ شبکه بر روی FM، و ۶۷۸ شبکه بر روی موج AM برنامه پخش می‌کند. ضمناً برای هر هزار نفر ۱۵۹ رادیو در اندونزی وجود دارد. پاکستان دارای ۲۱ شبکه SW، ۱ شبکه FM، و ۲۷ شبکه AM است. در این میان ایران دارای ۵ شبکه SW، ۵ شبکه FM، ۷۲ شبکه AM است. استفاده‌ی مؤثر از این وسیله می‌تواند ابزار مناسبی برای رشد فرهنگی و اشاعه‌ی اطلاعات کشورهای اسلامی باشد.

جدول ۱۰ - تعداد ایستگاه‌های رادیویی و تعداد رادیو برای هر هزار نفر در کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی	تعداد ایستگاه تلویزیونی	سال	تعداد در هر هزار نفر
آذربایجان	AM ۱۰, FM ۱۷, SW ۱	۱۹۹۸	۲۲
آلبانی	AM ۱۳, FM ۴, SW ۲	۲۰۰۱	۲۶۰
اردن	AM ۶, FM ۵, SW ۱	۱۹۹۹	۳۷۲
ازبکستان	—	—	—
افغانستان	AM, FM ۱, SW ۱	۱۹۹۹	۱۱۴
الجزایر	AM ۲۵, FM ۱, SW ۸	۱۹۹۹	۲۴۴
امارات	AM ۱۳, FM ۷, SW ۲	۱۹۹۸	۳۱۸
اندونزی	AM ۶۷۸, FM ۴۳, SW ۸۲	۱۹۹۸	۱۵۹
اوگاندا	AM ۷, FM ۳۳, SW ۲	۲۰۰۱	۱۲۷
ایران	AM ۷۲, FM ۵, SW ۵	۱۹۹۸	۲۸۱
بحرین	AM ۲, FM ۳, SW ۰	۱۹۹۸	—
برونئی	AM ۳, FM ۱۰, SW ۰	۱۹۹۸	—
بنگلادش	AM ۱۲, FM ۱۲, SW ۲	۱۹۹۹	۴۹
بنین	AM ۲, FM ۹, SW ۴	۲۰۰۰	۴۴۱
بورکینافاسو	AM ۳, FM ۱۷, SW ۳	۲۰۰۲	۴۳۳
پاکستان	AM ۲۷, FM ۱, SW ۲۱	۱۹۹۸	۱۰۵
تاجیکستان	AM ۸, FM ۱۰, SW ۲	۲۰۰۲	۱۴۱
ترکمنستان	AM ۱۶, FM ۸, SW ۲	۱۹۹۸	۲۵۶
ترکیه	AM ۱۶, FM ۱۰۷, SW ۶	۲۰۰۱	۴۸۷
توگو	AM ۲, FM ۹, SW ۴	۱۹۹۸	۲۶۵
تونس	AM ۷, FM ۲۰, SW ۲	۱۹۹۸	۱۵۸
جیبوتی	AM ۱, FM ۲, SW ۰	۲۰۰۱	—
چاد	AM ۲, FM ۴, SW ۵	۲۰۰۲	۳۶۱
ساحل عاج	—	—	—
سنگال	AM ۸, FM ۲۰, SW ۱	۲۰۰۱	۱۲۶
سودان	AM ۱۲, FM ۱, SW ۱	۱۹۹۸	۴۶۶
سورینام	AM ۴, FM ۱۳, SW ۱	۱۹۹۸	—
سوریه	AM ۱۴, FM ۲, SW ۱	۱۹۹۸	۲۷۶
سومالی	AM ۰, FM ۱۱, SW ۱	۲۰۰۱	۶۰
سیرالئون	AM ۱, FM ۹, SW ۱	۱۹۹۹	۲۵۹
عراق	AM ۱۹, FM ۵۱, SW ۴ (غیر فعال)	۱۹۹۸	۲۲۲
عربستان	AM ۴۳, FM ۳۱, SW ۲	۱۹۹۸	۳۲۶
عمان	AM ۳, FM ۹, SW ۲	۱۹۹۹	۶۲۱

ادامه‌ی جدول ۱۰ - تعداد ایستگاه‌های رادیویی و تعداد رادیو برای هر هزار نفر در کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی	تعداد ایستگاه تلویزیونی	سال	تعداد در هر هزار نفر
فلسطین	—	—	—
قرقیزستان	AM ۱۲, FM ۱۴, SW ۲	۱۹۹۸	۱۱۰
قزاقستان	AM ۶۰, FM ۱۷, SW ۹	۱۹۹۸	۴۱۱
قطر	AM ۶, FM ۵, SW ۱	۱۹۹۸	—
کامرون	AM ۲, FM ۹, SW ۳	۲۰۰۲	۱۶۳
کومور	AM ۱, FM ۴, SW ۱	۲۰۰۱	—
کویت	AM ۶, FM ۱۱, SW ۱	۱۹۹۸	۶۲۴
گابن	AM ۶, FM ۷, SW ۴	۲۰۰۱	۵۰۱
گامبیا	AM ۳, FM ۲, SW ۰	۲۰۰۱	۳۹۶
گویان	AM ۳, FM ۳, SW ۱	۱۹۹۸	—
گینه	AM ۴, FM ۱, SW ۳	۲۰۰۱	۵۲
گینه بیسائو	AM ۱, FM ۴, SW ۰	۲۰۰۲	۲۰۴
لبنان	AM ۲۰, FM ۲۲, SW ۴	۱۹۹۸	۱۸۲
لیبی	AM ۱۶, FM ۳, SW ۳	۲۰۰۲	۲۷۳
مالدیو	AM ۱, FM ۱, SW ۱	۱۹۹۸	—
مالزی	AM ۳۵, FM ۳۹۱, SW ۱۵	۲۰۰۱	۴۲۰
مالی	AM ۱, FM ۱, SW ۱	۱۹۹۸	—
مراکش	AM ۲۷, FM ۲۵, SW ۶	۱۹۹۸	۲۴۳
مصر	AM ۴۲, FM ۱۴, SW ۱۵	۱۹۹۹	۳۳۹
موریتانی	AM ۱, FM ۱۴, SW ۱	۲۰۰۱	۱۴۹
موزامبیک	AM ۱۳, FM ۱۷, SW ۱۱	۲۰۰۱	۴۴
نیجر	AM ۵, FM ۶, SW ۴	۲۰۰۱	۱۲۱
نیجریه	AM ۸۳, FM ۶۳, SW ۱۱	۲۰۰۱	۲۰۰
یمن	AM ۶, FM ۱, SW ۲	۱۹۹۸	۶۵

International Telecommunication Union (ITU) & www.Fact Book.com

د) کاربران اینترنت

جهان امروز فاصله‌های زمانی و مکانی را در نور دیده و تا حدود زیادی با استفاده از فناوری‌های مدرن ارتباطی این فاصله‌ها را از بین برده است.

گسترش رایانه‌های خانگی امکان استفاده از اینترنت را در سطح وسیع برای شهروندان جهان فراهم کرده که این خود باعث تغییر حوزه‌ها و نوع روابط اجتماعی در سطح جهان شده است. امروزه می‌توان به راحتی فاصله‌های مکانی را با استفاده از اینترنت از بین برد. اتصال به دنیای اینترنت هر لحظه امکان استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و فنی را فراهم می‌کند. قدرت فرد در حوزه‌ی انتخاب و گزینش اطلاعات به نسبت وسیعی افزایش پیدا کرده است. انواع منابع خبری و اطلاعاتی امکان مقایسه و سنجش انواع مختلف اطلاعات را در اختیار کاربر اینترنت قرار می‌دهند. توان نظارتی دولت‌ها بر این حوزه از کانال‌های ارتباطی بسیار کاهش پیدا کرده است. کاربر اینترنت در جهان پهناور اینترنت آزادانه به جست‌وجو می‌پردازد. دنیای اسلام اگر بخواهد به تبلیغ و اشاعه‌ی اسلام ادامه دهد باید که توان رقابت را در این قلمرو افزایش دهد. مطابق شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، کشورهای با توسعه‌ی بالا دارای ۳۲۸/۲ کاربر اینترنتی در هر هزار نفر از جمعیت خود هستند. کشورهای با توسعه‌ی انسانی متوسط، ۲۲ کاربر و کشورهای با توسعه‌ی انسانی پایین، ۲/۸ کاربر را در هر هزار نفر دارند.^۱ در کشورهای اسلامی، امارات متحده عربی با ۶۵/۷۸ کاربر در هر هزار نفر در بالاترین رتبه قرار دارد. این نرخ حتی بیش‌تر از نرخ متوسط کشورهای با توسعه‌ی بالاست. در مراتب بعد مالزی با ۳۳۳/۳۴ کاربر و بحرین با ۲۴۳/۴ کاربرد قرار دارند که ارقام رضایت‌بخشی را از خود نشان داده‌اند. ایران با ۴۵/۹ کاربر در هر هزار نفر در وضعیت چندان مناسبی قرار ندارد و در ردیف کشورهای با توسعه‌ی انسانی متوسط قرار گرفته است. آمار کاربران اینترنت در کشورهایی مانند بنگلادش، تاجیکستان، ترکمنستان، عراق، نیجر، چاد، بورکینافاسو، ترکمنستان و افغانستان کم‌تر از سطح کشورهای با توسعه‌ی انسانی پایین است.

فصل سوم

همگرایی در جهان اسلام

مانایی، پایایی و پویایی هر مکتب و اندیشه‌ای به عوامل مختلف و متعددی بستگی دارد. از جمله مهم‌ترین این عوامل رفتار پیروان و معتقدان آن مکتب است. به عبارت روشن‌تر، کنش و عمل پیروان یک مکتب بر پویایی و پایایی آن مکتب تأثیر بسزایی دارد. مکتب اسلام از بدو پیدایش تا کنون روشنایی و نور را برای پیروان خود به ارمغان آورده است. این مکتب با تکیه بر عناصری چون تدبیر و تعمق در کائنات هستی و کاوش شناخت و معرفت و پژوهش در مختصات آن‌ها، مسلمین را به‌طور خاص و جهانیان را به‌طور عام به‌سوی ایجاد مدینه‌ی فاضله رهنمون می‌سازد. از این رو، نقش مؤمنین به اسلام در فراگیر و جهان‌گستر نمودن آموزه‌ها و الگوهای این دین مبین برای برقراری صلح و آرامش و خلعجان معرفت و پژوهش بسیار حائز اهمیت است. با این وجود و بر خلاف انتظار، امروز جوامع اسلامی خود به یکی از گرفتارترین جوامع تبدیل شده‌اند و نه تنها در فراگیری ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام در میان دیگر ادیان سهم و نقشی ندارند، بلکه هجمه و هیمنه‌ی ارزش‌های غیراسلامی در جوامع اسلامی نگرانی و اضطراب‌کننده‌ای را در خصوص کم‌رنگ و شکننده شدن آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی در دل پایمردان و خردورزانی که باور راسخ خود را به این دین حفظ کرده‌اند، به‌وجود آورده است.

جمهوری اسلامی ایران به پاس دستاوردها و برکات به‌دست آمده از انقلاب آرمانی و اسلامی خود و دستیابی به استقلال سیاسی، شناختی، ارزشی

و فرهنگی به عنوان پیشگام احیا و جنگ اندازی به حبل المتین اسلام و منادی گر وحدت و همگرایی میان امت مسلمان برای رهایی از ظلمات جهل و نادانی و پیوستن به سپهر روشنایی و معرفت گام برداشته و در این راه از مجاهدت‌ها و از خودگذشتگی‌های بسیار دریغ نورزیده است.

بر این اساس، تدبیر و تفکر پیرامون زمینه‌های وحدت، همگرایی و یک‌صدایی میان مسلمانان جهان از مهم‌ترین چشم‌اندازهای این کشور است. اما گذشته از سپهر معرفت دینی، همگرایی در سپهر معرفت علمی آن یعنی در مطالعات سیاست‌گذارانه و روابط بین‌الملل از جایگاه و اهمیت بسیاری برخوردار است.

بر اساس آموزه‌های علم سیاست و روابط بین‌الملل مهم‌ترین دغدغه‌ی حرفه‌ای دولتمردان و سیاست‌گزاران، چگونگی فراهم نمودن زمینه‌های افزایش قدرت و ثروت است. از منظر روش‌شناسی واقع‌گرایانه، امروزه، افزایش ثروت و قدرت دولت - ملت‌ها از متغیرهای مستقل بسیاری اثر می‌پذیرد. مهم‌ترین این متغیرها در عرصه‌ی سیاست‌های خارجی دولتها، ایجاد همگرایی و اتحاد میان کشورهایی است که دارای اهداف و ارزش‌های مشترک هستند.

کشورها در قالب همگرایی و اتحاد، دارای سرنوشت مشترکی هستند و بدون اجماع نظر نمی‌توانند عمل کنند. به عبارت دیگر، در سایه‌ی یک اتحاد، کشورها به یکدیگر قفل می‌شوند و زمینه‌های ساختاری صلح را فراهم می‌آورند و چون توان‌های فراوانی را بر روی یکدیگر جمع می‌کنند می‌توانند اهداف مهمی را دنبال کنند و به ثمر برسانند.

همان‌گونه که در فصول قبل اشاره شد حد اعلای روابط میان دو یا چند کشور به صورت وحدت است که خود وحدت نیز محدودیت‌هایی دارد. به عنوان مثال، برجسته‌ترین وحدتی که تا کنون در بین جوامع بشری مصداق پیدا کرده «اتحادیه‌ی اروپا» است که هم‌زمان با پیوستگی و هماهنگی

کشورهای عضو در بسیاری از سیاست‌گذاری‌های کلان، وحدت و استقلال عمل هر یک از اعضا به‌ویژه در حوزه‌های نظامی و سیاسی حفظ شده است. از این رو یکی از اهداف اساسی در مطالعات بین‌المللی، تشخیص و تحلیل نیروهایی است که در ایجاد تفاهم، همبستگی و وحدت ملت‌ها و جوامع سیاسی ایفای نقش می‌کنند. مسأله‌ی همگرایی سیاسی در سطوح مختلف از جامعه‌ی ملی تا منطقه‌ای و جهانی مطرح بوده و آثار آن در روابط بین دولت‌ها و ملت‌ها به‌نحو بارزی متبلور می‌گردد.

موضوع همگرایی در جهان اسلام و نیاز به اتحاد و اتفاق نظر میان مسلمانان از مهم‌ترین ضروریات جوامع اسلامی در عصر حاضر است. حفظ منافع و امنیت کشورهای اسلامی در پناه یکپارچگی ملل و دولت‌های آنها است و هویت اجتماعی - فرهنگی آنها ایجاب می‌کند که از تمام فرقه‌ها و نحله‌ها دوشادوش یکدیگر برای حفظ کیان اسلام بپا خیزند.

شرایط و مقتضیات زمان، اشتراک در اهداف دینی، انسانی، منافع اقتصادی و مصالح سیاسی از مهم‌ترین علل ایجاد‌کننده‌ی «اتحاد جهان اسلام» در زمان حاضر است. کشورهای اسلامی با اشتراک دردها و گرفتاری‌ها، توانمندی‌ها و نارسایی‌ها و دشمن مشترک می‌توانند با طرح وحدت و کنارگذاشتن اختلافات، درصدد تحقق اهداف اسلامی انسانی خود برآیند.

با سیاست‌های هماهنگ دشمنان اعتقادی - سیاسی و فرهنگی اسلام که در اقصی نقاط عالم و به‌ویژه با بهره‌گیری از امکانات و ثروت خود مسلمانان مبارزه علیه آنان را رهبری می‌کنند، لزوم دستیابی به یک وحدت حقیقی که بتواند موضعی واحد و محکم، متشکل از قدرت کل جهان اسلام را سازمان دهد ضروری است.

به لحاظ مفهومی، نظام جهانی سرمایه‌داری به‌درستی می‌داند که یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش‌روی فرایند انباشت سرمایه‌اش، که بالقوه یا بالفعل

با سابقه‌ای ۱۴۰۰ ساله و با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر در برابر نقشه‌هایش قرار دارد، اسلام است. بیش از ۵۷ کشور اسلامی ۲۴ درصد از مساحت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و جمعیت مسلمان آن‌ها ۱۸ درصد از کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین مناطق جغرافیایی و سوق الجیشی نظیر خلیج فارس و کانال سوئز متعلق به آن‌هاست.

بخش اعظم مهم‌ترین منبع تولید انرژی جهان یعنی نفت و گاز در اختیار کشورهای اسلامی است. این در حالی است که همه‌ی این پتانسیل‌ها، در مقابل تفرقه و تشتت جهان اسلام، نتوانسته به‌عنوان عاملی قدرت‌بخش برای کشورهای اسلامی در عرصه‌ی جهانی ایفای نقش کند.

صهیونیسم به‌عنوان یکی از صور استعمار جهانی، شصت سال است که فلسطین را اشغال کرده و به لبنان می‌تازد. آمریکا، انگلیس و دیگر هم‌پیمانان اروپایی آن‌ها، بعد از تجزیه‌ی امپراتوری عثمانی، کشورهای کوچک اسلامی را با گماردن دولت‌های دست‌نشانده و قبضه کردن سیاست، اقتصاد، فرهنگ، ارتباطات و حتی مقدسات مذهبی پاره پاره کرده و برای تداوم نفوذ خود با توسل به جنگ و اشغال نظامی، بر کشورهای هم‌چون عراق و افغانستان سلطه پیدا کرده‌اند. استعمارگران با شناسایی و مطالعه‌ی گسترده در اوضاع و احوال،

روحیات و اعتقادات، جغرافیا و جامعه، اقتصاد و فرهنگ ملت‌ها، راه‌حل‌های جدید و متناسب با زمان را در ارتباط با تشتت و پراکندگی کشورهای زیرسلطه اتخاذ کرده و اعمال می‌کنند. بنابراین، وظیفه‌ی محققان و دانش‌پژوهان اسلامی است که با طرح و بررسی واکنش‌های فکری - سیاسی مصلحان و متفکران اسلامی در برخورد با غرب و راه‌حل‌های پیشنهادی آن‌ها، ضمن بهره‌گیری از مکتب اسلام به شناسایی زمینه‌های تسهیل‌کننده‌ی تحقق وحدت اسلامی بپردازند.

وحدت مسلمانان، در حال حاضر که جهان اسلام در حساس‌ترین مراحل

حیات خود قرار دارد، از مهم‌ترین ایده‌ها و راه‌حل‌های پیشنهادی برای رویارویی با چالش‌های پیش‌رو است. وحدت اسلامی امری است که همواره در تاریخ تفکر سیاسی و اجتماعی ملت‌های مسلمان به‌عنوان یک نظریه یا راهبرد اساسی و حیاتی در برابر تهاجم گسترده و همه‌جانبه‌ی استعمار غرب طرح شده است.

این موضوع یکی از محوری‌ترین موضوعات در مباحث اندیشمندان سیاسی اسلام بوده و اکثر علمای مسلمان به‌نحوی از انحاء به وحدت جهان اسلام پرداخته‌اند.

هدف از انتخاب این موضوع، در مطالعه‌ی حاضر، طرح دوباره و تجزیه و تحلیل مفهوم، زمینه‌ها و مبانی اتحاد اسلامی در قالب مفاهیم و نظریه‌های نوین همگرایی و واگرایی در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است و تلاش دارد با استفاده از مباحث آینده‌پژوهی، چشم‌انداز همگرایی جهان اسلام را تشریح و تبیین کند. با استفاده از این مناسبت که در ادامه می‌توان با شناسایی ظرفیت‌ها و شاخص‌های مقدم همگرایی در جهان اسلام به این سؤال پاسخ گفت که آیا جهان اسلام شاخص‌های لازم برای دستیابی به همگرایی و وحدت علمی را داراست یا خیر؟

مفهوم همگرایی همواره به‌عنوان یکی از مباحث محوری عرصه‌ی روابط بین‌الملل مطرح بوده است. این مفهوم به‌ویژه بعد از وقوع دو جنگ جهانی، که به صف‌بندی کشورها در مقابل هم انجامید، اهمیت بیش‌تری یافت. پیدایش بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بعد از جنگ جهانی دوم، حاکی از این واقعیت است. مهم‌ترین انگیزه‌ای که کشورها را در این سازمان‌ها و اتحادیه‌ها گردهم می‌آورد افزایش توان دستیابی به اهداف و منافع ملی است. در جهان اسلام نیز همگرایی همواره مورد توجه کشورها بوده است؛ از جمله نمادهای این امر نیز تأسیس اتحادیه‌ها و سازمان‌های متعدد منطقه‌ای و

فرمانطقه‌ای است که مهم‌ترین آن‌ها سازمان کنفرانس اسلامی است. لزوم هماهنگی و اتخاذ راهبردهای مشخص، به‌منظور مواجهه با رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، کشورهای اسلامی را به این نتیجه رسانده است که از طریق تجمع در سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند با مخاطرات ناشی از مسائل تهدیدآمیزی هم‌چون جهانی شدن، چالش قدرت‌های خارجی و غیره مقابله نمایند.

همگرایی

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، یکی از روش‌های تحقق اهداف و منافع مادی و غیرمادی دولت‌ها، در عرصه‌ی مناسبات بین‌المللی، همگرایی است. هر یک از دولت‌ها بر اساس ارزش‌هایی که در نظر دارند بخشی از منافع خود را برای دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای مورد نظر در فرایند شکل‌گیری همگرایی هزینه می‌کنند. در ادامه، مختصات همگرایی و نظریه‌های مسلط این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تعریف و مفهوم همگرایی

همگرایی در چارچوب فرهنگ علوم سیاسی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن، جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست‌های عمده و اساسی خود چشم می‌پوشند و سعی می‌کنند به تصمیم‌های مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی تازه‌ای واگذار کنند. مطالعه‌ی همگرایی با انتشار اثر دیوید میترانی، در دوره‌ی میان دو جنگ جهانی، برای مدتی طولانی از موضوعات مورد علاقه ی محققان روابط بین‌الملل بود و هنوز هم از اهمیت زیادی برخوردار است. همگرایی یا

یکپارچه‌سازی متکی بر تشکیل جوامع و اتحادیه‌هاست که به اراده‌ی معطوف به پیوستگی اجزای یک جامعه یا چند جامعه با هم از روی میل و رغبت بستگی دارد. به بیان دیگر، همگرایی و یکپارچگی در معنای Integration تا حدود زیادی به همگرایی به معنای Convergence یعنی وجود ویژگی‌های مشابه در بین گروه‌های فرهنگی، نژادی و نظایر این‌ها در نقاط گوناگون و بدون ارتباط قبلی با یکدیگر متکی است.^۱

از این منظر، همگرایی میان کشورها و دولت‌ها ناشی از جبر و اضطرار نیست، بلکه محصول ویژگی‌های مشابه و اراده‌ی همگن جهت پیوستگی بر اساس آن ویژگی‌هاست. همگرایی در فضای وابستگی متقابل تشدید می‌شود. به موجب نظریه‌ی وابستگی متقابل،^۲ دولت‌ها و جوامع دنیا در برابر حوادث و جریان‌هایی که در قلمرو دیگر کشورها رخ می‌دهد آسیب‌پذیر شمرده می‌شوند و این‌که یکی از شرایط قبلی برای رفاه و ثبات سیاسی در هر کشور برخورداری کشورهای دیگر از وضعیت مشابه است.

همگرایی می‌تواند هم به‌عنوان فرایند و هم به‌عنوان وضعیت تعریف شود. وضعیت همگرایی یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدید می‌رسند. فرایند یا فرایندهای دخیل در آن نیز عبارتند از وسایل ابزاری که این اجتماع از طریق آن‌ها حاصل می‌شود. فرایند همگرایی باید داوطلبانه و مبتنی بر اجماع باشد.

مفهوم انتزاعی همگرایی از مفاهیم علوم انسانی است که از آن تعاریف گوناگونی بعمل آمده است. با توجه به عدم اجماع نظر بین اندیشمندان علوم

۱ - Smith, Peter H. ; "Introduction; The Politics of Integration: Concepts and Themes" in *The Challenge of integration: Europe and the Americas*; edited by P. H. Smith; New Brunswick: Transaction; ۱۹۹۲; p. ۳۴.

۲ - Interdependene

سیاسی و روابط بین‌الملل، برخی از تعاریف با اهمیت تری که توسط نظریه‌پردازان مطرح گردیده است، ارائه خواهد شد.

ارنست هاس: از نظر وی همگرایی فرایندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به‌سوی مرکز جدیدی معطوف سازند که نهادهای این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود می‌گیرد یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند. هاس در این تعریف دو موضوع تأکید می‌کند، اول، داوطلبانه بودن مسأله‌ی همگرایی و دوم، عدم استفاده از زور.^۱

هاس در مطالعه‌ی همگرایی منطقه‌ای این پرسش را مطرح می‌سازد که چرا و چگونه دولت‌ها از حاکمیت خود صرف‌نظر می‌کنند و به هم‌کیشان و همسایگان خود می‌پیوندند و ممزوج می‌شوند و چرا حاکمیت ملی خود را از دست می‌دهند، ولی با استفاده از سازوکارهای جدیدی به حل و فصل مناقشات می‌پردازند؟ از این‌رو، مطالعه‌ی همکاری‌های منطقه‌ای، سازمان‌های منطقه‌ای و نظام‌های فرعی گام‌هایی است در جهت پاسخ به این پرسش‌ها.

امتیای اتزیونی: وی همگرایی را به‌عنوان یک «وضعیت یا شرایط ویژه» می‌داند و می‌افزاید «وحدت سیاسی فرایندی است که به موجب آن همگرایی به‌عنوان یک وضعیت و افزایش قدرت و وحدت میان واحدهای تشکیل‌دهنده‌ی یک سیستم به‌وجود می‌آید».^۲

لئون لیندنبرگ: وی با بهره‌گیری از نظریه‌ی دیوید میترانی و هاس، همگرایی را فرایندی می‌داند که طی آن ملت‌ها از آرزو و قدرت هدایت مستقل سیاست خارجی و سیاست‌های داخلی عمده‌ی خود چشم‌پوشی کرده،

۱ - قوام، عبدالعلی؛ «روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها»؛ تهران: سمت؛ ۱۳۸۴؛ صص ۴۹-۴۱.

۲ - همان؛ صص ۴۹-۴۱.

در عوض می‌کوشند تا به اتخاذ تصمیماتی مشترک دست زده یا وظیفه‌ی تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی جدید تفویض کنند. از نظر وی، همگرایی سیاسی جزئی از یک فرایند گسترده‌تر همگرایی بین‌المللی است و تکوین تدریجی نظام تصمیم‌گیری دسته‌جمعی بین‌ملت‌هاست.

کارل دوپچ: از نظر وی همگرایی «اساس اجتماعی واحد در محدوده‌ی یک قلمرو و همچنین دستیابی به فعالیت‌ها و سازمان‌های وسیع و قدرتمندی است که تحولات صلح‌آمیز را در میان مردم به‌وجود آورده است.» وی معتقد است که همگرایی یک موضوع همیشگی و بیهیچ‌اش نیست، نه یک موضوعی که تنها به زمان خاصی مربوط باشد، و نیز شرایطی است که مردم در اختلافاتشان به‌جای جنگ آن را برمی‌گزینند.

جین کاپوراسو و آلن پلوفسکی: این دو اندیشمند معتقدند که همگرایی یعنی تکوین ساختارها و کارکردهای جدید در سطح نظام جدیدی که به لحاظ جغرافیایی یا کارکردی وسیع‌تر از نظام قبلی است.^۱

گروم و هراکلاید: این دو اندیشمند در مقاله‌ای با عنوان «همگرایی و واگرایی»، همگرایی را به‌عنوان «وضعیتی از امور» یا به‌عنوان «یک فرایند» تعریف می‌کنند و آن را شامل اقدام دسته‌جمعی‌ای می‌دانند که براساس وفاق ارزش‌ها برای دستیابی به اهداف مشترکی است که در آن بخش‌ها، آرزوها یا ارکان طولانی‌مدت با رفتارهای قابل قبول و منطبق بر هم پذیرفته می‌شود. از نظر آن‌ها همگرایی می‌تواند برحسب یک بُعد، نظیر بعد اقتصادی یا به‌صورت گروهی یا روابط کامل در ابعاد گوناگون و نیز در کلیه‌ی سطوح تحلیل، از بعد خانواده تا جامعه‌ی جهانی، مورد ملاحظه قرار گیرد.

در ادامه، برخی از نظریه‌های مهم همگرایی که در بالا به اختصار مورد

۱ - مشیرزاده، حمیرا؛ «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»؛ تهران: سمت؛ ۱۳۸۴؛ صص

اشاره قرار گرفت، مورد بررسی تفصیلی قرار می‌گیرد.

نظریه‌ها و رهیافت‌های همگرایی

نظریه‌ی همگرایی گرچه از موضوعات تاریخی روابط بین‌الملل به حساب می‌آید، در عمل از نظریه‌های جدید در حوزه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل است که برای حل و فصل تعارضات و مناقشات منطقه‌ای و جوامع گوناگون بکار می‌رود.

نظریه‌ی همگرایی با تجزیه و تحلیل از زوایای مختلف، محصول تفکر و بینش گروه‌هایی است که علت محوری اختلافات و جنگ‌ها را تعدد واحدهای سیاسی و حاکمیت‌های جداگانه‌ی دولت‌ها می‌دانستند. مدافعان این نظریه معتقد بودند که علت اصلی جنگ جهانی اول به علت حاکم بودن نگرش ناسیونالیستی بود که از همبستگی و نزدیکی دولت‌ها و ملت‌ها به یکدیگر ممانعت بعمل می‌آورد. بعد از جنگ جهانی دوم نیز واحدهای سیاسی مجزا از عوامل اختلاف و مناقشات منطقه‌ای و جهانی شناخته شدند. از این رو، مدافعان اندیشه‌ی همگرایی در ایجاد نهادها و سازمان‌های فراملی به اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مساعی لازم بعمل آوردند که در نتیجه‌ی آن، پس از جنگ جهانی دوم، شاهد ده‌ها سازمان منطقه‌ای بودیم که همواره سیر صعودی داشته است.

تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل اصولاً حاصل اندیشه‌ی نخبگان فکری و ایزاری بوده است و تحلیل سیاست بین‌الملل، تا اواسط قرن بیستم، براساس ایستار هابسی یعنی تعارض، ستیزه‌جویی و هرج و مرج جهت کسب هرچه بیش‌تر قدرت و منافع ملی از طریق نظامی‌گری مورد توجه بود. از مدافعان این اندیشه واقع‌گرایانی نظیر مورگنتا، نیبور، جورج کنان و کسینجر قابل ذکر هستند. اما پس از جنگ جهانی دوم شاهد تحول اندیشه‌ها در جهت جهانی

عاری از جنگ و منازعه هستیم. از این رو، دیدگاه‌هایی مربوط به همبستگی، همگرایی منطقه‌ای و جهانی مطرح می‌گردد که عامل محوری ستیزها را حاکمیت‌های جداگانه می‌دانست و خواستار نهادها و سازمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فراملی شدند.^۱

همگرایی از دیدگاه فلسفه‌ی سیاسی

آرمان وحدت منطقه‌ای و قاره‌ای در جهان از دیرباز الهام‌بخش آرمان‌گرایان و جنبش‌های فکری وابسته به آن بوده است. از دوران‌های دور فلاسفه با تکیه بر نظریه‌های اجتماعی منبعث از قانون طبیعت و تعلیمات مذهبی، تشکیل جوامع بزرگ را برای نیل به وحدت نوع بشر ضروری می‌دانستند.

افلاطون (۳۴۸-۴۲۸ ق.م) طبیعت ناتوان انسان را موجد تشکیل جامعه به‌منظور همکاری و رفع نیازهای بشری تلقی می‌کند. شاید الگوی مدینه‌ی فاضله‌ی افلاطون را بتوان روشن‌ترین رابطه‌ی وابستگی متقابل انسان و جامعه و ضرورت ایجاد نظم و وحدت در روابط اجتماعی در مقیاس خرد و کلان آن به‌شمار آورد.

ارسطو (فت، ۳۲۲ ق.م) تعاون و معاضدت انسان‌ها را در جامعه ابتدایی‌ترین و عمیق‌ترین رابطه‌ی اجتماعی و علت اصلی تکوین مدینه و جامعه می‌داند. آگوستین قدیس (۴۲۹-۳۵۴ ق.م) مسأله‌ی وحدت سیاسی را در یک جامعه‌ی مذهبی، که به آن شهر خدا یا مدینه‌ی الهی لقب داده، جست‌وجو می‌کند. او با اشاره به آیین «دو شهر» (شهر خاکی یا دولت روی زمین و شهر آسمانی یا قلمرو و سلطنت خدا)، موضوع وحدت و همگرایی جامعه‌ی بزرگ جهانی را به نوعی به ذهن متبادر می‌کند.

۱ - قوام، عبدالعلی؛ «روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها»؛ صص ۴۹-۴۱.

ابن خلدون (فت ۷۸۵ هـ.ق) معتقد است که بدون همکاری، همبستگی و تعاون، بقای جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود. یعنی بشر و نوع آدمی محکوم به همیاری در جامعه است و یا باید آن را بپذیرد یا مرگ را انتخاب کند.

اندیشمندان سیاسی معاصر که روی موضوع وحدت سیاسی تعمق کرده‌اند، غالباً از اصول بنیادین وظیفه‌گرایی الهام گرفته‌اند. آن‌ها مدعی هستند که با برخورد منطقی و تدریجی و با سعه‌ی صدر می‌توان به آرمان صلح از طریق ایجاد وحدت سیاسی در سطح منطقه یا نواحی جغرافیایی و در نهایت جهان دست پیدا کرد.

از دیدگاه این گروه، اگر بتوان ضرورت همکاری را در فراسوی مسائل سیاسی تبیین کرد، امکان گرایش به سمت یک نوع اتحاد و وحدت فراهم می‌گردد. به عبارت دیگر، نیل به هدف اتحاد سیاسی از طریق تفاهم‌های مقطعی و قراردادهای دوجانبه، اگر هم از نظر حقوقی با اراده‌ی دو یا چند کشور میسر شود، دوام و قوام بایسته را نخواهد داشت، بلکه برای رسیدن به آن مرحله باید از آزمون‌های مقدماتی همکاری متقابل و مشترک در زمینه‌های بسیار ساده و پیش پا افتاده سرفراز بیرون آمده و آن‌گاه به مراحل جدی‌تر همکاری و در نهایت به وحدت سیاسی نایل شود.

وظیفه‌گرایان، در نهایت، بر روی رفتار دوستانه و تعاون بین‌الملل تأکید نموده و جنبه‌های تخاصم و رقابت‌های اختلاف‌انگیز را کنار می‌زنند. آن‌ها به روابط بین‌الملل از دیدگاه سیاست همکاری نظر می‌کنند و عقل و خرد را محور کار خویش قرار می‌دهند و با این شیوه منتظر روزی هستند که حلقه‌های زنجیر همکاری ایجاد شده میان تأسیسات و ملت‌ها از فراسوی مرزهای سیاسی به هم متصل گشته و زمینه‌ی اتحاد و همبستگی دولت‌های ملی فراهم آید.

نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل با اتکا به تجربه‌ی اروپای غربی در ایجاد

جامعه‌ی اقتصادی اروپا، موضوع همبستگی یا همگرایی را گاه به‌عنوان یک فراگرد و گاه به‌عنوان یک محصول نهایی وحدت سیاسی در روابط واحدهای مستقل ملی تعبیر می‌کنند.^۱

ارنست هاس، از دانشگاه کالیفرنیا، معتقد است که همگرایی فراگردی است که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف به این باور تن می‌دهند که نفع آن‌ها در تجمع و وحدت در تأسیس واحد متمرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی می‌گردد. به این صورت که طی این فرآیند رهبران سیاسی کشورهای مختلف متقاعد شوند تا وفاداری و فعالیت‌های سیاسی خود را به سمت مرکز جدیدی سوق دهند که نهادهای آن صلاحیت تصمیم‌گیری فراملی دارند.^۲

از این دیدگاه دولت‌های مستقل با ایجاد روابط و علقه‌های همکاری متقابل و مشترک به‌قدری پیش می‌روند که به‌تدریج مرزهای سیاسی کم‌رنگ می‌شود و بدون آن‌که خلل و خدشه‌ای به حاکمیت و تمامیت کشورها وارد شود، زمینه‌های وحدت تسهیل و فراهم می‌گردد.

از جمله کسانی که به موضوع همگرایی به‌عنوان یک وضعیت یا محصول نهایی نگاه می‌کند، پروفیسور آمیتای اتزیونی از دانشگاه کلمبیاست. به عقیده‌ی وی، یک جامعه‌ی سیاسی تنها هنگامی وحدت دارد که عناصر و ابزار خشونت برای برقراری نظم و کنترل را در اختیار داشته باشد.

این چنین جامعه‌ی دارای یک مرکز تصمیم‌گیری است که منابع و منافع را در سراسر جامعه توزیع می‌کند و برای اکثریت شهروندان آگاه به مسائل سیاسی کانون اصلی هویت سیاسی جامعه به‌حساب می‌آید.

۱ - همان؛ صص ۴۹-۶۱.

۲ - Hass, Ernest B. *Beyond the Nation States*; Stanford: *Stanford University Press*; ۱۹۶۴, p. ۲۹.

از این دیدگاه، فراگرد همگرایی رشته‌های همبستگی بین واحدهای سیاسی را افزایش و استحکام می‌بخشد.

موریس دوورژه نظریه‌ی همگرایی را با دیدگاه خاص مورد توجه قرار داده است. این واژه که تحت عنوان هم‌گونگی ترجمه شده است، از نظر دوورژه عبارت است از فرایند متحد کردن یک جامعه؛ فرایندی که می‌کوشد آن جامعه را هماهنگ سازد و بر نظمی استوار کند که توسط اعضای آن احساس شود. او دو وجه مختلف از هم‌گونگی را تصویر می‌کند؛ یکی منفی و دیگری مثبت. به عقیده‌ی دوورژه متحد کردن یک جامعه بیش از هرچیز موکول به از میان بردن عوامل و تضادهایی است که باعث نفاق، تجزیه و پاشیدگی می‌گردد و بُعد دیگر آن عبارت است از گسترش همبستگی، زیرا فقدان تعارض و اختلاف ضرورتاً ایجاد وحدت و هم‌گونگی نمی‌کند. از جمله روش‌هایی که این نظریه‌پرداز برای دستیابی به هم‌گونگی پیشنهاد می‌کند، عبارتند از: حذف خشونت یا نفی جنگ در روابط داخلی یا بین‌الملل، برقراری سازش از طریق به‌کار بردن شیوه‌های سیاسی و توسل به تکنیک‌های مذاکره و معامله و گسترش همبستگی‌های اجتماعی - روانی.

لئون لیندبرگ، از دانشگاه ویسکانسین آمریکا، با بهره‌گیری از تعریف پروفیسور هاس در کتابی که درباره‌ی جامعه‌ی اقتصادی اروپا نگاشته، واژه‌ی همگرایی را به ترتیب زیر معنی کرده است:^۱

- فراگردی که براساس آن دولت‌ها از اشتیاق و توانایی هدایت سیاست‌های کلیدی داخلی و خارجی به‌صورت مستقل از یکدیگر، انصراف جسته، در عوض کوشش می‌کنند این تصمیمات را به‌صورت مشترک اتخاذ یا به مرکز جدید تصمیم‌گیری واگذار کنند.
- فراگردی که به موجب آن بازیگران سیاسی در قلمروهای متعدد و

مشخص متقاعد می‌گردند که انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به یک مرکزیت جدید احاله نمایند.

کارکردگرایی

اصول اصلی مفهوم کارکردگرایی توسط دیوید میتزانی، در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول و دوم، مخصوصاً در کتاب سیستم کارآمد برای صلح مطرح گردید که در آنجا نیاز به نوعی همکاری در سیستم بین‌المللی را به جای سیستم موجود که موجب اصلی بروز جنگ است، پیشنهاد می‌دهد. کارکردگرایان نظام دولت - ملت را نه تنها برای رفاه بشر ناکارآمد می‌دانند، بلکه آن را برای امنیت بشر خطرناک توصیف می‌کنند. از نظر آینیس کلود حاکمیت‌هایی که نه خود قادرند مسائل اساسی را حل کنند و نه به سایر مراجع مجال حل آن‌ها را می‌دهند باعث از هم گسیختگی وحدت می‌گردند. طرفداران این نظریه معتقدند واحدهای جداگانه ی سیاسی قادر به تأمین خواسته‌ها و نیازهای انسانی در چارچوب بسته ی خود نیستند، زیرا احتیاجات جوامع بشری را باید در ورای مرزهای ملی جست و جو کرد و همین امر، همکاری‌های گسترده‌ای را میان دولت‌های ملی ایجاد می‌کند. در این راستا، بسط سازمان‌های بین‌المللی که منافع ملی را به سطح منافع همگانی و بین‌المللی ارتقا داده و دولت‌ها را از پوسته و مدار بسته ی خود خارج می‌کند، آن‌ها را وارد عرصه ی همکاری‌های برون مرزی نموده و خود عامل عمده‌ای برای کاهش تشنج‌ها و استقرار صلح تلقی می‌شود.^۱

دیوید میتزانی در ارائه ی نظریه ی کارکردگرایی از جایگاه خاصی برخوردار است. از نظر وی، پیچیدگی فزاینده ی نظام‌های حکومتی، وظایف اساساً فنی و غیرسیاسی حکومت‌ها را بسیار افزایش داده است. این وظایف نه

تنها باعث ایجاد نیاز به متخصصان کاملاً کارآزموده در سطح ملی شده‌اند، بلکه در سطح بین‌المللی هم مسائلی اساساً فنی را به وجود آورده‌اند که حل آن‌ها مستلزم همکاری فن‌شناسان و نه نخبگان سیاسی است. از نظر وی، توسعه همکاری در یک حوزه فنی موجب ظهور رفتار مشابهی در سایر حوزه‌ها می‌گردد. بنابراین، وی معتقد به اصل تس‌ری یا اصل انشعاب است؛ یعنی همکاری کارکردی در یک بخش ضرورت همکاری در بخش دیگر را می‌طلبد. برای مثال، تلاش برای ایجاد یک بازار مشترک باعث اعمال فشار برای همکاری بیش‌تر در زمین‌های سیاست‌های مربوط به قیمت‌گذاری، سرمایه‌گذاری، حمل و نقل، بیمه، مالیات، دستمزدها، تأمین اجتماعی، بانکداری و مسائل پولی می‌گردد.

میترانی این روند را «پروبال گرفتن»^۱ نام نهاد. وی معتقد بود هنگامی که حکومت‌ها مزایای این روندها را درمی‌یابند، به توسعه‌ی این روند لفظاً و یا عملاً کمک خواهند کرد. البته وی اذعان داشت که روندهای جدید، دیوار سخت حاکمیت ملی را رخنه‌پذیر کرده است. وی حتی مدعی شد که با آشکار شدن دستاوردهای ناشی از این همکاری، امکان به‌وجود آمدن اتحادیه‌ی سیاسی فراملی نیز هست.^۲

میترانی علت چنین تحولی را ناشی از تغییر قاعده‌ی بازی می‌دانست. به‌نظر وی، وضعیت جدید قاعده‌ی بازی را حاصل جمع جبری صفر به حاصل جمع جبری متغیر یا حتی مثبت تغییر داده است. وی چنین نتیجه می‌گیرد که چنانچه همکاری در حوزه‌ی کارکردی و غیرسیاسی پا بگیرد، در آن‌صورت

۱ - Hass, Ernest B. Beyond the Nation States; Stanford: Stanford University Press; ۱۹۶۴; p. ۲۹.

۲ - سیف‌زاده، احمد؛ «نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری»؛ تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۷۹؛ صص ۳۰۵-۳۰۴.

ستاره‌ی بخت و اقبال صلح بین‌المللی نیز تابان خواهد شد.^۱

نظریه‌ی میترانی بر این فرض استوار بود که فعالیت‌های کارکردی می‌توانند به فعالیت‌های بین‌المللی جهت‌گیری بخشیده و صلح جهانی را تقویت کنند؛ در نهایت، این همکاری به حریم بخش سیاسی دست‌اندازی کرده و حتی آن را می‌بلعد. در واقع، این نظریه به ساختن تدریجی یک جامعه جهانی از طریق توسعه‌ی هرچه بیش‌تر برنامه‌های اقتصادی و همکاری‌های اجتماعی، نه از طریق یکپارچگی سیاسی مستقیم باور دارد. کارکردگرایان به مفهوم تعادل، توجه خاص دارند. از منظر آن‌ها تعادل یک نظام زمانی ایجاد می‌شود که بین فعالیت و کارکرد نظام‌های تابعه‌ی اجتماعی نوعی هماهنگی و همسویی وجود داشته باشد. در صورتی که این هماهنگی وجود داشته باشد، نظام کارآمد و کارکردی است و در صورت بروز ناهماهنگی یا قصور یکی از مؤلفه‌ها در انجام کارکرد، نظام ممکن است دچار ناکارکردی موقتی یا دائمی شود.^۲

با توجه به دیدگاه خاص کارکردگرایی، انتقاداتی نیز به آن‌ها مطرح گردیده که از جمله مهم‌ترین این انتقادات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: وفاداری‌های ملی به سادگی به وفاداری‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی نمی‌انجامد. سطوح گوناگون تحلیل از جمله سطوح روابط، انسجام اقتصادی، فرهنگی، ایدئولوژی، امنیتی و سیاسی قدرت نادیده گرفته شده است. در دنیای واقعی نمی‌توان میان کارکردهای مختلف در فرایند همکاری‌های بین‌المللی جدایی قائل شد. با توجه به پیچیدگی مسائل بین‌المللی، نیازمندی‌های جوامع بین‌المللی یکسان و مشابه نیست. تفاوت در نظام‌های سیاسی به همان اندازه بر

۱ - دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت؛ «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»؛ ترجمه‌ی وحید بزرگی و علیرضا طیب؛ ج. ۲؛ تهران: نشر قومس؛ ۱۳۷۶؛ ص ۶۶۹.

۲ - قوام، عبدالعلی؛ «روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها»؛ ص ۵۳.

درجه‌ی انعطاف‌پذیری یا عدم انعطاف‌پذیری تأثیر می‌گذارد. تفاوت توسعه‌ی شمال و جنوب به‌عنوان عامل بازدارنده‌ی مؤثر این همگرایی قابل ذکر است.

نوکارکردگرایی

از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ با انتقاداتی که از کارکردگرایی و کلاً کارکردگرایی ساختاری بمعمل آمد، نظریه‌ی نوکارکردگرایی در عرصه‌ی اجتماعی مفهوم پیدا کرد. نوکارکردگرایان معتقدند همگرایی فرایندی است که طی آن گروهی از بازیگران (دولت‌ها) تصمیم می‌گیرند که در سطح بین‌المللی تشریک مساعی نمایند تا بتوانند براساس یک سلسله کارکردهای تکنیکی، منافع فردی و دسته‌جمعی خود را تأمین نمایند. از این رو، رسیدن به این هدف‌ها در سایه‌ی اعطای اقتدار بیش‌تر به دستگاه تصمیم‌گیرنده‌ی جمعی و نیز همکاری نزدیک‌تر میان بازیگران سیاسی امکان‌پذیر است.^۱

نوکارکردگرایان معتقدند در انتخاب و حفظ استقلال ملی یا پیروی از یک نهاد فوق ملی، بازیگران سیاسی در جهت تحقق هدف‌ها و تأمین خواسته‌ها و منافع خود اولویت‌گذاری نموده، آن‌گاه از طریق تفویض قدرت تصمیم‌گیری به یک دستگاه فوق ملی جهت دستیابی به اهداف و منافع مشترک خود گام بر می‌دارند. طرفداران این نظریه استدلال می‌کنند، چون در نظام بین‌الملل دشوار می‌توان به اجماع کلی دست یافت، باید این فرآیند را در چارچوب یک سیستم پلورالیستی (کثرت‌گرا) مورد بررسی قرار داد. بدین ترتیب، بر اسلوب‌های چانه‌زنی میان نخبگان سیاسی معتقدند. هاس می‌گوید، در نتیجه‌ی عملگرایی نخبگان بخش‌های خصوصی و دولتی است که همگرایی مفهوم پیدا می‌کند نه به‌لایل هم‌نوایی و نوع دوستی. البته باید دانست که جوهره‌ی نظریه‌ی نوکارکردگرایی برگرفته از نظریه‌ی کارکردگرایی چون دیوید میتزانی است که

ارنست هاس با ایجاد اصلاحات ویژه توانست آن را برای جامعه ی ذغال و فولاد اروپا به‌کار گیرد و افرادی نظیر فیلیپ اشمیتز، لیون لیندبرگ، جوزف نای، رابرت کوهن و لارنس شانینم از آن طرفداری به‌عمل آوردند. هاس معتقد است که همگرایی موجب ایجاد نهادها و فرایندهای تصمیم‌گیری می‌شود که حکومت‌ها اقتدار تصمیم‌گیری خود را به آن‌ها واگذار می‌کنند یا به‌صورت مذاکره به‌صورت مشترک تصمیم‌گیری می‌کنند. هاس برخلاف میترانی معتقد است می‌توان بین حوزه‌های موضوعی فنی با سیاسی یا به‌کلامی دیگر رفاهی یا قدرت نظامی سیاسی تفاوت قائل شد. هاس متغیر مستقل سیاسی خود را در قالب منافع شخصی رهبران نشان می‌دهد. چنانچه رهبران روند همگرایی را نفع خود نبینند از وقوع آن جلوگیری خواهند کرد. این رهبران باید به‌وضوح دریابند که منافی برای آنان و جامعه وجود دارد که صرفاً از طریق پیوستن به جوامع فراملی تأمین می‌شود. در چنین وضعیتی است که رهبران دولت ملی خود را به وفاداری به یک مرجع بالاتر متعهد می‌کنند.^۱ هاس در آثار خود استدلال می‌کند که همکاری مشترک در یک حوزه می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های عمودی یا افقی دیگر بین واحدهای ملی شود. به این ترتیب، هاس همکاری را نتیجه‌ی نوعی تصمیم‌تدریجی و فزاینده می‌داند. هاس با این استدلال که شکل‌گیری همگرایی بین یک گروه از کشورها دیگران را نیز به حرکت مشابهی وادار می‌کند و رقابت ایجادشده به تقویت همگرایی آن‌ها درون خود می‌انجامد، نتیجه می‌گیرد که همگرایی به‌تدریج موجب سیاسی شدن موضوعات فنی هم خواهد شد.^۲

برخی از محققان با الهام گرفتن از آثار هاس و قبل از آن میترانی کوشیدند تا نظریه‌های نوکارکردگرایانه‌ی همگرایی را مورد اصلاح و تنقیح

۱ - سیف‌زاده، احمد؛ «نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری»؛ ص ۳۰۶.

۲ - همان؛ ص ۳۰۸.

قرار دهند. نظیر مدل نوکارکردگرایانه ی جوزف نای که براساس مفاهیم سازوکارهای فرایندی و ظرفیت همگرایی استوار است. چارچوب نظری وی برخلاف هاس یا میترانی از خصلت اروپامحورانه ی کمتری برخوردار است و بر همین اساس، مفهوم پردازی نای به تجزیه و تحلیل شرایط لازم برای همگرایی به خصوص با استفاده از تجارب اروپا و نیز تجارب مناطق غیرغربی معطوف بوده و وی تا حدود زیادی به اصلاح مفاهیم «سیاسی شدن خود به خودی» و «تسری یا پیشروی افقی عمودی» می پردازد.^۱ به نظر وی، تقارن یا برابری اقتصادی واحدها، مکمل بودن ارزش های نخبگان، کثرت گرایی و بالاخره توانایی دولت های عضو برای انطباق خود با نیازهای کارکردی، در چگونگی پیشرفت همگرایی مؤثر است. علاوه بر این که نای سه شرط تصور برابری در توزیع عواید همگرایی با تصور اجبار خارجی و پایین بودن هزینه های ملموس یا امکان انتقال آن هزینه ها به خارج از حلقه ی همگرایی را نیز در تسریع یا کند کردن روند همگرایی مؤثر می داند.^۲

در ادامه، پس از بررسی انواع همگرایی با توجه به توضیح ابعاد همگرایی و دیدگاه های مختلف در این خصوص به بررسی مفاهیمی می پردازیم که به این مفهوم بسیار نزدیکند، به گونه ای که در برخی موارد در جایگاه یکدیگر به کار می روند. «فدرالیسم» و «بین الملل گرایی» به عنوان دو مفهوم پیوسته با همگرایی و «رهیافت ارتباطات» به عنوان رهیافتی همبسته با همگرایی مورد بررسی قرار می گیرند.

۱ - قوام، عبدالعلی؛ «روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها»، ص ۵۳.

۲ - Nye, Joseph S.; *Peace in Parts: Integration and Conflict in Regional Organization*; Boston: Little, Brown Company; ۱۹۷۱, pp. ۸۱-۸۲.

همگرایی سیاسی

مفهوم همگرایی سیاسی به ادغام دو یا چند واحد سیاسی مستقل در یک واحد مستقل جدید اطلاق می‌گردد. نظریه‌پردازان سیاسی در رابطه با مفهوم همگرایی سیاسی دیدگاه‌های مختلفی را ارائه می‌کنند. به طوری که «جاکوب، تیون و تاسکانو» همگرایی سیاسی را بیانگر ارتباط دورنی یک جامعه، حسن هویت و خودآگاهی می‌دانند. بررسی‌های بعمل آمده نشان می‌دهد همگرایی سیاسی بیش‌تر در حکومت‌های فدرالیستی حائز اهمیت است و نمونه ی استنادی آن‌ها اروپای غربی است که پس از ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی وارد مرحله‌ی اتحاد سیاسی شده‌اند. از جمله عواملی که در همگرایی سیاسی تأثیرگذارند عبارتند از: نوع و میزان قدرت حکومت‌ها، نوع و میزان ارتباطات بین واحدهای سیاسی، افکار عمومی و طرز تلقی نخبگان، ملی‌گرایی و نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ.^۱

در گذشته دولت‌ها تنها قاضی مطلق اعمال و نیازهای خویش بودند و حاکمیت مطلقه‌ی خود را با هیچ چیزی عوض نمی‌کردند. ولی تحول در نیازمندی‌های بشری، اندیشه‌ی سنتی را منسوخ نموده است و به تدریج شاهد سیال شدن حاکمیت‌ها و پویایی اندیشه‌ی سیاسی و اقتصادی در روابط بین‌المللی هستیم. امروزه واقعیت جدیدی که در نظام بین‌الملل حاکم است این است که هیچ دولتی به تنهایی قادر به برآورده ساختن تمامی نیازمندی‌های ملت خود نیست؛ اگر ملت‌ها و دولت‌های یک منطقه قادر باشند تحت یک نهاد و سازمانی یکپارچه با یکدیگر همکاری نمایند و روابط و مبادلات مختلف برقرار سازند منافع ویژه‌ای به‌دست خواهند آورد که سابقاً قادر به انجام آن نبودند. این جاست که نظریه‌ی همگرایی مطرح می‌گردد و نظریه‌پردازان مختلف با ارائه‌ی نظریه‌های مختلف به حمایت و بسط آن

۱ - قوام، عبدالعلی؛ «روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها»؛ ص ۵۴.

پرداخته‌اند. نمونه‌ی بارز همگرایی منطقه‌ای، اتحادیه‌ی اروپاست که به یک راهبرد مهم منطقه‌ای در سراسر جهان تبدیل شده است. دولت‌ها براساس اندیشه‌ی عقلانیت برای ارتقاء منافع ملی حاضرند بخشی از حاکمیت خود را به این اتحادیه‌ها و ساختارهای منطقه‌ای تفویض نمایند تا در کل بر گستره‌ی حاکمیت و منافع ملی خود بیفزایند.^۱

بهترین جایگزین برای کشورهای در حال توسعه آگاهی از اهمیت همگرایی و به‌کارگیری آن در قالب همگرایی سیاسی و منطقه‌ای جهت رهایی از شکاف عظیم شمال و جنوب و نیز برای رهایی از تولیدکننده‌ی صرف مواد خام بودن است. عامل مهمی که بر جنبه‌های سیاسی همگرایی می‌افزاید احساس خطر مشترک است. امروزه امنیت ملی فراتر از مرزهای ملی است، چرا که با ظهور انقلاب، ارتباطات دهکده‌ی کوچک جهانی به مرز واقعیت نزدیک‌تر شده است. خطر کاهش لایه‌ی اوزن، خطر آلودگی هوا، افزایش جمعیت و ... همه موضوعاتی است که ضرورت همکاری جهانی را بیش‌تر می‌کند. اما هنوز مسائلی نظیر دولت - ملت، مسائل نژادی، قومی و عقیدتی موجب شکل‌گیری خصومت‌ها می‌گردد و جنگ و مناقشه را در پی دارد. در نیم قرن اخیر گرچه شاهد همگرایی‌های مختلف سیاسی در سطوح بین‌المللی بوده‌ایم، به همان نسبت شاهد درگیری‌ها و بحران‌های منطقه‌ای و جهانی نیز هستیم. نکته‌ی مهم این‌که علاوه بر همگرایی سیاسی، همگرایی در سایر ابعاد نیز قادر است واحدهای سیاسی را به یکدیگر نزدیک کند. به برخی از این موارد در ذیل اشاره می‌شود.^۲

۱ - William Wallace; Regional Integration: the West European Experience (Washington D.C: The Brookings Institution; ۱۹۹۴); p. ۶.

۲ - Ibid.

همگرایی اقتصادی

همگرایی اقتصادی به معنای یکپارچه شدن، یکسان شدن و ادغام اقتصادی چند واحد اقتصادی مختلف است. نظریه‌پردازانی نظیر واینر و مید و لیس‌ریش‌وی همگرایی اقتصادی را در نظریه‌ی اتحادیه‌ی گمرکی مورد توجه قرار می‌دهند. دلیل محوری گرایش دولت‌ها در برداشتن مرزهای سیاسی را بایستی در مسائل و موضوعات اقتصادی جست‌وجو کرد و نیز توسعه‌ی اقتصاد جهانی به آینده‌ی حکومت‌ها و عامه‌ی مردم بستگی دارد؛ برای نمونه، گرایش همگرایی اقتصادی در نیم‌قرن اخیر را در اتحادیه‌ی اروپا، توافق‌نامه‌ی نفتا (آمریکا، کانادا و مکزیک)، جنوب شرق آسیا مثلث رشد سنگاپور، اندونزی و مالزی، آ.سه.آن و سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در جنوب غرب آسیا مشاهده کرد.

از جمله متغیرهایی که در روند همگرایی اقتصادی مورد توجه است، عبارتند از: سطح اشتغال، موازنه‌ی پرداخت‌ها، ساختار صنعتی، توزیع درآمد، توان اقتصادی و قدرت اقتصادی در مذاکرات تجاری از یک طرف و حمایت دولتی و نحوه‌ی ارتباطات اقتصادی از طرف دیگر.^۱

همگرایی اجتماعی

میزان و نوع همبستگی اجتماعی و انسجام سیستمی از عناصر مهم قدرت بحساب می‌آیند و به‌کارگیری و توسعه‌ی این عامل محوری در روند همگرایی از اهمیت چشمگیری برخوردار هستند.

۱ - Jamel Zarrouk; 'A Survey of Barriers to Trade and Investment in Arab Countries'; in B. Hoekman and P. Messerlin; *Harnessing Trade for Development in the Middle East and North Africa*; (New York: Council for Foreign Relations); ۲۰۰۰; pp.۱-۵.

از نظر نای و کوهن انتقال عقاید و نظرات جوامع مختلف از طریق رشد و توسعه‌ی ارتباطات بسیار حائز اهمیت است. از طرفی، توسعه‌ی فناوری و دانش فنی توانسته این تبادل اطلاعات و داده‌ها را از فرهنگی به فرهنگ دیگر تسریع بخشد. شیوه‌های ارتباطات اجتماعی جهت رسیدن به همگرایی اجتماعی می‌تواند از طرق مختلفی نظیر تجارت، خطوط ارتباطات پستی، جهانگردی و ... صورت گیرد.

عواملی که موجب می‌گردد جنبه‌ی اجتماعی همگرایی تقویت یا تضعیف گردد عبارتند از:^۱

۱ - ایدئولوژی، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک

۲ - تلویخ، زبان و فرهنگ

۳ - یکپارچگی نژادی

بنابراین، میزان همبستگی اجتماعی و یکپارچگی موجب افزایش ظرفیت و کارآمدی همگرایی و فقدان همبستگی اجتماعی به همان نسبت منجر به واگرایی و ناکارآمدی سیستم همگرایی می‌گردد.

از جمله مفاهیم مرتبط با مفهوم همگرایی در علم روابط بین‌الملل مفاهیم فدرالیسم و فراملی‌گرایی است و نیز اجتماع امنیتی و هویت مشترک به عنوان مبنایی برای همگرایی از دیگر مفاهیم پیوسته با همگرایی است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

فدرالیسم

هرگامی که دو یا چند دولت مستقل تصمیم می‌گیرند با یکدیگر ترکیب شوند و با تشکیل دولت جدید بخشی از حاکمیت خود را به آن واگذار کنند یا هنگامی که واحدهای اداری در تقسیمات کشوری حکومت متمرکز موافقت

مرکز را برای اعطای خودمختاری به‌دست آورند، یک حکومت فدرال به‌وجود می‌آید. روند نخست به یکپارچگی و روند دوم به تجزیه معروف است. بنا به تعریف گارنر، حکومت فدرال تنها حکومتی است که در آن حاکمیت یا قدرت سیاسی میان حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی به نحوی تقسیم شده که هریک از آن‌ها در حوزه‌ی خود مستقل از دیگری است، و از طریق یک پیمان بین اعضا ادامه‌ی حیات می‌دهد.^۱

البته کشورها با ورود به این پیمان به‌طور قطع بخشی از استقلال خود را از دست می‌دهند. واحدهای محلی عضو فدراسیون تنها آن بخش از اختیاراتی که در قانون اساسی معین شده است را حفظ می‌کنند. پس از تشکیل فدراسیون، حکومت مرکزی و واحدهای عضو باید اقتدارشان را در انطباق با مفاد مندرج در قانون اساسی اعمال کنند و حکومت محلی نمی‌تواند در مقابل مجازات حکومت مرکزی مقابله کند.

از لحاظ تاریخی، فدرالیسم از قرن ۱۷ در اروپا و پس از هر جنگ و کشمکش خصمانه برای پیشگیری از هرگونه خصومت جدید پا به عرصه گذاشته است. در مقطع جنگ جهانی دوم، همگرایی اروپا براساس رهیافت فدرالیسم مبتنی بوده و عامل اصلی جنگ را ناسیونالیسم می‌دانست. فدرالیسم اروپایی همانند فدرالیسم جهانی محصول سنت ایده‌ی ایسم بود. لذا هدف همگرایی در اروپا را تعهد ایدئولوژیک به وحدت اروپا می‌دانست. از این رو، به‌دنبال کنفرانس‌های مختلف در اروپا از جمله کنفرانس‌های لاهه این رهیافت از سوی فدرالیست‌های اروپا مورد توجه جدی قرار گرفت و مبنای طرح ایجاد جامعه‌ی فدرال اروپایی شد.^۲

۱ - همان؛ ص ۵۴.

۲ - Alan Winters; 'What Can European Experience: Teach Developing Countries About Integration?' *The World Economy* ۲۰; ۱۹۹۷; pp. ۸۸۹-۹۱۲.

فدرالیست‌ها برای حل مسائل اقتصادی اقدامات سیاسی را در اولویت قرار می‌دهند و معتقدند نیل به جامعه‌ی سیاسی در سطح فوق ملی باید براساس یک قانون اساسی صورت گیرد. از این رو، نیاز به ابزارها و سازوکارهایی از قبیل: مؤسسه‌های نظامی، پلیس و یک سیستم حقوقی مشترک برای متحد ساختن فرهنگ‌ها و زبان‌هایی که در واحدهای جداگانه زندگی می‌کنند، وجود دارد. بنابراین، از این طریق جهت‌گیری‌های مشترک و احساس جمعی و اجتماعی مشترک به وجود می‌آید و با اشکال مختلف نهادهای اداری و نمایندگی، تقسیم قدرت در سطح فدرال، ملی و محلی به وجود می‌آید که در نتیجه به حکومت مشترک و کارآمدی منتهی می‌گردد. بسیاری از اندیشمندان رهیافت فدرالیسم به علت به کارگیری قوه‌ی قهریه مورد انتقاد قرار گرفته اند و اساساً آن را منطبق با رهیافت همگرایی نمی‌دانند. چراکه با توجه به نمونه‌های تاریخی که ذکر می‌کنند، فدرالیسم را عامل امپراتوری و توسعه طلبی می‌دانند. در حالی که مدافعان این رهیافت آن را به عنوان عامل صلح و ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ارزیابی می‌کنند.^۱

فراملی‌گرایی

فراملی‌گرایی^۲ از جمله تقریرات لیبرال از همگرایی در عرصه‌ی روابط متحول بین‌المللی است. فراملی‌گرایی برخلاف دیدگاه سنتی در روابط بین‌الملل که دولت‌ها را کنشگران اصلی عرصه‌ی بین‌الملل می‌داند، بر روابطی وری روابط دولت‌ها و میان کنشگرانی غیر از دولت‌ها تأکید دارد که بر کنشگران دولتی و روابط میان آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارند. یکی از نخستین آثار در روابط

۱ - Hurrell, Andrew; "Explaining the resurgence of regionalism in world politics" *Review of International Studies* ۲۱; no. ۴ (۱۹۹۵); pp. ۳۳۱-۳۵۸.

۲ - Transnationalism

بین‌الملل که بر شکل‌گیری تحولات بنیادین در نظام بین‌الملل به واسطه‌ی تغییر در کنشگران و اهمیت نسبی آن‌ها و فرایندهای روابط بین‌الملل تأکید داشت، نخستین کتاب مشترک رابرت کیون و جوزف نای با عنوان روابط فراملی و سیاست جهانی بود. در این کتاب ویراستاران و اکثر نویسندگان بر اهمیت کنشگران غیردولتی مانند شرکت‌های چندملیتی و روابط میان آن‌ها در سطح فراملی، نقش گروه‌های انقلابی، اهمیت روابط اقتصادی در تعاملات جهانی و تحول جهان تأکید می‌کنند.^۱

این برداشت چالشی علیه یکی از مفروضه‌های اصلی رشته‌ی روابط بین‌الملل یعنی کنشگری انحصاری دولت‌ها و کنترل آن‌ها بر سیاست جهانی بود. استدلال اصلی این کتاب این بود که دولت‌ها کنترل خود را بر رویدادها کم و بیش از دست می‌دهند. درست است که دولت‌ها هم‌چنان حاکمیت حقوقی خود را حفظ می‌کنند، اما خودمختاری خود را از دست می‌دهند و کنشگران مختلف در حوزه‌های موضوعی مختلف به اشکال متفاوتی خوشه‌بندی می‌شوند و در ارتباط با یکدیگر و دولت‌ها قرار می‌گیرند.^۲

بدین ترتیب، می‌توان بین‌الملل‌گرایی را اشاره به نوعی تمرکزگرایی جدید یا تجمع فوق ملی دانست که به صورت حد واسطی بین دولت ملی و بازیگران جهانی عمل می‌کند.^۳ این به معنای طیف وسیعی از پدیده‌های فراملی است که از شرکت‌های چندملیتی تا جنبش‌های انقلابی، اتحادیه‌های صنفی و شبکه‌های علمی، کارتل‌های حمل و نقل هوایی و فعالیت‌های ارتباطی در موآرای جو را در بر می‌گیرد. در برخی از موارد، سازمان‌های کاملاً داخلی می‌توانند فعالیت‌های فراملی داشته باشند، یعنی در بخشی از مبادلات جهانی، اعم از

۱ - مشیرزاده، حمیرا؛ «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»؛ ص ۳۲.

۲ - همان؛ صص ۳۳-۳۲.

۳ - سیف‌زاده، احمد؛ «نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری»؛ ص ۳۲۱.

ارتباطات، تحرک افراد، اشیاء و سرمایه فعالیت کنند.

به‌زعم کوهن و نای این مبادلات و سازمان‌ها می‌توانند پنج تأثیر اصلی داشته باشند که پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیمی بر حساسیت متقابل و از طریق آن بر سیاست میان دولت‌ها خواهند داشت.^۱

۱ - تغییرات نگرشی: ^۲ تعاملات بین کشورهای مختلف می‌تواند باعث تغییر در افکار و برداشت‌های نخبگان و غیرنخبگان شود.

سازمان‌های فراملی نیز با شکل دادن به «اسطوره‌ها، نمادها و هنجارهای جدید» ممکن است باعث ترویج نگرش‌هایی نوین شوند.

۲ - پیشبرد کثرت‌گرایی ^۳ بین‌المللی: منظور از آن پیوندهای میان گروه‌های ذی‌نفع ملی در ساختارهای فراملی است که معمولاً همراه با شکل دادن به سازمان‌هایی فراملی است که برای ایجاد هماهنگی تشکیل می‌شوند.

۳ - ایجاد وابستگی و وابستگی متقابل: این امر معمولاً در پیوند با حمل و نقل و مالیه‌ی بین‌المللی است. وابستگی هنگامی به سیاست ترجمه می‌شود که حکومت‌ها به دلیل بالا رفتن هزینه‌ی برخی از سیاست‌های خاص ناگزیرند سیاست‌های دیگری اتخاذ کنند. به‌عنوان نمونه، با پیوستن به نظام پولی بین‌المللی برای یک دولت دشوار خواهد بود که بتواند یک سیاست کاملاً مستقل پولی در پیش گیرد.

۴ - ایجاد ابزارهای جدید تأثیرگذاری: با توجه به روابط فراملی، دولت‌ها می‌توانند از این ابزارها برای نیل به اهداف سیاسی خود استفاده کنند؛ از استفاده از جهانگردان برای مقاصد جاسوسی تا هدایت مبادلات

تجاری بر اساس منافع خودشان. در نتیجه، با وابسته شدن دولت‌ها به یکدیگر برخی از دولت‌ها می‌توانند از ابزارهای جدید بیش‌تری برای تأثیر گذاشتن بر دیگران استفاده کنند.^۱

۵ - ظهور کنشگران جدید خودمختار یا شبه‌خودمختار در سیاست جهانی: سازمان‌های فراملی می‌توانند به‌عنوان کنشگران جدید در کنار دولت‌ها عمل کنند. این‌ها می‌توانند اتحادیه‌های صنفی، جنبش‌های انقلابی، شرکت‌های چندملیتی، کلیساها و غیره را دربرگیرند. دو مورد نخست مذکور در فوق شبیه به آثار مورد توجه نظریه‌پردازان همگرایی منطقه‌ای از جمله کارکردگرایان و نظریه‌پردازان ارتباطات است. اما کیون و نای نیز مانند آن‌ها نقش کنشگران دولتی را کلاً نادیده نمی‌گیرند و «منکر آن نیستند که حکومت‌ها هم‌چنان مهم‌ترین بازیگران بازی‌اند». در عین حال آن‌ها بر لزوم رها کردن پارادایم دولت‌محور (state-centric) در روابط بین‌الملل تأکید دارند. در این‌جا ما با مفهومی متفاوت از برداشت سنتی دولت‌محور و نهادی از سیاست روبه‌رو هستیم که در آن بر روابطی تأکید می‌شود که در آن‌ها «حداقل یک کنشگر آگاهانه از منابع، اعم از منابع مادی و نمادین، از جمله تهدید یا اعمال مجازات، استفاده می‌کند تا کنشگران دیگر را وادار کند رفتاری متفاوت با زمانی که چنین فشاری بر آن‌ها وجود نداشت، داشته باشند». بنابراین، کنشگران سیاسی جهانی نیز کسانی خواهند بود که کنترل منابعی را در اختیار دارند و با سایر کنشگران در ورای حدود دولت‌ها دارای روابط سیاسی‌اند.^۲

فرگوسن و منزباخ به‌عنوان اصلی‌ترین ادامه‌دهندگان نظریه‌ی

۱ - Keohane R. and Nye; Transnational Relation and World Politics; ۱۹۷۳; xxvi (Intrudation).

۲ - Ibid.

فراملی‌گرایی بر فرارسیدن عصر پسابین‌الملل^۱ تأکید دارند، یعنی ما از عصر روابط میان‌دولتی گذر می‌کنیم و به دورانی جدید می‌رسیم: «جوهری جهان جهانی‌ساز^۲ عبارت است از مرزهای سیاسی نفوذپذیر، کاهش اهمیت مرزهای فیزیکی و خودمختاری فزاینده‌ی واحدهای غیرحاکم». به‌نظر منزباخ، توجه نظریه‌پردازان به سرزمین مانع از دیدن تحولات جدید در سیاست جهانی شده است. اجتماعات سیاسی در جهان جدید متعدد، متنوع و متداخلند و مراکز هویت دهنده مراجعی غیر از دولت‌ها هستند.^۳

در جهان پسابین‌الملل طیفی وسیع از جوامع سیاسی وجود دارند که وجود هویت‌های متفاوت را منعکس می‌سازند و هر یک در حوزه‌ای خاص دارای اقتدار هستند. گروه‌های تروریستی، شرکت‌های چندملیتی و گروه‌های بشردوست از جمله کنشگران این جهان جدیدند که موقعیت انحصاری دولت‌ها را در نظام بین‌الملل از میان برده‌اند. آنچه از نظر فرگوسن و منزباخ مورد توجه است (و کیون و نای کم‌تر بر آن تأکید داشتند)، ظهور هویت‌های جدید است. هویت‌هایی چون هویت دینی جایگزین هویت شهروندی عصر بین‌الملل می‌شود. شهروندی (یعنی تابعیت دولتی خاص) دیگر تعیین‌کننده‌ی این‌که «ما» از نظر سیاسی چگونه تعریف می‌شود، نیست.^۴

رهیافت ارتباطات، همگرایی بر مبنای اجتماع امنیتی و هویت مشترک

کارل دویچ بیش از سایر نظریه‌پردازان معطوف به همگرایی، به استفاده از مفهوم ارتباطات پرداخته است. رهیافت ارتباطات کارل دویچ به ایجاد یک

۱ - Postinternational

۲ - Globalizing

۳ - مشیرزاده؛ حمیرا؛ «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»؛ ص ۳۵.

۴ - همان؛ ص ۳۶.

«جامعه‌ی امن» معطوف است. در این جامعه تفکر جنگ یکی علیه دیگری رخت برمی‌بندد و با ارتباطات میان ملت‌ها شاهد جامعه‌ای صلح‌آمیز خواهیم بود و متعاقب آن موجب می‌گردد افراد یک جامعه با همدیگر فکر کنند، بنگرند و عمل نمایند. لذا هر اندازه میزان و حجم مبادلات بین واحدهای عضو بیش‌تر باشد، به همان اندازه درجه‌ی همگرایی میان آن‌ها افزوده می‌شود. این گروه علاوه بر میزان مبادلات، بر کیفیت مبادلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان واحدهای گوناگون نیز تأکید دارند. از آنجایی که در سیاست بین‌المللی واحدهای سیاسی در کنش متقابل با یکدیگر به سر می‌برند، به طور طبیعی ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی هر یک در همسویی یا واگرایی آن‌ها نسبت به هم مؤثر است. بدین ترتیب، در فرایند همگرایی باید به درجه‌ی همبستگی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توجه داشت. وضعیت مطلوب نقطه‌ای است که میان پاسخگوی متقابل و مبادلات، نوعی توازن و هماهنگی به وجود آید. با توجه به موارد فوق، انتقاداتی نیز به‌این رهیافت وارد شده است؛ برای نمونه، افزایش میزان و حجم مبادلات بین واحدهای سیاسی لزوم آ به معنای برخورداری از سطح بالای همگرایی نیست، مثل اتحاد میان مصر و سوریه در سال ۱۹۵۸ که پس از گذشت سه سال منجر به اختلاف و واگرایی شد.^۱ دویچ رابطه‌ی ارتباطات با همگرایی سیاسی جوامع را مورد توجه قرار می‌دهد، اما می‌توان آن را در حوزه‌ی همگرایی اقتصادی جوامع نیز به‌کار گرفت. دویچ از منظر تجربی و علمی به همگرایی در سطوح مختلف می‌نگرد. نقطه‌ی عزیمت دویچ این است که شاخصه‌ی همه‌ی اجتماعات میان‌اشخاص، وجود حجم چشم‌گیری از مبادلات میان آن‌هاست. دویچ، در دهه‌ی ۱۹۵۰، تحقیقی در دانشگاه برینستون انجام داد با این هدف که دریابد چگونه امکان دارد جامعه‌ای همبسته و وسیع‌تر از جامعه‌ی ملی به‌وجود بیاید. استدلال اصلی او

این بود که با تراکم بیش‌تر مبادلات اجتماعی در میان افراد در دوره‌های طولانی مدت، اجتماعات جدیدی شکل می‌گیرد که سرانجام می‌تواند به خلق یک ابردولت^۱ با نهادهای متمرکز منجر شود. به بیان دیگر، او به این موضوع می‌پردازد که چگونه ممکن است اجتماع سیاسی در مقیاسی وسیع گسترش یابد و چندین اجتماع کوچک را، که حتی تخصیص بالقوه‌ای نیز دارند (دولت‌ها و مردم)، در درون اجتماع سیاسی وسیع‌تری که جنگ در آن حذف می‌شود، دربرگیرد. منظور از اجتماع سیاسی «مجموعه‌ای از افراد یا گروه‌ها مانند دولت‌ها» است که «تناسب متقابل رفتار آن‌ها برای تصمیم‌گیری سیاسی، پیوند آن را به وجود می‌آورند». در میان اجتماعات سیاسی، اجتماعاتی که در آن‌ها جنگ از روابط حذف می‌شود، اجتماع امنیتی^۲ نام دارند که به‌طور خاص قانون توجه دویچ را تشکیل می‌دهند. این‌گونه اجتماعات امنیتی در درون دولت‌ها وجود دارند. مثلاً در درون بریتانیا، مردمان و اقوام مختلفی گرد آمده‌اند که در روابط میان خود به جنگ متوسل نمی‌شوند یا در میان کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی نیز جنگ از روابط حذف شده است. در این‌جا آستانه‌ای وجود دارد که با گذار از آن جنگ میان واحدهای سیاسی ناممکن می‌نماید و برای آن هیچ پیش‌بینی و تدارکی صورت نمی‌گیرد. به‌نظر دویچ می‌توان گذر از این آستانه و شکل‌گیری اجتماع امنیتی را همگرایی نامید.^۳

همان‌گونه که در مثال‌های بحث فوق می‌بینیم، دویچ به دو نوع اجتماع امنیتی اشاره دارد: اجتماع امنیتی ادغام‌شده^۴ و اجتماع امنیتی کثرت‌گرا.^۵ در

۱ - Superstate

۲ - Security Community

۳ - همان؛ صص ۴۳-۴۲.

۴ - Amalgamated Security Community

۵ - Pluralistic Security Community

اجتماع امنیتی ادغام شده مانند بریتانیا یا ایالات متحده یا هر کشور دیگری که در آن همگرایی در حدی معقول صورت گرفته باشد ما با یک حکومت واحد و حاکمیتی واحد مواجه‌ایم.

در اجتماع امنیتی کثرت‌گرا مانند روابط ایالات متحده و کانادا یا نروژ و سوئد چندین حکومت با دولت‌های حاکم وجود دارند و ادغامی صورت نگرفته است.^۱

دوپیچ و همکاران وی چند شرط را برای شکل‌گیری یک اجتماع امنیتی ادغام‌شده یا همگرایی ضروری می‌دانند:

- ۱ - سازگاری متقابل ارزش‌های اصلی مربوط به رفتار سیاسی [مانند دموکراسی، حقوق بشر و ...]؛
- ۲ - وجود نوعی شیوه‌ی زندگی متمایز و جذاب [مثلاً سبک زندگی غربی، آسیایی، اسلامی و ...]؛
- ۳ - پیش‌بینی یا انتظار دستیابی به پاداش / های مشترک یا پیوندهای اقتصادی پرسود قبل از تحمل فشارهای ناشی از ادغام؛
- ۴ - افزایش چشم‌گیر در توانایی‌های سیاسی و اداری در حداقل برخی از واحدهای شرکت‌کننده؛
- ۵ - برتری رشد اقتصادی برخی از واحدهای شرکت‌کننده به نسبت سرزمین‌های مجاور، و پیدایش نوعی نواحی مرکزی که نواحی ضعیف‌تر پیرامون آن‌ها جمع شوند؛
- ۶ - وجود نوعی پیوندهای ناگسستنی و مهم در ارتباطات اجتماعی و رای مرزهای مشترک سرزمین‌هایی که قرار است همگرایی میان آن‌ها صورت گیرد و رای برخی از قشرهای اصلی اجتماعی در درون آن‌ها؛

۱ - دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت؛ «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»؛ ترجمه‌ی وحید بزرگی و علیرضا طیب؛ ج. ۲؛ تهران: نشر قومس؛ ۱۳۷۲؛ ص ۶۷۲.

- ۷ - افزایش یافتن نخبگان سیاسی در درون حداقل برخی از واحدهای سیاسی و برای کل اجتماع بزرگتر؛
- ۸ - تحرک نسبتاً بالای جغرافیایی و اجتماعی اشخاص، حداقل در میان قشرهایی که از نظر سیاسی اهمیت دارند؛
- ۹ - تعدد دامنه‌ی جریان ارتباطات و مبادلات متقابل؛
- ۱۰ - متقابل بودن پاداش‌ها در جریان‌ات ارتباطی و مبادلاتی میان واحدهایی که قرار است به همگرایی دست یابند؛
- ۱۱ - بسامد بالای تغییر در نقش‌های گروه‌ها در میان واحدهای سیاسی؛
- ۱۲ - قابلیت پیش‌بینی‌پذیری متقابل رفتارها.^۱
- لازم به ذکر است همگرایی با توجه به اهمیت آن می‌تواند درجات مختلفی از قبیل مشترک المنافع، کنفدراسیون، فدراسیون و اتحاد داشته باشد. همان‌طور که عوامل و انگیزه‌های گوناگونی سبب توسعه‌ی همکاری و برقراری اتحاد میان واحدهای سیاسی متفاوت می‌شوند، عوامل مختلفی نیز در واگرایی و ایجاد تعارضات میان دولت‌ها م‌ؤثرند که طی آن به جای ترغیب واحدهای سیاسی به همکاری و مساعی در عرصه‌ی سیاست بین الملل، آن‌ها را از یکدیگر دور ساخته و زمینه‌های بحران و جنگ را فراهم می‌کند. از لحاظ سطح تحلیل تعارض، می‌توان متغیرهای گوناگونی را در نظر گرفت. این متغیرها عبارتند از: عوامل انسانی و روانی، اجتماعی، واحدهای سیاسی، نظام بین‌المللی و متغیرهای اجتماعی بین‌المللی.
- گاهی فرایند همگرایی و واگرایی در یک منطقه به‌طور هم‌زمان صورت می‌گیرد که در این فرایند برخی دولت‌ها با یکدیگر نزدیک می‌شوند. نمونه‌ی این فرآیند در چارچوب جامعه‌ی اروپا قابل مشاهده است. اما بسیاری از دولت‌ها در یک فرایند واگرایی داخلی قرار می‌گیرند؛ برای نمونه، استقلال‌طلبی

اسکاتلند و فلاندر در اروپای همگرا قابل ذکر است. همان‌گونه که از ملاحظه‌ی نظریات مهم همگرایی دریافت می‌شود، در ایجاد و شکل‌گیری همگرایی میان دولت‌ها، عوامل و متغیرهای مستقل متفاوت و متعددی دخیل هستند. از زمینه‌های شناختی و هویتی گرفته تا زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی و امنیتی. فهم و ایجاد عناصر مؤثر در همگرایی میان کشورهای اسلامی در هر یک از حوزه‌ها و قلمروهای موضوعی مذکور مستلزم شکل‌گیری کارگروه‌های مطالعاتی زبده و کارشناسی است. طرح موضوع همگرایی در هر یک از کارگروه‌ها سبب می‌شود نسبت به فرصت‌ها و تهدیدها از یک‌سو و نقاط قوت و ضعف همگرایی از سوی دیگر، شناخت صحیح و دقیقی به‌دست آید و متناسب با آن شناخت راه‌حل‌ها و سناریوهای نزدیک به‌واقع برای شکل‌بخشی به‌رخدادهای آینده‌ی جهان اسلام طراحی شود. در فصل بعد ضمن شناسایی عوامل واگرایی و همگرایی در جهان اسلام تلاش شده است سناریوهای متناسب در هر یک از حوزه‌های مرتبط با این مطالعه ارائه شود. اما پیش از ورود به این مباحث، در ادامه بسترها و عوامل موجود در جهان اسلام که مقوم همگرایی‌اند و بالعکس عواملی که منجر به واگرایی در جهان اسلام می‌شود مورد شناسایی و بررسی قرار می‌گیرند.

عوامل مؤثر در ایجاد همگرایی

بر این اساس کشورهای اسلامی با توجه به نقش عوامل دینی و فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی مؤثر در ایجاد همگرایی اقدام به تأسیس سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نموده‌اند که این عوامل در ادامه به تفکیک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

الف) عوامل دینی و فرهنگی

وجود ارزش‌های مشترک در میان کشورها، امکان دست‌یافتن به یک توافق عمومی، همبستگی و پیوند را افزایش می‌دهد. این اتفاق نظر، مشروعیت فعالیت سازمان‌ها و نهادهای فراملی را افزایش داده و باعث می‌شود تا واحدهای ملی از آن تبعیت کنند و هرگز احساس نمایند که هویت ملی خود را بر اثر همگرایی از دست می‌دهند.^۱

در این زمینه، دین اسلام به‌عنوان مهم‌ترین عامل مشترک، ارتباط کشورهای اسلامی را تسهیل می‌نماید. به‌ویژه آن‌که براساس تعالیم اسلام همه‌ی مسلمانان به‌عنوان امتی واحد شناخته می‌شوند. این امر بستر مناسبی را از لحاظ فکری جهت همبستگی و همگرایی میان کشورهای اسلامی فراهم می‌آورد، هرچند که برداشت‌ها و تفاسیر گوناگون از اسلام ممکن است به‌عنوان یک عامل واگرا عمل کند، آموزه‌های بنیادین اسلام، که همه‌ی مسلمانان جهان به آن اعتقاد راسخ دارند، تأکید ویژه‌ای بر وحدت مسلمانان می‌نماید. در حقیقت، اسلام به‌عنوان یک دین جهان‌شمول سعی در ایجاد همگرایی و همبستگی میان همه‌ی نژادها و اقوام دارد تا تمامی مسلمانان را بدون توجه به نژاد یا زبان به‌صورت یک ملت واحد در آورد. بسیاری از تکالیف اسلام همانند وجوب رو به کعبه ایستادن در هنگام نماز، مراسم حج، روزه گرفتن در ماه رمضان و... نقش وحدت‌بخش اسلام را مورد تأکید قرار می‌دهد.^۲

علاوه بر این، ارزش‌های مشترک، تمدن گذشته و تجارب تاریخی، سرنوشت کمابیش مشترک مسلمانان و مواردی از این دست می‌تواند فراتر از تفاوت‌های نژادی، قبیله‌ای و ... از جمله موارد ایجاد وحدت و همبستگی در

۱ - دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت؛ «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»؛ ص ۶۶۶.

۲ - درایسدل، آلان و اچ. بلیک، جرال؛ «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»؛ صص

کل جهان اسلام محسوب شود.^۱

ب) عوامل سیاسی

در روابط بین‌الملل، وجود یک یا چند قدرت رقیب یا تهدیدکننده می‌تواند به‌عنوان عامل همبستگی و همگرایی میان کشورهای در معرض تهدید عمل نماید.^۲ سیاست‌های سلطه‌جویانه‌ی آمریکا به‌عنوان تنها ابرقدرت باقی‌مانده از جنگ سرد و مجبور کردن کشورها به اجرای طرح‌هایی هم‌چون طرح خاورمیانه‌ی بزرگ و پایمال نمودن حاکمیت و حقوق مسلمانان در کشورهای هم‌چون فلسطین، افغانستان و عراق بیش از پیش موجب می‌گردد کشورهای مسلمان ضرورت وحدت و همگرایی میان خود را احساس نمایند و آن‌ها را بر این امر واقف کند که به تنهایی قادر به مقابله با سیاست‌های آمریکا و برخی کشورهای قدرتمند غربی نیستند. لذا بایستی به هنگام اتخاذ مواضع سیاسی، یکپارچه و به‌دور از افتراق عمل نمایند. در این راستا، افکار عمومی جهان اسلام نیز کمک مؤثری به ایجاد وحدت و همگرایی در میان دولت‌های اسلامی می‌کند. آنچه تهدید قدرت‌های جهانی را بیش‌تر واقعی می‌کند حمایت بی‌شائبه‌ی آن‌ها از اسرائیل است. در حقیقت، فجایی که در فلسطین اشغالی توسط اسرائیل و با حمایت غرب و به‌ویژه آمریکا صورت می‌گیرد، به‌همراه گسترش ملاحظات غرب در امور جهان اسلام می‌تواند به‌عنوان یک عامل ناامنی و تهدیدکننده برای کشورهای اسلامی تلقی شود و روند همگرایی میان کشورهای اسلامی را سرعت ببخشد.^۳

۱ - همان؛ ص ۳۱۰.

۲ - دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت؛ «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»؛ ص ۶۶۵.

۳ - یوسفی، محمد علی و یوسفی جویباری، محمد؛ «همگرایی در میان کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس: بررسی زمینه‌های موجود»؛ فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه؛ سال نهم؛ شماره‌ی ۲؛

علاوه بر این، نیاز کشورهای اسلامی به اتخاذ مواضع مشترک درباره‌ی مسائل مبتلابه بین‌المللی، تأمین منافع مسلمانان در مجامع جهانی و افزایش هماهنگی جهان اسلام به هنگام بروز بحران‌های گوناگون، ضرورت همگرایی کشورهای اسلامی را بیش‌تر و دولت‌های اسلامی و مسلمانان را به تلاش مستمر به منظور اتحاد بیش‌تر ترغیب می‌کند.

ج) عوامل جغرافیایی

در حال حاضر، کشورهای اسلامی در سرزمین وسیعی با ۱۱ هزار کیلومتر طول و ۵ هزار کیلومتر عرض واقع شده‌اند.^۱ این وضعیت باعث شده بسیاری از کشورهای اسلامی از نظر جغرافیایی در مجاورت یکدیگر قرار گرفته و دارای مرز مشترک و مبادلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... باشند. این امر پتانسیل مهم و بستر مناسبی برای وحدت و همگرایی به حساب می‌آید. از نظر جغرافیایی، بیش‌ترین گسترش جهان اسلام در دو قاره‌ی آسیا و آفریقا قرار دارد و بقیه‌ی کشورهای اسلامی نیز در دو قاره‌ی اروپا و آمریکا واقع شده‌اند.^۲

از نظر ژئوپلیتیکی، جهان اسلام مشتمل بر سه بخش است: اول، مرکز جهان اسلام که در خاورمیانه قرار دارد و نقش مواصلاتی و ارتباطی را میان جهان اسلام ایفا می‌نماید. دوم، غرب جهان اسلام که از کانال سوئز آغاز می‌شود و دربرگیرنده‌ی کشورهای مسلمان قاره‌ی آفریقا است؛ ویژگی مهم این بخش جهان اسلام، وحدت سرزمینی آن است. سوم، شرق جهان اسلام که از

تابستان ۱۳۸۱؛ صص ۱۸۰-۱۴۳.

۱ - عزتی، عزت‌الله؛ «ژئوپلیتیک»؛ ص ۱۶۳.

۲ - مستوفی‌الممالک، رضابین؛ «جهان اسلام و نحوه‌ی توزیع سرزمین‌ها و جمعیت اسلامی»؛ فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء؛ شماره ۴۳.

مرزهای شرقی ایران آغاز می‌شود و مسلمانان آسیای مرکزی، هند و جنوب شرق آسیا را در برمی‌گیرد. در یک رتبه‌بندی از لحاظ اهمیت ژئوپلیتیکی، مرکز جهان اسلام در رتبه‌ی اول، غرب جهان اسلام در رتبه‌ی دوم و شرق جهان اسلام در رتبه‌ی سوم اهمیت قرار دارد. علاوه بر این، اغلب کشورهای اسلامی مناطق حساس ژئوپلیتیکی همانند راه‌های ارتباطی، تنگه‌های آبی، خلیج‌ها و دریا‌های مهم جهان را در کنترل دارند.

تنگه‌های داردافل و بسفر، کانال سوئز، باب‌المندب، تنگه‌ی هرمز، تنگه‌ی مالاکا و تنگه‌ی جبل‌الطارق، خلیج‌فارس، دریای عمان و دریای سرخ در کوتاه کردن فواصل دریایی و زمینی، میان شرق و غرب، نقش مهمی برعهده دارند.^۱ چنان‌چه کشورهای اسلامی موقعیت ویژه‌ی جغرافیایی خود را در جهان درک نمایند، با رعایت عامل ژئوپلیتیک - ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک می‌توانند همگرایی و همبستگی میان جهان اسلام را تقویت نمایند و مقدمات تبدیل شدن به یک قدرت اثرگذار جهانی را فراهم کنند.

(د) عوامل اقتصادی

بررسی عوامل موفقیت اتحادیه‌ی اروپا نشانگر آن است که یکی از بنیان‌های اصلی پیدایش همگرایی و وحدت، ارتباطات اقتصادی و همکاری‌های تجاری است. در بین کشورهای اسلامی، برخی از آنان با برخورداری از مزیت‌های نسبی در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی و دارا بودن ذخایر زیرزمینی و طبیعی و رشد اقتصادی مناسب هم‌چون ایران، ترکیه، عربستان، اندونزی، مالزی و مصر می‌توانند با پیش‌قدم شدن در گسترش مناسبات اقتصادی میان کشورهای اسلامی، مقدمات وحدت اقتصادی را که زمینه‌ساز وحدت سیاسی و نظامی است، میان کشورهای اسلامی فراهم سازند.

بدین ترتیب، کشورهای اسلامی می‌توانند با ایجاد یک بازار بزرگ چندصد میلیارد دلاری، به یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی جهان تبدیل شوند. برخی انگیزه‌ها و شاخص‌های متعدد که می‌تواند در بعد اقتصادی همگرایی میان کشورهای اسلامی را موجب گردد، عبارتند از:

۱ - ایجاد زمینه‌ی مناسب برای بهره‌گیری کامل از منابع طبیعی و انسانی

برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی با توجه به تفاوت امکانات و توانایی‌های هر کشور؛

۲ - ایجاد و تقویت یک بنیان اقتصادی نیرومند؛

۳ - افزایش توان ورود به بازارهای بین‌المللی و گسترش بازارهای داخلی؛

۴ - افزایش قدرت رقابت در مورد کشورهای متکی به اقتصاد تک‌محصولی؛

۵ - کاهش فشار سیاسی ناشی از تفاوت در سطوح اقتصادی؛

۶ - دستیابی به ثبات بیش‌تر اقتصادی؛

۷ - توسعه‌ی بازار پولی با تشکیل بانک‌های منطقه‌ای، ایجاد پول مشترک و...؛

۸ - گسترش مبادلات آماری و اطلاعات اقتصادی و توسعه‌ی میدان تصمیم‌گیری.^۱

از جمله تجارب همگرایی کشورهای اسلامی در زمینه‌ی اقتصادی می‌توان به توافقنامه‌ی اتحاد اقتصادی کشورهای عربی که در سال ۱۹۵۷ توسط اتحادیه‌ی عرب تهیه شد اشاره کرد. این توافقنامه شامل آزادی انتقال سرمایه و تردد اشخاص، آزادی کامل انتقال کالا به‌ویژه کالاهای تولیدی کشورهای

۱ - مقیمی، مجدالدین؛ «بررسی نقش شکل‌های اقتصادی منطقه‌ای در تحولات نظام

بین‌الملل (۱)»؛ *بولتن وزارت امور خارجه*؛ شماره ۱۰؛ آبان و آذر ۱۳۷۳؛ صص ۲۶-۱۹.

عربی، یکسان‌سازی تعرفه‌های گمرکی، هماهنگی سیاست‌های کشاورزی، صنعتی، مالی و پولی و یکسان‌سازی قوانین و مقررات مربوط به آن‌ها بوده است. در سال ۱۹۶۴ نیز اتحادیه‌ی عرب طرح بازار مشترک عربی را به تصویب تمامی کشورهای عربی (به‌استثنای مغرب) رساند. علاوه بر این، در منطقه‌ی جنوب شرق آسیا نیز تعدادی از کشورهای اسلامی به‌همراه چند کشور دیگر اتحادیه‌ی آ.سه.آن را تشکیل دادند.

در منطقه‌ی خلیج فارس نیز کشورهای حوزه‌ی جنوبی این منطقه شورای همکاری خلیج فارس را به‌وجود آوردند که گرچه در اوایل گرایش سیاسی - امنیتی داشت، در حال حاضر، توجه بیش‌تری به فعالیت اقتصادی نشان می‌دهد. سازمان اکو که ابتدا بین کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل شد و سپس محدوده‌ی آن به کشورهای حوزه‌ی قفقاز و آسیای میانه توسعه یافت به‌عنوان مجموعه‌ای اساساً اقتصادی به‌حساب می‌آید. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نیز تاکنون تلاش‌هایی را در جهت همگرایی اقتصادی نشان داده‌اند.^۱

حجم اندک مبادلات انجام‌شده میان کشورهای اسلامی، نشانگر وجود موانع متعدد فراروی کشورهای اسلامی در تجارت با یکدیگر است. چنان‌چه در سال ۲۰۰۰، صادرات کشورهای اسلامی به یکدیگر تنها ۹/۸ درصد از کل صادرات کشورهای اسلامی و واردات کشورهای اسلامی از یکدیگر، فقط ۱۳/۴ درصد از کل واردات کشورهای اسلامی را تشکیل می‌دهد.

عدم یکپارچگی و تفاوت‌های عمده در ساختار اقتصادی - اجتماعی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، فقدان امکانات ارتباطی مناسب، تنوع اندک در تولیدات، تمایلات سیاسی و ... از موانع فراروی ایجاد و گسترش همکاری‌های اقتصادی میان این کشورهاست که در ذیل به مهم‌ترین

۱ - زنگنه، صباح؛ «ابعاد همگرایی اقتصادی جهان اسلام»؛ *روزنامه‌ی قدس*؛ ۴ تیر ۱۳۷۹.

موانع مذکور اشاره می‌شود:^۱

۱ - ضعف در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ارتباطات

با وجود وسعت جغرافیایی زیاد مجموع کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و امکانات ارتباطی میان آنان بسیار ضعیف است. خط‌آهن‌های یک‌طرفه، که معمولاً به زمان مستعمره بودن این کشورها بازمی‌گردد، و ترافیک در خطوط هوایی و کشتیرانی میان کشورهای اسلامی از عمده‌ترین مشکلات ارتباطی آنان به‌شمار می‌رود. هم‌چنین ارتباط مستقیمی میان بسیاری از کشورهای اسلامی با یکدیگر وجود ندارد. وضعیتی مشابه و حتی ضعیف‌تر در مورد ارتباطات مخابراتی وجود دارد. خدمات مخابراتی در بسیاری از کشورهای اسلامی ضعیف بوده و در بسیاری از موارد خطوط مخابراتی که ارتباط میان کشورهای اسلامی را برقرار می‌کند، از مراکز مخابراتی کشورهای غربی تأمین می‌شود.

۲ - درآمد ناخالص داخلی (GDP)

درآمد ناخالص داخلی، که نشانگر اندازه‌ی اقتصاد کشورهاست، در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بسیار متفاوت است. در سال ۲۰۰۱، درآمد ناخالص داخلی پردرآمدترین کشور اسلامی، یعنی عربستان سعودی بالغ بر ۱۶۷ میلیارد دلار آمریکا و پس از آن ترکیه، به‌عنوان دومین کشور پردرآمد اسلامی، ۱۴۸ میلیارد دلار است. این در حالی است که در کم‌درآمدترین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)^۲ یعنی کومور، میزان درآمد

۱ - مارتین، خور؛ «جهانی شدن و جنوب»؛ ترجمه احمد ساعی؛ نشر قومس؛ ۱۳۸۳، صص ۲۰-۳۷.

ناخالص داخلی در همان سال، ۲۲۰ میلیون دلار آمریکا و پس از آن در گینه‌بیسائو ۲۴۵ میلیون دلار بوده است. کشورهای عربستان سعودی، ترکیه، اندونزی، مصر، ایران و مالزی جمعاً ۵۲ درصد از درآمد کل OIC را به‌خود اختصاص می‌دهند و درآمد ۵۱ کشور مابقی، جمعاً ۴۸ درصد از درآمد کل OIC را تشکیل می‌دهد که این مطلب نشانگر نابرابری شدید درآمدی در میان کشورهای اسلامی است. نابرابری شدید درآمدی از موانع جدی توسعه‌ی همکاری‌های اقتصادی میان کشورها محسوب می‌گردد؛ زیرا مطالعات نشان می‌دهند که به‌طور کلی انتظار کشورهای فقیر از همکاری‌های اقتصادی دستیابی به کمک‌ها و منافع یک‌جانبه است، در حالی که هدف کشورهای ثروتمند و برخوردار از درآمد بیش‌تر، به‌طور معمول، دستیابی به منافع دوجانبه است که این امر کاهش انگیزه‌ی کشورهای ثروتمند عضو OIC را در تجارت با کشورهای فقیر این سازمان به‌دنبال خواهد داشت.

۳ - ساختار تولید

تقریباً تمام کشورهای OIC از ساختار تولید مشابهی برخوردارند و به‌طور کلی بیش‌تر تولیدات و صادرات بیش از نیمی از این کشورها را محصولات کشاورزی و نفت تشکیل می‌دهد که این عدم تنوع محصولات یکی از موانع همکاری اقتصادی میان کشورهای اسلامی محسوب می‌گردد؛ زیرا از طرفی خریدار این محصولات عمدتاً کشورهای صنعتی پیشرفته هستند و از طرف دیگر، کشورهای مذکور فاقد فناوری‌های پیشرفته هستند و چاره‌ای جز تأمین محصولات با فناوری پیچیده از کشورهای صنعتی ندارند. تولیدات یکسان و مشابه کشورهای اسلامی، انگیزه‌ی این کشورها را برای مبادلات تجاری با یکدیگر کاهش می‌دهد. بررسی آمار مربوط به شرکای تجاری کشورهای اسلامی نیز مؤید این امر است. در سال ۲۰۰۰، میزان

صادرات کشورهای اسلامی به کشورهای صنعتی، ۵۵/۳ درصد و به کشورهای اسلامی در حال توسعه‌ی غیرمسلمان ۴۱/۱۰ درصد از کل صادرات کشورهای اسلامی را شامل می‌شود و این در حالی است که صادرات کشورهای اسلامی به یکدیگر، تنها ۹/۸ درصد از کل صادرات کشورهای اسلامی است. هم‌چنین ۵۵/۱ درصد از کل واردات کشورهای اسلامی از کشورهای پیشرفته و ۴۲/۶ درصد آن از کشورهای در حال توسعه‌ی غیرمسلمان و تنها ۱۳/۴ درصد از کل واردات کشورهای اسلامی، واردات کشورهای مذکور از یکدیگر است.

۴ - سطح رفاه و استانداردهای زندگی

تفاوت درآمدی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، در سطح رفاه و استانداردهای زندگی کشورهای مذکور نیز منعکس می‌گردد. در میان کشورهای OIC بیست و دو کشور جزء فقیرترین و کم‌توسعه یافته‌ترین (LDC)^۱ کشورها هستند و از سطح درآمد بسیار پایینی برخوردار بوده و برای تأمین رشد و توسعه‌ی اقتصادی خود وابسته به صادرات میزان محدودی از محصولات ابتدایی، مواد اولیه‌ی غیرنفتی و محصولات کشاورزی هستند. در مقابل، سیزده کشور صادرکننده‌ی نفت OIC از سطح درآمد، توسعه‌یافتگی و میزان رفاه بسیار بالاتری برخوردارند.

درآمد سرانه‌ی سیرالئون، در سال ۲۰۰۱ میلادی، ۱۵۰ دلار و درآمد سرانه‌ی قطر ۲۷,۹۱۸ دلار بوده است که این امر، تفاوت فاحش میان درآمد سرانه و در نتیجه میزان بهره‌مندی از استانداردهای زندگی و سطح رفاه کشورهای اسلامی را نشان می‌دهد.

۵ - تراز منابع مالی

تفاوت سطح درآمد ملی کشورهای OIC، در تراز منابع مالی آنان نیز مؤثر است. اکثر کشورهای اسلامی دارای کسری در تراز منابع مالی خود هستند که این امر نشانگر آن است که سطح پس‌انداز داخلی این کشورها از سطح مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری کم‌تر است. از این رو، کشورهای مذکور برای تأمین سرمایه‌های مورد نیاز خود به استقراض از منابع خارجی روی می‌آورند و اغلب از بدهی‌های خارجی سنگین برخوردارند که این وضعیت، مانعی در مقابل افزایش سطح همکاری‌های میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به‌شمار می‌رود.

۶ - روابط سیاسی با کشورهای پیشرفته

یکی از ابعاد همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی، تقلیل و نهایتاً حذف موانع تجاری موجود میان این کشور و اعمال تعرفه‌های واحد و مشترک تجاری در مقابل کلیه کشورهای پیشرفته غیراسلامی است. در گذشته، بسیاری از کشورهای اسلامی مستعمره‌ی کشورهای پیشرفته‌ی کنونی بوده‌اند و در عصر حاضر نیز با وجود کسب استقلال و پایان بخشیدن به دوران استعمار خویش، کماکان وابستگی سیاسی و خصوصاً اقتصادی خود را به استعمارگران سابق حفظ کرده‌اند.

علاوه بر این، همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، بسیاری از کشورهای OIC به‌دلیل مواجه بودن با تنگناهای اقتصادی، از قبیل کمبود میزان پس‌انداز داخلی و در نتیجه نیاز شدید به منابع مالی خارجی، به‌منظور رفع نیاز سرمایه‌گذاری، ساختار تولید و صادرات کالاهای ابتدایی و مواد اولیه و در مقابل واردات محصولات با فناوری پیشرفته و بالاتر به کشورهای صنعتی نیاز دارند که این موضوع موجب می‌گردد تمایل زیادی به برقراری و حفظ روابط قوی سیاسی

و اقتصادی با کشورهای پیشرفته داشته باشند و لذا این ارتباط یکی از موانع جدی در مقابل افزایش همگرایی‌های اقتصادی میان کشورهای اسلامی به‌شمار می‌رود.

۷ - فقدان اطلاعات و داده‌های آماری

در دسترس نبودن اطلاعات آماری استاندارد، قابل اطمینان و به‌روز در مورد شاخص‌های اقتصادی، پتانسیل‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، از طرفی موجب عدم آگاهی سرمایه‌گذاران و کارگزاران اقتصادی داخلی و خارجی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی مذکور می‌گردد و از سوی دیگر موجب اختلال در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، نهادهای اقتصادی و تصمیم‌سازی‌های اقتصادی در سطح کل OIC می‌گردد.

۸ - ضعف ارتباط میان مؤسسات مالی کشورهای اسلامی

ارتباط میان بانک‌ها و مؤسسات مالی هر کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی با سایر کشورهای عضو بسیار ضعیف است و از این رو به‌نظر می‌رسد فقدان تسهیلات مالی ویژه و هم‌چنین تسهیل در پرداخت‌ها برای تجار و بازرگانان از عوامل مهم محدودکننده‌ی تجارت میان کشورهای اسلامی است. اگرچه تعدد موانع و ساختاری بودن بسیاری از تنگناها، مانع ایجاد همگرایی‌های اقتصادی کشورهای اسلامی در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت می‌گردد، علی‌رغم موانع موجود، از یک‌سو نقاط اشتراک مهمی نیز در میان کشورهای اسلامی وجود دارد که سبب نزدیکی بیش‌تر این کشورها به یکدیگر می‌گردد و از سوی دیگر، دسترسی این کشورها به موفقیت‌های راهبردی، می‌تواند در بلندمدت بلوک اقتصادی OIC را تبدیل به بلوکی مهم و کلیدی در اقتصاد جهان نماید. بدیهی است که تشکیل چنین بلوک اقتصادی مستلزم

برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های راهبردی بلندمدت و کاهش و حذف موانع موجود است. مهم‌ترین مشترکات و نقاط قوت برای ایجاد همگرایی اقتصادی میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی عبارتند از:

الف) مهم‌ترین و اصلی‌ترین زمینه‌ی مشترک میان کشورهای اسلامی، از ابتدای تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی، تبعیت همه‌ی کشورهای عضو از دین مبین اسلام بوده و از مهم‌ترین اهداف تشکیل این سازمان، اتحاد و یکپارچگی ملل مسلمان تحت لوای اسلام است.

ب) کشورهای اسلامی درصد وسیعی از منابع انرژی نفت و گاز، منابع طبیعی، معادن و نیروی انسانی فراوان و ارزان را در اختیار خود دارند که برای تمام کشورهای جهان و به‌ویژه برای کشورهای صنعتی بسیار کلیدی و حیاتی است. گروه کشورهای اسلامی ۲۰ درصد جمعیت جهان، ۷۵ درصد از منابع نفتی جهان و ۴۰ درصد از مواد خام صادراتی جهان را در اختیار دارند.

ج) به لحاظ جغرافیایی نیز کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از موقعیت‌های راهبردی بسیاری برخوردارند. کنترل تنگه‌ی جبل الطارق (مراکش و اسپانیا) که اقیانوس اطلس را به دریای مدیترانه متصل می‌سازد، کانال سوئز (مصر)، تنگه‌های بسفر و داردانل (ترکیه)، تنگه‌ی مالاکا (اندونزی) که عبور و مرور میان اقیانوس هند و اقیانوس آرام را کنترل می‌کند، تنگه‌ی باب‌المندب (یمن، جیبوتی و سومالی) که اقیانوس آرام را به دریای احمر متصل می‌سازد، تنگه‌ی هرمز (ایران و عمان) که گذرگاه اصلی صدور نفت از کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس به کشورهای صنعتی است.

د) جمعیت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، که جمعیتی غالباً جوان است و بالغ بر یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر می‌شود، بازار

وسیع بالفعل و همچنین بالقوه‌ای را در آینده برای محصولات مختلف صنعتی تشکیل می‌دهد. جمعیت مذکور می‌تواند تقاضای وسیعی را برای محصولات تولیدشده در داخل OIC و همچنین بازار مصرف انبوهی را برای تولیدات کشورهای صنعتی به‌وجود آورد و کشورهای اسلامی از این طریق می‌توانند نفوذ خود را در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی افزایش بخشند.

ه) یکی از عواملی که موجب گسترش بیش‌تر همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای اسلامی می‌گردد، افزایش تمایل واقعی و عزم راسخ در سران کشورهای اسلامی برای هم‌سوگیری و هم‌راستایی بیش‌تر سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی است. این مطلب به‌طور مفصل‌تری در بخش بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۹ - عدم توفیق مطلوب بازار مشترک اسلامی، ضرورت‌ها و فرصت‌ها

ایجاد بازار مشترک اسلامی، به‌عنوان هدف غایی همکاری‌های اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در نظر گرفته شده و تلاش در جهت ایجاد آن به اواسط سال ۱۹۷۰ و اجلاس لاهور و پذیرش «موافقتنامه‌ی عمومی همکاری‌های اقتصادی، فنی و بازرگانی» میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی باز می‌گردد. اما علی‌رغم تلاش‌های انجام شده در زمینه‌ی ایجاد و گسترش همکاری‌های اقتصادی کشورهای عضو، به‌دلیل وجود موانع و چالش‌های متعدد فراروی کشورهای اسلامی، روند مذکور در طی ۳۰ سال گذشته موفقیت چشم‌گیری نداشته و به کندی پیش‌رفته است.

بی‌تردید، آگاهی کشورهای اسلامی در مورد منافع سرشار ناشی از ترتیبات منطقه‌ای و عضویت در بلوک‌های اقتصادی و تمایل جدی و عزم قوی سران کشورهای مذکور در ایجاد بلوک اقتصادی سازمان کنفرانس اسلامی،

مهم‌ترین گام در جهت مقابله با موانع و فراهم کردن زمینه‌های ایجاد بازار مشترک اسلامی است.

در نظم نوین جهانی، آنچه زمینه‌های تمایل جدی و عزم راسخ کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را ترغیب به ایجاد و عضویت در بلوک‌های اقتصادی و گرایش‌های منطقه‌ای، به‌خصوص در سال‌های اخیر، نموده است، تصمیم‌سازی‌های منفعت‌طلبانه کشورهای صنعتی در عرصه‌ی بین‌المللی است. سابقه و روند اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که همواره اولویت اول با منافع این کشورهاست و ترجیحات و منافع کشورهای در حال توسعه کم‌اهمیت تلقی شده و به فراموشی سپرده می‌شود. علاوه بر آن، کشورهای در حال توسعه به‌تنهایی از سهم بسیار کوچکی در اقتصاد جهانی برخوردارند و قدرت نفوذ و اثرگذاری کمی بر اقتصاد جهانی و اقتصاد کشورهای پیشرفته دارند و این در حالی است که اقتصاد کشورشان در مقابل نفوذ و تهدیدات کشورهای پیشرفته بسیار آسیب‌پذیر و شکننده است.

از سوی دیگر، منافع سرشار و توفیقات فراوان حاصل از تشکیل بلوک‌های اقتصادی و همکاری‌های اقتصادی متعدد در سراسر جهان در قالب‌های متفاوت بازارهای مشترک، اتحادیه‌های گمرکی، مناطق آزاد تجاری و ... توجه سران کشورهای اسلامی را به خود جلب نموده است. همکاری‌های نزدیک اقتصادی در اروپا و همچنین آمریکای شمالی که با کاهش هزینه‌های ناشی از رقابت‌پذیری بیش‌تر نرخ رشد بالاتری را برای کشورهای مذکور به ارمغان آورد، تمام کشورهای جهان و از جمله کشورهای اسلامی را تشویق به همکاری‌های جدی‌تر اقتصادی کرده است.

تشکیل بازار مشترک اسلامی در وهله‌ی اول مستلزم آن است که کلیه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، هرگونه موانع تعرفه‌ای و

غیرتعرفه‌ای را میان خود حذف نمایند و علاوه بر آن، همگی در برابر کشورهای ثالث غیرعضو OIC سیاست‌های تعرفه‌ای واحدی اتخاذ کنند. به بیان دیگر، کالاها و خدمات تولیدشده در کشورهای اسلامی، میان این کشورها به‌صورت آزاد مبادله شود و بر ورود کالاها و خدمات تولیدشده در کشورهای غیرعضو، تعرفه‌های واحدی از سوی تمام کشورهای اسلامی اعمال گردد که هدف از آن حمایت از صنایع داخلی اعضای OIC است.

در چنین محیطی از تجارت آزاد، مبادلات کشورهای عضو بازار مشترک اسلامی با کشورهای غیرعضو کاهش می‌یابد و در عوض، مبادلات میان کشورهای عضو رونق می‌گیرد. زیرا با اعمال موانع تعرفه‌ای در مقابل واردات کشورهای غیرعضو، قیمت تولیدات کشورهای عضو ارزان‌تر از قیمت کالاهای وارداتی به این بازار بوده و قدرت رقابتی کشورهای غیرعضو تقلیل می‌یابد. ذکر این نکته ضروری است که بعضی از کشورهای اسلامی عضو سازمان تجارت جهانی (WTO)^۱ هستند و بنابراین در وضع سیاست‌های تعرفه‌ای و تشکیل بازار مشترک یا هر نوع دیگری از همکاری‌های اقتصادی باید شرایط و مقررات WTO را لحاظ نمایند.

علاوه بر آزادسازی تجارت کالا و خدمات میان کشورهای عضو بازار مشترک اسلامی، باید تسهیلات لازم را برای جریان آزاد عوامل تولید، از جمله نیروی کار، سرمایه و سرمایه‌گذار میان کشورهای اسلامی فراهم آورد. به عبارت دیگر، افراد، کارگزاران اقتصادی و شرکت‌های اقتصادی باید بتوانند به‌طور آزاد برای جست‌وجوی فرصت‌های شغلی و سرمایه در کشورهای OIC عبور و مرور کنند و در کلیه کشورهای عضو نه به‌عنوان فردی خارجی بلکه همانند هموطنان همان کشور و بدون کنترل‌هایی که بر افراد و سرمایه‌های خارجی اعمال می‌شود در نظر گرفته شوند.

در چنین فضای آزادی از مبادله‌ی کالا، خدمات، نیروی کار، سرمایه و سرمایه‌گذار، کشورهای اسلامی بازار وسیع‌تر و مطمئن‌تری را برای تخصیص بهتر منابع و توزیع بهتر تولیدات خواهند داشت. جابه‌جایی آزاد عوامل تولید، به‌خصوص سرمایه و نیروی کار موجب افزایش بهره‌وری، کارایی و قدرت رقابتی در بازار مشترک اسلامی می‌شود. بازار مشترک زمینه‌ی بهره‌مند شدن از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تخصصی‌تر شدن تولیدات را به همراه دارد که این امر خود موجب تقلیل هزینه‌های تولید، توسعه‌ی فناوریانه، افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش قیمت تولیدات در میان کشورهای اسلامی و همچنین در بازارهای جهانی خواهد شد. شرایط مذکور توان رقابتی کارگزاران اقتصادی کشورهای OIC را افزایش خواهد داد و مزایای بسیاری را در داخل بازار مشترک برای آنان به ارمغان خواهد آورد.

البته در شرایط رقابتی به‌وجود آمده در بازار مشترک اسلامی، به‌طور قطع، کشورهای عضو باید خود را برای حضور در رقابتی مشکل‌تر از سابق آماده سازند. بنگاه‌های اقتصادی که از توان رقابتی کم‌تری در مقایسه با سایرین برخوردارند، حذف شده و بنگاه‌های بهره‌مند از هزینه‌ی کم‌تر، فناوری پیشرفته‌تر و بهره‌وری و کارایی بیش‌تر جایگزین آنان خواهد شد. در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، آزادی حرکت در داخل بازار مشترک موجب جذب سرمایه و نیروی کار به سمت مناطقی خواهد شد که از سطح نرخ بهره و دستمزد بالاتری برخوردارند. بنابراین، تمام کشورهای داخل بازار مشترک، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، به میزان یکسانی از منافع همگرایی و رشد اقتصادی بهره‌مند خواهند شد. اما در بلندمدت، این تفاوت‌ها به تدریج کمرنگ‌تر شده و حتی در مراحل پیشرفته‌ی همکاری، هنگامی که بازار مشترک عظیمی در میان کشورهای عضو به‌وجود آید، از میان رفته و سطح دستمزد و سود در تمام کشورهای OIC تقریباً یکسان خواهد شد.

در سایه‌ی بازار مشترک اسلامی در بلندمدت، روحیه‌ی تعاون و همکاری مشترک در میان کشورهای اسلامی حکم‌فرما خواهد شد که این امر خود موجب همگرایی‌های بیش‌تر سیاسی و در نتیجه امنیت و ثبات بیش‌تر در کشورهای اسلامی و سطح منطقه می‌گردد. عوامل یاد شده، افزایش رشد اقتصادی و توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه و در نهایت رفاه بیش‌تر کشورهای اسلامی را به‌دنبال خواهند داشت.

با وجود آن‌که عواملی هم‌چون نابرابری‌های اقتصادی (دولت‌های غنی و دولت‌های فقیر)، تفاوت در سیستم اقتصادی، سیاسی دولت‌های عضو و ... از جمله مواردی هستند که مانع همگرایی کشورهای اسلامی می‌شوند،^۱ در مقابل، توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشورهای اسلامی در زمینه‌های اقتصادی همانند تنوع جغرافیایی و آب و هوایی، نیروی انسانی فراوان و ماهر، منابع و ذخایر معدنی و طبیعی به‌ویژه نفت و گاز می‌توانند زمینه‌های همگرایی را تا حدود زیادی هموار نمایند.

ه) عوامل امنیتی - دفاعی

یکی دیگر از عوامل همگرایی میان کشورها ضرورت مقابله با تهدیدات مشترک داخلی یا خارجی است. تنوع موضوعات مبتلا به کشورهای اسلامی آنان را در معرض تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های متعدد قرار داده است. جریان‌ات سیاسی متنوع، درگیری‌های قومی - نژادی و مشکلات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی، هر کدام ممکن است ثبات برخی از کشورهای اسلامی را در معرض آسیب قرار دهد. اشغال سرزمین فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و

۱ - درایسدل، آلاسرایر و اچ. بلیک، جرالده؛ «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»؛ صص

ناتوانی کشورهای اسلامی در حمایت از حقوق فلسطینی‌ها و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی طی ۶۰ ساله گذشته، اشغال منطقه‌ی ناگورنو قره‌باغ توسط ارمنستان و ملاحظات اخیر کشورهای مسیحی نسبت به جهان اسلام و اشغال سرزمین‌های افغانستان و عراق، همه از جمله تهدیدات نظامی است که دولت‌های اسلامی نتوانستند در برابر آن عکس‌العمل مناسب نشان دهند. چنان‌چه کشورهای اسلامی در کنار چنین گستره‌ی جغرافیایی مناسب، کثرت جمعیت، نیروهای نظامی پرستعداد، در اختیار داشتن منابع اولیه و آبراه‌ها و تنگه‌های مهم جهان و داشتن روحیه‌ی کفرستیزی و شهادت‌طلبی، در بعد امنیتی و دفاعی نیز با یکدیگر هماهنگ بودند، به آسانی می‌توانستند از منافع جهان اسلام در برابر تهدیدات مشترک داخلی و خارجی دفاع نمایند و مانع تسلط غرب بر کشورهای اسلامی گردند.

و) ایجاد سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

امروزه برای پیشبرد همگرایی و همکاری میان کشورها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و دفاعی، چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی، اتحادیه‌ها یا سازمان‌هایی به وجود می‌آید که با برخورداری از ساختارهای رسمی و براساس توافق چندجانبه میان دولت‌ها به صورت فراملی عمل می‌کنند. بدین ترتیب، تلاش‌های مشترک و آگاهانه برای تسهیل مراودات میان کشورها و اقدامات جمعی از طریق سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که دارای چارچوب کمابیش دائمی هستند صورت می‌پذیرد.^۱ کشورهای اسلامی نیز در گذشته با درک این واقعیت که حضور مؤثر در عرصه‌ی بین‌المللی نیازمند اجماع و وحدت است، تلاش‌هایی را به منظور

۱ - ایوانز، گراهام و نونام، جفری؛ «فرهنگ روابط بین‌الملل»؛ ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی؛ تهران: نشر میزان؛ ۱۳۸۱، صص ۳۰۸-۳۰۹.

تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آغاز کردند.^۱ در ابتدا، تلاش‌های سازماندهی شده‌ی معطوف به همگرایی در جهان اسلام بیش‌تر مربوط به کشورهای عربی و عمدتاً به‌دلیل موج نیرومند ملی‌گرایی پان عربی بود که سرانجام در سال ۱۹۴۵، پیمان اتحادیه‌ی عرب تصویب شد. هدف این اتحادیه تحکیم پیوندها میان کشورهای عربی و افزایش هماهنگی و همکاری میان آن‌ها بود. اعضای این اتحادیه‌ی منطقه‌ای شامل دولت‌های عربی شمال آفریقا و خاورمیانه می‌شد و اجرای قطعنامه‌ها و سیاست‌های آن کاملاً به موافقت اعضا بستگی داشت. با وجود آن‌که اتحادیه‌ی عرب تاکنون به‌عنوان یک سازمان بزرگ در ترغیب و تشویق همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان اعضا نقش بسزایی ایفا کرده، اما به‌عنوان یک نهاد منطقه‌ای در بعد سیاسی ناکام بوده است.^۲

از جمله تلاش‌های مؤثر دیگری که از طریق تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌ها به‌منظور افزایش همگرایی و همکاری میان کشورهای اسلامی به‌عمل آمده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تشکیل سازمان اوپک (سازمان کشورهای صادرکننده‌ی نفت) در سال ۱۹۶۰ متشکل از ایران، الجزایر، عراق، کویت، لیبی، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، نیجریه، ونزوئلا، گابن و اندونزی؛
- شورای وحدت اقتصادی عرب (بازار مشترک عربی) در سال ۱۹۶۴؛^۳

۱ - رحمان، س.م.؛ «سازمان کنفرانس اسلامی و چالش‌های آینده»؛ ترجمه حمیرا مشیرزاده؛ *مجله سیاست خارجی*؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶؛ صص ۷۴۹-۷۶۸.

۲ - صدوقی، مرادعلی؛ «چشم‌اندازهای جهانی شدن در منطقه خاورمیانه»؛ *مجله سیاست خارجی*؛ سال شانزدهم؛ شماره ۱؛ بهار ۱۳۸۱.

۳ - درایسندل، آل‌سرایر و اچ. بلیک، جرالده؛ «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»؛ صص ۳۳۷.

- تأسیس اتحادیه‌ی ملل جنوب شرق آسیا (آ.سه.آن) در سال ۱۹۶۷ با عضویت کشورهای اسلامی اندونزی، مالزی و برونئی به همراه چند کشور دیگر؛^۱
 - ایجاد شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ توسط ۶ کشور عربی حوزه‌ی خلیج فارس شامل امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت؛^۲
 - تأسیس اتحادیه‌ی مغرب عربی متشکل از کشورهای لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و موریتانی در سال ۱۹۸۹.^۳
- تمامی اتحادیه‌ها و سازمان‌های مذکور محدود به منطقه‌ای خاص و مشتمل بر تعدادی کشور اسلامی است، اما سازمان کنفرانس اسلامی، به عنوان تنها نهاد دولتی بین‌المللی، در برگیرنده‌ی کلیه‌ی کشورهای اسلامی است. سازمان کنفرانس اسلامی که در سال ۱۹۶۹ تأسیس گردید با ۵۷ عضو، بعد از سازمان ملل متحد بیش‌ترین تعداد عضو را دارد. ^۴ یکی از ویژگی‌های بارز سازمان کنفرانس اسلامی، به عنوان یک سازمان بین‌المللی، در آن است که همانند سازمان ملل متحد متمرکز بر حوزه‌ی خاصی نیست، بلکه کلیه‌ی مسائل را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مورد بررسی قرار می‌دهد. اما در همه‌ی این حوزه‌ها عملکرد یکسانی نداشته است، بدین ترتیب که عملکرد سازمان در مورد مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موفقیت‌آمیزتر از عملکرد آن درباره‌ی موضوعات سیاسی هم‌چون حل و فصل

۱ - ایوانز، گراهام و نونام، جفری؛ «فرهنگ روابط بین‌الملل»؛ صص ۶۵-۶۴.

۲ - مک‌لین، ایان؛ «فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد»؛ حمید احمدی؛ تهران: نشر میزان؛ ۱۳۸۱؛ ص ۳۵۶.

۳ - ایوانز، گراهام و نونام، جفری؛ «فرهنگ روابط بین‌الملل»؛ ص ۴۷۰.

۴ - برهانی، سیدهادی؛ «منطق تشکل در سازمان کنفرانس اسلامی»؛ مجله سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.

بحران‌ها، منازعات و چالش‌ها بوده است. سازمان کنفرانس اسلامی اگر چه برای حل مسائلی همانند مسلمانان جنوب فیلیپین و بوسنی و هرزگوین پیشرفت‌های نسبی‌ای کسب کرده، در مورد موضوعات مهمی از قبیل مسأله‌ی فلسطین، جامو و کشمیر، سومالی، آذربایجان، افغانستان و عراق موفقیت چندانی به دست نیاورده است.^۱

با این وجود، تشکیل سازمان‌های فراگیر و منطقه‌ای در بین کشورهای اسلامی، نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، در نزدیک نمودن دیدگاه‌ها و مواضع کشورهای اسلامی و ایجاد وحدت و نزدیکی میان کشورهای اسلامی نقش مهمی ایفا نموده است. اما این بدان معنا نیست که کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی توانسته‌اند در مجموع در سیاست‌های داخلی و خارجی خود از مشی و سیاست‌های مشترک پیروی کنند و در عرصه‌ی جهانی با هماهنگی کامل اقدام نمایند. البته امکان دارد به تدریج با گسترش دامنه‌ی تهدیدات و ارائه‌ی تعریف‌های جدید از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، که مورد اجماع اکثریت کشورهای اسلامی باشد، از رفتار انفرادی به سوی رفتار جمعی در ذیل واحد سیاسی بزرگ‌تر (سازمان‌های بین‌المللی اسلامی) تمایل پیدا کند تا منافع یکپارچه‌ی جهان اسلام را بهتر تأمین کنند.

عوامل مؤثر در ایجاد واگرایی

الف) اختلافات ارضی و مرزی

اختلافات ارضی و مرزی از مهم‌ترین اختلافات دوجانبه و چندجانبه میان کشورهای اسلامی است که علاوه بر این که هزینه‌های انسانی و مالی زیادی را بر اقتصاد و جامعه‌ی کشورهای اسلامی تحمیل می‌نماید، زمینه را

۱ - دانشپور، محمدجعفر؛ «ارزیابی عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی در گذشته و راه‌های آینده»؛ مجله سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.

برای مداخله و بهره‌برداری بیش‌تر قدرت‌های خارجی نیز فراهم می‌سازد. از همه مهم‌تر این‌که این نوع اختلافات، مانع بزرگی بر سر راه ایجاد همکاری و همگرایی و تفاهم میان کشورهای اسلامی و اتخاذ مواضع مشترک در برابر مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی به حساب می‌آید.^۱

از آن‌جا که خطوط مرزی اکثر کشورهای اسلامی واقع در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، توسط دولت‌های استعمارگر (انگلستان، فرانسه و ایتالیا) تعیین شده و در ترسیم آن‌ها توجهی به مسائل قومی، تاریخی، فرهنگی، دفاعی و ... نشده است، لذا امکان بروز درگیری میان کشورهای مزبور وجود دارد، در حالی که کشورهای اسلامی واقع در جنوب شرق آسیا از این نظر با مشکلات و اختلافات مرزی کم‌تری مواجه هستند.^۲

اختلافات ارضی متعددی در قلمرو کشورهای اسلامی وجود دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ادعای مراکش نسبت به اراضی صحرای غربی، ادعای لیبی نسبت به قسمت‌هایی از اراضی شمالی چاد، اختلاف میان عربستان سعودی، عمان و ابوظبی بر سر واحه‌های بوریمی، اختلاف ارضی میان مصر و سودان، ادعای عراق نسبت به سرزمین کویت، اختلاف مرزی میان عراق با ایران درباره‌ی خط مرزی اروندرود، اختلافات مرزی میان عربستان سعودی و همسایگانش، اختلاف میان عراق، سوریه و ترکیه در مورد بهره‌برداری از رود فرات، اختلاف میان مصر، سودان و اتیوپی در مورد رود نیل، و ...^۳. در این راستا، حتی در منطقه‌ی خلیج فارس که تنها بخش کوچکی از

۱ - سنبل، نبی؛ «جهان اسلام: آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات»؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.

۲ - عزتی، عزت‌الله؛ «ژئوپلیتیک»؛ ص ۱۷۶.

۳ - درایسدل، آلاسریر و اچ. بلیک، جرالده؛ «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»؛ صص ۱۱۶-۱۳۸.

جهان اسلام را تشکیل می‌دهد، حدود ۵۰ مورد اختلافات ارضی و مرزی میان هشت کشور این منطقه وجود دارد که تاکنون از سوی این کشورها تمایلی اساسی و جدی برای حل اختلافات مزبور از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز مشاهده نشده است که این امر به نوبه‌ی خود احتمال ایجاد تنش میان کشورهای منطقه را تشدید می‌کند.^۱

ب) ناسیونالیسم و نژادگرایی

دو عاملی که می‌توانند در دو سطح کلان و خرد بر همگرایی میان کشورها تأثیر گذاشته و موجب واگرایی شود، ناسیونالیسم و فرقه‌گرایی است. در حقیقت، تا پیش از راه یافتن اندیشه‌های ناسیونالیستی از اروپا به جهان اسلام، پان‌اسلامیسم (اندیشه‌ی وحدت مسلمانان در چارچوب یک قدرت واحد) ایدئولوژی مسلط بر جهان اسلام را تشکیل می‌داد. اما نفوذ اندیشه‌ی ناسیونالیسم در جهان اسلام، که مرکب از قومیت‌ها و ملت‌های متعدد بود، با ایجاد انواع ناسیونالیسم عربی، ترکی، ایرانی و ... سبب تمایل به ایجاد دولت‌های ملی مبتنی بر این اندیشه‌ها گردید.^۲

ویژگی عمومی ناسیونالیسم تأکید بر برتری هویت ملی بر دعاوی مبتنی بر طبقه، دین و مذهب یا بشریت به‌طور کلی است و بر این اساس عوامل زبانی، فرهنگی و تاریخی مشترک به‌همراه تأکید بر سرزمینی خاص هویت‌بخش گروهی از مردم می‌شود.^۳ بدین ترتیب، ایدئولوژی ناسیونالیسم با

۱ - جعفری ولدانی، اصغر؛ «تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس»؛ تهران: نشر قومس؛ ۱۳۷۴؛ صص ۱۱-۱۲.

۲ - علی‌بابایی، غلامرضا؛ «فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاورمیانه»؛ جلد اول؛ تهران: انتشارات رسا؛ چاپ اول ۱۳۷۴؛ صص ۱۰۶-۱۰۷.

۳ - مک‌لین، ایان؛ «فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد»؛ ص ۵۴۷.

تأکید بر نژاد و زبان در جهان اسلام، که مرکب از انواع نژادها و زبان‌های گوناگون است، نه تنها نمی‌تواند عامل همگرایی باشد، بلکه عامل اصلی واگرایی می‌گردد. تجارب تاریخی گویای این واقعیت است که حتی پان‌عریسم از ادعای نهضت وحدت سراسری اعراب نتوانست در جوامع و کشورهای عربی ایجاد وحدت نماید و طی جنگ‌های اعراب و اسرائیل، با شکست اعراب، به شدت اعتبار و قدرت خود را از دست داد و به ضعف گرایید.^۱ به‌طوری که در جریان جنگ سال ۱۹۹۱ آمریکا و متحدین با عراق، برخی کشورهای عرب برای آزادی کویت به همراه نیروهای غربی به یک کشور دیگر عرب (عراق) حمله‌ور شدند.

علاوه بر این، فرقه‌گرایی نیز باعث تشدید نزاع‌های قومی و مذهبی در جهان اسلام شده و با ایجاد واگرایی مانع از شکل‌گیری یک هویت واحد اسلامی شده است. بررسی تاریخی حاکی از آن است که مخالفت فرقه‌های افراطی مذهبی، در جهان اسلام، با تحقق وحدت مذاهب سنی و شیعه یکی از موانع جدی وحدت مسلمانان و کشورهای اسلامی بوده است.

هم‌چنین مطالبات جدایی‌خواهانه تحت تأثیر فرقه‌های مختلف نه تنها بر وحدت کلی جهان اسلام بلکه حتی بر وحدت ملی و سرزمینی کشورهای اسلامی نیز تأثیر سوء گذاشته است و احتمال بروز جنگ‌های داخلی، پاکسازی قومی و نسل‌کشی را در میان کشورهای اسلامی افزایش داده و تبدیل به یکی از عوامل مهم واگرایی در جهان اسلام شده است.^۲

ج) تنوع نظام‌های سیاسی

درباره‌ی اشکال متنوع دولت‌های اسلامی تقسیم‌بندی‌های متعددی

۱ - ایوانز، گراهام و نونام، جفری؛ «فرهنگ روابط بین‌الملل»؛ ص ۵۸۵.

۲ - براون، مایکل؛ «علل وقوع درگیری‌های داخلی»؛ نشریه نگاه؛ سال دوم؛ تیر و مرداد ۱۳۸۰.

صورت گرفته است. در یک تقسیم‌بندی می‌توان نظام کشورهای اسلامی را به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

۱ - مونارشی‌های سنتی مانند مراکش - اردن و عربستان سعودی؛

۲ - دولت‌های میانه‌رو مانند مالزی و اندونزی؛

۳ - دولت‌های انقلابی مانند ایران و سودان؛

۴ - دولت‌های سکولار مانند ترکیه، الجزایر، مصر و تونس.^۱

در یک تقسیم‌بندی دیگر، رژیم کشورهای اسلامی را می‌توان به جمهوری، امیرنشین، نظامی و سلطنتی دسته‌بندی کرد.^۲

این تنوع و تفاوت نظام‌ها و ساختارهای سیاسی در کشورهای اسلامی از جمله مسائلی است که زمینه‌های ائتلاف، اتحاد و وحدت را تضعیف می‌کند. زیرا نظام‌های سیاسی مشابه با یکدیگر بیش‌تر احساس نزدیکی و قرابت می‌کنند، در حالی که در بین کشورهای دارای نظام‌های سیاسی متفاوت، احساس رقابت و دشمنی حاکم است. لذا ایجاد اتحاد میان کشورهایی که به چند گروه مختلف تعلق دارند بسیار سخت است. رقابت میان دو گروه از کشورهای محافظه‌کار و سنتی (عربستان سعودی، مراکش، عمان و شیخ‌نشین‌های حاشیه‌ی خلیج فارس) و کشورهای انقلابی و تندرو (مصر، سوریه، الجزایر، عراق و لیبی) در نیمه‌ی دوم قرن بیستم در خاورمیانه و شمال آفریقا نمونه‌ی بارز این وضعیت است.^۳

۱ - احتشامی، انوشیروان؛ «بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی»؛ فصلنامه‌ی علوم سیاسی؛ شماره‌ی ۱۸.

۲ - جی. مارتین، لی. نور؛ «چهره جدید امنیت در خاورمیانه»؛ قدیر نه‌ری؛ تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی؛ چاپ ۱۳۸۳؛ ص ۱۰۴.

۳ - درایسدل، آلاسرایر و اچ. بلیک، جerald؛ «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»؛ ص ۳۱۹.

د) بی‌ثباتی سیاسی و رقابت‌های منفی

بی‌ثباتی سیاسی در برخی کشورهای اسلامی، که ناشی از کارکرد ضعیف نهادها و ساختارهای سیاسی اجرایی در جلب مشروعیت مردمی است، احتمال تحقق همگرایی را تضعیف می‌نماید؛ در مقابل، هر چه ثبات داخلی و توانایی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی برای تأمین منافع داخلی بیش‌تر باشد، به همان اندازه توانایی این کشورها برای حضور فعالانه در فرایند همگرایی نیز بیش‌تر خواهد شد.^۱

از سوی دیگر، عدم ثبات سیاسی می‌تواند منجر به کودتا، انقلاب، جنگ و درگیری مسلحانه، بحران‌های مستمر، منازعات قومی و نژادی و ... شده و در نهایت موجب جابه‌جایی قدرت گردد. به دنبال آن نظام یک کشور دستخوش دگرگونی ناگهانی شده و اولویت‌های اهداف سیاست خارجی کشور نیز تغییر می‌یابد. این وضعیت نه تنها کاهش قدرت ملی یک کشور را دربردارد، بلکه موجب می‌شود کشور مزبور نتواند در زمینه‌ی سیاست خارجی، همگرایی و همکاری با دیگر کشورها را دنبال نماید و سایر کشورها نیز در اتخاذ سیاست همگرایی با چنین کشورهایی دچار تردید شوند.^۲

علاوه بر این، سطح نابرابر کشورهای اسلامی در زمینه‌ی قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... به همراه رقابت‌هایی که در سطح منطقه‌ای و نیز جهان اسلام بین آنان وجود دارد، ایجاد همگرایی را با مشکل مواجه کرده است، زیرا کشورهای کوچک اسلامی با توجه به سوابق تاریخی همواره به تلاش‌های کشورهای بزرگ و قدرتمند اسلامی در زمینه‌ی همگرایی (تحت سلطه

۱ - یوسفی، محمد علی و یوسفی جویباری، محمد؛ «همگرایی در میان کشورهای منطقه

خلیج فارس: بررسی زمینه‌های موجود»؛ صص ۱۸۰-۱۴۳.

۲ - قوام، عبدالعلی؛ «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»؛ تهران: انتشارات سمت؛

چاپ پنجم؛ ۱۳۷۷؛ صص ۸۴-۸۲.

درآوردن کشورهای کوچک) سوءظن دارند.

ه) وابستگی برخی کشورهای اسلامی به قدرت‌های بیگانه

سرزمین‌های اسلامی هم به دلایل راهبردی و هم وجود منابع طبیعی و اولیه همیشه مورد توجه قدرت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا بوده‌اند. قدرت‌های بزرگ نیز به‌منظور حفظ و تقویت منافع خود درصدد روی کار آوردن نظام‌ها و حکام وابسته در کشورهای اسلامی بوده‌اند و با اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ویژه‌ای، خصومت‌ها و رقابت‌های منفی را میان کشور مزبور و همسایگان تقویت نموده‌اند. بدین جهت، هم‌زمان که بحث همگرایی به‌طور جدی مطرح شده است، قدرت‌های بیگانه با به‌کارگیری عوامل بازدارنده و ایجاد سوءظن و نفاق، تشنج و رقابت میان کشورهای اسلامی را تشدید نموده و واگرایی میان آن‌ها را افزایش داده‌اند.^۱

در این زمینه، آمریکا در دهه‌های اخیر نقش ویژه‌ای داشته است. زیرا این کشور اولاً، به‌عنوان تنها ابرقدرت باقی‌مانده از جنگ سرد درصدد حفظ تسلط خود بر جهان اسلام است و از ظهور هرگونه رقیب یا اتحادیه که قدرت آن را محدود نماید ممانعت به‌عمل می‌آورد. ثانیاً، حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل موجب شده که هرگونه اقدام دسته‌جمعی و همبستگی سیاسی که امنیت اسرائیل را تهدید نماید برای آمریکا غیرقابل قبول باشد و ثالثاً، اتحاد کشورهای اسلامی آنان را تبدیل به رقیب جدی برای جهان مسیحیت ننماید. لذا این کشور به همراه سایر قدرت‌های غربی هرگونه پروسه‌ی همگرایی میان کشورهای اسلامی را با مشکل مواجه می‌سازند.^۲

۱ - ابراهیمی‌فر، طاهره؛ «بررسی علل واگرایی در منطقه خلیج فارس»؛ *مجله‌ی سیاست خارجی*؛ سال سیزدهم؛ شماره‌ی ۲؛ تابستان ۱۳۷۸.

۲ - درایس‌دل، آلاسرانو اچ، بلیک، جرالده؛ «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»؛ صص ۴۷-۵۰.

علاوه بر این، عدم همسویی کشورهای اسلامی در سیاست خارجی، وابستگی ساختاری سیاسی، اقتصادی و نظامی برخی کشورهای اسلامی به غرب و به‌ویژه آمریکا باعث گردیده تا این کشورها برای حفظ قدرت و حکومت خود نه تنها اقدامی عملی برای تحقق آرمان‌های وحدت‌طلبانه با دیگر کشورهای اسلامی انجام ندهند، بلکه در جهت تأمین منافع غرب موانعی برای تحقق این آرمان‌ها به‌وجود آورند.^۱

عوامل مقوم همگرایی

چشم‌انداز وحدت و همگرایی میان کشورهای اسلامی نشان‌دهنده‌ی اتحادیه‌ای بزرگ و با جمعیتی بسیار است که با در اختیار داشتن موقعیت راهبردی، منابع بسیار غنی طبیعی و معدنی، به‌ویژه نفت و گاز، و نیز قدرت اقتصادی و نظامی می‌تواند به یک قدرت بزرگ جهانی تبدیل شود، اما فاصله‌ی زیادی میان این چشم‌انداز و واقعیت وجود دارد. مطالعه‌ی عوامل همگرایی و واگرایی در میان کشورهای اسلامی نشان می‌دهد ایجاد وحدت میان کشورهای اسلامی در مقایسه با دیگر موارد مشابه و به‌ویژه در غرب، تا چه اندازه تحت تأثیر عوامل گوناگون، متفاوت و متناقض قرار دارد.

همان‌طور که تجربه‌ی موفق اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی همگرایی نشان داده، فرآیندهای یکپارچه‌سازی و تقویت عوامل همگرایی و فائق شدن بر عوامل واگرایی نیازمند سه عنصر کلیدی است که نقش کاتالیزور (تسهیل کننده) را در همبستگی و وحدت همگانی کشورها بازی می‌کند. این همبستگی از همکاری ساده‌ی دوجانبه یا چندجانبه تا همبستگی در حوزه‌های ویژه مانند امور اقتصادی - نظامی و حتی ادغام کامل سیاسی را در برمی‌گیرد. به هر میزان که این سه عنصر کلیدی نیرومندتر باشند، همبستگی و

۱ - ابراهیمی‌فر، طاهره؛ «بررسی علل واگرایی در منطقه خلیج فارس»؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال سیزدهم؛ شماره‌ی ۲؛ تابستان ۱۳۷۸.

وحدت نیز کامل‌تر خواهد بود. این سه عنصر عبارتند از:

الف) لزوم وجود یک یا چند رهبر قدرتمند

دخاله عوامل گوناگون در فرآیند سیاست‌گذاری و اجرای آن، هم‌چون مدیریت اقتصادی، اجتماعی، دفاعی و به‌ویژه مدیریت تنظیم سیاست خارجی در کشورهای گوناگون نیازمند رهبرانی است که با درک و شناخت اوضاع و احوال بین‌المللی بتوانند با تجهیز و به‌کارگیری منابع مادی و معنوی و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های مشترک، همبستگی و یکپارچگی را تقویت کنند و در وضعیت بحرانی و جنگ از امکانات کشور به‌نحو مطلوب استفاده کرده و منافع آن کشور را به‌درستی تأمین نمایند.^۱ تجربیات تاریخی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که قدرت و کارایی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تا چه میزان متأثر از موقعیت و خصوصیات رهبران قدرتمندی بوده است که توانسته‌اند با بهره‌گیری از عوامل همگرایی میان کشورها همبستگی، وحدت و انسجام پدید آورند و با عوامل واگرایی مقابله و آن‌ها را خنثی کنند.

نفوذ و قدرت رهبرانی هم‌چون حضرت امام خمینی (ره) در جهان اسلام نشان داد که نقش چنین رهبرانی در ایجاد احساس همبستگی و وحدت میان امت اسلامی و نیز هماهنگی جهان اسلام بسیار برجسته است. در حال حاضر، اگرچه در چند کشور اسلامی و از جمله ایران رهبر قدرتمند و مستقل حکومت می‌کند، لیکن وابستگی بسیاری از کشورهای اسلامی و تلاش آنان برای تأمین منافع کشورشان به‌جای منافع امت اسلام باعث گردیده که اقدامات سایرین نتواند موجبات همگرایی جهان اسلام را فراهم نماید.

۱ - قوام، عبدالعلی؛ «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»؛ همان؛ صص ۸۵-۸۴.

ب) ضرورت وجود یک یا چند دولت قدرتمند

از لحاظ عملی، همگرایی در یک فرایند تاریخی ایجاد می‌شود. به آن معنی که تمایل کشورها به تأسیس نهادهای فراملی و تلاش برای کارآمدی این نهادها، منجر به ایجاد هماهنگی میان کشورها می‌گردد. بنابراین، ضرورت دارد با پشتتاز شدن برخی کشورها در تأسیس نهادهای فراملی، مراحل زیر پیموده شود:^۱

- ۱ - مرحله‌ی ابراز نیاز به همگرایی؛
- ۲ - مرحله‌ی همکاری محدود؛
- ۳ - مرحله‌ی وحدت؛
- ۴ - مرحله‌ی تکامل و ایجاد پیوستگی در سایر بخش‌ها؛
- ۵ - مرحله‌ی همگرایی نهایی.

در این رابطه، همان‌طور که بررسی‌ها نشان می‌دهد، جهان اسلام یک واحد منسجم نیست که بتواند به‌عنوان یک مجموعه‌ی کامل عمل نماید، بلکه مجموعه‌ای است از کشورهای علاقه‌مند به همگرایی و گریزان از همگرایی، این دو دستگی ایجاد، انسجام و وحدت را در ابتدای امر با مشکل مواجه می‌سازد. لذا در جهان اسلام نیز همانند اتحادیه‌ی اروپا، نیاز به یک یا چند کشور قدرتمند احساس می‌گردد تا هم‌چون واگن‌های یک لوکوموتیو، قطار همگرایی را به حرکت درآورند و ضمن آن‌که خود در امر وحدت و انسجام با دیگر کشورها پیشقدم می‌شوند، دیگر کشورها را هم به اتحاد و انسجام ترغیب و تشویق نمایند.

۱ - ازغندی، علیرضا؛ «نظام بین‌الملل؛ بازدارندگی و همپایگی استراتژیک»؛ تهران: نشر قومس؛ ۱۳۷۰؛ صص ۹۱-۹۰.

ج) لزوم وجود سازمان یا نهاد فراگیر

صرف نظر از سازمان کنفرانس اسلامی، تعداد نسبتاً کمی از کشورهای اسلامی عضو اتحادیه‌ها و سازمان‌های اسلامی، که عموماً ناپایدار و ضعیفند، هستند، اغلب این ائتلاف‌ها نیز به صورت موقت و دوجانبه شکل می‌گیرد و پس از مدتی منحل می‌شود. لذا وجود سازمانی کارآمد و فراگیر به منظور جمع کردن کشورها در پروسه‌ی همگرایی‌ای همانند اتحادیه‌ی اروپا ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با وجود آن‌که سازمان کنفرانس اسلامی می‌توانسته در رابطه با همگرایی جهان اسلام گزینه‌ی مناسبی باشد، زیرا هم تمامی کشورهای اسلامی در آن عضویت دارند و هم از چندین دهه تجربه‌ی سازمانی برخوردار است، اما به دلیل آن‌که از کارایی و قدرت لازم برخوردار نیست تاکنون نتوانسته است همانند سازمان‌های غربی، نقش مؤثری ایفا نماید و پاسخگوی نیازهای جهان اسلام برای ایجاد همبستگی و انسجام باشد و با توجه به تغییراتی که در عرصه‌ی سیاست جهانی رخ می‌دهد خود را با مقتضیات جدید هماهنگ و سازگار نماید.^۱

علاوه بر این، یکی دیگر از دلایل ناکارایی سازمان کنفرانس اسلامی، وسعت حوزه‌ی عمل و تفاوت‌های بسیار میان مناطق مختلف جغرافیایی جهان اسلام است. لذا حل این مشکل نیازمند آن است که سازمان کنفرانس اسلامی با فراهم آوردن زمینه‌های تقویت همکاری و همگرایی میان سازمان‌های منطقه‌ای خارج از چارچوب کنفرانس اسلامی، همانند اتحادیه‌ی عرب، اکو، شورای همکاری خلیج فارس، آ.سه.آن و ... فعالیت‌های آن‌ها را هماهنگ نموده و تحت پوشش و کنترل درآورد. این امر می‌تواند در کاهش رقابت‌های منطقه‌ای، که باعث تضعیف سازمان کنفرانس اسلامی می‌گردد، مؤثر واقع شود. از دیگر عوامل مؤثر بر ناکارآمدی سازمان کنفرانس اسلامی وابستگی

۱ - ایوانز، گراهام و نونام، جفری؛ «فرهنگ روابط بین‌الملل»؛ ص ۴۰۹.

برخی کشورهای عضو به بیگانگان، عدم توجه بعضی اعضا به همکاری با سازمان و فقدان سازوکارهای مؤثر در وادار نمودن کشورها برای اجرای قطعنامه‌های سازمان کنفرانس اسلامی است. برای بهبود این وضعیت و به‌منظور آن‌که سازمان کنفرانس اسلامی به نهادی شایسته جهت ایجاد اتحاد و انسجام نظری و عملی در جهان اسلام تبدیل گردد، این سازمان نیازمند تغییراتی بنیادین و توجه عمیق به مشکلاتی هم‌چون بحران هویت عقیدتی، رقابت میان اعضا، خنثی کردن اقدامات تضعیف‌کننده‌ی سازمان‌های رقیب، تقویت نظام تصمیم‌گیری و ... است.^۱

کانون‌های همگرایی و واگرایی در جهان اسلام

الف) همگرایی

۱ - همبستگی با ملت مظلوم فلسطین یکی از مهم‌ترین محورهای همگرایی در میان ملت‌های اسلامی به‌ویژه در جهان عرب است. این همگرایی واقعی‌انکارناپذیر است و تلاش بسیاری از دولت‌ها در خاموش کردن این احساس فراگیر تاکنون نتوانسته تغییری در این معادله به‌وجود آورد.

۲ - جوامع اسلامی در تقابل با قدرت‌های سلطه‌گر مستکبر، همبستگی قابل توجهی دارند. نوع همبستگی کنونی جوامع اسلامی با مردم فلسطین و عراق و پیش از آن در جنگ رژیم صهیونیستی بر ضد مردم لبنان کاملاً آشکار است. نتایج نظرسنجی‌های غربی‌ها، در سنجش میزان نفرت جوامع اسلامی از آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌ویژه در خاورمیانه، این واقعیت را کاملاً محسوس و آشکار می‌کند.

۱ - احمدی، کورش؛ «سازمان کنفرانس اسلامی در شرایط جدید بین‌المللی»؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره‌ی ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.

۳ - با توجه به سرخوردگی‌های فراوان جهان اسلام از کارکرد دولت‌ها و ناکارآمدی آن‌ها در ابعاد سیاسی، اقتصادی و حفظ استقلال در ایجاد یک الگوی قابل دفاع در این زمینه، جوامع اسلامی همواره از الگوهای عزتمند و حماسه‌ساز به شدت حمایت می‌کنند و به صورت گسترده با آن همبستگی پیدا می‌کنند. همبستگی با حماسه‌ی مقاومت حزب‌الله در جریان جنگ ۳۳ روزه نشان می‌دهد که کسانی که خلأهای موجود در جوامع اسلامی را پر می‌کنند در محور همبستگی آن‌ها قرار می‌گیرند.

۴ - حوادث بوسنی در دهه‌ی نود میلادی و واکنش جهان اسلام نسبت به آن نشان می‌دهد نگاه جوامع اسلامی به یکدیگر نگاه امت واحده اسلامی است. ولی این احساس تنها متأسفانه در مقاطع خاص و به صورت کاملاً انفعالی کارکرد سیاسی پیدا می‌کند. واکنش جهان اسلام در برابر حوادث کشتار و تجاوز به مسلمانان در بوسنی و حمله‌ی نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان و رفتار غیرانسانی نظامیان آمریکا در زندان ابوغریب عراق نشان می‌دهد نوعی بستر همگرایی در جهان اسلام وجود دارد که در شرایط انفعالی نمود پیدا می‌کند و این مسأله واقعیت دیگری را نیز نمایان می‌سازد و آن این‌که چنانچه با برنامه‌ریزی فعال مبتنی بر شناخت علمی با این بستر موجود تعامل پیدا شود می‌توان آن را به صورت «متغیر تأثیرگذار همگرایی» نمایان ساخت.

ب) واگرایی

- ۱ - اختلاف مذهبی در جهان اسلام یکی از قوی‌ترین عوامل واگرایی به‌شمار می‌آید. اختلاف مذهبی به‌علت بعد اعتقادی خود و نیز داشتن جنبه‌ی تقدس دینی بالاترین میزان خطر واگرایی را دارد. این فرایند از طریق ایجاد همبستگی بخشی از جهان اسلام در مقابل طرف دیگر پدید می‌آید و چنان‌چه در مقدمه‌ی همبستگی اخلاص به‌وجود آید، نتیجه در تشدید تضاد شکل نمی‌گیرد. این اختلاف بر بستر سرمایه‌گذاری فکری قبلی سوار است و بدون آن نمی‌تواند به‌خوبی فعال گردد.
- ۲ - اختلاف قومی یکی از اختلافات طبیعی است که گاهی مورد سوءاستفاده سیاسی قرار می‌گیرد، با ایده‌های برتری‌طلبی نژادی در هم می‌آمیزد و دستمایه‌ی واگرایی می‌شود. این متغیر تاکنون بستر فعالیت مناسب را در جهان اسلام پیدا نکرده و در بسیاری از خاستگاه‌های خود شکست خورده است. به‌عنوان مثال، احزاب قومی در جهان عرب همگی شکست خورده و فاقد پایگاه اجتماعی هستند. تفکرات برتری‌جویانه‌ی قومی در تعارض با فرهنگ یکسان‌سازی اسلامی است و لذا تنها در شرایط تضعیف اعتقادات اسلامی نمود می‌یابد.
- ۳ - اختلاف سیاسی یکی دیگر از تفاوت‌های طبیعی است که عمدتاً در سطح دولت‌ها جریان دارد و به‌علت اختلاف در شرایط سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی، دغدغه‌های امنیتی و سطح رشد اقتصادی نمایان می‌گردد. این عوامل واگرایی به تناسب مشروعیت دولت در میان مردم تعمیم می‌یابد.
- ۴ - اختلاف فرهنگی نیز یکی دیگر از عوامل واگرایی است. میزان

حاکمیت فرهنگ مدنی و وجود نهادهای جامعه‌ی مدنی از جمله علل وجوه تمایز فکری و رفتاری در جوامع اسلامی است. اختلاف سطح فرهنگی و وجود فرهنگ‌های متفاوت بدوی، قبیله‌ای و ایلی، در برخی جوامع به‌ویژه در شبه جزیره‌ی عرب، یکی از مهم‌ترین علل واگرایی در جهان اسلام است.

۵ - اختلاف سطوح توسعه‌ی اقتصادی و درآمدی جوامع اسلامی نیز از مهم‌ترین عوامل واگرایی است. البته این متغیر عمدتاً در جوامع پیشرفته‌تر یا پول‌دارتر ظهور و بروز دارد و جوامع فقیرتر در این فرایند در پی همگرایی هستند.

در نظر گرفتن مجموعه‌ی عوامل واگرا و همگرا در جهان اسلام و تلاش برای فهم صحیح شکاف‌های موجود و تلاش برای رفع آن‌ها یا محدود کردن تأثیر آن در کنار تقویت عوامل همگرا می‌تواند اجزای جهان اسلام را در مسیر حرکت به‌سوی وحدت هدایت کند و آینده‌ای مشترک و رو به تعالی را برای کلیت جهان اسلام رقم زند. در فصل آینده با استفاده از مباحث مطرح در حوزه‌ی آینده‌اندیشی به بررسی آینده‌های موجود برای جهان می‌پردازیم.

فصل چهارم

آینده‌های همگرایی جهان اسلام

اتحاد مسلمین را همه‌ی فرق اسلامی - چه شیعه و چه سنی، چه مذاهب مختلف اهل سنت و چه مذاهب شیعه - باید جدی بگیرند. امروز مسلمانان وحدت اسلامی را جدی بگیرند. وحدت اسلامی هم معنایش معلوم است. مقصود این نیست که مذاهب در یک مذهب حل شوند. بعضی کسان برای این که اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می‌کنند. نفی مذاهب مشکلی را حل نمی‌کند؛ اثبات مذاهب مشکلات را حل می‌کند. همین مذاهبی که هستند، هر کدام در منطقه‌ی کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند.

باید جوامع اسلامی با یکدیگر اتحاد کلمه پیدا کنند و همسو حرکت نمایند. البته وحدت امر پیچیده‌ای است؛ ایجاد اتحاد یک کار پیچیده است. اتحاد بین ملت‌های اسلامی، با اختلاف مذاهب می‌سازد، با اختلاف شیوه‌های زندگی و آداب زندگی می‌سازد، با اختلاف فقه‌ها می‌سازد. معنای اتحاد بین ملت‌های اسلامی این است که در مسائل مربوط به جهان اسلام همسو حرکت کنند، به یکدیگر کمک نمایند و در داخل این ملت‌ها، سرمایه‌های خودشان را علیه یکدیگر به کار نبرند.^۱

۱ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت و مس‌ئ‌لین کشور ؛

با توجه به مباحث ارائه شده در فصول پیشین و با تکیه بر شناسایی ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که مقوم همگرایی در جهان اسلام هستند و در مقابل عوامل واگرایانه‌ای که در جهت تهدید پیوستگی جهان اسلام حرکت می‌کنند و با توجه به لزوم پرداختن به آینده و تلاش برای ساختن آن در جهت تأمین منابع جهان اسلام، در این فصل ابتدا به بررسی مفهوم آینده‌اندیشی و ورود آن به عرصه‌ی مباحث علمی پرداخته و سپس به آینده‌های محتمل برای جهان اسلام می‌پردازیم.

آینده‌پژوهی در حقیقت تصمیم‌گیری مربوط به آینده در زمان حال است. دانش و بینشی که آینده‌پژوهی در اختیار محقق می‌گذارد، وی را در کسب موقعیت برتر در عرصه‌ی رقابتی یاری رسانده و در نتیجه‌ی فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر در زمینه‌ی فعالیت‌های شخصی و سازمانی، او را نسبت به تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند.

در واقع، با استفاده از تصور حوادث ممکن و ارزیابی احتمالات می‌توان خود و دیگران را برای آینده مجهز کرد. فرصت‌ها و چالش‌ها را شناسایی کرده و در برابر آن یا برای به‌دست آوردن آن‌ها برنامه‌ریزی نمود.

بر این اساس، با کمک روش‌های آینده‌اندیشی می‌توان اقدام به ایجاد یک دیدگاه مشترک در جهان اسلام کرد و بدین‌وسیله به یک وفاق عمومی رسید. اهمیت چنین همکاری یا وفاقی در سطح همه‌ی کشورها و همسوسدن همه‌ی نهادهای تأثیرگذار در جهت رسیدن به یک هدف مشترک برهمگان روشن است.

آینده‌اندیشی زمانی مؤثر خواهد بود که گستره‌ی وسیعی از روندها و حوادث ممکن شناسایی شده و سناریوهای متعدد و مختلفی را با جمع‌آوری اطلاعات از محیط‌های مختلف فعالیت کشورها در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، فناورانه و زیست‌محیطی در یک فرایند برنامه‌ریزی

انعطاف‌پذیر تصور کنیم.

آینده‌اندیشی به مثابه‌ی علم

آینده‌اندیشی به دیرینگی خودآگاهی تاریخی بشر است. از آن زمان‌که آدمی به هستی تاریخ‌مند و سپس، تاریخ‌مندی هستی خویش اندک آگاهی یافت، پیش‌بینی و نیز پیشگویی رویدادهای گوناگون آینده، به‌ویژه رویدادهای طبیعی و سیاسی - اجتماعی از اهمیتی سرنوشت‌ساز برخوردار شد. جادوگران و طالع‌بینان، در کنار تجربه‌آموختگان اندیشه‌گر قوم، هر یک به‌گونه‌ای، از سیر حوادث و آینده‌ی پدیده‌های طبیعی و اجتماعی گفتند و پیش‌بینی روشمند فراطبیعی‌نگرانه، تبلور خویش را در تبیین اسطوره‌ای جهان و ادوار گوناگون سیر حوادث و نقش‌بازی شخصیت‌های فراتاریخی یافت و جهان‌نگری نظام‌مند هر قوم پدید آمد.^۱

می‌توان گفت مطالعات آینده تقریباً با پایان جنگ دوم جهانی آغاز شد. نخستین کاوش‌های نظام‌مند در ساحت آینده را مؤسسه‌ی مطالعاتی رند در سال ۱۹۴۶ برای پتتاگون انجام داد. از همین‌جا پیداست که چه رابطه‌ی نزدیکی میان آینده‌پژوهی و مطالعات راهبردی وجود دارد.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ بود که آینده‌پژوهی شکل رسمی‌تری به‌خود گرفت و به‌عنوان یک حوزه‌ی جدید مطالعاتی پذیرفته شد. امروز هم دو سوم فعالیت‌های آینده‌پژوهی توسط اندیشه‌گاه‌های نظامی و شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شود. پژوهش‌های علمی نیز همین وضع را دارد.^۲

۱ - Edwaed Cornish; *Futuring the Exploration of Future*; Maryland: World Future Society; ۲۰۰۴, p. ۴.

۲ - Mc Hale J. and Mc Hale; *M.C. Futures Studies: An International Survey*; New York: United Nations Institute for Traing and Research; ۱۹۷۵; pp. ۸-۱۰.

آینده‌پژوهی بیش‌تر در کشورهای صنعتی انجام می‌شود. این کشورها، ۹۷ درصد بودجه‌ها و هزینه‌های آینده‌پژوهی را تأمین می‌کنند. اما جهان سوم که ۸۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده، تنها ۳ درصد فعالیت‌های آینده‌پژوهی را انجام می‌دهد.^۱

مطالعات آینده‌اندیشی، هرچند از علوم اجتماعی استفاده می‌کند، یک علم به حساب نمی‌آید. آینده‌پژوهی، ناظر بر مطالعه‌ی «تحولات گوناگون یک وضعیت معین» از منظری گسترده بر پایه‌ی گزینه‌ها، انتخاب‌ها و سنجش پیامدهای یک تصمیم مشخص با فرض این تحولات است.

به همین دلیل است که همیشه از «آینده‌ها» صحبت می‌شود، نه از یک آینده. هدف اصلی آینده‌پژوهی، تعیین اهداف مطلوب و روش دستیابی به آن‌ها، در میان‌مدت یا بلندمدت، با توجه به شرایط جاری است.

از وقتی انسان وجود داشته است، سعی بر این داشته که به‌نحوی آینده را پیش‌بینی کند و همواره با حرکت پیشاپیش جهان، هم از خطرات احتمالی در آینده پیش‌گیری کند و هم از فرصت‌هایی که برایش پیش خواهد آمد حداکثر استفاده را ببرد. وجود اوراکل‌ها^۲ در یونان باستان، که مردم در آن‌جا از خدایان خود در مورد آینده سؤال می‌کردند، شاهدی بر این ادعاست. در جهان کنونی که تغییر و تحولات سرعت زیادی به‌خود گرفته، امکان داشتن حداقل یک دیدگاه تقریبی از آنچه ممکن است پیش بیاید یا پیدا کردن حالات ممکن آینده (سناریوهای ممکن)، نه تنها امری مطلوب و مورد علاقه همگان است، بلکه یک ابزار لازم برای بقاء در آینده (به مفهوم قابل قبول آن یعنی پیدا کردن جایگاه مناسب در آینده، حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های خود) و دفع خطرات و

۱ - Ibid.

۲ - Oracle

تهدیدها و استفاده از فرصت‌های پیش رو، به‌نظر می‌رسد.^۱

علی‌رغم وجود دیدگاه‌ها و تبیین‌های گوناگون در خصوص آینده‌اندیشی و آینده‌شناسی، علاقه‌ی آدمی به آینده، متن مشترک همه‌ی آینده‌شناسی‌ها را تشکیل داده است. آدمی همواره به دنبال یافتن روش‌های نظام‌مند و قانون‌مند برای پیش‌بینی تحولات آینده، به‌ویژه در ارتباط با پدیده‌های جوی و دیگر پدیده‌های طبیعی و همچنین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بوده که این خود بر پیش‌فرض وجود نظم و یژه در سیر رویدادها استوار بوده است.

با توجه به توضیحاتی که تاکنون داده شد، می‌توان سه هدف برای آینده‌پژوهی نام برد:

۱ - تصور حوادث ممکن؛

۲ - ارزیابی احتمالات و یافتن حوادث محتمل؛

۳ - تصمیم‌گیری در جهت امور ترجیح داده شده.

در اغلب روش‌های آینده‌اندیشی بر یک یا دو هدف از اهداف فوق تمرکز می‌شود نه بر همه‌ی آن‌ها. به همین خاطر ما همواره برای رسیدن به یک آینده‌پژوهی ایده‌آل با نتایج بهتر، نیاز به استفاده از چندین روش مختلف داریم. برای مثال، تحلیل روندهای کنونی، اطلاعات سودمندی درباره‌ی حوادث ممکن و محتمل می‌دهد. یعنی با مطالعه‌ی روندها می‌توانیم ادامه یافتن یا نیافتن آن را بررسی کنیم ولی این کار به ما درباره‌ی این‌که چه آینده‌ای را ترجیح می‌دهیم و راه رسیدن به آن چیست، هیچ اطلاعاتی نمی‌دهد. در نتیجه، استفاده از تکنیک‌های مختلف ضروری است.^۲

۱ - حسینی مقدم، محمد و محمد خواجه‌ویی؛ «آینده‌نگاری فناوری بر اساس پارادایم

آشوب‌شناسی»؛ همایش آینده‌پژوهی؛ تهران: دانشگاه/میرکبیر؛ خرداد ۱۳۸۵.

۲ - همان.

کشف و پردازش چشم‌انداز آینده

دستیابی به نقاط کانونی^۱ مطلوب در همگرایی میان کشورهای اسلامی ضرورت ترسیم چشم‌انداز مطلوب برای چنین همگرایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. چشم‌انداز، آینده‌ای واقعی، معتبر و جذاب برای کشورهاست. چشم‌انداز آینده بیان فرمول‌بندی شده‌ی دقیقی از مقاصد و اهداف است که مقصد یا وضعیت آینده‌ی خواست‌هایی را تعریف می‌کند که یک فرد یا گروه آن‌ها را به‌نحو خاصی مطلوب می‌یابد.

چشم‌انداز آینده‌ی صحیح، ایده‌ای آن‌چنان قدرتمند است که با فراخوانی انرژی‌ها، استعدادها و منابع، زمینه را برای تحقق ایده‌ها و آرمان‌ها فراهم می‌کند. با وجود چشم‌انداز آینده، راهبردها می‌توانند سنجیده و فعال شوند و اتحاد این امکان را پیدا می‌کند که فرصت‌های خود را بیافریند و زمینه‌ها و امکان‌های واقعی برای نوآوری و تغییر را باز بگذارد.

معیارهای اصلی جهت شناخت چشم‌انداز آینده‌ی صحیح عبارتند از:^۲

- چشم‌انداز آینده تا چه حد آینده‌محور است؛ یعنی بر فرضیه‌های منطقی پیرامون آینده استوار است تا این‌که فقط طرحی درباره‌ی وضع موجود است؟
- چشم‌انداز آینده تا چه حد آرمانی است؛ یعنی تا چه حد به‌نظر می‌رسد که همگرایی را به آینده‌ی روشن‌تری هدایت می‌کند؟
- چشم‌انداز آینده تا چه حد با تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های سازمان هم‌خوانی دارد؟

۱ - Focal Points

۲ - برت، نی‌نوس؛ «راهنمای تمرین خلق و پردازش چشم‌انداز سازمان»؛ ترجمه و ویرایش: محمد ازگلی؛ تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده‌پژوهی؛ ۱۳۸۵، صص ۸-۴.

- چشم‌انداز آینده تا چه حد استانداردهای تعالی را به کار می‌گیرد و ایده‌آل‌های بلند را منعکس می‌کند؟
 - چشم‌انداز آینده تا چه حد مقصد و جهت را روشن می‌کند؟
 - چشم‌انداز آینده تا چه حد به نظر می‌رسد که الهام‌بخش اشتیاق و مشوق مشارکت است؟
 - آیا چشم‌انداز آینده به اندازه‌ی کافی بلندپروازانه است؟
- زمانی که تک‌تک اعضاء خود را در چشم‌انداز آینده سهیم و نقش‌آفرین بدانند، به اقتدار و اختیاری دست می‌یابند و برای اقداماتی که چشم‌انداز آینده را به پیش می‌برد، توانمند می‌شوند. آن‌ها می‌دانند که چنین اقدام‌هایی بسیار ارزشمند است و از سوی همه‌ی کسانی که در این تصور سهیم هستند، قانونی و مفید به حساب می‌آید.
- برای کشف و پردازش یک چشم‌انداز آینده‌ی نوین راه‌های بسیاری وجود دارد، فرایند ایجاد چشم‌انداز آینده شامل چهار مرحله‌ی زیر است:^۱
- ۱ - ممیزی چشم‌انداز آینده: در این مرحله، پرسش‌هایی درباره‌ی ماهیت اساسی همگرایی، روش تحقق و جهت کنونی آن مطرح می‌شود.
 - ۲ - دامنه‌ی چشم‌انداز آینده: در این مرحله، ذی‌نفعان عمده‌ی همگرایی مطالعه و بررسی می‌شوند، به همین ترتیب سنجش مطلوب عملکرد و نیز رهنمودهای لازم برای بیانیه‌های چشم‌انداز آینده‌ی پیشنهادی بررسی می‌شود.
 - ۳ - محتوای چشم‌انداز آینده: این مرحله فرصتی است برای درنظر گرفتن امکان توسعه در آینده - مانند توسعه‌ی اقتصادی، فناورانه، اجتماعی و جز این‌ها - که می‌تواند بر انتخاب جهت مطلوب همگرایی تأثیر گذارد.

۴ - انتخاب چشم‌انداز آینده: این آخرین مرحله است که طی آن، چشم‌انداز آینده‌های هم‌نهشت در نظر گرفته می‌شود، با هم مقایسه می‌شوند و سرانجام به انتخاب و فرمول‌بندی بیانیه‌ی چشم‌انداز آینده‌ی جدید می‌انجامد.

یکی از مؤثرترین و کارآمدترین تکنیک‌های آینده‌پژوهی، که برای تحقق چشم‌اندازها استفاده می‌شود، سناریوسازی است. در سناریوسازی، آینده ذاتاً غیرقابل شناخت است. اما به کمک سناریو می‌توان در شکل بخشیدن به چشم‌انداز ترسیم‌شده نقش‌آفرین بود. می‌توان رخدادهای آینده را به صورت غیرمحتمل و محتمل و هم‌چنین مطلوب و نامطلوب تقسیم‌بندی کرده و سپس اقداماتی انجام دهیم تا احتمال رخدادهای مطلوب افزایش یابد. یا برعکس، از ظهور رخدادهای محتمل اما نامطلوب جلوگیری کنیم.^۱

با نگاهی ساده به موقعیت‌هایی که یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌های همگرا شاید در آینده با آن‌ها روبه‌رو شوند، می‌توان پنج نوع سناریوی متمایز را شناسایی کرد. در نوع اول فرض می‌شود که روندهای جاری بدون تغییرات مهم به «مسیر عادی» خود ادامه خواهند داد و آن را «سناریوی بدون شگفتی» می‌نامند. در نوع دوم فرض می‌شود که آینده «بهتر» از گذشته خواهد بود و آن را «سناریوی خوش‌بینانه» می‌نامند. در نقطه‌ی مقابل این سناریو، «سناریوی بدبینانه» قرار دارد که برای موضوع مورد نظر، آینده‌ی «بدتری» را نسبت به حال و گذشته لحاظ می‌کند. دو نوع دیگر از سناریوها عبارتند از: «سناریوی فاجعه» که در آن حوادث و «بحران‌های غیرمنتظره» رخ خواهند داد و هم‌چنین «سناریوی معجزه» که در آن رویدادهای «بسیار خوب باور نکردنی» در آینده

۱ - Emilio Fontela; "Bridging the gap between scenarios and models"; Foresight; Vol. ۲; No. ۱; ۲۰۰۰.

به‌وقوع می‌پیوندند.^۱

فرایند برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو

برای فعالیت در دنیای سرشار از عدم قطعیت، رهبران و دولتمردان باید مفروضات خود را درباره‌ی مسیر حرکت جهان با پرسش‌های فراوان «اگر این طور شود چه؟» به چالش بکشند تا بتوانند جهان آینده را واضح تر ببینند.^۲ هدف برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو کمک به رهبران و مدیران برای تغییر نگرش آن‌ها نسبت به «واقعیت‌های پنداری» و نزدیک کردن هر چه بیش‌تر دیدگاه آن‌ها به «واقعیت‌های موجود» یا «واقعیت‌های در حال ظهور» است. نتیجه‌ی نهایی برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو ترسیم یک نقشه‌ی درست و دقیق از آینده نیست، بلکه هدف آن اصلاح و بهبود نظام‌مند تصمیم‌های مربوط به آینده است.^۳

اهمیت مطالعه‌ی آینده در اسلام

در ادبیات اسلامی، میان دو واژه‌ی «غیب» که در قلمرو خداوند متعال است و «مستقبل» (آینده) تفاوت بسیار است.^۴ مستقبل به پیش‌بینی نتایج اعمال بشر اشاره دارد که در آیات مختلف

۱ - White paper asympt.te; "Scenario and strategy on the value of separation"; http://www.opensourcescenarios.org/scenaro_separation.pdf

۲ - James Ogilvy; Creating Better Futures :Scenario Planning as a Tool for a Better Tomorrow; Oxford University Press; ۲۰۰۲; pp. ۱۸-۲۲.

۳ - Peter Schwartz; The art of the long view; Planning for the future in an uncertain world; New York: Doubly / Currency ۱۹۹۱; pp. ۶۵-۶۶.

۴ - Elmandjra, Mahdi; "Future Studies: Needs, Facts and Prospects"; Symposium on "the Future of the Islamic World"; Algiers; ۴-۷ May ۱۹۹۰; pp. ۷۲-۷۶.

قرآن کریم به کار گرفته شده است:

“پس چون آن عذاب را به شکل ابری دیدند که بر رودخانه‌هایشان
روی آورد، (به شادی) گفتند این ابری است که بر ما باران
(رحمت) می‌بارد، (هود گفت چنین نیست) بلکه اثر غذایی است
که به تعجیل درخواستید. این باد سختی است که در آن شما را
عذاب دردناک است.”

در قرآن کریم، کراراً به بینش، دورنما و آینده اشاره شده است:

“آلای اهل ایمان، خدا ترس شوید و هر نفسی بنگرد تا چه عملی
برای فردای خود پیش می‌فرستد.” (سوره یحیی، آیه ۱۸) “آیا فکر
و نظر در ملکوت و قوای آسمان‌ها و زمین نمی‌کنند و در هر چه
خدا آفریده نمی‌نگرند و چون اجل و مرگ آن‌ها بسا باشد که به
آنان بسیار نزدیک شود، آنگاه به چه حدیثی بعد از این (کتاب
آسمانی) ایمان خواهند آورد.” (سوره ی اعراف، آیه ۱۸۵)
“آیا کافران ندیدند که ما شب را تاریک برای سکون و آرامش خلق
قرار دادیم و روز را روشن (برای کسب و کار). همانا در وضع
شب و روز آیات و نشانه‌های قدرت الهی برای اهل ایمان پدیدار
است. و (باز به امت یادآور شو) روزی صور (اسرافیل) دمیده شود،
آن روز هر که در آسمان‌ها و زمین است، جز آن را که خدا
خواسته همه ترسان و هراسان باشند و همه منقاد و ذلیل به محشر
درآیند و در آن روز کوه‌ها را بنگری و جامد و ساکن تصور کنی،
در صورتی که مانند ابر در حرکتند. صنع خداست که هر چیزی را
در کمال اتقان و استحکام ساخته است که علم کامل او به افعال
شما همه‌ی خلاق محیط است.” (سوره ی نمل، آیه‌های ۸۸-۸۶)

قرآن در همه‌ی این آیات از بشر می‌خواهد که از زمان حال به نحو احسن

استفاده کند و با کمال دقت و هوشمندی برای آینده مهیا شود. منظور از آینده، باقی‌مانده‌ی عمر بشر در این کره‌ی خاکی و زندگی بازپسین اوست. چند مثال دیگر به درک این مفهوم کمک می‌کند:^۱

“هر نفسی بنگرد تا چه عملی برای فردای خود پیش می‌فرستد.”
“و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی‌داند که به کدام سرزمین مرگش فرا می‌رسد. این منکران به زودی فردای قیامت کاملاً معلومشان شود که دروغگوی بی‌باک کیست.”
آیه‌ی اول، بشر را با هدف تقویت ایمانش به پروردگار یکتا، به کشف آینده فرا می‌خواند. اما آیه‌ی دوم بر هر گونه پیش‌گویی و غیب‌گویی خط بطلان می‌کشد.

با تفسیر این آیات، مشخص می‌شود که قرآن کریم با غیب‌گویی و پیش‌گویی به مبارزه برمی‌خیزد، و همه را فرا می‌خواند تا برای بهبود توانمندی‌های خود به‌منظور رویارویی با الزامات آینده و سعادت و بهروزی خود «پیش‌بینی» نمایند و گزینه‌های مختلفی را بیافرینند. بنابراین، باید نسبت به آینده، رویکردی کثرت‌گرا داشت (آینده‌های گوناگونی را دید نه یک آینده‌ی قطعی را) و طیف وسیعی از گزینه‌ها را فرا روی خود دید.
اسلام چشم‌اندازی از حیات زمینی و اخروی است. پیام اسلام به بشریت این است که سرنوشت خود را بجوید و برای این منظور در کارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود رویکردی پویا اختیار کند.
مسلم است که تغییر و تحول از ضروریات شکل بخشیدن به یک آینده‌ی برومند است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:
“و خدا با آن همه مهربانی به خلق حال هیچ قومی را دگرگون

۱ - قربانی، سعید؛ «آینده‌اندیشی از منظر اسلام»؛ همایش آینده‌پژوهی، فناوری و چشم‌انداز توسعه؛ تهران: دانشگاه امیرکبیر؛ خرداد ۱۳۸۵؛ صص ۱۱-۱۴.

نخواهد کرد، مگر زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.^۱

البته نباید «بدعت» را با ابداع (نوآوری) یکی دانست. بدعت باور یا نگرشی است که تجدید نظر در اصول بنیادین اسلام را روا می‌داند و این نکوهیده است. اما ابداع، فراخوانی است به‌سوی ایجاد تغییر و نوآوری، با هدف ترغیب شکوفایی و برومندسازی جامعه. هر ارگان‌یسی که تغییر را نپذیرد، محکوم به فناست. این شامل انسان هم می‌شود. تلاش برای پیشگیری از ایده‌های نو و سرکوب کردن اقدامات نوآورانه، در سده‌های دهم و یازدهم هجری آغاز شد. آن دوران معروف است به دورانی که طلاب «باب‌های اجتهاد را بستند».^۲

قرآن کریم در این ارتباط فرموده:

“ما آیات (قدرت و حکمت) خود در آفاق و انفس را کاملاً روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که برحق است. ای رسول خدا، آیا خدای تو که بر همه‌ی موجودات عالم پیدا و گواه است، کفایت (از برهان) نمی‌کند.”^۳

پیامبر گرامی ما، صلوات الله علیه و آله، همیشه نگاهشان معطوف به آینده بود و به‌ندرت در گذشته نظر می‌کردند. حتی در تاریخ آمده که ایشان در حین حرکت نیز همواره به پیش می‌نگریستند و هیچ‌گاه سر را به عقب نمی‌گرداندند؛ اسلام یک چشم‌انداز اکتشافی از زندگی دنیوی و اخروی است. این چشم‌اندازهای بشری است که کردار وی را مشخص می‌کند. کرداری که به‌خاطر آن باید در برابر خود، جامعه و حق تعالی پاسخگو باشد. مؤمن در هر کاری که انجام می‌دهد، به پیامدهای آن در زندگی باقی‌مانده‌اش و زمانی که

۱ - سوره‌ی رعد؛ آیه‌ی ۱۱.

۲ - Elmandjra, Mahdi; “Future Studies: Needs, Facts and Prospects”; Ibid.

۳ - سوره‌ی فصلت؛ آیه‌ی ۵۳.

در قیامت، نزد پروردگارش حضور خواهد یافت می‌اندیشد.
به اعتقاد مهدی المانجرا شکی نیست که اسلام، پیشروان قدرتمند تحول و نوآوری است و نقشی حیاتی در تکامل جامعه ایفا خواهد کرد.^۱
با این مقدمه اگر به واقعیات و ویژگی‌های جهان امروز باز گردیم، به لزوم توجه به آینده‌اندیشی در حوزه‌ی مطالعات جهان اسلام جهت انتخاب بهترین گزینه‌ها برای دستیابی به جایگاه مناسب در نظام آتی جهانی پی می‌بریم.

دنیای امروز ما ویژگی‌های بارزی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:^۲
۱ - شتاب تاریخ: انباشته‌ی دانش بشر هر ۷ یا ۸ سال دوبرابر می‌شود. هر دو دقیقه، یک مقاله‌ی علمی در گوشه‌ای از جهان به چاپ می‌رسد.
۲ - افزایش پیچیدگی: به دلیل شتابناک شدن گام‌های تاریخ، پیچیدگی نیز هر روز افزایش می‌یابد.

۳ - انقباض زمان و فضا: سرعت گرفتن رویدادها و کوچک شدن دنیا.
۴ - حرکت از جامعه‌ی تولیدبنیان به سوی جامعه‌ی دانش‌بنیان: جامعه‌ی دانش‌بنیان، جامعه‌ای که در آن سرمایه ارزشمند نیست مگر آن‌که به تولید ارزش افزوده‌ی برون‌داده‌های فکری و معنوی و نوآوری بینجامد.

۵ - افزایش نقش فرهنگ: در نخستین نشست شمال - جنوب که در ماه می سال ۱۹۷۸ به همت انجمن توسعه‌ی بین‌المللی در رم برگزار شد، مشخص شد که تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه در روابط شمال و جنوب، مؤلفه‌ی فرهنگ است که با ارزش‌ها سر و کار دارد و نگرش مردم و جوامع را تعیین می‌کند. باید «نظام‌های ارزشی» را به‌عنوان

۱ - Elmandjra, Mahdi; "Future Studies: Needs, Facts and Prospects"; Ibid.

۲ - Ibid.

نخستین ملاحظه در نظر گرفت تا نشان داد که تنش‌های کنونی میان شمال و جنوب را نمی‌توان با شیخوخیت و پادرمیانی حل کرد. بحران شمال و جنوب، کلیت نظام جهانی را متأثر می‌سازد. بنابراین، باید در اهداف، کارکردها و ساختار نظام جهانی، تجدید نظر اساسی صورت گیرد. این امر نیازمند بازتوزیع قدرت و منابع بر پایه‌ی ارزش‌ها و معیارهایی است که با آنچه این وضع را به وجود آورده، کاملاً متفاوت است.

۶ - جوان بودن و افزایش جمعیت جنوب: جمعیت کشورهای جنوب جوان است و به سرعت در حال رشد، در حالی که جمعیت شمال ثابت است و هر روز پیرتر می‌شود (۵۰ درصد مسلمانان جهان کم‌تر از ۱۶ سال و ۶۰ درصد آن‌ها کم‌تر از ۳۰ سال دارند).

۷ - توسعه‌ی شتابان‌ی فناوری پیشرفته در شمال شامل رایانه، رباتیک، هوش مصنوعی، هوافضا، نانوفناوری و زیست‌فناوری است. کشورهای توسعه‌یافته ۸ تا ۱۲ درصد گردش مالی خود را به تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهند و تقریباً همین مقدار را نیز در آموزش کارکنان هزینه می‌کنند. از این فناوری‌ها در کشورهای جنوب خبری نیست. فناوری کالایی نیست که چون دیگر کالاها قابل خرید و فروش باشد. دستیابی به فناوری یک فرایند طولانی مدت است که بر دانش و خلاقیت مبتنی است.

۸ - شکاف دیجیتالی فناوری اطلاعات و ارتباطات ۴۰ درصد برون‌داد صنعتی دنیا و ۶۰ درصد نیروی کار در کشورهای پیشرفته را به خود اختصاص داده است. اما کشورهای جنوب، حداکثر می‌توانند مصرف‌کننده‌ی فرآورده‌های مبتنی بر این فناوری باشند. شکاف دیجیتالی میان ملت‌های شمال و جنوب به‌طور عجیبی در حال

گسترش است. ملت‌های شمال کنترل بیش از ۸۵ درصد فعالیت‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات را در دست دارند. در حالی که ما مسلمانان به‌سختی پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (و دفاعی) این فناوری را درک می‌کنیم.

۹ - ضرورت تبدیل شدن دنیای اسلام به یک قطب بزرگ اقتصادی: اگر بپذیریم که هیچ جامعه‌ی اقتصادی نمی‌تواند با کم‌تر از ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت با موفقیت به قرن بیست‌ویکم پا بگذارد (اتحادیه‌ی اروپا، ۳۵۰ میلیون نفر، آمریکای شمالی: ۳۵۰ میلیون نفر، آسیای جنوب شرقی: ۳۵۰ میلیون نفر)، از این رو، جهان اسلام نیز باید درصدد تبدیل شدن به یک قطب اقتصادی بزرگ و یکپارچه باشد.

۱۰ - تبدیل شدن فرهنگ به مهم‌ترین عنصر راهبردی در روابط بین ملت‌ها: در آینده، مسائل سیاسی و اقتصادی موجب پدیداری اختلاف و تنش میان ملت‌ها خواهد بود.

۱۱ - نفی این عقیده که مدرنیته برابر غربی شدن است: ژاپن بهترین گواه این ادعاست. نیرا (یکی از بزرگ‌ترین مراکز مطالعاتی ژاپن) در سال ۱۹۸۹ گزارشی با عنوان «دستور کار برای ژاپن در دهه‌ی ۱۹۹۰» انتشار داد که در بخشی از آن آمده است:

باید دنیا را از منظر دیگری ببینیم تا نگاه کلیشه‌ای به نظام جهانی بر پایه‌ی تفکر آمریکایی را کنار بگذاریم. نظام جدید جهانی را می‌توان «عصر گوناگونی تمدن‌ها» نامید. ما شاهد پیدایش عصری با چند تمدن هستیم که درکنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

۱۲ - گرایش به غیرمادی کردن مادیات، به‌جای مادی کردن غیرمادی‌ها: هر روز حجم مواد خامی که به محصولات صنعتی تبدیل می‌شود، کاهش می‌یابد. برعکس، درون‌دادهای «ماده‌ی خاکستری» هر روز

بیش از پیش ارزش افزوده تولید می‌کند. یکی از مثال‌های بارز «غیرمادی کردن مادیات» افزایش کاربرد فیبرهای نوری است که به کاهش استفاده از مس در تجهیزات مینیاتوری، ریزپردازنده‌ها و چیپ‌های الکترونیکی و ... می‌انجامد. می‌توانیم بگوییم اقتصاد هر روز غیرمادی‌تر می‌شود.

به علاوه، شاخه‌های «جدید» علم مانند فیزیک ذرات، بیولوژیک مولکولی و فیزیولوژی اعصاب تا آنجا پیشرفت کرده که قوانین نیوتن را به چالش کشانده است. قوانین نیوتن، قوانین فیزیک مکانیک است و نمی‌تواند همه‌ی پدیده‌های عالم هستی را توجیه کند.

با این وجود، آمار نشان می‌دهد جوامع اسلامی در توسعه‌ی منابع انسانی، که ارزشمندترین دارایی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و در آینده ارزش آن باز هم بیش‌تر و بیش‌تر خواهد شد، موفق نبوده‌اند.

چشم‌انداز آینده‌های جهان اسلام

با توجه به این‌که وحدت اساساً فرایندی بین‌رشته‌ای با ماهیت تعاملی است که ضرورت توجه به لایه‌های اقتصادی، فنی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیک و فرهنگی و نیز نقش‌آفرینان دولتی و غیردولتی مختلف را ایجاب می‌کند، یکی از ویژگی‌های بارز وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی درهم‌تنیدگی و نامریی بودن مرزهای موضوعی است. به عبارت دیگر، ممکن است بخشی از ابعاد و وجوه وحدت جنبه‌ی سیاسی داشته باشد، اما در عین حال درآمیخته با بخش‌های فرهنگی و اقتصادی نیز باشد.

کشورهای اسلامی نیز مانند اعضای اتحادیه‌ی اروپا دارای شباهت‌هایی هستند که زمینه‌های همکاری‌های گسترده‌ی آن‌ها را در چارچوب همگرایی فراهم می‌کند. کشورهای اسلامی به لحاظ اقتصادی توسعه نیافته، به لحاظ

مذهبی مسلمان و از لحاظ فرهنگی نزدیک به هم هستند. بنابراین، همه ی این کشورها نیاز به گسترش همکاری با یکدیگر را به خاطر مسائل پیچیده ی جهانی به خوبی درک می کنند. در این مورد همگرایی اسلامی به نیاز زمانه پاسخ می دهد، زیرا همگرایی در قالب سازمان های منطقه ای توجه عمده اش پیرامون مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است.^۱

در ادامه ی این فصل چشم انداز همگرایی جهان اسلام در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته و راهبردهای فراروی کشورهای اسلامی به همراه چالش ها و فرصت های آن ارائه می شود. اما پرداختن به این چشم انداز مستلزم به کارگیری مدل راهبردی است که ابعاد و حوزه های مختلف این چشم انداز را پوشش دهد. در ادامه به بررسی این مدل می پردازیم.

ارائه ی مدل مفهومی و راهبردی

بررسی تجربه های پیشین در فراهم نمودن زمینه های وحدت امت اسلامی حاکی از آن است که فقدان رویکرد مفهومی و راهبردی جامع نسبت به تمامی وجوه وحدت امت اسلامی سبب شده است که تلاش های گذشته در شتاب آهنگ وحدت امت اسلامی نقطه اثر مطلوب را نداشته باشند. مهم ترین تلاش هایی را که در این زمینه انجام گرفته است می توان این گونه برشمرد: دارالتقريب در قاهره به رهبری علامه شيخ عبدالمجيد سليم، میثاق مؤسسان توسط علامه محمد مهدی شمس الدین، مؤسسه ی خیریه ی آیت... العظمی خوئی، تجربه ی علمی آیسسکو (سازمان علمی، آموزشی و تربیتی

۱ - Kirchner. Emil J; *The European Union as a Model for Regional Integration: The Muslim World and Beyond*; Jean Monnet/Robert Schuman Paper Series; Vol.۶; No.۱; January ۲۰۰۶.

سازمان کنفرانس اسلامی) و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.^۱

چنین وضعی به لحاظ تئوریک زمینه‌ی روانی و شناختی طرح ابتکار عمل جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان بانی اتحاد و ائتلاف کشورهای اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی فراهم نموده است. چرا که به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین تلاش برای برقراری ائتلاف فراهم نمودن زمینه‌های شناختی و جغرافیای معرفتی مشترک است.^۲

وحدت جهان اسلام از اجزاء مختلف و درهم‌تنیده‌ای تشکیل شده است و ماهیت این درهم‌تنیدگی نیز به‌گونه‌ای است که هیچ‌یک از اجزاء آن را نمی‌توان جدا از هم در نظر گرفت. به شکل ۲ نگاه کنید.



شکل ۲ - چارچوب مفهومی وحدت جهان اسلام

۱ - تیراثیان، محمد حسن؛ «استراتژی تقریب مذاهب اسلامی»؛ صص ۱۹۵-۱۸۵.

۲ - صفوی، سید یحیی؛ «وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده»؛ دانشگاه اصفهان؛ اصفهان:

کنگره‌ی بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام؛ ۲۲-۲۰ آذر ماه ۱۳۸۵.

بنابراین، وحدت اساساً فرایندی بین‌رشته‌ای با ماهیت تعاملی است که ضرورت توجه به لایه‌های اقتصادی، فنی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیک و فرهنگی و نیز نقش‌آفرینان دولتی و غیردولتی مختلف را ایجاب می‌کند. همان‌گونه که در شکل ملاحظه می‌شود یکی از ویژگی‌های بارز وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی درهم‌تنیدگی و نامرئی بودن مرزهای موضوعی است. به عبارت دیگر، ممکن است بخشی از مسأله جنبه‌ی سیاسی داشته باشد اما در عین حال، درآمیخته با بخش‌های فرهنگی و اقتصادی نیز باشد.^۱

تلاش نوشتار حاضر در جهت طراحی ارکان مدل مفهومی و راهبردی است که ضمن توجه به وجوه مختلف وحدت کشورهای اسلامی، هم‌زمان به لحاظ راهبردی بتواند به فرصت‌ها و تهدیدات و نقاط ضعف و قوت هر یک از این وجوه و ارکان نیز نظر داشته باشد.

جامع‌نگری و پرهیز از هر نوع تقلیل‌گرایی ایجاب می‌کند، چارچوب مفهومی‌ای ارائه شود که بتواند مدل راهبردی وحدت کشورهای اسلامی را مشخص و تبیین نماید. به عبارت روشن‌تر، در شناسایی مزیت‌های موجود در میان هر یک از کشورهای اسلامی رویکردها و داده‌های متفاوت و شاید متضاد و متناقضی وجود داشته باشد. بنابراین، قبل از شناسایی موانع وحدت کشورهای اسلامی و چاره‌اندیشی برای آن‌ها باید خاطر نشان ساخت که با توجه به طیف وسیعی از رویکردهای مختلف موجود در این زمینه، ضرورت داشتن چارچوب نظری و مدل مفهومی برای مشخص نمودن دامنه‌ی بررسی و تجویز راه‌کارهای مناسب از اهمیت بسزایی برخوردار است. به‌طوری که برای ارائه‌ی راهبرد، ضروری است که امر گردآوری داده‌ها، تحلیل و پردازش آن‌ها از یک الگوی نظری مشترک تبعیت کند.

به این منظور زمینه‌های مورد بررسی برای اتحاد کشورهای اسلامی را

می‌توان به صورت تعاملی و در یک ماتریس چندبعدی (SWOT) نشان داد. به جدول ۱۱ نگاه کنید.

جدول ۱۱ - مدل راهبردی وحدت کشورهای اسلامی در قالب ماتریس (SWOT)

جهان اسلام بررسی موردی کشور اسلامی	شناختی (Cognitive)	اقتصادی (Economy)	دفاعی (Defense)	سیاسی (Political)	امنیتی (Security)	اجتماعی (Social)	ژئوپلیتیک (Geopolitics)	زمینه‌های وحدت شاخص‌ها
	CS	ES	DS	PS	SS	SS	GS	قوت (Strength)
	CW	EW	DW	PW	SW	SW	GW	ضعف (Weakness)
	CO	EO	DO	PO	SO	SO	GO	فرصت (Opportunity)
	CT	ET	DT	PT	ST	ST	GT	تهدید (Threat)

نوآوری فکری به کار رفته در مدل فوق توجه به زمینه‌های شناختی (Cognitive) وحدت جهان اسلام است. همان‌گونه که اشاره خواهد شد زمینه‌های شناختی به لحاظ مفهومی متن (Context) تحقق دیگر وجوه وحدت جهان اسلام است. درک چگونگی تعامل انسان با محیط خود و همچنین کنشگری واحدهای سیاسی به عنوان ارگانیزم‌های زنده و در تعامل پیوسته‌ی فضایی با یکدیگر از جمله موضوعات علوم شناختی (Cognitive Science) به‌شمار می‌رود.^۱

آنچه تاکنون درخصوص رابطه‌ی میان علوم شناختی و جغرافیا مطرح شده است، بیش‌تر در مورد فناوری‌های مرتبط با جغرافیا بوده است، حال آن‌که علوم شناختی در حوزه‌ی ژئوکالچر، فرهنگ راهبردی، ژئوپلیتیک، حقوق و روابط بین‌الملل می‌تواند زمینه‌ساز تجزیه و تحلیل‌های عمیق علمی، درک

مناسب و تدبیر راهبردهای مؤثر باشد.

کاربرد علم شناخت در جغرافیا تنها منحصر به استفاده از ابزارهای GIS نیست، بلکه علم شناخت زیرساخت تعیین و درک عوامل تأثیرگذار و چندبعدی بر کنشگری و تعامل انسان با مفروضات معین در محیط‌های متنوع جغرافیایی است.

قابلیت هم‌افزایی و هم‌پوشانی میان حوزه‌های مختلف مدل راهبردی از ویژگی‌های منحصر به فرد رویکرد شناختی است. در این رویکرد ضمن تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت داخل واحدهای سیاسی، تهدیدات و فرصت‌های فضای بین‌المللی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو، چنین رویکردی می‌تواند امکان دستیابی به رویکردی تمام‌نگرانه هم از حیث کیفی و هم کمی جهت فهم مناسبات میان واحدهای جهان اسلام با ویژگی‌های جغرافیایی متنوع و منحصر به فرد را به‌دست دهد.

الگوی SWOT به‌کار رفته در مدل راهبردی این بررسی را می‌توان از یک‌سو به یک واحد سیاسی واقع در یک موقعیت جغرافیایی معین و از سوی دیگر به جهان اسلام، با تعیین موقعیت جغرافیایی خاص خود، تعمیم داد. برای روشن‌تر شدن هر چه بیش‌تر ماتریس مدل راهبردی فوق می‌باید هر یک از سلول‌های آن را به‌طور مختصر شرح داد. در این‌جا به‌عنوان نمونه و به‌منظور روشن‌تر شدن تعاملات ارکان مدل راهبردی، نقش و اهمیت فرهنگ در گسترش یا کندی آهنگ وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی برگزیده شده است. شایان توجه است که ارتباطات مورد بررسی را به رابطه‌ی دیگر ملاحظات در بررسی وحدت کشورهای اسلامی نیز می‌توان نسبت داد.

CS^۱: به بررسی نقاط قوتی که به لحاظ فرهنگی برای وحدت کشورهای اسلامی وجود دارد و نیز نقاط قوتی که وحدت جهان اسلام برای پایداری و

مقاومت از بعد فرهنگی در هر یک از کشورهای اسلامی به دست می‌دهد اختصاص دارد. تقویت جنبه‌ی مشترک و استفاده از فرصت‌ها و پتانسیل‌های موجود می‌تواند موجب تحکیم همبستگی کشورهای اسلامی شود.

CW^۱: در ذیل این نشانه، نقاط ضعفی که وجوه فرهنگی حاکم بر کشورهای اسلامی برای وحدت و همگرایی به وجود می‌آورد و بالعکس نقاط ضعفی که ممکن است در ابعاد فرهنگی جهان اسلام به وجود آید مورد توجه قرار گرفته است.

CO^۲: در این رابطه به فرصت‌هایی که از نظر فرهنگی برای وحدت کشورهای اسلامی فراهم است و نیز به فرصت‌هایی که وحدت برای توسعه‌ی فرهنگی به وجود می‌آورد اشاره خواهد شد.

CT^۳: در این رابطه تهدیدهای ناشی از وجوه فرهنگی حاکم در هر یک از بلاد اسلامی برای فرایند وحدت کشورهای اسلامی و نیز تهدیدات احتمالی ناشی از همگرایی کشورهای اسلامی برای کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کمک شایان توجه این ماتریس به انجام پژوهش، مشخص نمودن دامنه‌ی تحقیق^۴ است. به عبارت روشن‌تر، ما هفت قلمرو^۵ اصلی داریم که در ذیل هر یک، چهار شاخص مهم و راهبردی وجود دارد. فهم و شناسایی این چهار شاخص برای فهم و بررسی ایجاد زمینه‌های اتحاد یک دولت - ملت اسلامی با هر یک از کشورهای اسلامی و چگونگی ارائه‌ی راهبرد ضروری هستند.

۱ - Cultural Weakness

۲ - Cultural Opportunity

۳ - Cultural Treath

۴ - Scope of Research

۵ - Criteria

این هفت قلمرو کلیدی برای بررسی زمینه‌های وحدت میان یک دولت - ملت اسلامی و هر یک از دولت‌های کشورهای مسلمان به همراه شاخص‌های مربوط را می‌توان به صورت انتزاعی در چهار حوزه‌ی مهم به شرح ذیل بیان نمود:

۱ - حوزه‌ی اقتصادی

- نقاط قوت موجود در مناسبات اقتصادی فی مابین
- نقاط ضعف موجود در مناسبات اقتصادی فی مابین
- فرصت‌های موجود در مناسبات اقتصادی فی مابین
- تهدیدهای موجود در مناسبات اقتصادی فی مابین

۲ - حوزه‌ی نظامی

- نقاط قوت موجود در مناسبات نظامی فی مابین
- نقاط ضعف موجود در مناسبات نظامی فی مابین
- فرصت‌های موجود در مناسبات نظامی فی مابین
- تهدیدهای موجود در مناسبات نظامی فی مابین

۳ - حوزه‌ی شناختی

- نقاط قوت موجود در مناسبات شناختی فی مابین
- نقاط ضعف موجود در مناسبات شناختی فی مابین
- فرصت‌های موجود در مناسبات شناختی فی مابین
- تهدیدهای موجود در مناسبات شناختی فی مابین

۴ - حوزه‌ی سیاسی

- نقاط قوت موجود در مناسبات سیاسی فی مابین
- نقاط ضعف موجود در مناسبات سیاسی فی مابین
- فرصت‌های موجود در مناسبات سیاسی فی مابین
- تهدیدهای موجود در مناسبات سیاسی فی مابین

انتظار می‌رود با بررسی نظری و مفهومی زمینه‌های وحدت و دخیل نمودن نقش‌آفرینان^۱ کلیدی در هر یک از حوزه‌های ذکر شده در مدل راهبردی بتوان مقدمات نظری و زمینه‌های اجرایی وحدت امت اسلام را فراهم نمود. انجام این مهم در گرو ایجاد و شکل‌بخشی به گروه‌ها و کمیته‌های مطالعاتی تخصصی در هر یک از حوزه‌های راهبردی تعیین شده است. کمیته‌های مطالعات با تکیه بر چشم‌انداز تدوین شده و اجماع نظرهای کارشناسانه، مأموریت تدوین، مستندسازی و تبیین زمینه‌های وحدت را آن‌گونه که در چارچوب مفهومی و مدل راهبردی به آن اشاره شد، به‌عهده خواهند داشت. این تبیین به دو صورت کمی و کیفی زمینه‌های مفهومی بازتعریف چشم‌انداز وحدت جهان اسلام را، آن‌گونه که کشورهای اسلامی اراده کرده‌اند و نه آن‌گونه که نظام جهانی سرمایه‌داری اراده کرده است، رقم خواهد زد. پس از ترسیم چشم‌انداز، ارائه‌ی راهبردها، تعیین مأموریت‌ها و برنامه‌های اقدام مبتنی بر شاخص‌های مذکور منطقی و ضروری به نظر می‌رسد. شاخص‌های مرتبط جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی با برخورداری از روایی و پایایی مناسب مقوم نگرشی قابلیت‌محور و همگرا بر مبنای استعداد و شایستگی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه‌ی ملل اسلامی است که ما را به تلاش و حرکت بیش از پیش در مسیر جهانی‌سازی قدرت اسلام در مراحل تدوین چشم‌انداز ترغیب می‌نماید. هم‌چنین آگاهی‌بخشی به ملل اسلامی نسبت به افق دستاوردهای قابل پیش‌بینی وحدت و متأثر از روند توسعه‌ی قابلیت‌های جهان اسلام را می‌توان از دیگر الزامات حرکتی هماهنگ به‌سوی آینده‌ای جذاب، مطلوب و تحقق‌یافتنی برای امت اسلامی به‌حساب آورد. هم‌چنان که حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در هشتمین اجلاس سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی فرموده‌اند:

“امروز باید ابتکار عمل را به دست گیریم و از حالت انفعال به حالت ابتکار در آییم.”

دست یافتن به چنین پیشرفتی در گرو بالندگی اندیشه و ارائه‌ی الگوهای محققانه در حوزه‌های دانشی مختلف و از آن جمله حوزه‌ی جغرافیا و رشته‌های مرتبط با آن است.

هرگونه که به جهان اسلام بنگریم، بعد جغرافیایی آن نقش‌آفرین است، از جمله وحدت کشورهای جهان اسلام و استفاده از فرصت‌ها و مزیت‌های راهبردی جهت حل مشکلات داخلی، منطقه‌ای و جهانی.

ضرورت اتخاذ رویکردی راهبردی و میان‌رشته‌ای برای دستیابی به الگوهای مؤثر بر همگرایی و ائتلاف کشورهای جهان اسلام با تأکید بر ابعاد متنوع جغرافیایی اجتناب‌ناپذیر است.

تأکید بر الگوهای متأثر از آموزه‌های متعالی اسلام و قرآن و همچنین مزیت‌های جغرافیایی در جهت خنثی‌سازی راهبرد تفرقه افکنانه‌ی استکبار جهانی بین کشورهای اسلامی از دیگر دستاوردهای مهم وحدت جهان اسلام خواهد بود. وحدت و یکپارچگی جهان اسلام در عرصه‌های مختلف دستاوردهای مهمی را در بر دارد. برخی از مهم‌ترین این دستاوردها به شرح ذیل هستند:

دستاوردهای سیاسی: تقویت اتحادیه‌ها و سازمان‌های سیاسی موجود از

قبیل سازمان کنفرانس اسلامی، دریافت حق وتو برای کنفرانس

اسلامی و عضویت در شورای امنیت سازمان ملل

دستاوردهای شناختی: تمهید سازوکار مناسب برای غلبه بر سوء

برداشت‌ها و طرح مفروضات مقوم همگرایی و وحدت

دستاوردهای اقتصادی: تشکیل بازار مشترک کشورهای اسلامی و

تقویت بانک توسعه‌ی اسلامی

دستاوردهای فرهنگی: تقویت صنعت گردشگری بین کشورهای اسلامی
دستاوردهای دفاعی: تقویت همکاری‌های دفاعی و امنیتی
دستاوردهای حقوقی: تشکیل دیوان داورى اسلامی برای موضوعات
مورد اختلاف بین دولت‌های اسلامی

آینده‌ی همگرایی اقتصادی

ساختارهای اقتصادی کشورهای اسلامی بسیار ضعیف و شکننده است ؛ سیاست‌های ارزی این کشورها برپایه‌ی درستی واقع نشده و بازدهی نیروی کار در آن‌ها بسیار پایین است ؛ اقتصادهای آن‌ها بیش‌تر دولتی است ؛ فساد مالی زیاد است ؛ اقتصادها مکمل نیستند و معمولاً تک‌محصولی‌اند.

بنابراین، مسأله‌ی اصلی‌ای که این کشورها با آن روبه‌رو هستند، بازسازی ساختارهای اقتصادی و همکاری گسترده‌ی اقتصادی بین آن‌هاست تا از این طریق امکانات بهتری برای زندگی شهروندانشان فراهم کنند.

در زمینه‌ی همکاری اقتصادی بین کشورهای اسلامی دو کار عمده انجام شده است؛ یکی به‌صورت نظری و دیگری در عمل. آن‌چه هنوز به‌صورت یک طرح، اندیشه یا نظر است، مسأله‌ی تشکیل بازار مشترک اسلامی است که در سال ۱۹۸۱ از طرف مصر پیشنهاد شد. در اجلاس ششم کنفرانس سران که در سال ۱۹۹۱ در سنگال تشکیل شد، بار دیگر طرح همکاری های گسترده ی اقتصادی بین کشورهای عضو تا سرحد ادغام اقتصادی، کاهش یا حذف تدریجی تعرفه و دیگر موانع تجاری مورد بررسی قرار گرفت. برخی از پژوهشگران معتقدند کشورهای اسلامی آمادگی لازم را برای فعالیت های گسترده‌ی اقتصادی در سازمان‌های منطقه‌ای اقتصادی مانند شورای اقتصاد اتحادیه ی عرب، بازار مشترک عرب، اوپک، اکو و اتحادیه ی اقتصادی کشورهای غرب آفریقا تا سر حد تشکیل بازار مشترک دارند. در حقیقت ،

کشورهای اسلامی به صورت فردی یا جمعی در ۱۵ تا از ۱۷ اتحادیه‌ی آفریقایی، در هر چهار اتحادیه‌ی آسیایی و ۱۱ اتحادیه‌ی وابسته به کمیسیون تجارت و توسعه‌ی سازمان ملل متحد (UNCTAD) حضور دارند.^۱ البته برخی از پژوهشگران با توجه به ضعف‌های ساختار کشورهای اسلامی معتقدند که زمینه‌ی عملی تشکیل بازار مشترک اسلامی هنوز فراهم نیست و به زمان احتیاج دارد.^۲

اگرچه طرح بازار مشترک اسلامی تاکنون به صورت یک اندیشه باقی مانده است، تشکیل بانک توسعه‌ی اسلامی را، در سال ۱۹۷۵، می‌توان اولین گام عملی در جهت توسعه‌ی اقتصادی کشورهای اسلامی به حساب آورد. هدف این بانک سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی کشورهای عضو و وام دادن به این کشورها برای طرح‌های تولیدی و توسعه‌ی تجارت خارجی آن‌هاست.

یک نیاز فوری به سیاست‌های اقتصادی مؤثر و منطقی به‌منظور دستیابی به خوداتکایی در تولید، به‌خصوص در بخش کشاورزی و تأمین غذا برای کاهش وابستگی به بقیه‌ی جهان وجود دارد که این امر شاید بزرگ‌ترین چالش رودرروی مسلمانان تحت نظام جهانی شدن باشد. خوداتکایی با تشویق به تولید داخلی، امنیت ملی را بالا می‌برد.

باید با همکاری چند کشور، مقدماتی برای تشویق به تولید منطقه‌ای با پشتوانه‌ی قوی تحقیقی، آموزشی و سرمایه‌گذاری برای تجارب کشاورزان کوچک فراهم شود. اقتصاد برپایه‌ی علم جدید، تکنیک‌های جدید را برای بهبود میزان تولید و رقابت ابداع کرده است. دولت‌ها باید محیط اقتصادی

۱ - Islamic Development Bank; ۳۱st; *Annual Report*; ۲۰۰۵-۲۰۰۶.

۲ - WORLD ISLAMIC ECONOMIC FORUM; ۲۸-۲۹ May ۲۰۰۷; PWTC, Kuala Lumpur, Malaysia; pp. ۷۳-۷۴.

سالمی را بر پایه‌ی سیاست‌های اقتصادی کلان مناسب برای تسهیل آزادی بازار و ایجاد انگیزه فراهم آورند. مؤسسات مالی مثل بازارهای پول، بازارهای سهام و بازارهای سرمایه برای ارتقاء توسعه در جوامع اسلامی ضروری هستند. همچنین تأکید بر عوامل بومی و محیطی در توسعه برای تداوم رشد ضروری است.

همکاری اقتصادی باید به‌منظور افزایش عامل تحرک در راه‌اندازی اتحادیه‌های گمرکی، توافقات دوجانبه و چندجانبه، مناطق آزاد تجاری و گروه‌های منطقه‌ای صورت گیرد. نظریه ی مزیت نسبی براساس تجارت منطقه‌ای در محدوده‌ی جهان اسلام، نسبت به تجارت با بقیه ی جهان، به مسلمانان بهتر کمک می‌کند. مسلمانان برای افزایش قدرت معامله ی جمعی و تأثیرگذاری‌شان بر اقتصاد جهانی، باید قادر به رعایت استانداردهای بین‌المللی و کسب مزیت نسبی باشند.

چالش‌ها و فرصت‌های فرا روی همگرایی اقتصادی

با وجود توانمندی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی کشورهای اسلامی و «اراده‌ی سیاسی» موجود در بین بعضی از سران کشورهای اسلامی در این راستا، به نظر می‌رسد چشم‌انداز همگرایی بین کشورهای اسلامی با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی مواجه است که برخی از آن‌ها در ذیل ارائه می‌شود:^۱

چالش‌ها

- ۱ - یکی از شروط اصلی ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی، سطح مبادلات و ارتباطات کشورهای عضو با یکدیگر است. کشورهای اسلامی با وجود این‌که حدود یک سوم تعداد کشورهای جهان را تشکیل

- می‌دهند، از مبادلات چندانی با یکدیگر برخوردار نیستند. به عنوان مثال، فقط حدود ۱۰ درصد تجارت خارجی این کشورها با یکدیگر و بقیه‌ی آن با سایر کشورهای غیرمسلمان است.
- ۲ - در اکثر بلوک‌های اقتصادی و تجاری یک کشور به عنوان قطب اصلی اقتصادی مطرح است که سایر کشورها با همکاری این کشور قدرتمند اهداف اتحادیه‌ی خود را به پیش می‌برند. به نظر می‌رسد که در بین کشورهای اسلامی چنین کشوری وجود ندارد.
- ۳ - عدم تنوع صادرات در اکثر کشورهای اسلامی باعث شده که سطح تجارت این کشورها با یکدیگر محدود گردد. کشورهای اسلامی بیش‌تر صادرات مواد اولیه داشته و نیازمند کالای ساخته شده‌اند. سهم مسلمانان از بازار سرمایه‌ی جهانی کم‌تر از ۲ درصد است.
- ۴ - عدم الزام عملی اکثر کشورهای مسلمان به مصوبات و تصمیمات اتحادیه‌های مربوطه که نتایج مذاکرات را در عمل بسیار کم رنگ کرده و با وجود صرف نیروی انسانی و منابع مالی فراوان در صحنه‌ی عمل چندان نمود پیدا نکرده است.
- ۵ - در اکثر کشورهای اسلامی اداره‌ی اقتصاد کشورها، مبتنی بر نظام اقتصاد اسلامی نیست و این کشورها با توجه به دیدگاه‌های حکامشان به طرف یکی از نظام‌های اقتصادی غیراسلامی متمایل هستند.
- ۶ - عدم توسعه‌یافتگی اکثر کشورهای اسلامی موجب شده که حاصل جمع همکاری‌های اقتصادی بین آن‌ها مزایای چندانی برای آن‌ها نداشته باشد. به عبارتی، وقتی که اکثر کشورهای عضو از لحاظ تولید، فناوری، مدیریت، صادرات، صنعت و... توانایی چندانی ندارند، امکان این که اتحاد آن‌ها منافع اقتصادی کوتاه مدت داشته باشد،

ضعیف است.

۷ - وجود نقاط ضعف در سطوح ساختاری اقتصاد جهان اسلام؛ از آنجا

که اغلب کشورهای اسلامی اقتصاد سرمایه داری یا دولتی را برگزیده‌اند، به نقایص ساختاری آن گرفتار آمده‌اند. علاوه بر این، کشورهای اسلامی با معضل بزرگ حجم سنگین بدهی‌های خارجی مواجه‌اند. براساس گزارش بانک توسعه‌ی اسلامی، این مبلغ در سال ۱۹۹۶ به ۶۱۸/۸ میلیارد دلار بالغ می‌شود.^۱

۸ - افزایش جدی جمعیت کشورهای اسلامی موجب شده که

سرمایه‌گذاری درآمد ملی در بخش اجتماعی ناپذیر بوده و این وضع موجب می‌شود سرمایه‌گذاری اقتصادی کم‌تری در جوامع اسلامی صورت گیرد.

فرصت‌ها

۱ - وجود نقاط قوت در حوزه‌ی منابع انسانی: جهان اسلام به واسطه‌ی

جمع شدن چند عامل کمی و کیفی جمعیتی (از جمله رشد نرخ امید به زندگی، افزایش زاد و ولد و کاهش مرگ و میر) بالغ بر یک میلیارد نفر را شامل می‌شود. این سرمایه‌ی انسانی ارزشمند، نه تنها یک بازار بالقوه است، بلکه به لحاظ فکری و اقتصادی یک نیروی عظیم تولیدی محسوب می‌شود.

۲ - وجود و ظهور نقاط قوت در حوزه‌ی منابع طبیعی: جهان اسلام منابع

بزرگی در اختیار دارد. ذخایر نفتی خاورمیانه ۶۰ درصد ذخایر نفتی

۱ - مرقاتی، سید طه؛ «جهانشمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات)»؛ شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ ج ۲؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ تهران؛ ۱۳۸۲؛ ص ۵۰.

جهان را تشکیل می‌دهد و این منطقه تولید ۴۰ درصد نفت جهان را تأمین می‌کند. تا کنون کل ذخیره‌ی نفت جهان اسلام به رقمی بیش‌تر از ۶۰ درصد مصرف جهانی می‌رسد. علاوه بر این، در حوزه‌ی مالی نیز سپرده‌ها و سرمایه‌های متعلق به مسلمانان در کشورهای غربی به بیش از ۶۱۸/۸ میلیارد دلار تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود.^۱

۳ - وجود فرصت‌ها در حوزه‌ی راهبردی: جهان اسلام به واسطه‌ی ظرفیت‌های طبیعی و انسانی و به واسطه‌ی جایگاه نفت در اقتصاد جهانی، موقعیت راهبردی را در اقتصاد و دیپلماسی بین‌المللی به خود اختصاص داده است.

راهبردهای همگرایی اقتصادی

کشورهای اسلامی باید در راستای همگرایی اقتصادی، موارد زیر را تعقیب کنند تا تغییری در وضعیت آن‌ها صورت گیرد و همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی افزایش یابد:^۲

۱ - وحدت اسلامی و خوداتکایی دسته‌جمعی برای کاهش وابستگی به غیرمسلمانان و حمایت از منافع اقتصادی در مقابل اثرات زیان‌بخش اقتصاد جهانی؛

۲ - توسعه‌ی منابع انسانی به‌منظور ارتقاء مشارکت مردم در فرایند توسعه و هم‌چنین، تسهیل تحرک شغلی به‌وسیله‌ی کاهش محدودیت‌های

۱ - Al-Salman, Mahdi H; Islamic Regional Economic Integration: Challenges and opportunities; Kuwait University: ۲۰۰۰.

۲ - Managing. Yeoh M; (editor), Partnerships - Unlocking Economic Potential for Growth and Development in Muslim Countries; Pelanduk Publications; ۲۰۰۳.

نقل و انتقال نیروی کار در جهان اسلام؛

۳ - بازیابی هویت تمدنی و احیاء میراث گذشته (بیش تر نهادهای موجود مانند نظام‌های حقوقی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان بقایای میراث استعمار هستند)؛

۴ - لزوم توجه به سنت‌های اسلامی «وقف» و «زکات» به منظور کاهش مشکل فقر بین مسلمانان و احیاء مجدد این سنت‌ها (علاوه بر موارد فوق می‌توانند خدمات لازم برای بهداشت و آموزش را در قالب سازمان‌های غیردولتی و فراملی انجام دهند)؛

۵ - پیشبرد اهداف اقتصاد و مالیه‌ی اسلامی (تجربه‌ی به‌دست آمده از اشکال مختلف سنت‌های مالی اسلامی، بیانگر لزوم تأکید بیش‌تر با هدف بنیان‌گذاری بازارهای پولی و سرمایه و توسعه‌ی ابزارها برای تسهیل جریان‌های مالی جهانی و منطقه‌ای است)؛

۶ - لزوم توجه به فناوری مناسب طرح ریزی شده برای رشد پایدار (به‌کارگیری دانش بومی متناسب با محیط محلی و توسعه‌ی پایدار، همراه با تکنیک‌های مناسب که قادر به استفاده از منابع با راندمان بالا باشند، می‌توانند در دستیابی اهداف فناورانه مؤثر واقع شوند. فناوری خارجی نیز می‌تواند یک نقطه‌ی امید باشد، اما نمی‌تواند برای ثبات طولانی مدت اقتصاد راه حلی پیدا کند)؛

۷ - استفاده از فناوری‌های ارتباطی موجود برای ارتقاء ارتباطات و افزایش اطلاعات (این نوع فناوری‌ها می‌توانند مرزهای جغرافیایی و فرهنگی بین مسلمانان را از بین ببرند)؛

۸ - تقبل طرح‌های مهم داد و ستد مشترک برای بهره‌گیری از منابع شغلی، تکنیکی و مالی‌شان به شیوه‌ی ثمربخش‌تر (چنین طرح‌هایی روابطی به‌سوی گذشته و روبه آینده ایجاد می‌کنند و سرانجام تحرکی

در رشد کشورهای مسلمان به وجود می‌آورد. مسلمانان باید برای تسهیل سرمایه‌گذاری پول نفت در دیگر کشورهای مسلمان تلاش کنند.؛

۹ - ضرورت تأسیس و راه‌اندازی شرکت‌های چندملیتی برای حمایت از منافع و نیازهای مسلمانان، سرمایه‌گذاری و تقسیم فناوری (همکاری بین مسلمانان به توسعه فناوری‌های جدید و گسترش آن‌ها کمک خواهد کرد. اقتصاد جهانی جدید متکی بر توانایی شرکت‌های بزرگ برای رقابت در بازارهای جهانی است.؛

۱۰ - ضرورت شکل‌گیری مذاکرات اقتصادی بین‌المللی (مسلمانان باید سیاست‌ها، قراردادهای و نهادهای یکپارچه‌ای را در سطح همکاری پولی، اقتصادی و مالی بین‌المللی راه‌اندازی کنند تا به روح جهان‌گرایی و همکاری با آثار تمدنی دیگران رهنمون شوند.؛

۱۱ - اجرای اصول اسلامی برای گسترش عدالت اجتماعی، مالکیت، برابری اقتصادی و حقوق و مسئولیت‌های فردی؛

۱۲ - سازگار کردن سیاست‌ها با تغییر مداوم به‌وسیله‌ی حمایت از محیط، کنترل رشد جمعیت و اصلاح کیفیت اسکان مردم در نواحی شهری و روستایی؛

۱۳ - توجه به منطقه‌گرایی (در عصر وابستگی متقابل و جهانی شدن) برای تعدیل فشار جهانی شدن و درعین حال آماده شدن تدریجی برای ادغام در اقتصاد جهانی؛

۱۴ - توجه به همکاری‌های اقتصادی و کارکردی به‌عنوان گام اول در همگرایی به دلیل حساسیت دولت‌ها نسبت به حاکمیت ملی؛

۱۵ - با توجه به عدم موفقیت سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه‌ی همگرایی اقتصادی، تشکیل یک هسته‌ی مرکزی اولیه با شرکت

کشورهای دارای ظرفیت و استعداد لازم از نظر متغیرهای کلیدی (اقتصاد کلان بین‌المللی بهترین روش برای شروع همگرایی و آماده‌سازی زمینه برای پیوستن سایرین به این هسته‌ی اولیه و درنهایت ایجاد بازار مشترک اسلامی است که کشورهای امارات متحده عربی، ترکیه، کویت، بحرین، اندونزی، مالزی، عربستان سعودی، ایران، مصر، لبنان به‌عنوان مناسب‌ترین کشورها برای تشکیل این هسته‌ی اولیه شناسایی شده‌اند. از ده کشور دارای رتبه‌ی یک رقیمی در شاخص ترکیبی کلی پنج کشور عضو گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه و چهار کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس بوده‌اند و بدین ترتیب مناسب‌ترین هسته‌ی مرکزی می‌تواند از اعضای دو زیر مجموعه ترتیبات گروه هشت کشور اسلامی در حال توسعه و شورای همکاری خلیج فارس تشکیل گردد. به عبارتی، کشورهای ایران، مصر، ترکیه، اندونزی، مالزی (از اعضای گروه هشت)، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت، بحرین (از اعضای شورای همکاری خلیج فارس) به‌عنوان مناسب‌ترین کشورها برای تشکیل هسته‌ی اولیه شناسایی شده و پیشنهاد می‌گردند)؛

۱۶ - ایجاد و ارتقای همگرایی اقتصادی بین یکدیگر و دستیابی به مزایای آن از جمله صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس بزرگ تولید، ایجاد و گسترش تجارت، دستیابی به قدرت رقابت و تنوع صادراتی بیش‌تر، گسترش همکاری‌ها و مبادلات علمی و فنی افزایش قدرت چانه‌زنی گروه در سطح جهانی و غیره. این کشورها برای دستیابی به مزایای همگرایی اقتصادی می‌توانند به اقدامات زیر اهتمام ورزند:^۱

- با تشویق سرمایه‌گذاری‌های مشترک می‌توان از صرفه‌جویی‌های

ناشی از مقیاس بزرگ تولید استفاده کرده و مزیت‌های نسبی جدیدی به‌وجود آورد که این امر علاوه بر رفع نیازهای داخلی و گسترش تجارت درون گروهی، قدرت رقابت کالاهای آن‌ها در بازارهای جهانی را نیز افزایش می‌دهد.

- کشورهای اسلامی در سرمایه‌گذاری‌های جدید باید به اصلاح ساختار تجاری خود هم توجه کرده و این سرمایه‌گذاری‌ها را به‌سوی افزایش تنوع صادراتی با تکیه بر تولید کالاهای با ارزش افزوده‌ی بیش‌تر در سطح جهانی سوق دهند.
- این کشورها با ارتقاء آزادسازی و تسهیل تجاری و اعطای امتیازات تجاری و از جمله تعرفه‌های ترجیحی به یکدیگر باید به گسترش تجارت درون گروهی کمک کنند.
- کشورهای اسلامی برای گسترش تجارت درون گروهی باید به رفع موانع تجاری موجود و از جمله تکمیل و تسهیل قوانین و مقررات تجاری همت گمارند.
- توسعه‌ی تحقیقات تجاری و از جمله تحقیقات مشترک برای شناخت امکانات و نیازهای بالفعل و بالقوه‌ی این کشورها یکی از نیازهای اساسی برای گسترش تجارت درون گروهی است.
- ایجاد یک بانک اطلاعات تجاری مشترک که اطلاعات لازم از جمله قوانین و مقررات تجاری و امکانات و فرصت‌های موجود این کشورها را به‌راحتی در اختیار تجار آن‌ها قرار دهد بسیار ضروری است.
- گسترش همکاری‌ها و مبادلات فرهنگی با توجه به دین مشترک این کشورها به تقویت پیوندهای درون‌گروهی و در نتیجه تسهیل و تمایل به تجارت بین آن‌ها کمک زیادی می‌کند.

- بدیهی است که انجام اقدامات بالا به سازوکارهای اجرایی و ترتیبات نهادی جدید و فعالی نیاز دارد. در واقع، پیشبرد برنامه‌ریزی شده‌ی فرایند همگرایی اقتصادی تا نیل به اهداف نهایی آن احتیاج به هماهنگی در سیاست‌گذاری کشورهای عضو در کلیه‌ی مراحل همگرایی دارد.
- ۱۷ - این کشورها در برنامه‌ریزی‌های خود در طول فرایند همگرایی باید مرحله‌ی بعد از آن یعنی ادغام در اقتصاد جهانی را هم در نظر داشته و همراه با پیشبرد فرایند همگرایی با کسب قدرت لازم، خود را برای مرحله‌ی بعد از آن آماده سازند؛
- ۱۸ - کاهش موانع تعرفه‌ای در قالب ایجاد انواع موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای، در میان کشورهای اسلامی به‌ویژه کشورهای عضو ترتیبات منطقه‌ای گروه دی هشت (D۸) و نظام ترجیحات تجاری در بخش صنعت می‌تواند موجب افزایش حجم تجارت درون گروهی کشورهای مذکور گردد.
- با توجه به درصد پوشش تجارت مکمل و سطح نرخ تعرفه‌ی پایین کشورهای اسلامی واقع در غرب آسیا و خاورمیانه و با در نظر گرفتن سایر جنبه‌ها، ایجاد منطقه‌ی آزاد تجاری می‌تواند به‌عنوان یکی از راه‌کارهای پیشنهادی جهت حرکت به سمت تحقق ایده‌ی بازار مشترک اسلامی باشد. در صورت تحقق همگرایی اقتصادی در میان کشورهای اسلامی می‌توان آینده را این‌گونه پیش‌بینی نمود که:^۱
- ۱ - هفت درصد صادرات کالاها و خدمات جهان در میان کشورهای اسلامی خواهد بود.

- ۲ - بیش از ۴۲۰ میلیارد دلار، معادل ۶ درصد گردش سرمایه‌ی جهان،^۱ در میان کشورهای اسلامی خواهد بود.^۲

سناریوی مؤثر در همگرایی اقتصادی

با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های فراروی کشورهای اسلامی، به نظر می‌رسد بتوان سناریوی چندمرحله‌ای ذیل را برای تقویت همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی به‌کار گرفت:^۳

• **مرحله‌ی اول:** کشورهای مسلمان در این مرحله می‌بایست مشکل اقتصاد داخلی خود را حل نمایند. مشکلات متعدد اقتصادی هم چون فقدان مبانی نظری مستحکم اقتصادی، فقر، توزیع ناعادلانه‌ی درآمد، تورم، بیکاری، صادرات اندک، درآمد سرانه‌ی پایین و... در اکثر کشورهای اسلامی مشکلات اقتصادی - اجتماعی مهمی ایجاد کرده است. می‌باید حکام کشورهای مسلمان نخست قدرت سازماندهی خود را در سطح جامعه‌ی خویش به نمایش گذارند و سپس برای کل جهان اسلام اقدامات لازم را انجام دهند.

• **مرحله‌ی دوم:** با توجه به تعداد، وسعت و پراکندگی کشورهای اسلامی در سطح جهان و به‌علت ضرورت مراتب موقعیت جغرافیایی کشورهای عضو اتحادیه‌ی اقتصادی جهت موفقیت آن، جهان اسلام می‌باید در ابتدا چند بلوک اقتصادی جزئی تشکیل دهد که برای این امر می‌توان از اتحادیه‌های موجود چون اکو، آ.سه.آن، شورای همکاری خلیج

۱ - Turnover

۲ - World Bank; The Major Economic, Social & Trade Indicators; Ibid.

۳ - Fahim Khan; *Islamic Futures and their Markets*; Islamic Development Bank; ۱۹۹۷; pp. ۳۱-۳۵.

فارس و... بهره گرفت.

• **مرحله‌ی سوم:** هر یک از زیربخش‌ها می‌بایح یک فرایند مرحله به مرحله را برای اتحاد بیش‌تر در پیش بگیرند. به گونه‌ای که ابتدا با اتخاذ شرایط در مورد تجارت، بازارهای مالی، نیروی انسانی و سایر ظرفیت‌ها به توسعه‌ی روابط اقتصادی اقدام نمایند. در این میان به علت فقدان تنوع صادرات، همکاری‌های علمی، نیروی انسانی و سرمایه گذاری، پیشنهاد می‌شود پس از رفع این مشکلات گسترش توان و تنوع صادراتی، اقدام به ایجاد بازار مشترک نموده تا پس از افزایش قریب‌های اقتصادی بتوانند، به عنوان یک اتحادیه، تمامی موانع انتقال کالا، سرمایه و نیروی کار را از میان بردارند.

• **مرحله‌ی چهارم:** در صورت پیشرفت کار زیربخش‌های نام برده شده در بین کشورهای اسلامی، این زیر بخش‌ها در هر یک از مراحل همگرایی اقتصادی می‌توانند همکاری‌های اقتصادی خود را با یکدیگر انجام دهند. شیوه‌ی همکاری بیان شده می‌تواند یک بلوک اقتصادی قدرتمند توسط کشورهای اسلامی ایجاد نماید؛ چراکه برخورداری کشورهای اسلامی از پتانسیل تئوریک و مادی لازم برای این کار، منجر به شکل‌گیری یک اتحاد واقعی و مبنایی بین آن‌ها می‌شود. در صورت ایجاد یک اتحاد اقتصادی مستحکم بین کشورهای اسلامی، این کشورها می‌توانند محاسبات نظم نوین جهانی و دسته بندی‌های کشورهای حاشیه و پیرامون را به هم بریزند و جایگاه نوینی برای خود تعریف کنند.

آینده‌ی همگرایی فرهنگی

بهره‌برداری از ارزش‌ها، زمینه‌ها و علایق مشترک فرهنگی از دیگر عناصر مهم همگرایی در میان کشورهای اسلامی به‌شمار می‌رود که در ادامه به بررسی

این مهم پرداخته می‌شود.

راهبردهای همگرایی فرهنگی

دستیابی به همگرایی فرهنگی در جهان اسلام مستلزم حرکت کشورهای اسلامی در جهت راهبردهای ذیل است:^۱

۱ - یک گام مهم، ارائه‌ی پژوهش‌های عملی برای تبیین حقایق تاریخی از دیدگاه علمی بدون تعصبات مذهبی است. از آن جا که بسیاری از تعصبات در اطراف مسائلی دور می‌زند که پایه‌ی علمی ندارد، این تحقیقات می‌تواند روشنگر بسیاری از نکات باشد. البته در این باره باید افرادی که خودشان از تعصب به دور هستند، کتاب و مقاله بنویسند و در نوع نگارش، لطمه‌ای به عواطف و احساسات مذهبی نزنند. روشن است که نشر این قبیل پژوهش‌ها باید با زبان کاملاً علمی نوشته شده و تحریک‌کننده نباشد، بتواند دست کم روی قشری از فرهیختگان تأثیر بگذارد و از طریق آنان به توده‌های مردم منتقل شود. در سال‌های اخیر، روشنفکران جهان اسلام تألیفاتی در این زمینه داشته‌اند که گرچه برخی با واکنش‌های منفی مواجه شده، اما روی نسل جدید تأثیر خاص خود را داشته و می‌توان امید داشت که به مرور فراگیر شود.

۲ - باید توجه داشت که بروز تعصبات مذهبی، بیش از آن که از ناحیه‌ی اکثریت باشد که نیازی به آن‌ها ندارد، از ناحیه‌ی جامعه‌ی اقلیتی

۱ - Zubair, Hasan; The New World Order; Muslim Predicament; and the way out *International*; Islamic University of Malaysia; ۲۰۰۴ Online at: <http://mpira.ub.uni-muenchen.de/> ۳۰۰۹/MPRA Paper No. ۳۰۰۹, posted ۳۰; April ۲۰۰۷ / ۰۷: ۳۸ and look at Organisation of the Islamic Conference, *OIC 1۰-year Action Plan*; ۲۰۰۵.

است که در میان یک اکثریت زندگی می‌کند و تحت فشار آن هاست. دلیل این امر آن است که هر اقلیتی وقتی خود را در تهدید ببیند، روی مسائل خاص خود تکیه می‌کند و با شدت و حدت بیش‌تری به حفظ آن‌ها می‌پردازد. بنابر این، تا وقتی مشکل اقلیت‌ها حل نشود، ماجرای اختلاف میان آنان و دیگران حل نخواهد شد. اقلیت باید احساس کند تفاوتی با دیگران ندارد و این امر تنها با اعطای حقوق حقه‌ی او امکان‌پذیر است.

۳ - یک اقدام اساسی برای وحدت، پدید آوردن شعارها و نمادها برای وحدت است که می‌باید در دستور کار مراکز تبلیغی و رسانه‌ای قرار گیرد. برای این کار باید تمامی مراکز هنری آماده شوند. یک مثال تاریخی، نشریه‌ای است که حدود پنجاه سال پیش در تهران با نام مسلمین به چاپ می‌رسید و نشریه‌ای وحدت‌گرا بود. در این نشریه به اخبار جهان اسلام به‌طور یکسان نگاه می‌شد. به لحاظ شعاری، روی جلد آن، در حاشیه، در سه سمت بالا و چپ و راست، تصویر کوچک شده‌ی ده‌ها مسجد بزرگ جهان اسلام را که هر کدام از یکی از شهرهای برجسته در جهان اسلام بود، انتخاب کرده و تقریباً به‌صورت دائمی این حاشیه را روی جلد نشریه به چاپ می‌رساند. دنبال کردن بحث‌های مربوط به تمدن اسلامی و تبیین نظریاتی برای بازگشت به شکوه و عظمت جهان اسلام که معلول نوعی اتحاد میان اقوام و ملت‌های اسلامی در قرن چهارم و پنجم هجری بود، می‌تواند در آماده کردن اذهان امت برای وحدت و در نهایت رسیدن به مجد و عظمت پیشین مؤثر باشد.^۱

۱ - معزالدين، محمد سعيد؛ «آوای وحدت»؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ؛ مرداد ۱۳۷۴؛ صص ۸۸ - ۳۳.

- ۴ - در جریان وحدت، می‌بایع هر چه بیش‌تر به‌دنبال مقاطعی از تاریخ گشت که بتواند نقطه‌ی اتکای هر دو طرف باشد. برای مثال، سیره‌ی نبوی (ص) باید با نهایت اهمیت دنبال شود. مسلماً در طرح سیره‌ی نبوی (ص) امکان آن هست که بدون مسائل فرقه‌ای به آن پرداخته شود و بر اسلامیت به‌طور کلی و تجربه‌ی اسلامی، منهای آن چه به مسائل مذهبی مربوط می‌شود، تأکید صورت گیرد.
- ۵ - حفظ و ارتقاء ملاک‌های اخلاقی و تربیتی و روحیه‌ی نشاط در سطوح مختلف آموزشی براساس اصل «اخلاق محوری» و «تربیت‌مداری» در نظام آموزشی.
- ۶ - برنامه‌ریزی و هدایت نظام آموزشی در راستای پژوهش محوری و حمایت از تولید فکر و اندیشه‌های علمی براساس اصل «پژوهش محوری» و تولید اندیشه.
- ۷ - مسلمانان در اوج تمدنشان، در همه‌ی رشته‌های علمی مثل علوم، هنر، معماری، ستاره‌شناسی، ریاضیات و پزشکی سرآمد بودند. اما اکنون در برخی علوم مانند گذشته سرآمد نیستند.
- مفهوم علم و مشتقاتش ۸۸۰ بار در قرآن آمده است که این تکرار کسب دانش را برای هر مسلمانی واجب می‌سازد. پیامبر اکرم (ص) با فرمایش این‌که «کسب دانش وظیفه‌ی هر زن و مرد مسلمانی است» ارزش دانش را بازشناسانده و هم‌چنین مسلمانان را به سفر کردن برای یادگیری دانش دیگران، حتی به چین و استفاده از آن برای پیشرفت مسلمانان سفارش کرده است. در حال حاضر، کشورهای اسلامی با وجود چالش‌های اقتصادی جهانی، اعتبارات بسیار کمی را برای اصلاح ظرفیت‌های فکری جوامع‌شان تخصیص می‌دهند.

۸ - نهادهای آموزشی و تربیتی به‌قدر کافی مجهز به تأمین نیازهای مسلمانان برای پیشرفت فناوریانه و علمی نیستند. در بین مسلمانان نسبت به گروه‌های دیگر در جهان بیسوادان بیش‌تری وجود دارند. بسیاری از متخصصان مسلمان به‌خاطر نبود انگیزه‌ی مناسب، حقوق ناکافی، تسهیلات تحقیقی ناکافی، کمبود فرصت‌ها و پیامدهای سیاسی در خدمت غیرمسلمانان هستند.^۱

آینده‌ی همگرایی مذهبی

مبانی مکتبی و ارزشی مشترک از جمله مهم‌ترین زمینه‌های همگرایی امت اسلام به‌شمار می‌رود. به سبب اهمیت این موضوع، بررسی مذهب به عنوان یکی از ابعاد مهم همگرایی کشورهای اسلامی موردبررسی قرار گرفته است.

چالش‌ها و فرصت‌های فرا روی همگرایی فرهنگی و مذهبی

کشورهای اسلامی دارای یکی از عمیق‌ترین اشتراکات فرهنگی، که زمینه‌ی بسیار مطلوبی را برای ایجاد همگرایی فراهم نموده است، هستند. اسلام به‌عنوان دین مشترک، که موجب احساس قرابت هویتی مسلمانان شده است، هم‌چنان در آینده به‌عنوان عامل همگرایی مطرح خواهد بود و به‌نظر می‌رسد با ظهور دشمن مشترک فرهنگی مسلمانان که استعمار فرانوی فرهنگی آمریکاست، این همگرایی افزون‌تر گردد. اما این عرصه نیز با چالش‌ها و فرصت‌های گوناگونی روبه‌روست که در ذیل ارائه می‌شود:^۲

۱ - Islamic Development Bank; Key Socio-Economic Statistics on IDB Member Countries; Statistical Monograph No. ۲۶; ۲۰۰۶.

۲ - «چالش‌های فرهنگی - تبلیغی و فرصت‌های پیش‌رو»؛ همایش بین‌المللی جهان اسلام: چالش‌ها و فرصت‌ها؛ تهران: وزارت امور خارجه؛ ۱۳۸۳، صص ۲۲۳-۲۸۱.

چالش‌ها

گسترش روند جهانی‌شدن حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه‌ی فرهنگی موجب خواهد شد که جهانی‌شدن با نفوذ به لایه‌ی «هویتی جهان اسلام» به ایجاد هویت‌های تازه‌ای همت گمارد که این هویت‌ها به میزان زیاد خود را از فرهنگ و تمدن اسلامی بیگانه می‌پندارد و بدین ترتیب روند «استعماری فرهنگی» بازیگران سیاسی در جهان اسلام را تسریع بخشیده و در نهایت فروپاشی مفهومی آن را دنبال می‌نماید. امروزه لیبرال دموکراسی در پی تکرار پروژه‌ی فروپاشی مفهومی جهان اسلام است. با این هدف که حلقه‌ی ایدئولوژیک اسلامی دچار بحران معنا شده و بدین ترتیب بلوک قدرت بیرونی به‌علت قرار گرفتن در خلاء معنایی به یک‌باره از هم بپاشد.^۱

به حاشیه رانده شدن کشورهای اسلامی در روند توسعه و تلاش برای جلوگیری از طی مراحل توسعه توسط مسلمانان و دستیابی به دستاوردهای علمی، چالشی جدی است که پتانسیل بالای کشورهای اسلامی و امکان اتخاذ و سیاست تکمیلی برای بهره‌برداری بهینه از این ثروت و فراهم آوردن زمینه‌های بروز توانایی علمی مسلمانان را تضعیف می‌کند.

فرصت‌ها

اسلام دین آرامش، صلح، پویایی و زندگانی است که به حیات بیش از یک‌میلیارد انسان با نژادها، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و منطقه‌های مختلف

۱ - Lausanne Committee for World Evangelization; *Understanding Muslims* "A New Vision, a New Heart, a Renewed Call"; Lausanne Occasional Paper No. ۴۹ ۲۰۰۴ Forum for World Evangelization; Thailand, September ۲۹ to October ۵; ۲۰۰۴.

جغرافیایی معنا و روشنی بخشیده است. در این راستا کشورهای اسلامی استحقاق بازیابی هویت بایسته و جایگاه شایسته‌ی خود را دارند. آگاهی مسلمانان از توان و ظرفیت‌های بالقوه‌ی فرهنگی - اسلامی در ابعاد مختلف و بهره‌گیری از توانمندی‌های نهان ملل مسلمان در تقویت و ارتقاء همگرایی بین آن‌ها حائز اهمیت فراوان است. تجدید حیات سیاسی و فرهنگی اسلام در قالب «اسلام‌گرایی» بخشی از حرکت عمومی و معاصر در کشورهای اسلامی بوده و به‌عنوان یک جریان مهم مدنی و تأثیرگذار در عرصه‌ی اندیشه و حوزه‌ی عمل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مطرح است. لذا ضمن تأکید بر ضرورت تفکیک اسلام‌گرایی مبتنی بر اسلام ناب از رویکردهای افراطی، هر گونه تندروی محکوم است.^۱ جهان در هزاره‌ی سوم رویکردی معنوی پیدا کرده است. رشد گرایش به اسلام در غرب اعم از آمریکا و اروپا از یک‌سو و رشد ضدیت و نفرت از آمریکا در کشورهای اسلامی و شرقی از سوی دیگر گواه این مدعاست. رویکرد معنوی گرایش‌ات بشری در هزاره‌ی سوم موجب تقویت جایگاه اسلام در تعاملات جهان کنونی شده و می‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ی همگرایی فرهنگی کشورهای اسلامی که اسلام را مایه‌ی عزت و افتخار خود می‌دانند، عمل نماید. امروزه، در بین ملل اسلامی کشورهایی با پتانسیل قوی علمی و صنعتی ظهور یافته‌اند. موقعیت‌های ممتاز ژئوتکنیکی کشورهای اسلامی می‌تواند در جهت تقویت یکدیگر و تعمیق همگرایی به‌کارگرفته شود و همکاری‌های صنعتی و علمی کشورهای اسلامی را تسهیل نماید.

۱ - Fulya Celik; *Muslims at a Crossroads: alienation or integration*; Sunshine Mosque Open Day Sunday ۲۹ April; ۲۰۰۷.

راهبردهای همگرایی مذهبی

در رابطه با فراهم ساختن زمینه‌های همگرایی در ابعاد دینی - مذهبی در بین کشورهای اسلامی راهبردهای ذیل ارائه می‌شود:^۱

- ۱- رهبران هر مذهبی می‌بایست برای وحدت زمینه‌سازی کنند. این کار در دو مرحله انجام می‌گیرد: اول، ایجاد زمینه‌های ذهنی، که اندیشمندان باید فراهم کنند. دوم، توصیه‌های عملی و راهبردی، که نمی‌تواند از سوی علمای درجه سوم و حتی دوم مطرح شود. این اقدام برای آن که به نتیجه برسد باید از سوی بالاترین مقامات مذهبی، که مورد اعتماد مردم و هم‌مذهبان خود هستند، اعلام شود. اظهارنظر در این باره از سوی دیگران ممکن است زمینه‌ای را فراهم کند، اما بسا تردیدهایی را هم به وجود می‌آورد. باید تلاش کرد تا رهبران مذهبی اصلی رهبری جریان وحدت اسلامی را در دست بگیرند.
- ۲ - انجام تحقیقات و انعکاس آن‌ها در قالب کتاب و مقاله جهت انعکاس آسیب‌هایی که مسلمانان در اثر اختلافات مذهبی در طول تاریخ متحمل شده‌اند گامی مهم جهت ایجاد زمینه‌های ذهنی در مسلمانان در راستای تکیه بر عوامل وحدت‌بخش به جای تفرقه است. به عبارت دیگر، بیان تجارب تلخ اختلاف‌ها می‌تواند راه را برای ساختن ذهنیتی در جهت بی‌فایده بودن تکرار آن مسائل هموار کند.
- ۳ - تاریخ تمدن اسلامی حاکی از شکل‌گیری همگرایی پیرامون محور عرفان و معنویت است. زمانی که دنیای اسلام علاقه عرفانی گسترده داشت، توانسته بود نسل‌ها و نژادها و طوایف مختلف را زیر سایه ی وحدتی فراگیر جای دهد و از آنان یک امت واحده شکل دهد.

۱ - خیرخواه، کامل؛ «وحدت بر محور مکتب اسلام»؛ مجله‌ی مکتب اسلام؛ سال ۲۳؛ شماره‌ی ۳؛ ص ۱۹۵.

۴ - پرهیز از افراطی‌گری و مهار افراطیون از دیگر مسائلی است که باید لحاظ شود. از بین بردن زمینه‌های شکل‌گیری این حرکات و نفی خشونت به‌عنوان ابزار این گروه گام نخست در مهار افراط‌گرایی است.

۵ - نکته‌ی دیگر آن‌که عالمان و اندیشمندان می‌بایست از اظهار نظرهایی که سبب تحریک هم‌مذهبان آنان می‌شود جلوگیری کنند.

۶ - وحدت اسلامی معطوف به حذف مذاهب و ریشه‌کن ساختن باورهای مذهبی و از میان بردن تمامی اختلافات و گرایش‌ها نیست، بلکه معطوف به التزام مسلمانان به اصول اسلام است. وحدت اسلامی ناظر بر همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر پایه‌ی اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی و اتخاذ موضع یکسان به‌منظور تحقق اهداف و مصالح عالی‌ه‌ی امت اسلامی و موضع متحد در برابر دشمنان امت است.

از مهم‌ترین شکاف‌های امروز جهان اسلام می‌توان به شکاف‌های مذهبی اشاره کرد. بدین معنا که مذاهب مختلف موجود در درون گفتمان اسلام اعم از شیعه و سنی یا فرقه‌های منشعب از آن‌ها، از آن حیث که ریشه در اصول اسلامی دارند، با یکدیگر نقاط مشترک بسیار دارند و لذا شایسته است در مقابل گفتمان‌های رقیب متحد قرار گیرند. حال آن‌که در مقام عمل این نتیجه حاصل نیامده و گسست مهمی میان مذاهب مختلف تعریف شده و لذا مذاهب اسلامی در مقابل یکدیگر قرار داده شده‌اند. نتیجه آن‌که کشورهای اسلامی با یکدیگر بیگانه و با بیگانگان نزدیک‌ترند.

چالش‌های فراروی همگرایی مذهبی

با وجود این‌که جهان اسلام مذاهب و فرقه‌های متعددی را در خود جای

- داده است، کشورهای اسلامی عمدتاً در برابر بیگانگان و دشمنان مشترک، اسلام را به‌عنوان دین مشترک و عامل انسجام و پیوند میان خود می‌دانند. با وجود تلاش کشورهای اسلامی جهت کاهش اثرات سوء فرقه‌گرایی، برخی از چالش‌های جهان معاصر که در ذیل می‌آید، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- ۱ - وجود تفکرات و گرایش‌های ارتجاعی در درون برخی کشورهای اسلامی موجب شده است که این افکار منحنط، جلوی حرکت‌های مهم و ترقی‌خواهانه را بگیرد، به‌گونه‌ای که حتی از سوی دشمنان اسلام نیز در راستای ایجاد اختلاف، مورد بهره‌برداری سوء قرار می‌گیرد.
- ۲ - بروز افراطی‌گری‌های خشک و متعصبانه که به‌دور از هرگونه منطق و استدلال بوده و از اسلام چهره‌ای خشن، غیرمنطقی و خشونت‌پرور ارائه می‌دهد. این‌گونه جریان‌ها تندرو چهره‌ی معتدل اسلام را مخدوش کرده و اشکال غیرواقعی از اسلام نشان می‌دهند. زمانی که این‌گونه تفکر متوجه درون جهان اسلام می‌شود، موجب تقویت و تشدید شکاف‌ها و اختلافات می‌شود.
- ۳ - تعقیب و تقویت تفکراتی چون جدایی دین از سیاست، سکولاریزه شدن جریان‌های سیاسی و گروه‌ها و احزاب سیاسی موجب به حاشیه راندن مذهب اسلام به‌عنوان عامل همگرایی می‌شود.

آینده‌ی همگرایی سیاسی

چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی سیاسی

ظهور و بروز اراده‌ی همگرایی در حاکمان سیاسی به‌عنوان مقدمه‌ی همگرایی کشورهای اسلامی در ابعاد دیگر محسوب می‌شود. زمانی که دولت‌های حاکم اسلامی به ضرورت و اهمیت چنین تحولی پی ببرند، تلاش‌ها به‌سوی ایجاد همکاری و همگرایی افزون خواهد شد. اما در این مسیر نمی‌توان

از چالش‌ها و فرصت‌های فرارو، که برخی از آن‌ها در ذیل می‌آید، غافل شد.

چالش‌ها

- ۱ - اختلافات سیاسی، نظامی و قومی موجود در بین برخی کشورهای اسلامی، به‌خصوص کشورهای همسایه، به‌گونه‌ای بوده که نه تنها مانع از اتحاد و همگرایی کشورهای اسلامی شده، بلکه آن‌ها را به‌عنوان دشمن یکدیگر معرفی کرده است. کشورهای عراق و ایران ۸ سال با یکدیگر جنگیده‌اند و اختلافات ترکیه با سوریه و ایران و ... هر یک به‌گونه‌ای دارای پیشینه‌ای چندین ساله‌اند.
- ۲ - بسط و نفوذ ایده‌های غربی در حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی، که همراه با پشتوانه‌ی عظیم فکری - رسانه‌ای است، موجب می‌شود تا اصول عملی سیاست اسلامی و کارآمدی دین مورد پرسش واقع گردد تا آن‌جا که اندیشه‌گران مسلمان، حکم به بن بست فکری ایدئولوژی اسلامی برای حضور در گستره‌ی سیاست عملی داده و بدین ترتیب کشورهای اسلامی را در سیاست عملی نیازمند الگوهای متعارف سکولاریستی می‌دانند. این وضعیت که موجب شکل‌گیری نظام‌های سیاسی با ماهیت‌های متفاوت و گاه متعارض شده است، موجب تضعیف همگرایی سیاسی می‌شود.
- ۳ - مناسبات و شرایط برآمده از روند جهانی شدن، که بر رابطه‌ای نامتعادل در بین بازیگران سیاسی استوار است، منجر به بروز نارضایتی نزد طیف عمده‌ای از دولت‌ها شده است. دلیل این امر نیز آن است که در این فضای تازه، منابع و کانون‌های قدرت در قالب‌های تازه‌ای بازتعریف می‌شوند که کشورهای اسلامی عموماً از آن محرومند و لذا در جدول رده‌بندی بازیگران سیاسی، تنزل مرتبه

یافته و به حاشیه رانده می‌شوند. بر این اساس، چنین به نظر می‌رسد که مطابق اصول واقع‌گرایانه نیز جهان اسلام نمی‌تواند نسبت به آینده‌ی خود در چشم‌انداز فضای روابط جهانی شده امیدوار باشد.

۴ - عدم تلاش جدی کشورها در رفع موانع همبستگی در عرصه‌ها و برخورد انفعالی با دشمنان اسلام و استکبار جهانی و غفلت از خودباوری و درک این نکته که می‌توان با تکیه بر توانایی‌های ذاتی به صورت فعال در جهان امروز ایفای نقش کرد.

۵ - بروز و ظهور درگیری‌های سیاسی، تبلیغاتی و نظامی بین کشورهای اسلامی که منجر به بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در تعاملات این کشورها شده و نابسامانی سیاست‌های داخلی را نیز به آن افزوده است. بسیاری از کشورهای اسلامی در نتیجه‌ی رقابت‌های سیاسی - نظامی با یکدیگر علاوه بر تعمیق و توسعه‌ی نفرت و کینه، همواره دچار ضعف و تزلزل در ثبات سیاسی داخلی هستند.

۶ - از مهم‌ترین جلوه‌های واگرایی در جهان اسلام، واگرایی سیاسی است که مقصود از آن تعدد حکومت‌ها، احزاب و گروه‌ها نیست، بلکه منظور کشمکش‌های منفعت‌طلبانه میان آنهاست.

کشمکش‌هایی که یا از خودمحوری‌های دیرین سرچشمه گرفته یا ارمغان بیگانگان است که در صحنه‌ی سیاسی این کشورها خودنمایی می‌کند. تا زمانی که نخبگان و حاکمان اسلامی مصالح اسلام را بر منافع شخصی و منافع قدرت‌های بزرگ ترجیح نداده‌اند، این وضعیت چالش‌زا ادامه خواهد داشت.

۷ - جوان بودن و جدیدالتأسیس بودن بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله چالش‌های همگرایی سیاسی کشورهای جهان اسلام است.

درحوزه‌ی جهان اسلام، به‌ویژه خاورمیانه و شمال آفریقا، هویت‌های

ملی ساخته می‌شوند و وفاداری به سرزمین شکل می‌گیرد. لذا فرهنگ‌های بومی و قومیت‌گرایی در اصالت اسلامی آن‌ها دخالت کرده و مسائل ملی‌گرایی و قومیت‌گرایی‌های افراطی ظهور و بروز می‌کند.

۸ - جنگ‌های داخلی دامنه‌دار در برخی کشورهای اسلامی و تداوم سیاست‌های حکومت‌های دست‌نشانده و ابرقدرت‌ها در حوزه‌ی جهان اسلام مانع یکپارچه‌سازی و همگرایی کشورهای اسلامی است. این وضعیت موجب شده است که قدرت‌های جهانی با ناامن نشان دادن خاورمیانه، حضور خود را در درون کشورهای اسلامی، که خود مانع بزرگی بر سر راه همگرایی اسلامی تلقی می‌شود، توجیه و تفسیر نمایند.

فرصت‌ها

۱ - بیداری کشورهای اسلامی و فشار غرب بر آنان به‌طور عملی آنان را به تعامل با یکدیگر تشویق نموده است. اگر کشورهای اسلامی در سال‌های قبل به دلایل مختلف پیوندهای سستی داشتند، امروز پیوند مستحکم‌تر را برای امنیت خویش لازم می‌دانند. از این بستر می‌توان بهره جست.

۲ - در این راستا، جدای از روابط دوگانه‌ی کشورهای اسلامی با یکدیگر در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، خارج شدن سازمان کنفرانس اسلامی از انفعال در ایجاد همگرایی کشورهای اسلامی کلید کار است. به‌نظر می‌رسد که امروز عزم کشورها بیش‌تر از دیروز در جهت همگرایی است.

۳ - وضعیت کنونی نظام بین‌الملل و قدرت‌های هژمون آن به‌گونه‌ای

است که آن‌ها توانمندی‌های بالایی را در مقابل بی‌توجهی به جنبه‌ی معنوی و اخلاقی از آن خود کرده‌اند. لذا علی‌رغم نمایش اقتدار آنان که به شدت شکننده است، آنان از قدرت بسیار ضعیفی از نقطه‌نظر فرهنگی اخلاقی برخوردارند و به شدت از ضعف روحی - روانی در حوزه‌ی سیاسی رنج می‌برند. این وضعیت موجب می‌شود که کشورهای اسلامی با برتری‌های حوزه‌ی سیاست اخلاقی و عملی به یکدیگر نزدیک‌تر شوند.

راهبردهای فرا روی همگرایی سیاسی

دولت‌ها و دولتمردان به‌عنوان عناصری که تصمیمات و اراده آن‌ها نقش مهمی در حرکت به‌سوی همگرایی فرهنگی، مذهبی و اقتصادی دارد، قبل از هر اقدامی باید ایده‌ی همگرایی را باور و درک نمایند. لذا همگرایی سیاسی گام مهمی در روند همگرایی جهان اسلام محسوب شده و الزامات و راهبردهای ذیل را می‌طلبد:^۱

- ۱ - در درجه‌ی نخست دولت‌های اسلامی، می‌بایست وحدت را به‌عنوان یک اصل مسلم باور کرده و آن را مبنای سیاست‌های عمومی خویش قرار دهند. یکی از مهم‌ترین نتایج این امر طراحی سیاستی است که بتواند امت اسلامی را به وحدت برساند. مهم‌ترین این سیاست‌ها، حرکت در جهت از بین بردن تعصب و طایفه‌گری است که هم برای ایجاد وحدت سیاسی در کشورها اهمیت دارد و هم برای ایجاد همگرایی در کلیت جهان اسلام.
- ۲ - اتخاذ سیاست قوی همکاری بین مسلمانان و تنظیم سیاست‌های

۱ - مظفری، محمد حسین؛ «مبانی عینی همبستگی اسلامی»؛ مقاله‌ی ارائه شده در هفتمین

کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلام؛ ۱۳۷۴.

مشترک، منافع منطقه‌ای و جهانی مسلمانان را تضمین می‌کند. اگر دولت‌ها نیاز به مشروعیت برای حکومت کردن دارند، تلاش‌های جدی باید برای تجدید سنت‌های سیاسی شان و دموکراتیزه کردن فرایند سیاسی برای اجازه‌ی مشارکت عمومی صورت گیرد. باید به مردم اختیار بیش‌تری برای پیشبرد منافع ملی بدهند و رهبران را به خاطر عملکردشان پاسخگو و مسئول سازند و باید از حقوق و آزادی‌های فردی در مقابل اشکال مختلف بی‌عدالتی و تبعیض دفاع کنند.

۳- از نظر سیاسی جهان اسلام می‌تواند برای خود نقش یک قدرت منطقه‌ای را تعریف نماید و بدین ترتیب زمینه‌ای را فراهم آورد که منافع کلیه‌ی کشورهای اسلامی عضو از ناحیه‌ی تعریف و تأسیس «اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی» حاصل آید. روایی و پایایی چنین نقش و جایگاهی به دلایل ذیل است:^۱

- بهره‌مندی جهان اسلام از کانون‌های معتبر برای ایجاد قدرت؛
- داشتن ایدئولوژی برون‌گرا که قابلیت طرح خود را در گستره‌ی جهانی دارد و حداقل در قلمرو جهان اسلام از مقبولیت اجتماعی برخوردار است؛
- سهم قابل توجهی که در شبکه‌ی ارتباطات جهانی به دلیل داشتن توان تولید فکر و اندیشه عهده‌دار است؛
- امکان ارتقاء سازمان نظامی خود و تبدیل نمودن آن به یک قدرت مؤثر در سطح منطقه‌ای؛

۱- مجیدی، محمد رضا؛ «کارکردگرایی و همگرایی جهان اسلام»، مقاله‌ی ارائه شده در مجموعه مقالات استراتژی تقریب مذاهب اسلامی؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلام؛ ۱۳۸۹؛ ص ۴۴۹.

- برخوردار بودن از قلمرو جغرافیای وسیع که دربردارنده جمعیتی بالاست؛
 - ژئوپلیتیک حساس و تأثیرگذاری در نظام جهانی.
- ۴ - تأسیس «اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی» به‌عنوان هدفی بزرگ ارزیابی می‌شود که به‌عنوان کارآمدترین بدیل ساختاری برای نظم نوین جهانی در قرن حاضر مطرح است. از این منظر، بازیگران ملی با بازتعریف خود در قالب «بلوک‌های قدرت منطقه‌ای» به ایفای نقش پرداخته و تلاش می‌کنند تا در ساختار نظام جهانی، جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقا بخشند. به‌عبارت دیگر، جهان سیاست آینده، جهان مناطق و نه قدرت‌های ملی و نه حتی قدرت‌های هژمونیک خواهد بود.

آینده‌ی همگرایی امنیتی

به‌نظر می‌رسد که در این زمینه نمی‌توان چشم‌انداز روشنی از آینده‌ی کشورهای اسلامی ارائه کرد. چراکه منازعات کنونی دامنگیر این کشورها اغلب آن‌ها را به‌سوی واگرایی سوق می‌دهد. این وضعیت احتمالاً موجب تضعیف همگرایی در دیگر زمینه‌ها نیز خواهد شد.

نرخ بالای درگیری‌های نظامی و غیرنظامی بین کشورهای عضو جهان اسلام در قیاس با درگیری‌های رخ داده با کشورهای غیراسلامی بیش‌تر است. به‌عبارت دیگر، عمده‌ی منازعات در درون جهان اسلام بوده است.^۱ رقابت منفی بین کشورهای عضو جهان اسلام سبب شده است منطق معادلات قدرت

۱ - برچر، مایکل و تد رابرت گار؛ *بحران در سیاست جهان: ظهور و سقوط بحران‌ها*؛ ترجمه: فردین قریشی؛ تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی؛ جلد اول؛ ۱۳۸۲ و هم‌چنین نگاه کنید به افتخاری، اصغر؛ *خشونت و جامعه*؛ تهران: نشر سفیر؛ ۱۳۷۹.

در این حوزه به «بازی با حاصل جمع صفر» نزدیک شود.^۱ از این منظر، رشد و توسعه‌ی توانمندی‌های یک کشور اسلامی از سوی دیگر کشورها به مثابه‌ی یک تهدید بالقوه ارزیابی می‌شود و لذا تضعیف آن‌ها برای بازیگران دیگر ارجحیت می‌یابد.

تدوین و ترسیم انگاره‌ها، الگوها، سرمشق‌ها و آینده‌های همگرایی و وحدت در میان مسلمانان جهان و به‌ویژه کشورهای اسلامی مستلزم دستیابی به زمینه‌های مشترک مفهومی و عملی است. از حیث مفهومی اجماع نظر و پافشاری بر سر اصول و اهداف و منافع مشترک در مقابل پافشاری بر مذهب یا علقه‌ی فکری و عقیدتی خاص از مهم‌ترین زمینه‌های همگرایی به‌شمار می‌رود. همان‌گونه که مقام معظم رهبری در سخنرانی افتتاحیه‌ی سومین کنفرانس وحدت اسلامی خاطر نشان ساختند:

«مقصود از دعوت به وحدت این نیست که فرق مسلمین اعم از شیعه و سنی با فرقی که در داخل تشیع و تسنن هستند یا دیگر فرق مسلمانان عالم، موظف و مجبورند که از عقیده‌ی خودشان دست بردارند و به عقیده‌ی سوم یا به عقیده‌ی طرف مقابل گرایش پیدا کنند.»^۲

در نتیجه، وحدت اسلامی معطوف به حذف مذاهب و ریشه‌کن ساختن باورهای مذهبی و از میان بردن تمامی اختلاف‌ها و گرایش‌ها نیست، بلکه معطوف به التزام مسلمانان به اصول اسلام است. وحدت اسلامی ناظر بر همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر پایه‌ی اصول مشترک، ثابت و مسلم

۱ - افتخاری، اصغر؛ «منطق معادلات امنیت ملی»؛ فصلنامه مطالعات راهبردی ؛ ۱۳۸۰؛ شماره ۱۴؛ صص ۵۰۵-۲۶.

۲ - آیت الله سید علی خامنه‌ای؛ «سخنرانی افتتاحیه»؛ مجموعه سخنرانی‌های سومین کنفرانس وحدت اسلامی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۶۸.

اسلامی و اتخاذ موضع یکسان به منظور تحقق اهداف و مصالح عالیه‌ی امت اسلامی و موضع متحد در برابر دشمنان امت، ضمن احترام به تعهدات عقیدتی و عملی هر فرد مسلمان نسبت به مذهب خویش است.^۱

همگرایی و وحدت اسلامی و ایجاد بلوک قدرتمند اسلامی، از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمان‌هایی است که متفکران و مصلحان مسلمان تاکنون با اتکاء به تعالیم عالیه‌ی اسلامی پیگیر آن بوده‌اند و در مقابله با نظام سلطه‌ی جهانی آن را به عنوان یک برنامه یا راهبرد در ابعاد و اشکال مختلف، متناسب با شرایط و مقتضیات زمان، ارائه نموده‌اند.

امروزه، این امر واقعیتی پذیرفته شده است که شکل‌گیری اتحادی بزرگ از تمام کشورها و ملل مسلمان، که با پذیرش تمام مزایا و محاسن و تحمل معایب و رفع نواقص همدیگر همراه باشد، قادر است به عنوان یک مدل فراگیر برای قدرت‌گیری جهان اسلام مطرح گردد. به نظر می‌رسد ضرورت طرح و تبیین «وحدت و همگرایی جهان اسلام» در موارد ذیل قابل تبیین باشد:

۱ - فوریت و اولویت وحدت اسلامی زمانی آشکار می‌گردد که شاهد

تلاش قدرت‌های جهانی برای انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی جهت تضعیف زمینه‌های اتحاد و همگرایی اسلامی هستیم.

۲ - ضرورت وحدت مسلمین از هر قوم، نژاد، ملیت و مذهب به صورتی

که در صفی واحد به منظور حفظ مصالح و منافع مسلمانان و

ارزش‌های عالیه‌ی اسلامی در برابر نظام سلطه‌ی جهانی قرار گیرند.

۳ - لازمه‌ی قدرت گرفتن و قرار گرفتن جهان اسلام در ساختار قدرت

نظام بین‌المللی و رشد و توسعه‌ی آن ثبات و امنیت منطقه‌ای آن

است. رسیدن به این ثبات و امنیت در سایه‌ی وحدت کشورهای

مسلمان در قالب «امت اسلامی» است. لذا با تقویت و تعمیق اتحاد

۱ - تبرائیان، محمد حسن؛ «استراتژی تقریب مذاهب اسلامی»؛ ص ۱۹۷.

جهان اسلام، بلوک کشورهای اسلامی قابلیت ورود به حلقه‌ی قدرت‌های جهانی را دارد و بازیگران عمده‌ی سیاست بین‌الملل دیگر نمی‌توانند این قدرت جدید را در عرصه‌ی بازی‌های جهانی نادیده بگیرند.

۴ - ایجاد و تقویت ذهنیت و باورهای مبنی بر وحدت اسلامی بین کشورهای مسلمان موجب می‌شود که ارتباط بین کشورهای اسلامی رشد و گسترش فزاینده‌ای پیدا کند.

۵ - تأسیس «اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی» گامی مهم در راستای ایفای نقش فعال و قدرتمندانه‌ی کشورهای اسلامی در ساختار نوین بین‌الملل است.

۶ - زمانی که از وحدت جهان اسلام بحث می‌شود، هدف ارائه‌ی این تصویر است که کشورهای اسلامی با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گسترده‌ای که امروزه از آن برخوردارند، با گسترش و تحکیم همکاری با یکدیگر، به ایجاد اتحادی ماهیتاً منطقه‌ای با کارکردی جهانی بپردازند. علاوه بر این که درک مشترکی که در بین بسیاری از کشورهای اسلامی از ضرورت گسترش همگرایی در ابعاد مختلف وجود دارد، دست یافتن به چنین هدفی را تسهیل می‌نماید.

۷ - همگرایی کشورهای اسلامی، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی اقتصادی، سیاسی، دفاعی، امنیتی، نظامی و فرهنگی جهان اسلام را جهت دستیابی به اهداف و منافع عالیه‌ی اسلام و مسلمین در حوزه‌های مختلف فراهم می‌آورد.

۸ - شرایط و موقعیت‌های برتر ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله واقع شدن در مجاورت سرزمینی با مهم‌ترین تنگه‌ها و گذرگاه‌های آبی - دریایی جهان، مجاورت

فرهنگی ۵۷ کشور اسلامی با فرهنگ مسیحی - اروپایی در غرب و بودایسم و هندوئیسم در شرق، جای دادن ۱/۳ میلیارد نفر جمعیت جهان در خود که بازار مصرف قابل توجهی را ایجاد کرده است و مزیت‌های نسبی در بسیاری از دیگر فرایندهای اقتصادی، که انگیزه‌های قوی‌ای را در هر یک از کشورهای اسلامی برای ایجاد اتحاد و همگرایی به وجود می‌آورد.

ماهیت اساسی شکل‌گیری همگرایی جهان اسلام به گونه‌ای است که تمامی کشورهای مسلمان می‌توانند در این فرایند ذی‌نفع باشند. به نظر می‌رسد همان‌گونه که اتحاد کشورهای اسلامی همواره در تاریخ تفکر سیاسی - اجتماعی ملت‌های مسلمان و متفکران و رهبران نهضت‌های اسلامی به عنوان یک راهبرد بدیل و کلاً یک راه حل اساسی در برابر زیاده‌خواهی‌ها و تهاجمات قدرت‌های جهانی مطرح شده است، امروزه نیز کاستن از فشار اربابان قدرت جهانی بر کشورهای اسلامی مستلزم شکل‌گیری اتحادی قوی از ملل و کشورهای اسلامی است.

از دیگر زمینه‌های مفهومی شکل‌گیری همگرایی و وحدت میان کشورهای اسلامی، اجماع نظر نقش‌آفرینان کلیدی همگرایی در این کشورها بر مفاهیم زیر است:

۱ - ارائه‌ی چشم‌انداز (Visionary): دورنمایی از دستیابی به نهایت

اهداف برآمده از همگرایی در افق زمانی؛

۲ - تعیین مأموریت‌ها (Missionary): غایت خواست‌های کشورهای

اسلامی از برنامه‌های موردنظر - اعم از خواست‌های اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی، دفاعی، امنیتی و نظامی - که منبعث از نظام

ارزش‌های اسلامی است و مدل دستیابی به آن‌ها را میسر می‌سازد؛

۳ - ارائه‌ی اهداف (Goals): تدوین مجموعه مقاصد و منظورهایی که در

جریان برنامه‌ریزی و برای تحقق مأموریت پیش‌بینی می‌شوند و عملیات اجرایی برنامه در جهت نیل به آن مقاصد تنظیم می‌گردد؛

۴ - مشخص نمودن **راهبردها** (Strategies): تبیین و طراحی چارچوبی که مجموعه حرکات و اقدامات اصلی را برای دستیابی به اهداف ترسیم کرده و چگونگی تخصیص کلی منابع را برای به‌دست آوردن موقعیت‌های مطلوب و خنثی کردن تهدیدات در حال و آینده بیان می‌دارد. تدوین راهبرد با تکیه بر یک جهت‌گیری کلی چارچوبی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان و نقش‌آفرینان فرایند همگرایی کشورهای اسلامی قرار می‌دهد که بر اساس آن می‌توان برنامه‌ها را اجرا نمود و با تغییرات محیطی نیز تعامل سازنده داشت؛

۵ - تدوین **سیاست‌ها** (Policies): ناظر بر تدوین دستور راهنمای تفکر و تصمیم‌گیری برای مدیران ، نقش‌آفرینان و برنامه‌ریزان فرایند همگرایی اسلامی است. سیاست‌ها خطوط راهنمای تصمیم‌گیری در انتخاب از میان گزینه‌های مختلف راهبردها و برنامه‌های اجرایی برای تحقق اهداف را فراهم می‌نماید؛

۶ - ارائه **برنامه‌های اجرایی** (Programs): نگاشت مجموعه‌ای از عملیات و خدمات مختلف در ارتباط با یکدیگر برای تحقق هدف‌های مشخص در همگرایی که در چارچوب راهبردها تنظیم می‌شوند. معمولاً هر برنامه‌ی اجرایی خود حاوی اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و طرح‌های مشخص برای انجام عملیات است که توسط دستگاه‌های اجرایی مسئول هر برنامه تهیه خواهد شد.

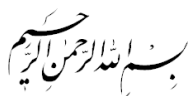
وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی به لحاظ عملی با توجه به خلأهای مفهومی و عملی موجود مستلزم شکل‌گیری کارگروه‌ها و کانون‌های

عمل و نظر در هر یک از حوزه‌های مورد توجه و حائز اهمیت در همگرایی و وحدت کشورهای اسلامی است. تدوین شرح وظایف هر کارگروه منوط به اجماع در زمینه‌های مفهومی است.

بر این اساس، همگرایی کشورهای اسلامی یک ضرورت راهبردی برای کشورهای اسلامی ارزیابی می‌شود که در ارتباط وثیق با منابع و هویت آنهاست. به همین دلیل لازم است که تأمل درباره‌ی نحوه‌ی عملیاتی نمودن مبانی این تأسیس نوین در دستور کار کلیه‌ی اندیشمندان متعهد در سطح جهان اسلام قرار گیرد.

ضمائم

ضمیمه‌ی الف
بیانات رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی
حضرت آیت‌اله العظمی خامنه‌ای
در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی
تهران، ۱۳۷۶/۹/۱۸



مایلم در این مجمع برادرانه که می‌خواهد از زبان مسلمانان جهان سخن بگوید، کلامم را با ستایش و سپاس الهی آغاز کنم. بارالها ، تو را سپاس می‌گویم بر معرفت، بر توحید، بر عبودیت و بر محبت. سپاس می‌گویم بر برادری اسلامی، بر تکریم انسانیت، بر تعلیم صبر و توکل، بر توصیه‌ی احسان و مروت و درود می‌فرستم بر محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله؛ بنده و پیامبرت که پرچم توحید و عدل را برافراشت، صلا‌ی تکریم انسان سرداد و او را از بندگی هر چه و هر کس جز تو آزاد ساخت. سلام می‌کنم بر خاندان پاک و یاران راست گفتار او و پیروان آنان و همه‌ی بندگان شایسته خدا و همه‌ی انسان‌های پاک نهاد و به شما میهمانان عزیز؛ سران و مسئولان کشورهای اسلامی و رؤسای هیأت‌ها و یکایک اعضای آن. هم‌چنین به دبیر کل سازمان ملل و دبیر کل این کنفرانس و دیگر میهمانان عزیز، خوشامدی صمیمانه و

بردارانه نثار می‌کنم.

برادران و خواهران، شما اینک در یکی از خانه‌ها و پایگاه‌های اسلام گرد آمده‌اید. میزبان شما اگر چه رسماً رئیس جمهور ماست، لیکن یکایک ایرانیان خود را میزبان شما می‌دانند و حضور شما را در این کشور ایمان‌گرامی می‌دارند. عزیزان، جمع ما دوستانی نیستیم که به موجب مصالحی به هم گره خورده باشیم تا مصالح دیگری هم روزی بتواند این گره را بگسلد. برادرانی هستیم که عقیده به قرآن، ما را با یکدیگر پیوند زده و با همه ی تفاوت‌های تاریخی و جغرافیایی و سیاسی، از ما پیکره‌ی واحدی که همان امت اسلامی است، پدید آورده است. ما این پیوند را با قبول اسلام پذیرفته‌ایم و از آن گونئی نداریم. نقارها، اختلاف‌ها و حتی کشمکش‌ها غبارهایی بر چهره‌ی این حقیقت است که همواره با زلال حکمت و خردمندی و بردباری قابل شستشوست. به این جلسه‌ی عظیم و این دیدار تاریخی با این چشم بنگریم تا بتوانیم از آن برای سرنوشت ملت‌های خود و امت بزرگ اسلامی بهره بگیریم. برادران و عزیزان، من سخن خود را در گشایش این مجمع به بیان سه مطلب اختصاص می‌دهم و در پایان نتیجه می‌گیرم. آن سه مطلب: «اسلام»، «امت اسلامی» و «کنفرانس اسلامی و آفاق آینده» است.

۱ - اسلام

اسلام، هم در هنگام طلوع خود و هم امروز، راهی به دنیایی نوین با زندگی‌ای سعادت‌مندانه و متضمن صلاح و فلاح انسان بوده و هست. رنج‌های اصلی بشر نیز - که اسلام کمر به زدودن آن‌ها بسته - در آن زمان و پیش از آن و امروز، همواره مسائلی ثابت و واحدی بوده و هست. فقر، جهل، تبعیض، جنگ و ناامنی و بالاخره زندانی شدن در حصار مادی‌گری و اسارت در کمند خوی‌های زشت خویشتن، از همان رنج‌های اصلی است. اسلام که دین

انسانیت و اعتدال و خردورزی و تسلیم در برابر حق متعال است - و بی‌شک همه‌ی ادیان، پیش از ورود دست‌های تحریف، چنین بوده‌اند - درمان این دردهای انسانی را با شیوه‌ای دور از زیاده‌روی و افراط و تفریط و از راه‌های خردپسند، بر بشر عرضه کرد و آدمی را به ذکر و تضرع و رابطه‌ی باطنی با خدای خود فرا خواند و مبارزه با بدی و تجاوز و ظلم و فساد و نیز مبارزه‌ی دائم با خودخواهی و خودپسندی و هوسرانی را به او آموخت و بدان توصیه کرد. احکام عمده‌ی اسلام بدین‌گونه شکل گرفته و برنامه‌ی اسلام برای زندگی فردی و اجتماعی و اخلاقی و سیاسی بشر از این ریشه‌ها رویده است.

در نظام سیاسی اسلام عدالت اجتماعی، آزادی‌های گوناگون، صلح عادلانه، مبارزه با زورگویی و تجاوز، روابط زن و مرد، روابط آحاد مردم در یک جامعه و روابط جوامع با یکدیگر و نیز تزکیه‌ی نفس و رابطه‌ی باطنی هر فرد با خداوند، همه و همه مبتنی بر آن پایه‌ها و ناظر به درمان آن دردهای کهن و همیشگی است. امروز هم به‌رغم ظواهر دلشین و رنگین زندگی، بشر از همان دردهایی رنج می‌برد که در طول تاریخ برده است. اکثر مردم جهان فقیرند و عده‌ای معدود، بیش‌ترین ثروت زمین را در دست دارند. اکثر ملت‌ها از پیشرفت علمی بی‌نصیبند و جمعی دانش خود را وسیله‌ی زورگویی به دیگران کرده‌اند. در گوشه و کنار جهان، جنگ‌ها برپاست و دیگران هم دائماً از بروز جنگ بیمناکند. در سطح جهان میان کشورها و نیز در اغلب کشورها میان طبقات مختلف تبعیض وجود دارد. تمدن مادی غرب همه را به مادی‌گری سوق می‌دهد و پول و شکم و شهوت، بزرگ‌ترین همت‌ها شده و می‌شود و بالاخره صفا و یکرنگی و گذشت و ایثار، در بخش‌های عظیمی از عالم، جای خود را به نیرنگ و توطئه و حرص و حسد و بخل و دیگر خوی‌های زشت داده است.

جهان از لحاظ دانش و فناوری و ابزار و سرعت و سهولت، به‌کلی با

گذشته تفاوت کرده، ولی دردهای مزمن و کهنه‌ی بشر، هم‌چنان پابرجاست و گرفتاری‌های عمده، همان است که بود. لیبرالیسم غربی و کمونیسم و سوسیالیسم و غیره، همه امتحان خود را داده و ناتوانی خود را ثابت کرده‌اند. امروز هم مانند گذشته، اسلام تنها نسخه‌ی شفابخش و فرشته‌ی نجات است. امروز هم مانند هزار و چهارصد سال پیش، این ندا طنین افکن است: «قد جائکم من الله نور و کتاب مبین. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السّلام و یخرجهم من الظلمات الی التّور باذنه و یهدیهم الی صراط مستقیم».^۱ مهم آن است که چهره‌ی بی‌پیرایه‌ی اسلام دیده و شناخته شود. دشمنان در طول چند قرن و دوستان نادان و غافل در زمانی درازتر، چهره‌ی نورانی اسلام را زشت کرده و به غرض یا به سلاقی جاهلانه، به آن افزوده یا از آن کاسته‌اند. امروز هم اگرچه کثر فهمی‌ها و سودطلبی‌ها از سوی خودی‌ها در کار تیره کردن تصویر اسلام است، ولی حقاً تبلیغات دشمنان در این باره بسی بیش از آن است و آنان از راه‌های ظریف و موزیانه به این کار مشغولند. یک نمونه از تلاش خستگی‌ناپذیر دشمنان در این باره، حجم عظیم تبلیغاتی است که علیه ایران اسلامی، پس از قیام دولت اسلام در ایران، به راه افتاده است. برای از رونق انداختن پیام نافذ این انقلاب بزرگ، آنان مهم‌ترین کار را تهمت زدن و خبر دروغ دادن دانسته‌اند. چندان به دروغ از ما گفته و به ما نسبت داده‌اند که حرف‌های آنان تکراری و برای شنوندگانش ملال‌آور شده است. در این مورد، صهیونیست‌ها و رسانه‌های معروف صهیونیستی جهان و عوامل استکبار و بیش از همه آمریکایی‌ها - یعنی کسانی که از این انقلاب بیش از همه متضرر شده‌اند - فعال‌ترین بوده‌اند و هستند. برادران مسلمان، بر این اساس، کار بزرگ ما شناسایی اسلام و شناساندن آن و نیز آشنایی بیش‌تر با یکدیگر است.

۲- امت اسلامی

نخستین فرآورده‌ی سیاسی - انسانی اسلام امت اسلامی است که از مدینه‌النبی آغاز شد و به‌صورتی حیرت‌آور و افسانه‌وار قدم در راه رشد کمی و کیفی نهاد. هنوز نیم‌قرن از ولادت این پدیده‌ی مبارک نگذشته بود که نزدیک به نیمی از تمامی قلمرو سه تمدن بزرگ باستانی همسایه‌ی خود، یعنی ایران، روم و مصر را در نوردید و یک‌قرن پس از آن، تمدنی درخشان و حکومتی عزیز و مقتدر در مرکز جهان پدید آورد که از شرق به دیوار چین و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس و از شمال تا استپ‌های سیبری و از جنوب تا جنوب اقیانوس هند می‌رسید. قرن‌های سوم و چهارم هجری و پس از آن، مزین به تمدنی آن‌چنان مشعشع است که پس از هزار سال، هنوز برکات علمی و فرهنگی آن را در مدنیت کنونی جهان، می‌توان به‌وضوح دید. اگرچه مورخان غربی به هنگام حکایت تاریخ علم و تمدن، این رستاخیز عظیم و بی‌سابقه‌ی علم و فرهنگ و تمدن را یکسره در بوته‌ی اجمال و اهمال می‌نهند و سرگذشت علم را از یونان و روم باستان، یکسره به رنسانس متصل می‌کنند! گویی علم و تمدن، هزار سال مرده بود و یک‌باره در رنسانس تولد یافت! لیکن حقیقت آن است که قرون وسطی، فقط برای غرب و اروپا دوران تاریکی و جهالت و وحشت بود، ولی برای دنیای اسلام با گستره‌ای چندین برابر اروپا - یعنی از اندلس تا چین - دوران تشعشع و بیداری و عروج علمی شمرده می‌شد.

غرض از این یادآوری، تفاخر به گذشته نیست. غرض، یادآوری این حقیقت است که آن چه آن تمدن را پدید آورد - یعنی اسلام و معارف زندگی‌ساز آن - هم‌اکنون نیز در اختیار ماست و به ما هشدار می‌دهد: که «یا ایها الذین امنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم»^۱ اسلام ثابت کرده

است ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند. ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه، تنها شرط‌های تحقق این هدف بزرگ است و قرآن به ما می‌آموزد: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین»^۱. و می‌آموزد: «و الذین جاهدوا فینا لنهدیهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین»^۲. و می‌آموزد: «و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابین»^۳. ضعف این سه عامل، امت اسلامی را امروز در وضع تأسف باری قرار داده است. حداقل در دو قرن گذشته، دشمنان پیگیر و با تدبیر و برخی حکومت‌های مسلمان بی‌کفایت، در کنار عوامل و شرایط گوناگون تاریخی و سیاسی، در پدید آوردن این وضع، به‌شدت مؤثر بوده‌اند و ما امروز وارث گذشتگانیم.

برادران، بیایید ما برای آیندگان، میراثی از این افتخارآمیزتر به ارث بگذاریم. در بررسی عوامل بیرونی وضع کنونی، من تهاجم جبهه‌ی استکبار را از همه مؤثرتر می‌یابم. در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر توانایی‌های سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض‌آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی - یعنی ملت‌ها و دولت‌ها و کشورها - را با سیطره‌ای قلدرانه و تحقیرآمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار می‌گذارد؛ در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست‌اندازی می‌کند؛ به دولت‌ها زور می‌گوید و به ملت‌ها ستم می‌ورزد و به فرهنگ‌ها و سنت‌های آنان، اهانت روا می‌دارد. مثال‌های بارز آن را استعمار کهن و سپس استعمار نو و اخیراً تهاجم همه‌جانبه‌ی سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی و حتی نظامی، از سوی استعمارگران دیروز و وارثان آنها، در برابر

۱ - سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۳۹.

۲ - سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹.

۳ - سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۴۶.

چشم ملت‌های ما نهاده و طعم تلخ آن را به ایشان چشاند است. قدرت‌های غربی در این تهاجم مؤثر، از پیشرفت علم و فناوری و از برخی خصال ملی و بومی خود بهره برده‌اند. ما دشمن را ملامت نمی‌کنیم. کسانی سزاوار ملامتند که با کوتاه‌بینی و راحت‌طلبی و خودخواهی، زمینه‌ی پیروزی دشمن و زوال خویش را فراهم ساختند. غرب در تهاجم همه‌جانبه‌ی خود، ایمان و خصال اسلامی ما را نیز هدف قرار داد و در سایه‌ی متاع دانش خود که همه بدان احساس نیاز می‌کردند، فرهنگ اباحیگری و بی‌مبالاتی در دین و اخلاق را - که خود دچار آن است - مصرانه به جوامع ما صادر کرد. بی‌شک این لجزرا اخلاقی، روزی که چندان دور نیست، تمدن کنونی غرب را در خود فرو خواهد برد و محو خواهد کرد. دنیای اسلام، امروز بر اثر آن تهاجم خصمانه، به اضافه‌ی عوامل درونی نسل‌های گذشته، در وضعی مصیبت‌بار است. فقر و جهل و عقب‌ماندگی علمی و ضعف اخلاقی و از همه بدتر تسلط فرهنگی و بعضاً سیاسی دشمنانش بر آن، از یک سو و گرفتاری‌های بزرگی از قبیل مسأله‌ی فلسطین و مسائل افغانستان، لبنان، عراق، کشمیر، بوسنی و هرزگوین، قفقاز و غیر آن از سوی دیگر، فهرست بلندی از مسرئولیت‌های الهی و انسانی را در برابر حکومت‌ها و شخصیت‌های سیاسی و رهبران جهان اسلام قرار داده است.

ما امروز باید ابتکار عمل را به‌دست گیریم. تاکنون همواره دشمن ابتکار عمل را در دست داشته و ما حداکثر شکوه و گله کرده‌ایم. فلسطین در یک فرآیند تاریخی، متشکل از ده‌ها ابتکار عمل از سوی دشمن، به ملک طلق صهیونیست‌ها بدل شده است. نخست خریدن زمین‌های فلسطینیان، سپس مسلح شدن صهیونیست‌های مهاجر، بعد از آن جنگ داخلی و اعلام تجزیه‌ی فلسطین، سپس تصرف بخش‌های جدیدی از آن کشور اسلامی و عربی و در نهایت تصرف همه‌ی آن و افزودن بخش‌هایی از کشورهای مصر و سوریه و

اردن به آن! تا این‌جا فقط یک‌بار همسایگان عرب فلسطین، ابتکار عمل را به دست گرفتند و آن حمله‌ی رمضان سال هزار و سیصد و نود و سه هجری کشورهای سوریه و مصر بود که اگر چه بر اثر همراهی آمریکا با رژیم صهیونیستی و کم‌همتی کشورهای اسلامی به نتایج کامل نرسید، ولی باز مایه‌ی افتخار جبهه‌ی عرب و رهاسازی بخشی از سرزمین‌های عربی شد. پس از آن، باز همواره تا امروز صهیونیست‌ها و حامیان‌شان و در رأس همه آمریکا، ابتکار عمل را در دادن شعارهای سازش و عموماً در جهت تحکیم تصرف غاصبانه‌ی فلسطین در دست داشته و حریف‌های خود را تا هر جا توانسته‌اند به‌دنبال خویش کشانده‌اند. ما دولت‌های مسلمان در راه نجات فلسطین باید به کشورهای خط مقدم کمک‌های جدی‌تری می‌کردیم. در گذشته، بعضی از دولت‌های ما حتی از پشت هم به جبهه‌ی کشورهای خط مقدم خنجر زده‌اند! نمونه‌ی بارز آن، دولت ایران در عهد پهلوی است. متأسفانه، در آن روزگار، ایران خانه‌ی امن صهیونیست‌ها و همکار صمیمی دولت غاصب بود!

برادران و خواهران عزیز، این وضع با عزت اسلامی ناسازگار و از راه علاج دردهای امت اسلامی بسی دور است. هم باید همه‌ی کشورهای اسلامی در احقاق حق ملت فلسطین سهم شایسته‌ای بر عهده گیرند و هم دنیای اسلام باید از حالت انفعال به حالت ابتکار در آید. این هر دو وظیفه را عاجلاً فقط جوانان مؤمن و غیور فلسطین و لبنان، با همه‌ی وجود خود، انجام می‌دهند. درود بر آنان! مخالفت ما با آن‌چه بدان گفت‌وگوی صلح خاورمیانه می‌گویند، به‌دلیل ناعادلانه بودن، استکباری بودن و تحقیرآمیز بودن و بالاخره غیرمنطقی بودن آن است. اصل تحمیلی صلح در مقابل زمین به معنای آن است که صهیونیست‌ها زمین‌های کشورهای همسایه را پس بدهند، تا ما بپذیریم که کشور فلسطین متعلق به آن‌ها باشد! چه سخنی از این ناعادلانه‌تر است؟ چه پاسخی می‌توان به ملت کهن فلسطین در این معامله ی مغبونانه داد؟ از

شوخی‌های عبرت‌انگیز زمانه، یکی این است که دولت غاصب، همین را هم نامناسب دانسته و رد کرده است!! آیا وقت آن نرسیده که دنیای اسلام به این روحیه‌ی استکباری پاسخ دهد؟ ما اگر مناسبات خود را تنظیم و برادرانه کنیم، این قدرت را داریم. آمریکا در برابر جبهه‌ی متحد کشورهای اسلامی، از اندونزی تا شمال آفریقا، چه می‌تواند بکند؟ امروز دلگرمی استکبار، به پراکندگی این جبهه است. آیا وقت آن نرسیده که این صف را به نفع خودمان مستحکم کنیم؟ حضور دشمنی مانند حکومت صهیونیستی در قلب قلمرو اسلامی، شاید می‌توانست ما را به یکدیگر نزدیک‌تر سازد، ولی دست‌های مرموز استکبار این خطر را هم از برابر خود برداشت. با ما کاری کرد که اینک از یکدیگر بیش‌تر می‌ترسیم تا از دشمن! وسوسه‌ها و دروغ‌ها و تبلیغات موزیانه، کشورهای اسلامی را به غلط و نابجا از یکدیگر ترسانده است.

اکنون هجده سال است که نفس مسموم طراحان سیاسی استکبار، پیوسته دمیده می‌شود تا همسایگان ما در خلیج فارس را از ایران اسلامی که پرچم اتحاد و برادری در دست دارد، بترساند! من اعلام می‌کنم که هیچ خطری از سوی ایران اسلامی، هیچ کشور اسلامی را تهدید نمی‌کند. ایران اسلامی به برکت زندگی در سایه‌ی مبارک احکام قرآن، امروز از همیشه بیش‌تر مشتاق اتحاد و عزت و اقتدار جهان اسلام است. ما ایرانیان به برکت ایمان اسلامی و علی‌رغم توطئه‌های تبلیغاتی دشمن، وحدت ملی خود را به شکلی کم نظیر، حفظ کرده و در جهت عکس ادعا و نیز میل باطنی دشمنانمان، حضور مردمی را افزایش داده‌ایم. انتخابات درخشان امسال برای گزینش رئیس جمهور، نمونه‌ی این حضور روزافزون بود. دولت، یکپارچه و مس‌ئولان همه با هم صمیمی و ملت و دولت برخورداری از روابط عاطفی و سرشار از اعتمادند.

اعتماد و اتکاء به نفس، در همه‌ی تلاش‌های علمی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ما، ترسیم‌کننده‌ی خط و جهت اصلی است. ما به برکت همین

خودباوری که امام خمینی راحل آموختمان، توانستیم کشور ویران و عقب‌افتاده‌ی دوران پهلوی را که در طول هشت سال جنگ تحمیلی ویرانه‌تر شده بود، بازسازی و از رونق و نشاط سازندگی برخوردار کنیم. این همت را در برخی دیگر از کشورهای برادر نیز شاهدیم؛ ولی از همه مهم‌تر، عزت و اقتدار سیاسی است. ملت و دولت ما به برکت تمسک به اسلام و مشارکت جدی سیاسی، توانسته‌اند نفوذ و دخالت بیگانگان را در کشور خود ریشه کن کنند. امروز امت اسلامی نیز تشنه‌ی آن اعتماد به نفس و این عزت و این استقلال است و باید همه در راه آن تلاش کنیم. این یک مس‌ئولیت تاریخی است و امروز زمینه‌ی ادای آن و کسب عزت و اقتدار و استقلال کامل جهان اسلام فراهم است. اگر برای هماهنگ کردن تلاش‌ها در این راه، کانونی لازم است، ما امروز آن را که سازمان کنفرانس اسلامی است در اختیار داریم. باید نگاهی به این سازمان و آفاق آینده‌ی آن افکند.

۳ - سازمان کنفرانس اسلامی و آفاق آینده

اکنون از آتش‌سوزی مسجد الاقصی که به ولادت این سازمان انجامید، بیست‌وهفت سال می‌گذرد. شرایط جهان امروز، این سازمان را در معرض انتظارات جدی‌تری از گذشته قرار می‌دهد. این سازمان می‌تواند مظهر اتحاد حقیقی کشورهای مسلمان در مسائل و منافع مشترک آنان باشد. به نام اعضای خود سخن بگوید و مطالبه و اقدام کند و قدرت مالی و اقتصادی و سیاسی آنان را پشت سر خود داشته باشد. میان اعضای خود، رابط حل مشکلات باشد. آن‌جا که گردآوردن همت‌ها و کمک‌ها برای یک کار بزرگ و یک هدف مشترک، نیازمند یک نقطه‌ی تلاقی، یا یک عنصر هماهنگ‌کننده است، آن نقطه و آن عنصر باشد. آن‌جا که لازم است، داوری کند و آن‌جا که مفید است، اندرز دهد. امروز جهان اسلام با این‌که در تجارت جهانی سهمی بسی کم تر از ۲۰

درصد - که نسبت تقریبی اعضای آن به کل سکنه‌ی جهان است - دارد، اما از همین مقدار هم آنچه مخصوص تجارت درونی میان کشورهای اسلامی است، درصدی بسیار پایین است. این سازمان می‌تواند نسبت به این مسأله‌ی مؤثر اقتصادی که در سیاست این مجموعه نیز مؤثر خواهد بود، نقش فعال ایجاد کند.

امروز برخی از کشورهای ما از امکانات طبیعی و تولیدی و توانایی‌های علمی و صنعتی و فرهنگی با ارزشی برخوردارند، که برخی دیگر نهایت نیاز را به آن دارند. این سازمان می‌تواند در تبادل منطقی و عادلانه‌ی این امکانات، دخالتی جدی داشته باشد. امروز و همیشه، جمع‌های بزرگی از مسلمین دچار دردهای جانگه‌ازی هستند که حل عاجل می‌طلبند. مثلاً هم اکنون بعضی از ایالت‌های افغانستان - مانند بامیان - در معرض آسیب گرسنگی عمومی و سرمای سخت زمستان آن مناطق قرار دارند. ملت عراق در یکی از سخت‌ترین محنت‌های تاریخ خود - از لحاظ نایابی مواد غذایی و دارو - به سر می‌برد و جان میلیون‌ها انسان، به‌ویژه کودکان، در خطر است. در الجزایر، فجیع‌ترین جنایات از سوی دست‌های پنهان ارتکاب می‌شود تا اسلام‌گرایان بدان متهم و چهره‌ی اسلام از آن زشت شود! در بوسنی، در کشمیر، در سومالی، در قره‌باغ و در برخی نقاط دیگر، مسلمانان دچار مشکلاتند. سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند با استفاده از کمیته‌های مخصوص، به این کارها همت گمارد و با کار مؤثری که همه‌ی اعضا در آن سهیمند، معضل را حل کند. ما برای فعال کردن این سازمان در مسائل فیمابین کشورهای خود، به‌جز اراده‌ی همگانی و کمک مالی از سوی کشورهای اسلامی ثروتمند، به هیچ کس و هیچ چیز دیگر نیاز نداریم. مخالفت احتمالی دولت‌هایی که از اتحاد مسلمین متضرر می‌شوند، نمی‌تواند هیچ مانعی بر سر این راه ایجاد کند؛ مگر آن‌که در اراده‌ی ما تزلزل ایجاد شود.

هنگامی که مردم مسلمان منطقه ی بالکان، با وحشیانه‌ترین روش، نسل‌کشی می‌شدند و ملتی تنها در برابر تهاجم نظامی سازمان یافته ی برخی و چشم‌های بی‌تفاوت برخی دیگر، از هویت اسلامی خود دفاع می‌کرد، جای چنین مرکزی خالی بود تا بتواند بخشی از آلام آن برادران را کم کند و وزنه ی مهمی در کفه‌ی معادلات جهانی به سود آن ملت مظلوم شود! هم‌اکنون حضور ناوهای بیگانه و بیش از همه، عده و عده آمریکایی در خلیج فارس - که یک دریای اسلامی و مرکز مهم انرژی برای همه ی جهان است - موجب ناامنی است. وجود یک سازمان کنفرانس اسلامی مقتدر، می‌تواند از یک سو با زبان عزت و اقتدار اسلامی، بیگانگان را به رفع این مزاحمت وادار کند و از سوی دیگر بهانه‌های این حضور بی‌جا را مرتفع سازد و هر گاه لازم باشد، نیرویی از خودِ کشورهای اسلامی را به حراست از امنیت و صلح، در این منطقه بگمارد. هم‌اکنون اقلیت‌های مسلمان در بعضی از کشورهای جهان، از تبعیض و ستم و رفتارهای تعصب‌آمیز، به شدت در رنجند. کمک به آنان وظیفه ی همه ی مسلمانان است. ولی برای یک کمک جدی و قابل قبول در چارچوب روابط بین‌المللی، نیاز به یک مرکز بین‌الممالک اسلامی است و کدام مرکز، مناسب‌تر از سازمان کنفرانس اسلامی؟ ده‌ها کار بر زمین مانده وجود دارد که هریک به تنهایی، وظیفه‌ی همه‌ی دولت‌های اسلامی است.

آنچه گفتم، نمونه‌هایی از آن است و در همه این موارد، نقش هیچ دولت اسلامی نمی‌تواند جای خالی یک مرکز بین الدول اسلامی را پر کند. برادران و میهمانان عزیز، بیایید به حول و قوه‌ی الهی، از این فرصت‌ها بهره بگیریم، به یکدیگر نزدیک‌تر شویم و مرکز و نقطه‌ی اتصال میان خود را تقویت کنیم. کنفرانس اسلامی باید قطعنامه‌های خود را تا اجرای کامل، پیگیری کند تا این اجلاس‌ها برای ملت‌های ما، دستاوردی داشته باشد. به علاوه، باید بتواند پارلمان بین‌المجالس کشورهای اسلامی را تأسیس کند، بازار مشترک اسلامی

را از صورت یک آرزوی دور، به یک واقعیت تبدیل کند، دیوان داوری اسلامی را پی‌ریزی نماید و بالاخره به نمایندگی از پنجاه و پنج کشور اسلامی و یک میلیارد و چند صد میلیون نفوس، یکی از اعضای ثابت شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد و تا وقتی حقِ «وتو» باقی است، ششمین عضو دارای حقِ «وتو» در آن شورا باشد. این است آفاق آینده‌ی این کنفرانس و همین است که خواهد توانست آفاق آینده‌ی امت اسلامی را ترسیم کند.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

ضمیمه‌ی ب

پیش‌نویس منشور وحدت اسلامی

طرح پیشنهادی منشور وحدت اسلامی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام علي سيد البشرية ومقتداي محمد النبي الامين وآله الطاهرين و صحبه الميامين ومن تبعهم باحسان الى يوم الدين.

برپایه‌ی ایمان به این‌که اسلام امانتی نزد مسلمانان است و دفاع از حریم و مقدسات آن بر همه واجب است؛ و با ملاحظه‌ی تأکید اسلام بر پای‌بندی به همه‌ی اموری که به وحدت اسلامی می‌انجامد و روابط برادرانه را بین امت‌ها برقرار می‌سازد و منطق عقلانی و زبان گفتوگو را ترویج می‌نماید و همکاری، همبستگی، همدلی و مصالح عالی‌هی اسلام را تحقق می‌بخشد؛ و نظر به ابعاد تهاجم گسترده و ناجوانمردانه‌ی دشمنان اسلام، استکبار جهانی و صهیونیسم بر فرهنگ، ارزش‌ها، منافع و استقلال امت اسلامی و ضرورت بسیج همه‌ی نیروهای مادی و معنوی در برابر این تجاوزات و دشمنی‌ها:

ما دانشمندان و متفکران امضاکننده‌ی این منشور، پس از آگاهی از گام‌های ارزشمندی که علمای مسلمان در گذشته، در مکه‌ی مکرمه، تهران، امان، قاهره و ... برداشته‌اند، بر ایمان و پای‌بندی عمیق خود به مبانی، اصول و شیوه‌های زیر تأکید نموده، دیگران را به التزام به آن دعوت می‌کنیم:

۱ - پیش‌نویس این منشور در بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی که در اردیبهشت سال ۱۳۸۷ در تهران برگزار گردید؛ تهیه شده است.

مبانی

یکم: اسلام، دین خاتم و تنها راه اعتلای انسانیت و امانتی نزد مسلمانان است؛ از این رو بر مسلمانان است که آن را در همه‌ی عرصه‌های زندگی، پیاده کرده و از حریم و مقدسات آن دفاع کنند و مصالح عالیه‌ی آن را بر تمامی مصلحت‌ها، مقدم بدانند.

دوم: قرآن مجید و سنت شریف نبوی(ص)، دو منبع اساسی قانونگذاری اسلام و سایر تعالیم آن بوده و همه‌ی مذاهب اسلامی، بر حجیت و حقانیت این دو منبع، اتفاق نظر دارند و اعتبار سایر منابع را برگرفته و مستند به این دو می‌دانند.

سوم: ایمان به اصول و ارکان زیر، ملاک مسلمانی افراد است:

الف: ایمان به یگانگی خداوند متعال (توحید)؛

ب: ایمان به نبوت و خاتمیت رسول اکرم(ص) و این که سنت آن

حضرت، یکی از دو منبع اساسی دین است؛

ج: ایمان به قرآن کریم، مفاهیم و احکام آن، به عنوان منبع اول دین اسلام؛

د: ایمان به معاد؛

ه: عدم انکار مسلمات مورد اتفاق دین و اعتقاد به ارکان اسلام، مانند:

نماز، زکات، روزه، حج، جهاد و...

چهارم: اسلام راستین با به رسمیت شناختن اصل اجتهاد در چارچوب

منابع اسلامی، اختلافات فکری را پذیرفته است؛ از این رو بر مسلمانان است که تنوع اجتهادها را امری طبیعی دانسته و به رأی دیگران احترام بگذارند.

پنجم: وحدت امت اسلامی و پاسداری از مصالح و منافع عمومی

مسلمانان، اصلی مهم و برادری اسلامی اساس هر نوع همکاری، تعامل و

همبستگی بین مسلمانان به شمار می‌رود.

چشم‌اندازها

ششم: ضرورت دارد علما و اندیشمندان اسلامی موارد زیر را نصب العین خویش قرار دهند:

۱ - تلاش برای نزدیک ساختن جامعه‌ی امروز اسلامی به شرایط و وضعیت صدر اسلام در راستای گسترش برادری دینی، همکاری و همیاری و تقوا پیشه‌نمودن و ایستادگی در برابر چالشها، توصیه به حق و صبر و دوری از تفرقه و کشمکش و هر چه باعث سستی و ضعف مسلمانان می‌شود.

۲ - الگو قرار دادن رفتار ائمه‌ی مذاهب اسلامی با یکدیگر و گسترش آن در میان پیروان امروز آنان.

۳ - گسترش فرهنگ همبستگی بین مسلمانان تا جایی که همه‌ی آنها، اختلافات فکری بین خود را پذیرفته و آن را نتیجه‌ی اجتهاد قانونمند بدانند.

هفتم: بر علما و اندیشمندان است که حرکت بیداری اسلامی را تقویت، تعمیق و هدایت نمایند و به‌منظور آشنایی مسلمانان با یکدیگر بر نزدیکی بین پیروان مذاهب، تحقق الفت دینی و اخوت اسلامی برپایه‌ی اصول ثابت و مشترک اسلامی تأکید ورزند.

زمینه‌های تقریب

هشتم: تقریب مذاهب اسلامی همه‌ی عرصه‌های زندگی پیروان مذاهب را در برمی‌گیرد و شامل عقاید، فقه، اخلاق، فرهنگ و تاریخ می‌شود.

برنامه‌های عمومی

نهم: علاوه بر آن‌چه گذشت، برنامه‌ریزی‌های زیر هم برای تحقق تقریب

مذاهب اسلامی لازم است:

- ۱ - ضرورت همکاری کامل در مواردی که مسلمانان برآن اتفاق نظر دارند.
- ۲ - بسیج همه‌ی نیروهای مادی و معنوی در راه اعتلای کلمه‌ی الله و اجرای اسلام به‌عنوان استوارترین راه سعادت.
- ۳ - موضع‌گیری هماهنگ و واحد در برابر دشمنان اسلام، به‌خصوص در مسائلی که مورد اهتمام همه‌ی امت اسلامی است، مثل مسأله‌ی افغانستان، عراق و ...
- ۴ - خودداری مسلمانان از تکفیر و تفسیق یکدیگر و نسبت بدعت به هم دادن. ما به‌عنوان مسلمانانی که به مشروعیت اجتهاد در چارچوب منابع اسلامی باور داریم، باید لوازم و تبعات این اصل را نیز بپذیریم، هر چند، نظر اجتهادی دیگران، به باور ما خطا باشد. باید داوری خود درباره‌ی اختلافات را از سطح ایمان و کفر، به سطح درست و نادرست، تغییر دهیم. هم‌چنین تکفیر دیگران به خاطر لوازم گفته‌ی یا رأی آنان که به گمان ما به انکار اصول دین منجر می‌شود، ولی آنان خود این لوازم را قبول ندارند، جایز نیست.
- ۵ - برخورد محترمانه با اختلافات، به‌عنوان نتیجه‌ی پذیرش تعدد اجتهاد در اسلام.
- ۶ - بی‌حرمتی نکردن به مقدسات دیگران؛ وقتی اسلام به نوعی شکیبایی دینی در مناسبات خود با سایر ادیان توصیه می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد به مقدسات فکری و اعتقادی باطل دیگران، بی‌حرمتی ننمایند، به طریق اولی در مناسبات بین مسلمانان، بر اصل اجتناب از بی‌حرمتی به مقدسات پیروان مذاهب اسلامی و احترام به اهل بیت پاک رسول‌الله(ص) و اصحاب راست‌کردارش تأکید می‌نماید.

- ۷ - عدم تحمیل مذهبی خاص بر افراد توسط سازمانها و حکومتها با سوءاستفاده از ضعف و نیاز آنان: باید با به رسمیت شناختن مذاهب اسلامی معتبر، بر اساس اصول یاد شده، پیروان آنها را از تمامی حقوق شهروندی برخوردار ساخت.
- ۸ - آزاد بودن در عمل به احکام شخصی؛ در مسائل مربوط به احوال شخصیه، پیروان مذاهب اسلامی تابع مقررات مذهب متبوع خود هستند، اما در امور مربوط به نظم عمومی، قوانین جاری کشور متبوع آنان، حاکم خواهد بود.
- ۹ - از آنجا که قرآن کریم مسلمانان را به اصل گفت و گوی منطقی با دیگران به دور از هیاهو و ایجاد رعب و به هدف دستیابی به حقیقت، دعوت کرده است، بنابراین بر مسلمانان به طریق اولی واجب است اختلافات خود را از طریق گفت و گوی مسالمت‌آمیز و با رعایت آداب منطقی و اخلاقی حل کرده و گام‌های عملی در این راه بردارند و به بعد عملی تقریب و تبلور ارزش های آن در زندگی، اهتمام داشته باشند.
- ۱۰ - باب بحث و گفت‌وگو در جنبه‌های تاریخی، عقیدتی و فقهی مورد اختلاف بین مسلمانان باز است و باید توسط متخصصان و با تکیه بر روح برادری، بیطرفی و حقیقت‌جویی انجام شود. از این رو شایسته است مراکزی خاص برای گفت‌وگو در مسائل عقیدتی، فقهی و تاریخی تأسیس گردد.
- ۱۱ - آموزش فقه وحدت اسلامی، آداب اختلاف، و مناظره‌ی هدفمند در فقه، کلام و تفسیر موضوعی و تطبیقی در فضایی از احترام متقابل و عدم خرده‌گیری نسبت به آرای یکدیگر در حوزه‌ها و مراکز علمی.
- ۱۲ - احیای مکتب‌های تربیتی پای‌بند به کتاب و سنت، به‌عنوان وسیله‌ای

برای کاهش گرایش‌های مادی افراطی و راه‌حلی جهت پیش‌گیری از فریب‌کاری مسلک‌های نوظهور و ناآگاه نسبت به اصول اسلامی.

۱۳ - اهتمام علمای مذاهب به ترویج شیوه‌ی اعتدال و میانه‌روی، با به‌کارگیری همه‌ی ابزارهای علمی، ملاقات‌ها، سمینارهای علمی - تخصصی و کنفرانس‌های عمومی با استفاده از مؤسسات تقریبی و با هدف تصحیح نگاه به مذاهب اعتقادی، فقهی و تربیتی، به‌عنوان شیوه‌های گوناگون اجرای اسلام و این‌که اختلاف بین مذاهب، اختلاف تنوع و تکامل است، نه اختلاف تضاد و نیز ضرورت شناخت ویژگی‌ها و امتیازات هر یک از مذاهب و آشنایی با ادبیات آن‌ها.

۱۴ - مقابله با مکاتب و گرایشهای فکری افراطی و تندرو متعارض با کتاب و سنت. باید ضوابط ذکر شده در بندهای گذشته درباره‌ی شرایط اسلامی بودن گروه‌ها و گرایش‌ها را در نظر داشت.

۱۵ - تأکید بر عدم مرجعیت مذاهب اعتقادی، فقهی و تربیتی در برابر اعمال اشتباه پیروان آن‌ها، مانند: کشتار بیگانه‌ها، هتک آبرو و حیثیت افراد، نابود کردن سرمایه‌ها و ... و ضرورت اتخاذ تصمیماتی برای جلوگیری از اعمالی که شکاف بین مسلمانان را بیش‌تر کرده و نسبت کفر و گمراهی را متوجه آنان می‌سازد.

و نیز تلاش برای حذف اعمال و مسائل تحریک‌کننده و فتنه‌انگیزی که باعث خشم مسلمانان و پراکندگی آنان می‌شود.

۱۶ - انحصار صدور فتوا به کسانی که در شناخت کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم(ص) و علوم مربوط به آن مانند فقه و اصول، تخصص داشته، توانایی استنباط احکام شرعی از منابع آن را داشته باشند و نیز به موضوعات، اوضاع و احوال مردم و مقتضیات زمان آگاه باشند.

ضمیمه‌ی ج

اطلاعات پایه‌ی کشورهای عضو

سازمان کنفرانس اسلامی

۳۰۲ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

جمهوری آذربایجان

Republic of AZARBAIJAN



پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۹,۳۷,۵۹۳ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۱۵۲
امید به زندگی	۶۵/۹۶ سال (آقایان ۶۱/۸۶ ، خانم‌ها ۷۰/۶۶ سال)
نژاد	۶/۹۰٪ آذری، ۲/۲٪ داغستانی، ۱/۸٪ روسی، ۱/۵٪ ارمنی
مذهب	آذربایجانی، آذری
دین	۹۳/۴٪ مسلمان، ۲/۵٪ ارتدوکس روسیه، ۱/۵٪ ارمنی
زبان	۹۰/۳٪ آذری، ۲/۲٪ لزگی، ۱/۸٪ روسی
شهرهای مهم	گنجه، سومقاییت، مینگه‌چوپر، علی‌بایراملی
بنادر و پایانه‌ها	بندر باکو
واحد پول	منات آذربایجان
درآمد بودجه	۶/۰۰۸ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۵/۸۰۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۵۸/۱ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱/۱۴٪ کشاورزی، ۷/۴۵٪ صنعت، ۳/۴۰ خدمات
سرمایه‌گذاری	۹/۴۴٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۲/۴۸۳ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، غلات، برنج، انگور، میوه، سیریجات، چای، تنباکو
کاربری زمین	۲۰/۶۲٪ زمین قابل کشت، ۶۱/۲٪ کشت دائمی، ۷۶/۷۷٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، گاز طبیعی، سنگ آهن، بوکسیت
تولیدات صنعتی	نفت خام و گاز طبیعی، فرآورده‌های نفتی، تجهیزات منطقه‌ای نفت‌خیز، فولاد، سنگ آهن، سیمان، مواد شیمیایی نفتی، پارچه
نیروی کار	۵,۱۹۱,۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۴۱٪ کشاورزی، ۷٪ صنعت، ۵۲٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای دریایی، زمینی، هوایی و نیروی پدافند هوایی
صادرات	۹۰٪ نفت و گاز، ماشین‌آلات، پنبه و مواد غذایی
ویژگی خانوار	۱۷/۴۷ تولد، ۸/۳ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۴۰
تعداد دانشجوین	۱۲۰,۵۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۳۷ ایستگاه رادیویی، ۲ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	آذربایجان ریپابلیکاسی
اسامی دیگر	آذربایجان، جمهوری سوسیالیستی آذربایجان
پایتخت	باکو
تاریخ استقلال	۳۰ آگوست ۱۹۹۱ از شوروی
روز ملی	۲۸ مه ۱۹۱۸
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی فدرال با یک مجلس قانون‌گذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: الهام علی‌اف از سال ۲۰۰۳
رئیس دولت	نخست‌وزیر: آرتور راسی‌زاده از سال ۲۰۰۳
مساحت (چندمین کشور جهان)	۸۶,۶۰۰ کیلومتر مربع (صد و دوازدهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۸,۱۲۰,۲۴۷ نفر
تراکم جمعیت	۹۴/۷ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۰/۶۸۸٪

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۰۳

پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۳,۹۸۱,۴۵۸ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۱۹۶
امید به زندگی	۷۷/۶ سال (آقایان ۷۴/۹۵ سال، خانم ها ۸۰/۵۳ سال)
نژاد	۹۵٪ آلبانیایی، ۳٪ یونانی، ۲٪ سایر نژادها
ملیت	آلبانیایی
دین	۷۰٪ مسلمان، ۲۰٪ ارتدوکس آلبانیایی، ۱۰٪ کاتولیک روم
زبان	آلبانیایی، یونانی، رومانی، گویش های اسلاوی
شهرهای مهم	دوراس، ایاسان، شکودار
بنادر و پایانه ها	دوراس، شرانده، شنچین، ولور
واحد پول	لک
درآمد بودجه	۲/۶۰۸ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۳/۱ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۲۰/۲۱ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۳/۳٪ کشاورزی، ۱۸/۸٪ صنعت، ۵۷/۹٪ خدمات
سرمایه گذاری	۲۴/۵٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱/۵۵ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	گندم، ذرت، سیب زمینی، سبزیجات، میوه، چغندر قند، انگور
کاربری زمین	۲۰/۱٪ زمین قابل کشت، ۴/۲۱٪ کشت دائمی، ۷۵/۶۹٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، گاز طبیعی، زغال سنگ، بوکسیت، کرومیت، مس، سنگ آهن، نیکل، نمک، چوب، نیروی برق آبی
تولیدات صنعتی	فرآورده های مواد غذایی، منسوجات و پوشاک، الوار، نفت، سیمان، مواد شیمیایی، نیروی برق آبی
نیروی کار	۱/۰۹ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۵۸٪ کشاورزی، ۱۵٪ صنعت، ۲۷٪ خدمات
نیروی دفاعی	مرکز فرماندهی کل ستاد ارتش، فرماندهی نیروی زمینی، فرماندهی نیروی دریایی، فرماندهی پدافند هوایی، فرماندهی لجستیک، فرماندهی دکترین و آموزش
صادرات	منسوجات و کفش، قیر، سنگ فلز، سنگ معدن، روغن خام، سبزیجات، میوه، تنباکو
ویژگی خانوار	۱۵/۱۶ تولد، ۵/۳۳ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۲۳
تعداد دانشجویان	۴۲,۰۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۲۰ ایستگاه رادیویی، ۶۵ ایستگاه تلویزیونی، ۲ شبکه ی کابلی

جمهوری آلبانی

Republic of ALBANIA



نام محلی	ریپابلیکا شکیپرسی (Republikae Shqiperise)
اسامی دیگر	جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی
پایتخت	تیرانا
تاریخ استقلال	۲۸ نوامبر ۱۹۱۲ از عثمانی
روز ملی	۲۸ نوامبر ۱۹۱۲
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری از سال ۱۹۹۱
رئیس حکومت	رئیس جمهور: بایر توپی از سال ۲۰۰۷
رئیس دولت	نخست وزیر: سالی بریشا از سال ۲۰۰۵
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲۸,۷۴۸ کیلومتر مربع (صد و چهلین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۳,۶۰۰,۵۳۳ نفر
تراکم جمعیت	۱۱۹ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۰/۵۴۹٪

۳۰۴ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

پادشاهی اردن هاشمی

Hashemite Kingdom of JORDAN



پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۵۳ و ۹۷۳ نفر ۸
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۸
امید به زندگی	۷۱ سال (آقایان ۶۹، خانم‌ها ۷۳ سال)
نژاد	۹۸٪ عرب، ۱٪ چرکسی، ۱٪ ارمنی
ملیت	اردنی
دین	۹۲٪ مسلمان، ۶٪ مسیحی، ۲٪ سایر ادیان
زبان	عربی (رسمی)، انگلیسی
شهرهای مهم	زرقاء، اربد، سلط، رصیفه، مفرق
بنادر و پایانه‌ها	العقبة
واحد پول	دینار اردن
درآمد بودجه	۴/۸۸ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۵/۵۱ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۲۸/۸۹ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۳/۶٪ کشاورزی، ۳۰/۵٪ صنعت، ۶۵/۹٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲۴/۸٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۷/۳٪ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	مرکبات، گوجه فرنگی، خیار، زیتون، توت فرنگی
کاربری زمین	۳/۳۲ زمین قابل کشت، ۱/۱۸ کشت دائمی، ۹۵/۵ سایر موارد
منابع معدنی	فسفات، پتاس، نفت شیل
تولیدات صنعتی	پوشاک، فسفات، کود شیمیایی، دارو، پالایش نفت، سیمان، پتاس، مواد شیمیایی غیر آلی، جهانگردی
نیروی کار	۱۲ و ۵۱۲۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۵٪ کشاورزی، ۱۲/۵٪ صنعت، ۸۲/۵ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح اردنی، نیروی زمینی سلطنتی اردن، نیروی دریایی سلطنتی اردن، نیروی هوایی سلطنتی اردن، فرماندهی عملیات ویژه، ریاست امنیت عمومی
صادرات	پوشاک، دارو، پتاس، فسفات، کود، سبزیجات
ویژگی خانوار	۲۰/۶۹، تولد، ۲/۶۸ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۲۲
تعداد دانشجویان	۱۵۳ و ۹۶۵ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۲ ایستگاه رادیویی، ۲۰ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	المملكة الاردنية الهاشمية
اسامی دیگر	الاردن، اردن
پایتخت	عمان
تاریخ استقلال	۲۸ مه ۱۹۴۶ از انگلستان
روز ملی	۲۵ مه ۱۹۴۶
نوع حکومت	مشروطه سلطنتی یا دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	پادشاه: ملک عبدالله دوم از سال ۱۹۹۹
رئیس دولت	نخست‌وزیر: نادر الدهابی از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۹۲ و ۳۰۰ کیلومتر مربع (صد و دهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۹۳ و ۵۳۰۰۳ نفر
تراکم جمعیت	۶۰/۳ در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۴۱۲٪

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۰۵

پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۳۷,۴۰۳,۰۷۱ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۶۵
امید به زندگی	۶۴/۹۸ سال (آقایان ۶۱/۵۷ سال، خانم ها ۶۸/۵۶ سال)
نژاد	۸۰٪ ازبک، ۵/۵٪ روس، ۵٪ تاجیک، ۳٪ قزاق، ۲/۵٪ کاراکاپاک، ۱/۵٪ تاتار، ۲/۵٪ سایر نژادها
ملیت	ازبکستانی
دین	۸۸٪ مسلمان (اکثریت اهل تسنن)، ۹٪ ارتدوکس شرقی، ۳٪ سایر ادیان
زبان	۷۴/۳٪ ازبکی، ۱۴/۲٪ روسی، ۴/۴٪ تاجیکی، ۷/۱٪ سایر زبان ها
شهرهای مهم	تمنگان، سمرقند، اندیجان، بخارا
بنادر و پایانه ها	ترمیمز (آمودریا)
واحد پول	سوم ازبکستان
درآمد بودجه	۴/۰۸ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۴/۲۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۵۴/۸۱ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۳۱/۱٪ کشاورزی، ۲۵/۷٪ صنعت، ۴۳/۲٪ خدمات
سرمایه گذاری	۱۴۰ میلیون دلار
بدهی خارجی	۴/۷۱۳ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، سبزیجات، میوه، گندم
کاربری زمین	۱۰/۵۱٪ زمین قابل کشت، ۷۶٪/- کشت دائمی، ۸۸/۷۳٪ سایر موارد
منابع معدنی	گاز طبیعی، نفت خام، زغال سنگ، طلا، اورانیوم، نقره، مس، سرب، روی، ولفرام، مولیبدنوم
تولیدات صنعتی	منسوجات، فرآوری مواد غذایی، ماشین سازی، استخراج و ذوب فلزات، طلا، نفت خام، گاز طبیعی
نیروی کار	۱۴/۴۴ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۴۴٪ کشاورزی، ۳۰٪ صنعت، ۳۶٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی، هوایی و پدافند هوایی، گارد ملی
صادرات	پنبه، طلا، انرژی، کود، فلز آهنی و غیر آهنی، منسوجات، مواد غذایی، ماشین آلات، اتومبیل
ویژگی خانوار	۲۶/۴۶ تولد، ۷/۷۳ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۶۱
تعداد دانشجویان	۱۸۳,۶۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۳ ایستگاه رادیویی، ۸ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری ازبکستان Republic of UZBEKISTAN



نام محلی	ازبکستان
اسامی دیگر	ازبکستان، جمهوری سوسیالیستی ازبک
پایتخت	تاشکند
تاریخ استقلال	اول سپتامبر ۱۹۹۱ از شوروی
روز ملی	اول سپتامبر ۱۹۹۱
نوع حکومت	چند حزبی، یک مجلس قانونگذاری از سال ۱۹۹۲
رئیس حکومت	رئیس جمهور: اسلام کریم آف از سال ۲۰۰۰ به مدت ۵ سال
رئیس دولت	نخست وزیر: شوکت میرضیاف از سال ۲۰۰۳
مساحت (چندمین کشور جهان)	۴۴۷,۴۰۰ کیلومتر مربع (پنجاه و ششمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۲۷,۷۸۰,۰۵۹ نفر
تراکم جمعیت	۵۷/۵ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۷۳۲٪

۳۰۶ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

جمهوری اسلامی افغانستان Islamic State of AFGHANISTAN



زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۵
امید به زندگی	۷۷/۴۳ سال (آقایان ۶/۴۳ سال، خانم‌ها ۹۶/۴۳ سال)
نژاد	۴۲٪ پشتو، ۲۷٪ تاجیک، ۹٪ هزاره، ۹٪ ازبک، ۴٪ آیماک، ۳٪ ترکمن، ۲٪ بلوچ، ۴٪ سایر نژادها
ملیت	افغانی
دین	۸۰٪ مسلمان سنی، ۱۹٪ مسلمان شیعه، ۱٪ سایر ادیان
زبان	۵۰٪ فارسی دری و فارسی افغانی (رسمی)، ۳۵٪ پشتو (رسمی)، ۱۱٪ زبان‌های ترکی
شهرهای مهم	قندهار، هرات، مزارشریف، جلال‌آباد
بنادر و پایانه‌ها	خیرآباد، شیرخان
واحد پول	افغانی
درآمد بودجه	۲۶۹ میلیون دلار
هزینه بودجه	۵۶۱ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۲۱/۵ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۳۸٪ کشاورزی، ۲۴٪ صنعت، ۳۸٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	—
بدهی خارجی	۸ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	تریاک، گندم، میوه‌جات، آجیل، پشم
کاربری زمین	۱۳/۱۲٪ زمین قابل کشت، ۲۱/۰٪ کشت دائمی، ۶۶/۸۷٪ سایر موارد
منابع معدنی	گاز طبیعی، نفت خام، زغال سنگ، مس، کرومیت، سیلیکات، منیزیم، سولفات باریم طبیعی، گوگرد، سرب، روی، سنگ آهن، نمک، جواهرات گرانبها و نیمه گرانبها
تولیدات صنعتی	منسوجات (به مقدار کم)، صابون، میلمان، کفش، کود، سیمان، فرش دستبافت، مس، زغال سنگ، گاز طبیعی
نیروی کار	۱۵ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۸۰٪ کشاورزی، ۱۰٪ صنعت، ۱۰٪ خدمات
نیروی دفاعی	ارتش ملی افغانستان (که شامل نیروی هوایی افغانستان است)
صادرات	تریاک، میوه، آجیل، فرش دستبافت، پشم، پنبه، پوست، جواهرات گرانبها و نیمه گرانبها
ویزگی خانوار	۲۱/۴۶ تولد، ۹۶/۱۹ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱۶
تعداد دانشجویان	۳۳۰۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۲۷ ایستگاه رادیویی، ۷ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	افغانستان
اسامی دیگر	جمهوری افغانستان
پایتخت	کابل
تاریخ استقلال	۱۹ آگوست ۱۹۱۹ از انگلستان
روز ملی	پانزدهم فوریه ۱۹۸۸ روز خروج قوای شوروی
نوع حکومت	جمهوری اسلامی
رئیس حکومت	رئیس جمهور: حامد کرزای از سال ۲۰۰۴
رئیس دولت	رئیس جمهور: حامد کرزای از سال ۲۰۰۴
مساحت (چندمین کشور جهان)	۶۴۷,۵۰۰ کیلومتر مربع (چهلین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۳۱,۸۸۹,۹۱۳ نفر
تراکم جمعیت	۳۶ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۲۶۲۵٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۴۸,۶۳۲,۱۳۳ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۰۷

تراکم جمعیت	۱۳/۶ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۱۲۱۶٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۴۱,۴۳۹,۸۵۴
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۸۹
امید به زندگی	۵۲/۵۳ سال (آقایان ۷۱/۹۱ سال، خانمها ۷۵/۴۱ سال)
نژاد	۹۹٪ عرب و بربر، ۱٪ اروپایی
ملیت	الجزایری
دین	۹۹٪ مسلمان سنی، ۱٪ مسیحی و یهودی
زبان	عربی (رسمی) فرانسوی، بربر
شهرهای مهم	وهران، قسنطنینه، عنابه، باطنه، سطیف
بنادر و یایانه ها	الجزیره، آتایا، آرزو، بجایا، جیجل، مُسْتَنَکَم، اوران
واحد پول	دینار الجزایر
درآمد بودجه	۵۹/۲۶ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۴۹/۱۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۴/۲۵۳ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۹/۴ کشاورزی، ۵۸/۱ صنعت، ۳۲/۵ خدمات
سرمایه گذاری	۲۳/۴٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۵ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	گندم، جو، جو دوسر، انگور، زیتون، مرکبات
کاربری زمین	۳/۱۷٪ زمین قابل کشت، ۰/۲۸٪ کشت دائمی، ۹۶/۵۵٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، گاز طبیعی، سنگ آهن، فسفات، اورانیوم، سرب و روی
تولیدات صنعتی	نفت خام، گاز طبیعی، یرق، پتروشیمی، فرآورده های غذایی
نیروی کار	۹/۳ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۱۴٪ کشاورزی، ۱۳/۴٪ صنعت، ۱۰٪ ساختمان سازی و تأسیسات، ۱۴/۶٪ تجارت، ۳۲٪ در ادارات دولتی، ۱۶٪ سایر بخش ها
نیروی دفاعی	ارتش ملی مردمی، نیروی دریایی ملی الجزایر، نیروی هوایی، نیروی یخساز
صادرات	نفت خام، گاز طبیعی، فرآورده های نفتی
ویژگی خانوار	۱۷/۱۱ تولد، ۴/۶۲ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۵۵
تعداد دانشجویان	۶۲۴,۳۳۴ نفر
ارتباطات و رسانه	۳۴ ایستگاه رادیویی، ۴۶ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر

People's Democratic Republic of ALGERIA



نام محلی	الجمهورية الجزائرية الديمقراطية الشعبية
اسامی دیگر	الجزایر
پایتخت	شهر الجزایر
تاریخ استقلال	۵ جولای ۱۹۶۲ از فرانسه
روز ملی	اول نوامبر ۱۹۵۴
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی یا دو مجلسی قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: شاه عبدالعزیز بوتفلیقه از سال ۱۹۹۹
رئیس دولت	نخست وزیر: عبدالعزیز بالخادم
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲,۳۸۱,۷۴۰ کیلومتر مربع (پانزدهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۳۳,۳۳۳,۲۱۶ نفر

امارات متحده عربی

State of The UNITED ARAB EMIRATES



نام محلی	الإمارات العربية المتحدة
اسامی دیگر	عمان شمالی
پایتخت	ابوظبی
تاریخ استقلال	دوم دسامبر ۱۹۷۱ از انگلستان
روز ملی	دوم دسامبر ۱۹۷۱
نوع حکومت	فدراسیونی متشکل از ۷ امیرنشین یا یک مجلس
رئیس حکومت	امیر: شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان از سال ۲۰۰۴
رئیس دولت	نخست‌وزیر: شیخ مکوم بن راشد آل مکوم از سال ۲۰۰۶
مساحت (چندمین کشور جهان)	۸۳,۶۰۰ کیلومتر مربع (صد و چهاردهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۴,۴۴۴,۰۱۱ نفر

تراکم جمعیت	۵۵/۶ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۹۹۷٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۸,۳۵۱,۰۰۸ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۳۲
امید به زندگی	۷۳ سال (آقایان ۷۲ سال، خانم‌ها ۷۵ سال)
نژاد	۱۹٪ اماراتی، ۲۳٪ ایرانی و عرب، ۵۰٪ آسیای جنوبی، ۸٪ خاور دور
ملیت	اماراتی
دین	۹۶٪ مسلمان (۱۶٪ شیعه) ۴٪ هندو و مسیحی
زبان	عربی (رسمی)، فارسی، انگلیسی هندی و اردو
شهرهای مهم	دبی، شارجه، العین، عجمان، رأس‌الخیمه
ننادر و پایانه‌ها	الخورجیره، خاورفکان، میناجل علی، مینارشید، مینازید، شرچان
واحد پول	درهم امارات
درآمد بودجه	۶۰/۳ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۳۵/۲ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۱۲۹/۴ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲/۳٪ کشاورزی، ۱۵٪ صنعت، ۷۸٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲۴/۳٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۳۹/۱ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	سبزیجات، خرما، هندوانه، تخم‌مرغ
گابری زمین	۰/۷۷٪ زمین قابل کشت، ۲/۲۷٪ کشت دائمی، ۹۶/۹۶٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام و گاز طبیعی
تولیدات صنعتی	نفت خام و مواد شیمیایی نفتی، ماهیگیری، آلومینیوم، سیمان، تعمیر کشتی‌های تجاری، کود، مواد ساختمانی، صنایع دستی، منسوجات
نیروی کار	۲/۹۶۸ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۷٪ کشاورزی، ۱۵٪ صنعت، ۷۸٪ خدمات
نیروی دفاعی	ارتش، نیروی دریایی (شامل تفنگدار دریایی و گارد ساحلی)، نیروی هوایی و نیروی پدافند هوایی، نیروهای شبه نظامی، (نیروی پلیس فدرال)
صادرات	۴۵٪ روغن خام، گاز طبیعی، ماهی خشک شده، خرما
ویژگی خانوار	۱۶/۰۹ تولد، ۲/۱۶ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۵
تعداد دانشجویان	۷۱,۱۹۴ نفر
ارتباطات و رسانه	۲۳ ایستگاه رادیویی، ۱۵ ایستگاه تلویزیونی

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۰۹

پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۹۱,۶۳۰,۷۶۱ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۸۹
امید به زندگی	۷۰/۱۶ سال (آقایان ۶۷/۶۹ سال، خانمها ۷۲/۷۶ سال)
نژاد	۴۰/۶٪ جاوایی، ۱۵٪ سوندایی، ۳٪ مادوریز، ۷٪ میننگکبا، ۲/۴٪ بتاوی، ۲/۴٪ بوگیس، ۲٪ بانتن، ۱/۷٪ پاتجار، ۹٪ سایر نژادها
ملیت	اندونزیایی
دین	۸۶/۱٪ مسلمان، ۵/۷٪ پروتستان، ۳٪ کاتولیک روم، ۱/۸٪ هندو، ۳/۴٪ سایر ادیان
زبان	اندونزیایی باهاسا (رسمی)، انگلیسی، هندی
شهرهای مهم	سورابایا، باندونگ، مدان، یکاسی، پالم بانگ
بنادر و پایانه‌ها	بنجارماسین، پلاون، سواندان، پالم ینگ، پتجانگ
واحد پول	روپیه اندونزی
درآمد بودجه	۵۷/۵۸ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۷۹/۴۵ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۹۳۵ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۱۳/۱٪ کشاورزی، ۴۶٪ صنعت، ۴۱٪ خدمات
سرمایه گذاری	۲۰/۳٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱۳۰/۴ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	برنج، نشاسته، بادام زمینی، کاکائو، کتانچو، قهوه، روغن خرما، مغز نارگیل
کاربری زمین	۱۱/۰۳٪ زمین قابل کشت، ۷/۴٪ کشت دائمی، ۸۱/۹۳٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، قلع، گاز طبیعی، نیکل، الوار، بوکسیت، مس، زغال سنگ، طلا، تهره
تولیدات صنعتی	نفت خام، گاز طبیعی، منسوجات، سیمان، کود شیمیایی، لوازم آرایشی، کفش، غذا، کتانچو، تخته چندلا
نیروی کار	۱۰۸/۲ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۴۴/۳٪ کشاورزی، ۱۸٪ صنعت، ۳۸/۷٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح اندونزی: نیروی زمینی، نیروی دریایی (شامل تفنگدار دریایی و شاخه هوایی و دریایی)، نیروی هوایی
صادرات	نفت، گاز، وسایل الکتریکی، منسوجات، تخته چندلا، کتانچو
ویژگی خانواده	۱۹/۶۵٪ تولد، ۶/۲۵ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱,۶۳۴
تعداد دانشجویان	۳,۱۲۶,۳۰۷ نفر
ارتباطات و رسانه	۸۰۳ ایستگاه رادیویی، ۵۴ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری اندونزی

Republic of INDONESIA



نام محلی	ریپابلیک ایندونزی
اسامی دیگر	ایندونزی، هند شرقی هلند، هند هلند
پایتخت	جاکارتا
تاریخ استقلال	۱۷ آگوست ۱۹۴۵ از هلند
روز ملی	۱۷ آگوست ۱۹۴۵
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: سوسیلو بامبانگ بودویونو از سال ۲۰۰۴
رئیس دولت	رئیس جمهور: سوسیلو بامبانگ بودویونو از سال ۲۰۰۴
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱/۹۱۹/۴۴۰ کیلومتر مربع (پانزدهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۲۳۴,۶۹۳,۹۹۷ نفر
تراکم جمعیت	۱۱۲/۹ در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۲۱۳٪

۳۱۰ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

جمهوری اوگاندا Republic of UGANDA



نام محلی	
اسامی دیگر	اوگاندا
پایتخت	کامپالا
تاریخ استقلال	۹ اکتبر ۱۹۶۲ از انگلستان
روز ملی	۹ اکتبر ۱۹۶۲
نوع حکومت	جمهوری غیرحزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس‌جمهور: یووری کاگوتاموسوینی از سال ۱۹۸۶
رئیس دولت	نخست‌وزیر: آپولونسیمبامبی از سال ۱۹۹۹
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲۳۶,۰۴۰ کیلومتر مربع (هفاد و نهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۳۰,۲۶۲,۶۱۰ نفر
تراکم جمعیت	۸۶/۴ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۳/۵۷٪

پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۵۱,۸۸۲,۲۱۹ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۳۵
امید به زندگی	۵۱/۷۵ سال (آقایان ۵۰/۷۸ سال، خانم‌ها ۵۲/۷۳ سال)
نژاد	۱۶/۹٪ باگاندا، ۹/۵٪ باباکل، ۸/۴٪ سوگا، ۶/۹٪ کیکا، ۶/۴٪ اتیسو، ۶/۱٪ لانگی، ۴/۷٪ آچولی، ۴/۶٪ باگیسو، ۴/۲٪ لوگابدا، ۲/۷٪ بونیارو، ۲/۹/۶٪ سایر نژادها
ملیت	اوگاندایی
دین	۴۱/۹٪ کاتولیک روم، ۴۲٪ پروتستان، ۱۲/۱٪ مسلمان، ۳/۱٪ سایر ادیان
زبان	انگلیسی (زبان رسمی)، گاندایالوگاندا، زبان هالی نیلوساخارا، سواحیلی، عربی
شهرهای مهم	گولو، لیرا، جینجا، امبالی
بنادر و پایانه‌ها	انتبل، جینجا، بندر بل
واحد پول	شیلینگ اوگاندا
درآمد بودجه	۱/۹۴۳ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۱/۹۴۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۵۱/۸۹ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۹/۴٪ کشاورزی، ۲۲/۱٪ صنعت، ۴۸/۵٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲۳/۵٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱/۴۵۶٪ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	قهوه، چای، پشم، تنباکو، سیب‌زمینی، ذرت، کاساو
کاربری زمین	۲۱/۵۷٪ زمین قابل کشت، ۸/۹۲٪ کشت دائمی، ۶۹/۵۱٪ سایر موارد
منابع معدنی	مس، کبالت، نیروی برقی، آب، سنگ آهن، نمک
تولیدات صنعتی	شکر، آجوسازی، تنباکو، منسوجات پشمی، سیمان، فولاد
نیروی کار	۱۳/۷۶ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۸۲٪ کشاورزی، ۵٪ صنعت، ۱۳٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی دفاعی مردمی اوگاندا، ارتش (شامل واحد تفنگدار دریایی)، نیروی هوایی
صادرات	قهوه، ماهی و فرآورده‌های ماهی، چای، پشم، گل، محصولات گل، طلا
ویژگی خانوار	۴۸/۱۲ نفر، تولد، ۱۲/۶۶ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱
تعداد دانشجویان	۱۵۰,۰۲۸ نفر
ارتباطات و رسانه	۴۲ ایستگاه رادیویی، ۸ ایستگاه تلویزیونی

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۱۱

پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۷۹,۳۹۴,۷۰۸ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۱۶۵
امید به زندگی	۷۰/۵۶ سال (آقایان ۶۹/۱۲ سال، خانم ها ۷۲/۰۷ سال)
نژاد	۵۱٪ فارس، ۲۴٪ آذری، ۸٪ گیلکی و مازندرانی، ۷٪ کرد، ۳٪ عرب، ۲٪ لر، ۲٪ بلوچ، ۲٪ ترکمن، ۱٪ سایر نژادها
مطبت	ایرانی
دین	۹۸٪ مسلمان (۸۹٪ شیعه، ۹٪ سنی)، ۲٪ زرتشتی، یهودی و مسیحی
زبان	۵۸٪ فارسی و لهجه های فارسی، ۲۶٪ ترکی و لهجه های ترکی، ۹٪ کردی، ۲٪ لری، ۱٪ بلوچی، ۱٪ عربی، ۳٪ سایر زبان ها
شهرهای مهم	اصفهان، مشهد، تبریز، کرج، شیراز
بنادر و پایانه ها	عسلویه، بوشهر، بندرعباس، بندر انزلی، بندر امام خمینی، بندر گوناوه، بندر دلیم، بندر لنگه، بندر جاسک
واحد پول	ریال
درآمد بودجه	۱۰۴/۶ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۱۰۰/۶ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۶۱۰/۴ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱/۲٪ کشاورزی، ۴۱/۷٪ صنعت، ۴۷/۱٪ خدمات
سرمایه گذاری	۳۰٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱۴/۸٪ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	غلات، برنج، گندم، چغندر قند، میوه، آجیل، پشم، پنبه
کاربری زمین	۹/۷۸٪ زمین قابل کشت، ۱/۱۲٪ کشت دائمی، ۸۸/۹۳٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، گاز طبیعی، زغال سنگ، کرومیت، مس، سنگ آهن، سرب، منگنز، روی، گوگرد
تولیدات صنعتی	نفت خام، مواد شیمیایی نفتی، کود، منسوجات، سیمان، و سایر مصالح ساختمانی، هیدروکسید سدیم، فراوری مواد غذایی، ساخت فلز آهنی و غیر آهنی
نیروی کار	۲۴/۳۶ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۳۰٪ کشاورزی، ۲۵٪ صنعت، ۴۵٪ خدمات
نیروی دفاعی	ارتش شامل: نیروی زمینی، دریایی، هوایی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامل: نیروی زمینی، دریایی، هوایی، قدس و بسیج
صادرات	۸۰٪ نفت، فراآوردهای نفتی و پتروشیمی، میوه و آجیل، فرش
ویژگی خانوار	۱۶/۵۷ تولد، ۵/۶۵ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱۱۰
تعداد دانشجویان	۱,۶۷۳,۷۵۷ نفر
ارتباطات و رسانه	۸۲ ایستگاه رادیویی، ۲۸ ایستگاه تلویزیونی



جمهوری اسلامی ایران Islamic Republic of IRAN



نام محلی	جمهوری اسلامی ایران - ایران
اسامی دیگر	ایران، پرشیا
پایتخت	تهران
تاریخ استقلال	دارای سابقه کهن
روز ملی	اول آوریل ۱۹۷۹
نوع حکومت	جمهوری اسلامی یا یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت اسلامی	ولی فقیه: آیت الله سید علی حسینی خامنه ای (دام ظلّه) از سال ۱۹۸۹
رئیس دولت	رئیس جمهور: محمود احمدی نژاد از سال ۲۰۰۵
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱,۶۴۸,۰۰۰ کیلومتر مربع (دهدمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۷۰,۴۷۲,۸۴۶ نفر
تراکم جمعیت	۴۰/۹ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۰/۶۳۳٪

۳۱۲ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

دولت بحرین Kingdom of BAHRAIN



تواکم جمعیت	۹۸۵/۶ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	٪ ۱/۳۹۲
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۹۰۵,۸۴۰ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۷۹
امید به زندگی	۷۴ سال (آقایان ۷۳ سال، خانم‌ها ۷۵ سال)
نژاد	۶۲/۴ یمنی، ۳۷/۶ غیر یمنی
ملیت	بحرینی
دین	۸۱/۲ مسلمان (شیعه و سنی)، ۹٪ مسیحی، ۹/۸٪ سایر ادیان
زبان	عربی، انگلیسی، فارسی، اردو
شهرهای مهم	محرّق، الرفاع، حماد
بنادر و پایانه‌ها	سپتره، میناسلمان
واحد پول	دینار بحرین
درآمد بودجه	۵/۵۸۲ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۴/۱۹۷ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۱۷/۷ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۰/۵٪ کشاورزی، ۳۸/۷٪ صنعت، ۶۰/۸٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲۱/۱٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۷/۲۶۷٪ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	میوه، سبزیجات، ماکیان
کاربری زمین	۴/۸۲٪ زمین قابل کشت، ۵/۶۳ کشت دائمی، ۹۱/۵۵٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت، گاز طبیعی، ماهی، مروارید
تولیدات صنعتی	فرآوری و پالایش نفت، ذوب، آلومینیوم، کود، بیمه، تعمیر کشتی، جهانگردی
نیروی کار	۳۵۲,۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۱٪ کشاورزی، ۷۹٪ صنعت، ۲۰٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی دفاعی بحرین شامل: نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی، گارد ملی
صادرات	نفت خام و فرآورده‌های نفتی، آلومینیوم، منسوجات
وزگی خانوار	۱۷/۵۳ تولد، ۴/۲۱ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۵
تعداد دانشجویان	۱۳,۵۲۸ نفر
ارتباطات و رسانه	۵ ایستگاه رادیویی، ۴ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	مملکة البحرین
اسامی دیگر	دیلمون البحرین
یافتخت	منامه
تاریخ استقلال	۱۵ آگوست ۱۹۷۱ از ایران
روز ملی	۱۶ دسامبر ۱۹۷۱
نوع حکومت	پادشاهی با ۲ مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	پادشاه: شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه از سال ۱۹۹۹
رئیس دولت	نخست‌وزیر: شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه از سال ۱۹۷۱
مساحت (چندمین کشور جهان)	۶۶۵ کیلومتر مربع (صد و هفتاد و ششمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۷۰۸,۵۷۳ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۱۳

تراکم جمعیت	۵۷/۷ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	٪ ۱/۸۱
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۵۱۰.۱۷۴ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۶۲
امید به زندگی	۷۵/۳ سال (آقایان ۷۳/۱۲ سال، خانمها ۷۷/۵۹ سال)
نژاد	۶۷٪ مالایایی، ۱۵٪ چینی، ۶٪ بومی، ۱۲٪ سایر نژاد
ملیت	بروننی
دین	۶۷٪ مسلمان (دین رسمی)، ۱۳٪ بودایی، ۱۰٪ مسیحی، ۱۰٪ سایر ادیان
زبان	مالی، انگلیسی، چینی
شهرهای مهم	کوالالایپت، سریا، توتونگ
بنادر و پایانه ها	لوموت، سریا، موآرا
واحد پول	دلار بروننی
درآمد یوده	۳/۷۶۵ میلیارد دلار
هزینه یوده	۴/۸۱۵ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۹/۵۳۱ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۰/۹٪ کشاورزی، ۷۱/۶٪ صنعت، ۲۷/۵٪ خدمات
سرمایه گذاری	نامشخص
بدهی خارجی	فاقد بدهی است
محصولات عمده کشاورزی	برنج، سبزیجات، میوه جات، تخم مرغ
کاربری زمین	۲/۸٪ زمین قابل کشت، ۰/۸۷٪ کشت دائمی، ۹۷/۰۵٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت، گاز طبیعی، مصالح ساختمانی
تولیدات صنعتی	نفت خام، پالایش نفت، گاز مایع
نیروی کار	۱۸۰.۴۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۲/۲۹٪ کشاورزی، ۶۱/۱٪ صنعت، ۳۶٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح سلطنتی بروننی: نیروی زمینی سلطنتی بروننی، نیروی دریایی سلطنتی بروننی، نیروی هوایی سلطنتی بروننی
صادرات	روغن خام، گاز طبیعی، پوشاک
ویژگی خانوار	۱۸/۵۷ تولد، ۳/۲۶ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۳
تعداد دانشجویان	۳.۸۸۵ نفر
ارتباطات و رسانه	۳ ایستگاه رادیویی، ۴ ایستگاه تلویزیونی

دولت بروننی BRUNEI-DARUSSALAM



نام محلی	نگارا بروننی دارالسلام
اسامی دیگر	بروننی، دولت بروننی درالسلام
پایتخت	بندر سری بگاوان
تاریخ استقلال	اول ژانویه ۱۹۸۴ از انگلستان
روز ملی	۲۳ فوریه ۱۹۸۴
نوع حکومت	سلطنت اسلامی
رئیس حکومت	سلطان و نخست وزیر: حاجی حسن ابولکاه معزالدین والدویه از سال ۱۹۶۷
رئیس دولت	سلطان و نخست وزیر: حاجی حسن ابولکاه معزالدین والدویه از سال ۱۹۶۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۵,۷۷۰ کیلومتر مربع (صد و شصت و چهارمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۳۷۴,۵۷۷ نفر

جمهوری خلق بنگلادش

People's Republic of BANGLADESH



تراکم جمعیت	۹۴۳ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۵۶٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۲۷,۵۳۸,۳۶۹ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۶
امید به زندگی	۶۲/۸۴ سال (آقایان ۶۲/۸۱ سال، خانم‌ها ۶۲/۸۶ سال)
نژاد	۹۸٪ بنگالی، ۲٪ سایر نژادها
مذهب	بنگلادشی
دین	۸۳٪ مسلمان، ۱۶٪ هندو، ۱٪ سایر ادیان
زبان	بنگالا (رسمی، بنگالی هم گفته می‌شود) انگلیسی
شهرهای مهم	چیتاگنگ، خولنا، راجشاهی
بنادر و پایانه‌ها	چیتاگنگ، بندر مونگلا
واحد پول	تاکا
درآمد بودجه	۶/۳۸۹ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۸/۶۹۶ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۳۳۰/۸ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۹/۹ کشاورزی، ۲۰/۶ صنعت، ۵۹/۵ خدمات
سرمایه‌گذاری	۴۴/۹ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۲۲/۵۵ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	برنج، چای، کتف، گندم، نیسکر، سیب‌زمینی، تنباکو، بنش، میوه‌جات، ادویه‌جات
کاربری زمین	۵۵/۵٪ زمین قابل کشت، ۳/۰۸٪ کشت دائمی، ۴۱/۵۳٪ سایر موارد
منابع معدنی	گاز طبیعی، زغال سنگ، الوار
تولیدات صنعتی	منسوجات پشمی، کتف، پوشاک، فراوری چای، کاغذ روزنامه، سیمان، کود شیمیایی، شکر
نیروی کار	۶۸ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۶۳٪ کشاورزی، ۱۱٪ صنعت، ۲۶٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی دفاعی بنگلادش شامل: نیروهای زمینی، دریایی و هوایی بنگلادش
صادرات	پوشاک، کتف و کالاهای کتفی، چرم، غذاهای دریایی و ماهی منجمد
ویژگی‌های خانوار	۲۹/۳۶ تولد، ۸/۱۳ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۷۵
تعداد دانشجویان	۷۱,۰۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۳۰ ایستگاه رادیویی، ۱۵ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	گانایاراجتاری بنگلادش
اسامی دیگر	بنگلادش، پاکستان شرقی، بنگال شرقی
پایتخت	داکا
تاریخ استقلال	۱۶ دسامبر ۱۹۷۱ از پاکستان
روز ملی	۲۶ مارس ۱۹۷۱
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: ایازالدین احمد از سال ۲۰۰۲
رئیس دولت	نخست‌وزیر: فخرالدین احمد از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱۴۴,۰۰۰ کیلومتر مربع (نود و دومین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۵۰,۴۸۸,۳۳۹ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۱۵

تراکم جمعیت	۵۸/۲ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۶۷۴٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱۲,۳۹۸,۵۹۶ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۴
امید به زندگی	۵۳/۴۴ سال (آقایان ۵۲/۲۸ سال، خانمها ۵۴/۶۳ سال)
نژاد	۳۹/۲٪ فون، ۱۵/۲٪ آجا، ۱۲/۳٪ یورو، ۹/۲٪ بریبا، ۷٪ پو، ۶/۱٪ اوتاماری، ۴٪ یوآلوکپا، ۲/۵٪ دندی، ۱/۶٪ سایر نژادها، ۲/۹٪ نامشخص
ملیت	نینتی
دین	۴۲/۸٪ مسیحی، ۲۴/۴٪ مسلمان، ۱۷/۳٪ جادوگر، ۱۵/۵٪ سایر ادیان
زبان	فرانسه (رسمی)، فون و یوروبا، زبان های قبیله ای
شهرهای مهم	کوتونو، پاراکو، جوگو، آبومی
بنادر و پایانه ها	کوتونو
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد بودجه	۸۳۶/۸ میلیون دلار
هزینه بودجه	۱/۰۶۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۸/۹۳۱ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۳۲/۸٪ کشاورزی، ۱۳/۷٪ صنعت، ۵۳/۵٪ خدمات
سرمایه گذاری	۱۹/۱٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱/۶ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، درخت، کاساو، سیب زمینی هندی، لوبیا، روغن خرما، بادام زمینی، درخت بلارد
کاربری زمین	۲۳/۵۳٪ زمین قابل کشت، ۲/۳۷٪ کشت دائمی، ۷۴/۱٪ سایر موارد
منابع معدنی	سنگ آهک، سنگ مرمر، الوار
تولیدات صنعتی	منسوجات، فرآوری مواد غذایی، مصالح ساختمان، سیمان
نیروی کار	۳/۲۱۱ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۴۷/۸٪ کشاورزی، ۵۲/۲۰٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی
صادرات	پنبه، درخت بلارد، روغن شی
ویژگی خانوار	۳۸/۱ تولد، ۱۱/۹۴ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۲
تعداد دانشجویان	۱۲۰,۰۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۵ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری بنین Republic of BENIN



نام محلی	ریپابلیک د بنین
اسامی دیگر	بنین، داهومی
پایتخت	پرتو نوو
تاریخ استقلال	اول آگوست ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	اول آگوست ۱۹۶۰
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی یا یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: یایی بونی از سال ۲۰۰۶
رئیس دولت	رئیس جمهور: یایی بونی از سال ۲۰۰۶
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱۱۲,۶۲۰ کیلومتر مربع (صدومین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۸,۰۷۸,۳۱۴ نفر

بورکینافاسو BURKINA-FASO (then Upper Volta)



نام محلی	بورکینافاسو
اسامی دیگر	ولتای علیا، ولتای شمالی، جمهوری ولتای علیا
پایتخت	واگه دوگو
تاریخ استقلال	۵ آگوست ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	۱۱ دسامبر ۱۹۵۸
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی یا یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: بلسه کامیاتوره از سال ۱۹۸۷
رئیس دولت	نخست‌وزیر: ترتیوس زونگو از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲۷۴,۲۰۰ کیلومتر مربع (هفتاد و چهارمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۴,۳۲۶,۲۰۳ نفر

تراکم جمعیت	۴۶ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	٪ ۲/۵۷
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۱,۶۸۹,۸۷۱ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۶
امید به زندگی	۵۳/۴۴ سال (آقایان ۵۲/۲۸ سال، خانم‌ها ۵۴/۶۳ سال)
نژاد	٪۴۰ قایل موسی، ٪۶۰ گرونسی، سنوفو، لوبی، بوبو، ماندی، فولانی
ملیت	بورکینایی
دین	٪۴۰ عقاید سنتی، ٪۵۰ مسلمان، ٪۱۰ مسیحی
زبان	فرانسوی (رسمی)، زبان‌های بومی آفریقایی که متعلق به خانواده‌ی سودانی است و ٪۹۰ مردم به این زبان‌ها صحبت می‌کنند
شهرهای مهم	بوبو دیولاسو، کودگو، بانفورا، واهینگویا
بنادر و پایانه‌ها	فاقد بندر می‌باشد
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد بودجه	۱/۱۵۸ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۱/۷۱۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۱۴/۳۳ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	٪۳۵ کشاورزی، ٪۱۷ صنعت، ٪۴۸ خدمات
سرمایه‌گذاری	٪۲۰/۵ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱/۳ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، برنج، بادام زمینی، کنجد، ذرت خوشه‌ای، غله
گابری زمین	٪۱۷/۶۶ زمین قابل کشت، ٪۰/۲۲ کشت دائمی، ٪۸۲/۱۲ سایر موارد
منابع معدنی	منگنز، سنگ آهن، سنگ مرمر، فسفات، سنگ خارا، نمک
تولیدات صنعتی	صابون، پنبه‌ی نخ‌ریسی، طلا، منسوجات، سیگار
نیروی کار	۵ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	٪۹۰ کشاورزی، ٪۱۰ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی و هوایی بورکینافاسو، اداره‌ی امنیت ملی
صادرات	پنبه، طلا، چارپایان اهلی
ویژگی خانوار	۴۵/۲۸ تولد، ۱۵/۳۱ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۹
تعداد دانشجویان	۹,۵۱۱ نفر
ارتباطات و رسانه	۳۳ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۱۷

پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۲۴,۹۷۱,۵۷۱ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۶۲
امید به زندگی	۶۳/۷۵ سال (آقایان ۶۲/۷۳ سال، خانمها ۶۴/۸۳ سال)
نژاد	پنجابی، سندھی، پشتو، بلوچ، مهاجر
ملیت	پاکستانی
دین	۹۷٪ مسلمان (۷۷٪ سنی، ۲۰٪ شیعه)، ۳٪ مسیحی و هندو
زبان	۴۸٪ پنجابی، ۱۳٪ سندھی، ۱۰٪ سیراکی، ۸٪ پشتو، ۳٪ اردو، ۳٪ بلوچی، ۲٪ هندی، ۱۱٪ سایر زبانها
شهرهای مهم	کراچی، لاهور، فیصل آباد، راولپنڈی، مولتان
بنادر و پایانه ها	کراچی، بندر محمد بن قسیم
واحد پول	روپیه پاکستان
درآمد بودجه	۲۰/۵۵ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۲۵/۶۵ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۴۲۷/۳ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۲٪ کشاورزی، ۲۶٪ صنعت، ۵۲٪ خدمات
سرمایه گذاری	۱۵/۶٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۴۲/۳۸ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، برنج، گندم، میوهجات و سبزیجات
کاربری زمین	۲۴/۴۴٪ زمین قابل کشت، ۸۴٪ کشت دائمی، ۷۴/۷۲٪ سایر موارد
منابع معدنی	گاز طبیعی، نفت خام در حد محدود، زغال سنگ با کیفیت نامرغوب، سنگ آهن، مس، نمک، سنگ آهک
تولیدات صنعتی	منسوجات و پوشاک، فرآوری مواد غذایی، دارو، مصالح ساختمانی، میگو، کود
نیروی کار	۴۸/۴۹ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۴۲٪ کشاورزی، ۲۰٪ صنعت، ۳۸٪ خدمات
نیروی دفاعی	ارتش (کاردار ملی)، نیروی دریایی (تفنگداران دریایی و سازمان امنیت دریایی)، نیروی هوایی پاکستان
صادرات	منسوجات، برنج، کالاهای چرمی، کالاهای ورزشی، فرش، گلیم
ویژگی خانوار	۲۷/۵۲ تولد، ۸ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۸۵
تعداد دانشجویان	۱,۲۶۸,۰۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۹۹ ایستگاه رادیویی، ۲۰ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری اسلامی پاکستان Islamic Republic of PAKISTAN



نام محلی	جمهوریه اسلامی پاکستان
اسامی دیگر	پاکستان، پاکستان غربی
پایتخت	اسلام آباد
تاریخ استقلال	۱۴ آگوست ۱۹۴۷ از انگلستان
روز ملی	۲۳ مارس ۱۹۵۶
نوع حکومت	جمهوری اسلامی یا دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: آصف علی زرداری از سال ۲۰۰۸
رئیس دولت	نخست وزیر: یوسف رضا گیلانی از سال ۲۰۰۸
مساحت (چندمین کشور جهان)	۸۰۳,۹۴۰ کیلومتر مربع (سی و پنجمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۶۴,۷۴۱,۹۲۴ نفر
تراکم جمعیت	۱۹۰ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۸۲۸٪

جمهوری تاجیکستان Republic of TAJIKISTAN



تراکم جمعیت	۴۳/۳ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۸۹۵٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۹,۷۵۸,۶۳۹ نفر
زنان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۶۰
امید به زندگی	۶۴/۶۱ سال (آقایان ۶۱/۶ سال، خانم‌ها ۶۷/۷۸ سال)
نژاد	۷۹/۹٪ تاجیک، ۱۵/۳٪ ازبک، ۱/۱٪ روس، ۱/۱٪ قرقیز، ۲/۶٪ سایر نژادها
ملیت	تاجیکستانی
دین	۸۵٪ مسلمان سنی، ۵٪ مسلمان شیعه، ۱۰٪ سایر ادیان
زبان	تاجیکی (رسمی)، روسی
شهرهای مهم	خجند، کولاب، قرغان تپه، اوراتپه
بنادر و پایانه‌ها	---
واحد پول	سامانی
درآمد بودجه	۵۲۷/۵ میلیون دلار
هزینه بودجه	۶۳۲ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۹/۴۰۵ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۳/۷٪ کشاورزی، ۲۸/۵٪ صنعت، ۴۸/۸٪ خدمات
سرمايه‌گذاری	۱۹/۹٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۸۲۹ میلیون دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، میوه‌جات، غلات، انگور، سبزیجات
کاربری زمین	۶/۵۲٪ زمین قابل کشت، ۰/۸۹٪ کشت دائمی، ۹۲/۵۹٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، اورانیوم، جیوه، لنگیت، سرب، روی، سنگ سرمه، تنگستن، نقره، طلا
تولیدات صنعتی	آلومینیوم، سرب، روی، کود شیمیایی، سیمان، روغن گیاهی، یخچال فریزر
نیروی کار	۳/۷ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۶۷/۲٪ کشاورزی، ۷/۵٪ صنعت، ۲۵/۳٪ خدمات
نیروی دفاعی	سیاه زمینی، سیاه هوایی و پدافند هوایی، سیاه سیار
صادرات	آلومینیوم، الکتریکست، پنبه، منسوجات، میوه‌جات، روغن گیاهی
ویژگی خانوار	۲۷/۳۳٪ تولد، ۷/۰۵ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۳۱
تعداد دانشجویان	۸۴,۴۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۲۰ ایستگاه رادیویی، ۶ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	جمهوری تاجیکستان
اسامی دیگر	جمهوری سوسیالیستی تاجیک، تاجیکستان
پایتخت	دوشنبه
تاریخ استقلال	۹ سپتامبر ۱۹۹۱ از شوروی
روز ملی	۹ سپتامبر ۱۹۹۱
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: امامعلی رحمان آف از سال ۱۹۹۲
رئیس دولت	نخست‌وزیر: عقیل عقیل آف از سال ۱۹۹۹
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱۴۳,۱۰۰ کیلومتر مربع (نود و چهارمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۷,۰۷۶,۵۹۸ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۱۹

تراکم جمعیت	۹/۸ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۶۱۷٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۶,۷۴۵,۴۰۷ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۶۹
امید به زندگی	۶۸/۳ سال (آقایان ۶۵/۳۳ سال، خانم ها ۷۱/۵۴ سال)
نژاد	۸۵٪ ترکمن، ۵٪ ازبک، ۴٪ روس، ۶٪ سایر نژادها
ملیت	ترکمن
دین	۸۹٪ مسلمان، ۹٪ ارتدوکس شرقی، ۲٪ سایر ادیان
زبان	۷۲٪ ترکمنی، ۱۲٪ روسی، ۹٪ ازبکی، ۷٪ سایر زبان ها
شهرهای مهم	چارجو، داش حوض، مرو، بالکان آباد
بنادر و پایانه ها	ترکمن بستی
واحد پول	منات ترکمنستان
درآمد بوجه	۱/۱۸۰۳ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۲/۰۶۳ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۴۵/۱۱ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۴/۴ کشاورزی، ۳۳/۹ صنعت، ۴۱/۷ خدمات
سرمایه گذاری	۲۸/۸٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۲/۴٪ تا ۵ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، غلات
کاربری زمین	۴/۵۱٪ زمین قابل کشت، ۱۴/۱۰٪ کشت دائمی، ۹۵/۳۵٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، گاز طبیعی، نمک، گوگرد
تولیدات صنعتی	گاز طبیعی، نفت، فرآورده های نفتی، منسوجات، فرآوری مواد غذایی
نیروی کار	۲/۳۲ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۴۸/۲٪ کشاورزی، ۱۳/۸٪ صنعت، ۳۷٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی، نیروی توپخانه و موشکی، نیروهای هوایی و پدافند هوایی، نیروی دریایی
صادرات	بنزین، روغن خام، مواد پتروشیمی، پنبه، منسوجات
ویژگی خانواده	۲۵/۲۷ تولد، ۶/۷۱ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۹
تعداد دانشجویان	۳۸,۹۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۲۶ ایستگاه رادیویی، ۴ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری ترکمنستان Republic of TURKMENISTAN



نام محلی	_____
اسامی دیگر	جمهوری سوسیالیستی ترکمن
پایتخت	عشق آباد
تاریخ استقلال	۲۷ اکتبر ۱۹۹۱ از شوروی
روز ملی	۲۷ اکتبر ۱۹۹۱
نوع حکومت	جمهوری با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: قربان قلی بردی محمد آف از سال ۲۰۰۷
رئیس دولت	رئیس جمهور: قربان قلی بردی محمد آف از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۴۸۸,۱۰۰ کیلومتر مربع (پنجاه و یکمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۵,۰۹۷,۰۲۸ نفر

۳۲۰ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

جمهوری ترکیه Republic of TURKEY



رشد جمعیت	۷۱/۰۴٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۸۵,۹۵۹,۴۴۶ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۱۰۳
امید به زندگی	۷۲/۸۸ سال (آقایان ۷۰/۴۳ سال، خانم‌ها ۷۵/۴۶ سال)
نژاد	۸۰٪ ترک، ۲۰٪ کرد
ملیت	ترک
دین	۹۹/۸٪ مسلمان، ۰/۲٪ مسیحی و یهودی
زبان	ترکی (رسمی)، کردی، دیلمی، آذری
شهرهای مهم	استانبول، آنکارا، ازمیر، بورسا، آدانا
بنادر و پایانه‌ها	علی آقا، آمبرلی، ایرگلی، حیدرپاشا، استامبول، ازمیر، تروس
واحد پول	لیره ترکیه
درآمد بودجه	۱۱۲/۳٪ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۱۲۱/۶٪ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۶۲۷/۲٪ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۱/۲٪ کشاورزی، ۲۹/۴ صنعت، ۷۵۹/۴ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲۰/۱٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱۹۳/۶٪ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	تنباکو، پنبه، غلات، زیتون، نیشکر، حیوانات، مرکبات
کاربری زمین	۲۹/۸۱ زمین قابل دشت، ۳/۳۹٪ کشت دائمی، ۶۶/۸ سایر موارد
منابع معدنی	زغال سنگ، سنگ آهن، کرومیت، سنگ سرب، چوبه طلا، بورات، سلفات، سلیسیت، سنگ سنباده، فلدسپار، سنگ آهک، کربنات منیزیم،
تولیدات صنعتی	منسوجات، فرآوری مواد غذایی، اتومبیل، الکترونیک، زغال سنگ، کرومیت، مس، بور
نیروی کار	۲۴/۸ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۳۵/۹٪ کشاورزی، ۲۲/۸٪ صنعت، ۴۱/۲٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح ترکیه: نیروی زمینی ترکیه، نیروی دریایی ترکیه، نیروی هوایی ترکیه
صادرات	پوشاک، مواد خوراکی، منسوجات، تجهیزات حمل و نقل
ویژگی‌های خاور	۱۶/۴ تولد، ۶ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱,۲۴۸
تعداد دانشجویان	۱,۸۴۱,۵۶۴ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۲۹ ایستگاه رادیویی، ۶۳۵ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	ترکیه، ترکیه جمهوری
اسامی دیگر	—
پایتخت	آنکارا
تاریخ استقلال	۱۹ اکتبر ۱۹۲۳؛ دارای قدمت تاریخی
روز ملی	۱۹ اکتبر ۱۹۲۳
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: عبدالله گل از سال ۲۰۰۷
رئیس دولت	نخست‌وزیر: رجب طیب اردوغان از سال ۲۰۰۳
مساحت (جندمین کشور جهان)	۷۸۰,۵۸۰ کیلومتر مربع (سی و ششمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۷۱,۱۵۸,۶۴۷ نفر
تراکم جمعیت	۹۱/۶ نفر در هر کیلومتر مربع

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۲۱

جمهوری توگو Republic of TOGO



جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۵,۷۰۱,۵۷۹ نفر
تراکم جمعیت	۸۶/۴ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۲/۷۱۸٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۸,۸۰۰,۹۵۷ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۴
امید به زندگی	۵۷/۸۶ سال (آقایان ۵۵/۸۱ سال، خانمها ۵۹/۹۶ سال)
نژاد	۹۹٪ قبایل آفریقایی (اوه، مینا، کابره)، ۱٪ اروپایی و لبنانی - سوریایی
مذحبت	توگویی
دین	۴۹٪ مسیحی، ۲۰٪ مسلمان، ۵۱٪ عقاید سنتی
زبان	فرانسوی (رسمی)، اوه، مینا، کابره و لاگومبا
شهرهای مهم	سوکوده، کپالیه، آتاکپامه، کارا
بنادر و پایانه‌ها	کپیه، لومه
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد بودجه	۲۶۰/۲ میلیون دلار
هزینه بودجه	۳۱۱ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۹/۲۴۸ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۳۹/۵٪ کشاورزی، ۲۰/۴٪ صنعت، ۴۰/۱٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲۲/۴٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۲ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	قهوه، کاکائو، سیب زمینی هندی، نشاسته، غلات، لوبیا، پنبه، ارزن
کاربری زمین	۴۴/۲٪ زمین قابل کشت، ۲/۱۱٪ کشت دائمی، ۵۳/۶۹٪ سایر موارد
منابع معدنی	فسفات، سنگ آهنک
تولیدات صنعتی	فسفات، سیمان، صنایع دستی، منسوجات، نوشیدنی
نیروی کار	۱/۳۰۲ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۶۵٪ کشاورزی، ۵٪ صنعت، ۳۰٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح توگو: نیروهای زمینی دریایی و هوایی، ژندارمری
صادرات	پنبه، فسفات، قهوه، کاکائو
ویزگی خانوار	۳۶/۸۳٪ تولید، ۹/۶۵ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۲
تعداد دانشجویان	۱۵,۰۲۸ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۵ ایستگاه رادیویی، ۳ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	ریپابلیک توگو لایس
اسامی دیگر	توگو، سرزمین توگو فرانسه
پایتخت	لومه
تاریخ استقلال	۲۷ آوریل ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	۲۷ آوریل ۱۹۶۰
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: فاتوره نیاسینگبه از سال ۲۰۰۵
رئیس دولت	نخست‌وزیر: کوملان مالی از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندین کشور جهان)	۵۶,۷۸۵ کیلومتر (صد و بیست و سومین کشور جهان)

۳۲۲ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

جمهوری تونس Republic of TUNISIA



نواکم جمعیت	۶۴/۱ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۰/۹۸۹٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱۴,۳۰۸,۷۸۲ نفر
زمان ۲ برای شدن جمعیت	سال ۲۱۰۸
امید به زندگی	۷۵/۳۴ سال (آقایان ۷۳/۶ سال، خانم‌ها ۷۷/۲ سال)
نژاد	۹۸٪ عرب، ۱٪ اروپایی، ۱٪ یهودی
ملیت	تونسی
دین	۹۸٪ مسلمان، ۱٪ مسیحی، ۱٪ یهودی
زبان	عربی، فرانسه
شهرهای مهم	صفاقس، اریانه، قیروان، ییزرت، قابس، سوسه
بنادر و پایانه‌ها	ییزرت، قابس، لاگوته، اسخیرا
واحد پول	دینار تونس
درآمد بودجه	۷/۷۲۵ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۸/۷۳۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۸۷/۸۸ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۲/۸٪ کشاورزی، ۳۱٪ صنعت، ۵۶/۲٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲۲/۳٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱۸/۳۷ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	زیتون، روغن زیتون، غلات، گوجه فرنگی، مرکبات، نیشکر، خرما، لوزیتن
کاربری زمین	۱۷/۵٪ زمین قابل کشت، ۱۳/۰۸٪ کشت دائمی، ۶۹/۸۷٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، فسفات، سنگ آهن، سرب، روی، نمک
تولیدات صنعتی	نفت خام، سنگ آهن، فسفات، منسوجات، مکش، انواع نوشیدنی
نیروی کار	۳/۵۰۲ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۵۵٪ کشاورزی، ۲۳٪ صنعت، ۲۲٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی، دریایی و هوایی جمهوری تونس
صادرات	پوشاک، منسوجات، کالاهای نیمه ساخته، محصولات کشاورزی، فسفات، هیدروکربن
ویژگی خانوار	۱۵/۵۴ تولد، ۵/۱۷ مرگ
تعداد مراکز آموزشی عالی	۱۷۵
تعداد دانشجویان	۳۱۱,۵۶۹ نفر
ارتباطات و رسانه	۲۹ ایستگاه رادیویی، ۲۶ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	الجمهورية التونسية
اسامی دیگر	تونس، تونسیا
پایتخت	شهر تونس
تاریخ استقلال	۲۰ مارس ۱۹۵۶ از فرانسه
روز ملی	۲۰ مارس ۱۹۵۶
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی یا یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: زین‌العابدین بن علی از سال ۱۹۸۷
رئیس دولت	نخست‌وزیر: محمد غنوشی از سال ۱۹۹۹
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱۶۳,۶۱۰ کیلومتر مربع (نودمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۰,۳۷۶,۱۵۸ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۲۳

جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۴۹۶,۳۷۴ نفر
تراکم جمعیت	۳۰/۳ در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۹۸۴٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱۲,۳۰۸,۸۷۲ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۵۷
امید به زندگی	۴۳/۲۵ سال (آقایان ۴۱/۸۸ سال، خانمها ۴۴/۶۵ سال)
نژاد	۶۰٪ سومالیایی، ۳۵٪ عفار، ۵٪ سایر نژادها
مذحبت	جیبوتیایی
دین	۹۴٪ مسلمان، ۶٪ مسیحی
زبان	فرانسه (رسمی)، عربی، سومالی، عفار
شهرهای مهم	علی سبیح، تاجوره، دخیل
بنادر و پایانه ها	جیبوتی
واحد پول	فرانک جیبوتی
درآمد پودجه	۱۳۵ میلیون دلار
هزینه بودجه	۱۸۲ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۶۱۹ میلیون دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۷/۹٪ کشاورزی، ۲۲/۵٪ صنعت، ۵۹/۶٪ خدمات
سرمایه گذاری	—
بدهی خارجی	۳۹۴ میلیون دلار
محصولات عمده کشاورزی	میوه جات، سبزیجات
کاربری زمین	۰/۰۴٪ زمین قابل کشت، ۹۹/۹۶٪ سایر موارد
منابع معدنی	طلا، خاک رس، سنگ آهک، سنگ مرمر، نیک، دیاتومیت
تولیدات صنعتی	فرآوری محصولات کشاورزی، مصالح ساختمانی
نیروی کار	۲۸۲,۰۰۰ نفر
نوزاد نیروی کار	۷۷/۹۰٪ کشاورزی، ۲۲/۱۰٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	ارتش ملی جیبوتی شامل: نیروهای هوایی و دریایی
صادرات	پوست دباغی شده، قهوه
ویزگی خانوار	۳۹/۰۷ تولد، ۱۹/۲۳ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	فادد دانشگاه می باشد
تعداد دانشجویان	دانشجویان برای ادامه تحصیل به فرانسه می روند
اربابیات و رسانه	۳ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی



جمهوری جیبوتی Republic of DJIBOUTI



نام محلی	جمهوریة جیبوتی
اسامی دیگر	جیبوتی، سرزمین سومالی فرانسه
پایتخت	شهر جیبوتی
تاریخ استقلال	۲۷ ژوئن ۱۹۷۷ از فرانسه
روز ملی	۲۷ ژوئن ۱۹۷۷
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی یا یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: اسماعیل عمر گله از سال ۱۹۹۹
رئیس دولت	نخست وزیر: دلیلتا محمد دلیلتا از سال ۲۰۰۱
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲۳,۰۰۰ کیلومتر مربع (صد و چهل و هفتمین کشور جهان)

جمهوری چاد

Republic of CHAD



نام محلی	جمهوریة تشاد
اسامی دیگر	چاد، تشاد، تچاد، انجمن
پایتخت	انجمنا
تاریخ استقلال	۱۱ آگوست ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	۱۱ آگوست ۱۹۶۰
نوع حکومت	جمهوری با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: ادریس دیب از سال ۱۹۹۰
رئیس دولت	نخست‌وزیر: نورالدین دلوا کاسیره کوماکویه از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱/۲۸۴ میلیون کیلومتر (بیستمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۹,۸۸۵,۶۶۱ نفر
تراکم جمعیت	۶/۷ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	٪۲/۳۲

پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱۴,۴۷۲,۶۰۸ نفر
زمان ۲ پرابو شدن جمعیت	سال ۲۰۵۰
امید به زندگی	۴۷/۲ سال (آقایان ۴۶/۱۷ سال، خانم‌ها ۴۸/۲۷ سال)
نژاد	۲۷/۷٪ سارا، ۱۲/۳٪ عرب، ۱۱/۵٪ مایو کی، ۹٪ کانم - بورنو، ۸/۷٪ اودایی، ۶/۷٪ هجارایی، ۶/۵٪ تنجیلی، ۶/۳٪ گراتی، ۱۱/۱٪ سایر نژادها
ملیت	چادی
دین	۵۳/۱٪ مسلمان، ۲۰/۱٪ کاتولیک، ۱۴/۲٪ پروتستان، ۷/۳٪ آتومیس، ۳/۱٪ ملحد، ۲/۱٪ سایر ادیان
زبان	فرانسه (رسمی)، عربی (رسمی)، سارایی
شهرهای مهم	موندو، بونگور، سارج، آبشه
بنادر و پایانه‌ها	---
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد یودجه	۶۱۷/۳ میلیون دلار
هزینه یودجه	۸۷۷/۶٪ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۱۵/۳۶ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۳۲/۵٪ کشاورزی، ۲۶/۶٪ صنعت، ۴۰/۸٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۹/۲٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱/۵ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، ذرت خوشه‌ای، ارزن، بادام زمینی، برنج، سیب‌زمینی، نشاسته
کاربری زمین	۲/۸٪ زمین قابل کشت، ۰/۲٪ کشت دائمی، ۹۷/۱۸٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، اورانیوم، نظرون، ماهی، کاتولن، طلا، سنگ آهک، ماسه و شن، نمک
تولیدات صنعتی	مواد نفتی، منسوجات پشمی، بسته‌بندی گوشت، آجوسازی، نظرون، کرکرات سدیم، صابون، سیگار، مصالح ساختمانی
نیروی کار	۲/۷۱۹ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۸۰٪ کشاورزی، ۲۰٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	ارتش ملی چاد، نیروی هوایی چاد، ژندارمری
صادرات	پنبه، مواد نفتی، سیغ عربی، گاو
ویژگی خانوار	۴۲/۳۵ تولد، ۱۶/۶۹ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱
تعداد دانشجویان	۵,۹۰۱ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۱ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۲۵

پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۵۶۰۸/۲۵/۶ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۵۴
امید به زندگی	۴۹ سال آقایان ۴۴/۴۳ سال، خانمها ۵۱/۶۶ سال)
نژاد	۴۲/۱٪ آکانی، ۱۷/۶٪ گوری، ۱۶/۵٪ ماندایی شمالی، ۱۰٪ ماندایی جنوبی، ۱۱٪ کرسی، ۲/۸٪ سایر نژادها
ملیت	ساحل عاجی
دین	۳۵/۴۰٪ مسلمان، ۲۵/۴۰٪ عقاید سنتی، ۳۰-۴۰٪ مسیحی
زبان	فرانسه (رسمی)، گویش های بومی
شهرهای مهم	آبی جان، بوآکه، دالونا
نمادر و پایانه ها	آبیجان، آبوسو، دابو، سن پدرو
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد یوده	۲/۸۳۷ میلیارد دلار
هرینه بودجه	۳/۱۵۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۲۸۴/۴۷ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۷٪ کشاورزی، ۱۸/۵٪ صنعت، ۵۴/۵٪ خدمات
سرمایه گذاری	۱۱/۸٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱۱/۹۶ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	قهوه، کاکائو، موز، برنج، غلات، سیب زمینی هندی، شکر، بنیه، کاتوجو
کاربری زمین	۱۰/۲۳٪ زمین قابل کشت، ۱۱/۱۶٪ کشت دائمی، ۷۸/۶۱٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، گاز طبیعی، الماس، سنگ آهن، منگنز، کبالت، بوکسیت، طلا، نیکل، تانتال، قهوه، روغن خرما
تولیدات صنعتی	مواد خوراکی، نوشدنی، پالایش نفت، مونتاز کامیون و اتوبوس، تعمیر و ساخت کشتی، منسوجات، کود، مصالح ساختمانی
نیروی کار	۶/۷۳۸ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۴۷٪ کشاورزی، ۵۳٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی امنیتی و دفاعی ساحل عاج؛ نیروی زمینی، دریایی و هوایی
صادرات	کاکائو، قهوه، الوار، بنیه، نفت خام، موز، آناناس، ماهی، درخت خرما
ویژگی خانوار	۳۴/۶۹ تولد، ۱۴/۴۷ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۳
تعداد دانشجویان	۴۷،۱۸۷ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۴ ایستگاه رادیویی، ۱۴ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری ساحل عاج Republic of COTE D'IVOIRE



نام محلی	کوت دیووار
اسامی دیگر	کرانه ی مرکزی و غربی آفریقا، ساحل عاج
پایتخت	یاموسوکرو
تاریخ استقلال	۲۷ اگوست ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	۲۷ اگوست ۱۹۶۰
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: لوران گباگبو از سال ۲۰۰۰
رئیس دولت	نخست وزیر: گیلانومه سورو از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۳۲۲،۴۶۰ کیلومتر مربع (شصت و هفتمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۸،۰۱۳،۴۰۹ نفر
تراکم جمعیت	۵۱/۶ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۱۱٪

جمهوری سنگال Republic of SENEGAL



پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱۹۰,۱۴۵,۹۱۰ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۵
امید به زندگی	۵۶/۶۹ سال (آقایان ۵۵/۳۴ سال، خانم‌ها ۵۸/۰۹ سال)
نژاد	۴۳/۳٪ ولوف، ۲۳/۸٪ پولار، ۱۴/۷٪ سرر، ۳/۷٪ جولا، ۳٪ ماندیکا، ۱/۱٪ سونینگی، ۱٪ لبنانی و اروپایی، ۹/۴٪ سایر نژادها
مذهب	سنگالی
دین	۹۴٪ مسلمان، ۵٪ مسیحی، ۱٪ اعتقادات بومی
زبان	فرانسه (رسمی)، ولوف، پولار، جولا، ماندیکا
شهرهای مهم	تینس، کاتولاک، سن‌لویی، امبور، ریگیشور
بنادر و پایانه‌ها	داکار
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد بودجه	۲/۰۲۳ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۳/۳۷۷ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۲۲/۰۱ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۸/۳٪ کشاورزی، ۱۹/۳٪ صنعت، ۶۲/۵٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۴۱٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱/۶۲۸ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	بادام زمینی، ارزن، غلات، برنج، ذرت خوشه‌ای، پنبه، گوجه فرنگی، سبزیجات
کاربری زمین	۱۲/۵۱٪ زمین قابل کشت، ۲۴٪ کشت دائمی، ۸۷/۲۵٪ سایر موارد
منابع معدنی	ماهی، فسفات، سنگ آهن
تولیدات صنعتی	فرآوری ماهی و محصولات کشاورزی، فسفات، کود، پالایش نفت، مصالح ساختمانی، ساخت و تعمیر کشتی
نیروی کار	۴/۷۴۹ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۷۷٪ کشاورزی، ۲۳٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی، تفنگداران دریایی سنگال، نیروی هوایی سنگال
صادرات	ماهی، بادام زمینی، فرآورده‌های نفتی، فسفات، پنبه
ویژگی‌های خانوار	۲۷/۴ تولد، ۱۰/۹۶ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱۲
تعداد دانشجویان	۴۰۴۲۵ نفر
ارتباطات و رسانه	۲۹ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	ریپابلیک دو سنگال
اسامی دیگر	سنگال، سنگالیا، فدرال مالی
پایتخت	داکار
تاریخ استقلال	۴ آوریل ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	۴ آوریل ۱۹۶۰
نوع حکومت	جمهوری چندحزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: عیدله وادی از سال ۲۰۰۰
رئیس دولت	نخست‌وزیر: شیخ هجیبو سوماری از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱۹۶,۱۹۰ کیلومتر مربع (هشتاد و ششمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۲,۵۲۱,۸۵۱ نفر
تراکم جمعیت	۵۱/۳ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۶۴۵٪

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۲۷

پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۶۱,۵۸۹,۳۱۶ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۲
امید به زندگی	۴۹/۱۱ سال (آقایان، ۴۸/۲۴ سال، خانمها ۵۰/۰۳ سال)
نژاد	۵۲٪ سیاهپوست، ۳۹٪ عرب، ۶٪ بیجا، ۲٪ خارجی، ۱٪ سایر نژادها
ملیت	سودانی
دین	۷۰٪ مسلمان سنی، ۵٪ مسیحی، ۲۵٪ عقاید سنتی
زبان	عربی (رسمی)، نوبی، لهجه های مختلف نیلی، زبان های نیلی، حامی، سودانی
شهرهای مهم	ام درمان، خارطوم شمالی، پورت سودان، کسلا
بنادر و پایانه ها	بندر سودان
واحد پول	دینار سودان
درآمد بودجه	۷/۴۹۳ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۱۰/۱ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۹۶/۰۱ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۳۵/۵٪ کشاورزی، ۲۴/۸٪ صنعت، ۳۹/۷٪ خدمات
سرمایه گذاری	۲۵/۳٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۲۹/۶۹ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، بادام زمینی، سورگوم، ارزن، گندم، سمغ عربی، نیشکر، انبه، نشاسته
کاربری زمین	۶/۷۸٪ زمین قابل کشت، ۰/۱۷٪ کشت دائمی، ۹۳/۰۵٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، سنگ آهن، مس، سنگ کرومیتوم، روی، طلا، نقره
تولیدات صنعتی	پنبه، نفت، منسوجات، سیمان، شکر، صابون، کفشی، پالایش نفت، تسلیحات جنگی، اتومبیل
نیروی کار	۷/۴۱۵ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۸۰٪ کشاورزی، ۷٪ صنعت، ۱۳٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح مردمی سودان، نیروی زمینی، نیروی هوایی و دریایی، نیروی دفاعی مردمی
صادرات	فراورده های نفتی، پنبه، کنجد، چارپایان اهلی، بادام زمینی، شکر، سمغ عربی
ویژگی خانواده	۳۴/۸۶ تولد، ۱۴/۳۹ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۷
تعداد دانشجویان	۲۰۰,۵۲۸ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۴ ایستگاه رادیویی، ۳ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری سودان Republic of The SUDAN



نام محلی	جمهوریة السودان
اسامی دیگر	السودان، سودان، مصر و انگلیس
پایتخت	خارطوم
تاریخ استقلال	اول ژانویه ۱۹۵۶ از انگلستان و مصر
روز ملی	اول ژانویه ۱۹۵۶
نوع حکومت	جمهوری اسلامی
رئیس حکومت	رئیس جمهور: ژنرال عمر حسن احمد البشیر از سال ۱۹۸۹
رئیس دولت	رئیس جمهور: ژنرال عمر حسن احمد البشیر از سال ۱۹۹۳
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲,۵۰۵,۸۱۰ کیلومتر مربع (دهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۳۹,۳۷۹,۳۵۸ نفر
تراکم جمعیت	۱۳/۴ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۰۸۲٪

جمهوری سورینام Republic of SURINAME



نام محلی	سورینام
اسامی دیگر	گیانای هلند، گیانای هلندی، ریپابلیک سورینام
پایتخت	پاراماریبو
تاریخ استقلال	۲۵ نوامبر ۱۹۷۵ از هلند
روز ملی	۲۵ نوامبر ۱۹۷۵
نوع حکومت	دموکراسی مطابق قانون اساسی
رئیس حکومت	رئیس جمهور: رونالد ونتیان از سال ۲۰۰۰
رئیس دولت	رئیس جمهور: رونالد ونتیان از سال ۲۰۰۰
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱۶۳،۲۷۰ کیلومتر مربع (نود و یکمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۴۴۶،۹۴۵ نفر

تراکم جمعیت	۳ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۰/۳۱٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۶۴۸،۰۸۸ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۳۳۰
امید به زندگی	۶۹/۱ سال (آقایان ۶۶/۷۷ سال، خانم‌ها ۷۱/۵۵ سال)
نژاد	۳۷٪ هندوستانی، ۳۱٪ کریول، ۱۵٪ جاوایی، ۱۰٪ مارونزی، ۲٪ سرخ‌پوست، ۲٪ چینی، ۱٪ سفیدپوست، ۲٪ سایر نژادها
ملیت	سورینامی
دین	۴/۲۷٪ هندو، ۲/۲۵٪ پروتستان، ۸/۲۲٪ کاتولیک، ۶/۱۹٪ مسلمان، ۵٪ عقاید سنتی
زبان	هلندی (رسمی)، انگلیسی، هندوستانی
شهرهای مهم	لیدورپ، نیونیگری، مونگو، مرزورگ
بنادر و پایانه‌ها	کابن
واحد پول	دلار سورینام
درآمد یوده	۳۹۳ میلیون دلار
هزینه بودجه	۴۰۳ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۱/۵۲۳ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۳٪ کشاورزی، ۲۲٪ صنعت، ۶۵٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	—
بدهی خارجی	۳۲۱ میلیون دلار
محصولات عمده کشاورزی	برنج آسیب نکرده، موز، هسته‌ی خرما، نارگیل، بارهنگ، بادام زمینی
کاربری زمین	۳۷٪ زمین قابل کشت، ۰/۰۶٪ کشت دائمی، ۹۹/۵۷٪ سایر موارد
منابع معدنی	الوار، نیروی برق - آبی، ماهی، کاتولین، میگو، طلا، نیکل، مس، سنگ آهن
تولیدات صنعتی	بوکسیت، طلا، آلومینا، مواد نفتی، الوار، فرآوری مواد غذایی
نیروی کار	۱۰۰،۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۷۰/۱۸٪ کشاورزی، ۳۰/۸۱٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	ارتش ملی شامل نیروی دریایی و نیروی هوایی
صادرات	آلومینا، روغن خام الوار، میگو، ماهی، برنج، موز
ویژگی خانواده	۸/۸۷ تولد، ۶/۹۹ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	
تعداد دانشجویان	۳،۰۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۸ ایستگاه رادیویی، ۳ ایستگاه تلویزیونی

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۲۹

زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۵۲
امید به زندگی	۶۱ سال (آقایان ۶۹/۲۷ سال، خانمها ۷۲/۰۲ سال)
نژاد	۹۰/۳٪ عرب، ۹/۷٪ کرد، ارمنی و سایر نژادها
ملیت	سوریهای
دین	۷۴٪ مسلمان سنی، ۱۶٪ دیگر فرقه های مسلمان، ۱۰٪ مسیحی
زبان	عربی (رسمی)، کردی، ارمنی، آرامی، فرانسه، انگلیسی
شهرهای مهم	حلب، حمص، لاذقیه، حماه
بنادر و پایانه ها	بانیاس، لatakia
واحد پول	لیره میلیارد دلار
درآمد بودجه	۸/۷٪ سوریه
هزینه بودجه	۹/۹ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۷۵/۱٪ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۴٪ کشاورزی، ۱۸٪ صنعت، ۵۸٪ خدمات
سرمایه گذاری	۲۲/۱٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۸/۳۵۵ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	گندم، جو، پنبه، عدس، نخود، زیتون، نیشکر
کاربری زمین	۲۴/۸٪ زمین قابل کشت، ۴/۴۷٪ کشت دائمی، ۷۰/۷۳٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، فسفات، سنگ منگنز، قیر، سنگ آهن، نیک سنگ، سنگ آهک، سنگ گچ، نیروی برق - آب
تولیدات صنعتی	نفت خام، منسوجات، فرآوری مواد غذایی، نوشیدنی، تنباکو، سنگ فسفات، سیمان
نیروی کار	۵/۵۰۵ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۲۶٪ کشاورزی، ۱۴٪ صنعت، ۶۰٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح سوریه شامل نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی و پدافند هوایی
صادرات	نفت، فرآورده های نفتی، میوه جات و سبزیجات، پنبه، پوشاک، گوشت و حیوانات زنده، گندم
ویژگی خانوار	۲۷/۱۹ تولد، ۴/۷۴ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۴
تعداد دانشجویان	۳۰۱،۶۸۹ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۷ ایستگاه رادیویی، ۴۴ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری عربی سوریه SYRIAN Arab Republic



نام محلی	الجمهورية العربية السورية
اسامی دیگر	سوریا، سوریه، جمهوری متحد عربی
پایتخت	دمشق
تاریخ استقلال	۱۷ آوریل ۱۹۴۶ از فرانسه
روز ملی	۱۷ آوریل ۱۹۴۶
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: بشار اسد از سال ۲۰۰۰
رئیس دولت	نخست وزیر: محمد ناجی العطری از سال ۲۰۰۳
مساحت (چندین کشور جهان)	۱۸۵،۱۸۰ کیلومتر مربع (هشتاد و هفتمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۹،۳۱۴،۷۴۷ نفر
تراکم جمعیت	۱۰۱ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۲۴۴٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۷،۹۸۳،۲۰۵ نفر

۳۳۰ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

جمهوری سومالی Republic of SOMALIA



رشد جمعیت	۷۲/۸۳۲
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱۴,۲۸۳,۶۴۶ نفر
زمان ۲ یوایر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۳
امید به زندگی	۴۸/۸۴ سال (آقایان ۴۷/۰۶ سال، خانم‌ها ۵۰/۶۹ سال)
نژاد	۸۵٪ سومالیایی، ۱۵٪ بانتو و غیر سومالی
مذحبت	سومالیایی
دین	مسلمان سنی
زبان	سومالی (رسمی)، عربی، ایتالیایی، انگلیسی
شهرهای مهم	هرجیسه، کیسمایو، بربره، مرکا
بنادر و پایانه‌ها	بوساوا، بربرا، کیسمایو، مرکا، موگادیشو
واحد پول	شیلینگ سومالی
درآمد پودجه	۱۵۱/۲۰ میلیون شیلینگ سومالی
هزینه بودجه	۷۴۴/۲۵ میلیون شیلینگ سومالی
تولید ناخالص ملی	۲۲۳/۰۵٪ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۶۵٪ کشاورزی، ۱۰٪ صنعت، ۲۵٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۹ میلیون دلار
بدهی خارجی	۳ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	موز، سوغوم، غلات، برنج، نارگیل، نیشکر، تخم کنجد، باقلا
کاربری زمین	۶۴/۱٪ زمین قابل کشت، ۰/۴٪ کشت دائمی، ۹۸/۳۴٪ سایر موارد
منابع معدنی	اورانیوم، سنگ آهن، قلع، بوکسیت، نمک، مس، گاز طبیعی
تولیدات صنعتی	تصفیه شکر، منسوجات، ارباطات بی‌سیم
نیروی کار	۷/۳ میلیون نفر
نوزیع نیروی کار	۷۱٪ کشاورزی، ۲۹٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	فاقد نیروی مسلح در سطح ملی، تعدادی از احزاب و قبایل نیروهای شبه نظامی مستقل را اداره می‌کند و دولت محلی سومالی دارای نیروهای امنیتی و پلیس می‌باشد.
صادرات	چارپایان اهلی، موز، ماهی، پوست، زغال چوب، آهن اسفاط
ویژگی خانوار	۴۴/۶ تولد، ۱۶/۲۸ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱
تعداد دانشجویان	۱۵,۶۷۲ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۱ ایستگاه رادیویی، ۴ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	جمهوریة دیمقراطیة سومالیة
اسامی دیگر	سومالی، سومالی، جمهوری سومالی، جمهوری دموکراتیک سومالی
پایتخت	موگادیشو
تاریخ استقلال	اول جولای ۱۹۶۰ از ایتالیا و انگلیس
روز ملی	اول جولای ۱۹۶۰
نوع حکومت	دولت موقت انتقالی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: عبدالله یوسف احمد از سال ۲۰۰۴
رئیس دولت	نخست‌وزیر: نور عده حسن حسین از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۶۳۷,۶۵۷ کیلومتر مربع (چهل و یکمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۹,۱۱۸,۷۷۳ نفر
تراکم جمعیت	۱۵/۵ نفر در هر کیلومتر مربع

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۳۱

۲۴/۲۹۴٪	رشد جمعیت
۸,۹۶۱,۲۲۹ نفر	پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)
سال ۲۰۵۱	زمان ۲ برابر شدن جمعیت
۴۰/۵۸ سال (آقایان ۳۸/۳۶ سال، خانم‌ها ۴۲/۸۷ سال)	امید به زندگی
۹۰٪ گروه‌های آفریقایی، ۱۰٪ کریول	نژاد
سیرالئون	ملیت
۶۰٪ مسلمان، ۱۰٪ مسیحی، ۳۰٪ عقاید سنتی	دین
انگلیسی (رسمی)، منده، تیمه	زبان
کوتیدو، ماکنی، بو، کینما	شهرهای مهم
فری‌تاون، پپل، جزایر شریو	بنادر و پایانه‌ها
لئون	واحد پول
۹۶ میلیون دلار	درآمد بودجه
۳۵۱ میلیون دلار	هزینه بودجه
۵/۳۸ میلیارد دلار	تولید ناخالص ملی
۴۹٪ کشاورزی، ۳۱٪ صنعت، ۲۱٪ خدمات	منشاء تولید ناخالص ملی
۲۶ میلیون دلار	سرمایه‌گذاری
۱/۶۱ میلیارد دلار	بدهی خارجی
برنج، قهوه، کاکائو، درخت خرما، روغن خرما، یادام زمینی	محصولات عمده کشاورزی
۷/۹۵٪ زمین قابل کشت، ۱/۰۵٪ کشت دائمی، ۹۱٪ سایر موارد	کاربری زمین
الماس، سنگ تیتان، بوکسیت، سنگ آهن، طلا، کرومیت	منابع معدنی
الماس، منسوجات، سیگار، کفش، پالایش نفت خام، تعمیر کشتی‌های کوچک تجاری	تولیدات صنعتی
۱/۳۶۹ میلیون نفر	نیروی کار
۶۱/۲۰٪ کشاورزی، ۳۸/۸۰٪ صنعت و خدمات	توزیع نیروی کار
نیروهای مسلح جمهوری سیرالئون، ارتش شامل تیپ هوایی، تیپ دریایی	نیروی دفاعی
الماس، کاکائو، قهوه، ماهی، روئیل	صادرات
۴۵/۵۱٪ تولد، ۲۲/۶۴ مرگ	ویژگی‌های خاوار
۱	تعداد مراکز آموزشی عالی
۸,۷۹۵ نفر	تعداد دانشجویان
۱۱ ایستگاه رادیویی، ۲ ایستگاه تلویزیونی	ارتباطات و رسانه

جمهوری سیرالئون Republic of SIERRA LEONE



نام محلی	جمهوری سیرالئون
اسامی دیگر	سیرالئون
پایتخت	فری تاون
تاریخ استقلال	۲۷ آوریل ۱۹۶۱ از انگلستان
روز ملی	۲۷ آوریل ۱۹۶۱
نوع حکومت	دموکراسی مطابق قانون اساسی
رئیس حکومت	رئیس‌جمهور: ارنست بای کروما از سال ۲۰۰۷
رئیس دولت	رئیس‌جمهور: ارنست بای کروما از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندین کشور جهان)	۷۱,۷۴۰ کیلومتر مربع (صد و هفدهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۶,۱۴۴,۵۶۲ نفر
تراکم جمعیت	۶۹/۳ نفر در هر کیلومتر مربع

جمهوری عراق Republic of IRAQ



نام محلی	جمهوریة العراق
اسامی دیگر	عراق، العراق
پایتخت	بغداد
تاریخ استقلال	۳ اکتبر ۱۹۳۲ از انگلستان
روز ملی	۱۳ اکتبر ۱۹۳۲
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی یا یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: جلال طالبانی از سال ۲۰۰۵
رئیس دولت	نخست‌وزیر: نوری المالکی از سال ۲۰۰۶
مساحت (چندمین کشور جهان)	۴۳۷,۰۷۲ کیلومتر مربع (پنجاه و هفتمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۲۷,۴۹۹,۶۳۸ نفر
تراکم جمعیت	۶۴ نفر در هر کیلومتر مربع

رشد جمعیت	۷,۲/۶۱۸
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۴۱,۸۹۸,۴۸۸ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۵
امید به زندگی	۶۹/۳۱ سال (آقایان ۶۸/۰۴ سال، خانم‌ها ۷۰/۶۵ سال)
نژاد	۸۰٪ - ۷۵٪ عرب، ۲۰٪ - ۱۵٪ کرد، ۵٪ ترکمن یا آشوری
ملیت	عراقی
دین	۹۷٪ مسلمان (۶۵٪ - ۶۰٪ شیعه، ۳۷٪ - ۳۳٪ سنی)، ۳٪ مسیحی و سایر ادیان
زبان	عربی، کردی (در مناطق کردنشین)، آشوری، ارمنی
شهرهای مهم	موصل، بصره، اربیل، کرکوک
بنادر و پایانه‌ها	البصره، ام‌قصر
واحد پول	دینار عراق
درآمد بودجه	۳۳/۴ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۴۱ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۸۷/۹ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۷/۳٪ کشاورزی، ۶۶/۶٪ صنعت، ۲۶/۱٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	نامشخص
بدهی خارجی	۸۱/۴۸ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	گندم، جو، برنج، سبزیجات، پنبه، خرما
کالبری زمین	۱۳/۱۲٪ زمین قابل کشت، ۶۱/۰٪ کشت دائمی، ۸۶/۲۷٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، گاز طبیعی، فسفات، گوگرد
تولیدات صنعتی	نفت خام، منسوجات، مواد شیمیایی، چرم، مصالح ساختمانی، فرآوری مواد غذایی، کود
نیروی کار	۷/۴ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۹,۹/۲۰ کشاورزی، ۹۰/۸۰ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح عراق: ارتش عراق (شامل نیروهای عملیات ویژه عراق و نیروی داخلی عراق)، نیروی دریایی عراق (نیروی پدافند ساحلی سابق عراق)، نیروی هوایی عراق (سپاه هوایی ارتش سابق عراق)
صادرات	۸۴٪ نفت خام، ۸٪ مواد خام به استثنای مواد سوختنی، ۵٪ غذا و حیوان
ویژگی خانوار	۳۱/۴۴ تولد، ۵/۲۶ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۶۵
تعداد دانشجویان	۲۴۰,۰۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۸۱ ایستگاه رادیویی، ۲۱ ایستگاه تلویزیونی

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۳۳

۶-۲۴/۰	رشد جمعیت
۳۸,۹۷۲,۶۶۶ نفر	پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)
سال ۲۰۵۶	زمان ۲ برابر شدن جمعیت
۷۵/۸۸ سال (آقایان ۷۳/۸۵ سال، خانمها ۷۸/۰۲ سال)	امید به زندگی
۹۰٪ عرب، ۱۰٪ آفریقایی آسیایی	نژاد
سعودی	ملیت
۱۰۰٪ مسلمان	دین
عربی	زبان
جده، مکه مکرمه، مدینه منوره، دمام	شهرهای مهم
الدمام، الجبیل	بنادر و پایانه ها
ریال سعودی	واحد پول
۱۸۹/۲ میلیارد دلار	درآمد بودجه
۱۰۷/۶ میلیون دلار	هزینه بودجه
۳۷۴ میلیارد دلار	تولید ناخالص ملی
۳/۳٪ کشاورزی، ۶۷٪ صنعت، ۲۹/۸ خدمات	منشاء تولید ناخالص ملی
۱/۶/۲٪ از تولید ناخالص ملی	سرمایه گذاری
۴۷/۳۹ میلیارد دلار	بدهی خارجی
گندم، جو، گوجه فرنگی، خربزه، خرما، انواع مرکبات	محصولات عمده کشاورزی
۱/۶۷٪ زمین قابل کشت، ۰/۰۹٪ کشت دائمی، ۹۸/۲۴٪ سایر موارد	کاربری زمین
نفت، گاز طبیعی، سنگ آهن، طلا، مس	منابع معدنی
نفت خام، پالایش نفت، مواد شیمیایی نفتی، محلول آمونیاک، گاز صنعتی، هیدروکسیدسدیم، سیمان، کود	تولیدات صنعتی
۷/۱۲۵ میلیون نفر	نیروی کار
۱/۲٪ کشاورزی، ۲۵٪ صنعت، ۶۳٪ خدمات	توزیع نیروی کار
نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی و نیروی پدافند هوایی، گارد ملی، وزارت نیروهای داخلی (نشه نظامی)	نیروی دفاعی
نفت و مواد نفتی	صادرات
۲۹/۱ توند، ۲/۵۵ مرگ	ویژگی خانوار
۱۰۸	تعداد مراکز آموزش عالی
۲۱۱,۴۳۰	تعداد دانشجویان
۷۶ ایستگاه رادیویی، ۱۱۷ ایستگاه تلویزیونی	ارتباطات و رسانه

پادشاهی عربستان سعودی Kingdom of SAUDI ARABIA



المملكة العربية السعودية	نام محلی
عربستان سعودی، العربیه السعودیه	اسامی دیگر
ریاض	پایتخت
۲۳ سپتامبر ۱۹۳۲ از انگلستان	تاریخ استقلال
۲۳ سپتامبر ۱۹۳۲	روز ملی
سلطنتی مطلقه اسلامی	نوع حکومت
پادشاه و نخست وزیر: عبدالله بن عبدالعزيز آل سعود از سال ۲۰۰۵	رئیس حکومت
پادشاه و نخست وزیر: عبدالله بن عبدالعزيز آل سعود از سال ۲۰۰۵	رئیس دولت
۳,۱۴۹,۶۹۰ کیلومتر مربع (سیزدهمین کشور جهان)	مساحت (چندمین کشور جهان)
۲۷,۶۰۱,۰۳۸ نفر	جمعیت (سال ۲۰۰۷)
۱۰/۱ نفر در هر کیلومتر مربع	تراکم جمعیت

پادشاهی عمان Sultanate of OMAN



تراکم جمعیت	۷/۸ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۳/۳۵٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۵,۱۴۰,۰۵۴ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۳۷
امید به زندگی	۷۲/۸۵ سال (آقایان ۷۰/۶۶ سال، خانم‌ها ۷۵/۱۶ سال)
نژاد	عرب، بلوچی، جنوب آسیا، آفریقایی
ملیت	عمانی
دین	۷۵٪ مسلمان، ۲۵٪ هندو، مسیحی
زبان	عربی (رسمی)، بلوچی، اردو، انگلیسی، گویش‌های هندی
شهرهای مهم	سبب، سلاله، بوشر، صحار، عبری
بنادر و پایانه‌ها	مطرح، مینا الفحل، مینا رابست
واحد پول	ریال عمان
درآمد بودجه	۹/۲ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۶/۹٪ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۳۷/۵ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲/۲۱٪ کشاورزی، ۵۳/۴٪ صنعت، ۴۴/۵٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۱۷ میلیون دلار
بدهی خارجی	۵/۸ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	خرما، موز، پونجه، سبزیجات
کاربری زمین	۰/۰۸٪ زمین قابل کشت، ۲۲٪ کشت دائمی، ۹۹/۷٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، مس، پتاس، نسوز، سنگ مرمر، سنگ آهک، کرومیت، سنگ گچ، گاز طبیعی
تولیدات صنعتی	فرآوری و پالایش نفت خام، گاز طبیعی، سیمان، مس
نیروی کار	۹۲۰,۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۳۵/۳۰٪ کشاورزی، ۶۴/۸۰٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح پادشاهی عمان: نیروهای زمینی، دریایی و هوایی
صادرات	نفت خام، ماهی، آهن، منسوجات، صادرات مجدد کالاهای وارداتی
ویژگی خانوار	۳۷/۱۲ تولد، ۳/۹۱ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱
تعداد دانشجویان	۸,۷۵۵ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۴ ایستگاه رادیویی، ۱۳ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	سلطنت عمان
اسامی دیگر	عمان، مسقط و عمان
یافتخت	مسقط
تاریخ استقلال	۱۶۵۰، دارای قدمت تاریخی
روز ملی	۱۸ نوامبر ۱۶۶۰
نوع حکومت	سلطنتی مطلقه یا دو مجلس مشورتی انتصابی
رئیس حکومت	پادشاه و نخست‌وزیر: سلطان قابوس بن سعید از سال ۱۹۷۰
رئیس دولت	پادشاه و نخست‌وزیر: سلطان قابوس بن سعید از سال ۱۹۷۰
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲۱۲,۴۶۰ کیلومتر مربع (شصت و نهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۲,۹۰۳,۱۶۵ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۳۵

تراکم جمعیت	۶۳۵/۹ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۱۵۴٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۵۰۶۲،۴۸۰ نفر
زمان ۲ پراپر شدن جمعیت	سال ۲۰۹۴
امید به زندگی	۸۰ سال
نژاد	عرب فلسطینی
ملیت	فلسطینی
دین	۸۷/۷٪ مسلمان، ۷٪ یهودی، ۵/۳٪ مسیحی
زبان	عربی (رسمی)، عبری
شهرهای مهم	غزه، خان یونس، جبلیه، الخلیل، نابلس، رفح، رام الله
بنادر و پایانه ها	حيفا
واحد پول	نامشخصی
درآمد بودجه	۸۰۶ میلیون دلار
هزینه بودجه	۱/۵۹۶ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۴/۴۶۲ میلیون دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۴/۴۶٪ کشاورزی، ۳۴/۸٪ صنعت، ۶۰/۶ خدمات
سرمایه گذاری	۱۰۰ میلیون دلار
بدهی خارجی	نامشخصی
محصولات عمده کشاورزی	گندم، سیب زمینی، سیب زمینی هندی، زیتون، گوجه فرنگی، پیاز، هندوانه، انگور، پرتقال، توت فرنگی
کاربری زمین	۱۵/۴۵٪ زمین قابل کشت، ۳/۸۸٪ کشت دائمی، ۸۰/۶۷ سایر موارد
منابع معدنی	سنگ آهن، تپاس، گاز طبیعی، فسفات
تولیدات صنعتی	چوب، کاغذ، پتاس و فسفات، غذا، تباکو
نیروی کار	۷۹۴،۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۱۵/۶٪ کشاورزی، ۸۶/۸۰٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی امنیت ملی فلسطین، نیروهای داخلی و پلیس شهری
صادرات	تباکو، کالاهای خام به جز نفت، ماشین آلات
ویژگی خانوار	۳۸/۶ تولد، ۴/۱ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱۶
تعداد دانشجویان	۵،۸۹۲ نفر
ارتباطات و رسانه	۲۳ ایستگاه رادیویی

فلسطین State of PALESTINE



نام محلی	_____
اسامی دیگر	دولت خودگردان فلسطین
پایتخت	قدس
تاریخ استقلال	۱۵ نوامبر ۱۹۸۸
روز ملی	_____
نوع حکومت	دولت خودمختار با یک مجلس قانون گذاری
رئیس حکومت	رئیس تشکیلات خودگردان: محمود عباس از سال ۲۰۰۵
رئیس دولت	نخست وزیر: اسماعیل حنیه از سال ۲۰۰۶
مساحت (چندمین کشور جهان)	۶/۲۶۳ کیلومتر مربع (صد و شصت و سومین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۴،۱۱۳،۰۰۰ نفر

جمهوری قرقیزستان KYRGYZ Republic



رشد جمعیت	۱/۳۵۴٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۶,۷۱۵,۰۹۷ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۸۱
امید به زندگی	۶۸/۸۱ سال (آقایان) ۶۴/۸ سال، خانم‌ها ۷۳/۰۲ (سال)
نژاد	۶۴/۹٪ قرقیز، ۱۳/۸٪ ازبک، ۱۲/۵٪ روس، ۱/۱ دانگال، ۱٪ اوکراین، ۱٪ اویگور، ۵/۷٪ سایر نژادها
ملیت	قرقیزستانی
دین	۷۵٪ مسلمان، ۲۰٪ ارتدوکس روسیه، ۵٪ سایر ادیان
زبان	۶۴/۷٪ قرقیزی (رسمی)، ۱۳/۶٪ ازبک، ۱۲/۵٪ روسی (رسمی)، ۹/۲٪ سایر زبان‌ها
شهرهای مهم	اوش، جلال‌آباد، تومقاق، قراگول
بنادر و پایانه‌ها	بلیکچی
واحد پول	سوم قرقیزستان
درآمد بودجه	۳/۴۹۸ میلیون دلار
هزینه بودجه	۵/۴۴۴ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۴۹/۱۰ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۳۴/۵٪ کشاورزی، ۱۹/۵٪ صنعت، ۴۶/۱٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۱۵/۵٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۲/۴۸۳ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	تنباکو، پنبه، سیب‌زمینی، سیب‌جات، انگور، میوه‌جات
کاربری زمین	۶/۵۵٪ زمین قابل کشت، ۲۸٪ کشت دائمی، ۹۳/۱۷٪ سایر موارد
منابع معدنی	نیروی برق آبی، زغال‌سنگ، نفت، گاز طبیعی، جیوه، سرب، روی
تولیدات صنعتی	ماشین‌آلات سبک، منسوجات، فراوری مواد غذایی، سیمان، کفش، چوب اره شده، ریخال، میلمان، طلا
نیروی کار	۲/۷ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۵۵٪ کشاورزی، ۱۵٪ صنعت، ۳۰٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی هوایی، نیروی زمینی، گارد ملی
صادرات	پنبه، پشم، گوشت قرمز، تنباکو، جیوه، اورانیوم، گاز طبیعی، ماشین‌آلات، کفش، نیروی برق آبی
وزیرگی خانوار	۲۳/۰۸ تولد، ۷/۰۲ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۸
تعداد دانشجویان	۱۵۹,۲۰۰
اربابیات و رسانه	۲۳ ایستگاه رادیویی، ۷ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	ریپابلیکاسی قرقیز
اسامی دیگر	قرقیزستان، جمهوری سوسیالیستی قرقیز
پایتخت	بیشکک
تاریخ استقلال	۳۱ آگوست ۱۹۹۱ از شوروی
روز ملی	۳۱ آگوست ۱۹۹۱
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با ۲ مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: قورمان یک باقی‌یاف از سال ۲۰۰۵
رئیس دولت	نخست‌وزیر: آلمازبیک آتامبایف، از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱۹۸,۵۰۰ کیلومتر مربع (صد و نهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۵,۲۸۴,۱۴۹ نفر
تراکم جمعیت	۲۵/۳ نفر در هر کیلومتر مربع

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۳۷

۰/۴۵۲٪	رشد جمعیت
۱۶,۳۶۰ نفر	پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)
سال ۲۲۹۱	زمان ۲ برابر شدن جمعیت
۶۷/۲۲ سال (آقایان ۶۱/۹ سال، خانمها ۷۲/۸۴ سال)	امید به زندگی
۴/۵۳٪ قزاق، ۳۰٪ روس، ۳/۷٪ اوکراینی، ۲/۴٪ ازبک، ۲/۴٪ ژرمن، ۱/۷٪ تاتار، ۱/۴٪ یوگور، ۴/۹٪ سایر نژادها	نژاد
قزاقستانی	ملیت
۴۷٪ مسلمان، ۴۴٪ ارتدوکس روسی، ۲٪ پروتستان، ۷٪ سایر ادیان	دین
۶۴/۴٪ قزاقی (زبان رسمی)، روسی	زبان
آلمانی، قراغندی، شیمکت، طراز	شهرهای مهم
آق تار، آیتراو، پاولودار	بنادر و پایانه ها
تنگه	واحد پول
۱۸/۴۸ میلیارد دلار	درآمد بودجه
۱۸/۰۹ میلیارد دلار	هزینه بودجه
۱۳۸/۷ میلیارد دلار	تولید ناخالص ملی
۶/۳٪ کشاورزی، ۴۱/۱٪ صنعت، ۵۲/۷٪ خدمات	منشاء تولید ناخالص ملی
۲۷٪ از تولید ناخالص ملی	سرمايه گذاری
۵۳/۸۹٪ میلیارد دلار	بدهی خارجی
حیوانات، پنبه	محصولات عمده کشاورزی
۸/۲۸٪ زمین قابل کشت، ۰/۰۵٪ کشت دائمی، ۹۱/۶۷٪ سایر موارد	کاربری زمین
نفت خام، گاز طبیعی، زغال سنگ، سنگ آهن، منگنز، سنگ کروم	منابع معدنی
نفت، زغال سنگ، سنگ آهن، منگنز، کرومیت، سرب، روی، مس، تیتانیوم، طلا، بوکسیت، نقره، فسفات، گوگرد، آهن و فولاد	تولیدات صنعتی
۷/۸۳۴ میلیون نفر	نیروی کار
۲۰٪ کشاورزی، ۳۰٪ صنعت، ۵۰٪ خدمات	توزیع نیروی کار
نیروهای زمینی، نیروی دریایی، نیروهای هوایی و پدافند هوایی، گارد جمهوری خواه	نیروی دفاعی
۵۸٪ نفت و فرآورده های نفتی، ۲۴٪ فلز، ۵٪ مواد شیمیایی، ۳٪ ماشین آلات	صادرات
۱۶/۲۳ تولد، ۹/۴ مرگ	ویژگی خانوار
۱۷۰	تعداد مراکز آموزش عالی
۴۰۴,۷۰۰	تعداد دانشجویان
۸۶ ایستگاه رادیویی، ۱۲ ایستگاه تلویزیونی	ارتباطات و رسانه

جمهوری قزاقستان Republic of KAZAKHSTAN



نام محلی	ریابایکاسی قزاقستان
اسامی دیگر	قزاقستان، جمهوری سوسیالیستی قزاق
پایتخت	آستانا
تاریخ استقلال	۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ از شوروی
روز ملی	۱۶ دسامبر ۱۹۹۱
نوع حکومت	جمهوری با دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: نور سلطان نزار بایف از سال ۱۹۹۱
رئیس دولت	نخست وزیر: کریم ماسیموف از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندین کشور جهان)	۴,۷۱۷,۳۰۰ کیلومتر مربع (نهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۵,۲۸۴,۲۹۲ نفر
تراکم جمعیت	۵/۵ نفر در هر کیلومتر مربع

دولت قطر State of QATAR



نام محلی	دولت قطر
اسامی دیگر	قطر
پایتخت	دوحه
تاریخ استقلال	۳ سپتامبر ۱۹۷۱ از انگلستان
روز ملی	۳ سپتامبر ۱۹۷۱
نوع حکومت	سلطنتی مطلقه (شیخ‌نشین)
رئیس حکومت	امیر: شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی از سال ۱۹۹۵
رئیس دولت	نخست‌وزیر: شیخ حمد بن جاسم بن جابر آل ثانی از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱۱,۴۳۷ کیلومتر مربع (صد و پنجاه و هشتمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۹۰۷,۲۲۹ نفر

تراکم جمعیت	۶۴/۷ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۳۸۶٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱,۳۴۰,۱۵۹ نفر
زنان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۹
امید به زندگی	۷۴/۱۴ سال (آقایان ۷۱/۶ سال، خانم‌ها ۷۶/۸۲ سال)
نژاد	۴۰٪ عرب، ۱۸٪ هندی، ۱۸٪ پاکستانی، ۱۰٪ ایرانی، ۱۴٪ سایر نژادها
ملیت	قطری
دین	۷۷/۵٪ مسلمان، ۸/۵٪ مسیحی، ۱۴٪ سایر ادیان
زبان	عربی (رسمی)، انگلیسی (زبان دوم)
شهرهای مهم	ریان، وکره، ام‌سالال
بنادر و یابانه‌ها	دوحه
واحد پول	ریال قطر
درآمد یودجه	۲۲/۵۱ میلیارد دلار
هزینه یودجه	۱۶/۸۹ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۲۶/۰۵ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالصی ملی	۰/۱٪ کشاورزی، ۷۷/۲٪ صنعت، ۲۲/۶٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۳۳/۲٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۲۵/۷٪ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	میوه‌جات، سبزیجات
کاربری زمین	۱/۶۴٪ زمین قابل کشت، ۲۷٪ کشت دائمی، ۹۸/۰۹٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت، گاز طبیعی، ماهی
تولیدات صنعتی	پالایش و فرآوری نفت‌خام، محلول آمونیاک، کود، مواد شیمیایی نفتی، سیمان، تعمیر کشتی‌های تجاری
نیروی کار	۵۰۸,۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۱/۳۰٪ کشاورزی، ۹۸/۸۰٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی قطر، نیروی دریایی قطر، نیروی هوایی قطر
صادرات	گاز طبیعی، آب‌گرم، فرآورده‌های نفتی، کود، فولاد
ویژگی خانوار	۱۵/۵۶ تولد، ۴/۸۲ مرگ
تعداد مراکز آموزشی عالی	۱
تعداد دانشجویان	۹,۶۲۸ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۲ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۳۹

تراکم جمعیت	۳۳/۷ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۲۴۱٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۶,۱۵۵,۰۴۵ نفر
زنان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۵۲
امید به زندگی	۵۲/۸۶ سال (آقایان ۵۲/۱۵ سال، خانمها ۵۳/۵۹ سال)
نژاد	۴۰٪ قبایل بانتو، ۲۰٪ نیمه بانتو، ۲٪ فرانسوی، ۳۸٪ سایر نژادها
ملیت	کامرونوایی
دین	۴۰٪ عقاید سنتی، ۴۰٪ مسیحی، ۲۰٪ مسلمان
زبان	۲۴ زبان و لهجه های بومی، انگلیسی (رسمی)، فرانسوی
شهرهای مهم	دوآلا، گاروآ، ماروآ، بافوسام
بنادر و یابانه ها	دوآلا، لیمبو
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد یودجه	۳/۳۳۹ میلیارد دلار
هزینه یودجه	۳/۱۵۷ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۴۲/۲ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۴۵/۲٪ کشاورزی، ۱۶/۱٪ صنعت، ۳۸/۷ خدمات
سرمایه گذاری	۱۶/۸٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۳/۶۵۷ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	قهوه، کاکائو، پنبه، موز، کائوچو، دانه های روغنی، غلات
کاربری زمین	۱۲/۵۴٪ زمین قابل کشت، ۲/۵۲٪ کشت دائمی، ۸۴/۹۴٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت، بوکسیت، سنگ آهن، الوار، نیروی برق - آبی
تولیدات صنعتی	پالایش و فرآورده های نفتی، نفت خام، تولید آلومینیوم، فرآوری مواد غذایی، منسوجات، الوار، تعمیر کشتی
نیروی کار	۶/۳۹۴ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۷۰٪ کشاورزی، ۱۳٪ صنعت، ۱۷٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح کامرون: نیروی زمینی و دریایی (شامل پیاده نظام دریایی)، نیروی هوایی کامرون
صادرات	فرآورده های نفتی، نفت خام، الوار، دانه های کاکائو، آلومینیوم، قهوه، پنبه
ویزگی خانوار	۲۵/۰۷ تولد، ۱۲/۶۶ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۶
تعداد دانشجویان	۶۶,۹۰۲ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۴ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری کامرون Republic of CAMEROON



نام محلی	جمهوری کامرون
اسامی دیگر	کامرون، کامرون فرانسه، کامرون انگلیس، جمهوری متحد کامرون، جمهوری فدرال کامرون
پایتخت	یانونده
تاریخ استقلال	اول ژانویه ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	۲۰ مه ۱۹۷۲
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: پل یه از سال ۱۹۸۲
رئیس دولت	نخست وزیر: افراتیم اینونی از سال ۲۰۰۴
مساحت (چندمین کشور جهان)	۴۷۵,۴۴۰ کیلومتر مربع (پنجاه و دومین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۸,۰۶۰,۳۸۲ نفر

اتحاد جزایر کومور Union of The COMOROS



رشد جمعیت	۲۴/۸۴٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱۱۵۰۰۲ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۲
امید به زندگی	۶۲/۳۳ سال (آقایان ۶۰/۳۷ سال، خانمها ۶۵/۱۵ سال)
نژاد	آنتالوتی، کافر، ماکوا، اوایماتساه، ساکالاوا
مذهب	کوموری
دین	۹۸٪ مسلمان سنی، ۲٪ کاتولیک روم
زبان	عربی (رسمی)، فرانسه (رسمی)، شیکومورو (تلفیقی از عربی و سواحیلی)
شهرهای مهم	موتسامودو، دومونی، فومونی
بنادر و پایانه‌ها	مایوت، موتسامودو
واحد پول	فرانک کومور
درآمد پودجه	۲۷/۶ میلیون دلار
هزینه بودجه	نامشخص
تولید ناخالص ملی	۴۴۱ میلیون دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۴۰٪ کشاورزی، ۴٪ صنعت، ۵۶٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲ میلیارد دلار
بدهی خارجی	۲۳۲ میلیون دلار
محصولات عمده کشاورزی	وانیل، درخت میخک، اسانس عطر، مغز نارگیل، نارگیل، موز، نشاسته
کاربری زمین	۸۷/۳۵٪ زمین قابل کشت، ۳۲/۲۳٪ کشت دائمی، ۸۱/۴۰٪ سایر موارد
منابع معدنی	بوکسیت، گاز طبیعی
تولیدات صنعتی	ماهیگیری، تورسم، عصاره‌گیری عطر
نیروی کار	۱۴۴/۵۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۸۰٪ کشاورزی، ۲۰٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای دفاعی کومور، نیروی امنیتی کومور (شامل اداره امنیتی و ارتش)، پلیس فدرال کومور
صادرات	روغن گل درخت ایلنگ (در عطر سازی بکار می‌رود)، درخت میخک، مغز نارگیل
ویژگی خانواده	۳۶/۲۵ تولد، ۷/۹۵ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱
تعداد دانشجویان	۱۲۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۶ ایستگاه رادیویی

نام محلی	اتحاد کومور
اسامی دیگر	کومور
پایتخت	مورونی
تاریخ استقلال	۶ جولای ۱۹۷۵ از فرانسه
روز ملی	۶ جولای ۱۹۷۵
نوع حکومت	جمهوری فدرال یا یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: احمد عبدالله سامبی از سال ۲۰۰۶
رئیس دولت	رئیس جمهور: احمد عبدالله سامبی از سال ۲۰۰۶
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲,۱۷۰ کیلومتر مربع (صد و هفتادمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۷۱۱,۴۱۷ نفر
تراکم جمعیت	۴۱۲/۵ نفر در هر کیلومتر مربع

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۴۱

تواکم جمعیت	۱۵۴/۵ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۵۶۱٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۰۰۰۱۸ ۴۰۲۹۰۰ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۳۵
امید به زندگی	۷۷/۳۶ سال (آقایان ۷۶/۲۵ سال، خانمها ۷۸/۵۲ سال)
نژاد	۴۵٪ کویتی، ۳۵٪ عرب، ۹٪ جنوب آسیا، ۴٪ ایرانی، ۷٪ سایر نژادها
ملیت	کویتی
دین	۸۵٪ مسلمان (۷۰٪ سنی، ۳۰٪ شیعه)، ۱۵٪ مسیحی هندی
زبان	عربی (رسمی)، انگلیسی
شهرهای مهم	سالمیه، قلب الشیوخ، حولی، ایرق، خیطان
بنادر و پایانه ها	الشعبیه، الشیوخ، الزاور، مینا عبدالله، مینا الاحمدی
واحد پول	دینار کویت
درآمد بودجه	۵۹/۵۸ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۳۳/۶۲ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۵۲/۱۷ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۰/۴٪ کشاورزی، ۴۸/۳٪ صنعت، ۵۱/۳٪ خدمات
سرمایه گذاری	۲۶/۴٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱۹/۷٪ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	تقریباً هیچ محصول کشاورزی ندارد
کاربری زمین	۰/۸۴٪ زمین قابل کشت، ۰/۱۷٪ کشت دائمی، ۹۸/۹۹٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت، ماهی، گاز طبیعی، میگو
تولیدات صنعتی	نفت، خام، مواد شیمیایی نفتی، سیمان، تعمیر و ساخت کشتی، آب شیرین، فرآوری مواد غذایی، مصالح ساختمانی
نیروی کار	۱/۱۳۶ میلیون دلار
توزیع نیروی کار	۱/۶۹٪ کشاورزی، ۹۸/۳۱٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی کویت، نیروی دریایی کویت، نیروی هوایی کویت، گارد ملی
صادرات	فرآورده های نفتی، کود
ویژگی خانوار	۲۱/۹۵ تولد، ۲/۳۹ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۳۳
تعداد دانشجویان	۵۶۳
ارتباطات و رسانه	۱۸ ایستگاه رادیویی، ۱۳ ایستگاه تلویزیونی

دولت کویت State of KUWAIT



نام محلی	دولة الكويت
اسامی دیگر	الکویت، کویت
یافتخت	شهر کویت
تاریخ استقلال	۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ از انگلستان
روز ملی	۲۵ فوریه ۱۹۵۰
نوع حکومت	مشروطه ی سلطنتی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	امیر: شیخ صباح الاحمد آل جابر الصباح از سال ۲۰۰۶
رئیس دولت	نخست وزیر: ناصر محمد الاحمد الصباح از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱۷,۸۲۰ کیلومتر مربع (صد و پنجاه و دومین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۲,۵۰۵,۵۵۹ نفر

۳۴۲ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

جمهوری گابن Republic of GABON



رشد جمعیت	۲۴/۰۳۶٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۰,۰۴۷,۲۸۹
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۵۶
امید به زندگی	۵۳,۹۹ سال (آقایان ۵۲/۸۵ سال، خانم‌ها ۵۵/۱۷ سال)
نژاد	قبایل بانتو (شامل ۴ قبیله فانگ، باپونو، نژی و اوبامبا)، فرانسوی و دورگه
ملیت	گابونی
دین	۹۰/۶٪ مسیحی، ۳/۱٪ مسلمان، ۱/۷٪ عقاید سنتی، ۴/۶٪ سایر ادیان
زبان	فرانسه (رسمی)، فانگ، نژی، باپانو
شهرهای مهم	پورترژانتی، فرانسیویل، اویم، موآندا
بنادر و پایانه‌ها	گامبا
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد یوده	۳/۱ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۲/۱۸۱ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۱۰/۲۱٪ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۵/۹٪ کشاورزی، ۵۹/۷٪ صنعت، ۳۴/۴٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲۳/۲٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۳/۹۷۱ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	کاکائو، قهوه، شکر، روغن خرما، کانچو
کاربری زمین	۱/۲۱٪ زمین قابل کشت، ۰/۶۴٪ کشت دائمی، ۹۸/۱۵٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، گاز طبیعی، الماس، منگنز، اورانیوم، طلا، سنگ آهن، نیوبیم
تولیدات صنعتی	استخراج و پالایش نفت، منگنز، طلا، تعمیر کشتی، غذا و سبزیجات، منسوجات، الوار و تخته چندلا، سیمان
نیروی کار	۵۸۱,۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۶۰٪ کشاورزی، ۱۵٪ صنعت، ۲۵٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی، اداره امنیت ملی، پلیس ملی
صادرات	۷۷٪ نفت خام، ۲۳٪ چوب، منگنز، اورانیوم
ویژگی خانوار	۳۵/۹۶ تولد، ۱۲/۴۵ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۲
تعداد دانشجویان	۷,۴۷۳ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۷ ایستگاه رادیویی، ۴ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	جمهوری گابن
اسامی دیگر	گابن
پایتخت	لیبرویل
تاریخ استقلال	۱۷ آگوست ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	۱۲ مارس ۱۹۶۸
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری از سال ۱۹۶۷
رئیس حکومت	رئیس جمهور: خاج عمو بونگو از سال ۱۹۶۷
رئیس دولت	نخست‌وزیر: ژان ایگه اندونگ از سال ۲۰۰۶
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲۶۷,۶۶۷ کیلومتر مربع (هفتاد و ششمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱,۴۵۴,۸۶۷ نفر
تراکم جمعیت	۵ نفر در هر کیلومتر مربع

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۴۳

۲/۷۸۱٪	رشد جمعیت
۲,۶۲۷,۴۲۴ نفر	پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)
سال ۲۰۴۳	زمان ۲ برابر شدن جمعیت
۵۴/۵۴ سال (آقایان ۵۲/۶۸ سال، ۵۶/۴۶ سال)	امید به زندگی
۹۹٪ آفریقایی (۴۲٪ مالیکنه، ۱۸٪ فولانی، ۱۶٪ وولوف، ۱۰٪ جولا، ۹٪ سراجولانی، ۴٪ سایر نژادها)، ۱٪ غیر آفریقایی	نژاد
گامبیایی	ملیت
۹۰٪ مسلمان، ۹٪ مسیحی، ۱٪ عقاید سنتی	دین
انگلیسی (رسمی)، مالیکنکا، وولوف، فولانی	زبان
کاینفینک شامل: سرکوند، باکانو، بریکاما، قارافنی	شهرهای مهم
بانجول	بنادر و یانه‌ها
دلانی	واحد پول
۱۱۳/۷ میلیون دلار	درآمد بودجه
۱۵۵/۱ میلیون دلار	هزینه بودجه
۳/۲۵ میلیارد دلار	تولید ناخالص ملی
۳۰/۵٪ کشاورزی، ۱۳/۹٪ صنعت، ۵۵/۶ خدمات	منشاء تولید ناخالص ملی
۲۰/۳٪ از تولید ناخالص ملی	سرمایه گذاری
۶۲۸/۸ میلیون دلار	بدهی خارجی
برنج، ارزن، ذرت خوشه‌ای، غلات، کتجد، نشاسته	محصولات عمده کشاورزی
۲۷/۸۸٪ زمین قابل کشت، ۰/۴۴٪ کشت دائمی، ۷۱/۶۸٪ سایر موارد	کاربری زمین
ماهی، تیتانوم، قلع، زیرکن، سنگ سیلیس، خاک رس، نفت خام	منابع معدنی
فرآوری بادام زمینی، ماهی و پوست، جهانگردی، نوشیدنی، مونتاژ ماشین‌آلات کشاورزی، پوشاک	تولیدات صنعتی
۴۰۰,۰۰۰ نفر	نیروی کار
۷۵٪ کشاورزی، ۱۹٪ صنعت، ۶٪ خدمات	توزیع نیروی کار
ارتش ملی گامبیا، نیروی دریایی گامبیا، گارد ملی گامبیا (شامل گارد ریاست جمهوری)	نیروی دفاعی
بادام زمینی، ماهی، پنبه، صادرات مجدد کالاهای وارداتی	صادرات
۳۸/۸۶ توند، ۱۱/۹۹ مرگ	وزیرکای خانوار
۵	تعداد مراکز آموزش عالی
۱,۵۹۱ نفر	تعداد دانشجوین
۵ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی	ارتباطات و رسانه

جمهوری گامبیا Republic of The GAMBIA



نام محلی	_____
اسامی دیگر	گامبیا
پایتخت	بانجول
تاریخ استقلال	۱۸ فوریه ۱۹۶۵ از انگلستان
روز ملی	۱۸ فوریه ۱۹۶۵
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی، با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: یحیی جامه از سال ۱۹۹۶
رئیس دولت	رئیس جمهور: یحیی جامه از سال ۱۹۹۶
مساحت (چندین کشور جهان)	۱۱,۳۰۰ کیلومتر مربع (صد و پنجاه و نهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱,۶۸۸,۳۵۹ نفر
تراکم جمعیت	۱۲۰/۸ نفر در هر کیلومتر مربع

جمهوری تعاونی گویان Republic of The GUYANA



تراکم جمعیت	۴ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۰/۲۳۴٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۸۰۵,۰۸۹ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۴۴۴
امید به زندگی	۶۶/۱۷ سال (آقایان ۶۳/۵۳ سال، خانم‌ها ۶۸/۹۵ سال)
زاد	۵۰٪ آبجست گروه آندونزی، ۳۶٪ سیاهپوست، سرخپوست آمریکایی، ۷٪ سفیدپوست، چینی، ۷٪ سایر نژادها
مذهب	گیانایی
دین	۵۰٪ مسیحی، ۳۵٪ هندو، ۱۰٪ مسلمان، ۵٪ سایر ادیان
زبان	انگلیسی، لهجه‌های سرخپوستی، کریول، اردو
شهرهای مهم	لیندن، نیوآستردام، کوریپوتون
بنادر و پایانه‌ها	جرج تاون
واحد پول	دلار گویان
درآمد بودجه	۳۵۹/۹ میلیون دلار
هزینه بودجه	۴۳۰/۳ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۳/۶۲ میلیارد دلار
مشاء تولید ناخالص ملی	۳۵/۵٪ کشاورزی، ۱۹/۳٪ صنعت، ۴۵/۲٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۳۱/۵٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱/۲ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	نیشکر، برنج، گندم، سبزیجات، روغن‌های گیاهی
کالری زمین	۲/۲۳٪ زمین قابل کشت، ۰/۱۴٪ کشت دائمی، ۹۷/۶۳٪ سایر موارد
منابع معدنی	بوکسیت، طلا، الماس، میگو، ماهی
تولیدات صنعتی	بوکسیت، شکر، آسیاب برنج، الوار، منسوجات، استخراج طلا
نیروی کار	۴۱۸,۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۱۶/۹۰٪ کشاورزی، ۸۳/۱۰٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی دفاعی گیانا: نیروی زمینی، گارد ساحلی، سپاه هوایی
صادرات	شکر، طلا، بوکسیت، برنج، آلمومینوم، میگو، شیرقند، عرق نیشکر، الوار
ویزگی خانوار	۱۸/۰۹ تولد، ۸/۲۸ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱۲
تعداد دانشجویان	۴,۰۰۰ نفر
ارتباطات و رسانه	۷ ایستگاه رادیویی، ۳ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	_____
اسامی دیگر	گیانا، گیانای انگلیسی، گویان
پایتخت	بندر جرج تاون
تاریخ استقلال	۲۶ مه ۱۹۶۶ از انگلستان
روز ملی	۲۳ فوریه ۱۹۷۰
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: بهارات جگدئون از سال ۱۹۹۹
رئیس دولت	نخست‌وزیر: ساموئل آرجیبالد آنتونی هیندرز از سال ۱۹۹۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲۱۴,۹۷۰ کیلومتر مربع (هشتاد و سومین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۷۶۹,۰۹۵ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۴۵

تراکم جمعیت	۳۴/۵ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۶۲٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۵۱۰،۱۶۰ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۵
امید به زندگی	۴۹/۶۵ سال (آقایان ۴۸/۵ سال، خانم ها ۵۰/۸۴ سال)
نژاد	۴۰٪ قایل فولانی، ۳۰٪ مالینگه، ۲۰٪ سوسو، ۱۰٪ سایر نژادها
مذمت	گینه ای
دین	۸۵٪ مسلمان، ۸٪ مسیحی، ۷٪ عقاید سنتی
زبان	فرانسه (رسمی)
شهرهای مهم	کانکن، لایه، کیندیا، نزرکوره
بنادر و پایانه ها	کامسار
واحد پول	فرانک گینه
درآمد بودجه	۳۳۲/۳ میلیون دلار
هزینه بودجه	۵۵۶/۷ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۱۹/۴ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۳/۷٪ کشاورزی، ۳۶/۱٪ صنعت، ۴۰/۲٪ خدمات
سرمایه گذاری	۱۷/۶٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۳/۰۲ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	برنج، قهوه، آناناس، نشاسته، موز، سیب زمینی هندی
کاربری زمین	۴/۴۷٪ زمین قابل کشت، ۲/۶۴٪ کشت دائمی، ۹۲/۸۹٪ سایر موارد
منابع معدنی	بوکسیت، سنگ آهن، الماس، طلا، اورانیوم، ماهی، نمک
تولیدات صنعتی	بوکسیت، طلا، الماس، آهن، پالایش اکسید آلومینیوم، فرآوری محصولات کشاورزی
نیروی کار	۳/۷ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۷۶٪ کشاورزی، ۲۴٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی، دریایی و هوایی، گارد ریاست جمهوری
صادرات	بوکسیت، اکسید آلومینیوم، طلا، الماس، قهوه، ماهی، محصولات کشاورزی
ویژگی خانوار	۴۱/۵۳ تولد، ۱۵/۳۳ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۵
تعداد دانشجویان	۱،۸۵۷ نفر
ارتباطات و رسانه	۸ ایستگاه رادیویی، ۶ ایستگاه تلویزیونی



جمهوری گینه Republic of The GUINEA



نام محلی	جمهوری گینه
اسامی دیگر	گینه، گینه فرانسه
پایتخت	کوناکری
تاریخ استقلال	۲ اکتبر ۱۹۵۸ از فرانسه
روز ملی	۲ اکتبر ۱۹۵۸
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: لانسانا کونته از سال ۱۹۸۴
رئیس دولت	نخست وزیر: لانسانا کویاته از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۲۴۵،۸۵۷ کیلومتر مربع (هفتاد و هفتمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۹،۹۴۷،۸۴۱ نفر

جمهوری گینه بیسائو

Republic of GUINEA-BISSAU



رشد جمعیت	۱/۹۹٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۳۳,۸۱۷,۲۰ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۵۷
امید به زندگی	۴۶/۹۸ سال (آقایان ۴۵/۰۹ سال، خانم‌ها ۴۸/۹۲ سال)
نژاد	۹۹٪ قبایل آفریقایی (۳۰٪ بالانته، ۲۰٪ فولانی، ۱۴٪ ماندیاکو، ۱۳٪ مالینک، ۷٪ پیل، ۱٪ سایر نژادها)
مذاهب	گینه‌ای
دین	۵۰٪ عقاید سنتی، ۴۵٪ مسلمان، ۵٪ مسیحی
زبان	پرتغالی (رسمی)، زبان‌های بومی
شهرهای مهم	بافاتا، کاجنو، گابو
بنادر و پایانه‌ها	بیسائو، بوبا، فاریم
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد بودجه	۲۵/۵۳۰ میلیون فرانک سی اف آ
هزینه بودجه	۶۳/۱۶۲ میلیون فرانک سی اف آ
تولید ناخالص ملی	۱/۱۶۴ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۶۲٪ کشاورزی، ۱۲٪ صنعت، ۲۶٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۵ میلیون دلار
بدهی خارجی	۹۴۱/۵ میلیون دلار
محصولات عمده کشاورزی	برنج، غلات، لوبیا، نشاسته، میوه‌ی درخت بلارد، بادام‌زمینی، هسته‌ی درخت خرما، پنبه
کاربری زمین	۶۷/۱۰٪ زمین قابل کشت، ۱/۱۷۸٪ کشت دائمی، ۸۷/۵۵٪ سایر موارد
منابع معدنی	ماهی، الوار، فسفات، بوکسیت
تولیدات صنعتی	فرآوری محصولات کشاورزی
نیروی کار	۴۸۰,۰۰۰ نفر
نوزخ نیروی کار	۸۲٪ کشاورزی، ۱۸٪ صنعت و خدمات
نیروی دفاعی	نیروی مسلح انقلابی مردمی (شامل نیروی زمینی، دریایی و هوایی)، نیروی شبه نظامی
صادرات	میوه‌ی درخت بلارد، میگو، بادام‌زمینی، هسته‌ی درخت خرما، الوار اره شده
ویژگی خانواده	۳۸/۰۳٪ تولد، ۱۶/۵۷٪ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۲
تعداد دانشجویان	۴۶۳ نفر
ارتباطات و رسانه	۵ ایستگاه رادیویی

نام محلی	گینه بیسائو
اسامی دیگر	گینه‌ی پرتغال
پایتخت	بیسائو
تاریخ استقلال	۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳ از پرتغال
روز ملی	۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: ژواوو برناردو ویتورا از سال ۲۰۰۵
رئیس دولت	نخست‌وزیر: مارتینو انداگا کاپی از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۳۶,۱۲۰ کیلومتر مربع (صد و سی و چهارمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱,۳۸۸,۳۶۳ نفر
تراکم جمعیت	۴۱/۳ نفر در هر کیلومتر مربع

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۴۷

۱/۱۹۸٪	رشد جمعیت
۴,۸۶۰,۰۵۲ نفر	پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)
سال ۲۰۹۰	زمان ۲ برابر شدن جمعیت
۷۳/۱۵ سال (آقایان ۶۷/۰ سال، خانمها ۷۵ سال)	امید به زندگی
۹۵٪ غرب، ۴٪ ارمنی، ۱٪ سایر نژادها	نژاد
لبنانی	ملیت
۵۹/۷٪ مسلمان (شیعه، سنی، اسماعیلیه، دروزی)، ۳۹٪ مسیحی، ۱/۳٪ سایر ادیان	دین
عربی (رسمی)، فرانسه، انگلیسی، ارمنی	زبان
طرابلس، صیدا، صور، نیطیه	شهرهای مهم
بیروت، چکا	بنادر و پایانه ها
لیره لبنان	واحد پول
۴/۴۴۴ میلیارد دلار	درآمد بودجه
۷/۴۲۹ میلیارد دلار	هزینه بودجه
۲۱/۴۵ میلیارد دلار	تولید ناخالص ملی
۷٪ کشاورزی، ۲۱٪ صنعت، ۷۲٪ خدمات	منشاء تولید ناخالص ملی
۱۷/۸٪ از تولید ناخالص ملی	سرمایه گذاری (سال ۲۰۰۰)
۳۱/۱٪ میلیارد دلار	بدهی خارجی
مرکبات، انگور، گوجه فرنگی، سیب درختی، سبزیجات، سیب زمینی، زیتون، تنباکو	محصولات عمده کشاورزی
۱۶/۳۵٪ زمین قابل کشت، ۱۳/۷۵٪ کشت دائمی، ۶۹/۹٪ سایر موارد	کاربری زمین
سنگ آهک، سنگ آهن، نمک، خاک زراعی	منابع معدنی
بازگشت، جهانگردی، فرآوری مواد غذایی، جواهرات، سیمان، منسوجات، محصولات معدنی، چوب و میلمان، پالایش نفت	تولیدات صنعتی
۱/۵ میلیون نفر	نیروی کار
۳/۲۰٪ کشاورزی، ۹۶/۸۰٪ صنعت و خدمات	توزیع نیروی کار
نیروهای مسلح لبنان: نیروی زمینی، هوایی و دریایی	نیروی دفاعی
جواهر، مواد شیمیایی معدنی، اشیاء مصرفی متفرقه، میوهجات، تنباکو، کاغذ، منسوجات	صادرات
۱۸/۰۸٪ تولید، ۶/۱ مرگ	ویژگی خانوار
۱۳	تعداد مراکز آموزش عالی
۸۱,۵۸۸ نفر	تعداد دانشجویان
۴۶ ایستگاه رادیویی، ۱۵ ایستگاه تلویزیونی	ارتباطات و رسانه



جمهوری لبنان Republic of LEBANON



جمهوریة اللبانیة	نام محلی
لبنان، لبنان بزرگ	اسامی دیگر
بیروت	پایتخت
۲۲ نوامبر ۱۹۴۳ از فرانسه	تاریخ استقلال
۲۲ نوامبر ۱۹۴۳	روز ملی
جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری	نوع حکومت
رئیس جمهور: میشل سلیمان از سال ۲۰۰۸	رئیس حکومت
نخست وزیر: فؤاد سینیوره از سال ۲۰۰۵	رئیس دولت
۱۰,۴۰۰ کیلومتر مربع (صد و یکمین کشور جهان)	مساحت (چندمین کشور جهان)
۳,۹۲۵,۵۰۲ نفر	جمعیت (سال ۲۰۰۷)
۳۳۸/۷ نفر در هر کیلومتر مربع	تراکم جمعیت

۳۴۸ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

جماهير عربی سوسیالیستی خلق لیبی

Great Sociallat People's LIBYAN ARAB JAMAHIRIYA



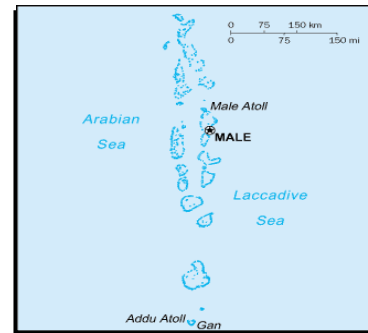
تراکم جمعیت	۳/۲ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۲/۲۶۲
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۸,۷۶۸,۰۱۴ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۵۱
امید به زندگی	۷۶/۸۸ سال (آقایان ۷۴/۶۴ سال، خانم‌ها ۷۹/۲۳ سال)
نژاد	۹۷٪ عرب و بربر، ۳٪ سایر نژادها (شامل یونانی، مالتی، ایتالیایی، مصری، پاکستانی، ترک، هندی و تونس‌ای)
ملیت	لیبایی
دین	۹۷٪ مسلمان سنی، ۳٪ سایر ادیان
زبان	عربی، ایتالیایی، انگلیسی
شهرهای مهم	بنغازی، مصرانه، سرت
نماد و پایانه‌ها	الصدره، الزویتینه، زواره، تریپولی
واحد پول	دینار لیبی
درآمد بودجه	۳۳/۳۴ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۱۹/۳ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۷۴/۹۷ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۷/۳٪ کشاورزی، ۵۱/۳٪ صنعت، ۴۱/۴٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۷/۴٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۴/۴۹۲ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	گندم، زیتون، جو، خرما، مرکبات، سبزیجات، بادام‌زمینی، سویا
گابری زمین	۱/۰۳٪ زمین قابل کشت، ۰/۱۹٪ کشت دائمی، ۹۸/۷۸٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت‌خام، گاز طبیعی، سنگ گچ
تولیدات صنعتی	نفت، آهن، فولاد، فرآوری مواد غذایی، منسوجات، صنایع دستی، سیمان
نیروی کار	۱/۷۸۷ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۱۷٪ کشاورزی، ۲۳٪ صنعت، ۵۹٪ خدمات
نیروی دفاعی	افراد مسلح چین خدمت، نیروی دریایی عربی لیبی، نیروی هوایی عربی لیبی
صادرات	نفت‌خام، گاز طبیعی، فرآورده‌های نفتی پالایش شده
وزنی خانواده	۲۴/۰۹ تولد، ۲/۴۷ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱۳
تعداد دانشجویان	۱۲۶,۳۳۸ نفر
ارتباطات و رسانه	۲۲ ایستگاه رادیویی، ۱۲ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	الجمهورية العربية الليبية، الشعبية الاشتراكية العظمی
اسامی دیگر	لیبی
پایتخت	تریپولی
تاریخ استقلال	۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ از ایتالیا
روز ملی	۱ سپتامبر ۱۹۶۹
نوع حکومت	جمهوری سوسیالیستی اسلامی یا یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رهبر: معمر قذافی از سال ۱۹۶۹
رئیس دولت	نخست‌وزیر: البغدادی علی المحمودی از سال ۲۰۰۶
مساحت (جندمین کشور جهان)	۱,۷۵۹,۵۴۰ کیلومتر مربع (شانزدهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۶,۰۳۶,۹۱۴ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۴۹

رشد جمعیت	۷۲/۷۳۲٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۶۳۲,۶۷۰ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۳۳
امید به زندگی	۶۴/۷۶ سال (آقایان ۶۳/۴۱ سال، خانم‌ها ۶۶/۱۹ سال)
نژاد	۹۸/۵٪ مالدیوی، ۰/۷٪ سینهالی، ۰/۸٪ سایر نژادها
ماتیت	مالدیوی
دین	مسلمان سنی
زبان	مالایی (رسمی)، چینی، هندی، انگلیسی
شهرهای مهم	ندارد
بنادر و پایانه‌ها	ماله
واحد پول	روفیا
درآمد پودجه	۵۰۸ میلیون دلار
هزینه بودجه	۶۷۱ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۱/۲۵ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۶٪ کشاورزی، ۷٪ صنعت، ۷۷٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۱۵۱ میلیون دلار
بدهی خارجی	۴۸۲ میلیون دلار
محصولات عمده کشاورزی	نارگیل، غلات، سیب‌زمینی هندی، ماهی
کاربری زمین	۱۳/۳۳٪ زمین قابل کشت، ۳۰٪ کشت دائمی، ۵۶/۶۷٪ سایر موارد
منابع معدنی	ماهی
تولیدات صنعتی	جهانگردی، فرآورده‌های ماهی، ماهیگیری، قایق‌سازی، فرآوری نارگیل، پوشاک، حصیر دستباف، طناب، صنایع دستی
نیروی کار	۱۰۱,۳۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۲۲٪ کشاورزی، ۱۸٪ صنعت، ۶۰٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی امنیت ملی: شاخه‌ی امنیتی (نیروی زمینی)، رکن هوایی، گارد ساحلی
صادرات	ماهی
ویژگی خانوار	۳۴/۲ تولد، ۶/۸۸ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	ندارد
تعداد دانشجویان	ندارد
ارتباطات و رسانه	۳ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری مالدیو Republic of MALDIVES



نام محلی	دهیوہی راجگه جھوریہ
اسامی دیگر	مالدیو
پایتخت	ماله
تاریخ استقلال	۲۶ جولای ۱۹۶۵ از انگلستان
روز ملی	۲۶ جولای ۱۹۶۵
نوع حکومت	جمهوری بایک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس‌جمهور: مامون عبدالقیوم از سال ۱۹۷۸
رئیس دولت	رئیس‌جمهور: مامون عبدالقیوم از سال ۱۹۷۸
مساحت (چندمین کشور جهان)	۳۰۰ کیلومتر مربع (صد و هشتاد و هفتمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۳۶۹,۰۳۱ نفر
تراکم جمعیت	۱۰۶۷ نفر در هر کیلومتر مربع

۳۵۰ / وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده

مالزی MALASIA



زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۶۴
امید به زندگی	۷۲/۷۶ سال (آقایان ۷۰/۰۵ سال، خانمها ۷۵/۶۵ سال)
نژاد	۴۰/۵٪ مالایی، ۲۳/۷٪ چینی، ۱۱٪ بومی، ۷/۱٪ هندی، ۷/۸٪ سایر نژادها
ملیت	مالزیایی
دین	۶۰/۴٪ مسلمان، ۱۹/۲٪ بودایی، ۹/۱٪ مسیحی، ۶/۳٪ هندو، ۲/۲٪ کتفوسوس، تائووسا سیرادیان قدیمی چین، ۲/۳٪ سایر ادیان
زبان	مالایی (رسمی)، انگلیسی، چینی، تامیل
شهرهای مهم	ایپوه، کلانگ، پتالینگ جایا، جوهور باهارو
بنادر و پایانه‌ها	جوهور، بیتولو، لایوان، لاهاد داتو، لوموت
واحد پول	رینگیت
درآمد بودجه	۳۱/۶۳ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۳۷ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۳۰۸/۸ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۸/۳٪ کشاورزی، ۴۸/۱٪ صنعت، ۴۳/۶٪ خدمات
سرمایه گذاری	۱۹/۹٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۵۷/۷۷ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	قسمت شبه جزیره مالزی: الوار، روغن خرما، کاکائو، برنج، ایالات صباح: غلات، الوار، نارنگی، برنج، ایالت ساراواک: الوار، کاغذ، کائوچو
کاربری زمین	۵/۴۶٪ زمین قابل کشت، ۱۷/۵۴٪ کشت دائمی، ۷۷٪ سایر موارد
منابع معدنی	قلع، نفت خام، الوار، مس، سنگ آهن، گاز طبیعی، بوکسیت
تولیدات صنعتی	قسمت شبه جزیره مالزی: تولید و فرآوری کائوچو و روغن، خرما، استخراج و ذوب قلع، درخت بری و الوار سازی، تهیه الوار، ایالت صباح: درخت بری و الوار سازی، محصولات نفتی ایالت ساراواک: فرآوری محصولات کشاورزی، پالایش نفت، درخت بری و الوار سازی
نیروی کار	۱۰/۷۳ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۱۳٪ کشاورزی، ۳۶٪ صنعت، ۵۱٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح مالزی: نیروی زمینی مالزی، نیروی دریایی سلطنتی مالزی، نیروی هوایی سلطنتی مالزی
صادرات	تجهیزات الکترونیکی، گاز طبیعی، آبگینه، چوب و تولیدات چوبی، روغن خرما، کائوچو، منسوجات، مواد شیمیایی
ویژگی خانوار	۲۲/۶۵ تولد، ۵/۰۵ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۴۱
تعداد دانشجویان	۴۲،۱۷۴ نفر
ارتباطات و رسانه	۴۴۱ ایستگاه رادیویی، ۸۸ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	مالزی
اسامی دیگر	مالزی، فدراسیون مالیا
پایتخت	کوالالامپور
تاریخ استقلال	۳۱ آگوست ۱۹۵۷ از انگلستان
روز ملی	۳۱ آگوست ۱۹۵۷
نوع حکومت	مشروطه سلطنتی فدرال با دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	شاه شاهان: سلطان میزان زین العابدین از سال ۲۰۰۶
رئیس دولت	نخست وزیر: عبدالله بن احمد بدای از سال ۲۰۰۳
مساحت (چندمین کشور جهان)	۳۳۹،۷۵۰ کیلومتر مربع (نهمین و پنجمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۲۴،۸۲۱،۲۸۶ نفر
تراکم جمعیت	۷۴/۴ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۱۵۹٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۳۳،۵۵۳،۴۱۴ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۵۱

۲/۶۸۱٪	رشد جمعیت
۱۸,۳۶۵,۸۸۹ نفر	پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)
سال ۲۰۴۴	زمان ۲ برابر شدن جمعیت
۴۹/۵۱ سال (آقایان ۴۷/۶۰ سال، خانمها، ۵۱/۴۶ سال)	امید به زندگی
۵۰٪ ماندا (بامبارا، مالیبنکه، سنوفو)، ۱۷٪ بول، ۱۳٪ ولتایی، ۶٪ سونفایی، ۱۰٪ توارق و مور، ۵٪ سایر نژادها	نژاد
مالیایی	ملیت
۹۰٪ مسلمان، ۹٪ مسیحی، عقاید سنتی	دین
فرانسه، (رسمی)، بامبارا	زبان
سیکاسو، سگو، موپتی، گائو	شهرهای مهم
کولیکورو	بنادر و پایانه‌ها
فرانک سی اف آ	واحد پول
۷۶۴ میلیون دلار	درآمد بودجه
۸۲۸ میلیون دلار	هزینه بودجه
۱۴/۵۹ میلیون دلار	تولید ناخالص ملی
۴۵٪ کشاورزی، ۱۷٪ صنعت، ۳۸٪ خدمات	منشاء تولید ناخالص ملی
۱۸۰ میلیون دلار	سرمایه‌گذاری
۲/۸ میلیارد دلار	بدهی خارجی
پنبه، برزن، برنج، غلات، سبزیجات، بادام زمینی	محصولات عمده کشاورزی
۳/۷۶٪ زمین قابل کشت، ۰/۰۳٪ کشت دائمی، ۹۶/۲۱٪ سایر موارد	کاربری زمین
طلا، فسفات، کائولین، نمک، سنگ آهک، اورانیوم، سنگ گچ، سنگ خارا، نیروی برق آبی	منابع معدنی
فرآوری مواد غذایی، مصالح ساختمانی، استخراج فسفات و طلا	تولیدات صنعتی
۳/۹۳ میلیون نفر	نیروی کار
۸۰٪ کشاورزی، ۲۰٪ صنعت و خدمات	توزیع نیروی کار
نیروهای مسلح ملی: نیروی زمینی و هوایی جمهوری ملی، گارد ملی	نیروی دفاعی
پنبه، طلا، چارپایان اهلی	صادرات
۴۹/۶۱ تونل، ۱۶/۵۱ مرگ	ویژگی خانوار
۲	تعداد مراکز آموزش عالی
۱۸,۶۶۲ نفر	تعداد دانشجویان
۳۰ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی	ارتباطات و رسانه

جمهوری مالی Republic of MALI



ریابلیک د مالی	نام محلی
مالی، سودان فرانسه، جمهوری سودانی	اسامی دیگر
باماگو	پایتخت
۲۲ سپتامبر ۱۹۶۰ از فرانسه	تاریخ استقلال
۲۲ سپتامبر ۱۹۶۰	روز ملی
جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری	نوع حکومت
رئیس جمهور: آمادو تومانی توره از سال ۲۰۰۳	رئیس حکومت
نخست‌وزیر: مودیو سیدییه از سال ۲۰۰۷	رئیس دولت
۱/۲۴ میلیون کیلومتر مربع (بیست و سومین کشور جهان)	مساحت (چندمین کشور جهان)
۱۱,۹۵۵,۴۰۲ نفر	جمعیت (سال ۲۰۰۷)
۱۰/۵ نفر در هر کیلومتر مربع	تراکم جمعیت

پادشاهی مراکش Kingdom of MOROCCO



پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۴۴۰,۰۷۳,۳۶۸ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۷۲
امید به زندگی	۷۱/۲۲ سال (آقایان ۶۸/۸۸ سال، خانم‌ها ۷۳/۶۷ سال)
نژاد	۹۹/۱٪ عرب - بربر، ۰/۲٪ یهودی، ۰/۷٪ سایر نژادها
مذهب	مراکشی
دین	۹۸/۷٪ مسلمان، ۱/۱٪ مسیحی، ۰/۲٪ یهودی
زبان	عربی (رسمی)، لهجه‌های بربری، فرانسه
شهرهای مهم	دارالبیضا (کازابلانکا)، فاس، مراکش، طنجه، اغادیر
بنادر و پایانه‌ها	اغادیر، کازابلانکا، صافی، تنگیر
واحد پول	درهم مغرب
درآمد بودجه	۱۵/۸۵ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۲۰/۳۹ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۱۴۷ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۳/۳٪ کشاورزی، ۳۱/۲٪ صنعت، ۵۵/۵٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۲۱/۷٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۱۷/۹ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	جو، گندم، مرکبات، سبزیجات، زیتون
کاربری زمین	۱۹٪ زمین قابل کشت، ۲٪ کشت دائمی، ۷۹٪ سایر موارد
منابع معدنی	فسفات، سنگ آهن، منگنز، ماهی، نمک، سرب، روی
تولیدات صنعتی	استخراج و آماده‌کردن سنگ فسفات، فرآوری موادغذایی، کالاهای چرمی، منسوجات
نیروی کار	۱۱/۲۵ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۴۰٪ کشاورزی، ۱۵٪ صنعت، ۴۵٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح سلطنتی؛ ارتش سلطنتی مراکش، (شامل پدافند هوایی)، نیروی دریایی (شامل تفنگداران دریایی)، نیروی هوایی سلطنتی مراکش، پوشاک، ماهی، مواد شیمیایی غیرآلی، ترانزیستور، کود، فرآورده‌های نفتی، میوه‌جات، سبزیجات
ویژگی خانواده	۲۱/۶۴ تولد، ۵/۵۴ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۶۸
تعداد دانشجویان	۲۶۶,۵۰۷ نفر
ارتباطات و رسانه	۵۸ ایستگاه رادیویی، ۳۵ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	المملكة المغربية
اسامی دیگر	مراکش، المغرب، مغرب
پایتخت	رباط
تاریخ استقلال	۲ مارس ۱۹۵۶ از فرانسه و اسپانیا
روز ملی	۳۰ جولای ۱۹۹۹
نوع حکومت	مشروطه سلطنتی با دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	پادشاه؛ ملک محمد ششم از سال ۱۹۹۹
رئیس دولت	نخست‌وزیر؛ عباس ال فاسی از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۴۴۶,۵۵۰ کیلومتر مربع (پنجاه و چهارمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۳۳,۷۵۷,۱۷۵ نفر
تراکم جمعیت	۴۲/۱ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۵۲۸٪

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۵۳

پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱۰۷,۹۸۶,۳۵۵ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۶۵
امید به زندگی	۷۱/۵۷ سال (آقایان ۷۴/۰۴ سال، خانمها ۶۹/۲۴ سال)
نژاد	۹۸٪ مصری، ۱٪ بربر، نوین و بجای، ۱٪ یونانی، ارمنی و سایر نژادهای اروپایی
ملیت	مصری
دین	۹۰٪ مسلمان (اکثريت سني)، ۹٪ قبطي، ۱٪ مسيحي
زبان	عربي (رسمي)، انگليسي و فرانسوي
شهرهای مهم	اسكندريه، جيزه، شبراخيمه، پرت سعيد، سوئز
نادر و پايانه ها	الاسكندريه، دومياط، سوئز، زيت، پرت سعيد
واحد پول	ليره مصر
درآمد بودجه	۲۱/۳۲ ميليارد دلار
هزینه بودجه	۳۱/۸۳ ميليارد دلار
توليد ناخالص ملي	۳۲۸/۱ ميليارد دلار
منشاء توليد ناخالص ملي	۱۴/۷٪ کشاورزي، ۳۵/۵٪ صنعت، ۴۹/۸٪ خدمات
سرمایه گذاری	۱۹/۲٪ از توليد ناخالص ملي
بدهی خارجی	۲۹/۵۹ ميليارد دلار
محصولات عمده کشاورزي	پنبه، برنج، ذرت، گندم، لوبيا، سبزیجات، میوه جات
گابری زمین	۲/۹۲٪ زمین قابل کشت، ۰/۵٪ کشت دائمی، ۹۶/۵۸٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت خام، گاز طبیعی، سنگ آهن، فسفات، منگنز، سنگ آهک، سنگ گچ، پنبه
توليدات صنعتی	منسوجات، فراوری مواد غذایی، جهانگردی، مواد شیمیایی، هیدروکربن، سیمان، مصالح ساختمانی
نیروی کار	۲۱/۸ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۳۲٪ کشاورزی، ۱۷٪ صنعت، ۵۱٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی، فرماندهی، پدافند هوایی
صادرات	نفت خام و فراورده های نفتی، پنبه، منسوجات، مواد شیمیایی
وزنی خانوار	۲۲/۵۳ تولد، ۵/۱۱ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۳۵۶
تعداد دانشجویان	۱,۳۱۶,۴۹۱ نفر
ارتباطات و رسانه	۵۹ ایستگاه رادیویی، ۹۸ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری عربی مصر Arab Republic of EGYPT



نام محلی	جمهوریة مصر العربیة
اسامی دیگر	مصر، جمهوری متحد عرب
پایتخت	قاهره
تاریخ استقلال	۲۸ فوریه ۱۹۹۳ از انگلستان
روز ملی	۲۳ جولای ۱۹۵۲
نوع حکومت	جمهوری با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: محمد حسنی مبارک از سال ۱۹۸۱
رئیس دولت	نخست وزیر: احمد محمد نظیف از سال ۲۰۰۴
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱,۰۰۱,۴۵۰ کیلومتر مربع (بیست و نهمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۸۰,۳۳۵,۰۳۶ نفر
تراکم جمعیت	۶۸/۵ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۷۲۱٪

جمهوری اسلامی موریتانی Islamic Republic of MAURITANIA



تراکم جمعیت	۲/۸ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۸۶۷٪
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۵,۱۴۵,۱۳۰ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۲
امید به زندگی	۵۳/۵۱ سال (آقایان ۵۱/۲۴ سال، خانم‌ها ۵۵/۸۵ سال)
نژاد	۷۰٪ قبیله مور، ۳۰٪ سیاه‌پوست آفریقایی
مذهب	موریتانیایی
دین	۱۰۰٪ مسلمان
زبان	عربی (رسمی)، فرانسوی، فولانی، سونینکه
شهرهای مهم	نواذیبو کیفار، روسو، کان‌دی
بنادر و پایانه‌ها	نواکشوت، نواذیبو
واحد پول	وگیه
درآمد بودجه	۴۲۱ میلیون دلار
هزینه بودجه	۳۷۸ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۸/۳۹۷ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۵٪ کشاورزی، ۲۹٪ صنعت، ۴۶٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۳۰۰ میلیون دلار
بدهی خارجی	۲/۵ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	خرما، ذرت خوشه‌ای، ارزن، برنج، ذرت
کاربری زمین	۲٪/ زمین قابل کشت، ۱۰٪/ کشت دائمی، ۹۹/۷۹٪ سایر موارد
منابع معدنی	سنگ آهن، مس، سنگ گچ، فسفات، الماس، طلا، روغن، ماهی
تولیدات صنعتی	فرآوری ماهی، استخراج سنگ آهن و سنگ گچ
نیروی کار	۷۸۶,۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۵۰٪ کشاورزی، ۱۰٪ صنعت، ۴۰٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح موریتانی: نیروی زمینی، دریایی (تفنگدار دریایی موریتانی شامل: پیاده دریایی)، نیروی هوایی
صادرات	سنگ آهن، ماهی و فرآورده‌های ماهی، طلا
ویژگی خانوار	۴۰/۵۶ تولد، ۱۱/۸۹ مرگ
تعداد مراکز آموزشی عالی	۱۰
تعداد دانشجویان	۱۲,۹۱۲ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۶ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	الجمهورية اسلامیة الموریتانیة
اسامی دیگر	موریتانی، موریتانیا
پایتخت	نواک شوت
تاریخ استقلال	۲۸ نوامبر ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	۲۸ نوامبر ۱۹۶۰
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: شیخ عبداللهی از سال ۲۰۰۷
رئیس دولت	نخست‌وزیر: زینه ولد زیدانه از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱,۰۳۰,۷۰۰ کیلومتر مربع (بیست و هشتمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۳,۲۷۰,۰۶۵ نفر

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۵۵

زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۶۳
امید به زندگی	۴۰/۹ سال (آقایان ۴۱/۴ سال، خانمها ۴۰/۴ سال)
نژاد	۹۹/۶۶٪ آفریقایی (ماکوانا، تسونگا، ماکوا، شونا)، ۰/۶٪ اروپایی، ۰/۲٪ آفریقایی-اروپایی، ۰/۸٪ هندی
مذهب	موزامبیک
دین	۲۳/۸٪ کاتولیک، ۱۷/۸٪ مسلمان، ۱۷/۵٪ مسیحی صهیونیست، ۱۷/۸٪ سایر ادیان، ۲۳/۱٪ نامشخص
زبان	پرتغالی، یانتو، سواحلی
شهرهای مهم	ماتوللا، بیرا، نامپولا
بنادر و پایانه ها	بیرا، مایوتو، ناکالا
واحد پول	منیکال
درآمد بودجه	۱/۳۹۱ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۱/۸۲۳ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۲۹/۳۲ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۲۱/۱٪ کشاورزی، ۳۰/۹٪ صنعت، ۴۸٪ خدمات
سرمایه گذاری	۱۲/۵٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۲/۳۹۳ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	پنبه، میوه ی درخت بلادر، نیشکر، نشاسته، ذرت، نارگیل، چای، سیسیل، مرکبات و میوه جات نواحی گرمسیری
کاربری زمین	۵/۴۳٪ زمین قابل کشت، ۰/۲۹٪ کشت دائمی، ۹۴/۲۸٪ سایر موارد
منابع معدنی	زغال سنگ، تانتیوم، گاز طبیعی، نیروی برق - آبی، تانتال، گرافیت
تولیدات صنعتی	مواد غذایی، انواع نوشیدنی، کود، صابون، آلومینیوم، فرآورده های نفتی، منسوجات، سیمان، تنباکو
نیروی کار	۴/۹ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۸۱٪ کشاورزی، ۶٪ صنعت، ۱۳٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروی دفاعی مسلح موزامبیک: نیروی زمینی موزامبیک، نیروی دریایی موزامبیک، نیروی هوایی موزامبیک
صادرات	میگو، آلومینیوم، پنبه، شکر، مرکبات، الوار
ویژگی خانوار	۳۸/۵۴ تولد، ۲۰/۵۱ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱۸
تعداد دانشجویان	۹,۳۱۴ نفر
ارتباطات و رسانه	۴۱ ایستگاه رادیویی، ۱ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری موزامبیک

Republic of MOZAMBIQUE



نام محلی	جمهوری موزامبیک
اسامی دیگر	موزامبیک، آفریقای شرقی پرتغال
پایتخت	مایوتو
تاریخ استقلال	۲۵ ژوئن ۱۹۷۵ از پرتغال
روز ملی	۲۵ ژوئن ۱۹۷۵
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: آرماندو گیزا از سال ۲۰۰۵
رئیس دولت	نخست وزیر: خاتم لوتیزا دیوگو از سال ۲۰۰۴
مساحت (چندین کشور جهان)	۸۰۱,۵۹۰ کیلومتر مربع (سی و چهارمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۲۰,۹۰۵,۵۸۵ نفر
تراکم جمعیت	۲۲/۶ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۱/۸۰۳٪
پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۸,۴۴۴,۱۳۹ نفر

جمهوری نیجر Republic of NIGER



پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۲۰۳۶۸,۷۲۹ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۲
امید به زندگی	۴۴/۰۳ سال (آقایان ۴۴/۰۵ سال، خانم‌ها ۴۴ سال)
نژاد	۲۶٪ قبایل جرما - سونگای، ۱۵٪ تاواراوا، ۱۱٪ فولانی، ۷٪ هوسا، ۴۱٪ سایر نژادها
ملیت	نیجری
دین	۸۰٪ مسلمان، ۲۰٪ سایر ادیان
زبان	فرانسوی (رسمی)، هوسا، فولانی
شهرهای مهم	زیندر، مرادی، آگادس، ناهوا
بنادر و پایانه‌ها	فاقد بندر می‌باشد
واحد پول	فرانک سی اف آ
درآمد بودجه	۳۲۰ میلیون دلار
هزینه بودجه	۳۲۰ میلیون دلار
تولید ناخالص ملی	۱۲/۲۳ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۳۹٪ کشاورزی، ۱۷٪ صنعت، ۴۴٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۹ میلیون دلار
بدهی خارجی	۲/۱ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	لوبیای چشم بلبلی، بادام زمینی، ینه، ارزن، سورگوم، شاسته، برنج
کاربری زمین	۱۱/۴۳٪ زمین قابل کشت، ۰/۱٪ کشت دائمی، ۸۸/۵۶٪ سایر موارد
منابع معدنی	اورانیوم، زغال‌سنگ، سنگ آهن، قلع، فسفات، طلا، سنگ گچ، نمک، نفت خام، مولیبدن
تولیدات صنعتی	استخراج اورانیوم، سیمان، آجر، صابون، منسوجات، فرآوری مواد غذایی، مواد شیمیایی
نیروی کار	۷۰۰۰۰ نفر
توزیع نیروی کار	۹۰٪ کشاورزی، ۶٪ صنعت، ۴٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح نیجر: نیروی زمینی و نیروی هوایی نیجر
صادرات	سنگ اورانیوم، چهارپایان اهلی، لوبیای چشم بلبلی، پیاز
ویژگی‌های خانوار	۱۶/۵۰ - تولد، ۲۰/۵۹ - مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۴۹
تعداد دانشجویان	۱۸/۴۰۹ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۵ ایستگاه رادیویی، ۳ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	جمهوری نیجر
اسامی دیگر	نیجر
پایتخت	نیامی
تاریخ استقلال	۳ اگوست ۱۹۶۰ از فرانسه
روز ملی	۱۸ دسامبر ۱۹۵۸
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس‌جمهور: مامادو تانجا از سال ۲۰۰۰
رئیس دولت	رئیس‌جمهور: زینی و مارو، از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۱/۲۶۷ میلیون کیلومتر مربع (بیست و یکمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۲,۸۹۴,۸۶۵ نفر
تراکم جمعیت	۹/۴ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۸۹۸٪

ضمیمه ی ج - اطلاعات پایه ی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی / ۳۵۷

پیش بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۱۹۹,۳۷۸,۹۹۲ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۴۹
امید به زندگی	۴۷/۴۴ سال (آقایان ۴۶/۸۳ سال، خانمها ۴۸/۰۷ سال)
نژاد	۱۷/۵٪ یورویا، ۱۷/۲٪ هوسا، ۱۳/۳٪ ایبو، ۱۰/۷٪ فولانی، ۴۱/۳٪ سایر نژادها
ملیت	نیجریه ای
دین	۵۰٪ مسلمان، ۴۰٪ مسیحی، ۱۰٪ عقاید سنتی
زبان	انگلیسی (رسمی)، هوسا، یورویا، ایبو، فولانی
شهرهای مهم	لاگوس، کانو، ایبادان، کادونا، نین سنی
بنادر و پایانه ها	پورت هارکرت، بونی، لاگوس
واحد پول	نایرا
درآمد بودجه	۱۷/۸۶ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۱۹/۰۵ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۱۸۸/۵ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۷/۳٪ کشاورزی، ۵۳/۲٪ صنعت، ۲۹/۵٪ خدمات
سرمایه گذاری	۲۶/۴٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۶/۳۷۸ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	کاکائو، بادام زمینی، روغن خرما، ذرت، برنج، سورگوم، ارزن، نشاسته، سیب زمینی هندی، الوار
کاربری زمین	۳۳/۰۲٪ زمین قابل کشت، ۳/۱۴٪ کشت دائمی، ۶۳/۸۴٪ سایر موارد
منابع معدنی	گاز طبیعی، نفت، قلع، سنگ آهن، زغال سنگ، قلع روی
تولیدات صنعتی	نفت خام، زغال سنگ، قلع، روغن خرما، بادام زمینی، پنبه، چوب، منسوجات، سیمان، مصالح ساختمانی
نیروی کار	۴۸/۹۹ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	۷۰٪ کشاورزی، ۱۰٪ صنعت، ۲۰٪ خدمات
نیروی دفاعی	نیروهای مسلح نیجریه: نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی
صادرات	۹۵٪ نفت و فرآورده های نفتی، ۵٪ کاکائو و الوار
ویژگی خانواده	۲۰/۲٪ تولد، ۱۶/۶٪ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۱۳۳ نفر
تعداد دانشجویان	۳۸۳,۴۸۸ نفر
ارتباطات و رسانه	۱۳۰ ایستگاه رادیویی، ۳ ایستگاه تلویزیونی

جمهوری فدرال نیجریه Federal Republic of NIGERIA



نام محلی	
اسامی دیگر	نیجریه
پایتخت	آبوجا
تاریخ استقلال	اول اکتبر ۱۹۶۰ از انگلستان
روز ملی	اول اکتبر ۱۹۶۰
نوع حکومت	جمهوری فدرال با دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: اوماروموسی یار آدو از سال ۲۰۰۷
رئیس دولت	رئیس جمهور: اوماروموسی یار آدو از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۹۳۳,۷۶۸ کیلومتر مربع (سی و یکمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۱۳۵,۰۳۱,۱۶۴ نفر
تراکم جمعیت	۱۳۴/۲ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۳۷۹٪

جمهوری یمن Republic of YAMEN



تواکم جمعیت	۳۶/۷ نفر در هر کیلومتر مربع
رشد جمعیت	۲/۳/۴۶۱
پیش‌بینی جمعیت (سال ۲۰۲۷)	۵-۱۸.۵۰۳۷ نفر
زمان ۲ برابر شدن جمعیت	سال ۲۰۳۶
امید به زندگی	۶۳.۵۲ سال (آقایان ۶۰/۶۱ سال، خانم‌ها ۶۴/۵۴ سال)
نژاد	۹۲/۲٪ عرب، ۳/۷٪ سومالی، ۱/۱٪ سیاه‌پوست، ۲/۴٪ سایر نژادها
ملیت	یمنی
دین	۹۸/۹٪ مسلمان (۶۰٪ سنی، ۴۰٪ شیعی)، ۱/۱٪ سایر ادیان
زبان	عربی
شهرهای مهم	عدن، تعز، حدیده، مکلا
بنادر و پایانه‌ها	عدن، نیشتون
واحد پول	ریال یمن
درآمد بودجه	۷/۳۱۴ میلیارد دلار
هزینه بودجه	۶/۹۸۴ میلیارد دلار
تولید ناخالص ملی	۲۰/۳۸ میلیارد دلار
منشاء تولید ناخالص ملی	۱۲/۵٪ کشاورزی، ۴۳/۸٪ صنعت، ۴۳/۷٪ خدمات
سرمایه‌گذاری	۱۵/۷٪ از تولید ناخالص ملی
بدهی خارجی	۵/۴۶۹ میلیارد دلار
محصولات عمده کشاورزی	حبوبات، میوه‌جات، سبزیجات، قات، قهوه، پنبه
کاربری زمین	۲/۹۱٪ زمین قابل کشت، ۰/۲۵٪ کشت دائمی، ۹۶/۸۴٪ سایر موارد
منابع معدنی	نفت، ماهی، نمک، سنگ مرمر، زغال‌سنگ، طلا، نیکل
تولیدات صنعتی	فرآوری نفت‌خام، پالایش نفت، کالاهای چرمی، منسوجات پشمی
نیروی کار	۵/۷۵۹ میلیون نفر
توزیع نیروی کار	بیشتر مردم در بخش کشاورزی مشغولند
نیروی دفاعی	نیروی زمینی، (شامل گارد ملی)، نیروی دریایی (شامل تفنگداران دریایی)، نیروی هوایی یمن (شامل پدافند هوایی)
صادرات	نفت‌خام، قهوه، ماهی
ویزگی خانوار	۴۲/۶۷ تولد، ۸/۰۵ مرگ
تعداد مراکز آموزش عالی	۷
تعداد دانشجویان	۱۸۴۰۰۲۲ نفر
ارتباطات و رسانه	۹ ایستگاه رادیویی، ۷ ایستگاه تلویزیونی

نام محلی	الجمهوریه الیمن
اسامی دیگر	یمن، الیمن، جمهوری عربی یمن، جمهوری دموکراتیک خلق یمن
یانتخت	صنعا
تاریخ استقلال	یمن شمالی از عثمانی؛ یمن جنوبی ۱۹۶۷ از انگلستان؛ وحدت ۱۹۹۰
روز ملی	۱۹۹۰ مه ۲۲
نوع حکومت	جمهوری چند حزبی یا دو مجلس قانونگذاری
رئیس حکومت	رئیس جمهور: علی عبدالله صالح از سال ۱۹۹۰
رئیس دولت	نخست‌وزیر: علی محمد مجاور از سال ۲۰۰۷
مساحت (چندمین کشور جهان)	۵۲۷،۹۷۰ کیلومتر مربع (چهل و هفتمین کشور جهان)
جمعیت (سال ۲۰۰۷)	۲۲،۲۳۰،۵۳۱ نفر

References

- ۱ - موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی؛ اطلس جامع گیتاشناسی ۸۷، ۸۶؛ تهران؛ ۱۳۸۶.
2. Frame, Iain. Murison, Katharine. *Regional Survey of the World: Africa South of the Sahara*. 53rd Edition. 2005. Europa Publication. Taylor & Group. London and New York.
3. Gladman, Imogen. *Regional Survey of the World: Eastern Europe, Russia and Central Asia*. 4th Edition. 2004. Europa Publication. Taylor & Group. London and New York.
4. Daniel, Laynn. *Regional Survey of the World: The Far East and Austrasia*. 35th Edition. 2004. Europa Publication. Taylor & Group. London and New York.
5. Dean, Lucy. *Regional Survey of the World: The Middle East and North Africa*. 52nd Edition. 2006. Europa Publication. Taylor & Group. London and New York.
6. Dean, Lucy. *Regional Survey of the World: The Middle East and North Africa*. 53rd Edition. 2007. Europa Publication. Taylor & Group. London and
7. www.sesrtcic.org/index.php (Statistical, Economical and Social Research and Training Centre For Islamic Countries)
8. www.hec.gov (Higher Education Commission)
9. www.oic-oci.org
10. www.wikipedia.org
11. www.4icu.org/sr/
12. www.imf.org (International Monetary Fund)
13. www.unesco.org (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization)
14. www.fao.org (Food and Agriculture Organization of the United Nations)
15. www.ilo.org (International Labour Organization)
16. www.sci.org.ir (مرکز آمار ایران)
17. www.gov/publications/factbook/country studies
- 18 - www.bartleby.com/151/fields/58.html world factbook 2008

منابع

الف) فارسی

- ۱ - آیت الله سید علی خامنه‌ای؛ «سخنرانی افتتاحیه»؛ مجموعه سخنرانی‌های سومین کنفرانس وحدت اسلامی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۶۸.
- ۲ - ابراهیمی‌فر، طاهره؛ «بررسی علل واگرایی در منطقه خلیج فارس»؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال سیزدهم؛ شماره‌ی ۲؛ تابستان ۱۳۷۸.
- ۳ - ابوالحسنی، صالح؛ «قزاقستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۶.
- ۴ - احتشامی، انوشیروان؛ «بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی»؛ فصلنامه‌ی علوم سیاسی؛ شماره‌ی ۱۸.
- ۵ - احمدی، کورش؛ «سازمان کنفرانس اسلامی در شرایط جدید بین‌المللی»؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره‌ی ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.
- ۶ - ازغندی، علیرضا؛ «نظام بین‌الملل؛ بازدارندگی و همپایگی استراتژیک»؛ تهران: نشر قومس؛ ۱۳۷۰.
- ۷ - اسدی‌کیا، بهناز؛ «آذربایجان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۵.
- ۸ - اطلس‌گیتاشناسی کشورها؛ موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی؛ تابستان ۱۳۷۷.
- ۹ - افتخاری، اصغر؛ «منطق معادلات / امنیت ملی»؛ فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی؛ ۱۳۸۰؛ شماره‌ی ۱۴.
- ۱۰ - امیر شاهی، ذوالفقار؛ «موریتانی»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۴.
- ۱۱ - ایزدپناه؛ عباس؛ «مفهوم وحدت اسلامی»؛ روزنامه‌ی کیهان؛ ۱۳۶۵/۹/۱.
- ۱۲ - ایوانز، گراهام و نونام، جفری؛ «فرهنگ روابط بین‌الملل»؛ ترجمه‌ی حمیرا مشیرزاده و

- حسین شریفی؛ تهران: نشر میزان؛ ۱۳۸۱.
- ۱۳ - براون، مایکل؛ «علل وقوع درگیری‌های داخلی»؛ نشریه‌ی نگاه؛ سال دوم؛ تیر و مرداد ۱۳۸۰.
- ۱۴ - برت، نی‌نوس؛ «راهنمای تمرین خلق و پردازش چشم‌انداز سازمان»؛ ترجمه و ویرایش: محمد ازگلی؛ تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده‌پژوهی؛ ۱۳۸۵.
- ۱۵ - برچر، مایکل و تد رابرت گار؛ بحران در سیاست جهان: ظهور و سقوط بحران‌ها؛ ترجمه: فردین قریشی؛ تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی؛ جلد اول؛ ۱۳۸۲ و همچنین نگاه کنید به افتخاری، اصغر؛ خشونت و جامعه؛ تهران: نشر سفیر؛ ۱۳۷۹.
- ۱۶ - برهانی، سیدهادی؛ «منطق تشکل در سازمان کنفرانس اسلامی»؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.
- ۱۷ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت و مسئولین کشور؛ ۷۱/۰۶/۲۴ قابل دسترسی در: www.khamenei.ir
- ۱۸ - بی‌نا؛ «معانی وحدت حقیقی و وحدت مجازی چیست؟»؛ آینده‌سازان؛ شماره‌ی ۱۳۹؛ ۱۳۶۲/۱۱/۲۴.
- ۱۹ - بی‌نا؛ «منظور از وحدت اسلامی چیست»؛ روزنامه‌ی جمهوری اسلامی؛ ۱۳۶۴/۹/۵.
- ۲۰ - تبرائیان، محمد حسن؛ «استراتژی تقریب مذاهب اسلامی» (مجموعه مقالات)؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ ۱۳۸۴.
- ۲۱ - تکیه‌ای، مهدی؛ «مصر»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۵.
- ۲۲ - جعفری ولدانی، اصغر؛ «تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس»؛ تهران: نشر قومس؛ ۱۳۷۴.
- ۲۳ - جی. مارتین، لی. نور؛ «چهره جدید امنیت در خاورمیانه»؛ قدیر نه‌ری؛ تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی؛ چاپ ۱۳۸۳.
- ۲۴ - چالش‌های فرهنگی - تبلیغی و فرصت‌های پیش رو؛ همایش بین‌المللی جهان اسلام: چالش‌ها و فرصت‌ها؛ تهران: وزارت امور خارجه؛ ۱۳۸۳.
- ۲۵ - چرمی، داود؛ «ازبکستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۵.
- ۲۶ - چوخاجی‌زاده مقدم، محمد باقر؛ «مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی جغرافیای جهان اسلام»؛ تهران: دانشگاه امام حسین (ع)؛ ۱۳۷۷.
- ۲۷ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ «مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی»؛ جلد دوم؛ قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۹.
- ۲۸ - حسینی مقدم، محمد و خواجویی، محمد؛ «آینده‌نگاری فناوری بر اساس پارادایم

- آشوب‌شناسی»؛ همایش آینده‌پژوهی؛ تهران: دانشگاه/امیرکبیر؛ خرداد ۱۳۸۵.
- ۲۹ - خامنه‌ای، سید علی؛ «سخنرانی افتتاحیه»؛ مجموعه سخنرانی‌های سومین کنفرانس وحدت اسلامی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۳۰ - خمینی، سید حسن؛ «وحدت از دیدگاه امام خمینی»؛ متن سخنرانی ارائه شده در هشتمین کنفرانس وحدت اسلامی؛ قابل دسترس در: www.imam-khomeini.com
- ۳۱ - خیرخواه، کامل؛ «کاشف الغطاء؛ فریادگر وحدت اسلامی»؛ مجله‌ی مکتب اسلام؛ سال ۲۳؛ شماره‌ی ۸.
- ۳۲ - خیرخواه، کامل؛ «وحدت بر محور مکتب اسلام»؛ مجله‌ی مکتب اسلام؛ سال ۲۳؛ شماره‌ی ۳.
- ۳۳ - دانشپور، محمدجعفر؛ «ارزیابی عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی در گذشته و راه‌های آینده»؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره‌ی ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.
- ۳۴ - دایرةالمعارف فارسی مصاحب؛ جلد اول؛ تهران: مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین؛ ۱۳۴۵.
- ۳۵ - درایسدل، آلاسرایر و اچ. بلیک، جرالده؛ «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»؛ ترجمه: ذره میرحیدر؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه؛ چاپ چهارم؛ ۱۳۷۴.
- ۳۶ - دوئرتری، جیمز و فالتزگراف، رابرت؛ «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»؛ ترجمه: وحید بزرگی و علیرضا طیب؛ ج. ۲؛ تهران: نشر قومس؛ ۱۳۷۶.
- ۳۷ - دوست محمدی، هادی؛ چرا اختلاف؟ «مکتب اسلام»؛ سال ۲۴؛ شماره‌ی ۱؛ ۱۳۶۳/۱۱/۱۱.
- ۳۸ - رجایی، فرهنگ؛ «پدیده‌ی جهانی شدن»؛ ترجمه‌ی عبدالحسین آذرنگ؛ تهران: نشر آگه؛ ۱۳۸۲.
- ۳۹ - رحمان، س.م.؛ «سازمان کنفرانس اسلامی و چالش‌های آینده»؛ ترجمه: حمیرا مشیرزاده؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره‌ی ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.
- ۴۰ - روزنامه همشهری (ویژه‌نامه دیپلماتیک)؛ شماره‌ی ۲۴؛ ۱۸ مهر ۱۳۸۳.
- ۴۱ - زنجانی، عمید؛ «حقوق اساسی تطبیقی؛ حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی»؛ تهران: نشر میزان؛ ۱۳۸۴.
- ۴۲ - زنجانی، عمید؛ «فقه سیاسی: حقوق بین‌الملل اسلام»؛ جلد سوم؛ تهران: امیرکبیر؛ ۱۳۷۳.
- ۴۳ - زنگنه، صباح؛ «ابعاد همگرایی اقتصادی جهان اسلام»؛ روزنامه‌ی قدس؛ ۴ تیر ۱۳۷۹.
- ۴۴ - سنبلی، نبی؛ «جهان اسلام: آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات»؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال یازدهم؛ شماره‌ی ۳؛ پاییز ۱۳۷۶.
- ۴۵ - سیف افجه‌ای، معصومه؛ «بحرین»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۶.

- ۴۶ - سیف‌زاده، احمد؛ «نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری»؛ تهران: انتشارات سمت؛ ۱۳۷۹.
- ۴۷ - صادقی اردستانی، احمد؛ «وحدت از دیدگاه قرآن و سنت»؛ روزنامه‌ی کیهان؛ ۱۳۶۲/۱۲/۳.
- ۴۸ - صدرنائینی، عبدالرضا؛ «کانال سوئز در اقتصاد و سیاست جهانی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال اول؛ شماره ۳.
- ۴۹ - صدوقی، مرادعلی؛ «چشم‌اندازهای جهانی شدن در منطقه‌ی خاورمیانه»؛ مجله‌ی سیاست خارجی؛ سال شانزدهم؛ شماره ۱؛ بهار ۱۳۸۱.
- ۵۰ - صفوی، سید یحیی؛ «جزوه‌ی درسی جغرافیای سیاسی جهان اسلام»؛ دانشگاه شهید بهشتی؛ ۸۷-۸۶.
- ۵۱ - صفوی، سید یحیی؛ «وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده»؛ دانشگاه اصفهان؛ اصفهان: کنگره‌ی بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام؛ ۲۲-۲۰ آذر ماه ۱۳۸۵.
- ۵۲ - صنیع اجلال، مریم؛ «بررسی علل بین‌المللی شدن مسأله‌ی کردها در خاورمیانه»؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد؛ تهران: دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی؛ تابستان ۸۳.
- ۵۳ - طاقدار، حسین؛ «ساحل عاج»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ تهران؛ ۱۳۸۰.
- ۵۴ - عرب‌پور، محمود؛ «جمهوری اسلامی ایران و اتحاد سیاسی اسلام»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۵۵ - عزتی، عزت‌الله؛ «ژئوپلیتیک»؛ تهران: انتشارات سمت؛ چاپ چهارم؛ زمستان ۱۳۷۱.
- ۵۶ - علی‌آبادی، علیرضا؛ «افغانستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- ۵۷ - علی‌بابایی، غلامرضا؛ «فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاورمیانه»؛ جلد اول؛ تهران: انتشارات رسا؛ چاپ اول ۱۳۷۴.
- ۵۸ - فرازی از سخنان مقام معظم رهبری در هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۵۹ - فرجی، عبدالرضا؛ «جغرافیای کشورهای مسلمان (آموزش متوسطه عمومی)»؛ تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.
- ۶۰ - فرزین‌نیا، زیبا؛ «بنگلادش»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ تهران؛ ۱۳۷۳.
- ۶۱ - فرزین‌نیا، زیبا؛ «پاکستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۶.

- ۶۲ - فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه؛ سال دوم، شماره‌ی ۱ (بهار ۱۳۷۴).
- ۶۳ - قربانی، زین‌العابدین؛ «انگیزه‌های اختلاف و راه خلاصی از آن‌ها»؛ مکتب اسلام؛ شماره‌ی ۱۲، سال ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۹۸.
- ۶۴ - قربانی، سعید؛ «آینده‌اندیشی از منظر اسلام»؛ همایش آینده‌پژوهی، فناوری و چشم‌انداز توسعه؛ تهران: دانشگاه امیرکبیر؛ خرداد ۱۳۸۵.
- ۶۵ - قوام، عبدالعلی؛ «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»؛ تهران: انتشارات سمت؛ چاپ پنجم؛ ۱۳۷۷.
- ۶۶ - قوام، عبدالعلی؛ «روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها»؛ تهران: سمت؛ ۱۳۸۴.
- ۶۷ - کریملو، داود؛ «یمن»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۴.
- ۶۸ - کریمی، حسین؛ «ترکمنستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۵.
- ۶۹ - گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام و میهمانان شرکت‌کننده در اجلاس وحدت. قابل دسترسی در: www.khamenei.ir
- ۷۰ - گلی زواره، غلامرضا؛ «جغرافیای جهان اسلام: آشنایی با کشورهای اسلامی و قلمرو اقلیت‌های مسلمان»؛ قم: مؤسسه‌ی انتشارات امام خمینی (ره)؛ ۱۳۸۵.
- ۷۱ - گنجی، محمد حسن؛ «برداشتی جغرافیایی از جمعیت مسلمان جهان و پاره‌ای از مشخصات دموگرافیک آن»؛ سمینار جغرافیایی بین‌المللی؛ سازمان پژوهش‌های جغرافیایی آستان قدس رضوی؛ اردیبهشت ۱۳۶۵.
- ۷۲ - لاریجانی، علی؛ «بازنگری چالش‌ها و فرصت‌های جهان اسلام»؛ همایش بین‌المللی جهان اسلام، چالش‌ها و فرصت‌ها؛ تهران: وزارت امور خارجه؛ ۱۳۸۳.
- ۷۳ - مارتین، خور؛ «جهانی شدن و جنوب»؛ ترجمه: احمد ساعی؛ نشر قومس؛ ۱۳۸۳.
- ۷۴ - الماسی، محمد علی؛ «تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران»؛ تهران: انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۷۹.
- ۷۵ - المانجرا، مهدی؛ «آینده‌های دنیای اسلام»؛ ترجمه و تلخیص: سیاوش ملکی‌فر؛ تهران: اندیشکده آصف؛ ۱۳۸۴.
- ۷۶ - متولی الموتی، محمدرضا؛ «اوگاندا»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ ۱۳۷۴.
- ۷۷ - مجیدی سورکی، علی؛ «الجزایر»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ تهران؛ ۱۳۷۵.
- ۷۸ - مجیدی، محمدرضا؛ «کارکردگرایی و همگرایی جهان اسلام»؛ مقاله‌ی ارائه‌شده در مجموعه مقالات استراتژی تقریب مذاهب اسلامی؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب

- اسلام؛ ۱۳۸۹.
- ۷۹ - محور وحدت امت اسلامی و اتحاد امت اسلام از دیدگاه مقام معظم رهبری ؛ قابل دسترس در: www.khamenei.ir
- ۸۰ - مرقاتی، سید طه؛ «جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی (مجموعه مقالات)»؛ شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ ج ۲؛ مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ تهران: ۱۳۸۲.
- ۸۱ - مستوفی‌الممالک، رضابین؛ «جهان اسلام و نحوه‌ی توزیع سرزمین‌ها و جمعیت اسلامی»؛ فصلنامه‌ی علوم انسانی دانشگاه الزهراء؛ شماره ۴۳.
- ۸۲ - مشیرزاده، حمیرا؛ «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»؛ تهران: سمت؛ ۱۳۸۴.
- ۸۳ - مطهری، مرتضی؛ «الغدیر و وحدت اسلامی»؛ مجله‌ی مسجد؛ شماره‌ی ۵؛ ۱۳۷۱.
- ۸۴ - مظفری، محمد حسین؛ «مبانی عینی همبستگی اسلامی»؛ مقاله‌ی ارائه‌شده در هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلام؛ ۱۳۷۴.
- ۸۵ - مظفری، محمدرضا؛ اندونزی؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۲.
- ۸۶ - معزالدين، محمد سعید؛ «آوای وحدت»؛ گزیده مقالات فارسی هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی؛ ۱۳۷۴.
- ۸۷ - معزالدين، محمد سعید؛ «وحدت در آیین‌های مطبوعات»؛ قم: انتشارات فقه؛ ۱۳۷۶.
- ۸۸ - معظمی‌گودرزی، پروین؛ «قریزستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۷.
- ۸۹ - مقیمی، مجدل‌الدین؛ «بررسی نقش تشکلهای اقتصادی منطقه‌ای در تحولات نظام بین‌الملل (۱)»؛ بولتن وزارت امور خارجه؛ شماره‌ی ۱۰؛ آبان و آذر ۱۳۷۳.
- ۹۰ - مکارم شیرازی، آیت الله ناصر؛ «نفاق افکنی در کانون توحید»؛ مکتب اسلام؛ ۱۳۶۴/۲/۱.
- ۹۱ - مک‌لین، ایان؛ «فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد»؛ حمید احمدی؛ تهران: نشر میزان؛ ۱۳۸۱.
- ۹۲ - ملک شاه، حبیب‌اله؛ «آلبانی»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۵.
- ۹۳ - مناقبتی، محمدرضا؛ «اردن»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ ۱۳۷۵.
- ۹۴ - منتظمی، رویا؛ «تاجیکستان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۴.

- ۹۵ - موسوی، سید عبدالواحد؛ «وحدت شیعه و سنی رؤیا یا حقیقت؟» روزنامه‌ی سلام؛ ۱۳۷۳/۶/۱۱.
- ۹۶ - مولانا، حمید؛ «اتحادیه‌ی امت اسلامی: طرحی در پی آمد و ساختار جهان‌شمولی اسلام» به اهتمام سید طه مرقاتی؛ *جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی (۱)*؛ تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛ ۱۳۸۲.
- ۹۷ - نادری سمیرمی، احمد؛ «لبنان»؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۶.
- ۹۸ - نظری، علی اصغر؛ «جغرافیای ممالک اسلامی»؛ تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور ایران؛ ۱۳۷۲.
- ۹۹ - نوربخش، عبدالرحیم؛ «مشکلات جهان اسلام و نقش وحدت در رفع آن‌ها»؛ سلام؛ ۷۳/۶/۲.
- ۱۰۰ - یوسفی، محمد علی و یوسفی جویباری، محمد؛ «همگرایی در میان کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس: بررسی زمینه‌های موجود»؛ *فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه*؛ سال نهم؛ شماره ۲؛ تابستان ۱۳۸۱.

ب) انگلیسی

- ۱۰۱ - Alan Winters; 'What Can European Experience Teach Developing Countries About Integration?' *The World Economy* ۲۰؛ ۱۹۹۷.
- ۱۰۲ - Al-Salman. Mahdi H; *Islamic Regional Economic Integration: Challenges and opportunities*; Kuwait University: ۲۰۰۰.
- ۱۰۳ - Bernard Hoekman and Patrick Messerlin; "*Initial Conditions and Incentives for Arab Economic Integration: Can the European Community's Success Be Emulated?*" *the World Bank Policy Research Working Paper 2921 (October 2002)*; ۳۰.
http://wdsbeta.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/TW3P/IB/۲۰۰۲/۱۱/۲۲/۰۰۰۰۹۴۹۴۶_۰۲۱۱۰۸۰۴۰۶۴۰۸۴/Rendered/PDF/multi-page.pdf
- ۱۰۴ - *Beyond Islam Understanding the Muslim World*; University of Washington; Seattle Campus Mechanical Engineering Building; ۲۰۰۶; Available at: /www.washington.edu
- ۱۰۵ - *Beyond Islam: Understanding the Muslim*; University of Washington;

- ٢٠٠٥; Available at: www.world-affairs.org
- ١٠٦ _ Dale F. Eickelman. The Coming Transformation of the Muslim World. Middle East Review of International Affairs Vol. ٣, No. ٣ (September ١٩٩٩).
- ١٠٧ _ Deutsch, Carle; Political Community and the North Atlantic Area.
- ١٠٨ _ Dudley Woodberry; *Contextualization Among Muslims Reusing Common Pillars*; International journal of frontier mission; VOL ١٣; ١ OCT.-DEC. ١٩٩٦.
- ١٠٩ _ Edwaed Cornish; *Futuring the Exploration of Future*; Maryland: World Future Society; ٢٠٠٤.
- ١١٠ _ EIU; Country Profile Egypt; ١٩٩٣-٩٤.
- ١١١ _ EIU; Egypt Country Report; ١٩٩٢.
- ١١٢ _ Elmandjra, Mahdi; “*Future Studies: Needs, Facts and Prospects*”; Symposium on "the Future of the Islamic World"; Algiers; ٤-٧ May ١٩٩٠.
- ١١٣ _ Emilio Fontela; “*Bridging the gap between scenarios and models*”; Foresight; Vol. ٢; No.١; ٢٠٠٠.
- ١١٤ _ Fahim Khan; *Islamic Futures and their Markets*; Islamic Development Bank; ١٩٩٧.
- ١١٥ _ Fulya Celik; *Muslims at a Crossroads: alienation or integration*; Sunshine Mosque Open Day Sunday ٢٩ April; ٢٠٠٧.
- ١١٦ _ *Geopolitical and Economic Considrations of the Muslim World*; USA: Geopolitical Academy Jun ٢٥. ١٩٩٧; Available at: www.iecrcna.org
- ١١٧ _ George T. Abed; “Unfulfilled Promise: Why the Middle East and North African region has lagged in growth and globalization” *Finance and Development Quarterly Magazine of IMF* ٤٠; no.١; March ٢٠٠٣; (<http://www.imf.org/external/pubs/ft/fandd/٢٠٠٣/٠٣/abed.htm>).
- ١١٨ _ H.A.R Gibb; “*Toward Arab Unity*” *Foreign Affairs, an American Quarterly Review* ٢٤; no.٢ (١٩٤٥).
- ١١٩ _ Hass, Ernest B. *Beyond the Nation States*; Stanford: Stanford University Press; ١٩٦٤.

- ۱۲۰ _ <http://www.factbook.com>
- ۱۲۱ _ <http://www.Netcraft.com/> & HDI.
- ۱۲۲ _ Hurrell, Andrew; "Explaining the resurgence of regionalism in world politics" *Review of International Studies* ۲۱; no. ۴ (۱۹۹۵).
- ۱۲۳ _ Ian Buchanan and Andrew Tessler; The Muslim Peace project: Shaping a new Language of Co-operation; Closing the Income Gap Between Nations. World Islamic Economic Forum; May ۲۰۰۷.
- ۱۲۴ _ Islam by country; ۲۰۰۶; Available at:
http://en.wikipedia.org/wiki/Islam_by_country
- ۱۲۵ _ Islamic Development Bank; ۳۱st; *Annual Report*; ۲۰۰۵-۲۰۰۶.
- ۱۲۶ _ Islamic Development Bank; Key Socio-Economic Statistics on IDB Member Countries; Statistical Monograph No. ۲۶; ۲۰۰۶.
- ۱۲۷ _ Jamel Zarrouk; 'A Survey of Barriers to Trade and Investment in Arab Countries'; in B. Hoekman and P. Messerlin; *Harnessing Trade for Development in the Middle East and North Africa*; (New York: Council for Foreign Relations); ۲۰۰۰.
- ۱۲۸ _ James Ogilvy; *Creating Bette Futures :Scenario Planning as a Tool for a Better Tomorrow*; Oxford University Press; ۲۰۰۲.
- ۱۲۹ _ James Zogby; *Muslims & Arabs in Western Politics*; Indiana University: Thursday; September ۲۲ – Saturday; September ۲۴; ۲۰۰۵.
- ۱۳۰ _ Joan Haldane; "GCC: Moving Towards Unity in the Washington Report on Middle East affairs"; ۱۹۸۵; ۴ in URL address:
<http://www.washington-report.org/backissues/۰۲۰۴۸۵/۸۵۰۲۰۴۰۰۴.html>.
- ۱۳۱ _ Keohane R. and Nye; *Transnational Relation and World Politics*; ۱۹۷۳; xxvi (Intrudation).
- ۱۳۲ _ Kirchner. Emil J; *The European Union as a Model for Regional Integration: The Muslim World and Beyond*; Jean Monnet/Robert Schuman Paper Series; Vol.۶; No.۱; January ۲۰۰۶.
- ۱۳۳ _ Lausanne Committee for World Evangelization; *Underestanding Muslims "A New Vision, a New Heart, a Renewed Call"*; Lausanne Occasional Paper No. ۴۹ ۲۰۰۴ Forum for World Evangelization;

- Thailand, September ٢٩ to October ٥; ٢٠٠٤.
- ١٣٤ _Mahdi H. Al-Salman; Islamic Regional Economic Integration: Challenges and opportunities; Kuwait University; ١٩٩٩
- ١٣٥ _Managing. Yeoh M; (editor), Partnerships - Unlocking Economic Potential for Growth and Development in Muslim Countries; PelandukPublications; ٢٠٠٣.
- ١٣٦ _Mc Hale J. and Mc Hale; M.C. *Futures Studies: An International Survey*; Newyork: United Nations Institute for Traing and Research; ١٩٧٥.
- ١٣٧ _Mohammad Ahmed Qadri; *The Muslin World Hope the New Millennium*; ٢٠٠٠; Available at: www.iecrcna.org.
- ١٣٨ _Muslim Unity; a Political Leverage; Iran Daily December ١٤; ٢٠٠٥.
- ١٣٩ _Nye, Joseph S.; *Peace in Parts: Integration and Conflict in Regional Organization*; Boston: Little; Brown Company; ١٩٧١.
- ١٤٠ _Peter Shwartz; *The arte of the long view; Planning for the future in an uncertain world*; New New ork: Doubly / Currency ١٩٩١.
- ١٤١ _Sami Zubaida. *Muslim Societies Unity or Diversity?*; The International Institute for the Study of Islam in the Modern World (ISIM) Newsletter; October ١٩٩٨.
- ١٤٢ _Smith, Peter H. ; “Introduction; The Politics of Integration: Concepts and Themes” in *The Challenge of integration: Europe and the Americas*; edited by P. H. Smith; NewBrunswick: Transaction; ١٩٩٢.
- ١٤٣ _The Europa World; Year Book; ٤٠th Edition; London; ١٩٩٩; U.K.
- ١٤٤ _The Statistical; Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (SESRTCIC); *Statistical database ٢٠٠٦*; Available at: www.sesrtcic.org
- ١٤٥ _UNESCO Institute for Statistic; ٢٠٠٥; Available at: www.unesco.org.
- ١٤٦ _White paper asympt.te; “Scenario and strategy on the value of separation”;
http://www.opensourcescenarios.org/scenaro_separation.pdf
- ١٤٧ _William Wallace; *Regional Integration: the West European Experience*

- (Washington D.C: The Brookings Institution; ۱۹۹۴).
- ۱۴۸ _ Wilson, Ian; “*From scenario thinking to strategic action - turing intelligence into action*”;
<http://horizon.unc.edu/projects/seminars/uturizing/action.asp>
- ۱۴۹ _ World Bank; The Major Economic; Social & Trade Indicators of The Group of OIC Member countries; (۱۹۹۷-۲۰۰۲); CD-Rom ۲۰۰۳.
- ۱۵۰ _ World Bank; The Major Economic; Social & Trade Indicators; Ibid.
- ۱۵۱ _ World Factbook; Available at: [www.gov/publications/factbook/country studies](http://www.gov/publications/factbook/country_studies).
- ۱۵۲ _ World Future Society (WFS).
- ۱۵۳ _ WORLD ISLAMIC ECONOMIC FORUM; ۲۸-۲۹ May ۲۰۰۷; PWTC, Kuala Lumpur, Malaysia; pp. ۷۳-۷۴.
- ۱۵۴ _ World Trade Organizatio.
- ۱۵۵ _ Ziauddin Sardar; ‘Editor’s Introduction: Islam and the Future’; *Futures*, ۲۳ (۳), (April ۱۹۹۱).
- ۱۵۶ _ Zubair, Hasan; The New World Order; Muslim Predicament; and the way out *International*; Islamic University of Malaysia; ۲۰۰۴ Online at: [http://mpira.ub.uni-muenchen.de/۳۰۰۹/MPRA Paper No. ۳۰۰۹](http://mpira.ub.uni-muenchen.de/۳۰۰۹/MPRA_Paper_No.۳۰۰۹), posted ۳۰; April ۲۰۰۷ / ۰۷: ۳۸ and look at Organisation of the Islamic Conference, *OIC 1۰-year Action Plan*; ۲۰۰۵.

فهرست نمایه

آ.سه.آن, ۱۶۷, ۱۹۹, ۲۱۰, ۲۵۳	۹۵, ۹۹, ۱۰۴, ۱۱۶, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۳۳,
آب نیل, ۸۱	۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۹, ۳۰۲, ۳۶۴
آبخازستان, ۱۲۳	آلبانی توسک, ۹۳
آثار الحرب, ۶۷	آلبوکرک, ۱۱۴
آدریاتیک, ۵۶, ۱۲۴	آلمان, ۵۴
آذربایجان, ۶۹, ۷۰, ۷۴, ۸۹, ۹۵, ۹۷, ۹۸,	آلمانی‌ها, ۱۰۳
۱۱۶, ۱۲۹, ۱۳۳, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۹,	آلن پلوفسکی, ۱۵۳
۲۰۰, ۳۰۱, ۳۵۹	آمریکا, ۲۱, ۲۴, ۴۶, ۴۹, ۶۵, ۷۱, ۱۰۰,
آذربایجانی, ۹۵, ۳۰۱	۱۰۲, ۱۱۳, ۱۳۱, ۱۴۸, ۱۵۸, ۱۶۷,
آارات, ۷۶	۱۸۱, ۱۸۲, ۱۸۶, ۲۰۳, ۲۰۶, ۲۰۷,
آرافورا, ۷۸	۲۱۱, ۲۶۰, ۲۸۶, ۲۸۷
آرامش, ۴, ۲۸, ۶۵, ۱۴۵, ۲۲۶, ۲۵۹	آمریکای جنوبی, ۷۱, ۷۲
آریایی, ۹۲	آمریکای شمالی, ۱۹۳, ۲۳۱
آزادی بازار, ۲۴۴	آمودریا, ۷۹, ۳۰۴
آزادی عمل, ۶۷, ۶۸	آموزش کارکنان, ۲۳۰
آسیا, ۵۵, ۵۶, ۷۱, ۷۳, ۷۷, ۱۰۶, ۱۱۱,	آناتولی, ۹۱
۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۱, ۱۲۳,	آنتی تئوروس, ۷۶
۳۳۳, ۳۴۰	آوارگان فلسطینی, ۱۰۰, ۱۰۱
آسیای جنوب شرقی, ۸۸, ۱۱۷, ۲۳۱	آیت الله العظمی خامنه‌ای, ۲۰, ۲۴۰
آسیای مرکزی, ۵۶, ۷۲, ۷۳, ۷۹, ۱۰۴,	آیت الله کاشف الغطاء, ۱۱
۱۸۳	آینده, ده, ۴, ۵, ۶, ۱۱۰, ۱۱۳, ۱۹۲, ۱۹۸,
آسیای میانه, ۷۵, ۷۹, ۸۸, ۹۲, ۹۵, ۱۰۳,	۲۰۰, ۲۱۴, ۲۱۸, ۲۱۹, ۲۲۰, ۲۲۱,
۱۱۲, ۱۲۰, ۱۸۵	۲۲۲, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵, ۲۲۶, ۲۲۷,
آفریقا, ۵۵, ۵۶, ۷۱, ۷۳, ۷۵, ۷۷, ۷۹, ۸۱,	۲۲۸, ۲۳۱, ۲۳۲, ۲۴۹, ۲۵۲, ۲۵۸,
۹۱, ۹۹, ۱۰۶, ۱۰۹, ۱۱۱, ۱۱۶, ۱۱۹,	۲۶۹, ۲۷۴, ۲۸۰, ۲۸۸, ۳۶۱
۱۲۰, ۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۲۷, ۱۸۲,	آینده‌اندیشی, ده, شانزده, ۲۱۴, ۲۱۸, ۲۱۹,
۳۲۴	۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۷, ۲۲۹, ۳۶۳
آفریقای شرقی, ۷۸, ۸۸, ۹۱, ۳۵۴	آینده‌پژوهی, هفده, ۱۴۹, ۲۱۸, ۲۱۹, ۲۲۰,
آگوستین قدیس, ۱۵۵	۲۲۱, ۲۲۲, ۲۲۴, ۲۲۷, ۳۶۰, ۳۶۱,
آلبانی, ۵۶, ۶۹, ۷۴, ۷۸, ۸۵, ۸۷, ۸۹, ۹۳,	۳۶۳

- آینده‌پژوهی چشم‌انداز، ۱۴۹
 آینده‌محور، ۲۲۲
 آینده‌ها، ۲۲۰
 آینده‌ی برومند، ۲۲۷
 آینده‌ی همگرایی اقتصادی، ده، ۲۴۲
 آینده‌ی همگرایی امنیتی، یازده، ۲۶۹
 آینده‌ی همگرایی فرهنگی، ده، ۲۵۴
 آینده‌ی همگرایی مذهبی، ده، ۲۵۸
 آینیس کلود، ۱۵۹
 آیین، ۱۵۵
 اثنالف، شانزده، ۸، ۲۳، ۲۴، ۲۰۴، ۲۳۴، ۲۴۱
 ائمه‌ی شیعه (ع)، ۳۴
 ابداع، ۲۴۴، ۲۲۸
 ابردولت، ۱۷۶
 ابزارهای GIS، ۲۳۷
 ابن الاعرابی، ۱۶
 ابن خلدون، ۱۵۶
 ابن قدامه، ۶۵
 ابوالحسن میرزا قاجار، ۹
 ابوالفتوح رازی، ۱۸
 ابوبکر، ۳۶
 ابولؤلؤ، ۳۶
 ابوموسی، ۸۳
 اتحاد، پانزده، ۹، ۱۰، ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۴۳، ۴۸، ۵۴، ۱۲۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۹۱، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹
 اتحاد جماهیر شوروی، ۳۰، ۵۴
 اتحاد جهان اسلام، ۱۴۷، ۲۷۲
 اتحاد سیاسی، ۱۳، ۳۰، ۱۵۶، ۱۶۵
 اتحاد مسلمانان، ۹، ۳۴، ۳۵
 اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ۱۹۸
 اتحادیه‌های گمرکی، ۱۹۳، ۲۴۴
 اتحادیه‌ی آ.سه.آ.ن، ۱۸۵
 اتحادیه‌ی اروپا، ۲۳، ۱۴۶، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۸۳، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۳۱، ۲۳۲
 اتحادیه‌ی اقتصادی، ۲۴۲، ۲۵۳
 اتحادیه‌ی اقتصادی کشورهای غرب آفریقا، ۲۴۳
 اتحادیه‌ی عرب، ۱۸۴، ۱۹۸، ۲۱۰
 اتحادیه‌ی کشورهای اسلامی، ۱۳، ۱۴، ۵۸، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۲
 اتحادیه‌ی مغرب عربی، ۱۹۹
 اتیوپی، ۶۹، ۹۱، ۱۰۴، ۱۰۷، ۲۰۱
 اجتماع امنیتی، نه، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷
 اجتماع امنیتی ادغام‌شده، ۱۷۶، ۱۷۷
 اجتماع امنیتی کثرت‌گرا، ۱۷۶، ۱۷۷
 اجتماع امنیتی و هویت مشترک، نه، ۱۶۸، ۱۷۴
 اجلاس ششم کنفرانس سران، ۲۴۲
 اجلاس لاهور، ۱۹۲
 اجماع نظر، ۲۳، ۱۴۶، ۱۵۱، ۲۴۰، ۲۷۰، ۲۷۳
 احکام اسلام، ۲۴، ۵۴، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸
 احکام اسلامی، ۲۴، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵

ارتجاعی، ۴۷، ۲۶۳	۶۸، ۶۶
اردن، ۴۷، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۸۹، ۹۵،	احمد حسن الباقوری، ۴۲
۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۳۳،	احمدی‌نژاد، ۲۱۲
۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۲۰۴، ۲۸۶، ۳۰۳،	احمدیه، ۹۹
۳۶۴	احیاء میراث گذشته، ۲۴۸
ارزش‌ها، پانزده، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۶۸، ۲۲۰،	اختلاف سطوح توسعه‌ی اقتصادی و
۲۹۳، ۲۵۴، ۲۲۹	درآمدی، ۲۱۴
ارسطو، ۱۵۵	اختلاف سیاسی، ۲۱۳
ارمنستان، ۱۹۷	اختلاف فرهنگی، ۲۱۳
ارنست هاس، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۶۳	اختلاف قومی، ۲۱۳
اروپا، ۳۸، ۳۹، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۷۳، ۱۰۰،	اختلافات ارضی، نه، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲
۱۱۶، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴،	اختلافات مرزی، ۲۰۱
۱۶۹، ۱۷۸، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۶۰، ۲۸۳،	اختلاف‌ها، ۹، ۴۳، ۲۶۱، ۲۷۰، ۲۸۰
اروپای غربی، ۸۱، ۱۵۶، ۱۶۵	اخلاق‌محوری، ۲۵۷
اروندرو، ۸۰، ۲۰۱	ادعاهای مرزی، ۴۳
اریتره، ۶۹، ۷۰، ۱۰۷	ادغام در اقتصاد جهانی، ۲۴۹، ۲۵۲
ازبک، ۹۲، ۹۵، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۷، ۳۱۸،	اراده‌ی سیاسی، ۲۴۴
۳۳۶، ۳۳۵	اراده‌ی همگرایی، ۲۶۳
ازبکستان، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۸۹، ۹۲،	اراده‌ی همگن، ۱۵۱
۹۵، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۵،	ارارسه، ۳۷
۱۳۶، ۱۳۹، ۳۰۴، ۳۶۰	ارتباطات، پانزده، ۱۳، ۲۸، ۲۹، ۱۲۳، ۱۲۶،
ازبکی، ۹۵، ۳۰۴، ۳۱۸	۱۴۸، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۲،
ازمیر، ۸۴، ۳۱۹	۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۶، ۲۳۰،
اسپانیا، ۳۷، ۱۹۱، ۳۵۱	۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۶۸، ۳۰۱، ۳۰۲،
اسپایکمن، ۱۱۴	۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸،
استانداردهای بین‌المللی، ۲۴۴	۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴،
استرالیا، ۴۸، ۱۰۱	۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰،
استعمار، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹،	۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶،
۱۸۹، ۲۴۸، ۲۵۸، ۲۸۴، ۳۶۴	۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰ و ...
استقلال عمل، ۱۴۷	ارتباطات اقتصادی، ۱۶۷، ۱۸۳
اسحاق بن عمار، ۶۲	ارتباطات انسانی، ۲۹

- افراطی‌گری، ۲۶۲
 افراطی‌گری‌های خشک، ۲۶۳
 افزایش پیچیدگی، ۲۲۹
 افزایش جدی جمعیت، ۲۴۶
 افزایش جمعیت، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۶۶، ۲۳۰
 افزایش نقش فرهنگ، ۲۲۹
 افغانستان، ۶۴، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۸۰، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۵، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۸۱، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۶، ۳۰۵، ۳۶۲
 افلاطون، ۱۵۵
 اقتدار سیاسی، ۲۹، ۲۸۸
 اقتصاد جهانی جدید، ۲۴۹
 اقتصاد داخلی، ۲۵۳
 اقتصادی، نه، ۷، ۱۴، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۹، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۶۰، ۶۸، ۹۳، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰ و ...
 اقلیت، ۵۵، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۲۱، ۲۵۶
 اقلیت‌های مذهبی، ۱۰
 اقیانوس آرام، ۷۱، ۱۹۱
 اقیانوس اطلس، ۳، ۵۵، ۷۱، ۷۳، ۸۱، ۸۲، ۱۰۵، ۱۹۱، ۲۸۳
 اقیانوس کبیر، ۱۰۵
 اقیانوس هند، ۳، ۵۶، ۷۳، ۸۱، ۸۳، ۱۰۵
- اسرائیل، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۸۲، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۸۱، ۲۰۶
 اسکاتلند، ۱۷۹
 اسکندرون، ۸۱
 اسکندریه، ۶۴، ۳۵۲
 اسلام، هفت، هشت، ده، پانزده، شانزده، هفده، ۳، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۹۲، ۹۴، ۹۷، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۱ و ...
 اسلام‌گرایی، ۲۶۰
 اسماعیلیه، ۹۸، ۳۴۶
 اشاعره، ۳۸، ۴۲
 اشتراک در عقیده، ۳۱
 اشتراک عقیدتی، ۳۱
 اشرافی‌گری، ۳۶
 اشرافی‌گری نو اسلامی، ۳۶
 اشغال نظامی، ۶۱، ۱۴۸
 اصالت اسلامی، ۲۶۶
 اصحاب حدیث، ۴۰
 اصحاب رأی، ۴۰
 اصل انشعاب، ۱۶۰
 اصل تسری، ۱۶۰
 اصول اسلام، ۲۲، ۱۱۵، ۱۲۶، ۲۴۹، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۹۸
 اصول شریعت اسلامی، ۶۰
 اعلامیه‌ی بالفور، ۴۹
 افراط‌گرایی، ۲۶۲

۲۹۳، ۲۹۶، ۳۶۴، ۳۶۵
 امت اسلام، ۳، ۷، ۱۱، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۴،
 ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۵۰، ۵۵، ۶۰،
 ۲۰۸، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۶۷،
 ۲۷۱، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۸،
 ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۶۴، ۳۶۵
 امت اسلامی، ۳، ۷، ۱۱، ۱۷، ۲۲، ۲۴، ۲۵،
 ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۵۰، ۵۵، ۶۰، ۲۰۸،
 ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۸۰،
 ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۳،
 ۲۹۶، ۳۶۵
 امت واحده، هفت، ۶، ۱۵، ۱۹، ۲۱۲، ۲۶۱
 امتی واحد، ۳۱، ۱۸۰
 امنیای اتریونی، ۱۵۲
 امنیت ملی، ۲۹، ۱۶۶، ۲۴۳، ۲۷۰، ۳۱۵،
 ۳۳۴، ۳۴۱، ۳۴۸، ۳۵۹
 امنیتی و دفاعی، ۱۹۷، ۳۲۴
 اموی، ۳۷
 امویان، ۳۷، ۳۸، ۴۳
 امیرنشین، ۵۷، ۲۰۴، ۳۰۷
 انبار نفت جهانی، ۱۱۳
 انتخاب چشم‌انداز آینده، ۲۲۴
 انجمن توسعه‌ی بین‌المللی، ۲۲۹
 انحطاط اخلاقی، ۴۳
 اندلس، ۶۵، ۲۸۳
 اندونزی، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۸۳،
 ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۴، ۹۵، ۱۰۰،
 ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹،
 ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶،
 ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۶۷، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۱،
 ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۵۰، ۲۸۷، ۳۰۸

۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۹۱،
 ۲۸۳
 اکثریت، ۳۸، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۲، ۶۵، ۶۹،
 ۷۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۵،
 ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۵۷، ۲۰۰، ۲۵۶، ۳۰۴
 ۳۵۲
 اکو، ۱۶۷، ۲۱۰، ۲۴۲، ۲۵۳
 الجزائر، ۳۷، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۵،
 ۷۷، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۹۱، ۹۵، ۱۰۴، ۱۱۰،
 ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹،
 ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۶۳
 القرنه، ۸۰
 الگوی SWOT، ۲۳۷
 المغنی، ۶۵
 الْمُسُوْعَةُ الْعَرَبِيَّةُ الْمُبَسَّرَةُ، ۶۵
 امارات متحده عربی، ۶۹، ۷۰، ۸۴، ۹۷،
 ۱۰۴، ۱۲۸، ۱۴۱، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۵۰،
 ۳۰۷
 امان، ۱۰۰
 امپراتوری، ۳۰، ۳۷، ۳۸، ۴۵، ۴۹، ۱۲۳،
 ۱۷۰
 امپراتوری اسلامی، ۳۷
 امپراتوری عباسی‌ها، ۳۸
 امپراتوری عثمانی، ۴۵، ۴۹، ۱۲۳
 امپراتوری‌های بزرگ صفوی، ۱۳۱
 امت، هفت، چهارده، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۰،
 ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۵،
 ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۵۰، ۵۵، ۶۰،
 ۱۴۶، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۲۶، ۲۳۳، ۲۴۰،
 ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۷۱،
 ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۱

- ۳۶۴, ۳۴۳
اندیشه‌ی اسلامی, ۷, ۱۰
اندیشه‌ی سیاسی اسلام, ۵۸
انسجام, پانزده, شانزده, هفده, ۲۶, ۱۳۰,
۱۶۱, ۱۶۷, ۲۰۸, ۲۰۹, ۲۱۰, ۲۱۱,
۲۶۳
انسجام درونی, ۱۳۰
انطاکیه, ۳۸
انقباض زمان و فضا, ۲۲۹
انقلاب, یازده, ۲۲, ۳۹, ۱۰۳, ۱۳۱, ۱۴۵,
۱۶۶, ۲۰۵, ۲۴۰, ۲۷۹, ۲۸۲, ۳۱۰,
۳۶۳
انقلابی, ۱۷۱, ۱۷۳, ۲۰۴, ۳۴۵
انگلستان, ۳۹, ۴۵, ۴۸, ۴۹, ۱۳۳, ۲۰۱,
۳۰۳, ۳۰۵, ۳۰۷, ۳۰۹, ۳۱۲, ۳۱۶,
۳۲۶, ۳۳۰, ۳۳۱, ۳۳۲, ۳۳۷, ۳۴۰,
۳۴۲, ۳۴۳, ۳۴۸, ۳۴۹, ۳۵۲, ۳۵۶,
۳۵۷
انگلیس, ۴۸, ۴۹, ۱۴۸, ۳۲۶, ۳۲۹, ۳۳۸,
۳۴۳
انگلیسی, یازده, ۴۹, ۹۴, ۹۵, ۹۶, ۳۰۳,
۳۰۷, ۳۰۸, ۳۰۹, ۳۱۱, ۳۱۲, ۳۱۳,
۳۲۷, ۳۲۸, ۳۲۹, ۳۳۰, ۳۳۳, ۳۳۷,
۳۳۸, ۳۴۰, ۳۴۲, ۳۴۳, ۳۴۶, ۳۴۷,
۳۴۸, ۳۴۹, ۳۵۲, ۳۵۶, ۳۶۵
اهداف, ۱۱, ۲۲, ۲۳, ۲۷, ۲۸, ۴۴, ۴۵,
۱۴۶, ۱۴۷, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۵۳, ۱۶۲,
۱۷۲, ۱۹۱, ۲۰۵, ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۲,
۲۳۰, ۲۴۵, ۲۴۸, ۲۵۲, ۲۶۲, ۲۷۰,
۲۷۱, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۴
اهداف اسلامی انسانی, ۱۴۷
- اهل سنت, ۲۱, ۳۴, ۳۸, ۴۰, ۴۱, ۴۲, ۶۶,
۹۷, ۱۰۰, ۲۱۷
اهل کتاب, ۱۶, ۶۶
اوپیک, ۲۴۲
اوراکل‌ها, ۲۲۰
اورشلیم, ۴۸
اوکراینی‌ها, ۱۰۳
اوگاندا, ۷۰, ۷۲, ۷۴, ۷۹, ۸۴, ۸۵, ۸۶,
۸۷, ۸۹, ۹۳, ۹۵, ۱۳۳, ۱۳۵, ۱۳۶,
۱۳۹, ۳۰۹, ۳۶۳
ایالات متحده, ۴۵, ۸۲, ۱۷۷
ایتالیا, ۲۰۱, ۳۲۹, ۳۴۷
ایجاد سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و
فرامنطقه‌ای, نه, ۱۹۷
ایدئولوژی برون‌گرا, پانزده, ۱۳, ۱۲۶, ۲۶۸
ایده‌الیم, ۱۶۹
ایران, پانزده, ۳, ۵۵, ۶۹, ۷۰, ۷۴, ۷۶,
۷۸, ۷۹, ۸۰, ۸۱, ۸۲, ۸۴, ۸۶, ۸۸, ۸۹,
۹۱, ۹۴, ۹۵, ۹۷, ۹۸, ۱۰۲, ۱۰۴, ۱۰۶,
۱۱۲, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۰, ۱۲۸,
۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۳, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۸,
۱۳۹, ۱۴۱, ۱۴۳, ۱۴۵, ۱۴۷, ۱۴۹,
۱۹۸, ۲۰۱, ۲۰۲, ۲۰۴, ۲۰۸, ۲۱۲,
۲۵۰, ۲۶۴, ۲۸۲, ۲۸۳, ۲۸۶, ۲۸۷,
۳۱۰, ۳۱۱, ۳۵۸, ۳۶۲, ۳۶۳, ۳۶۵
ایران فارسی, ۹۴
ایرانیان, ۴۳, ۱۳۰, ۲۸۰, ۲۸۷
ایستار هابسی, ۱۵۴
ایغورها, ۹۳
ایندوس, ۸۰
باب‌المندب, ۸۳, ۱۰۶, ۱۸۳

برون مرزی، ۱۵۹	بازار مشترک اسلامی، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴
بریتانیا، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۰۷، ۴۵	۱۹۵، ۱۹۶، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۹۰
بصره، ۶۳، ۶۴، ۳۳۱	بازار مشترک عرب، ۱۸۵، ۱۹۸، ۲۴۲
بعلبک، ۸۰	بازارهای پول، ۲۴۴، ۲۴۸
بغداد، ۶۳، ۶۴، ۱۳۲، ۳۳۱	بازارهای سرمایه، ۲۴۴
بقاع، ۱۰۱	بازارهای سهام، ۲۴۴
بقای جامعه، ۱۵۶	بازی با حاصل جمع صفر، ۲۷۰
بلغارستان، ۱۲۳	بالخاش، ۷۹
بلوچ، ۹۳، ۹۵، ۳۰۵، ۳۱۰، ۳۱۶	بامیان، ۹۸، ۲۸۹
بلوک اقتصادی، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۵۳، ۲۵۴	بانک توسعه‌ی اسلامی، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۶
بلوک اقتصادی جزئی، ۲۵۳	بحر احمر، ۷۸، ۱۰۶
بلوک اقتصادی قدرتمند، ۲۵۴	بحرالمیت، ۷۹
بلوک‌های قدرت منطقه‌ای، ۱۴، ۲۶۹	بحران‌های مستمر، ۲۵۰
بندر ایلات، ۱۱۰	بحرین، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۸۹، ۹۵، ۹۷
بندر بیروت، ۱۱۰	۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۳
بندر عقبه، ۱۰۷	۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۹۹، ۲۵۰
بنگلادش، ۵۶، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۰	۳۱۱، ۳۶۱
۸۱، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۵، ۱۰۲، ۱۱۸	بدوای، ۱۰۱، ۳۴۹
۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۵	بدخشان، ۹۸
۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۳۱۳، ۳۶۲	بدعت، ۲۲۸، ۲۹۶
بنی‌امیه، ۳۷، ۴۳	برادران اسلامی، ۳۵
بنی‌عباس، ۳۷	براهماپوترا، ۸۱
بنین، ۵۴، ۵۵، ۷۴، ۸۹، ۹۵، ۱۳۳، ۱۳۵	بربر، ۹۱
۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۳۱۴، ۳۵۶	برزیل، ۸۴
بودایسم، ۲۷۳	برنثو، ۸۳
بودایی، ۳۱۲، ۳۴۹	برنامه‌ریزی فعال، ۲۱۲
بورکینافاسو، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۸۹، ۹۵	برنامه‌های اجرایی، ۲۷۴
۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۳۱۵	برهماپوترا، ۱۱۹
بوسنی، ۱۰۴، ۱۱۶، ۱۲۳، ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۸۵	برونئی، ۵۶، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۸۵، ۸۶
۲۸۹	۸۷، ۸۹، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۸
بوسنی و هرزگوین، ۱۱۶، ۱۲۳، ۲۸۵	۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۹۹، ۳۱۲

- بومی، چهارده، ۵۴، ۵۵، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۲۴۴،
 ۲۴۸، ۲۶۶، ۲۸۵، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۲۴،
 ۳۲۵، ۳۳۸، ۳۴۵، ۳۴۹
- بیابان لوت، ۷۸
 بیابان نجد، ۷۷
 بیت المقدس، ۳۸
 بیروت، ۱۰۱، ۳۴۶
 بیگانگان، ۶، ۱۲۷، ۲۱۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵،
 ۲۸۸، ۲۹۰
- بین المللی گرای، ۱۶۴، ۱۷۱
 بین المللی، ۱۴، ۱۸، ۲۳، ۲۹، ۳۵، ۴۶، ۷۵،
 ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵،
 ۹۲، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۱۶،
 ۱۲۸، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۶۰،
 ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۸،
 ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۹،
 ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۴۶، ۲۴۷،
 ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۸، ۲۶۷، ۲۷۱، ۳۵۹،
 ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵
- پادرمیانی، ۲۳۰
 پارسی، ۹۲
 پارلمانی، ۵۷
 پاکسازی قومی، ۲۰۳
 پاکستان، ۲۴، ۵۶، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۷۶،
 ۸۰، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۹۷، ۹۸،
 ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱،
 ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹،
 ۱۸۵، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۶۲
- پامیر، ۷۵، ۸۰، ۹۸
 پان عربیسم، ۴۶
 پان اسلامیسیم، ۲۰۲
- پایگاه اطلاع رسانی یونسکو، ۱۳۲
 پرتغالی، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۱۴، ۳۴۵، ۳۵۴
 پروبال گرفتن، ۱۶۰
 پروژه‌ی فروپاشی مفهومی، ۲۵۹
 پروفیسور آمیتای اتزیونی، ۱۵۷
 پروفیسور هاس، ۱۵۸
 پریم، ۸۳
 پزشکی، ۲۵۷
 پژوهش محوری، ۲۵۷
 پساین الملل، ۱۷۴
 پلورالیستی، ۱۶۲
 پنتاگون، ۲۱۹
 پنجاب، ۸۸
 پنجابی، ۹۲، ۹۵، ۳۱۶
 پویا، ۶، ۲۲۷
 پیام اسلام، ۲۲۷
 پیامبر اکرم (ص)، ۳۶، ۲۵۷
 پیشگویی، ۵، ۲۱۹
 پیمان اتحادیه‌ی عرب، ۱۹۸
 پیمان آتلانتیک شمالی، ۱۷۶
 پیوستگی ژئوپلیتیکی، ۱۲۳
 پیوند برادری، ۳۵
 پیوندگسلی برونی، ۴۵
 پیوندگسلی درونی، ۴۵
 پیرورسو، ۱۳۱
 تابعیت، ۱۰، ۱۰۳، ۱۷۴
 تاتارها، ۹۲، ۹۳
 تاجیکستان، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۸۰، ۸۷، ۸۹،
 ۹۵، ۹۸، ۱۰۵، ۱۲۰، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷،
 ۱۳۹، ۱۴۱، ۳۱۷، ۳۶۴
 تاجیکی، ۹۵، ۳۰۴، ۳۱۷

تسنن، ۱۹، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۲۷۰، ۳۰۴	تاریخ اسلام، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۴۴
تشکیل بازار مشترک اسلامی، ۱۹۳، ۲۴۲	تاریخ سیاسی، ۷، ۶۱
تشکیل بازار مشترک کشورهای اسلامی، ۲۴۱	تاسکانو، ۱۶۵
تشنج، ۲۰۶	تأسیس اتحادیه‌ی ملل جنوب شرق آسیا، ۱۹۹
تشیع، ۱۰، ۱۹، ۳۸، ۴۱، ۲۷۰	تاشکند، ۱۰۳، ۳۰۴
تعادل، ۱۶۱	تانزانیا، ۵۵
تعصب قومی، ۱۲، ۴۳	تجارت منطقه‌ای، ۲۴۴
تعصبات مذهبی، ۴۶، ۲۵۵	تجزیه، ۷، ۳۷، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۴
تفاوت درآمدی، ۱۸۸	۱۶۹، ۲۳۶، ۲۳۷
تفرقه‌ی امت اسلامی، ۴۲	تجمع فوق ملی، ۱۷۱
تقریب، ۱۱، ۲۲، ۴۴، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۱	تحمیل، ۴۶، ۶۱، ۲۰۰، ۲۹۷
۲۹۵، ۲۹۷، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۴	تذکره، ۶۵
تقسیم‌بندی قاره‌ای، ۵۶	تراز منابع مالی، ۱۸۹
تقلید کورکورانه، ۴۳	تربیت‌مداری، ۲۵۷
تقلیدی، ۶۱	ترک، ۹۳، ۹۵، ۱۰۱، ۳۱۹، ۳۴۷
تکالیف اسلام، ۱۸۰	ترکمنستان، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۹
تکنونیک، ۷۵	۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۸، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۷
تک‌محصولی، ۲۴۲	۱۳۹، ۱۴۱، ۳۱۸، ۳۶۳
تمدن، ۳، ۳۹، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۱۱۶	ترکمنی، ۹۵، ۳۱۸
۱۲۲، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۸۰، ۲۳۱، ۲۵۶	ترک‌ها، ۹۲
۲۵۹، ۲۶۱، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵	ترکی، ۹۴، ۹۵، ۲۰۲، ۳۰۵، ۳۱۰، ۳۱۹
تمدن اسلام، ۳۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۲۵۶، ۲۵۹	ترکیه، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱
۲۶۱	۸۴، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۹۵، ۱۱۰
تمدن اسلامی، ۳۹، ۱۳۰، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۱	۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۱
تمرکزگرایی جدید، ۱۷۱	۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۸۳
تنب بزرگ و کوچک، ۸۳	۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۵۰
تندرو، ۲۰۴، ۲۶۳، ۲۹۸	۲۶۴، ۳۱۹
تنگه‌های بسفر، ۱۰۵، ۱۹۱	ترکیه آلپ‌های پونتیک، ۷۶
تنگه‌های بسفر و داردانل، ۱۰۵، ۱۹۱	ترومن، ۴۹
تنگه‌ی باب‌المندب، ۸۱، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۹۱	تسامح، ۱۲

جاسوسی، ۱۷۲	تنگه‌ی بسفر، ۸۲
جاکوب، ۱۶۵	تنگه‌ی جبل الطارق، ۸۲، ۱۰۵، ۱۸۳، ۱۹۱
جامعه‌ی اقلیتی، ۲۵۵	تنگه‌ی داردانل، ۸۱
جامعه‌ی امن، ۱۷۵	تنگه‌ی مالاکا، ۸۲، ۱۰۵، ۱۸۳، ۱۹۱
جامعه‌ی ذغال و فولاد اروپا، ۱۶۳، ۳۰	تنگه‌ی موزامبیک، ۸۲
جامعه‌ی مذهبی، ۱۵۵	تنگه‌ی هرمز، ۸۲، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۸۳، ۱۹۱
جامو، ۲۰۰	تهاجم سیاسی - فرهنگی، هشت، ۴۴
جانشینی، ۳۶، ۴۰	تهامه، ۹۷
جاهلیت، ۴۳	تهدیدات، ۴۰، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰
جاوه، ۵۶، ۸۳	توافنامه‌ی اتحاد اقتصادی کشورهای عربی، ۱۸۴
جاوه‌ای، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۳۲۷	توحید، ۱۹، ۲۰، ۳۳، ۴۰، ۲۷۹، ۲۹۴، ۳۶۴
جرج گاولو، ۴۸	توریچ میر، ۷۵
جزایر، ۵۶، ۷۶، ۸۳، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۴	توزیع جغرافیایی، ۱۰۶
جزایر بوبیان، ۸۳	توسعه طلبی، ۱۷۰
جزایر مالدیو، ۵۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۴	توگو، ۷۰، ۷۴، ۸۱، ۸۹، ۹۵، ۱۳۳، ۱۳۵
جزایر مرمره، ۸۴	۱۳۷، ۱۳۹، ۳۲۰
جزیره‌ی ایرانی لارک، ۸۲	تولیدبنیان، ۲۲۹
جزیره‌ی بحرین، ۷۳، ۸۳	تونس، ۵۵، ۶۴، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۸۴
جزیره‌ی جاوه، ۷۶، ۸۳	۸۶، ۸۹، ۹۱، ۹۵، ۱۰۴، ۱۲۹، ۱۳۳
جزیره‌ی جربا، ۸۴	۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۹۹، ۲۰۴، ۳۲۱
جزیره‌ی سوماترای اندونزی، ۸۲	تیان شان، ۷۵، ۸۰
جزیره‌ی کوچک عمانی قوئین کبیر، ۸۲	تیجانیه، ۹۹، ۱۰۰
جزیره‌ی مسندام، ۸۲	تیمور، ۷۸
جغرافیا، ۱۲۵، ۱۴۸، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۱	تیون، ۱۶۵
جغرافیای انسانی، هشت، ۸۷	ثروت، ۲۲، ۸۵، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۴۶، ۱۴۷
جغرافیای سیاسی، هفده، ۵۵، ۷۴، ۸۲، ۸۷	۲۵۹، ۲۸۱، ۲۸۴
۹۱، ۱۱۱، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱	جاده‌ی ابریشم، ۱۱۰
۲۰۴، ۲۰۶، ۳۶۱، ۳۶۲	جادوگران، ۲۱۹
جغرافیای عقیدتی، ۵۵	
جلگه‌ی عظیم، ۱۱۹	

۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۸۰، ۲۸۱،

۲۸۵، ۲۸۸

جنگ جهانی اول، ۴۹، ۱۵۴، ۱۵۹

جنگ دوم جهانی، ۲۱۹

جنگ سرد، ۱۸۱، ۲۰۶

جنگ صفین، ۳۷

جنگ‌های اعراب و اسرائیل، ۲۰۳

جنگ‌های داخلی، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۲۰۳،

۲۶۶

جنوب شرق آسیا، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۸۷، ۹۳،

۱۰۰، ۱۰۴، ۱۶۷، ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۰۱

جنوب غرب آسیا، ۱۲۰، ۱۶۷

جهان اسلام، سه، پنج، هفت، هشت، ده،

پانزده، شانزده، هفده، ۷، ۱۳، ۱۴، ۱۵،

۲۲، ۲۳، ۲۴، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۴،

۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۵، ۷۰،

۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۸۱، ۸۳، ۸۷، ۸۹،

۹۰، ۹۱، ۹۵، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸،

۱۱۱، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷،

۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹،

۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۷،

۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵،

۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰ و ...

جهان سوم، ۲۲۰

جهانبینی، ۳۱، ۱۳۱

جهانی شدن، ۵۸، ۱۳۰، ۱۵۰، ۱۸۶، ۱۹۸،

۲۴۹، ۲۶۴، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳

جهانی‌ساز، ۱۷۴

جهانی‌سازی، ۷، ۵۸، ۲۴۰، ۳۶۴، ۳۶۵

جهل متقابل، ۴۲

جوامع اسلامی، چهارده، ۱۹، ۲۵، ۲۶، ۳۹،

جمعیت، ۳۷، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹،

۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۷، ۹۸، ۹۹،

۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۵،

۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱،

۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۱،

۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴،

۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰،

۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶،

۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲،

۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸،

۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴،

۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰،

۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶،

۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲،

۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸،

۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴،

۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰،

۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶،

۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲،

۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸،

۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴،

۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰،

۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶،

۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲،

۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸،

۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴،

۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰،

۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶،

۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲،

۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸،

۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴،

۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰،

۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶،

۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲،

۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸،

۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴،

۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰،

۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶،

۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲،

۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸،

۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴،

۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰،

۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶،

۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲،

۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸،

۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴،

۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰،

۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶،

۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲،

۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸،

۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴،

۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰،

۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶،

۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲،

۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸،

۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴،

۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰،

۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶،

۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲،

۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸،

۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴،

۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰،

۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶،

۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲،

۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸،

۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴،

۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰،

۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶،

۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲،

۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸،

۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴،

۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰،

۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶،

۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲،

۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸،

۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴،

۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰،

۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶،

۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲،

۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸،

۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴،

۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰،

۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶،

۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲،

۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸،

۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴،

۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰،

۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶،

۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲،

۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸،

۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴،

۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰،

۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶،

۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲،

۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸،

۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴،

۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰،

۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶،

۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲،

۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸،

۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴،

۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰،

۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶،

۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲،

۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸،

۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴،

۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰،

۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶،

۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲،

۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸،

۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴،

۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰،

۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶،

۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲،

۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸،

۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴،

۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰،

۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶،

۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲،

۸۳۳، ۸

- حاکمیت اسلام، ۵۷
حاکمیت حقوقی، ۱۷۱
حاکمیت سیاسی، ۶۴
حاکمیت قضایی، ۵۴
حاکمیت ملی، ۱۵۲، ۱۶۰، ۲۴۹
حامی، ۳۲۶
حزب الله، ۲۱۲
حضرت امام خمینی(ره)، ۲۰۸
حضرت محمد (ص)، ۱۶، ۳۳
حق وتو، ۲۴۱
حقانیت، ۱۲، ۲۹۴
حقایق تاریخی، ۲۵۵
حقوق، هشت، ۲۹، ۳۳، ۴۵، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۱، ۶۳، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۹۷، ۲۳۶، ۲۴۹
۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۸، ۲۹۷، ۳۶۱، ۳۶۲
حقوق اساسی، هشت، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۱، ۳۶۱
حقیقت، ۷، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۵، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۵۵، ۵۷، ۶۶، ۷۳، ۱۸۰، ۱۸۱، ۲۰۲، ۲۱۸، ۲۴۳، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۹۷، ۳۶۵
حکمت، ۳۷
حکومت اسلامی، ۱۰، ۶۶، ۳۱۰
حکومت فدرال، ۱۶۹
حکومت مرکزی، ۱۶۹
حکومت های محلی، ۳۷، ۱۶۹
حلاب، ۱۰۸
حماد الحمراء، ۷۷
حمید مولانا، ۷
حنفی، ۶۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹
حنفی مذهب، ۶۶، ۹۸
حوزهی راهبردی، ۲۴۷
- ۴۳، ۴۵، ۵۰، ۹۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۳۲، ۲۴۴، ۲۴۶
جوامع چندقومی، ۹۳، ۹۴
جوان بودن، ۲۳۰، ۲۶۵
جورج کنان، ۱۵۴
جوزف نای، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۱
جیبوتی، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۵، ۱۰۷، ۱۲۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۹۱، ۳۲۲
جین کاپوراسو، ۱۵۳
چاد، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۹، ۸۶، ۸۹، ۹۵، ۱۰۴، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۲۰۱، ۳۲۳
چالش ها، ده، یازده، ۲۰۰، ۲۱۸، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۴، ۳۶۳، ۳۶۰
چانه زنی، ۱۶۲، ۲۵۰
چچن، ۱۲۳
چشم انداز، پنج، شش، هفت، ده، ۳، ۶، ۲۳، ۳۵، ۱۰۴، ۲۰۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۳، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۳
چشم انداز آینده، پنج، شش، ده، ۲۳، ۳۵، ۱۰۴، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۲، ۲۳۵، ۳۶۲
چشم انداز آینده ی صحیح، ۲۲۲
چین، ۳، ۴۸، ۲۵۷، ۲۸۳
چینی، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۳، ۳۱۲، ۳۲۷، ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۴۹
حاکمان سیاسی، ۲۶۳

حوزه‌ی قفقاز, ۱۸۵	خلیج سرت, ۸۱
حوزه‌ی منابع انسانی, ۲۴۶	خلیج عدن, ۸۱, ۸۳, ۱۰۶
حوزه‌ی منابع طبیعی, ۲۴۶	خلیج عقبه, ۱۰۶, ۱۰۷
خارجی, ۲۳, ۴۰, ۴۸, ۱۰۰, ۱۱۲, ۱۲۶,	خلیج فارس, ۳۰, ۵۶, ۸۰, ۸۱, ۸۲, ۸۳,
۱۲۷, ۱۴۶, ۱۵۲, ۱۵۸, ۱۶۴, ۱۸۹,	۱۰۱, ۱۰۲, ۱۰۴, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۱۱,
۱۹۰, ۱۹۴, ۱۹۶, ۱۹۷, ۱۹۸, ۱۹۹,	۱۱۲, ۱۱۳, ۱۱۴, ۱۲۴, ۱۴۸, ۱۸۱,
۲۰۰, ۲۰۱, ۲۰۵, ۲۰۶, ۲۰۷, ۲۰۸,	۱۸۳, ۱۸۵, ۱۹۱, ۲۰۱, ۲۰۲, ۲۰۴,
۲۱۱, ۲۴۳, ۲۴۵, ۲۴۶, ۲۴۸, ۳۰۱,	۲۰۵, ۲۰۶, ۲۰۷, ۲۵۰, ۲۸۷, ۲۹۰,
۳۰۲, ۳۰۳, ۳۰۴, ۳۰۵, ۳۰۶, ۳۰۷,	۳۵۹, ۳۶۰, ۳۶۵
۳۰۸, ۳۰۹, ۳۱۰, ۳۱۱, ۳۱۲ و ...	خلیج گامبیا, ۸۱
خارک, ۸۳	خلیج گینه, ۸۱, ۱۲۲
خاناندان اموی, ۳۶	خلیفه‌ی عباسی, ۳۷, ۳۸
خاورمیانه, ۲۱, ۲۹, ۴۶, ۴۸, ۷۳, ۷۶, ۷۹,	خوارج, ۴۱
۸۲, ۸۳, ۸۸, ۹۱, ۹۷, ۱۰۰, ۱۰۴, ۱۱۰,	خوداتکایی, ۲۴۳
۱۱۷, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۸۰, ۱۸۱, ۱۸۲,	خوداتکایی دسته‌جمعی, ۲۴۷
۱۹۶, ۱۹۸, ۲۰۱, ۲۰۲, ۲۰۴, ۲۰۶,	خودمختار, ۱۷۳, ۳۳۴
۲۱۱, ۲۵۲, ۲۶۵, ۲۶۶, ۲۸۶, ۳۶۰,	خودمختاری, ۱۶۹, ۱۷۱, ۱۷۴
۳۶۱, ۳۶۲, ۳۶۳, ۳۶۵	خیبر, ۷۶
خبرگزاری تلویزیونی, ۱۳۶	داخلی, پانزده, ۱۲, ۲۳, ۲۴, ۳۹, ۴۳, ۸۵,
خرده ملت‌ها, ۴۵, ۴۶	۱۰۱, ۱۲۴, ۱۵۲, ۱۵۸, ۱۷۱, ۱۷۸,
خرده ملت‌های مصنوعی, ۴۵	۱۸۴, ۱۸۶, ۱۸۹, ۱۹۰, ۱۹۴, ۱۹۶,
خط استوا, ۷۲, ۸۴, ۸۵	۱۹۷, ۲۰۰, ۲۰۳, ۲۰۵, ۲۴۱, ۲۴۳,
خطر واگرایی, ۲۱۳	۲۵۱, ۲۶۵, ۲۸۵, ۳۳۱, ۳۳۲, ۳۳۴,
خطوط مرزی, ۲۰۱	۳۶۰
خلافت, ۳۶, ۳۷, ۳۸, ۴۰, ۴۱, ۴۳, ۵۹,	دارالاسلام, هشت, ۱۰, ۵۴, ۶۱, ۶۲, ۶۳,
خلافت فاطمی, ۳۷	۶۴, ۶۵, ۶۶, ۶۷, ۶۸
خلفا, ۳۶, ۴۰	دارالتقريب, ۲۳۳
خلوتیه, ۱۰۰	دارالحرب, ۶۶
خلیج اسکندریه, ۸۱	دارالسلام, ۳۱۲
خلیج بنگال, ۵۶, ۸۱, ۱۲۴	دارالشرك, ۶۲, ۶۷
خلیج تونس, ۸۱	دارالکفر, ۶۲, ۶۴, ۶۷, ۶۸

- داردانی، ۱۸۳
 داغستان، ۱۲۳
 دامنه‌ی چشم‌انداز آینده، ۲۲۳
 دانش‌بنیان، ۲۲۹
 دانشگاه بریستون، ۱۷۵
 دجله، ۸۰
 در عرف، ۶۸
 دراویش، ۹۹
 دروزی، ۳۴۶
 دروس، ۶۲
 دریاه‌ی آرال، ۷۹، ۸۰
 دریاه‌ی ارومیه، ۷۹
 دریاه‌ی آیسیک‌کول، ۷۹
 دریاه‌ی چاد، ۷۹
 دریاه‌ی خزر، ۷۹
 دریاه‌ی ویکتوریا، ۷۹، ۸۱
 دریای آدریاتیک، ۷۸
 دریای اژه، ۸۴
 دریای اندامان، ۷۸
 دریای چین جنوبی، ۷۸
 دریای خزر، ۱۱۰، ۱۱۳
 دریای سرخ، ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳
 دریای سیاه، ۵۶، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۱۰۵، ۱۲۳، ۱۲۴
 دریای عرب، ۱۰۷
 دریای عمان، ۵۶، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۱۱۱، ۱۲۴
 ۱۸۳
 دریای قلم، ۱۰۶
 دریای کارائیب، ۷۸
 دریای مازندران، ۸۰
- دریای مدیترانه، ۵۶، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۹۱
 دریای مرمره، ۷۸، ۸۲، ۸۴
 دشت فزان، ۷۷
 دشت کویر، ۷۸
 دعوی جهانی، ۱۳۰
 دلتای رود نیل، ۸۱، ۱۲۲
 دلتای گنگ، ۱۱۹
 دلتای نیل، ۱۲۱
 دماغه‌ی امیدنیک، ۱۰۹، ۱۱۰
 دمشق، ۶۴، ۳۲۸
 دولت - ملت اسلامی، ۲۳۸، ۲۳۹
 دولت قدرتمند، نه، ۲۰۹
 دولت‌محور، ۱۷۳
 دولت‌های انقلابی، ۲۰۴
 دولت‌های سکولار، ۲۰۴
 دولت‌های میانه‌رو، ۲۰۴
 دویچ، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷
 دیدگاه سیاست همکاری، ۱۵۶
 دیدگاه‌های اسلامی، ۶۱
 دیدی واحد، ۱۲۴
 دین اسلام، ۷، ۱۶، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۹۴، ۱۸۰، ۲۹۴
 دین رسمی، ۵۷، ۵۹، ۹۷، ۹۹، ۳۱۲
 دین فطری، ۳۱
 دین مبین اسلام، پانزده، ۱۹۱
 دین مشترک، ۲۵۱، ۲۵۸، ۲۶۳
 دیوان داوری اسلامی، ۲۴۲، ۲۹۱
 دیوید میتراخی، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۲
 ذخایر نفتی خاورمیانه، ۲۴۷

- رابرت کوهن، ۱۶۳
 رابرت کیون، ۱۷۱
 راغب اصفهانی، ۱۷
 راهبرد، ۵۸، ۱۴۹، ۱۶۶، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۱
 راهبردی، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۴، ۵۶، ۷۸، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۶۱، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۵، ۳۵۹، ۳۶۰
 راهبردهای همگرایی اقتصادی، ده، ۲۴۷
 ریاض، ۶۴، ۳۵۱
 ربع الخالی، ۷۷
 رژیم سیاسی، ۵۷، ۵۸
 رژیم صهیونیستی، ۲۴، ۴۶، ۴۹، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۹۶، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۸۶
 رشته کوه البرز، ۷۶
 رشته کوه پامیر، ۷۵
 رشته کوه تیان شان، ۷۵
 رشته کوه زاگرس، ۷۶
 رشته کوه‌های اطلس، ۷۵
 رشديه، ۱۰۱
 رفتار، ۴۴، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۹۵
 رقابت، ۱۱۰، ۱۴۱، ۱۶۳، ۱۸۴، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۹
 رقابت منفی، ۲۶۹
 رقابت‌های منطقه‌ای، ۲۱۰
 رم، ۳، ۲۲۹، ۲۸۳
 رهبر قدرتمند، نه، ۲۰۸
 رهبران، ۲۷، ۴۷، ۶۰، ۱۵۷، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۲۵، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۸۵
 رهیافت ارتباطات، نه، ۱۶۴، ۱۷۴
 روابط بین‌الملل، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۵۸، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۳۶، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴
 روابط سیاسی، ۱۷۳، ۱۸۹
 روابط فراملی، ۱۷۱، ۱۷۲
 روحیه‌ی نشاط، ۲۵۷
 رود سند، ۸۰، ۸۸، ۱۱۹
 رود فرات، ۲۰۱
 رود کابل، ۸۰
 رود کارون، ۸۰
 رود لیطانی، ۸۰
 رود نیجر، ۸۱
 رود نیل، ۷۹، ۱۲۲، ۲۰۱
 رودخانه‌ی گنگ، ۸۱
 روس‌ها، ۹۲، ۱۰۳
 روسیه، ۹۲، ۱۲۳، ۳۰۱، ۳۳۵
 روش‌های آینده‌اندیشی، ۲۱۸، ۲۲۱
 روند، ۲۵۹
 رویکرد حقوقی، هشت، ۵۳، ۵۵
 رویکرد شناختی، ۲۳۷
 رویکرد فقهی، هشت، ۵۳، ۶۱
 رویکردی تمام‌نگرانه، ۲۳۷
 رویکردی راهبردی، ۲۴۱
 رویکردی معنوی، ۲۶۰
 ریاضیات، ۱۳۲، ۲۵۷

۱۸۲, ۱۲۴	ریف, ۷۵
ژئوتکنیکی, ۲۶۰	ریملند, ۱۱۴
ژئوکالچر, ۱۳۰, ۲۳۶	ژئیر, ۸۴
ژاپن, ۲۳۱	زایسان, ۷۹
ساحل سنگال, ۱۰۵	زبان, ۱۰, ۱۱, ۱۲, ۱۶, ۱۷, ۲۹, ۳۰, ۳۳
ساحل عاج, ۵۴, ۵۵, ۶۹, ۷۰, ۷۴, ۸۵	۴۶, ۵۷, ۶۰, ۹۱, ۹۳, ۹۴, ۹۵, ۹۶
۸۶, ۹۰, ۹۶, ۹۹, ۱۲۲, ۱۳۳, ۱۳۷	۱۱۵, ۱۱۶, ۱۳۱, ۱۶۸, ۱۸۰, ۲۰۳
۱۳۹, ۳۲۴, ۳۶۲	۲۵۵, ۲۷۹, ۲۹۰, ۲۹۳, ۳۰۱, ۳۰۲
سادات, ۹۸	۳۰۳, ۳۰۴, ۳۰۵, ۳۰۶, ۳۰۷, ۳۰۸
سازمان اکو, ۱۸۵	۳۰۹, ۳۱۰, ۳۱۱, ۳۱۲, ۳۱۳, ۳۱۴
سازمان اوپک, ۱۹۸	۳۱۵, ۳۱۶, ۳۱۷, ۳۱۸, ۳۱۹ و ...
سازمان کنفرانس اسلامی, ۱۵, ۷۰, ۷۲	زبان عربی, ۱۶, ۶۰, ۱۳۱
۷۳, ۹۹, ۱۵۰, ۱۸۶, ۱۹۰, ۱۹۱, ۱۹۲	زبان قرآن, ۴۶
۱۹۸, ۱۹۹, ۲۰۰, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۳۴	زبان مشترک, ۳۰, ۹۳
۲۴۱, ۲۴۹, ۲۶۶, ۲۸۸, ۲۸۹, ۲۹۰	زبان‌های اسلامی, ۴۴
۲۹۹, ۳۵۹, ۳۶۰, ۳۶۱	زرد, ۹۲, ۹۳
سازمان ملل, ۴۶, ۱۰۱, ۱۹۹, ۲۴۳, ۲۷۹	زرد اندونزی, ۹۳
سازمان ملل متحد, ۱۹۹, ۲۴۳	زرد بنگالی, ۹۳
سازمان‌های فراملی, ۱۵۴, ۱۷۲, ۱۷۳	زرد مالایی, ۹۳
سازمان‌های منطقه‌ای, ۱۴۹, ۱۵۲, ۱۹۷	زکات, ۲۴۸, ۲۹۴
۲۱۰	زمان حال, ۵, ۲۱۸, ۲۲۶
سازمان‌های منطقه‌ای, ۲۳۳	زمینه‌های ساختاری صلح, ۲۳, ۱۴۶
سامی, ۹۱	زمینه‌های شناختی, ۱۷۹, ۲۳۴, ۲۳۶
ستاره‌شناسی, ۲۵۷	زنداد ابو غریب, ۲۱۲
سدیلو, ۴۰	ژئواستراتژیک, پانزده, ۱۵, ۱۸۳, ۲۷۲
سرنوشت مشترک, ۲۳, ۱۴۶	ژئواکونومیک, پانزده, ۱۵, ۱۲۵, ۱۸۳, ۲۷۲
سرنوشت مشترکی, ۲۳, ۱۴۶	ژئوپلیتیک, پانزده, هفده, ۱۳, ۱۵, ۱۱۱
سطح رفاه, ۱۸۸	۱۱۴, ۱۲۴, ۱۲۵, ۱۲۶, ۱۸۲, ۱۸۳
سطح روابط, ۲۳	۲۰۱, ۲۰۲, ۲۳۲, ۲۳۵, ۲۳۶, ۲۶۹
سطح فراملی, ۲۶, ۱۷۱	۳۶۰, ۳۶۲
سطحی از روابط, ۲۳	ژئوپلیتیک, ۷۴, ۱۰۷, ۱۱۰, ۱۱۱, ۱۱۴

سفید رود, ۸۰	سوءاستفاده سیاسی, ۲۱۳
سفیدپوست, ۹۱, ۳۲۷	سوئد, ۱۷۷
سقیفه‌ی بنی ساعده, ۳۶	سوءظن و نفاق, ۲۰۶
سکوترا, ۸۳	سواحل جنوبی, ۱۱۶
سکولاریزه, ۲۶۳	سواحل مدیترانه, ۱۰۷, ۱۲۰, ۱۲۱, ۱۲۲
سلسله جبال توروس, ۷۶	سودان, ۴۷, ۵۵, ۶۹, ۷۰, ۷۳, ۷۴, ۷۷
سلسله جبال هندوکش, ۷۵	۸۱, ۸۶, ۸۹, ۹۶, ۱۰۴, ۱۰۷, ۱۰۸
سلطنتی, ۵۷, ۲۰۴, ۳۰۳, ۳۱۲, ۳۳۲, ۳۳۳	۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۹, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۷
۳۳۷, ۳۴۰, ۳۴۹, ۳۵۱	۱۳۹, ۲۰۱, ۲۰۴, ۳۲۶, ۳۵۰
سمرقند, ۱۰۳, ۳۰۴	سورینام, ۷۰, ۷۴, ۷۸, ۸۹, ۹۳, ۹۶, ۱۳۴
سناریوسازی, ۲۲۴	۱۳۵, ۱۳۷, ۱۳۹, ۳۲۷
سناریوی, ده, ۲۲۴, ۲۵۳	سوریه, ۴۷, ۴۸, ۵۵, ۶۰, ۶۹, ۷۰, ۷۴
سناریوی بدبینانه, ۲۲۴	۸۰, ۸۹, ۹۱, ۹۶, ۱۰۰, ۱۰۱, ۱۰۴
سناریوی بدون شگفتی, ۲۲۴	۱۱۰, ۱۱۵, ۱۲۰, ۱۲۸, ۱۳۴, ۱۳۵
سناریوی خوش‌بینانه, ۲۲۴	۱۳۷, ۱۳۹, ۱۷۵, ۲۰۱, ۲۰۴, ۲۶۴
سناریوی فاجعه, ۲۲۴	۲۸۵, ۳۲۸
سناریوی معجزه, ۲۲۴	سوسیالیستی, ۵۸, ۳۰۱, ۳۰۲, ۳۰۴, ۳۱۷
سنت اسلامی, ۴۴	۳۱۸, ۳۳۵, ۳۳۶, ۳۴۷
سنت‌های سیاسی, ۲۶۸	سولاوسی, ۸۳
سنت‌های مالی اسلامی, ۲۴۸	سولوو, ۷۸
سند, ۸۰, ۹۲, ۱۱۹	سوماترا, ۵۶, ۸۳, ۸۵
سنگال, ۵۵, ۶۹, ۷۰, ۷۴, ۸۱, ۸۹, ۹۵	سومالی, ۵۵, ۶۹, ۷۰, ۷۲, ۷۴, ۸۸, ۸۹
۱۰۴, ۱۲۲, ۱۳۳, ۱۳۵, ۱۳۷, ۱۳۹	۹۱, ۹۲, ۹۶, ۱۰۴, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۷
۲۴۲, ۳۲۵	۱۳۹, ۱۹۱, ۲۰۰, ۲۸۹, ۳۲۲, ۳۲۹
سنی, ۹, ۱۰, ۱۹, ۲۱, ۳۶, ۴۰, ۴۲, ۸۷	۳۵۷
۸۹, ۹۰, ۹۷, ۹۸, ۹۹, ۱۲۶, ۲۱۷, ۲۶۲	سومالیایی, ۹۲, ۹۵, ۹۶, ۳۲۲, ۳۲۹
۲۷۰, ۳۰۵, ۳۰۶, ۳۱۰, ۳۱۱, ۳۱۶	سومین کنفرانس وحدت اسلامی, ۱۹, ۲۰
۳۱۷, ۳۲۶, ۳۲۸, ۳۲۹, ۳۳۱, ۳۳۹	۲۷۰, ۳۵۹, ۳۶۱
۳۴۰, ۳۴۶, ۳۴۷, ۳۴۸, ۳۵۲, ۳۵۷	سی. آی. ای, ۶۹
۳۶۵	سیاست بین‌الملل, ۱۵۴, ۱۷۵, ۱۷۸, ۲۰۵
سنی‌گری, ۳۸	۲۰۸, ۲۷۲, ۳۶۳

- سیاست جهانی، ۱۰۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۱۰، ۳۶۲
- سیاه، ۹۱
- سیبری، ۳، ۹۳، ۲۸۳
- سیحون، ۷۹
- سیرالئون، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۸۱، ۸۵، ۸۶، ۹۰، ۹۶، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۸۸، ۳۳۰
- سیردریا، ۷۹
- سیره‌ی نبوی (ص)، ۲۵۷
- سینوس آراییکوس، ۱۰۶
- شاخ آفریقا، ۸۸، ۱۲۱
- شافعی، ۹۷، ۱۰۰
- شبه جزیره‌ی عربستان، ۸۶، ۹۱
- شبه جزیره‌ی مالاکا، ۵۶
- شبه جزیره‌ی سینا، ۸۴، ۱۰۶
- شبه خودمختار، ۱۷۳
- شتاب تاریخ، ۲۲۹
- شتیلا، ۱۰۱
- شرایط انفعالی، ۲۱۲
- شرق جهان اسلام، ۱۸۲
- شرکت‌های چندملیتی، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۱۹، ۲۴۹
- شعارها، ۲۵۶
- شکاف‌های مذهبی، ۱۲۶، ۲۶۲
- شمال استوا، ۱۱۶
- شمال آفریقا، ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۶۵، ۲۸۷، ۳۶۱
- شهر خدا، ۱۵۵
- شهید اول، ۶۲
- شهید ثانی، ۶۳
- شورای اقتصاد اتحادیه‌ی عرب، ۲۴۲
- شورای امنیت، ۴۶، ۲۴۱، ۲۹۱
- شورای امنیت سازمان ملل، ۲۴۱، ۲۹۱
- شورای همکاری خلیج فارس، ۱۸۵، ۱۹۹، ۲۱۰، ۲۵۰، ۲۵۴
- شورای وحدت اقتصادی عرب، ۱۹۸
- شوروی، ۶۴، ۶۷، ۹۲، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۱، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۳۵
- ۳۳۶
- شیخ طوسی، ۶۲
- شیخوخت، ۲۳۰
- شیعه، ۹، ۱۹، ۲۱، ۳۶، ۴۰، ۴۲، ۹۷، ۹۸، ۱۲۶، ۲۱۷، ۲۶۲، ۲۷۰، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۳۱، ۳۴۰
- ۳۶۵، ۳۴۶
- صبرا، ۱۰۱
- صحرای جنوب، ۷۷
- صحرای سینا، ۸۲
- صحرای غربی، ۲۰۱
- صلح، ۸، ۲۸، ۴۷، ۶۲، ۶۳، ۱۴۵، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۷۰، ۲۵۹، ۲۸۱، ۲۸۶، ۲۹۰
- صلیبیان، ۳۸، ۳۹
- صنعت گردشگری، ۲۴۲
- صهیونیزم، ۴۶، ۴۸، ۱۴۸
- صهیونیزم بین‌الملل، ۴۸
- صور، ۴، ۱۰۱، ۱۴۸، ۲۲۶، ۳۴۶
- صوفیسم، ۹۹
- صیدا، ۱۰۱، ۳۴۶
- طالع‌بینان، ۲۱۹
- طرابلس، ۱۰۱، ۱۳۲، ۳۴۶

طرح بازار مشترک اسلامی، ۲۴۳	۱۸۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۵۰، ۳۳۲
طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، ۲۴، ۱۸۱	عربی، ۱۷، ۳۰، ۴۶، ۴۸، ۷۳، ۸۶، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۸۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۸۵، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۷
طرح نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها، ۲۴	عرفان، ۲۶۱
ظرفیت همگرایی، ۱۶۴	عرق کبیر غربی، ۷۷
عامل واگرا، ۱۸۰	عرق کبیر شرقی، ۷۷
عباسی، ۴۳	عصبیت‌های مذهبی، ۴۱، ۴۲
عبدالرحمن پسر ملجم مرادی، ۳۶	عصر گوناگونی تمدن‌ها، ۲۳۱
عثمان، ۳۶، ۳۷	عقار، ۹۲، ۹۵، ۳۲۲
عثمانی، ۱۳۱، ۱۴۸، ۳۰۲، ۳۵۷	علامه حلی، ۶۵
عدم تجانس، ۳۸، ۲۶	علامه شیخ عبدالمجید سلیم، ۲۳۳
عراق، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۸۰، ۸۶، ۹۰، ۹۱، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۸۱، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۶۴، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۶، ۳۳۱	علامه محمد مهدی شمس‌الدین، ۲۳۳
عرب، ۱۷، ۳۰، ۴۳، ۴۶، ۹۱، ۱۸۵، ۲۰۳، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۸۶، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۷	علوم، ۲۹، ۴۱، ۱۰۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۸۲، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۳۶، ۲۵۷، ۲۹۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴
عرب قحطانی، ۹۱	علی بن ابی طالب (ع)، ۳۶، ۳۷
عرب‌زبان، ۹۱، ۱۲۳	عمان، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۸۲، ۸۴، ۹۰، ۹۶، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۴، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۳۳
عربستان، ۱۷، ۲۴، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۸۴، ۸۸، ۹۰، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۵۰، ۳۳۲	عمان و ابوظبی، ۲۰۱
عربستان سعودی، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۸۴، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۸	عمر، ۵، ۳۶، ۱۱۳، ۲۲۷، ۳۲۲، ۳۲۶
	عمر بن خطاب، ۳۶
	عمید زنجانی، ۵۳، ۵۴

- عوامل وحدت بخش، ۲۶۱
عین‌الحلوه، ۱۰۱
غرب آسیا، ۷۸، ۸۷، ۲۵۲
غرب آفریقا، ۷۲، ۷۶، ۸۱، ۸۳
غرب جهان اسلام، ۱۸۲
غنا، ۱۲۲
غیب، ۲۲۵
غیب‌گویی، ۵، ۲۲۷
غیربومی، ۵۵
غیردموکراتیک، ۶۱
غیرعرب، ۴۳
غیرمادی کردن مادیات، ۲۳۱
غیرنخبگان، ۱۷۲
فاگوئی بین، ۷۹
فدرالیستی، ۱۶۵
فدرالیسم، نه، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰
فرات، ۸۰
فراگرد وحدت، ۲۷، ۲۸
فراملی، ۱۴، ۱۵، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۳،
۱۷۱، ۱۷۲، ۱۹۷، ۲۰۹، ۲۴۸
فراملی‌گرایی، نه، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۴
فرانسه، ۹۵، ۹۶، ۱۲۳، ۲۰۱، ۳۰۶، ۳۱۴،
۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴،
۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۴،
۳۴۶، ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۵۵
فرانسوی، ۹۴، ۱۰۸، ۳۰۶، ۳۱۵، ۳۲۰،
۳۳۸، ۳۴۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۵
فرانک‌ها، ۳۸
فرائض اسلامی، ۳۳
فرایند تاریخی، ۲۰۹
فرایند همگرایی، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۷۸، ۲۰۵،
۲۵۲، ۲۷۴
فرایندی بین‌رشته‌ای، ۲۳۲، ۲۳۵
فردیناند دولسپس، ۱۰۸
فرصت‌ها، پانزده، شانزده، ۱۷۹، ۱۹۲،
۲۱۸، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۴۷،
۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۹۰، ۳۶۰، ۳۶۳
فرصت‌های فضای بین‌المللی، ۲۳۷
فرقه‌گرایی، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۶۳
فرقه‌های، ۳۸، ۴۰، ۹۷، ۹۹، ۱۲۶، ۲۰۳،
۲۶۲، ۳۲۸
فرقه‌ی ناحیه، ۱۲
فرگوسن، ۱۷۳، ۱۷۴
فرهنگ رجایی، ۱۳۰
فرهنگ عربی، ۱۱۶
فرهنگ مسیحی، ۲۷۳
فریضه‌ی حج، ۳۴
فساد مالی، ۲۴۲
فسطاط، ۶۴
فشار استعمار، ۶۱
فضای توحیدی، ۸
فطرت انسان، ۳۱
فقدان اطلاعات، ۱۹۰
فقه اسلامی، ۶۰
فقه سیاسی، ۵۸، ۶۳، ۶۴، ۳۶۱
فلات ارمنستان، ۷۶
فلاندر، ۱۷۹
فلسطین، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۶۵، ۶۹، ۷۰،
۷۴، ۸۶، ۹۰، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۷،
۱۲۰، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۰،
۱۴۸، ۱۸۱، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۱۱، ۲۸۵،
۲۸۶، ۳۳۴

۲۳۰، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲،

۲۵۳، ۲۵۹، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹،

۲۷۱، ۲۷۳، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۸

قدرت رقیب، ۱۸۱

قدرت سیاسی، ۳۸، ۵۸، ۱۶۹، ۲۰۵، ۲۸۴

قدرت‌های جهانی، ۱۸۱، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۲،

۲۷۳

قدرت‌های خارجی، ۱۵۰، ۲۰۱

قدرت‌های غربی، ۲۰۶، ۲۸۵

قدس شریف، ۱۲۷

قراثت‌های مختلف، ۶۰، ۶۱

قراقوم، ۷۵

قرآن، ۳، ۵، ۹، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۳۳، ۳۵،

۴۰، ۴۴، ۴۶، ۵۹، ۱۳۰، ۲۲۶، ۲۲۷،

۲۲۸، ۲۴۱، ۲۵۷، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۷،

۲۹۴، ۲۹۷، ۳۶۲

قرآن کریم، ۳، ۵، ۱۹، ۱۳۰، ۲۲۶، ۲۲۷،

۲۲۸، ۲۹۴، ۲۹۷

قرطبه، ۱۳۱، ۱۳۲

قرقیزستان، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۸۷، ۹۰، ۹۶،

۱۰۳، ۱۰۵، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۰،

۳۳۵، ۳۶۴

قرقیزها، ۹۳، ۹۸

قرقیزی، ۹۵، ۹۶، ۳۳۵

قره‌سو، ۸۰

قراقستان، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۸۷،

۹۰، ۹۲، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵،

۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۰،

۳۳۶، ۳۵۹

قزاقی، ۹۵، ۹۶، ۳۳۶

قرل ایرماق، ۸۰

فلسفه‌ی سیاسی، هشت، ۱۵۵

فناوری، ۷، ۱۳۶، ۱۶۸، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۵،

۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۴۵، ۲۴۸،

۲۴۹، ۲۸۱، ۲۸۵، ۳۶۰، ۳۶۳

فن‌شناسان، ۱۶۰

فوتاجالون، ۸۱

فیلکه، ۸۳

فیلیپ اشمیتز، ۱۶۳

فیلیپین، ۲۰۰

قادریه، ۹۹، ۱۰۰

قاره‌ی اروپا، ۷۱، ۷۴، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۸۲

قاره‌ی آسیا، ۷۱، ۷۳، ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۱۷،

۱۱۸، ۱۸۲

قاره‌ی آفریقا، ۷۲

قاره‌ی اقیانوسیه، ۷۴

قاره‌ی آمریکا، ۷۲

قاره‌ی هند، ۱۱۷

قانون اساسی، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۹۸، ۱۶۹،

۱۷۰، ۳۲۷، ۳۳۰

قانون اساسی سوریه، ۶۰

قانون اساسی مصر، ۵۹

قاهره، ۶۴، ۱۳۲، ۲۳۳، ۲۹۳، ۳۵۲

قیرس، ۱۰۴

قبیله‌گرایی، ۱۰۱

قدرت، هشت، پانزده، شانزده، هفده، ۴،

۳۰، ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۵۰، ۵۸،

۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۷،

۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵،

۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴،

۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵،

۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۲۶، ۲۲۸،

۳۲۴, ۳۲۹, ۳۳۱, ۳۳۲, ۳۳۳, ۳۳۴,
 ۳۳۵, ۳۳۶, ۳۳۷, ۳۳۹, ۳۴۰, ۳۴۷,
 ۳۴۹, ۳۵۲, ۳۵۴, ۳۵۶
 گامبیا, ۶۹, ۷۰, ۷۴, ۸۱, ۹۰, ۹۶, ۱۰۴,
 ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۷, ۱۴۰, ۳۴۲
 گرجستان, ۱۲۳
 گردنه‌ی, ۷۶
 گروم, ۱۵۳
 گروه دی هشت, ۲۵۲
 گروه‌های بشردوست, ۱۷۴
 گروه‌های تروریستی, ۱۷۴
 گنگ, ۸۱, ۱۱۹
 گورکانی, ۱۳۱
 گونه‌شناسی, هشت, ۵۳, ۵۶
 گویان, ۷۰, ۷۲, ۷۴, ۷۸, ۹۰, ۹۶, ۱۳۴,
 ۱۳۵, ۱۳۷, ۱۴۰, ۳۴۳
 گینه, ۵۵, ۵۶, ۶۹, ۷۰, ۷۴, ۹۰, ۹۶, ۱۰۴,
 ۱۲۲, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۷, ۱۴۰, ۳۴۴
 ۳۴۵
 گینه بیسائو, ۵۵, ۷۰, ۷۴, ۹۰, ۹۶, ۱۳۴,
 ۱۳۵, ۱۳۷, ۱۴۰, ۳۴۵
 گینه کوناکری, ۱۰۴
 گینه نو, ۵۶
 گینه‌بیسائو, ۱۸۷
 لئون لیندنبرگ, ۱۵۲, ۱۵۸, ۱۶۳
 لارنس شانیمین, ۱۶۳
 لاکدیو, ۵۶, ۱۲۴
 لاوان, ۸۳
 لایه‌ی, ۲۵۹
 لبنان, ۲۴, ۵۵, ۶۹, ۷۰, ۷۴, ۸۰, ۸۶, ۹۰,
 ۹۶, ۹۷, ۱۰۱, ۱۰۴, ۱۲۰, ۱۲۷, ۱۳۴,

کشورهای مسلمان, پانزده, ۵۳, ۷۸, ۸۴,
 ۱۰۶, ۱۰۹, ۱۱۹, ۱۲۵, ۱۸۱, ۱۸۲, ۲۳۹,
 ۲۴۵, ۲۴۹, ۲۵۳, ۲۷۱, ۲۷۲, ۲۷۳,
 ۲۸۸, ۳۶۲
 کعبه‌ی معظم, ۱۰۵
 کمربند صحرایی, ۸۶
 کنشگری انحصاری دولت‌ها, ۱۷۱
 کنفرانس اسلامی, ۱۹۹, ۲۱۰, ۲۱۱, ۲۳۴,
 ۲۴۱, ۲۸۰, ۲۹۰
 کنفرانس‌های لاهه, ۱۶۹
 کنگو, ۱۲۲
 کودتا, ۲۰۵
 کوفه, ۶۳, ۶۴
 کومور, ۶۹, ۷۰, ۷۲, ۷۴, ۸۳, ۹۰, ۹۶,
 ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۴۰, ۱۸۶, ۳۳۹
 کوهن, ۱۶۸, ۱۷۲
 کوه‌های اطلس, ۷۷, ۸۵
 کوه‌های آلپ آلبانی, ۷۶
 کویت, ۵۵, ۶۰, ۶۹, ۷۰, ۷۴, ۸۳, ۹۰, ۹۶,
 ۹۷, ۱۰۴, ۱۱۲, ۱۲۸, ۱۳۴, ۱۳۷,
 ۱۴۰, ۱۹۸, ۱۹۹, ۲۰۱, ۲۰۳, ۲۵۰,
 ۳۴۰
 کویر قره‌قوم, ۷۸
 کیش, ۸۳
 کیون, ۱۷۳, ۱۷۴
 گابن, ۷۲, ۷۴, ۹۰, ۹۶, ۱۲۹, ۱۳۴, ۱۳۵,
 ۱۳۷, ۱۹۸, ۱۴۰, ۳۴۱
 گارنر, ۱۶۹
 گاز, ۱۰۴, ۱۱۲, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۲۹, ۳۰۱,
 ۳۰۲, ۳۰۴, ۳۰۵, ۳۰۶, ۳۰۷, ۳۰۸,
 ۳۱۰, ۳۱۱, ۳۱۲, ۳۱۳, ۳۱۸,

- ماوراءالنهر، ۱۳۱
مبادلات اجتماعی، ۱۷۶
مبانی عقلایی وحدت، هفت، ۲۲
مبانی مکتبی وحدت، هفت، ۱۹
مبسوط، ۶۲
متعصبانی، ۲۶۳
متغیر تأثیرگذار همگرایی، ۲۱۲
مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۷
۲۲، ۴۴، ۲۳۴، ۲۴۶، ۲۵۶، ۳۶۰، ۳۶۴
۳۶۵
مجمع الجزایر، ۷۲، ۷۳، ۸۳
مجمع الجزایر مالدیو، ۷۳، ۸۳
محافظه کار، ۲۰۴
محتوای چشم‌انداز آینده، ۲۲۳
محمدبن احمد سرخسی، ۶۶
مداخله‌ی آمریکای، ۲۴
مدل راهبردی، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰
مدل مفهومی، ده، ۲۳۳، ۲۳۵
مدینه‌ی الهی، ۱۵۵
مذاکرات اقتصادی بین‌المللی، ۲۴۹
مذاهب اسلامی، ۱۱، ۲۲، ۳۸، ۴۲، ۴۴، ۵۹، ۱۲۶، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۶۳، ۳۶۴
مذهب، ۲۱، ۲۲، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۵۴، ۵۷، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۶، ۲۰۲، ۲۱۷، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۷۰، ۲۶۳، ۲۹۷
مذهب اسماعیلی، ۴۱
مذهب رسمی، ۵۴
مذهب شناسنامه‌ای، ۵۷
مراجع تقلید، ۳۴
- ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۸، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۵۰، ۲۸۵، ۳۴۶، ۳۶۵
لیبرال دموکراسی، ۲۵۹
لیبرالیسم سرمایه‌داری، ۵۸
لیبی، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۸۶، ۹۰، ۹۱، ۹۶، ۱۰۴، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۴، ۳۴۷
مؤسسه‌ی خیریه‌ی آیت... العظمی خویی، ۲۳۳
مؤسسه‌ی مطالعاتی رند، ۲۱۹
مؤلفه‌ی فرهنگ، ۲۲۹
مالاکا، ۱۱۴
مالاوی، ۵۴، ۵۵
مالدیو، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۸۳، ۸۷، ۹۰، ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۸
مالزی، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۸، ۸۲، ۸۷، ۹۰، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۶۷، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۵، ۳۴۹
مالکی مذهب، ۹۹
مالی، ۵۵، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۸۶، ۹۰، ۹۶، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۳۰، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۱۲، ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۵۰
مالیه‌ی اسلامی، ۲۴۸
مأموریت‌ها، ۲۴۰، ۲۷۳
ماهیت تعاملی، ۲۳۲، ۲۳۵

۹۶، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱،
۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷،
۱۴۰، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۱، ۲۰۱،
۲۰۴، ۲۴۲، ۲۵۰، ۲۸۳، ۲۸۵، ۳۲۶،
۳۶۰، ۳۵۲

مطالبات جدایی‌خواهانه، ۲۰۳

مطهری، ۹، ۲۴، ۳۶۴

معاویه، ۳۷، ۴۳

معزله، ۳۸، ۴۲

معرفت‌شناسی، ۷، ۱۴

معرفت‌شناسی عقلایی، ۱۴

معماری، ۲۵۷

معنویت، ۲۶۱

معیار طبیعی، ۵۷

مغرب، ۷۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۸۵، ۳۵۱

مغولان، ۱۳۱

مغول‌ها، ۹۲، ۹۸

مقام معظم رهبری، چهارده، ۳، ۱۹، ۲۰،

۳۴، ۲۱۷، ۲۷۰، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴

مقدونی، ۱۲۳

مکتب اسلام، ۱۲، ۱۵، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰،

۱۴۵، ۲۶۱، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴

مکه، ۱۶، ۳۴، ۱۰۵، ۳۳۲

ملیت، ۱۰، ۳۳، ۲۷۱، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳،

۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹،

۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵،

۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱،

۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷،

۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳،

۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹،

۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵،

مراکش، ۳۷، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۷۷،
۸۲، ۸۶، ۹۰، ۹۱، ۹۶، ۱۰۴، ۱۳۴، ۱۳۵،
۱۳۷، ۱۴۰، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۴،
۳۵۱

مرزبندی‌های سیاسی، ۹۳

مرزهای موضوعی، ۲۳۲، ۲۳۵

مرکز تصمیم‌گیری، ۱۵۷

مرکز جهان اسلام، ۱۲۴، ۱۸۲

مرگ، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۱۲۰، ۱۵۶، ۲۲۶، ۲۴۶،

۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶،

۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲،

۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸،

۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴،

۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹ و ...

مسائل بنیادین جهان اسلام، ۱۲۷

مسائل ژئوپلیتیکی، ۱۲۴

مسائل منطقه‌ای، ۲۰۰، ۲۰۱

مستقبل، ۲۲۵

مستقل، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۳۷، ۱۱۲، ۱۱۶،

۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳،

۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۹، ۲۰۸، ۳۲۹

مسجد، ۲۴، ۳۴، ۲۵۶، ۲۸۸، ۳۶۴

مسلمانان، هفده، ۳، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱،

۱۹، ۲۱، ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷،

۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۸،

۴۹، ۵۰، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶،

۶۷، ۶۸، ۶۹، ۹۱، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰،

۱۰۶، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰،

۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲ و ...

مصر، ۳، ۲۴، ۳۷، ۴۷، ۴۸، ۵۵، ۶۰، ۶۹،

۷۰، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۹۰، ۹۱،

- ۱۲۴، ۱۰۷
- موقعیت ژئوکالچر، هشت، ۷۱، ۱۳۰
- موقعیت سوق الجیشی، ۱۰۵
- مونارشی‌های سنتی، ۲۰۴
- میان‌دولتی، ۱۷۴
- میترانی، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۶۳
- میثاق مؤسسان، ۲۳۳
- مید ولیسی، ۱۶۷
- میندانائو، ۵۶
- ناپلئون، ۴۸
- ناسیونالیزم عربی عبدالناصر، ۳۰
- ناسیونالیستی، ۲۸، ۴۲، ۵۸، ۱۲۴، ۱۵۴، ۲۰۲
- ناسیونالیسم، نه، ۵۸، ۱۶۹، ۲۰۲
- نای، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴
- نبی اکرم (ص)، ۴۰
- نخبگان، چهارده، ۲۷، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۷۸، ۲۶۵
- نخبگان سیاسی، ۲۷، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۸
- نروژ، ۱۷۷
- نژاد، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۴۶، ۹۱، ۹۲، ۱۱۵، ۱۸۰، ۲۰۳، ۲۷۱، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴ و ...
- نژاد مشترک، ۳۰
- نژادگرایی، نه، ۲۰۲
- نسل‌کشی، ۲۰۳، ۲۹۰
- نشست شمال - جنوب، ۲۲۹
- نظام جامع الاطراف، ۳۲
- ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷
- ملی‌گرایی، ۴۳، ۱۶۵، ۱۹۸، ۲۶۶
- ممیزی چشم‌انداز آینده، ۲۲۳
- منازعات قومی و نژادی، ۲۰۵
- مناطق آزاد تجاری، ۱۹۳، ۲۴۴
- منافع مشترکی، ۱۲۶
- منافع ملی، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۹
- ۱۶۶، ۲۶۸
- منزباخ، ۱۷۳، ۱۷۴
- منصوری، ۴۴، ۴۵، ۳۶۴
- منطقه‌گرایی، ۲۴۹
- منطقه‌ی ناگورنو قره‌باغ، ۱۹۷
- مهاجرت، ۱۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۱
- مهدی المانجرا، ۶، ۲۲۹
- موافقتنامه‌ی عمومی همکاری‌های اقتصادی، فنی و بازرگانی، ۱۹۲
- موالی، ۴۳
- مورگتا، ۱۵۴
- موریتانی، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۸۶، ۹۰، ۹۶، ۹۹، ۱۰۴، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۳۵۹، ۳۵۳، ۱۹۹
- موریس دوورژه، ۱۵۸
- موزامبیک، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۸۲، ۹۰، ۹۶، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۳۵۴
- موقعیت جغرافیایی، هشت، ۷۱، ۸۸، ۱۱۱
- ۱۲۲، ۱۲۳، ۲۳۷، ۲۵۳
- موقعیت ژئواستراتژیکی، هشت، ۷۱، ۱۰۵
- موقعیت ژئواکونومیکی، ۷۱
- موقعیت ژئوپلیتیکی، هشت، ۷۱، ۱۰۳

نظام جهانی، پانزده، ۱۳، ۱۴، ۱۲۶، ۱۴۷، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۶۹	۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۶، ۳۵۷
نظام جهانی سرمایه‌داری، ۱۴۷، ۲۴۰	نفت و گاز، ۷۱، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۴۸، ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۰۷، ۳۰۱
نظام جهانی شدن، ۲۴۳	نفوذ کلمه، ۶۸
نظام دولت - ملت، ۱۵۹	نقاط کانونی، ۲۲۲
نظام سرمایه‌داری، ۳۹	نقش‌آفرینان کلیدی، ۲۷۳
نظام سیاسی، هشت، ۲۳، ۳۷، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۹۴، ۲۸۱	نقش‌آفرینان کلیدی، ۲۴۰
نظام‌های ارزشی، ۲۲۹	نقشبندی، ۱۰۰
نظام‌های سیاسی، نه، ۵۷، ۶۰، ۱۶۱، ۲۰۳، ۲۶۴، ۲۰۴	نمادها، ۱۷۲، ۲۵۶
نظامی، هفده، ۷، ۱۳، ۲۲، ۲۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۶، ۱۴۷، ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۸۳، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۳۹، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۴، ۲۹۰، ۳۰۷، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۴۵	نماز جمعه، ۳۴
نظامیان آمریکا، ۲۱۲	نهاد فراگیر، ده، ۲۱۰
نظریه‌پردازان ارتباطات، ۱۷۳	نهادهای فراملی، ۱۸۰، ۲۰۹
نظریه‌پردازان همگرایی، ۱۷۳، ۲۹	نهادهای مرکزی، ۱۵۰، ۱۵۳
نظریه‌ی اتحادیه‌ی گمرکی، ۱۶۷	نهرالبارد، ۱۰۱
نظریه‌ی مزیت نسبی، ۲۴۴	نهضت پان اسلامیسیم، ۴۶
نظریه‌ی همگرایی، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۵	نهضت پان عربیسم، ۴۶
نظم نوین جهانی، ۱۴، ۱۹۳، ۲۵۴، ۲۶۹	نهضت رنسانس، ۱۳۱
نفت، ۷۱، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۸، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۷، ۲۴۷، ۲۴۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶	نوکارکردگرایی، نه، ۱۶۲
	نیبور، ۱۵۴
	نیجر، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۸۶، ۹۰، ۹۶، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱، ۳۵۵
	نیجریه، ۵۵، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۸۱، ۹۰، ۹۱، ۹۵، ۹۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۹۸، ۳۵۶
	نیروهای همگرا، ۲۶
	نیروهای واگرا، ۷
	نیروهای وحدت‌بخش، ۲۷
	نیم‌کره‌ی شمالی، ۱۱۶

- هارون الرشید، ۳۷
 هاس، ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۶۳
 هراکلید، ۱۵۳
 هرزه‌گوین، ۲۰۰
 هرمز، ۸۳، ۱۱۴، ۱۱۵
 هزاره، ۹۸، ۳۰۵
 هژمونیک، ۱۴، ۲۶۹
 هشتمین اجلاس سازمان کنفرانس
 کشورهای اسلامی، ۲۴۱
 هماهنگی، ۸، ۱۱، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۶۳، ۱۴۶،
 ۱۵۰، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۵،
 ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۵۲
 همبستگی، ۱۱، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴،
 ۳۵، ۳۹، ۴۸، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶،
 ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۸۰،
 ۱۸۱، ۱۸۳، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰،
 ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۳۸، ۲۶۵، ۲۶۷،
 ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۶۴
 همبستگی اقتصادی، ۳۰
 همکاری، ۸، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۴۷،
 ۴۸، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱،
 ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۸،
 ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱،
 ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸،
 ۲۳۲، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۹،
 ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۷۰،
 ۲۷۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶
 همکاری اقتصادی، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۴۲، ۲۴۴
 همکاری‌های تجاری، ۱۸۳
 همگرایی، هشت، نه، ده، یازده، پانزده،
 شانزده، ۷، ۱۱، ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۱۴۳،
 ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲،
 ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۲،
 ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸،
 ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹،
 ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵،
 ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸،
 ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶ و ...
 همگرایی اجتماعی، نه، ۱۶۷، ۱۶۸
 همگرایی اقتصادی، نه، ده، ۱۶۷، ۱۷۵،
 ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۵۰،
 ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۳۶۱
 همگرایی بین‌المللی، ۱۵۳
 همگرایی سیاسی، نه، ده، یازده، ۱۴۷،
 ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۵، ۲۶۳، ۲۶۴،
 ۲۶۵، ۲۶۷
 همگرایی منطقه‌ای، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۶
 هم‌گونگی، ۱۵۸
 هم‌نژاد، ۳۰
 همیاری، ۱۵۶
 هند، ۵۶، ۶۷، ۷۳، ۸۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۲،
 ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۳۱، ۱۸۳، ۳۰۸
 هندوئیسم، ۱۰۴، ۲۷۳
 هندوستان، ۴۸، ۸۳، ۹۱، ۱۱۱
 هندوکش، ۷۵، ۹۲
 هندوها، ۱۰۰
 هندی، ۳۸، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۳۰۷، ۳۱۴، ۳۱۶،
 ۳۲۰، ۳۲۴، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۴۰،
 ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۵۶
 هنر، ۲۵۷
 هویت تمدنی، ۲۴۸
 هویت دینی، ۱۷۴

هویت سیاسی، ۱۵۷	۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۴
هویت شهروندی، ۱۷۴	۳۱، ۳۳، ۳۴، ۴۱، ۱۴۸، ۱۴۹، ۲۱۷
هویت ملی، ۱۸۰، ۲۰۲	۲۴۶، ۲۴۷، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۷۰
هیرمند، ۸۰	۲۷۱، ۲۷۲، ۲۹۳، ۲۹۷، ۳۵۹، ۳۶۰
هیمالیا، ۷۵، ۸۰	۳۶۱، ۳۶۴
وابستگی، نه، ۲۷، ۴۳، ۵۵، ۱۱۵، ۱۵۱	وحدت امت اسلامی، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۳۱
۱۵۵، ۱۷۲، ۱۸۹، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸	۲۳۳، ۲۹۴، ۳۶۴
۲۴۹، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۹	وحدت ایدئولوژیکی، ۵۵
وابستگی ایدئولوژیکی، ۵۵	وحدت جهان اسلام، شش، هفت، شانزده،
وابستگی متقابل، ۲۷، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۷۲	۱، ۳، ۶، ۱۴، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۳۵، ۵۳، ۵۸
۲۴۹	۱۰۴، ۱۴۹، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷
واحه‌های بوریمی، ۲۰۱	۲۴۰، ۲۴۱، ۲۷۲، ۳۶۲
وادی حضرموت، ۷۷	وحدت سیاسی، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۳۷، ۳۸
وادی درا، ۷۷	۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۸۳، ۲۶۷
واقعیت‌های پنداری، ۲۲۵	وحدت علمی، ۱۱، ۱۴۹
واقعیت‌های در حال ظهور، ۲۲۵	وحدت فراملی، ۲۶
واقعیت‌های موجود، ۲۲۵	وحدت فکری، ۱۰، ۳۱، ۳۲
واگرایی، نه، ده، شانزده، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۸	وحدت کلمه، ۷
۱۷۵، ۱۷۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶	وحدت مذاهب سنی و شیعه، ۲۰۳
۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۶۵	وحدت مذهب، ۹، ۳۱
۳۵۹، ۲۶۹	وحدت مذهبی، ۹
وان، ۷۹	وحدت مسلمانان، ۱۴۸، ۱۸۰، ۲۰۲، ۲۰۳
واینر، ۱۶۷	وحدت مسلمین، ۳۴، ۴۶، ۲۷۱
وحدت، شش، هفت، هشت، یازده، پانزده،	وحدت مصلحتی عارضی، ۲۵، ۲۶
شانزده، هفده، ۱، ۳، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰	وحدت مطلق، ۲۴، ۲۶
۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰	وحدت معقول، ۲۵
۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹	وحدت منطقه‌ای، ۱۵۵
۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸	وحدت‌گرا، ۷، ۲۵۶
۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۶، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۵، ۵۸	وزیر امور خارجه‌ی انگلستان، ۴۸
۷۱، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۴۶ و ...	وضعیت همگرایی، ۱۵۱
وحدت اسلامی، هفت، یازده، شانزده، ۷	وظیفه‌گرایی، ۱۵۶

وفاق عمومی, ۲۱۸
وقف, ۲۴۸
ولایت, ۱۲
ونزوئلا, ۱۱۳, ۱۹۸
وهبه زحیلی, ۶۶
ویژگی‌های جمعیتی, هشت, ۱۱۵
ویژگی‌های مشابه, ۱۵۱
ویکی پدیا, ۶۹
یشل ایرماق, ۸۰
یعنی معرفت‌شناسی مکتبی, ۱۴
یکپارچگی, ۱۱, ۳۵, ۳۷, ۱۱۶, ۱۴۷, ۱۵۱,
۱۶۱, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۸۵, ۱۹۱, ۲۰۸,
۲۴۱
یمن, ۶۹, ۷۰, ۷۴, ۷۶, ۷۷, ۸۱, ۸۳, ۹۰,
۹۱, ۹۶, ۹۷, ۱۰۱, ۱۰۲, ۱۰۴, ۱۰۷,
۱۰۸, ۱۲۸, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۷, ۱۴۰,
۱۹۱, ۳۵۷, ۳۶۳
یهودیان, ۸, ۴۷, ۴۸, ۴۹, ۹۷, ۱۰۱
یوگسلاوی, ۱۱۶, ۱۲۳
یونان باستان, ۲۲۰
CO, ۲۳۶, ۲۳۸
CS, ۲۳۶, ۲۳۷
CT, ۲۳۶, ۲۳۸
CW, ۲۳۶, ۲۳۸
OIC, ۱۲۵, ۱۸۶, ۱۸۸, ۱۹۰, ۱۹۴, ۲۵۲,
۲۵۵, ۳۶۹
SWOT, ۲۳۶
UNCTAD, ۲۴۳
WTO, ۱۹۴